

## ۱. الزامات قرارگیری ایران جزو ده کشور برتر در هوش مصنوعی

۴ مرداد ۱۴۰۱

گزارش تفصیلی صدوپانزدهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی دین و فضای مجازی با موضوع، الزامات قرارگیری ایران جزو ده کشور برتر در هوش مصنوعی

دفتر مطالعات اسلامی مرکز ملی فضای مجازی، با توجه به فرمایش رهبر معظم انقلاب که در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی از هوش مصنوعی به‌عنوان یک مسئله مهم و آینده‌ساز نام بردند و با اشاره به تجربیات کشورهای مختلف دنیا در توسعه هوش مصنوعی تأکید کردند: این مسئله در اداره آینده دنیا نقش دارد و باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که ایران جزو ۱۰ کشور برتر هوش مصنوعی در دنیا قرار بگیرد؛ نشست علمی با موضوع «الزامات قرارگیری ایران جزو ده کشور برتر در هوش مصنوعی» با حضور دکتر روح‌الله رحمانی، از مدیران سابق شرکتهای میکروسافت و آمازون و حجت‌الاسلام محسن انبیاپی، عضو شورای فکری دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی مرکز ملی فضای مجازی برگزار شد.

الزامات قرارگیری ایران جزو ۱۰ کشور برتر در هوش مصنوعی

نشست «الزامات قرارگیری ایران جزو ۱۰ کشور برتر در هوش مصنوعی» مطرح شد:

ضرورت حل چهار چالش اساسی فضای مجازی / کپی‌برداری از آمریکا نمی‌تواند رشد دهنده باشد

برای برتری یافتن در حوزه هوش مصنوعی در دنیا باید دانست که با کپی از کارهای آمریکا نمی‌توان به رشد رسید چون تداوم وضعیت کنونی فضای مجازی باعث فروپاشی آمریکا و همچنین آن‌ها که رهرو آمریکا هستند می‌شود.

دکتر روح‌الله رحمانی از مدیران سابق شرکتهای میکروسافت و آمازون در صد و پانزدهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی دین و فضای مجازی که با موضوع «الزامات قرارگیری ایران جزو ۱۰ کشور برتر در هوش مصنوعی» چهارشنبه شب به صورت حضوری و برخط برگزار شد، اظهار کرد: روایتی است که اگر علم ۲۷ بخش باشد، تا پیش از ظهور حضرت ولیعصر(عج) بشر تنها به دو بخش آن دست یافته است و ۲۵ بخش آن پس از ظهور حضرت باز می‌شود.

وی ادامه داد: اگر ایران می‌خواهد جزو ۱۰ کشور برتر در زمینه هوش مصنوعی باشد باید چهار چالش اساسی فضای مجازی را شناخته و برای حل آن راهی بیابد.

کارشناس هوش مصنوعی اضافه کرد: نخستین چالش از چهار چالش مهم فضای مجازی این است که آنچه امروز به عنوان فضای مجازی وجود دارد تا ۱۰ سال دیگر هم نمی‌تواند ادامه داشته باشد چون باعث فروپاشی تمدن می‌شود.

رحمانی تصریح کرد: فیلتر کردن فضای مجازی بدترین راه حل است چون پاک کردن صورت مسئله به شمار می‌آید.

وی با بیان اینکه مبحث سرعت داده یا سرعت اطلاعات دومین چالش فضای مجازی است یعنی برخی محتوا با سرعت پایین‌تر و برخی محتوا با سرعت بیشتر پخش می‌شود افزود: اغلب مطالب مروج هیجان، خشونت، شهوت و ... با سرعتی ۹ برابر بیشتر از سرعت نشر مطالب مفید منتشر می‌شود.

کارشناس هوش مصنوعی مطرح کرد: سومین چالش فضای مجازی، خود محتواست.

رحمانی اذعان کرد: سخت‌افزارها چهارمین چالش فضای مجازی هستند چون سخت‌افزارهایی که به این منظور ساخته شده‌اند برای فرد است، یعنی فردگرایی در ذات آن نهادینه شده است و خانواده در آن هیچ مفهومی ندارد.

وی بیان کرد: برای برتری یافتن در حوزه هوش مصنوعی در دنیا باید دانست که با کپی و پیست از کارهای آمریکا نمی‌توان به رشد رسید؛ چون تداوم وضعیت کنونی فضای مجازی باعث فروپاشی آمریکا و همچنین آن‌ها که رهرو آمریکا هستند می‌شود.

کارشناس هوش مصنوعی عنوان کرد: در فضای مجازی چیزی به اسم حق تعریف نشده و چیزی مرتبط با آن نیز طراحی نشده است؛ بر عهده جمهوری اسلامی ایران است که چیزی را طراحی کند که حق و باطل را شفاف و آن‌ها را منفک از یکدیگر سازد.

رحمانی تشریح کرد: اصول ریاضیاتی که برنامه‌های مجازی آمریکایی در دل آن پخته شده است نمی‌تواند با زدن برچسب ایرانی-اسلامی تغییر داده شود بلکه باید از پایه روی هوش مصنوعی کار کرد و طراحی‌ها را اسلامی پیش برد.

## ۲. تحلیل فقهی حقوقی ازدواج فرزندخوانده با سرپرست در بستر مذاق شارع و روح حاکم بر قوانین

۱۴۰۱/۳/۲۵

به همت دانشکده زن و خانواده، در روز چهارشنبه مورخ ۲۵/۳/۱۴۰۱ کرسی علمی ترویجی با موضوع «تحلیل فقهی حقوقی ازدواج فرزندخوانده با سرپرست در بستر مذاق شارع و روح حاکم بر قوانین» در سالن شهید صدر دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر خوش صورت ریاست دانشکده در بیان تاریخچه ازدواج فرزندخوانده با سرپرست خانواده در فقه و قوانین جمهوری اسلامی ایران به تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست اشاره کردند که این ازدواج را به جز مواردی که دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان بهزیستی به مصلحت کودک می‌داند ممنوع اعلام کرده است. ایشان به سه دلیل شناور بودن مفهوم مصلحت، مخالفت ازدواج با اخلاق حسنه و نظم عمومی جامعه این تبصره را نقد کرده و با بررسی مجموعه‌ای از امارات مانند کراهت ازدواج مرد با قابله، چرایی محرمیت حاصل از رضاع و محرمیت ربیبه به شوهر مادر ورود حاکمیت به این حوزه را ضروری دانستند. ورود حاکمیت نیز نه صرفاً به عنوان حکم حکومتی بلکه به عنوان ولی کسی که ولی ندارد می‌تواند در زمان سپردن کودک به خانواده جدید شروطی را تعیین نماید که مصلحت کودک در نظر گرفته شود.

بررسی تطبیقی قانون ازدواج فرزند خوانده با سرپرست در کشورهای مختلف اسلامی و غیر آن بخش دیگر ارائه دکتر خوش صورت بود.

در ادامه آیت‌الله حبیبی تبار عضو هیئت علمی جامعه المصطفی با بیان حرمت اتفاقی تبنی در فقه ازدواج فرزندخوانده با سرپرست را به حکم اولی حرام دانستند و تنها ورود حاکمیت با عنوان حکم حکومتی را راه سامان‌دهی این مسئله عنوان کردند که در نظریه‌های مختلف فقهی نیز محدوده و شرایط ورود حاکمیت متفاوت است. همچنین ورود حاکمیت به عنوان ولی را نیز منتفی دانستند چراکه هنگام ازدواج ممکن است دختر نیاز به ولی نداشته باشد یا ازدواج پسر موضوع باشد که نیاز به اذن ولی ندارد. دکتر دهقانی نیا معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب طرح فرزندخواندگی ذیل تبنی را در فقه و حقوق درست ندانست و این دو موضوع را متباین از یکدیگر تلقی کردند. در ادامه ایشان با مروری بر ادله حرمت تبنی آن ادله را صرفاً ناظر به حلّیت ازدواج با همسر سابق فرزندخوانده دانستند نه اطلاق که از آن حلّیت ازدواج سرپرست با فرزندخوانده به دست آید. همچنان اطلاق ادله حلّیت ازدواج را منصرف از این مورد دانستند.

سرکار خانم دکتر خوش صورت در پاسخ به آیت‌الله حبیبی تبار مراد از ورود حاکمیت به عنوان ولی را نه در ازدواج و بلکه در هنگام اعطای سرپرستی کودک دانستند و همچنین در موافقت با دکتر دهقانی نیا موضوع تبنی را با موضوع فرزندخواندگی متباین دانستند. همچنین در نوبت دوم با تفصیل بیشتری ادله ناظر به فهم مذاق شارع را به بحث گذاشتند. در نوبت دوم بحثی علمی بین آیت‌الله حبیبی تبار و دکتر دهقان نیا طرح گردید درباره اطلاق و انصراف ادله مطلق حلّیت ازدواج و شمول آن نسبت به ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. اهمیت این بحث از این جهت است که اگر حکم اولی این موضوع حرمت باشد ادله لازم است قوت کافی برای اخراج این موضوع از حکم حرمت را داشته باشند ولی اگر حکم اولی این ازدواج حرمت نباشد ادله کافی است که حکمی را چه حرمت و چه حلّیت برای این موضوع ثابت نماید و بار خروج از حکمت حرمت اولیه بر دوش ادله نیست.

### ۳. امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

ارائه دهنده: محمد بهرامی‌استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقدان: دکتر سید محمد میرسندسی استاد یار دانشگاه امام حسین ع / دکتر قاسم درزی استاد یار پژوهشگاه مطالعات میان رشته ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی / دبیر علمی: آقای دکتر سید علی نقی ایازی استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ تا ۱۲مجرى: پژوهشکده اسلام تمدنی

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی پنجمین نشست "اولین همایش بین المللی مطالعات میان رشته ای قرآن و ششمین همایش ملی اعجاز قرآن کریم" امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم با ارائه محمد بهرامی استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و حضور ناقدان دکتر سید محمد میرسندسی استاد یار دانشگاه امام حسین ع و دکتر قاسم درزی استاد یار پژوهشگاه مطالعات میان رشته ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی و حضور دبیر علمی دکتر سید علی نقی ایازی استاد یار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ چهارشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزار گردید. به همت گروه پژوهشی قرآن و مطالعات اجتماعی و با مشارکت دانشگاه شهید بهشتی در قالب کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی مطرح شد:

#### امنیت اجتماعی از منظر قرآن

به گزارش روابط عمومی پژوهشکده اسلام تمدنی، کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی «امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم» در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۰ با ارائه محمد بهرامی استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نقد دکتر سیدمحمد میرسندسی استادیار دانشگاه امام حسین «ع»؛ دکتر قاسم درزی (استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی) و دبیر علمی اوپس استادی (کارشناس امور پژوهشی) برگزار شد.

#### تفاوت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در بحث امنیت

در این کرسی ترویجی، پس از توضیحات اوپس استادی دبیر علمی جلسه، محمد بهرامی عضو هیئت علمی گروه قرآن و مطالعات اجتماعی پژوهشکده اسلام تمدنی با اشاره به تفاوت نگاه کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه نسبت به امنیت و سطوح مختلف آن، یکی از مشکلات و معضلات عمده در کشورهای گروه دوم را نحوه مواجهه حکومت‌ها و گروه‌های اجتماعی با گروه‌های اجتماعی مخالف دانستند. براین اساس مسئله اصلی تحقیق ایشان این بوده است که نگاه اسلام نسبت به این گروه‌های اجتماعی چیست و آیا گروه‌های غالب در حکومت‌های اسلامی باید برای هویت گروه‌های مخالف و یا رودرو تهدید در نظر گرفته شوند و برای آنها محدودیت ایجاد نمایند یا خیر؟ ایشان سپس به ارائه توضیحاتی درباره روش پژوهش خود پرداخته و در نهایت بیان کردند که با اولویت قرار دادن نفی و اثبات امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم در این پژوهش، روش تحلیل محتوا را مبنای پژوهش خود قرار دادند تا پس از اثبات یا نفی امنیت اجتماعی در پژوهش‌های بعدی به اثبات نظریه امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم بپردازند. در ادامه محمد بهرامی به تعریف و تبیین امنیت اجتماعی از منظر جامعه‌شناسان غربی پرداخته و به دو گفتمان ایجابی و سلبی اشاره کردند.

#### ویژگی های امنیت

ایشان سپس به دو ویژگی امنیت اجتماعی را برشمردند: نخست و مهم‌ترین ویژگی هویت‌گرایی است که گروه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. ویژگی دوم هویت‌بانی است، یعنی در امنیت اجتماعی باید از هویت گروه‌های اجتماعی توسط حکومت محافظت و مراقبت شود.

در بخش دوم بحث، محمد بهرامی فرآیند پژوهش خود را برای حاضرین به شرح ذیل تبیین کردند: پس از گردآوری این اطلاعات و داده‌ها درباره امنیت اجتماعی، سراغ آیات قرآن رفتیم.

واژه امن و مشتقات آن ۸۷۹ بار در آیات قرآن به کار رفته است. نکته قابل تأمل نیز این است که ۵۲۱ بار مشتق امن در آیات مدنی به کار رفته و حدود ۳۵۸ مشتق امن در مکه نازل شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در آیات قرآن می‌توان گفت امنیت به معنای عدم خوف است و دارای این ویژگی‌ها می‌باشد: سکون، نفسانی بودن، عدم ضرر و شر، انتظار خیر، عدم خوف.

ایشان در بخش پایانی بحث خود به بیان مستندات و دلایل پذیرش امنیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی در قرآن پرداختند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نیکی با مخالفان، عدالت با مخالفان، پیامان با مخالفان، اهداف پیامبران و...

### **اهمیت توجه به زمینه های امنیت اجتماعی**

پس از پایان مباحث بهرامی، سیدمحسن میرسندسی به عنوان ناقد اول به بیان دیدگاه خود پرداختند. ایشان ابتدا نقدی کلی را نسبت به رویکردی رایج در تحقیقات مربوط به قرآن وارد کرده و گفتند: اینکه انتظار داشته باشد قرآن و مباحث قرآن را در جایگاه نظریات جامعه‌شناسی که مربوط به دوران مدرن هستند، قرار دهیم، اشتباهی اساسی است. ایشان سپس با اشاره به تاریخچه مختصر شکل‌گیری مفهوم امنیت اجتماعی اظهار داشتند که ما باید به عنوان محقق حتماً به زمینه و کانتکس امنیت اجتماعی و شکل‌گیری آن توجه داشته باشیم، در غیر این صورت عرضه این مفهوم مدرن برقرآن منجر به ایجاد نگاهی منفعلانه خواهد شد که باید از آن بپرهیزیم.

میرسندسی در بخش دوم نقد خود وارد حوزه محتوا شده و گفتند آقای بهرامی به عنوان محقق باید حتماً در طرح مسئله به این پرسش‌ها پاسخ می‌داد که رویکرد ایشان نسبت به قرآن چیست؟ مراجعه ایشان به قرآن الهام‌بخش است، نظریه‌پردازی است؟ مؤید است؟ با چه رویکردی امنیت اجتماعی را به قرآن عرضه کرده‌اند و چه انتظاری از قرآن دارند؟ ایشان در پایان بحث خود پیشنهاد کردند که بهتر بود آقای بهرامی به جای روش تحلیل محتوا از روش تاریخی سود می‌جست تا بهتر بتواند زمینه‌ها و کانتکس‌ها را مدنظر قرار دهد.

### **پرداختن به تمایز نگاه ادیان و مذاهب مهمترین چالش بحث امنیت است**

در ادامه بحث قاسم درزی به‌عنوان ناقد دوم مباحث خود را ارائه دادند. ایشان در ابتدا به ارائه توضیحاتی درباره بیانات دکتر میرسندسی درباره دلایل مراجعه به قرآن برای تبیین مفاهیم مدرن پرداختند. سپس ضمن طرح اجمالی نظریه دین و قدرت دکتر سروش، به نقد آن پرداخته و آن را بحث حاضر مربوط دانستند و اشاره کردند برخلاف سروش که بیشتر به جنبه‌های تهدید و ترس در آیات قرآن می‌پردازد، آقای بهرامی به درستی مدعی هستند جنبه‌های رحمانی و مبتنی بر امنیت و سلام در قرآن غلبه جدی دارند. ایشان سپس وارد بحث محتوایی شده و نکات خود را به شرح ذیل بیان کردند:

بهتر بود موضوع ایشان جزئی‌تر بوده و ناظر به یک مسئله می‌گشت. عنوان فعلی ایشان ناظر به موضوع است، نه مسئله. چالش اصلی بحث بهرامی پرداختن به تمایزی است که میان نگاه گروه‌های مختلف و ادیان و مذاهب مختلف وجود دارد. نکته دیگر این است که ایشان بحث جزیه را که بسیار چالشی جدی است، به خوبی مطرح کردند اما خیلی زود از آن گذشتند، بدون آنکه چالش، حل شود. این نادیده گرفتن تمایزها میان مدرنیته و سنت است که در بخش‌های مختلف متن ایشان وجود دارد.

نکته بعدی درباره استخراج مؤلفه‌هاست که به نظر می‌رسد روش‌مند نیست. مؤلفه‌هایی که ایشان درباره امنیت بیان می‌کنند اصلاً قسیم نیستند، بلکه طبق نظر مفسران استخراج شده‌اند! اگر بخواهید مؤلفه‌های

امنیت طبق نظر قرآن را استخراج نمایید، ابتدا باید تمام مفاهیم مرتبط را به شکل روش‌مند استخراج نمایید، و بعد اصلی‌ترین مؤلفه‌ها را برگزینید، اما شما به جای این کار سراغ تفاسیر و مفسران رفتند. ضمن اینکه مؤلفه‌های شما نظیر هم نیز نیستند، یکی سلبی و دیگری ایجابی است.

نکته آخر این است که حضرتعالی امنیت اجتماعی صرفاً درباره پیامبران در نظر گرفته‌اید و به درستی نیز بیان نموده‌اید که پیامبران هیچ‌گاه افراد را وادار نمی‌کردند، بلکه بیم‌دهنده بوده‌اند. اما شما خداوند را نادیده گرفته‌اید، آیا خداوند وادار نمی‌کرده است. به وضوح در قرآن مثال‌هایی از هلاکت اقوام مختلف مبتنی بر تهدید خداوند در قرآن وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود .

#### ۴. عرضه و نقد ایده علمی اسلام حمزه در چالش سه عنصر ناموری، انتفاع و عصبیت؛ تبیینی بر پایه تئوری حقیقت خواهی

ارائه دهنده: دکتر سیدعلیرضا واسعی دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ناقد: حجت الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی صادقی دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / دبیر علمی: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد غفوری استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

زمان: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ تا ۱۲مجرى: پژوهشکده اسلام تمدنی

کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی اسلام حمزه در چالش سه عنصر ناموری، انتفاع و عصبیت؛ تبیینی بر پایه تئوری حقیقت خواهی با ارائه دکتر سیدعلیرضا واسعی دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ناقد: حجت الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی صادقی دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دبیر علمی: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد غفوری استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ شنبه ۲۵ دی ۱۴۰۰ برگزار گردید.

به همت گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشکده اسلام تمدنی برگزار گردید؛

کرسی ترویجی اسلام حمزه در چالش سه عنصر ناموری، انتفاع و عصبیت؛ تبیینی بر پایه تئوری حقیقت خواهی

کرسی ترویجی اسلام حمزه در چالش سه عنصر ناموری، انتفاع و عصبیت؛ تبیینی بر پایه تئوری حقیقت خواهی با ارائه دکتر سیدعلیرضا واسعی، دانشیار پژوهشکده اسلام تمدنی، با ناقدی دکتر مصطفی صادقی، دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) و دبیری دکتر محمد غفوری، عضو هیأت علمی پژوهشکده اسلام تمدنی، با مساعدت و همکاری مرکز همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی و جامعه المصطفی العالمیه روز شنبه، تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۴۰۰ برگزار شد.

در این نشست ابتدا واسعی به طرح یافته های خویش پرداخت و گفت: اسلام آوری حمزه به عنوان یکی از شخصیت های مطرح مکه که موجب تحولی بنیادین در مسیر دعوت پیامبر (ص) و حرکت مسلمانی شد، نمی تواند بمانند افراد عادی جامعه مورد بررسی قرار گیرد، چون چنین افرادی علی القاعده باید تابع علل و عواملی بسیار قوی و کارا به تغییر عقاید خویش دست بزنند، از این رو جا دارد چرایی این گروه، به عنوان پرسش اصلی مورد مذاقه و پاسخ یابی قرار گیرد، با این فرضیه که سائق اصلی ایشان، عنصر حقیقت خواهی بود.

او برای تبیین علت اصلی اسلام آوری حمزه، در آغاز سه نظریه مطرح شده یا قابل طرح را که به عنوان سه چالش مطرح اند، مورد اشاره قرار داد و نظریه ناموری و اشتها خواهی، و نیز منفعت طلبی و سودجویی را غیر قابل دفاع دانست و حتی عصبیت و حمیت را که در میان عربان قبیله زیست عنصری موثر و کارآمد

بود، زیر سوال برد و گفت: نگاهی به شخصیت، جایگاه اجتماعی، تعاملی که با هم‌خون‌های خویش مثل ابولهب داشت و نیز پیشینه رفتاری‌اش گونه دیگری از تبیین را می‌طلبد، از این رو باید به نظریه دیگری پناه برد.

واسعی در ادامه به نظریه حقیقت‌خواهی روی کرد و به سه دلیل، گرایش حمزه به اسلام را زاده فطرت حقیقت‌خواهی او دانست؛ اول: ویژگی‌های اخلاقی و روحیه معنویت‌گرایانه اش که در تعامل اجتماعی، پای بندی به پاره‌ای از سنت‌های فرامینی و باقیمانده از دیانت ابراهیمی، مثل طواف و روزه و نیز توجه به مظلومان دیده می‌شود. دوم سخنانی که به هنگام ابراز اسلام خود بر زبان راند و به تأکید سخنان پیامبر را حق و خود را تابع ایشان معرفی کرد تا آنجا که دیگران را به مبارزه طلبید و حاضر شد هرگونه هزینه‌ای را پرداخت کند و سوم سخنانی که از رسول گرامی و امام‌علی(ع) در باره جایگاه اسلامی و این دنیایی و نیز آخرتی وی ابراز گردید.

وی در جمع بندی نه‌ای تأکید کرد: مجموعه این داده‌ها و شواهد، پژوهنده را به سوی تبیین اسلام حمزه بر پایه حقیقت‌خواهی، به مثابه عامل کانونی و محوری می‌کشاند، هرچند نقش عوامل دیگر را نمی‌کند، چنان‌که مقتضای پدیده‌های اجتماعی است.

دکتر غفوری پس از آن خلاصه‌ای از آنچه بیان شد را مورد بازخوانی قرار داد، سپس دکتر صادقی به بیان نظرات خویش پرداخت. وی مطالب خود را در دو بخش عنوان کرد؛ در ابتدا با ذکر این‌که با نظریه ارائه شده در کرسی و نیز آنچه در مقاله پشتیبان آمده، کاملاً موافق و هم‌سو است، در شمارش ویژگی‌های مثبت مدعا گفت: عنوان کرسی، روش پژوهش، چارچوب و ساختار بحث، شواهد و داده‌ها، یافته و نوع مواجهه با مدعا ستودنی و کاری نوآورانه است، از این رو جای تقدیر دارد. وی نگاه‌های این‌چنینی به مقوله‌های تاریخی را کاری ارزشمند دانست. بخش دیگر سخن ایشان که به تعبیر خودش، برای خالی نبودن عریضه عنوان شد، ناظر به جنبه‌های منفی بود، بر دو نکته انگشت نهاد: اول آن که برای اثبات چنین ادعایی باید به ادله بیشتر و قوی تری تمسک کرد، هر چند می‌دانیم که اطلاعات زیادی در این خصوص وجود ندارد و دیگر آن که در پاره‌ای از موارد، بایسته‌تر آن است که به منابع کهن و اصلی‌تر تکیه شود. وی در پایان، رهاورد کرسی و مقاله پشتیبان را ارزشمند و شایسته توجه دانست.

به دنبال مطالب شده، برخی از حاضران به بیان نظرات خود پرداختند و ضمن تقدیر از صاحب‌نظر محترم، اولاً دلایل بیان شده برای رد عصیبت را ناکافی دانسته و درخواست توضیح بیشتری داشتند، همچنین ادله ادعای حقیقت‌خواهی را ناکافی ذکر کردند، به ویژه آن‌که سخنی از امام سجاد(ع) در تأیید رویکرد عصیبت وجود دارد.

دکتر واسعی با بیان این‌که برای داوری در باره مدعای کرسی باید مقاله پشتیبان که تفصیل مطالب را در خود جای داده، به طور کامل دیده شود، گفت: عصیبت، به عنوان منطق معرفت یا روش ارزش‌گذاری به هیچ وجه درمتون دینی و اخلاقی قابل دفاع شمرده نشده، چون عملاً امکان گفتگو و تعامل حق‌طلبانه را به محاق می‌برد، بنا براین آن‌چه به عنوان روایت ذکر شده، باید مورد تأمل جدی قرار گیرد، چنان‌که امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث به صورت ملایم از کنار آن گذشته است. اما عدم کفایت ادله برای اثبات



مدعا، قابل بحث و گفتگو است. به نظر می‌رسد دلایل بیان شده بتواند فرضیه مورد نظر را تا حد بالایی اثبات کند، البته در نگاهی مثبت‌اندیشانه.

دکتر غفوری در پایان ضمن تشکر از همه حاضران- فیزیکی و مجازی- کرسی ارائه شده را علمی و ارزشمند ارزیابی کرد.

## ۵. «فرهنگ صلح در آیین دین مبین اسلام»

۱۴۰۱/۶/۳۰

با سخنرانی دکتر مهدی کریمی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر محمد منصورنژاد (عضو کمیته دین‌پژوهی انجمن مطالعات صلح)، ۳۰ شهریورماه ۴۰۱، برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر کریمی پس از تبریک روز جهانی صلح، به تبیین واژه اسلام پرداخت و گفت: نام اسلام از «سلام» (صلح) گرفته شده که در شمار نام‌های خداوند متعال است (سوره حشر/۲۳). اسلام، صلح و آرامش را یکی از اصول پایه‌ای خود در نظر گرفته و ریشه‌های آن را در دل مسلمانان استحکام بخشیده و آن را بخشی از وجود آنها قرار داده است.

وی افزود: در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مسئله‌ای اصیل و ریشه‌دار است. این رهیافت، پیوندی ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد. آموزه توحید، قرار داشتن همه هستی در گردونه تدبیر واحد و حکیمانه الهی، پیوند نسلی همه آدمیان به یک پدر و مادر و اشتراک خانوادگی همه انسان‌ها، حرکت جهان و انسان به سوی غایت واحد الهی، وجود فطرت یگانه خداجو و کمال‌خواه در همه انسان‌ها، استوارترین زیرساخت‌های نظری صلح و همبستگی جهانی است و این همه اموری است که دین مبین اسلام طلایه‌دار و پیشاهنگ آن است. وی در ادامه به آیاتی که چشم‌انداز کلی و راهبرد اساسی قرآن درباره صلح و همزیستی را نشان می‌داد، اشاره کرد:

« اَكَلَمَا اَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ اَطْفَاهااللّٰهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا وَ اللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ هرگاه آتش جنگ برافروزند خداوند آن را فرو می‌نشاند. آنان در زمین فساد می‌گسترند، اما خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد (سوره مائده/۶۴).

۲. قرآن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای ایمان آوردگان! همگی در صلح و آشتی درآیید؛ و از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (سوره بقره/۲۰۸).

۳. قرآن هرگونه نابرابری نژادی، قومی و ذاتی انسان‌ها را، که زمینه زیاده‌خواهی و تجاوزگری است، نفی کرده است و تنها ملاک برتری را درستکاری و پاسداشت فضیلت‌های اخلاقی و انسانی می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای آدمیان! ما شما را از یک مرد و زن آفریده و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این امور ملاک امتیاز نیست)، همانا گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پارساترین شماست، به‌درستی که خداوند دانا و آگاه است (سوره حجرات/۱۳).

۴. قرآن در جای دیگر به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که اگر دشمنان به صلح گرایند از صلح و آشتی استقبال کند: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خداوند توکل کن، که او شنوا و داناست (سوره انفال/۶۰).

دکتر کریمی در خاتمه سخنانش عنوان کرد: از آنچه گذشت به خوبی روشن می‌شود که نخست، در چشم‌انداز قرآن صلح یک «قاعده» است، و جنگ «استثنا»؛ دوم، لشکرکشی و نبرد در راه تحمیل عقیده و

اجبار در پذیرش دین در منطق قرآن مردود و بی‌اساس است. از دیگر اموری که در آشنایی با چشم‌انداز اسلامی پیرامون مسئله جنگ و صلح مفید و مؤثر است، آشنایی با خلق و خوی پیامبر (ص) و سیره رفتاری آن حضرت است. سماحت و گذشت، حسن خلق و معاشرت نیکو از بارزترین ویژگی‌های پیامبر برزگوار اسلام بوده است، که این ویژگی‌ها از شاخص‌های مهم فرهنگ صلح محسوب می‌شوند.

برخی تنها علم را بستر ساز صلح می‌بینند

در ادامه نشست دکتر منصورنژاد به ارائه سخنان خود پرداخت. وی در مقدمه مطالبش گفت: برخی تنها علم را بستر ساز صلح می‌بینند. مهمترین خاستگاه آکادمیک صلح آکادمیک در روزگار ما در منطقه «اسکاندیناوری» است، حال آنکه در همان موقعیت هم‌اکنون پارلمان سوئد را راست‌گرایان گرفتند و سوئد و فنلاند درخواست عضویت ناتو دادند که تا مرحله‌ای هم از سوی ۳۰ کشور ناتو پذیرفته شده است؛ کارهای آکادمیک «مؤسسه اقتصاد و صلح استرالیا» در ارائه مؤلفه‌های هشتگانه صلح مثبت و بیان ابعاد داخلی و خارجی صلح با معیارهای بیست‌وسه‌گانه کمی و کیفی خیلی مهم است. اما در روزگار ما نتیجه بهترین ایده‌های صلح هم در سطح جهانی در عمل با مشکل مواجه است.

وی افزود: برخی سکولاریسم را بستر ساز صلح می‌بینند. اما مگر کشورهای غربی که از قرن ۱۷ تاکنون به سکولاریسم رسیدند، به صلح هم رسیدند؟ جنگ اول جهانی و دوم نزدیک به ۱۰۰ میلیون کشته از غربیان به جای نهاد! جنگ امروزه اوکراین با این تلفات کار کشورهایی است که در گفتمان سکولاری اقدام می‌کنند. پس سکولاریسم هم تنها راه حل برای رسیدن به صلح نیست؛ کمترین نتیجه نکات بالا آن است که بشر راه‌های دیگری هم برای صلح می‌خواهد و از اینجا راه برای طرح ادله دینی باز می‌شود. به دلایل یاد شده هنوز هم می‌توان از ادیان و صلح گفت. فراموش نشود که ادیان برخلاف کارکردهای بد؛ امکان روایت‌های صلح‌آمیز هم دارند.

وی ادامه داد: در این گفت‌وگو تمرکز بحث در باب اسلام و صلح است. در اینجا نیز به اجمال می‌توان گفت که از اسلام (مثل بسیاری از ادیان) در سه سطح می‌توان سخن گفت: اسلام یک: نص و آموزه‌های اصلی

آیات جنگ و قتال و قطع اعضا و ... در قرآن وجود دارد، همان‌گونه که آیات رحمت و لطف فراوان‌تر است. مثلاً دکتر «محسن کدیور»، در مقاله چالش اسلام و قدرت: جلسه ۷ (۲۵ فروردین ۱۴۰۰) با محاسبه بسامدها، ابتدا واژه «غضب الهی» را برشماری کرد و سپس ملحقاتش را و نیز مفهوم «رحمت» و ملحقاتش را و نتیجه بدست آمده بدین قرار است:

مجموع ۹۸	ملحقات: مقت، سخط، لعنت، کراهت، لایحب و لایرضی	غضب الهی
مجموع ۹۴۷	ملحقات: محبت، رافت، مودت، لطف، قرب، رضایت، مغفرت، عفو و صفح	رحمت الهی (رحمان، رحیم و رحمت)

نص دیگر معتبر به ویژه در جهان اسلام و در میان شیعیان نهج البلاغه است. در نهج البلاغه برابر کلید واژه‌های ترجمه «محمد دشتی»، بسامد جنگ و خشونت بیش از صلح و به قرار زیر است:

جدول واژگانی صلح و ناصح در نهج البلاغه				
ردیف	مفاهیم و واژه های ناصح	تعداد کد	مفاهیم و واژه های صلح	تعداد کد
۱	جنگ	۱۸۹	صلح	۹
۲	جهاد	۴۰	اصلاح	۱۹
۳	ظلم	۲۰	حق و حقوق سیاسی	۳۹
۴	ستم، ستمکار، ستمگر، ستمگران	۳۸	عدل و عدالت ۳۴ بار که ۳۲ مورد	۳۲

کمترین دلیل تفاوت‌های بسامد نهج البلاغه و قرآن در زمینه جنگ صلح یکی بدان دلیل است که نهج البلاغه مشتمل بر همه نوشته‌ها و گفتار امیرالمؤمنین نیست و «سید رضی» فقط نکات بلیغ را در آن گردآوری کرده است. به‌عنوان شاهد، کلمات قصار نهج البلاغه ۴۸۰ مورد است و اما در «غرر الحکم» بالای ۱۰ هزار از کلمات امیر المؤمنین آمد. (بیش از ۲۲ برابر). دلیل دیگر آن است که عمده خطب و نامه‌های نهج البلاغه مربوط به زمان حکومت امیرالمؤمنین است و در حکومت ۵ ساله علی جنگ هییی بر او تحمیل شد و او نیز در شرایط جنگی و به اقتضای موقعیت، لاجرم از شرایط و مباحث مرتبط با جنگ بیشتر سخن گفت.

۲. اسلام دو: فهم دینی؛ که نگاه بزرگان دینی با تأکید بر مواضع فقها در اسلام به سه دسته زیر قابل تقلیل است:

اول: جدای از گفتمان عرفانی که مصلحانه و رحمت مدار است، فقهای وجود داشتند که برای صلح اصالت قایل بودند. مثلاً سید مرتضی از قدما و یا نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (کتاب جهاد در اسلام). از سنی‌ها، یوسف قرضاوی که در زمینه صلح کتاب فقه‌الجهادش (۲۰۰۹) در بالای ۱۶۴۰ صفحه بسیار منبع مهمی است. چون ادله رقبا را مفصل طرح و رد می‌کند.

دوم: فقهای که اصالت را در جنگ و جهاد می‌دیدند. یعنی به‌نظر آنها مسلمانان باید غیر مسلمانان را با جنگ به اسلام دعوت کنند. از امام شافعی در اهل سنت در کتاب «أم» تا شیخ طوسی و علامه طباطبایی در المیزان مثلاً (ذیل آیات ۶۶-۵۵) دیدگاه کسانی را نقل می‌کند (بدون اینکه نقد کند!) که آیات «و ان جنحو للسلم کافه فاجنح لها» (انفال/۶۱) را به وسیله آیاتی چون «قاتلو المشرکین حیث وجدتموهم» نسخ شده

می‌دانند. البته امروزه هم که در کنار مستشرقین برخی روشنفکران دینی نیز از خدای سلطان، قرآن خوفنامه و پیامبر اقتدارگرا گفتند.

سوم: فقهای که به مدیریت اقتضایی قایلند؛ اینان می‌گویند، در اسلام نه جنگ اصل است و نه صلح، بلکه به تناسب موقعیت تصمیم مقتضی گرفته می‌شود. این ایده را علامه «سیدمحمد حسین فضل الله» از علمای شیعی لبنان معتقد بود.

۳. اسلام سه: عمل دینی: در این سطح تحلیل به عملکرد مسلمانان در طول تاریخ و در زمان حاضر

پرداخته شده و میزان خشونت‌ها و دوستی‌ها توصیف و تحلیل می‌شود. کمترین سخنی که در اینجا می‌توان گفت آن است که دست کم در دهه‌های اخیر مناسبات مسلمانان با هم اصلاً وضعیت مطلوب و رضایت بخشی ندارد.

دکتر منصورنژاد بحث خود را این‌گونه جمع‌بندی کرد:

۱. در اسلام جنگ و صلح با هم آمدند؛ اما از نگاه این‌جانب در این دین، اصل بر صلح است و آموزه‌های مرتبط با جنگ و خشونت باید متناسب و در راستای آنها فهم و تفسیر شوند. (تا کنون در ۲ جلد کتاب این مدعا را مدلل نمودم).

۲. در زمینه فرهنگ صلح ادبیات موجود در جهان اسلام چه قدیم و چه جدید اصلاً رضایت‌بخش نیست. ۳. گرچه نصوص، سنت و سیره برای ارائه ایده‌های جدی در صلح ظرفیت دارند، اما ادبیات نظری موجود در حدی و به‌گونه‌ای نیست (هم‌کما محدودند و هم اجماعی نیستند) که بتوان مفهوم‌بندی دقیق از صلح در اسلام ارائه کرد و بر اساس آن به شاخص‌های صلح رسید و سپس برای فرهنگ‌سازی صلح اقدام داشت. با این وصف سخن از صلح در اسلام در شرایط کنونی بسیار ضروری و مهم است.

## ۶. علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله

۱۴۰۱/۶/۶

سخنرانی دکتر احمد پاکتچی در جمع شورای دبیران علمی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی:  
علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها؛  
منظر جهانی به مسئله

نخستین نشست علمی از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۶ شهریورماه ۱۴۰۱ برگزار شد که در این نشست دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سفیر ایران در سازمان یونسکو، در حضور اعضای شورای دبیران علمی به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر پاکتچی، سخنرانی خود را با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» ارائه کرد. چنانچه از عنوان آن پیداست، پرسش اصلی در جلسات ناظر به چیستی مسائل جهانی درباره علوم انسانی از یک سو و شناسایی راهکارهای پیش‌رو در گستره بین‌المللی است. دکتر پاکتچی در یادآوری مهمترین کلان‌مسائل علوم انسانی که در ابتدای سخنرانی اول خود ارائه داد، نخست به این نکته پرداخت که علوم انسانی در ایران به صورت بیشینه‌ای نیازمند به‌روزشدن دارد تا بتواند مقتضیات عصر حاضر را برآورده کند و از سوی دیگر نیز علوم انسانی باید بتواند تعاملی سازنده با علوم اسلامی داشته باشد. وی با اشاره به خطیر بودن برقراری پیوند میان علوم انسانی و علوم اسلامی با انتقاد از برخی فعالیت‌های کم‌مایه در این زمینه، آنها را به خاطر نادیده انگاشتن بنیادها و رویکردهای کلان حاکم بر علوم انسانی، مورد انتقاد قرار داد.

وی در ادامه به بنیادهای فلسفی جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی پرداخت. لیبرالیسم، اومانیسم، سکولاریسم، مارکسیسم، پراگماتیسم، رئالیسم، ایدئالیسم، اگزیستانسیالیسم، پدیدارشناسی، پرداخت که پسامدرنیسم از جمله بنیادهای فلسفی (ایسم‌های فلسفی) بود که بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همچنین ساختارگرایی، رفتارگرایی، برساخت‌گرایی اجتماعی، تئوری گشتالت، تاریخی‌گرایی و نظریه تکامل نیز از جمله جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی بود که توسط استاد مورد بحث قرار گرفت.

دکتر پاکتچی پس از تشریح بنیادهای فلسفی به این نکته پرداخت که علوم باید بنیاد فلسفی داشته باشند و علم بدون بنیاد فلسفی، ساختن بنا بر روی آب است. وی توضیح داد: آنچه قابل انتقاد است، تکیه کردن بر محصول، بدون توجه داشتن به بنیادهای فلسفی نظریه‌ها و دستاوردهاست. وی هم «آموزش و کاربست نظریه‌ها و دستاوردهای علوم انسانی بدون اعتنا به مبانی فلسفی آن» و هم «معرفی ناقص یا گزینشی از مبانی فلسفی در آموزش علوم انسانی» را مورد انتقاد قرار داد. این استاد دانشگاه در ادامه سخنرانی خود به نقد برخی از بنیادهای فلسفی همانند نگرش‌های مارکسیستی، تجربه‌گرایی و توسعه روش‌های تجربه‌گرا به حوزه علوم انسانی نیز پرداخت.

دکتر پاکتچی در بخش دوم سخنرانی خود، «غرب‌گرایی در علم» را مورد توجه قرار داد و ضمن یادآوری روندها و دوره‌های یونان- رُم، اروپای قرون وسطی، رنسانس، رفرماسیون و روشنگری، اکتفاکردن به این صورت‌بندی و بی‌توجهی به کانون‌های تمدن و علم بیرون از تمدن غربی همانند تمدن‌های چین، هند، روسیه، جهان عرب و ترکیه، ژاپن، آمریکای جنوبی را مورد انتقاد قرار داد و در ادامه به نقد «انگلیسی محوری» در علم به‌ویژه وضعیت علوم انسانی در ایران و کم‌توجهی به متون و دانش‌های تولید شده به زبان‌های اروپایی غیر انگلیسی به تفصیل پرداخت.

دکتر پاکتچی انگلیسی‌محوری در علم را به معنای مهجوریت آثار به دیگر زبان‌های شناخته‌شده مانند فرانسوی، آلمانی، روسی و ... در حوزه‌های علوم مختلفی مانند زبان‌شناسی، علم فرهنگ، نشانه‌شناسی، حوزه عدالت و ... دانست. فراتر از آن نیز با توسعه گفتمان انگلیسی‌محوری به مهجوریت آثار به دیگر زبان‌های نامشهور غربی در فضای علوم انسانی همچون زبان‌های ایتالیایی، دانمارکی، اسپانیولی، پرتغالی، چک و اسلواکی، لهستانی، مجارستانی و ... در علوم و حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، نظریه‌های هنر، علم و فناوری، اقتصاد سیاسی، قوم‌شناسی، فرهنگ، ترجمه بینان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، نظریه‌های ادبی و ... اشاره کرد. وی برای تک‌تک علوم و حوزه‌های علمی یادشده با ملاحظه تنوع زبانی اشاره شده به یادکرد برخی نمونه‌ها پرداخت.

به عنوان نمونه در حوزه زبان‌شناسی و تأثیر حاکمیت گفتمان انگلیسی‌محوری و مهجوریت دیگر آثار علمی نگاشته‌شده به زبان‌های غیرانگلیسی گفت: انگلیسی‌محوری موجب شد که محوریت «چامسکی» در زبان‌شناسی سال‌های اخیر بیشتر شود و زبان‌شناسانی امثال هومبولت، وایسگربر و تریر ناشناخته باقی بمانند. وی به عدم توجه به زبان‌شناسی اجتماعی نیکلای مار (Nikolai Marr)، عدم توجه به بندشناسی (جمله‌شناسی) روسی (Phraseology)، عدم توجه به تبار روسی نشانه‌شناسی (گوستاو اشپت و آندری بلی، اکتفا به سوسور و پیرس)، ناشناختگی آثار زبان‌شناسان چک باوجود اهمیت مکتب پراگ و در کل، مهجوریت آثار به زبان‌های نامشهور غربی اشاره کرد.

پاکتچی در جمع‌بندی سخنانش با اشاره به مغفول ماندن تولیدات دانشی ارزشمند و بی‌بدیل در زبان‌هایی چون روسی، اسپانیولی و پرتغالی، حوزه مربوط به اسکاندیناوی، حوزه اروپای شرقی، اروپای مرکزی و حتی زبان‌های مادری مثل آلمانی و فرانسوی در علوم انسانی ایران، آن را مایه نقصان آن دانست، چیزی که امکان تعامل و پیوند علمی واقعی میان سنت فکری ما و بسیاری از نظریات جهانی علوم انسانی را پیشاپیش سلب کرده است.

وی از سوی دیگر اکتفا کردن به زبان انگلیسی نزد محققان علوم انسانی در ایران و فقدان آگاهی از دیگر زبان‌های علمی را یکی از نقیصه‌های مهم وضعیت ما در علوم انسانی دانست، به‌نحوی که دسترسی ما به منابع علمی جهانی را غالباً از دریچه متون و کتب انگلیسی زبان قرار داده و تأکید مقام معظم رهبری بر توسعه و تکثر آموزش زبانی را در این زمینه بسیار مهم قلمداد کرد. دکتر پاکتچی ارائه‌اش را با این نکته که انگلیسی‌محوری در علم موجب شده، جهان علم شاهد شرایط بسیار نامساعد درباره آثار دانشمندان غیر غربی باشد، به پایان برد.

بخش دوم سخنرانی دکتر پاکتچی با عنوان «بایسته های استقلال و تعاملات زبانی در حوزه تولید علم»  
ما به انگلیسی فکر می‌کنیم و فارسی می‌نویسیم

دومین جلسه از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳ شهریورماه در پژوهشگاه برگزار شد. دکتر پاکتچی در این نشست به ارائه بخش دوم مطالب خود با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» پرداخت و سه‌گانه: فرهنگ، تاریخ و زبان را به عنوان مثلث اساسی‌ای که پروژه شخصی‌اش در الهیات و زبان‌شناسی را راهبری می‌کنند، مورد توجه قرار داد و با بیان اینکه ما در فلسفه متوجه زبان‌مندی و تاریخ‌مندی تفکر هستیم و آن را به عنوان امری پذیرفته شده مورد توجه قرار می‌دهیم، اما عملاً در حوزه علوم انسانی، اندیشه‌ها و نظریات را فارغ از توجه به زبانی که در آن بالیده‌اند و تاریخی که در آن به‌بار آمده‌اند، بررسی می‌کنیم.

وی با بیان نمونه‌هایی از متفکرانی که به دو زبان قلم زده‌اند همچون رنه دکارت، گئورگ لوکاج، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ... تفاوت‌های اندیشه ایشان در دو زبان مختلف را یادآوری کرده و آن را به دلیل ظرفیت‌های زبانی و فرهنگی ملل مختلف برشمرد.

پاکتچی در ادامه با اشاره به وضعیت زبانی علوم انسانی در ایران، یکی از عوامل مهم فقر نظریه‌پردازی اصیل در علوم انسانی ایران را انگلیسی‌فکر کردن محققان علوم انسانی برشمرد و با تأکید بر لزوم توجه به غناء بخشیدن به زبان فارسی در حوزه تولید دانش اظهار داشت: ما به انگلیسی فکر می‌کنیم و فارسی می‌نویسیم و تا وقتی که این‌گونه تفکر می‌کنیم، تحت هژمونی و سلطه فکری باقی می‌مانیم. دکتر پاکتچی در توضیح بیشتر این مسئله گفت: تفکر ما در زبان فارسی، انگلیسی‌محور شده است؛ به گونه‌ای که وقتی در فضای آکادمیک به «جامعه» و «اجتماع» می‌اندیشیم به صورت ناخودآگاه معادل انگلیسی آن society و community در ذهن ما متبادر می‌شود، این در حالی است که در زبان آلمانی، ابداع اجتماع و جامعه به گماین‌شافت و گزل‌شافت (Gemeinschaft) و (Gesellschaft) را داریم که توسط متفکران علوم اجتماعی و انسانی در زبان‌های غیرآلمانی نیز مورد درک و پذیرش قرار گرفته است.

وی با ذکر مصادیق غرب‌محوری و انگلیسی‌محوری در زبان و فرهنگ کشورهای مختلف و از جمله ایران، عنوان کرد: غرب‌محوری، مسئله چندین دهه‌ای ما است و انگلیسی‌محوری هم دو دهه است که به سطح مسئله برای ما رسیده است. وی از انگلیسی‌محوری به عنوان یک چالش جهانی نام برد و گفت: چالش‌های جهانی علوم انسانی می‌تواند پاسخ‌های مناسب‌تری را برای ما فراهم کند.

دکتر پاکتچی در پاسخ به سؤال دکتر بلیغ، دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون که چرا ساده‌سازی و سلب تاریخ، زبان و فرهنگ از مفاهیم در جهان آنگلو-آمریکن قدرت تولید می‌کند؟ گفت: زبان انگلیسی هم‌اکنون واسط زبانی میان فرهنگ‌های مختلف شده است و این ساده‌سازی ضرورت انتقال به دیگر فرهنگ‌ها است و هرگاه اندیشه‌ای به زبان دیگر ترجمه می‌شود، ناگزیر بخشی از ایده اصلی آن از قلم



می‌افتد و به عبارتی انتقال کامل اندیشه در ترجمه به زبان انگلیسی صورت نمی‌گیرد و معنای متن دچار ریزش می‌شود.

دکتر پاکتچی با ذکر نمونه‌هایی به ضعف ترجمه انگلیسی کتب تراز اول حوزه علوم انسانی اشاره کرد و گفت: برای نمونه کتاب «ویکوتسکی» با عنوان «زبان و تفکر» که با همین نام به انگلیسی ترجمه شده و اغلب به همین منبع انگلیسی نیز استناد می‌شود، نسبت به متن اصلی دچار ایرادات جدی است. ترجمه انگلیسی این اثر ویکوتسکی بسیار به ایده و اندیشه مؤلف ضربه زده است و اگر به منبع اصلی مراجعه شود، مشاهده می‌کنیم که حتی در عنوان کتاب نیز این ایراد به وضوح به چشم می‌خورد و این نکته را تأیید می‌کند که چطور این گونه ترجمه‌ها، مفاهیم را از هم گسسته می‌کند. این نشست علمی با پرسش و پاسخ اعضای حاضر در جلسه به خاتمه یافت.

## ۷. امام علی(ع) و تقدیر آینده جهان در شب قدر

۱۴۰۱/۲/۴

نشست «امام علی(ع) و تقدیر آینده جهان در شب قدر» با سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا بهروزی لک، عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، یکشنبه چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ مصادف با شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و به مناسبت شب‌های قدر به همت مرکز تحقیقات امام علی(ع) و بسیج اساتید پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر بهروزی لک گفت: با توجه به احادیث متعدد، به‌ویژه حدیثی که از دحیه کلبی از رسول خداوند(ص) روایت شده، این موضوع که به احتمال قوی، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان شب قدر باشد، بسیار است.

### تقدیر آینده جهان در شب قدر و فرمایشات حضرت علی(ع)

عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) متذکر شد: از آنجا که در آیات قرآن از جمله در سوره‌های قدر و دخان اشاره شده است که در شب قدر تقدیر یک سال انسان‌ها رگم می‌خورد، باید ببینیم چه جایگاهی برای این آینده‌نگری در این شب وجود دارد و فرمایشات حضرت علی(ع) در این زمینه را چگونه می‌توانیم تبیین کنیم و استفاده کنیم و بیاموزیم و در زندگی بهره ببریم؟ در این زمینه می‌توان با توجه به تفسیر آیه ۱۸ سوره حشر:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند پروا کنید و هر کس به آن چه برای فردای (قیامت) خود فرستاده است، بنگرد. باز هم از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، به خوبی آگاه است.

به این نکات دست یافت:

- تأکید و فرمان به تقوا و تأکید بر آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی
- آگاه بودن خداوند به هرآنچه که انجام می‌دهیم و اینکه عالم محضر خداوند است.
- نگاه ما نباید نگاه از روی هوا و هوس باشد. هرکس که نگاه آینده‌نگر نداشته باشد، دچار حیرت می‌شود و حوادث و تحولات آنچنان او را در برمی‌گیرد که فرصت اندیشیدن پیدا نمی‌کند.

### نظارت اولیاء... و معصومین(ع) بر اعمال انسان‌ها

دکتر بهروزی لک با اشاره به آیات ۴ و ۵ سوره قدر (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ «۴» سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ «۵» ) گفت: شب قدر شبی است که اعمال یکساله انسان‌ها رگم می‌خورد و به ولی الهی تحویل داده می‌شود و این آیات این نکته و ویژگی را بیان می‌دارند که فرشتگان الهی در این شب رحمت، امورات را به جهان هستی عرضه می‌دارند و بر ساکنان روی زمین این را نازل می‌کنند و تحویل ولی خدا بر روی زمین می‌دهند. این یعنی اینکه ولی خدا بر روی زمین در تمام شبانه روز ناظر بر تمام اعمال ما است. نه تنها ائمه معصومین(ع) بر اعمال انسان‌ها نظارت دارند بلکه خداوند بزرگ برای برخی از مومنان نیز این موهبت را قائل شده‌اند مانند حضرت آیت ا... بهجت که این حجاب به اذن خداوند از چشمان ایشان برداشته شده بود.

## آینده محتوم و آینده محتمل

وی بر این اساس تأکید کرد که شب قدر، شب تقدیر آینده نزدیک یک ساله اعمال انسان‌هاست؛ و این یعنی در یک سال مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ... ما انسان‌ها اعم از کل یک اجتماع و یک کشور و یک جهان مقدر می‌گردد. اگر فکر کنیم که شب قدر شب تقدیر فردی است این نقص نگاه ما است چون انسان‌ها در تعامل با یکدیگر هستند و شبکه‌ای را که جهان است، به وجود می‌آورند.

دکتر بهروزی لک متذکر شد: یک بعد دیگر تقدیر آینده جهان در کنار آینده کوتاه مدت و میان مدت (که در بالا از آن صحبت شد)، بحث از آینده بلندمدت آن است. در بحث آینده بلند مدت در آینده‌پژوهی از انواع مختلف آینده سخن گفته می‌شود: از جمله آینده ممکن، محتمل، مرکب و **آینده محتوم** که موضوع بحث ما آینده محتوم است. البته باید توجه داشت که در آینده‌پژوهی نمی‌توان در مورد آینده محتوم به طور قطعی صحبت کرد زیرا قدرت بحث و گفتگو در این مورد به دلیل نگاه علمی‌ای که در آینده‌پژوهی هست، فراهم نیست زیرا علم نمی‌تواند از قطعیت سخن بگوید. به همین دلیل از مبانی فلسفی آینده‌پژوهی با رویکرد اسلامی استفاده می‌کنیم. در آینده‌پژوهی سکولار، که به مبانی فلسفی و الهی توجه نمی‌شود، یقیناً نمی‌توان از آینده محتوم سخن گفت. اما در جایی که از مبانی فلسفی و الهی در خصوص اراده حتمی خداوند متعال برای آینده جهان سخن گفته شود، اگر حتی نتوانیم آینده محتوم را بشناسیم، حداقل می‌توان از پیش‌فرض‌هایی برای مطالعه آینده محتمل و غیر قطعی پیش رو استفاده کرد و بر این اساس دریچه‌ای برای آینده‌پژوهی اسلامی از باب تلقی‌های ما از آینده باز می‌گردد.

وی با برشمردن چهار رکن اصلی آینده‌پژوهی، شامل: روندهای آینده؛ اقدامات آینده؛ تصورات ما از آینده؛ و حوادث در آینده، گفت: می‌توان نتیجه گرفت که آینده محتومی هم در شب قدر رگم می‌خورد که در آیه ۵ سوره قصص در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

ما می‌خواستیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آن‌ها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم.

عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) با اشاره به تفسیر حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه از آیه شریفه فوق، گفت: مقصود از این گروه از نظر امام علی (ع)، آل محمد (ص) هستند و خداوند حضرت مهدی (عج) را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آن‌ها عزت می‌دهد و دشمنان‌شان را دلیل و خوار می‌کند.

وی در ادامه متذکر شد: شب قدری که به آینده محتوم جهان مربوط می‌شود عبارت است از بروز و آشکار شدن یکی از نشانه‌های حتمی آینده جهان، جامعه موعود، جامعه مهدوی. اگر شب قدر شب تقدیر اعمال است، بالاترین تقدیر سرنوشت فردی و اجتماعی انسانها، تحقق جامعه موعود است.

دکتر بهروزی لک آیاتی از قرآن کریم از جمله آیات ۴۱ و ۴۲ سوره ق<sup>[۱]</sup>، و نیز روایتی از امام محمدباقر (ع) در کتاب غیبت نعمانی<sup>[۲]</sup> و روایات دیگری را که در آنها از یک ندای آسمانی در یک شب بزرگ سخن گفته شده و سیاق برخی از آیات نیز از نزدیکی این اتفاق در شب قدر سخن گفته شده است، دلالت بر این دانست که ظهور حضرت قائم (عج) در شب قدر رگم می‌خورد و تأکید کرد: اگر فرض بر این باشد که این اتفاق در این شب رخ دهد و بر اساس این نگاه، چارچوب تمدن‌ساز آینده سیاسی اجتماعی در افق و منظر جهانی شکل می‌گیرد و اگر در شب قدر آینده محتوم در سطح جهانی رگم می‌خورد و سرنوشت عالم و وعده تخلف‌ناپذیر الهی برای تحقق جامعه موعود رگم می‌خورد، پس ما هم باید از آن استفاده کنیم.

## خواسته‌ها و وظایف آدمی در شب قدر

عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) با طرح این پرسش که در شب قدر چه بخواهیم، گفت: در روایات طلب عاقبت و عافیت در دنیا و آخرت (عافیت الدنیا و الاخره) سفارش شده است و از آنجا که در شب قدر، تقدیر انسانها و امت و جوامع شکل می‌گیرد، طبعا باید در آن شب آگاهانه، عالمانه و با بیداری دل به سمت آن برویم و این نکته بسیار حائز اهمیت است.

وی در پاسخ به این سوال که اگر در شب قدر آینده جهان رگم خورد، وظیفه ما چیست نیز گفت: چند دلالت برجسته عبارت است از:

۱- توجه به حضور در محضر امام زمان (عج): باید به این نکته توجه کنیم که امام زمان (عج) ناظر به تمام اعمال ما هستند. با توجه به اینکه شاهد ظهور امام بودن از آرزوهای قلبی همه ما هست، باید به این نکته توجه کرد که مشهود امام بودن از آن مهمتر است یعنی اینکه امام زمان (عج) از مشاهدات اعمال ما راضی و خشنود باشند.

۲- دلالت دیگر که در دعای عهد<sup>[۳]</sup> نیز آمده است این است که اگر بخواهیم مردم و جامعه را به سمت امام زمان (عج) سوق دهیم، باید تلاش کنیم که آن تمدنی را که پیشتر به آن اشاره شد، ایجاد کنیم و در شب قدر نگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و افق تمدنی را لحاظ کنیم و دغدغه نگاه اصلاحی به جامعه داشته باشیم.

### نواقص اجرای فرهنگ مهدویت

دکتر بهروزی لک با اشاره به نواقصی همچون رجوع در مشکلات به ائمه و فراموشی پس از رفع مشکل، متذکر شد: گاهی فرهنگ مهدویت ناقص اجرا می‌شود یعنی به فرهنگ مهدویت، نگاه فرهنگ امدادسانی می‌شود و برخی فقط مواقعی که مشکلی دارند به ائمه مراجعه می‌کنند و بعد از رفع آن مشکل، دیگر فراموش می‌کنند. هرچند که استغاثه ارزشمند است ولی این نوع نگاه به منبع فیض و نجات، ناقص است. گاهی فرهنگ مهدویت نگاه فرج، پیروزی، امکانات و نجات است. البته این نگاه بد نیست ولی ناقص است. در فرهنگ مهدویت باید به مقامی برسیم که بتوانیم آینده جهان را رگم بزینم و آمادگی رسیدگی به امور را داشته باشیم.

وی در پایان سخنان خود یادآور شد شب قدر، باید شب آینده نگری فردی و اجتماعی و سیاسی باشد، چراکه تقدیر اعمال، هم فردی و هم اجتماعی و هم سیاسی، و بالاتر از آن تقدیر تمدنی ما که اوج آن ندای آسمانی برای تحول بزرگ و ایجاد تمدن مهدوی و تحقق آن است، در این شب رقم می‌خورد. اگرچه این نگاه متأسفانه هنوز به طور کامل وجود ندارد و نگاه تقلید گرایانه و توجه بیشتر به بعد فردی مطرح است اما باید سطح دعاها و خواسته هایمان را بالاتر ببریم و از خداوند متعال تحول هستی عالم را طلب کنیم.

---

[۱]. وَ اسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱) (و گوش به (زنگ) روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می‌دهد).

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْحُزُوجِ (۴۲) (روزی که آن صیحه حقیقی را (از صور اسرافیل) بشنوند، آن روز، روز خروج (مردم از قبرها) است.)

[۲]. يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِأَسْمِ الْقَائِمِ ع فَيَسْمَعُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ مِنَ الْمَغْرِبِ. (نداکننده‌ای از آسمان به نام حضرت قائم ندا سر می‌دهد و هر که در مشرق و مغرب است می‌شنود.)

[۳]. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِوَ الدَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ [وَالْمُمْتَنِّينَ لِأَوْامِرِهِ] وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَيَّ إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ». (خدایا مرا، از یاران و مددکاران و دفاع کنندگان از او قرار ده، و از شتابندگان به سویش، در برآوردن خواسته هایش، و اطاعت کنندگان اوامرش، و مدافعان حضرتش، و پیش گیرندگان به جانب خواسته اش، و کشته شدگان در پیشگاهش).

## ۸. «برادری انسانی» به مثابه یک عیار تمدنی

نشست «برادری انسانی» به مثابه یک عیار تمدنی» با سخنرانی دکتر حبیب‌الله بابایی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، جمعه دوم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ مصادف با شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان و شهادت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و به مناسبت شب‌های قدر به همت مرکز تحقیقات امام علی(ع) و بسیج اساتید پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر حبیب‌الله... بابایی گفت: موضوع «اخوت انسانی» از چند جهت حائز اهمیت است و می‌توان آن را مورد تأمل قرار داد: ۱. اخوت انسانی و اخلاق جهانی، ۲. اخوت انسانی و نظم اجتماعی، ۳. اخوت انسانی و ارتباط فرهنگی با ملل و فرهنگ‌های دیگر، و ۴. اخوت انسانی به مثابه یک شاخص تمدنی و ضرورت توجه به اخلاق برادرانه و همینطور نظم برآمده از اخوت و برادری در صورتبندی کلان نظام مناسبات انسانی در سطح امت اسلام. وی در ادامه به بیانی از اشعار سعدی اشاره کرد که در آن به بحث «اخوت انسانی» توجه شده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش ز یک گوهرند

دکتر بابایی متذکر شد این نگاه از سوی استاد شهید مرتضی مطهری قابل پذیرش نبوده و مورد نقد قرار گرفته است. از نظر استاد مطهری هرچند مضامین شعر سعدی بسیار عالی است، اما براساس آنچه در روایات نبوی آمده است، این مؤمنین هستند که شبیه یک پیکر بوده و از روح واحد ایمانی برخوردارند. می‌توان گفت استاد مطهری بر اخوت ایمانی و اخوت اسلامی تأکید دارند و این اخوت و برادری را در میان امت اسلام کارساز و ضروری می‌دانند.

وی در بخش دیگری از سخنرانی خود با اشاره به دیدگاه آیت الله جوادی آملی در کتاب «وحدت جوامع در نهج البلاغه» و همین‌طور در کتاب «تفسیر تسنیم»، در این باره گفت: ایشان در بحث از «اخوت انسانی»، برای آن دو نوع استدلال ارائه می‌کند: دلیل روایی و دلیل فلسفی. آیت الله جوادی آملی در تشریح دلیل روایی با اشاره به روایت «الانسان اخ الانسان احب او کره» (انسان برادر انسان است چه دوست داشته باشد چه دوست نداشته باشد)، می‌گوید اگر این حدیث، سند روایی داشته باشد از مصادیق و تعبیر زنده و جهان شمول حقوق بین‌الملل اسلامی است. آیت... جوادی آملی در تبیین فلسفی از «اخوت انسانی» به موضوع فطرت مشترک بشری به مثابه بنیانی مشترک میان انسان‌ها توجه می‌کند که براساس آن می‌توان به صورتبندی اخوت انسانی پرداخت.

دکتر بابایی در پایان سخنان خود، با جمع‌بندی و ذکر انواع «اخوت انسانی»، «اخوت دینی»، «اخوت اسلامی»، و «اخوت ایمانی» به رابطه اخوت انسانی با اخوت دینی - اسلامی - و ایمانی پرداخت و بر این نکته تأکید کرد که اخوت انسانی قبل از ورود به مرحله ایمان، اگرچه اخوت انسانی است ولی بسیط و ابتدایی است، در حالیکه اخوت ایمانی در فرایند ایمان، اخوت انسانی است ولی پیشرفته و مترقی. اساساً ایمان و ارتباط عمیق با خدا، منجر به رشد و توسعه انسانیت در درون آدمی و در نسبت با انسان‌های دیگر شده (لیثیروا لهم دفائن العقول) و بر این اساس بر این دیدگاه تأکید می‌شود که ایمان بدون انسانیت درحقیقت نمی‌تواند ماهیت ایمان راستین را داشته باشد.

## ۹. تفسیر اجتماعی قرآن در جهان اسلام: ظرفیت ها، چالش

به اهتمام انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی و مرکز پژوهشی مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی «همایش بین‌المللی تفسیر اجتماعی قرآن در جهان اسلام: ظرفیت ها، چالش‌ها» در ساعت ۹ صبح روز ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و پخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران بصورت حضوری و مجازی آغاز شد. در ابتدا دکتر مریم جزائری مجری محترم برنامه با عرض خوشامدگویی به حضار، از دکتر محسن قاسم‌پور ریاست محترم انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی دعوت به سخنرانی نمود.

دکتر قاسم‌پور نیز ضمن خوشامدگویی، از ضرورت برگزاری این همایش به دنبال برگزاری موفق همایش ملی جریان‌شناسی تدبر در قرآن کریم در تیرماه ۱۴۰۰ سخن گفت و توجه به رویکردهای اجتماعی قرآن کریم در حوزه‌ی زندگی مسلمین را دلیل انتخاب زمان برگزاری این نشست در پایان سال و هم‌زمانی تقریبی آن با سالگرد انقلاب اسلامی بیان نمود. وی گفت: همایش بین‌المللی تفسیر اجتماعی قرآن کریم در جهان اسلام با هدف تبیین کارکردهای مختلف این گرایش تفسیری و تاثیر آن در تحولات سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان اسلام برگزار می‌گردد. پس از اعلام فراخوان این همایش، تعداد قابل توجهی مقاله کامل و چکیده به دبیرخانه همایش ارسال شده که برخی از آنها پذیرفته شدند.



در ادامه دکتر فروغ پارسا ریاست محترم مرکز پژوهشی مطالعات قرآنی و دبیر علمی همایش سخنان خود را آغاز کرد و گفت: برگزاری همایش تفسیر اجتماعی در جهان اسلام در شمار برنامه های راهبردی انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی بوده که تبیین ابعاد و ویژگی گرایش‌های مختلف تفسیری را وجهه همت خود قرار داده است. بحمدلله این مهم با حمایت معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی محقق شد و دانشگاه ها و مراکز پژوهشی مختلف و از همه مهمتر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همایش همکاری داشتند. همچنین دکتر قاسم درزی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، دبیری اجرایی این همایش را بعهده داشتند که با همکاری سرکارخانم زهرا نبئی و آقای دکتر سید مجید نبوی، بحمدلله با موفقیت امور اجرایی مختلف را سامان دادند. دبیرخانه همایش از حدود ۵ ماه پیش یعنی مهرماه کار خود را آغاز کرد و در همین مدت کوتاه پس از اعلام فراخوان این همایش بیش از ۱۲۰ مقاله کامل و چکیده به دبیرخانه همایش ارسال شد که برخی از آنها پذیرفته شدند. مجموعه چکیده های پذیرفته شده و نیز مجموعه مقالات انشالله در آینده نزدیک منتشر خواهد شد. از خلال مقالات دریافتی چند محور برای برگزاری همایش انتخاب شد و انشالله در روزهای همایش یعنی ۱۸ و ۱۹ اسفند مطابق ۹ و ۱۰ مارس ۲۰۲۲ برنامه همایش با حضور بیش از ۳۰ نفر از استادان دانشگاه های مختلف جهان اسلام در قالب ۶ نشست با عناوین ذیل بر گزار می گردد .

• تفسیر اجتماعی قرآن کریم: مبانی، اهداف، کارکردها

• تفاسیر اجتماعی قرآن کریم : جریان های اصلاح دینی در جهان اسلام

• تفاسیر اجتماعی قرآن کریم : دانش ها و روش های نوین

• تفاسیر اجتماعی قرآن کریم : مسائل و شبهات عصری

• نقش تفسیر اجتماعی قرآن کریم در پیدایی انقلاب اسلامی ایران

• تفسیر اجتماعی قرآن کریم : مسایل زنان

امید است برگزاری این همایش و مقالات و سخنرانی های ارائه شده در توسعه فهم عمومی از آموزه های قرآنی و نیز ارتقای دانش و بینش قرآنی جامعه دانشگاهی تأثیرگذار باشد. سپس دکتر پارسا سخنرانی خود را ادامه دادند: گرایش یا رویکرد تفسیر اجتماعی به حق مهم ترین تحول در تاریخ تفسیر قرآن کریم است و در طی ۱۵ سده که از نزول قرآن می گذرد هرگز تفسیر با چنین تحولی مواجه نبوده است. در واقع پیش از این تفسیر قرآن به مثابه یک امر دانشی و یا گونه ای عبادت تلقی می گردیده است. لیکن در آستانه سده ۱۴ هجری نظریه بدیعی درباره تفسیر قرآن مطرح می شود که به ضرورت تفسیر و فهم قرآن برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی مردم اصرار دارد . این نظریه بر آن است که قرآن به مثابه کتاب مقدس مسلمانان که تمدن عظیم اسلامی را بنا کرده باید در قلب مسلمانان و شریان های وجودی آنها جاری و ساری باشد . آموزه های حیات بخش و انسان ساز قرآن همان طور که موفق شد جامعه بدوی عرب عصر نزول را متحول کند و فرهنگ و تمدن بی سابقه ای در بخش های مختلف آسیا و اروپای قرون میانه ایجاد کند، امروز و هر روز هم قادر است اقتدار و بزرگی مسلمانان را ضمانت و تدارک نماید .

دکتر پارسا تصریح کرد: مبدع و بنیانگذار این نظریه کسی نیست جز سید جمال الدین اسدآبادی ( ۱۸۳۸/۱۲۵ - ۱۸۹۷/۱۳۱۴ ) که در برخی متون به سید جمال الدین افغانی نیز مشهور هست. در واقع اسدآبادی که در آستانه سده بیستم میلادی و ۱۴ قمری از دنیا رفت در دورانی می زیست که مسلمانان از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ضعف و زبونی بسر می بردند. سید جمال به عنوان شخصیتی که در سنت های آموزشی اسلامی تعلیم دیده بود ، نمی توانست نسبت به مشکلات جهان اسلام بی تفاوت باشد. در واقع سید جمال با هدف اصلاح جامعه مسلمانان و دستیابی به توسعه و عظمت از دست رفته جایگاه اسلام و برای بازیابی توان هموردی با قدرت های بزرگ، گفتمان فهم و تفسیر عصری و اجتماعی



قرآن را مطرح کرد. از نگاه سید جمال، تنها راهکار مسلمانان در مواجهه با مشکلات و مسایل اجتماعی در هر عصر و زمانه ای، بازگشت به قرآن و رجوع به قرآن برای دریافت پاسخ و راه حل مناسب از قرآن است .

دکتر پارسا ادامه داد: مبارزه با استعمار و استبداد، آزادی خواهی، عدالت جویی، اتحاد جهان اسلام و امور دیگر، همگی مسایلی بودند که سید جمال از لابلای آیات قرآن بدنبال راه حلی برای آنها می‌گشت و به طور خاص تلاش می‌کرد از آیات قرآن در تشویق و ترغیب مردم به مبارزه و اهمیت مشارکت مردم در تغییرات اجتماعی کمک بگیرد. آیه ۱۱ سوره رعد است که می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ* در مقالات سید خیلی کاربرد دارد و دریافت و تفسیر سید از این آیه آن است که خداوند امور هیچ قوم و مردمی را تغییر نمی دهد مگر این که خود آنها تغییر کنند یعنی خودشان برای این تغییر و اصلاح امور خودشان تلاش کنند. باید دانست پیش از سید جمال هیچگاه چنین تفسیری از این آیه دیده نشده است. دکتر پارسا در پایان گفت: سید جمال الدین در مواجهه با شبهه ناکارآمدی دین ، شاخصه عقلگرایی را جهت تفسیر قرآن مطرح می کند و معتقد است مهم ترین آموزه قرآن و نیز مهم ترین وسیله برای فهم قرآن عقل است. باین ترتیب گفتمان تفسیر عصری اجتماعی قرآن کریم از سوی سید جمال الدین اسدآبادی رقم می خورد و تفسیر قرآن وارد مرحله جدیدی از حیات خودش می شود.



در ادامه نشست خانم جزائری از دکتر یحیی فوزی معاونت محترم پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دعوت کرد که به ایراد سخن بپردازد.

دکتر فوزی با ابراز خوشنودی از برگزاری این همایش با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از پژوهشکده مطالعات قرآنی و ریاست محترم آن، انجمن علمی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران محترم علمی و اجرایی این همایش و سایر دانشگاه ها و مراکز علمی و اجرایی که در برگزاری این همایش مشارکت داشته اند، تشکر کرد و گفت :

این همایش بین المللی فرصت مناسبی برای پرداختن به یک مبحث بنیادین در اندیشه بیداری اسلامی و

انقلاب اسلامی ایران یعنی بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های تفسیر اجتماعی قرآن کریم در جهان اسلام و همچنین بازشناسی مسیر طی شده توسط این مفسران و نتایج و دستاوردها و آسیب‌شناسی‌های آن می‌باشد.

اینجانب نیز مطالب مختصری را با عنوان "دستاوردهای تفسیر اجتماعی قرآن کریم برای جهان اسلام و چالش‌ها" مطرح می‌کنم: اصولاً مبتنی بر تاکید قرآن بر تدبیر و تعقل، در طول تاریخ مفسران مسلمان با رویکردهای مختلف به تفسیر کلام الهی و قرآن پرداخته‌اند. اما در سده چهاردهم و پانزدهم قمری، رویکرد جدیدی در بین مفسران رایج شد که می‌توان آن را رویکرد تفسیری اجتماعی از قرآن دانست. این رویکرد که بتدریج در جهان اسلام گسترش یافت، پیامدهای گسترده و عمیقی از خود در تفکر و تحولات جوامع اسلامی بجای گذارد. این نهضت تفسیری تحت تاثیر شرایط و نیازهای این مقطع تاریخی تلاش کرد تا با بازتفسیر آموزه‌های قرآنی معطوف به نیازهای جوامع اسلامی، تبیین جامعی از قرآن برای زندگی مطلوب را ارائه دهد و راهکارهای برون رفت جوامع اسلامی از مشکلات را از درون قرآن جستجو کند.

دکتر فوزی در ادامه گفت: اولین گام مؤثر در این زمینه از سوی سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) و شاگردش شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۶ق) برداشته شد و سپس توسط مفسران دیگر در جهان اسلام دنبال شد. این مفسران مسلمان با رویکردی حداکثرگرایانه به دین و تاکید بر توانمندی اسلام در تامین سعادت دنیوی و اخروی، تلاش‌های فراوانی را برای ارایه تفسیرهای جدید قرآنی برای مخاطبان، ارائه کردند و سعی نمودند آموزه‌های دینی را در متن زندگی مردم قرار دهند و در سایه آن زندگی اجتماعی و سیاسی - فرهنگی دیگری را برای مسلمانان ارایه کنند و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی آنان گشته مبارزه نمایند. همچنین زمینه تحول ذهنی مسلمانان از دیدگاه فردی و آخرت‌گرایی صرف به دین‌را، به دیدگاه اجتماعی و ارایه راه حل مشکلات مادی و معنوی مسلمانان و درنهایت تغییر وضعیت جوامع اسلامی در مسیر مطلوب، فراهم آورند.

این نهضت تفسیری دستاوردهای مهمی را بدنبال داشته است. اولین دستاورد مهم آن ارائه تفسیری عمومی تر و قابل فهم تر و برای توده‌های مسلمان و بازتفسیر آیات قرآن معطوف به مشکلات و چالش‌های اجتماعی و سیاسی بود که تلاش می‌کرد تا ارتباط مسلمان را با قرآن در راستای تغییرات اجتماعی مطلوب تقویت کند. در این راستا، پیراستن اسلام از خرافه و عقاید سخیف و غلوآمیز، تاویل آیات مربوط به امور خارق‌العاده، پرهیز از مبهمات و نقد اسرائیلیات و تلاش برای نشان دادن همسویی آیات قرآن با علم و عقل و توجه به فلسفه احکام و حقوق زنان نیز مورد توجه بود.

وی تصریح کرد: دستاورد دیگر آن برجسته سازی ابعاد سیاسی اجتماعی اسلام، تاکید بر رابطه دین و سیاست و ضرورت تاسیس حکومت بر اساس دین و اجرای قوانین شریعت معطوف به آموزه‌های دینی و واردی از این قبیل بود که در این آثار مطرح گردید. این مباحث، نقش مهمی در باز تفسیر اندیشه‌های اسلامی و شکل‌گیری اندیشه سیاسی معطوف به تاسیس حکومت در بین جنبش‌های اسلامی و شیعی و همچنین شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران داشت. دستاورد دیگر این نهضت تفسیری، تاثیر گذاری بر اندیشه پیشرفت و بالتبع آن بر سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه و همچنین شیوه مواجهه با تمدن جدید و تجدد بود. بطوریکه سیاست گذاری در خصوص پیشرفت کشور بشدت تحت تاثیر این تفاسیر قرار داشته است.

دکتر فوزی در ادامه توضیح داد: اصولاً دو رویکرد در این تفاسیر مطرح است که الزامات این دونوع رویکرد در جوامع اسلامی و بخصوص در ایران امروز از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی با محوریت علم و تمدن موجود به تفسیر اجتماعی از اسلام پرداخته اند و تلاش می‌کنند با پیشینه و دانش اجتماعی جدید، تفسیری از آیات قرآنی ارائه دهند که هماهنگی لازم را با نظریه‌هایی که در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده، داشته باشد. نظریه‌هایی در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و کیفیت زندگی که عمدتاً تایید کنند حمایت دین از تمدن معاصر و پیشرفت جوامع در این راستا است. که این رویکرد را می‌توان بنیان تجددگرایان دینی در جامعه ایران دانست .

اما بخشی دیگر از این مفسران فارغ از وضعیت موجود به دنبال کشف قوانین و احکام اجتماعی مستنبط از قرآن و ارائه نظریات بدیل تمدنی مستخرج از آموزه های قرآنی می‌باشند. براین اساس مفسر اجتماعی از یکسو بدنال فهم جدیدی از انسان و نیازهای واقعی و فطری وی و قوانین و احکام و سنن حاکم بر رفتار فرد و جامعه مبتنی بر کلام وحی است. و از سوی دیگر به دنبال کشف و ارائه نظریه‌هایی برای زندگی سیاسی اجتماعی و سبک زندگی او مبتنی بر این آموزه های دینی می‌باشد. که این رویکرد بنیان نظری اندیشمندان مسلمانی را تشکیل می‌دهد که از نوعی الگوی بدیل در پیشرفت جوامع اسلامی دفاع می‌کنند؛ و خود دارای طیفی از دیدگاه‌ها براساس تفاسیر مختلف می‌باشند .

وی اشاره کرد: اما در کنار این دستاوردها باید گفت که بنیان بخشی از چالشها و اختلافات در بین جریان‌های اسلامی در جهان اسلام، در تفاوت در تفسیرهای اجتماعی سیاسی متفاوت از آموزه های قرآنی توسط این مفسران ریشه دارد. بحث نوع تفسیر از توحید، حاکمیت الهی، مالکیت الهی، خلافت انسان، قوانین شریعت، عدالت، استکبار و استضعاف، اصالت صلح و یا جنگ، امر به معروف، شورا، بحث علم و دین و عقل و دین و الگوهای پیشرفت، و مباحث بسیاری با این نوع تفاسیر پیوند وثیقی دارد. بطوریکه طیفی از جریان‌های اسلامی نوگرا، اصلاح طلب و رادیکال با رویکردهای مختلف تحت تاثیر این تفاسیر، اقدامات و تفکرات خود را مطرح می‌سازند. لذا نگاهی دوباره به این نهضت تفسیری با رویکردی آسیب شناسانه مبتنی بر شناخت ظرفیت‌ها و چالش‌ها از اهمیت خاص برای آینده جنبش بیداری اسلامی در جهان اسلام و بصورت خاص، برای ایران اسلامی برخوردار است که صاحب‌نظران و محققان فرهیخته در این همایش به آن خواهند پرداخت. و این همایش ضمن تجمیع آرائه آخرین یافته های پژوهشی، می‌تواند زمینه ساز پژوهشها و افق های جدید در این مسیر باشد.



سخنران بعدی دکتر احمد پاکنچی سفیر محترم ایران در یونسکو و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که صحبت های خود را با عنوان چهار «موج تفسیر اجتماعی در ایران» آغاز کرد و گفت: در قرآن کریم آیات پرشماری وجود دارد که در باره جامعه انسانی و مسائل اجتماعی انسانها سخن می گوید و به طور طبیعی، مانند دیگر آیات، مفسران کهن به شرح و تفسیر آنها نیز اهتمام داشته اند. اما آنچه به عنوان تفسیر اجتماعی می شناسیم، در جهان اسلام پدیده ای نسبتاً نوپدید است. در واقع، نوشتن تفسیرهایی اعم از ترتیبی یا موضوعی که پرداختن به مسائل و معضلات اجتماعی در آنها وجه غالب باشد، محصول یک و نیم قرن اخیر و جریان های اصلاح دینی در جهان اسلام بوده است. با وجود این که در مقایسه با کل تاریخ تفسیر، این دوره چندان بلند نیست، با این همه، اهمیت تفسیر اجتماعی این دوره را در مرکز توجه ها قرار داده است. از همین رو، لازم است روند فراز و فرود این گونه از تفسیر کاویده و یک تفکیک و گونه شناسی از جریان ها و موج های پدید آمده در آن صورت پذیرد.

وی ادامه داد: اگر در این باره بر سرزمین ایران متمرکز باشیم، باید یادآور شویم که تفسیر اجتماعی در این یک و نیم سده، چهار موج به خود دیده است که البته، هر یک از آنها جای تقسیمات جزئی تری هم دارد. موج اول در آستانه مشروطیت پدید آمده و در جریان نهضت مشروطه نیز اثر نهاده است. محور بحث از تفسیر اجتماعی در این موج، آیات منتخب از قرآن کریم است و هدف اصلی در آن، محافظت از همبستگی، تقویت های پیوندها در جامعه اسلامی و تنظیم مناسبات آن با جوامع دیگر بوده است. موج دوم که از دهه ۱۳۲۰ دیده می شود و در حدود ۱۳۴۰ش به اوج رسیده است، در بردارنده گونه ای از تفسیر اجتماعی است که به جای آیات منتخب، بر کلیت قرآن تأکید دارد و بر آن است تا با رویکردی نظریه محور، قرآن را با کلیت خود به مثابه یک تعلیم اجتماعی مطرح سازد.

دکتر پاکنچی تصریح کرد: موج سوم، که از دهه ۱۳۴۰ش آغاز می شود، همچنان بر آیات منتخب تکیه دارد و با محوریت دادن به امر سیاست و انقلاب، به دنبال ارائه الگویی از قرآن برای تغییرات بنیادین در ساختار

سیاسی- اجتماعی است. دقیقاً همین موج است که در فراهم آوردن زمینه‌ها برای انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده است. اما موج چهارم، که از دهه ۱۳۶۰ به بعد شاهد آن هستیم، به دنبال رسیدن به الگویی برای مدیریت اجتماعی، رسیدن به یک نظام اندیشه جامعه‌شناختی یا ترکیبی از آن از خلال رویکردی نظام‌مند و کلیت‌نگر به قرآن کریم است.



## محور اول

تفسیر اجتماعی: مبانی، اهداف و کارکردها

پس از برگزاری بخش افتتاحیه و یک استراحت کوتاه، اولین محور همایش با موضوع «تفسیر اجتماعی: مبانی، اهداف و کارکردها» با سخنرانان خانم دکتر نفیسی و آقایان دکتر ایازی، دکتر اسماعیلی، دکتر احمدزاده و دکتر نجاتی حسینی آغاز شد. دبیر این نشست این دکتر محسن قاسم پور بود. دکتر قاسم پور پس از ارائه توضیحاتی درباره این محور از نخستین سخنران دکتر محمدعلی ایازی، عضو هیات علمی بازنشسته دانشگاه علوم و تحقیقات، دعوت کرد که به ارائه سخنرانی خود با عنوان «تفسیر اجتماعی: اقتضائات، جریانها و رویکردهای معاصر» بپردازد.

دکتر ایازی در ابتدای سخنان خویش گفت: تفسیر اجتماعی یکی از گرایش‌های تفسیری است که در سده اخیر شکل گرفت. ویژگی مهم این گرایش در توفیق جمع میان مسائل اسلام و قضایای انسان معاصر است. مفهوم این گرایش آن است که قرآن برای نسل حاضر چه سخنی برای گفتن دارد. این معنا مبتنی بر خودآگاهی خاصی ایجاد شده بود که بر اساس آن نهضت بیداری جهان اسلام، با طرح بازگشت به قرآن مطرح شد و از سوی مصلحانی نواندیش از این منطقه آغاز گردید.

وی ادامه داد: این تفکر در سراسر جهان اسلام در قرن چهاردهم با فراز و نشیب و تندی و کندی و اختلاف شرایط بوجود آمد؛ نخستین بستر این جریان، مواجهه با فرهنگ غرب و خودآگاهی و درک و احساس عقب‌ماندگی مسلمانان پس از تماس با آنان بود و این خود تحولی در اندیشه جامعه انسانی و دگرگونی در جامعه علمی مسلمانان گشت که به دنبال آن دانش تفسیر را دست‌خوش تحول کرد و تغییراتی را در حوزه فهم و رویکرد پذیرا گردید. این صداها به گوش ایرانیان رسید و نوشته‌هایی از این دست به‌ویژه سخنان

شخصیتی آشنا چون سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده در تفسیر المنار در میان خوانندگان این جریان دست به دست می‌شد. این تحولات دارای ابعاد گوناگونی بوده، که یکی از مظاهر آن در حوزه معنائی و روابط با جامعه، نسبت دین و علم، نسبت دین با عقل، نسبت دین با عدالت بود. عوامل بسیاری در این تحول تأثیرگذار بوده است.

دکتر ایازی تصریح کرد: در مرحله نخست تحولات عصر ارتباطات به دانش و بینش این نواندیشان اثر گذاشت و عقل و بینش اجتماعی در نگرش این عالمان دینی منزلت دیگری یافت. مباحث علوم اجتماعی و گسترش آن در میان مسلمانان به گرایشی به نام تفسیر اجتماعی دامن زد. چنانکه طرح اشکالات مفسران و فقیهانی را به تکاپو واداشت که نسبت به دین و احکام فقهی تجدید نظر کنند. اما امروز مسائل دیگری مطرح شده است، که مناسب با اقتضائات روز است، مانند قلمرو دین و انتظار بشر، ناگفته‌های قرآن، تحولات جوامع و زیست جهانی، گسترش اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دین و مردم، حقوق بشر، نگاه به زنان و دگراندیشان که هرکدام از این مسائل نوعی پاسخ به مسائل روز و عصری کردن دین است.



دکتر شادی نفیسی دانشیار دانشگاه تهران سخنران بعدی بودند که با عنوان «تلاشهای تدبری گونه‌ای از تفسیر اجتماعی» به صحبت پرداختند: تفسیر اجتماعی و تلاشهای تدبری دو گونه تلاش قرآن‌پژوهی معاصرند که در تبیین مباحث تئوری و عملیاتی هر کدام، آثاری پدید آمده است. تلاشهای تدبری به آن دسته فعالیت های قرآنی گفته می‌شود که با استناد به آیاتی نظیر ۸۲ نساء در پی عمومی سازی فهم قرآن هستند. ویژگی مشترک همه این تلاشها عمومی دانستن فهم قرآن در مقابل تخصصی دانستن تفسیر است و غالب این جریان ها فهم منسجم و سوره محور از قرآن دارند. این جریان با پیشگامی حجج الاسلام نقی پور، الهی زاده، برادران صبحی و آقای اخوت به صورت فردی و در قالب فعالیت های سازمان یافته نقش فعال و تاثیر گذاری در نشر آموزه های قرآنی دارد.

در ادامه دکتر نفیسی این پرسش را مطرح کرد که آیا این دو گونه تلاش، کاملاً مستقل و جدا از یکدیگرند؟ یا در برخی مسائل و موضوعات همگرایی دارند؟ بررسی به شیوه کتابخانه‌ای - استنادی در پاسخ به این سوال نشان می‌دهد که این دو تلاش قرآن‌پژوهی، در خاستگاه و هدف و نیز در برخی مبانی و روش ها همگرا و یکسویند. چه اینکه در خاستگاه و هدف هر دو، تلاش برای اصلاح جامعه امروزی و بهبود زندگی دنیوی و

اخروی به وسیله پیام هدایتگرانه قرآن کریم دیده می‌شود. در مبانی نیز هر دو جریان به قابل فهم بودن قرآن بر عموم مردم و نقش قرآن در تحقق سعادت دنیوی و اخروی باوردارند؛ باوری که ظاهراً مورد اختلاف عموم مفسران نیست در حالی که بعضاً پای بندی به لوازم آن دیده نمی‌شود.

وی تصریح کرد: باتوجه به مبانی یاد شده هر دو جریان در سطح روش از طرح مباحث غیر ضروری و تخصصی در تفسیر امتناع می‌ورزند و بر ساده نویسی و فارسی نویسی تاکید می‌ورزند. هم‌چنان که پیام‌گیری از آیات برای نشان دادن کارآمدی قرآن در زندگی امروز، از مشترکات هر دو جریان است، با این تفاوت که در تلاش‌های تدبری این پیام‌گیری از شیوه منفعل ذکر پیام به شیوه فعال درگیر ساختن مخاطب با فهم قرآن ارتقا یافته و جریان تدبر می‌کوشد با تدریس تعاملی، تربیت مربی و بهره‌گیری از ابزارهای تاثیرگذاری، مسلمانی عامل تربیت کند که در همه مراحل زندگی خود با نگاهی قرآن محور به انتخاب و داوری مبادرت ورزد و عملاً آموزه‌های قرآنی را در زندگی پیاده کند.



در ادامه دکتر قاسم پور از دکتر داود اسماعیلی، استادیار دانشگاه اصفهان دعوت نمود که به سخنرانی بپردازد. دکتر اسماعیلی در سخنرانی خود با عنوان «بازخوانی آراء تفسیر پژوهان در تحلیل مبانی تفسیر اجتماعی» تصریح کرد: جریان تفسیر اجتماعی واکنشی جدی در برابر شرایط جدید و رخدادهای نوین و پاسخی به پرسش‌های نوپدید جهان معاصر به‌شمار می‌آید؛ از این‌رو مفسران قرآن تلاش نموده تا با این نگرش از آن به‌عنوان جریان تفسیری فعال در راستای احیای آموزه‌های دینی و قرآنی بهره‌گیرند. وی اشاره کرد که بایسته است تفسیر اجتماعی قرآن را بازتاب دو گونه از تحول سلبی و ایجابی دانست که مفسر اجتماعی تلاش دارد از سوئی شبهات و اشکالات وارد بر دین و قرآن را نفی و از سویی دیگر با زبان و ادبیاتی جدید حقایق قرآنی را در پیشگاه مخاطب عرضه نماید. در جریان تفسیر اجتماعی افزون بر مبانی عام تفسیری مبانی دیگری نیز در خور تامل است که اجتماعی بودن این تفاسیر را موجب می‌گردد؛ به دیگر سخن این مفسر است که با رویکرد جامعه‌شناختی و پیش‌فرض‌های برآمده از آن و با مبانی متفاوت از

دیگر نگرش‌های تفسیری به تفسیر و پیام‌گیری از آیات قرآن می‌پردازد و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات مطرح در جامعه را از اولویت‌های پژوهش‌های تفسیری خود می‌داند.



دکتر سید مصطفی احمدزاده، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی سخنران بعدی این نشست بود. وی در سخنرانی خود با عنوان «مبانی تفسیر اجتماعی از جزءنگری تا سیستم‌گرایی» گفت: در دهه‌های اخیر، فیلسوفان، مفسران اجتماعی و قرآن‌پژوهان در آثار فلسفی، تفسیری و تکنگاشت‌های خود درباره مبانی تفسیر اجتماعی سخن گفته‌اند. بررسی این مبانی نشان می‌دهد که مفسران اجتماعی هنگام بحث از هر مبنا، بیشتر بر همان مبنا متمرکز شده‌اند و کمتر به ارتباط میان مبانی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، به انواع مبانی و تفاوت مبانی با یکدیگر و به دنبال آن، تقدم و تأخر مبانی چندان توجهی نداشته‌اند و به همین خاطر از تأثیر و تأثر مبانی بر یکدیگر تقریباً سخنی به میان نیامده است. وی افزود: همچنین نگاه‌های جزءنگرانه به مبانی، سبب شده از دستاوردهای نگاه کل‌نگرانه و سیستمی به مبانی، غفلت شود. بنابراین بایست به نقوص نگاه جزءنگرانه و فواید نگاه سیستمی به مبانی تفسیر اجتماعی دقت بیشتری نمود.

سپس دکتر سید محمود نجاتی حسینی، مدرس و پژوهش‌گر جامعه‌شناسی دین با عنوان «پروبلماتیک تفسیر اجتماعی قرآن: مساله، ایده، پرسش، روش، نظریه» سخن را آغاز کرد. وی گفت: تفسیر، به عنوان یک فعالیت دانش‌پژوهانه، به هنگامی که با متن مقدس قرآن مواجهه داده می‌شود به شکل یک فرم ادبی-شناختی-عقیدتی درآمده و به شرح و تبیین و تاویل و معناکاو و توضیح آیات قرآنی اختصاص می‌یابد. چنین مواجهه دانش‌پژوهانه و دین‌پژوهانه ای ذیل عنوان "دانش تفسیر قرآن" تثبیت شده است. از آغازین زمان ظهور قرآن در تمدن اسلامی (سده ۱۵هـ / ۷ م) تا دوران معاصر و به موازات پیدایی ادبیات حجیم و متنوع "تفاسیر قرآنی" ما با نوعی "جریانات تفسیری" مواجهیم که از تکرر نگرش و جهت‌گیری شناختی-عقیدتی به "تفسیر قرآن" حکایت می‌کند. فارغ از تیپولوژی متنوع این جریانات تفسیری آن چه برای قرآن



پژوهی مدرن محل تامل و بحث است، تمایز ماهوی جریان‌ات تفسیری "سنتی و مدرن" است؛ به ویژه شناخت ماهیت تئوریک و متدلوژیک آن چه ذیل عنوان "تفسیر اجتماعی قرآن" می‌تواند نامیده شود. دکتر نجاتی در ادامه گفت: بن‌مایه "تفسیر اجتماعی قرآن" منطقاً باید کشف نگاه قرآن به "امراجتماعی" باشد و دست‌مایه آن نیز باید بهره‌بردن از هرمنئوتیک دینی و قرآن‌پژوهی مدرن برای کشف این نگاه اجتماعی در قرآن باشد. به‌همچنین "تفسیر اجتماعی قرآن" ممکن است به سمت شرح و بیان و ایضاح نص آیات قرآن کریم بر مبنای "موضوعات اجتماعی" و "مسائل اجتماعی" واقع در جهان اسلام و زیست اجتماعی مسلمین نیز جهت‌گیری شده باشد.

سپس دکتر نجاتی این پرسش را مطرح کرد که: «چیست آن چه می‌نامندش، تفسیر اجتماعی قرآن؟» و این که «تفسیر اجتماعی قرآن چگونه تفسیری باید باشد تا بتوان آن را اجتماعی محسوب نمود؟». برای پاسخ دادن به این مسأله-پرسش باید از "متدلوژی قرآن‌پژوهی مدرن"، که بن‌مایه آن "هرمنئوتیک دینی" و "تحلیل متن" است، بهره‌بریم. اما منبع داده‌های ما نیز منطقاً ادبیات قرآن‌پژوهی مدرن است. این ادبیات بر مبنای منطق پژوهش علمی مدرن به صورت "نمونه معرف" (انتخاب متون شاخص در تفسیر اجتماعی قرآن) گزینش خواهند شد. به‌هم‌چنین با اتکا به تکنیک پژوهشی "فرا تحلیل" (تحلیل مجدد و جدید از متونی که "درباره تفسیر اجتماعی قرآن" هستند) و در صورت وجود متن‌های مرتبط می‌توان این‌ها را نیز جزو منابع داده‌ها محسوب نمود. البته مشروط به این که چنین متونی موجود بوده و در دسترس نیز باشند! در غیر این صورت بن‌مایه محوری و اصلی ما به نوعی بازخوانی پروبلماتیک تیپ ایدئال ("پروبلماتیک ناب و منطبق با امرواقع و الگوی اصلی) یک نمونه استاندارد و مرجع از "تفسیر اجتماعی قرآن" است؛ آنگونه که باید باشد.



تفسیر اجتماعی: قرآن، دانشها و روش‌های نوین

پس از استراحتی کوتاه، نشست در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۸ اسفند با پنل تفسیر اجتماعی: قرآن، دانشها و روش‌های نوین و دبیری دکتر پارسا آغاز شد. در این نشست آقایان دکتر رضای اصفهانی، دکتر قدوسی، دکتر سعیدی روشن، دکتر طباطبایی و دکتر درزی ارائه داشتند و دکتر پارسا از نخستین سخنران دعوت کرد تا به ارائه بپردازد.

در آغاز دکتر محمد علی رضایی اصفهانی عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه سخنرانی خود با عنوان «تاثیر تفسیر اجتماعی در پیدایش و گسترش مطالعات میان رشته ای قرآن و علوم» آغاز نمود و گفت: در حدود ۱۳۰ سال قبل در مصر سید جمال الدین اسدآبادی خطبه آتشین «العود الی القرآن» را ایراد و راهکار نجات مسلمانان از عقب ماندگی و استعمار غرب را بازگشت به قرآن اعلام کرد. یعنی حاکمیت قرآن در زندگی اجتماعی، سیاسی و ... مسلمانان که موجب پیشرفت آنها می شود. این نظریه در مرحله اول سرمایه تفسیری محمد عبده (در تفسیر عمّ جزء و دروس تفسیری) شد که توسط رشید رضا (در تفسیر المنار) و سید قطب (در تفسیر فی ظلال القرآن) گردید و در مرحله دوم رویکرد تفسیر اجتماعی به کشورهای دیگر مثل ایران (تفسیر پرتوی از قرآن، تفسیر نمونه و ...) و در پاکستان (تفسیر تفهیم القرآن مودودی) و در لبنان (تفسیر الکاشف مغنیه و من وحی القرآن) علامه فضل الله و ... شد. وی در ادامه گفت: تفسیر اجتماعی قرآن به مباحث اجتماعی، سیاسی، علمی و ... در آیات قرآن توجه ویژه داشت؛ از این رو در مرحله سوم زمینه ساز رشد تفسیر علمی (در حوزه علوم طبیعی) شد که گاهی به شکل معتدل در تفسیر نمونه پدیدار گشت و گاهی به صورت افراطی در تفسیر الجواهر طنطاوی و تفسیر القرآن هوالهدی و الفرقان سر سید احمد خان هندی خود را نشان داد و صدها تفسیر تک نگاری موضوعی در مصر، ایران، هند، عراق، سوریه و ... پا به عرصه نهاد که هنوز هم در قالب کتب، مجلات، سایت ها و .... ادامه دارد.

دکتر اصفهانی تصریح کرد: در مرحله چهارم در دهه های اخیر تفسیرهای علمی در حوزه علوم انسانی رشد کرد که نمونه های آن را در تفسیرهای تخصصی مثل التفسیر التربوی للقرآن (سه جلد از انور الباز) و تفسیر موضوعی میان رشته ای قرآن و تربیت (شش جلد از نگارنده) و صدها تک نگاری تفسیری در حوزه های مختلف می بینیم و در مرحله پنجم رشته ها و گرایش‌های قرآن و علوم در جامعه المصطفی العالمیه و حوزه علمیه قم و مشهد و ... شکل گرفت و این برکات با نظریه عود الی القرآن سید جمال الدین اسد آبادی و تفسیر اجتماعی (به معنای اعم) شروع شد و به رشد شاخه های علوم اجتماعی در دامن قرآن منتهی شد و می رود تا دانش های قرآن بنیان را تولید کند و تحولی نوین در علوم انسانی ایجاد کند. وی در پایان یادآور شد: شروع جریان از مصر و شکوفایی آن در ایران مرهون آموزه های مکتب اهل بیت(ع) و انقلاب اسلامی ایران است که در این زمینه رهنمودهای امام خمینی (قدس) در رویکرد سیاسی و اجتماعی به آیات قرآن و نیز راهبری امام خامنه ای (مدظله) در مورد تحول علوم انسانی بر اساس قرآن نقش اساسی داشته و دارد.

سپس دکتر فرهاد قدوسی عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی وین، ایالت میشیگان آمریکا با موضوع بررسی و نقد یک مطالعه رایانه ای-آماري در بعد شفاهی قرآن به ایراد سخن پرداخت. وی در آغاز گفت: ثابت شده است که روشهای رایانه ای-آماري ابزار بسیار مفید و توانمند برای تجزیه و تحلیل متون هستند. ویژگی های سبکی، دستوری و واژگانی را می توان با سهولت نسبی با استفاده از رایانه شناسایی و مقایسه کرد. اما

علی رغم این توانایی بالقوه، تا کنون تجزیه و تحلیل آماری قرآن تنها در سه زمینه کلی انجام شده است. دکتر قدوسی زمینه ها را اینچنین برشمرد: زمینه اول تلاش‌های مجزایی مانند جستجوی رشاد خلیفه برای پیدا کردن نظم های عددی (مثلا مضرب ۱۹) در دفعاتی کلمات و حروف در قرآن آمده اند، بوده است. زمینه دوم استفاده از اینگونه تحلیل‌ها برای بررسی ترتیب نزول زمانی سور و آیات قرآن است که گسترده ترین و پیچیده‌ترین کار در این زمینه مقاله آقای بهنام صادقی تحت عنوان "گاشماری قرآن- برنامه پژوهشی سبک سنجی" است. زمینه سوم بررسی جنبه های شفاهی قرآن است که مهمترین کار در این زمینه کتاب آقای اندرو گ. بنیستر تحت عنوان "مطالعه شفاهی-فرمولی قرآن" است. دکتر قدوسی ادامه داد: اینجا مقصودمان از شفاهی تلاوت از حافظه و یا انتقال سینه به سینه (شفاهی) قرآن نیست. بلکه مقصود از "شفاهی" در تقابل با نوشتاری اشاره به حالتی دارد که یک متن در وهله اول در آن حالت شکل گرفته، که بعضا نتایج مهمی برای اینکه یک متن چگونه باید فهمیده شود دارد.



دکتر محمدباقر سعیدی روشن دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سخنران بعدی بود که با موضوع قضا و قدر الهی و نقش انسان در جهان به صحبت پرداخت و گفت همواره این پرسش ها برای انسان مطرح بوده که قضا و قدر الهی چیست، و نسبت آن با فاعلیت خدا چگونه است؟ نسبت قضا و قدر خدا با نظم و قانون جهان چیست؟ آیا قضا و قدر رقیب نظام علی معلولی و اسباب جهان است یا نظام قانونمند جهان خود فراگیرترین نمود قضا و قدر الهی است که جریان فاعلیت خدا را رقم می زند؟ وی ادامه داد: بر اساس تحلیل عقل فعل هر فاعل ارادی (مقابل فاعل طبیعی) ناشی از علم، خواست/ اراده و قضا (ایجاب و تحتم) و قدر (اندازه و تعین) است. علم و اراده و قضا و قدر از مبادی فعل خدا و از مسائل اساسی الهیات قرآن است که یک رشته معارف عمیق متافیزیکی را در پیوند، خدا، جهان و انسان باز می نماید. فهم صحیح قضا و قدر یا ایجاب و تعین وجود هر پدیده از سوی واجب تعالی، و نقش انسان در عالم اثری بسزا در بینش و کنش یک انسان موحد دارد. مسأله قضا و قدر الهی، و نقش انسان در جهان از جمله مسائل کلیدی معارف قرآن است.

دکتر سعیدی روشن اشاره کرد: قضا و قدر از مبادی فعل خداست که فاعلیت خدا را بر مدار نظام اسباب تفسیر می کند. براین اساس خداوند علت موجه همه پدیده‌هاست، و تشخص وجودی آفریده‌ها از مسیر علل تعین بخش، تقدیر خداست. پدیده های جهان ذاتشان ممکن التحقق است و ضرورت خود را از ناحیه علت تامه دریافت می نمایند. سلسله این علل به واجب بالذات ختم می شود. پس واجب تعالی علت

موجب همه علت ها و معلول هاست. ایجاب وجود هر پدیده با فراهم کردن علت تامه آن «قضاء الهی» آن است. همچنان که تعیین حدود وجودی هر پدیده با فراهم کردن علل ناقصه بدیل پذیر، «تقدیر» آن است. بدین رو قضا و قدر الهی رقیب اسباب عالم نیست، بلکه بر اساس فاعلیت مستقل الهی و نظام قانونمند جهان، هر عاملی به تناسب رتبه وجودی خود، نمودی از قانون علیت و مظهری از مظاهر قضا و قدر خداست. در نظام قانونمند جهان، رابطه علت تامه با معلول خود، نسبت «ضرورت» است، اما در علل مرگب، نسبت هر یک از علل با معلول خود، «امکان» است. پس خدای متعال در جریان آفرینش و تدبیر، دو گونه قضای حتمی و غیرحتمی (مشروط) دارد. قضای فراگیر، یا سنت الهی، قوانین پایدار حاکم بر تمام آفرینش و تغییر ناپذیراست.

وی تصریح کرد: قضا و قدر خدا در منظومه معرفتی قرآن منافاتی با نقش انسان در جهان و اراده او در سرنوشت خود ندارد. آفرینش الهی بر نظام قانونمند اسباب، اقتضا دارد که هر پدیده از راه علت مناسب خود به وجود آید. براین اساس، اراده انسان نیز جزء اخیر علت تامه فعل ارادی انسان و مصداقی از قضا و قدر خداست. همچنان که طبیعی بودن نقش علل طبیعی مانند رویش یک گیاه، یا سیستم گوارش در بدن انسان، مصداق قضا و قدر خداست، ارادی بودن فعل فاعل ذی شعور و ارادی، مثل انسان نیز مصداق قضا و قدر خداست. قضای الهی در فعل ارادی انسان، این است که اراده انسان علت تامه این سنخ فعل است. در منطق معرفتی قرآن رابطه میان جهان و انسان، ارتباطی دو سویه و تاثیر و تأثر متقابل است. از سویی همه بوده های جهان ظرف حیات و تکاپوی بی پایان انسان است. از سوی دیگر بُرد وجودی انسان با برخورداری از قوه شعور، اراده و مسولیت پذیری، و خلافت الهی، فراتر از همه موجودات است. قدرت استخدام انسان فراتر از ابزارهای مادی و فیزیکی، شامل عناصر فراطبیعی است، از همین رو شعاع عمل انسان نیز، از حیطه وجود شخصی او عبور می کند و جهان مشهود و نامشهود را متأثر می سازد. دکتر طباطبایی استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنران بعدی نشست با عنوان تفسیر در کشاکش کلام قدیم و علم جدید: مورد ستون های آسمان بود. وی گفت: تا پیش از ظهور نظریات کیهان شناختی مدرن، که از حدود پنج قرن پیش پدیدار شدند، تفسیر فراز «بغیر عمد ترونها» دو مرحله موفق را پشت سر گذاشته بود که هرچند فهم های متعارضی را از این فراز عرضه می کردند، دست کم هر یک در زمانه خودشان از حمایت هر دو دانش کلان کلام و کیهان شناسی روز برخوردار بودند و از این رو هر یک از آن دو تفسیر در دو دوره مختلف مورد اجماع مفسران دوران خودشان بودند. اما با ظهور کیهان شناسی مدرن، که از سویی اثبات کننده نیرویی نامرئی میان اجرام آسمانی است و از سوی دیگر نافی وجود شیئی واقعی به نام آسمان است، تفسیر آن فراز قرآنی بر اساس علم روز با مشکل مواجه شد. در این میان، برخی از مفسران، با چشم پوشی بر تلقی علم مدرن از آسمان، تنها بر دلالت این فراز بر نیروی جاذبه به عنوان ستون های نامرئی جهان تکیه کردند.

دکتر طباطبایی تصریح کرد: اما بسیاری دیگر از مفسران، که بیش از دغدغه های تطبیق قرآن با علوم روز به هر قیمتی، دغدغه های بزرگ تر کلامی و تفسیری داشتند، در تأیید چنین دیدگاهی احتیاط به خرج دادند و مواضع متفاوتی، از سکوت گرفته تا کلی گویی و ابهام، در پیش گرفتند تا مجبور نباشند درباره دلالت های علمی این فراز صریحا اظهار نظر کنند. بیم از خدشه دار شدن تصویری که کلام قدیم از خدا ترسیم کرده از یک سو، و احتمال فروپاشی نظریات کیهان شناسی جدید از سوی دیگر، و به طور کلی فقدان نظریه کلامی بازنگری شده درباره رابطه علم و دین، مفسران معاصر را در اتخاذ موضعی قطعی درباره این قبیل آیات به

موضع سکوت یا سردرگمی کشانده است.

سخنران آخر این نشست دکتر قاسم درزی استادیار دانشگاه شهید بهشتی بود که با سخنرانی با عنوان فرآیند تفسیر اجتماعی قرآن: رویکردی هرمنوتیکی در نشست حضور داشت. دکتر درزی در آغاز گفت: «تفسیر اجتماعی قرآن» به دنبال کاربردی‌سازی مفاهیم قرآن و کاربری آن برای حل مسائل اجتماعی در دوران معاصر است. ضرورت چنین رویکردی به قرآن هر روز بیشتر از گذشته نمایان می‌شود. به شکل خاص مرتبط با چنین فرآیندی می‌توان به برخی قرآن‌پژوهان همچون فضل الرحمن و ابوزید اشاره کرد. وی ادامه داد: فضل الرحمن از تفسیر دو حرکتی قرآن سخن می‌گوید. از دیدگاه او برای تفسیر قرآن باید دو گام اساسی برداشت ۱- از زمان حاضر به گذشته و صدر اسلام؛ ۲- از صدر اسلام به زمان حاضر. او نظریه دوحركتی را (Double Movement Theory) نظریه‌ای برای تفسیر قرآن مطابق شرایط روز در نظر می‌گیرد و از این جهت بنا دارد فرآیندی برای تفسیر کاربردی قرآن معرفی نماید. ابوزید از تمایز این دو حرکت به تمایز «معنا» از «مغزی» یاد می‌کند. در نگاه ابوزید نیز «مغزی» به معنای عصری از آیات قرآن تعلق دارد. دکتر درزی تصریح کرد: آنچه که مرتبط با فرآیند تفسیر اجتماعی مورد نظر ما است گرچه شباهتی با نظریه دو حرکتی فضل الرحمن و تمایز «معنا» از «مغزی» ابوزید دارد، لیکن در جزئیات متفاوت و با تفصیل بیشتری است. فرآیند تفسیر اجتماعی در نگاه ما مبتنی بر گام‌های زیر می‌باشد: ۱- زمینه‌مند سازی (Contextualization) آیات قرآن متناسب با بافت تاریخی دوران نزول؛ ۲- استخراج مقصود آیه (مناط) متناسب با بافت آن؛ ۳- بافت‌زدایی (Decontextualization) از آیه و استخراج گزاره تعمیم‌یافته که وابستگی‌ای به بافت دوران نزول ندارد؛ ۴- باززمینه‌مندسازی (Recontextualization) آیه متناسب با شرایط عصر کنونی؛ ۵- مفهوم‌سازی (Conceptualization) متناسب با شرایط عصری.

وی در انتها به عنوان مثال به آیه ۳ سوره نساء اشاره کرد. این فرآیند نشان می‌دهد که رویکرد عصری به این آیه به سازمانی برای سرپرستی یتیمان دلالت دارد و پیام اصلی آیه برای دوره معاصر نیز ایجاد یک سازمان منسجم و اثربخش برای سرپرستی یتیمان می‌باشد.



#### محور سوم

#### تفسیر اجتماعی: جریان های اصلاح طلبی در جهان اسلام

آخرین پنل روز نخست همایش به بررسی تفسیر اجتماعی و جریان های اصلاح طلبی در جهان اسلام اختصاص یافت. این نشست با دبیری دکتر محمدقندهاری و با سخنرانی دکتر سیدمحمدعلی نقوی استاد دانشگاه علیگر هند و رئیس سابق دانشکده الهیات با عنوان تفسیر اجتماعی قرآن در شیه قاره آغاز شد. باعتماد دکتر نقوی تفسیر اجتماعی قرآن هم زمان با تفسیر سید احمد خان هندی که به گونه ای شاگرد سید جمال الدین اسدآبادی تلقی می گردد، شروع شد. تفسیر قرآن و هو الهدی و الفرقان عنوان تفسیر سید احمد خان است که راه تاویل به شیوه عصری را در تبیین مفاهیم قرآن گشود. احمدخان دانشگاه علیگر را به عنوان دانشگاه اسلامی بنیاد کرد. ابوالکلام محی الدین احمد آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) رهبر حزب کنگره ملی هند و از رهبران اولیه جنبش استقلال هندوستان بود. تفسیر ترجمان القرآن کتاب تفسیری ابوالکلام است که در آن مسایل اجتماعی بویژه مواجهه با استعمار انگلیس را مطمح نظر قرار داده است. سید ابوالاعلی مودودی (اردو: ابوالاعلی مودودی) (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹) متفکر هندی پاکستانی و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان بود. مودودی در شمار سلفیان مسلمان است و در تفسیر خود تفهیم القرآن نظریه هایی مطرح می کند که به پیدایی جریان های سلفی در جنبش های اسلامی معاصر منجر شد. باعتماد دکتر نقوی، سابقه تفسیر اجتماعی در هند خیلی بیشتر از ایران است و مفسران هندی بیشتر در این گرایش تفسیری فعالیت کرده اند.

سخنران بعدی این پنل دکتر علی زهیر هاشم الصراف ، استادیار دانشکده تاریخ و میراث دانشگاه کوفه بود که

با عنوان منهج فهم وتوجيه النص القرآني في التفسير الاجتماعي عند المفسرين المعاصرين - تفسير "من وحى القرآن" للسيد محمد حسين فضل الله أنموذجاً (روش فهم و تفسیر متن قرآنی در تفسیر اجتماعی نزد مفسران معاصر : مطالعه موردی تفسیر من وحی القرآن سید محمد حسین فضل الله) به سخنرانی پرداخت. وی گفت: تفسیر اجتماعی از مهم ترین و جدیدترین روش های تفسیری در ثراث اسلامی است که در دوران معاصر پدید آمده و درصدد است که از مقتضیات عصر جدید و علوم مختلف جهت فهم قرآن استفاده کند و از جمود و جزم اندیشی های موجود در تفاسیر سنتی دوری نماید . تفسیر اجتماعی از سوی دیگر تلاشی است برای پاسخ به انگاره تقابل اسلام با تمدن و پیشرفت های جدید. تفسیر من وحی القرآن اثر سیدمحمد حسین فضل الله از عالمان معاصر لبنان در شمار مهم ترین تفاسیر اجتماعی است . فضل الله، روش تفسیری خود را حرکّی نامیده و منظورش این است که با الهام از آیات الهی ، نشاط و فعالیت فرد و جامعه را فراهم می آورد. تفسیر من وحی القرآن درمان مسایل فردی و اجتماعی مسلمانان و ایجاد تغییر و اصلاح در جامعه و مسایل عصری را وجهه همت قرار داده است .



دکتر ادريس هانی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه و متفکر شیعه مراکشی سخنران بعدی نشست بود که با عنوان القرآن الکریم بین سؤال التثوير وأزمة التأويل: مقارنة تعقيدية وتعاقدية به سخنرانی پرداخت. قرآن کریم و بحران تأویل و پرسش از چگونگی شفاف سازی معنای مستور آیات بحث دکتر ادريس هانی در رابطه با چگونگی تأویل و دریافت معنا از قرآن کریم بود. وی گفت: فرآیند «استنتاج» چگونه شکل می گیرد و اهداف آن چیست ؟ ما با بحران تأویل مواجهیم و ما هم اکنون شرایط کسانی را داریم که در قرآن به آنان اینگونه اشاره شده: أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها... وی ادامه داد: مهمترین مساله قابل طرح در این زمینه برانگیختن کنکاش وجستجو در متن قرآن کریم

است؛ هرچند که این یک مساله پیچیده است و فرآیند آن شامل الأول یعنی بازگشت به اصل مفاهیم . پس از آن درک الان یعنی لحظه وزمانی که معنی دریافت می شود و یک فرآیند دینامیکی است . تاویل یعنی ارجاع متشابه به محکم همانگونه که امام صادق بدان اشاره کرده است . در واقع ما از مسائلی که بدان اشاره شد در میابیم که ما با یک حقیقت متلاطم و پر جنب و جوشی و ناقصی مواجهیم که قرآن چراغ روشنگر آن است . اگر بخواهیم بعد اجتماعی قرآن کریم رو دریابیم باید پیچیدگی ها جامعه ها رو هم مد نظر قرار دهیم یعنی باید مسایل آنی و در حال وقوع جامعه ها رو لحاظ کنیم و مسایل رو ثابت ندانیم. دکتر علی غضنفری عضو هیات علمی دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، سخنران آخر این پنل بود که در پایان این نشست سخنرانی خود را با عنوان بازخوانی شاخصه‌های عقل گرایی در تفاسیر اجتماعی با محوریت تفسیر المنار ارائه داد. دکتر غضنفری در ابتدا گفت: بررسی جایگاه عقل در خوانش جدید از دین، یکی از مباحث مهم تفسیر پژوهی معاصر به‌شمار می‌آید. در این میان، تفاسیر اجتماعی به عنوان برجسته‌ترین جریان تفسیری معاصر با مؤلفه‌هایی چند سعی در شناساندن چهره‌ای پویا از اسلام دارند؛ مانند اکتفا به قرآن و پرهیز از روایات تفسیری، اذعان به سازگاری قرآن با حقایق علمی، مبارزه با تقلید گرایی، ضرورت گشودن باب اجتهاد و تلاش برای تحقق تقریب ادیان و مذاهب .

وی ادامه داد: پژوهش ها به شیوه توصیفی تحلیلی، به هدف بازخوانی شاخصه‌های عقل گرایی در تفاسیر اجتماعی با محوریت تفسیر المنار به این نتیجه رسیده است که باور به پویایی اسلام و لزوم ارائه فهم جدید از قرآن و سنت به منظور هماهنگ کردن برداشت‌های قرآنی با مقتضیات عصر نوین و تلاش برای سازگار نمودن پاره‌ای از گزاره‌های قرآنی با تحولات اجتماعی نوپدید، مفسر را به نواندیشی در مباحث دینی سوق می‌دهد. افزون بر این، ضرورت نگاه اجتهادی برای استنتاج قرآن به منظور یافتن چارچوبی اصلاحی متناسب با زندگی در عصر حاضر موجب می‌شود تا مفسر عقل را به مثابه ابزاری برای هماهنگ کردن احکام و معارف دینی با مقتضیات زمان به‌کار برد.

#### محور چهارم

#### تفسیر اجتماعی و پیدایی انقلاب اسلامی

روز دوم همایش در روز پنجشنبه ۱۹ اسفند از ساعت ۹ صبح آغاز شد. بخش نخست به محور تفسیر اجتماعی و پیدایی انقلاب اسلامی اختصاص داشت و خانم دکتر نیلساز و آقایان دکتر فتح‌اللهی و جعفری در این نشست ارائه داشتند. سخنرانی نخست با عنوان نقش رویکرد انتقادی به پندارهای رایج درباره مفاهیم دینی در پیدایی انقلاب اسلامی با تأکید بر آرای تفسیری مقام معظم رهبری توسط دکتر نصرت نیلساز دانشیار دانشگاه تربیت مدرس انجام شد. دکتر نیلساز گفت: انقلاب اسلامی ایران در دورانی که گمان می‌شد نقش‌آفرینی دین در حیات بشری به پایان رسیده یا بسیار محدود شده است، از یک سو مبتنی بر باورهای اصیل دینی و از سوی دیگر متکی به حضور توده‌های میلیونی شکل گرفت. یکی از عوامل بسیار مؤثر در حضور گسترده مردم، تلاش‌های مستمر عالمانی چون شهید مطهری، آیه‌الله طالقانی، محمدتقی شریعتی، آیه‌الله خامنه‌ای و دیگران بود که سال‌های طولانی با ایراد خطابه یا تألیف آثار تلاش کردند مفاهیم دینی را از پندارهای غلطی که ریشه‌ای در قرآن و نصوص معتبر دینی نداشت، رها سازند و معنای واقعی این مفاهیم را از قرآن و روایات صحیح استنباط و به جامعه عرضه کنند .



وی ادامه داد: کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی، حاصل ۲۸ سخنرانی سید علی خامنه‌ای ۳۵ ساله در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ هجری شمسی در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در بازار سرشور مشهد را، بی‌شک می‌توان یکی از نمونه‌های بسیار مهم تفسیر اجتماعی در دوران شکوفایی این رویکرد تفسیری در ایران دانست. در این خطابه‌ها ویژگی‌های شاخص رویکرد اجتماعی به تفسیر مانند استفاده از شیوه تفسیر قرآن به قرآن برای استنتاج قرآن و دستیابی به پاسخ مسائل مختلف، تأکید بر لزوم تدبیر در قرآن، توجه به مسائل جدید اجتماعی و تفسیر موضوعی قرآن کاملاً آشکار است.

دکتر نیلساز اشاره کرد: از مهم‌ترین دغدغه‌های خطیب بازتعریف مفاهیم دینی مانند رحم، مغفرت، انفاق، توکل، اقامه صلوه، ایمان، ولایت، شفاعت، هجرت، خواست خدا و به‌ویژه ولایت بوده و در همه این تبیین‌ها که مبتنی بر آیات قرآن است باورهای عامیانه و رایج درباره این مفاهیم به نقد کشیده شده است. همچنین نشان داده شده است که نوعی دینداری رواج دارد که مطابق با آیات قرآن نیست و این مفاهیم دینی و بلکه خود دین را به یک عامل مخدر تبدیل کرده است و در صورت اصلاح باورها با بازگشت به قرآن، این مفاهیم دینی به عامل برانگیزاننده، تحرک و پیشرفت اجتماعی تبدیل می‌شود. دکتر نیلساز در پایان گفت: این رویکرد به فهم قرآن بیش از نیم قرن است که در همه نوشته‌ها و بیانات مقام معظم رهبری بازتابی آشکار دارد و رویکردی که زمانی در پیدایی انقلاب اسلامی مؤثر بود، دیرزمانی است که در زدودن تحریف‌ها از بنیادهای فکری امام خمینی و انقلاب اسلامی نقش آفرینی می‌کند.



سخنران بعدی این نشست دکتر محمدعلی فتح الهی عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود که با عنوان جایگاه "الامیین" در قرآن کریم و نسبت آن با مردمسالاری به صحبت پرداخت. دکتر فتح الهی در آغاز گفت: اسلام توانست در عوام مردم، قدرت قضاوت ایجاد کند. نظریه قدرت اسلامی

در پی آن است که قدرت قضاوت در مردم وجود داشته باشد و از بین نرود. ویژگی اسلام آن است که به عوام جامعه موضوعیت می دهد. امام صادق علیه السلام مسئولیت تشخیص علمای صالح از فاسد را به عهده عوام مسلمین می گذارند که علمای صالح را برای تقلید انتخاب کنند. چنین بار مسئولیتی به سیاسی شدن عامه مردم منجر می شود و مردمسالاری دینی را زمینه سازی می کند. بر عکس عوام یهود که قانونگذاری را تابع اهواء و امانی می پنداشتند نمی توانستند قلب های مؤمن نسبت به آن قوانین را داشته باشند و مردمسالاری موضوعیت پیدا کند .

وی تصریح کرد: شاید تعبیر امّی بودن پیامبر اسلام هم اشاره به این معنی داشته باشد که به توده های مردم هویت دادند و آنها را حاملان دین قرار دادند. آنها بواسطه پیامبر اسلام توانستند قدرت قضاوت و شخصیت پیدا کنند. تعبیر الامیین به معنی غیر اهل کتاب در قرآن کریم که ایرانی ها هم از آنها محسوب شده اند نسبتی با قیام الله و تشکیل جامعه مبتنی بر ایمان دینی دارد. هویت، فردیت و تشخص و مدینه هم که همان حکومت قانون الهی است، از قیام برای قانونمندی بوجود می آید و جوهر جوامع در قیام کردن آنها است. این قیام لله به عهده عموم جامعه گذاشته شده است که مبنای مردمسالاری دینی است.



سخنران آخر این پنل دکتر محمد مهدی جعفری استاد بازنشسته دانشگاه شیراز بود. وی در سخنرانی خود با عنوان تفسیر اجتماعی آیه الله طالقانی الهیات رهایی بخش به این موضوع اشاره کرد که: نخستین مفسر قرآن شخص رسول خدا (ص) بود که در پاسخ به یاران و افراد معاصر خویش، برخی از مبهمات قرآن را توضیح می داد و از روی برخی از مطالب مبهم آیات پرده برمی گرفت و به تبیین و روشنگری می پرداختند. پس از رسول خدا (ص) تنی چند از اصحاب، امر تفسیر و تأویل قرآن را به عهده داشتند که اکنون به تفسیر مآثور شهرت گرفته است. لیکن، با گذشت زمان و دور شدن از روزگار رسول خده (ص) و اصحاب نخستین، حکومت ها قرآن را وسیله اثبات حقانیت خود قراردادند و با تطمیع کسانی، احادیثی در تفسیر جعل کردند و به رسول خدا و اصحاب آن حضرت نسبت دادند و بدین وسیله تفسیر را از مسیر درست و اصلی خود به

کوره راه‌های مغرضانه منحرف کردند. سرانجام تفسیر در طول تاریخ مسلمانان، به مباحث لفظی و آرایه های ادبی و داستانهایی سرگرم کننده تبدیل شد و هدف و مقصد اصلی قرآن که آزاد کردن انسانها از قید و بند پرستش طاغوتها و تعالی اخلاق افراد و رفتار آگاهانه و حرکت همبسته اجتماع به سوی تکامل بود، به فراموشی و غفلت سپرده شد و به مباحثی ایستا در آمد.

دکتر جعفری تصریح کرد: در روزگار کنونی، برخی از مسلمانان، از غوغای جهان‌خواران و کشورگشایان و توسعه طلبان اروپایی بیدار شده و به خود آمدند و با درک این واقعیت که چنان تفسیرها و برداشتهایی از کتاب و سنت، علت اصلی عقب ماندگی و انحطاط ملل مسلمان شده است، به قرآن بازگشتند که ببینند چه درمانی برای دردهای عقب ماندگی در خود دارد و چه آیاتی ملت‌های مسلمان را از قیدها و بندها رهایی می بخشد؟

وی در ادامه گفت: این حرکت از سیدجمال الدین، به صورت شفاهی و پراکنده، آغاز شد و بوسیله شاگرد وفادارش سیدمحمد عبده به صورت وسیع و عمیقی ادامه یافت و سپس در دیدگاه شاگردان تفسیر قرآن عبده و کسانی که در سالهای بعد تحت تأثیر مکتب تفسیر اجتماعی وی قرار گرفتند، در کشورهای اسلامی و از جمله ایران، منتشر شد که نمونه برجسته آن در ایران در اثر ماندگار آیه الله طالقانی قابل ملاحظه است.

#### محور پنجم

#### تفسیر اجتماعی و مسائل و شبهات عصری-مسائل زنان

پس از استراحتی کوتاه بخش دوم همایش در صبح روز پنجشنبه ۱۹ اسفند با عنوان تفسیر اجتماعی و مسائل و شبهات عصری-مسائل زنان، ادامه یافت و دکتر محمص دبیر این نشست از دکتر فتحیه فتاحی زاده استاد دانشگاه الزهراء(س) به عنوان نخستین سخنران دعوت کرد به ارائه بپردازد. در ادامه دکتر فتاحی زاده سخنان خود را با عنوان ارزیابی جریان نواعترالی متاخر در فهم زبان دین (با تاکید برمسائل اجتماعی زنان) آغاز کرد و گفت: جریان نواعترالی متاخر با روشنفکرانی تجددخواه از قبیل محمدآرکون، عابدالجابری و نصر حامد ابوزید در تداوم و احیانا در تعارض با جریان نواعترالی متقدم شکل گرفت. مسیر تجددگرایی در جهت رفع تعارض آموزه های دینی با مدرنیته طراحی شده است. بنابراین، در راستای عصری سازی دین تلاش می‌کند و نسبت به چالش های میان سنت و مدرنیته، مدرنیته را در اولویت قرار می دهد. در این جریان فکری، دین باید در انطباق با تجدد و مدرنیته فهم شود. لذا احکام اجتماعی اسلام، وابسته به شرایط فکری فرهنگی بوده و بایستی با مقتضیات عصری و اجتماعی سازگاری برقرار کنند. وی تصریح کرد: تاریخمندی متون دینی با این تفسیر که آموزه های دینی متأثر از فرهنگ زمانه شکل گرفته است، نیزعرفی دانستن احکام اجتماعی اسلام سبب شده، بخش عمده ای از این احکام را سیال و غیر ثابت معرفی کنند. با این توجیه که تحولات فکری و فرهنگی در اعصار بعدی نسبت به عصر نزول، بسترساز این تحول بوده است. فهم دین بویژه فهم احکام اجتماعی اسلام، مبتنی بر فهم مفسر خواهد بود. در نگاه روشنفکر تجدد خواه، بجای تمرکز بر مراد گوینده متن، به مفسر متن اولویت داده می شود و فهم مفسر، تعیین کننده خواهد بود. براین اساس، احکامی که حکایت از تمایز و تفاوت زن و مرد است باید به تساوی زن و مرد خاتمه یابد.

وی در پایان، چالش‌هایی که تفکر نواعتالی متاخر با آن مواجه است بدین صورت برشمرد: غفلت از جاودانگی آموزه‌های دینی، گشودن باب تکثر قرائت‌های بی ضابطه از متن و بی توجهی نسبت به تمایزهای تکوینی زن و مرد که ظاهراً با نماد دفاع از حقوق زنان شکل گرفته، اما در عمل زن را از حقوق مسلم خویش محروم می‌سازد.

سخنران بعدی دکتر سهیلا جلالی کندی دانشیار دانشگاه الزهرا(س) با موضوع بررسی دلایل قرآنی مخالفان مشارکت اجتماعی زنان در عرصه ریاست دولت بود. وی گفت: بسیاری از فقها حضور زنان را در عرصه ریاست دولت نمی‌پذیرند و از جمله به آیاتی استناد می‌کنند. آنان معتقدند مردان بر زنان فضیلت تکوینی از حیث قدرت تعقل و تدبّر دارند و به همین دلیل قوّم و حاکم بر زنان هستند. آیه درجه نیز تصریح کرده مردان بر زنان برتری دارند و مقتضای عقل آن است که انسان‌های برتر متصدی امور جامعه شوند.

دکتر جلالی در ادامه گفت: آیه ۱۸ از خرف درصدد بیان طبیعت زن است که موجودی علاقمند به زیور بوده و کمال خود را در آن می‌جوید و در مخاصمه نیز دستخوش احساس شده و نمی‌تواند سخن خود را مدلل و اثبات کند. به علاوه تصدی ریاست دولت بی‌شک موجب ارتباط با نامحرم است در آیه ۳۳ احزاب ممنوع شده است. در مقابل اندیشمندانی با توجه به جوّ نزول قرآن، سیاق آیات و نگاهی دوباره به معنای واژگان کلیدی، این دلایل را نقد می‌کنند و معتقدند آیه قوّمیت شوهر را متکفل امور همسر خود معرفی می‌کند و به همین سبب، درجه‌ای از برتری بر وی دارد.

دکتر جلالی تصریح کرد تأمل در سیاق آیه ۱۸ از خرف نیز نشان می‌دهد خداوند از فرهنگ و جریان فکری نادرست جاهلی نسبت به دختران پرده برمی‌دارد و گرنه روشن است که نه تمام زنان خود را به زیور برمی‌آرایند و نه همه آنان در مخاصمه ناستوارند. آیه ۳۳ احزاب نیز به معنای خانه‌نشینی و انزوا نیست؛ بلکه متضمن آدابی برای آمدوشد در جامعه است. ذکر این آداب و وجوب رعایت پوشش مناسب بر این اساس استوار است که حضور زن در جامعه و تعامل با نامحرم مجاز است.



تفسیر اجتماعی و نگاه زنانه (بررسی موردی التفسیر البیانی للقرآن الکریم) عنوان سخنرانی بعدی این نشست بود که توسط دکتر کبری روشنفکر استاد دانشگاه تربیت مدرس ارائه شد. دکتر روشنفکر در ابتدا گفت: تفسیر اجتماعی یکی از شاخه‌های اساسی علم تفسیر در دوران معاصر است که در آن از منظر پدیده‌ها و حوادث اجتماعی به آیات نگریسته می‌شود و آیاتی که به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند، تحلیل می‌شوند. مفسر دارای این گرایش، معتقد است که قرآن، مسائل اجتماعی و آنچه مربوط به زندگی اجتماعی

انسان است را از منظر الهی ارائه داده و رابطه بین فردی و اجتماعی انسانها و رابطه بین انسان و خدا را بحث و تحلیل کرده است .

وی ادامه داد: مفسران اجتماعی غالباً به مسائل تربیتی نیز پرداخته اند. این جلوه از تفسیر بین صاحب نظران به نام تفسیر ادبی- اجتماعی نیز معروف است که با واقعیات جهان مناسب تطابق بیشتری می یابد. تلاش خانم عایشه عبدالرحمن، ملقب به بنت الشاطی در این زمینه قابل بررسی می باشد. قرآن پژوهان معاصر، خانم بنت الشاطی را بیشتر در حوزه قرآن شناسی به روش تفسیر ادبی او می شناسند چرا که یکی از مهم ترین آثار وی تفسیر بیانی نام دارد. بنت الشاطی مفسر آگاه به زمان و زن اندیشمند جهان عرب و قرآن پژوه معاصر مصری است که آرای قرآن شناختی او در چند دهه اخیر همواره مورد توجه و مرجع بسیاری از دانشمندان و محققان حوزه قرآن شناسی بوده است .

نتایج تحقیق به روش تحلیل محتوا حاکی از توجه مفسر به اصالت قرآن در فهم مسایل زندگی انسان با استفاده از ابزار زبانشناسی نوین و با تاکید بر وجوه ادبی کتاب الهی است و مهم ترین دغدغه های انسانی مطرح در تفسیر ومطالعات قرآنی ایشان شامل مسایل تربیتی و اخلاقی چون مسئولیت پذیری و امانت داری در زندگی دنیوی است.



سخنران آخر این بخش دکتر مرضیه محمص استادیار دانشگاه شهید بهشتی بود. عنوان سخنرانی دکتر محمص روش شناسی تفسیر اجتماعی قرآن در آثار نومعتزلیان شبه قاره هند بود. دکتر محمص تصریح کرد: جنبش مدرن اسلامی در طول زمان، تحولات بنیادینی را در زمینه تفسیر به وجود آورده است. استدلال آن ها این است که قرآن با دیدگاه های پیشرفته مدرن مخالفتی ندارد. روند مدرن در تفسیر قرآن به زمان شاه ولی الله دهلوی در هند بازمی گردد. او شرایط مسلمانان هند را با جنبش اصلاح گرانه اش تغییر داد. او تقلید را مذمت و از اجتهاد دفاع کرد و از کاربرد ایده های نوین در تفسیر قرآن استقبال می کرد. فضل الرحمن و دیگر اندیشوران گروه نومعتزلیان شبه قاره هند، دلیل عقب ماندگی جوامع اسلامی را تخریب فکری می دانند و معتقدند همین امر، منجر به ناتوانی جوامع مسلمان در پاسخگویی به چالش های دنیای مدرن است.

وی ادامه داد: با توجه به ضرورت روش شناسی نومعتزلیان شبه قاره هند می توان گفت این گروه از اندیشه

وران به کمبودهایی که در آثار متقدم تفسیری مسلمانان وجود دارد، اشاره می‌کنند و معتقدند این تفاسیر نمی‌توانند نمای جامعی از مفاهیم خدا، انسان و اجتماع را بیان کنند. از این منظر بیشتر تفاسیر متقدم قرآن سعی دارند معنایی تحت‌اللفظی از قرآن ارائه نمایند و از پاسخ به مسائل واقعی اجتماع، شانه خالی می‌کنند، لذا بینش و معرفتی عمیق ایجاد نخواهد شد. می‌توان اذعان داشت مهمترین اصل مورد استفاده در تفاسیر اجتماعی از دیدگاه نومعتزلیان شبه قاره هند، اجتهاد است. از این رهگذر با تفسیر نهایی قرآن مخالف می‌شود. آنان روند تفسیر را در طول زمان مستمر دانسته و اجتهاد را وسیله‌ای برای اجرای اصلاحات اجتماعی و پیاده شدن عدالت اجتماعی بر اساس قرآن می‌دانند.



#### محور ششم

##### تفسیر اجتماعی: مسائل و شبهات عصری

آخرین پنل روز دوم همایش به بررسی تفسیر اجتماعی و مسائل و شبهات عصری اختصاص یافت. دکتر اشرف بروجردی (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) با موضوع آموزه صلح و رویکردهای آن در قرآن کریم، نخستین سخنران این بخش بود. دکتر بروجردی گفت: بقا و ارتقاء همه جوامع در سایه صلح، امنیت و آرامش تحقق می‌یابد. در واقع جنگ و قتال، تخاصم ورزی و منازعات داخلی و خارجی آفت پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای تلقی می‌گردد. قرآن کریم که در آیات مختلف شاخص‌های مختلفی برای رشد و ارتقای فرد و جامعه بیان داشته، برای صلح، مدارا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اهمیت زیادی قایل شده است. در واقع آموزه صلح در قرآن کارکردهای متمایز و گوناگونی دارد. جایی در مقابل تهاجم و جنگ و گاهی در برابر نزاع و تخاصم درون خانواده یا در اجتماع و جوامع بزرگتر و بین قبایل و یا امت‌های مختلف کاربرد دارد.

دکتر بروجردی تصریح کرد: پس از بررسی آیات مختلف اینطور استنباط می‌شود که رویکرد قرآن برای رسیدن جامعه به رشد، شکوفایی، دانش و اخلاق که از اهداف آفرینش و ارسال پیامبران است؛ همانا دستیابی به صلح و امنیت است. این معنا که انسانها بتوانند به دریافت حقیقت و اخلاق حسنه و طهارت نفس برسند. چنان که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». این مفهوم بلند نشان از آن دارد که هدف از ارسال پیامبران برخوردار کردن جامعه از شرایط امن است یعنی آنچه که در سایه صلح و آرامش محقق می‌شود. صلح نیز زمانی حاکم می‌شود که رواداری در جامعه به عنوان یک منش اخلاقی در رفتار آحاد جامعه و حاکمیت بروز و ظهور داشته باشد و این امر شرط پذیر نیست. محبت، دوستی و مودت اگر در جامعه‌ای

رواج داشته باشد، توافق و صلح و مصالحه در همه امور ساری و جاری می شود و هیچ شرطی بر آن مترتب نیست. راهکار آن هم در گام نخست گفتگو و در گام دوم گذشت، عفو و اغماض از تخلفی که یکی بر دیگری اعمال کرده، می باشد.

وی در ادامه گفت: قرآن عدم گذشت را نوعی عدول از مصالحه می داند که این مسئله بیشتر در مناسبات اجتماعی معنی پیدا می کند اما آنجایی که پای جنگ در میان باشد تحقق صلح مشروط به حفظ مصالح طرفین است، مگر آنکه خدعه و پیمان شکنی در میان باشد. قرآن چنین می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». در اینجا بغی به معنی ظلم است و شرط قتال مجدد در اعمال ظلم است که با پیمان شکنی و نقض عهد همراه است. در رابطه با قتال و جهاد نیز پس از تبیین دیدگاه و فتاوی فقهای عظام باین نتیجه می رسیم که جنگ و قتال صرفاً در مقابل تهاجم مجاز است و در خصوص آغازگری در جنگ و قتال اجازه ای در دست نیست.



سخنران بعدی این نشست دکتر محیا صفاری نیا (عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق ع) بود که با عنوان تأملی در نوع مواجهه تفسیر اجتماعی قرآن و گفتمان معاصر حقوق بشر به ارائه پرداخت و گفت: در جهان کنونی یکی از گفتمان های غالب در جامعه بشری، گفتمان حقوق بشر بین المللی است. این گفتمان که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم برجستگی یافته و رشد و نمو پیدا کرده است، امروزه جهانشمول معرفی می شود؛ به گونه ای که ورای همه فرهنگ ها و ویژگی های متفاوت ملت های گوناگون، همه افراد و گروهها و عموم عرصه های زندگی آحاد بشر را در برمی گیرد و منحصر به منطقه خاص یا گروه یا عرصه خاصی از

زندگی تلقی نمیشود. این گفتمان روز به روز در حال گسترش و اثرگذاری است و چالش‌های جدی و عمیقی را فراروی کشورهای مختلف از جمله نظام‌های اجتماعی و حقوقی مبتنی بر دین قرار داده است. دکتر صفاری نیا اشاره کرد: برای پاسخ‌دهی مناسب در قبال چالش یاد شده، متفکران دینی و حاکمان کشورهای اسلامی راه‌های متنوعی را پیموده‌اند. مفسران قرآن کریم از جمله جریان‌های اثرگذار و محوری تفکر اسلامی هستند. همین امر بررسی نوع مواجهه آنها در قبال گفتمان حقوق بشر را از اهمیت قابل توجهی برخوردار میسازد.

وی ادامه داد: مفسران قرآن با رویکردهای تفسیری متفاوت شناخته میشوند. تفسیر اجتماعی از جمله فعالترین روشهای تفسیری در حوزه مواجهه با پرسشهای زمانه از جمله موارد مطرح از سوی گفتمان حقوق بشر است. در هر مطالعه مربوط به شناخت نوع مواجهه روش تفسیری مزبور در قبال گفتمان حقوق بشر، در درجه اول لازم است نگاهی به نظام پرسشهای ذیربط صورت گیرد، سپس وحدت یا تنوع طیف مفسران اجتماعی در قبال گفتمان حقوق بشر معاصر واکاوی شود تا معلوم گردد که مجریان روش تفسیر اجتماعی آیا برخورد یکدست و منجسمی در خصوص مباحث گفتمان حقوق بشر داشته و دارند، یا بین آنها تنوع و تکتیری را می‌توان شناسایی کرد و اگر قرار باشد تنوع مزبور در قالب یک طبقه بندی معرفی نمود به چه مواردی می‌توان اشاره کرد و احیاناً ویژگی‌های مشترک یا اختصاصی هر مورد چیست؟ شناسایی ولو اجمالی صورت مسئله‌های یاد شده، این امکان را فراهم خواهد ساخت تا بتوان برای حصول دستاوردهای علمی و عملی مناسب در آینده، برخی پیشنهادات و راهکارها را مطرح نمود.



سپس دکتر محسن قاسم پور (عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی) در سخنرانی بعدی با عنوان عبدالکریم خطیب و اندیشه‌های اصلاح طلبی دینی در تفسیر آیات قرآن اینچنین گفت: عبد الکریم خطیب از جمله مهمترین مفسران اجتماعی معاصر محسوب می‌شود که از حوزه جغرافیایی مصر برخاسته و با هدف ارائه اصول کلی حاکم بر نظام اجتماعی اسلام، با شیوه‌ای نظری تشریحی و تحلیلی، آیات قرآنی را پردازش نموده است.

وی ادامه داد: اگر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از انسجام موضوعی و به کارگیری سیاق درون متنی، متن تفسیر القرآنی للقرآن پیرامون موضوع اصلاح طلبی دینی مورد واکاوی قرار گیرد، می‌توان دریافت که که وی متأثر از مکتب تفسیری "عبده" و به سبب گوناگونی پژوهش‌های قرآنی، مصادیق



اصلاح طلبی دینی را در حوزه فردی ، اجتماعی و دینی بسیار توسعه بخشیده است .  
دکتر عبدالله میراحمدی (عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی) آخرین سخنران این همایش بود که سخنرانی خود را با عنوان راهکارهای استعمارستیزی در تفاسیر اجتماعی با تأکید بر اندیشه امام خمینی و علامه مغنیه ارائه داد و گفت: استعمارستیزی از مهم‌ترین مسئله‌ها و دغدغه مشترک اندیشمندان و مصلحان دینی به شمار می‌آید؛ زیرا استعمار با گردنکشی، نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مستضعفان را استثمار می‌کند. محرومان جامعه نیز در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا از یوغ آنها بیرون بیایند. در این میان، یکی از ویژگی‌های مشترک تفاسیر اجتماعی و قرآن‌پژوهان معاصر، پرداختن به مسئله‌های اجتماعی و تلاش برای حل آنهاست .

ایشان اشاره کرد: امام خمینی و علامه مغنیه دو اندیشمند دینی معاصر هستند که بسیار دغدغه ظلم‌ستیزی دارند. آنها درسخرانی‌ها و نگاشته‌های فراوانی به این امر اشاره داشتند. با بررسی‌های انجام شده مشخص شده؛ امام خمینی و علامه مغنیه به طور مشترک راهکارهای مختلفی برای مبارزه با استعمار بیان کردند. از جمله راهکارهای فردی، پایبندی به اصول اسلامی، خودباوری، آزادی خواهی و همچنین شجاعت‌ورزی را می‌توان نام برد. افزون بر این شیوه‌ها، دو اندیشمند دینی به تعدادی راهکار اجتماعی برای استعمارستیزی تأکید دارند که از آن جمله بصیرت افزایی، بسیج همگانی، تصمیم و اراده جمعی و نیز جهاد و مبارزه را می‌توان اشاره کرد.

در پایان این پنل، دکتر سیدمجید نبوی دبیر نشست، به جمع بندی سخنان اساتید حاضر در نشست پرداخت.

## ۱۰. سیاستگذاری و حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل با رویکرد اسالمی

ارایه کننده: دکتر حسن صفرخانی مشاور رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسالمی زمان: ۲۲ دیماه ۱۴۰۰ با یاری خداوند و همکاری اساتید بزرگوار بخصوص رییس محترم دانشکده معارف اسالمی و علوم سیاسی و یاری معاونت پژوهشی دانشکده نشست سیاستگذاری و حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل با مشارکت بیش از ۳۰ نفر از دانشجویان و اساتید محترم از داخل و بیرون دانشگاه برگزار گردید و نکات تجربی و ارزنده ای در حوزه سیاستگذاری فرهنگی مطرح گردید که خالصه ای از آن تقدیم می گردد. شایان ذکر است این نشست در ادامه سلسله نشستهای تخصصی سیاستگذاری عمومی که با هدف بهره مند سازی دانشجویان علوم سیاسی از تجارب عملی سیاستگذاران، برنامه ریزان و مجریان سیاستها در حوزه های مختلف مورد تاکید و تصویب گروه علوم سیاستگذاری و حکمرانی قرار گرفته است برگزار می شود. گزارش نشست حکمرانی و سیاستگذاری در عرصه فرهنگی با رویکرد اسالمی نکته اول اینکه باید سیاستگذاری ما در این عرصه معطوف به اهداف باشد و ابتدا به ساکن برای خود به روشنی تعریف کنیم که دنبال دنبال چه آرمانها، اهداف و برنامه هایی هستیم سپس در درون نظام تصمیم گیری و اجرا بتوانیم اجماع الزم و همدلی نیروها را ایجاد نماییم. انقلاب اسالمی ایران انقلابی با یک هویت خاص فرهنگی و مبتنی بر ارزش ها و مبانی دینی است لذا این انقلاب با توجه به ویژگی هایی که داشته از ابتدا جلوه های بیرونی خود را نشان داده و ضرورت فعالیت در عرصه فرهنگی جهانی از همان ابتدا حضور و فعالیت جمهوری اسالمی ایران در عرصه بین المللی را گریزناپذیر نموده است. بسیاری از جنبشها و حرکتهای انقلابی و مخالف وضع موجود در جهان در صدد بوده و هستند که ماهیت این انقلاب، ارزشهای این انقلاب و مبانی این انقلاب را و جهات متعدد این انقلاب اسالمی را متوجه شوند و ماهیت آنرا درک کنند. لذا انقلاب اسالمی از هم بدو تاسیس پژوهاک های بیرونی زیادی پیدا میکند. عاقله مندان به انقلاب سعی دارند انقلاب ما را مورد توجه قرار دهند و سعی می کنند انقلاب را بشناسند، زوایای مختلف این انقلاب را بررسی کنند و مهمتر از همه سعی میکنند از این انقلاب الگو بگیرند. بنابر این یکی از ویژگیهای مهم انقلاب اسالمی ماهیت بین المللی آن بوده که نه تنها مورد توجه مسلمانان بلکه مورد توجه غیرمسلمانان هم قرار گرفت و موجب توجه ملتها و جنبشها به این انقلاب شد. در زمانی که دو قطب مخالف یکی قطب سوسیالیستی کمونیستی که دین را افیون جامعه می دانست و دیگری دین را صرفاً در الیه های حیات شخصی و با محدودیت های زیاد در عرصه اجتماع تعریف میکند و حضور اجتماعی دین را منع می کند انقلابی رخ میدهد با یک پیام اصیل و این پیام اصیل اینست که دین غیر از این که جنبه های شخصی حیات انسانی را در بر میگیرد می تواند حیات اجتماعی جامعه را تحت تاثیر قرار بدهد و جلوه های ماندگاری از خودش در عرصه حیات اجتماعی خلق کند. این بعد انقلاب است که مطالبه ای برای حضور و ارایه کالی ارزنده انقلاب در عرصه بین المللی است و ضرورت حضور ما در عرصه فرهنگ بین الملل را تبیین می کند. بنابر این یکی از ماموریت ها، وظائف و تکالیفی که بر عهده جمهوری اسالمی ایران و مسئولین آن به ویژه مسئولین فرهنگی گذاشته میشود این است که حضور جدی و مناسب در عرصه بین الملل داشته باشند. در سالهای ابتدایی رویکرد انقلاب تثبیت انقلاب در داخل و جذب کشورها و گروهها برای افزایش مشروعیت جهانی برای آن است اما رفته رفته این بستر توسعه پیدا میکند و در میان سیاستگذاران یک نگاه وسیع تر و یک نگاه منظومه ای شکل میگیرد که مبتنی بر معرفی ایران در سه ساحت ایرانی، ایران اسالمی و ایران انقلابی است.

هدف اول این است که ارزش های تمدنی ایران و سابقه تمدنی ایران را با استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند هنر، موسیقی، کتاب و غیره به جهان بشناسانیم. در الیه دوم قرار است ایران اسالمی یعنی ایرانی که با آن سابقه تمدنی بعد از ورود اسالم برخوردار از تمدن جدیدی و بالندگی جدیدی میشود را ترسیم کنیم و کشور ایران را به عنوان مهد و کانون یک تمدن اسالمی به جهان معرفی کنیم. در این نگاه ایران نه تنها در عرصه تمدنی ایران بزرگ بلکه در عرصه جهان اسالم نقشآفرینی میکند و بسیاری از جنبه های فرهنگی، ادبی، هنری، معرفتی، علمی و آموزشی در سایهسار پیوند ایران و اسالم شکل میگیرد که جهان را از دستاوردهای ارزشمند خود بهره مند میکند. در الیه سوم هدف این است که جهان بینی انقلابی و مقابله با استکبار و ستم ستیزی مکمل ایران اسالمی است. پیوند دین سیاسی با تمدن بزرگ ایران جلوه جدیدی از حیات اجتماعی را به نمایش می گذارد که ضدیت اساسی با استبداد و استکبار دارد و کشورها و ملل جهان را فرامی خواند تا خود را از سلطه استکبار و مستکبرین رها نماید و در این حوزه ایران اسالمی انقلابی در کنار همه گروهها، نهضتها و ملتهای جهان قرار دارد و تجارب فرهنگی خود را در اختیار آنها قرار می دهد. اساس حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل در جمهوری اسالمی ایران این منظومه سه الیه از تبلیغ هویت انقلاب اسالمی است که باید با سیاستگذاریهای مناسب و کارآمد عجین شود. باید با برنامه های اجرایی و کارگشا همراه شود و باید با مجریان توانمند و متعهد به جلو حرکت نماید. به رغم همه تالشها و زحمات در حوزه سیاستگذاری آسیبهایی داخلی و بیرونی وجود داشت که از آن جمله آسیبهای ساختاری، آسیبهای نیروی انسانی و آسیبهای برنامه ریزی هستند. در حوزه آسیبهای ساختاری سیاستگذاری باید به این سابقه اشاره کنیم که با توجه به نهادسازی در سالهای ابتدایی انقلاب، الیه های مختلف که گفته شد هر کدام توسط نهاد خاصی دنبال میشد و انسجام نهادی وجود نداشت. هر یک از این نهادها الیه ای از این مسئولیت را به عهده داشتند. مثال سازمان تبلیغات اسالمی در عرصه تبلیغ ارزشهای اسالمی فعالیت داشت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسالمی از طریق رایزنیها بیشتر مبلغ الیه تمدنی با ابزار هنر را متولی بود و هر دستگاهی فقط یک بعد از این مجموعه منظومه فرهنگی را در دست داشتند. بعد از تثبیت انقلاب و با رهبری مقام معظم رهبری، ایشان این دغدغه را داشتند که نهادی مسئولیت تبلیغ و ترویج هر سه جلوه و هر سه بعد ایرانی، ایران اسالمی و ایران اسالمی انقلابی را داشته باشد و با یک انسجامی همه این جلوه ها را مورد توجه قرار بدهد. بنابر این یکی از آسیبهای جدی این بود که تا دهه ۷۰ پراکندگی نهادی در حوزه سیاستگذاری و اجرای فعالیتهای فرهنگی در خارج از کشور وجود داشت و هر نهادی با توجه به سابقه و توان خود فقط بخشی از این مسئولیت را بر عهده میگرفت که این امر گاهی اوقات باعث کم اثر شدن و خنثی شدن فعالیتهای تبلیغی در عرصه بین المللی می شد. مقام معظم رهبری این موضوع را مورد توجه قرار دادند و سیاستگذاری و راهبری واحد را مورد تاکید قرار دادند و وزارت فرهنگ، وزارت خارجه و سازمان تبلیغات اسالمی را مامور کردند که همراه با شخصیتهای فرهنگی به انسجام بخشی فعالیتهای فرهنگی در عرصه بین الملل بپردازند که در این راستا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسالمی شکل گرفت. در کنار آسیب نهادی سیاستگذاری که ذکر شد آسیبهای دیگری نیز در حوزه های مختلف وجود دارد که الزم است مانند نمونه مورد توجه جدی قرار گرفته و رفع شود و آسیب برنامه ریزی از آن جمله است. از منظر سیاستگذاری و برنامه ریزی باید توجه داشت که با توجه به بضاعت مزجات و توان و ظرفیت کشور باید قدمها را طوری برداریم و سیاستها را طوری طراحی کنیم که به بهترین شکل بتوانیم محصول ارزشمند خود را معرفی و یک تصویر کاملی را از هویت انقلاب معرفی کنیم یعنی با کمترین هزینه بتوانیم بیشترین بهره را کسب نماییم.

باید بتوانیم طوری برنامه ریزی کنیم که حداکثر بهره برداری را از حداقل منابع داشته باشیم و همچنین، بتوانیم مقابله حداکثری با سیاستگذاری و برنامه‌های فرهنگی بین المللی دشمن را هم داشته باشیم یعنی برنامه فرهنگی ما باید طوری طراحی شود که با کمترین منابع بتوانیم در دو بعد دستاوردها را بهینه نماییم: اول ارایه حداکثر و بهترین تصویر از هویت انقلاب اسالمی و دوم بیشترین بازدهی در حداقل سازی یا محدود سازی و کنترل برنامه های تخریبی دشمن علیه تصویر واقعی از انقلاب اسالمی. برای حل این مشکل باید با دو اتفاق حرکت خود را بازتنظیم کنیم. یک اینکه باید نگاه جدیدی داشته باشیم به حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی. باید از نگاه کالسیک در سیاستگذاری و آسیبهای آن درس بگیریم؛ از روش سیاستگذاری و اجرای سنتی درس بگیریم و ریل گذاری جدیدی انجام بدهیم که این امر مستلزم این است که سیاستگذاری جدید ما باید حتما مبتنی بر آموزش باشد. دوم اینکه سیاستگذاری و برنامه ریزی ما باید مبتنی بر پژوهش، آینده پژوهی، آینده نگری و آینده نگاری باشد. باید در این عرصه تالش جدی کنیم تا با دست یافتن به علم روز در حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی، استفاده از ظرفیتهای جدید مانند موسسات مردمی، موسسات فرهنگی غیردولتی و مهارتهای جدید امروزی سیاستگذاری فرهنگی در حوزه بین الملل را گونه ای بازتعریف کنیم تا تاثیرگذاری حداکثری با ابزارهای جدید داشته باشیم و شواهد گویای آن است که حرکت در این عرصه با روال سابق کارگشا نخواهد بود. بسمه تعالی گزارش نشست سیاستگذاری و حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل با رویکرد اسالمی ارایه کننده: دکتر حسن صفرخانی مشاور رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسالمی زمان: ۲۲ دیماه ۱۴۰۰ با یاری خداوند و همکاری اساتید بزرگوار بخصوص رییس محترم دانشکده معارف اسالمی و علوم سیاسی و یاری معاونت پژوهشی دانشکده نشست سیاستگذاری و حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل با مشارکت بیش از ۳۰ نفر از دانشجویان و اساتید محترم از داخل و بیرون دانشگاه برگزار گردید و نکات تجربی و ارزنده ای در حوزه سیاستگذاری فرهنگی مطرح گردید که خالصه ای از آن تقدیم می گردد. شایان ذکر است این نشست در ادامه سلسله نشستهای تخصصی سیاستگذاری عمومی که با هدف بهره مند سازی دانشجویان علوم سیاسی از تجارب عملی سیاستگذاران، برنامه ریزان و مجریان سیاستها در حوزه های مختلف مورد تاکید و تصویب گروه علوم سیاستگذاری و حکمرانی قرار گرفته است برگزار می شود. گزارش نشست حکمرانی و سیاستگذاری در عرصه فرهنگی با رویکرد اسالمی نکته اول اینکه باید سیاستگذاری ما در این عرصه معطوف به اهداف باشد و ابتدا به ساکن برای خود به روشنی تعریف کنیم که دنبال دنبال چه آرمانها، اهداف و برنامه هایی هستیم سپس در درون نظام تصمیم گیری و اجرا بتوانیم اجماع الزم و همدلی نیروها را ایجاد نماییم. انقلاب اسالمی ایران انقلابی با یک هویت خاص فرهنگی و مبتنی بر ارزش ها و مبانی دینی است لذا این انقلاب با توجه به ویژگی هایی که داشته از ابتدا جلوه های بیرونی خود را نشان داده و ضرورت فعالیت در عرصه فرهنگی جهانی از همان ابتدا حضور و فعالیت جمهوری اسالمی ایران در عرصه بین المللی را گریزناپذیر نموده است. بسیاری از جنبشها و حرکتهای انقلابی و مخالف وضع موجود در جهان در صدد بوده و هستند که ماهیت این انقلاب، ارزشهای این انقلاب و مبانی این انقلاب را و جهات متعدد این انقلاب اسالمی را متوجه شوند و ماهیت آنرا درک کنند. لذا انقلاب اسالمی از هم بدو تاسیس پژوهاک های بیرونی زیادی پیدا میکند. عاقله مندان به انقلاب سعی دارند انقلاب ما را مورد توجه قرار دهند و سعی می کنند انقلاب را بشناسند، زوایای مختلف این انقلاب را بررسی کنند و مهمتر از همه سعی میکنند از این انقلاب الگو بگیرند. بنابر این یکی از ویژگیهای مهم انقلاب اسالمی ماهیت بین المللی آن بوده که نه تنها مورد توجه مسلمانان بلکه مورد توجه

غیرمسلمانان هم قرار گرفت و موجب توجه ملتها و جنبشها به این انقلاب شد. در زمانی که دو قطب مخالف یکی قطب سوسیالیستی کمونیستی که دین را افیون جامعه می دانست و دیگری دین را صرفاً در الیه های حیات شخصی و با محدودیت های زیاد در عرصه اجتماع تعریف میکند و حضور اجتماعی دین را منع می کند انقلابی رخ میدهد با یک پیام اصیل و این پیام اصیل اینست که دین غیر از این که جنبه های شخصی حیات انسانی را در بر میگیرد می تواند حیات اجتماعی جامعه را تحت تاثیر قرار بدهد و جلوه های ماندگاری از خودش در عرصه حیات اجتماعی خلق کند. این بعد انقلاب است که مطالبه ای برای حضور و ارایه کالی ارزنده انقلاب در عرصه بین المللی است و ضرورت حضور ما در عرصه فرهنگ بین الملل را تبیین می کند. بنابر این یکی از ماموریت ها، وظائف و تکالیفی که بر عهده جمهوری اسلامی ایران و مسئولین آن به ویژه مسئولین فرهنگی گذاشته میشود این است که حضور جدی و مناسب در عرصه بین الملل داشته باشند. در سالهای ابتدایی رویکرد انقلاب تثبیت انقلاب در داخل و جذب کشورها و گروهها برای افزایش مشروعیت جهانی برای آن است اما رفته رفته این بستر توسعه پیدا میکند و در میان سیاستگذاران یک نگاه وسیع تر و یک نگاه منظومه ای شکل میگیرد که مبتنی بر معرفی ایران در سه ساحت ایرانی، ایران اسلامی و ایران اسلامی انقلابی است. هدف اول این است که ارزش های تمدنی ایران و سابقه تمدنی ایران را با استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند هنر، موسیقی، کتاب و غیره به جهان بشناسانیم. در الیه دوم قرار است ایران اسلامی یعنی ایرانی که با آن سابقه تمدنی بعد از ورود اسلام برخوردار از تمدن جدیدی و بالندگی جدیدی میشود را ترسیم کنیم و کشور ایران را به عنوان مهد و کانون یک تمدن اسلامی به جهان معرفی کنیم. در این نگاه ایران نه تنها در عرصه تمدنی ایران بزرگ بلکه در عرصه جهان اسلام نقشآفرینی میکند و بسیاری از جنبه های فرهنگی، ادبی، هنری، معرفتی، علمی و آموزشی در سایهسار پیوند ایران و اسلام شکل میگیرد که جهان را از دستاوردهای ارزشمند خود بهره مند میکند. در الیه سوم هدف این است که جهان بینی انقلابی و مقابله با استکبار و ستم ستیزی مکمل ایران اسلامی است. پیوند دین سیاسی با تمدن بزرگ ایران جلوه جدیدی از حیات اجتماعی را به نمایش می گذارد که ضدیت اساسی با استبداد و استکبار دارد و کشورها و ملل جهان را فرامی خواند تا خود را از سلطه استکبار و مستکبرین رها نماید و در این حوزه ایران اسلامی انقلابی در کنار همه گروهها، نهضتها و ملتهای جهان قرار دارد و تجارب فرهنگی خود را در اختیار آنها قرار می دهد. اساس حکمرانی فرهنگی در عرصه بین الملل در جمهوری اسلامی ایران این منظومه سه الیه از تبلیغ هویت انقلاب اسلامی است که باید با سیاستگذاریهای مناسب و کارآمد عجین شود. باید با برنامه های اجرایی و کارگشا همراه شود و باید با مجریان توانمند و متعهد به جلو حرکت نماید. به رغم همه تالشها و زحمات در حوزه سیاستگذاری آسیبهای داخلی و بیرونی وجود داشت که از آن جمله آسیبهای ساختاری، آسیبهای نیروی انسانی و آسیبهای برنامه ریزی هستند. در حوزه آسیبهای ساختاری سیاستگذاری باید به این سابقه اشاره کنیم که با توجه به نهادسازی در سالهای ابتدایی انقلاب، الیه های مختلف که گفته شد هر کدام توسط نهاد خاصی دنبال میشد و انسجام نهادی وجود نداشت. هر یک از این نهادها الیه ای از این مسئولیت را به عهده داشتند. مثال سازمان تبلیغات اسلامی در عرصه تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت داشت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق رایزنیها بیشتر مبلغ الیه تمدنی با ابزار هنر را متولی بود و هر دستگاهی فقط یک بعد از این مجموعه منظومه فرهنگی را در دست داشتند. بعد از تثبیت انقلاب و با رهبری مقام معظم رهبری، ایشان این دغدغه را داشتند که نهادی مسئولیت تبلیغ و ترویج هر سه جلوه و هر سه بعد ایرانی،

ایران اسلامی و ایران اسلامی انقلابی را داشته باشد و با یک انسجامی همه این جلوه ها را مورد توجه قرار بدهد. بنابر این یکی از آسیبهای جدی این بود که تا دهه ۷۰ پراکندگی نهادی در حوزه سیاستگذاری و اجرای فعالیتهای فرهنگی در خارج از کشور وجود داشت و هر نهادی با توجه به سابقه و توان خود فقط بخشی از این مسئولیت را بر عهده میگرفت که این امر گاهی اوقات باعث کم اثر شدن و خنثی شدن فعالیتهای تبلیغی در عرصه بین المللی می شد. مقام معظم رهبری این موضوع را مورد توجه قرار دادند و سیاستگذاری و راهبری واحد را مورد تاکید قرار دادند و وزارت فرهنگ، وزارت خارجه و سازمان تبلیغات اسلامی را مامور کردند که همراه با شخصیتهای فرهنگی به انسجام بخشی فعالیتهای فرهنگی در عرصه بین المللی بپردازند که در این راستا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شکل گرفت. در کنار آسیب نهادی سیاستگذاری که ذکر شد آسیبهای دیگری نیز در حوزه های مختلف وجود دارد که الزم است مانند نمونه مورد توجه جدی قرار گرفته و رفع شود و آسیب برنامه ریزی از آن جمله است. از منظر سیاستگذاری و برنامه ریزی باید توجه داشت که با توجه به بضاعت مزجات و توان و ظرفیت کشور باید قدمها را طوری برداریم و سیاستها را طوری طراحی کنیم که به بهترین شکل بتوانیم محصول ارزشمند خود را معرفی و یک تصویر کاملی را از هویت انقلاب معرفی کنیم یعنی با کمترین هزینه بتوانیم بیشترین بهره را کسب نماییم. باید بتوانیم طوری برنامه ریزی کنیم که حداکثر بهره برداری را از حداقل منابع داشته باشیم و همچنین بتوانیم مقابله حداکثری با سیاستگذاری و برنامههای فرهنگی بین المللی دشمن را هم داشته باشیم یعنی برنامه فرهنگی ما باید طوری طراحی شود که با کمترین منابع بتوانیم در دو بعد دستاوردها را بهینه نماییم: اول ارایه حداکثر و بهترین تصویر از هویت انقلاب اسلامی و دوم بیشترین بازدهی در حداقل سازی یا محدود سازی و کنترل برنامه های تخریبی دشمن علیه تصویر واقعی از انقلاب اسلامی. برای حل این مشکل باید با دو اتفاق حرکت خود را بازتنظیم کنیم. یک اینکه باید نگاه جدیدی داشته باشیم به حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی. باید از نگاه کالسیک در سیاستگذاری و آسیبهای آن درس بگیریم؛ از روش سیاستگذاری و اجرای سنتی درس بگیریم و ریل گذاری جدیدی انجام بدهیم که این امر مستلزم این است که سیاستگذاری جدید ما باید حتما مبتنی بر آموزش باشد. دوم اینکه سیاستگذاری و برنامه ریزی ما باید مبتنی بر پژوهش، آینده پژوهی، آینده نگری و آینده نگاری باشد. باید در این عرصه تالش جدی کنیم تا با دست یافتن به علم روز در حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی، استفاده از ظرفیتهای جدید مانند موسسات مردمی، موسسات فرهنگی غیردولتی و مهارتهای جدید امروزی سیاستگذاری فرهنگی در حوزه بین الملل را گونه ای بازتعریف کنیم تا تاثیرگذاری حداکثری با ابزارهای جدید داشته باشیم و شواهد گویای آن است که حرکت در این عرصه با روال سابق کارگشا نخواهد بود.

## ۱۱. نشست نقد و معرفی کتاب قرآن مورخین

سلسله نشست های علمی فعالیت های اسلام پژوهان کشور فرانسه  
نشست اول

### معرفی و نقد کتاب "قرآن مورخین"

- تبیین سیر تاریخی شیعه دوازده امامی در غرب
- معرفی شیعه پژوهان معاصر
- معرفی کتاب قرآن مورخین و پدیدآوردگان آن
- طرح برخی شبهات مطرح شده در کتاب قرآن و مورخین و پاسخ به آن ها

یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۱  
ساعت: ۱۳:۰۰

لینک شرکت در نشست: [live.mou.ir/research](http://live.mou.ir/research) همراه با اصلی کوچه ناه

سخنران علمی  
حجت الاسلام عباسعلی براته  
عضویت علمی جامعه المعظمه لئلمیه

حجت الاسلام مجتبی رحمتی  
استاد همکار جامعه المعظمه لئلمیه

حجت الاسلام سید محمد موسوی  
فناجوی دکتری دانشگاه مازندران

دبیر علمی  
دکتر میثم جوادنیا  
استاد همکار جامعه المعظمه لئلمیه

معاونت پژوهش و تولید  
گروه مطالعات اسلامی

حضور و مجازی

این نشست علمی در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه مطالعات اسلامی برگزار گردید. در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی ارائه می گردد: دکتر جواد نیا دبیر محترم علمی نشست به مهمترین محورهای که قرار است در این نشست به آنان پرداخته شود را بیان کردند که ۴ محور اصلی است که به ترتیب عبارتند از تبیین سیر تاریخی شیعه دوازده امامی در غرب و معرفی شیعه پژوهان معاصر در غرب و محور سوم معرفی کتاب قرآن مورخین و پدیدآوردگان آن و طرح برخی شبهات مطرح شده در کتاب قرآن مورخین و پاسخ به آنها هستند. استاد محترم موسوی با بیان اینکه الزم است با سابقه ی ش یعه پژوهی در غرب و اینکه شیعه شناسی دوره ی معاصر در فرانسه و نگاه ی به زندگی و آثار محمدعلی امیرمعزی آشنا شد به توضیحاتی پیرامون این مطالب پرداختند که اهم آنها به شرح زیر است: اولین همایش شناخت شیعه دوازده امامی: اردیبهشت / خرداد ۱۳۴۷، استراسبورگ. برگزار گردید مطالعات پراکنده ی پیش از آن می توان به افراد مهم و صاحب اثری اشاره کرد از جمله. ۱: ایگناز گلدز یهر با کتاب پیرامون تاریخ ادبی شیعه. ۲: ولهاوزن آلمانی با کتاب احزاب سیاسی - دینی مخالف در اسلام اولی ه. ۳: دوایت مارتین دونالدسون آمریکایی با کتاب دین شیعه، تاریخی از اسلام در پارس و عراق. ۴: لویی ماسینیون با کتاب سلمان و اولین ثمرات معنوی اسلام ایرانی ایشان در ادامه به نقش آفرینی شاگردان کوربن: پیر لوری، کریستین ژامبه، محمدعلی امی رمعزی و ... پرداختند با این توضیح که محمدعلی امیرمعزی به صورت ویژه مطالعات شیعه دوازده امامی را ادامه داد. پیر لوری کرسی عرفان اسلامی را در دانشسرای کاربردی مطالعات عالی دارد. کریستین ژامبه در فلسفه اسلامی پژوهش می

کند. دکتر موسوی در ادامه به توضیح بیشتر امیر معزی پرداختند که محمدعلی امی رمعزی، از شاگردان کوربن و تحت تاثیر او مطالعات تاریخی-دینی خود را بر سه قرن اول اسلام متمرکز کرد و روش پدیدارشناسانه را با نگاه تاریخی آمیخته کرد. بر خالف کوربن که بر عرفان و فلسفه در عصر صفویان متمرکز بود، امیرمعزی تالش می کند شیعه را در سه قرن اول اسلام با روشی اصیل بشناساند و تشیع، ریشه ها و « و « راهنمای ربانی در تشیع نخستین » دی دگاه های او در باب امام شناسی در دو کتاب بیان شده است. از نمونه آثاری که جناب امیر معزی دارند می توان به موارد ذیل اشاره کرد: نگارش و مدیریت تولید نزدی ک به ۱۶ کتاب. تقریباً هر سال یک کتاب به نام او منتشر م یشود. موضوع تمامی این آثار یا قرآن است یا شیعه. نگارش آثار گروهی با همکاری اسلام پژوهان غالباً اروپایی انجام شده است. قرآن « ، « فرهنگ واژگان قرآن » ، « وحی و تحریف؛ مقدمه ای بر کتاب القرائات سیّ اری چهار اثر قرآنی امیرمعزی است. سه مورد اول « قرآن صامت و قرآن ناطق » و « تاریخ دانان با همکاری دیگر اندی شیمندان نگارش شده است. برخی از آثار شاخص امیرمعزی به انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی ترجمه شده اند. دو کتاب مهم از امیرمعزی توسط آقا ی نور الدین اهلل دین ی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. کتاب قرآن ناطق و قرآن صامت نی ز در مراحل مقدماتی برای چاپ است. استاد براتی با طرح چندین شبهه در کتاب قرآن مورخین آمده است به صورت مفصل پاسخ های آن را ارائه کردند. در پایان اساتید محترم به سوالات مخاطبین آنالین پاسخ های الزم را ارائه کردند.



## ۱۲. نشست واکاوی ادله حرمت نکاح با اهل کتاب

نشست علمی پژوهش

واکاوی

ادله حرمت نکاح اهل کتاب

- بررسی قول مشهور و نقد ادله آن
- چگونگی دلالت آیات و روایات در این موضوع
- راهکار جمع روایات به صورت عقلی و مستدل

حجت الاسلام دکتر مرتضی خلیله  
استاد و پژوهشگر حوزه و دانشگاه

همراه با اعطای تواضع

شنبه ۲۹ مرداد ماه ۱۴۰۱  
ساعت ۱۰

live.mou.ir/research  
لینک شرکت در کارگاه

دانشگاه مجازی لمصلحه  
www.mou.ir  
۲۵-۳۲۱۱۴۱۷۸-۱۷۹

این نشست علمی در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی برگزار گردید. استاد محترم در ابتدا مقدمه ای را بیان کردند که نکاح از مباحث مهم زندگی هست و از شاخه فقه خانواده محسوب می‌گردد. مهم ترین بنیان در اجتماع ازدواج است و نیاز روحی و جسمی بشر با ازدواج برطرف می‌گردد. با توجه به مهاجرت های زیاد و رفت آمد ها با خارج از کشور و کشورها یی که مسلمانان در اقلیت هستند مثل لبنان، نی جریه، ترکیه در دنیا به این مسئله نکاح مختلط می‌گویند. نظرات علماء از این رو می ان علمای اسلام به ویژه امامی ه در این موضوع آرای فقهی متفاوتی وجود دارد که ه بیچ یک از اصحاب در طرح این سؤال بر علی ابوعقل و ابن بابویه رحمه اهل سبقت نگرفته اند چنانکه اکثر متأخرین جواز نکاح کتاب را در استمتاع می دانستند. فقط نهی در نکاح دائم و برخی از فقها به جواز مطلق و برخی دیگر به نهی از آن پرداختند. خوب، حال دائمی یک ضرورت است و نقش این مبحث به دلیل احکامی که در بر دارد از قبیل حضانت و ارث و نفقه و مانند آن بسیار حائر اهمیت است و با توجه به آن به سخنان علمای امامی ه در موضوع حدود سؤال می پردازیم. و آنچه از کتاب و سنت به آن تمسک دارد، از آیات شروع می کنیم، سپس اخبار، . ابحت از آیات . ۱-۱۱ آیات رد کننده آلیه یکم: قوله تعالی « وَ ال تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَ لَأُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ حَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ ال تَنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ حَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللّٰهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ » ( البقرة : ۲۲۱ ) (بر اساس شمول مشرکان برای همه اهل کفر، حتی اهل کتاب را نیز می توان از آنها استنباط کرد و دلیل ای ن که اهل کتاب در میان آنها هستند، قول مسیحی ان به سه نفر است. و قول اليهود: « وَ قَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللّٰهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللّٰهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ

يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ) (٣٠) اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ « (التوبة: ٣) (فیدل لفظ « يُشْرِكُونَ » بأوضح شكل على المدعى و يشهد بأن اليهود و النصارى مشركون فى شملهما النهى المذكور فى آلیة كما هو ظاهر، و كذلك تدل آلیات الأخرى) التوبة - ٣٣: البقرة: ١٣٥- آل عمران: ٦٧ - النساء: ١٧١ (على الشمول. آلیة دوم: قوله تعالى « وَ الَّ تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ وَ أَشْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ أَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَ حِكْمُ اللَّهِ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ « (الممتحنة: ١٠) ( و الوجه فى داللتها: أن النكاح عصمة من العصم فیدخل تحت النهى آلیة سوم: قوله تعالى: « الَّ يَسْتَوِى أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ، أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ « (الحشر: ٢٠. ١-٢) ( آلیة تالی د كنده « وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ الَّ مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْأَخْزَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ « (المائدة) (٥: يستفاد منها جواز نكاح الكتابية مطلقا، واما مايقال انها بقربنة « أَجُورَهُنَّ » يحمل على جواز المتعة، إلن عوضه ی سَمَى الجِر؛ (الحلى ، ١٤٢٥، ج ٢ ص، ١٩٧) لقد بان الشكال فيه، ح یث ینقض بآل یات التی أطلق الجِر فیها على مطلق النكاح (النجفی، ١٣٧٣، ج ٣٠، ص ٢٩) ک« وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ. « (النساء: ٢٤) (استاد محترم بعد از بیان آیات به بیان نظر نهایی در این بخش پرداختند که با توجه به اینکه مجمع علیه بین مفسرین هست سوره مائده آخرین سوره ای هست که نازل شده است و احتمال نسخ و تخصیص در آی ه مجوزه نسبت به آیات مانعه هست نمیتوان به آی ات مانعه استدلال کرد. ایشان در ادامه نشست روایاتی که در این موضوع آمده است را به توضیح پرداختند که با توجه به اینکه اساس استدلال در قول مشهور روایات مانعه هست و ما در بحثمان در داللت این آیات بر منع اشکال داریم و اثبات میکنیم که این روای ات حداکثر چ یزی که ازش برداشت می شود کراهت است، لذا تمام ن یستند. ١. معتبر محمد بن مسلم ، عن أبی جعفر علیه السالم - فى حدیث - قال : ال ینبغى للمسلم أن یتزوج ینهودیة وال نصرانیة وهو یجد مسلمة حرة أو أمة. (الحر العاملی، ١٤٠٩، ج ٢٠، ص ٥٣٥) (هذا ظاهر فى الاستحباب و ال اقل غیر ظاهر فى الحرمة مع أن الجواز فیما لم یجد مسلمة متیقن فال یستفاد الحرمة مطلقا. ٢. خبر محمد بن مسلم ، عن أبی جعفر علیه السالم قال : ال یتزوج ینهودیة والنصرانیة على المسلمة (الحر العاملی ، ١٤٠٩، ج ٢٠، ص ٥٤٤) ، (موردها یختص فیما كانت على المسلمة وقد یجوز فیما لم یکن علیها. ٣. نفس ما نقل عن معاویة بن وهب سابقا یستشم منه عدم الجواز ح یث قال : « إذا أصاب المسلمة فما یصنع بالیهودیة والنصرانیة؟ » مع امکان حمله على الكراهة ی ستفاد الجواز ا یضا. همه این گزارش ها برای پی شگیرى استنباط می شوند، با ای ن احتمال که ممکن است به عنوان ترکیبی از اخبار به عنوان نفرت انگیز تعبیر شوند. ایشان در پایان نشست به جمع بندی پرداخته و به سوالت مخاطبین آنالین پاسخ های الزم را ارائه کردند.

### ۱۳. خوانش آورده های انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم از منظر قرآن و روایات

نشست علمی پژوهشی  
خوانش آورده های انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم  
از منظر قرآن و روایات  
(با تاکید بر آورده های سیاسی انقلاب اسلامی)

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱  
ساعت : ۱۰:۰۰ : ۱۲:۰۰

live.mou.ir/research لینک شرکت در نشست

دبیر علمی  
حجت الاسلام مهدی سازندگی  
مدیر گروه قرآن و حدیث هفتکلیه جلی

سخنران علمی  
حجت الاسلام دکتر سید حسین شفیقی  
عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث هفتکلیه جلی

معاونت پژوهش و تولید  
گروه قرآن و حدیث

این نشست علمی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی برگزار گردید در ابتدا جلسه جناب دکتر سازندگی دبیر جلسه مقدمه ای را توضیح دادند که بی انی ه گام دوم انقلاب توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلمین سال انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن ج وانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشمانداز آینده انقلاب را در بخش های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد. مخاطب بیانیه گام دوم، جوانان هستند که بر اساس متن بیانی ه، «بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» را آغاز خواهند کرد. در این بیان یه، جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی شده اند که دنباله مسیر انقلاب اسلامی باید با همت و هشیاری آنان طی شود. بی انی ه مذکور، مهمترین ظرفیت ام ی دبخش کشور را نیروی انسان ی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی دانسته و جمعیت جوان زیر چهل سال را فرصت ارزشمندی برای کشور قلمداد کرده است. در ادامه دکتر سازندگی به این نکته اشاره کردند که بیانیه دارای محورهای متعددی است از جمله عدالت، معنویت و... وآنکه در این نشست علمی قرار است مورد بررسی قرار گیرد محور سیاست از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است و در این بیانیه در حوزه سیاست ۱۶ آرمان سیاسی مطرح شده است که به عقیده بزرگان و کارشناسان سیاسی ۱۴ آرمان سیاسی محقق شده یا زمینه ها و مقدمات رسیدن به آن ها فراهم گردیده شده است و در حوزه سیاست به مهمترین دستاوردهای انقلاب می توان به استقلال، آزادی، عدالت، معنویت، عقالنیت، مردم

سالری، اقتدار، عزت، استکبارستیزی.. اشاره کرد بعد از بیان مقدمه ای توسط دبیر علمی نشست جناب دکتر سازندگی، استاد محترم دکتر شفیعی با بیان اینکه الزم است در ابتدا و قبل از پرداختن به بیانیه گام دوم نکاتی را اشاره کرد از جمله اینکه متن بیانیه به زبان فارسی است و به ظاهر آیه و روایتی در آن به کار برده نشده است ولی بدون تردید فرازهای کوتاه و بلند بی شماری از بیانیه مستند به آیات و روایات می باشد . نکته بعدی این است که بحث هم خوانی بیانیه گام دوم با مساله جهاد تبیین رابطه مستقیم دارد و با تبیین صحیح از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی میتوان شگرد دشمنان نسبت به تحریف بیانیه را خنثی کرده و بحث برآورده های سیاسی تنها بخشی از بیانیه محسوب می گردد ضمن اینکه واژه خوانش که در عنوان نشست به کار برده شده است به معنای مطالعه به همراه تحلیل و تبیین است . استاد محترم در بخشی دیگر از سخنان خود این مطلب را توضیح دادند که بحث استقلال سیاسی مهم ترین ره آورد سیاسی است و ضمن اینکه ریشه بقیه ره آوردهای سیاسی هم محسوب می گردد . نکته دیگری که در بحث استقلال سیاسی باید توضیح داده شود این است که این مطلب ریشه در آیات و روایات دارد که به عنوان نمونه میتوان به نامه ی امیرالمومنین به امام حسن اشاره کرد یا در رابطه با آیات قرآن به آیه ۱۲۰ سوره بقره و آیه ۱۵۳ سوره انعام را میتوان اشاره کرد . دکتر شفیعی در پایان این بخش از سخنان خود تاکید کردند که استقلال سیاسی به این معنا نیست که کشور با دنیا تعامل نداشته باشد بلکه باید عزت مندانه و با حفظ استقلال کشور با سایر کشورهای دنیا در ارتباط بود . محور بعدی که استاد محترم به توضیح آن پرداختند بحث ارتباط بین دین و سیاست بود که ایشان ریشه این بحث را مربوط به غرب دانستند و اینکه نقطه مشترک بین این دو واژه جدایی دین از سیاست از غرب نشات می گیرد که بعد ها به کشورهای اسلامی این دیدگاه وارد شد و قبل انقلاب هم این نگاه جدایی دین از سیاست مطرح بوده است و بعد انقلاب یکی از عواملی که به این بحث جدایی دین از سیاست را تقویت می کند رفتارهای نامناسب برخی از سیاستمداران و مسولین اجرایی کشور است . در زمینه این که دین با سیاست مرتبط است مطالب و مستندات بسیاری را میتوان بیان کرد ولی به عنوان نمونه که دین در حوزه سیاست حرف برای گفت دارد می توان به فرازی از زیارت جامعه کبیره اشاره کرد که "و دعائم الخیار و ساسه العباد" و زیارت جامعه کبیره در حوزه امامت و رهبری فرازهای فراوانی دارد و ضمن اینکه با رجوع به دستورات دینی میتوان به این موضوع پی برد که دین نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی سخنان و ارشادات فراوانی دارد . استاد محترم در بخشی دیگر از سخنان خود با توضیح این که انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور حکومت امام زمان هستند تاکید کردند که می توان با دقت در متن بیانیه به این موضوع پی برد که زمینه سازی برای حکومت امام زمان هم اشاره شده است و ضمن اینکه بنا به اعتقاد مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی زمینه ساز حکومت امام زمان است . در پایان نشست دکتر محترم جناب شفیعی به سوالات مخاطبین آنالین و حضوری پاسخ های الزم را بیان کردند

## ۱۴. رابطه اخلاق و دانش های همگن - دانشگاه مجازی ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

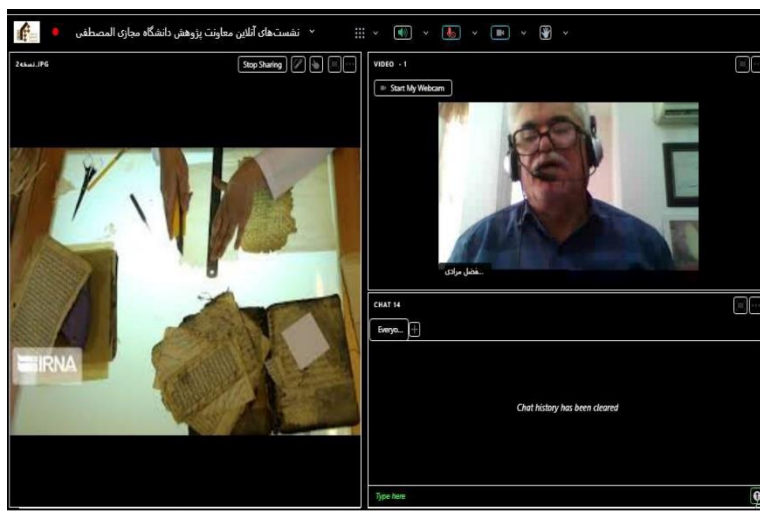
این نشست علمی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه علمی اخلاق برگزار گردید. در ابتدا دبیر علمی جناب دکتر محیطی به تبیین و ضرورت پرداختن به رابطه اخلاق و دانش های همگن پرداختند و با تاکید بر اینکه از دو جهت بحث رابطه اخلاق و دانش های همگن اهمیت و ضرورت دارد که جهت اول این است که پژوهش های که امروزه در مباحث اخلاقی مطرح میشود بین رشته ای است و رابطه بین اخلاق و سایر علوم که مرتبط با اخلاق هستند بسیار اهمیت دارند و جهت دوم اهمیت این است که بین علوم اخلاقی ارتباط برقرار است و با همدیگر اشتراکاتی دارند و در صورت عدم توجه به این روابط و اشتراکات و بی توجهی به تفاوت های موجود بین علوم اخلاقی ممکن است در نظر و در عمل دچار خلط مبحث صورت بگیرد. استاد محترم دکتر احمدی امین با بیان اینکه اخلاق با سایر دانش ها ی که به نحوی مرتبط با اخلاق هستند مانند روانشناسی، تربیت... دارای ارتباط هست که این ارتباط میتواند از حیث ارزشی بودن، ناظر به گزاره های ارزشی اند یا از این حیث که ارتباط با عقل عملی دارند و سایر موارد و اینکه این مبحث از جمله مباحث بسیار مهم و اختلاف بر انگیز است که در این زمینه دیدگاه های مختلفی ایجاد شده است. جناب دکتر احمدی امین ضمن بیان اینکه الزم است به طرح اینگونه مباحث پرداختن به این نکته هم اشاره کردند که عنوان نشست که رابطه اخلاق با دانش های همگن است یک عنوان عام است که موارد زیادی را شامل می گردد از جمله رابطه اخلاق با فقه رابطه اخلاق با حقوق

و..... که اشاره ای به هر کدام خواهد شد از این باب که نسبت سنجی بین اخالق با برخی از علوم مرتبط با اخالق صورت بگیرد که هر کدام از این نسبت سنجی روابط اخالق با سایر دانشها خود نظریات مختلفی مطرح شده است به عنوان نمونه مانند رابطه دین و اخالق که برخی قائل به تباین کلی بین این دو میدانند...یا تباین جزئی و یا همنوایی دین با اخالق یا تطابق کامل اخالق با دین می دانند. در ادامه نشست جناب دکتر با اشاره به اینکه دانش های بشری به نظری و عملی تقسیم می شوند و یک دانش نظری مربوط به دانستن است و در حوزه نظریات است و برخی هم دانش ها مربوط به عمل است و وجود انسان در این حوزه دانشی بسیار مهم است به این دلیل که انسان غایات و اهداف مختلفی دارد و دانش های مختلفی در رابطه با جسم و روح او است. استاد محترم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه دانش های هستد که دائر مدار ارزش هستند یا حوزه های دانشی دیگری که همگن با اخالق هستند که برخی از این اصطلاحات و دانش ها نمی توانند در عرض اخالق باشد به عنوان نمونه نمی توان گفت دین در برابر اخالق است یا فقه در مقابل اخالق است ولی اگر اخالق را شامل ارزش های مربوط به رفتار در نظر گرفته شود بسیاری از این ارزش ها در فقه و هم در اخالق در نظر گرفته میشود. بسیار مهم است که در نسبت سنجی بین اخالق و سایر دانش های که به نحوی مرتبط اخالق هستند دقت شود و اینکه باید به دنبال پاسخ این سوال بود که آیا میتوان راهی برای ارتباط بین دانش ها پیدا کرد و اینکه آیا میتوان صحبت از تقدم یا تاخر گزاره های اخالقی صحبت کرد یا خیر. جناب احمدی امین در ادامه نشست به تعریفی از علم اخالق پرداختند به این گونه که ابتدا اشاره ای به تعریف سنتی از اخالق کردند که در یونان باستان و عموم اندیشمندان مسیحی و مسلمان اینگونه عمل می کردند و امروزه در تعریف نوین از اخالق وقتی صحبت می شود اخالق صرفا متصدی بحث رزایل و فضایل نیست در کنار توجه به این توجه به افعال و رفتار اختیاری انسان در دانش اخالق امروزی در نظر گرفته می شود و در یک جمله تعریف اخالق اینگونه است که دانشی که از صفات اکتسابی و رفتار و افعال اختیاری انسان صحبت می کند و ارزش گذاری می کند برای رسی دن به سعادت و یک زندگی مطلوب و هدف نهایی. و لذا با توجه به تعریف اخالق اینگونه فهمیده میشود که پژوهش های اخالق امروزه شامل بحث ها و موضوعات گوناگونی می شود که سابقا به آنها در اخالق پرداخته نمیشد یا کمتر مورد بررسی قرار می گرفت به طور نمونه حوزه های مختلف سیاست و اقتصاد فردی و... می گردد. استاد محترم ابتدا به رابطه اخالق و فقه توضیحاتی را بیان کردند که مفهوم فقه بسیار دانش وسیعی است و اصطلاح مقاصد فقهیه گویای این است که فقه دانش تک هدفی نیست و به تناسب هر کدام آنها دارای حوزه دانشی خاصی شود و در رابطه با دانش حقوق میتوان اینگونه گفت که حقوق دانشی است که به وجه زیست اجتماعی انسان ها صحبت می کند و در رابطه با نظم و انتظام و زیست عادلانه در مورد قلمرو و جامعه ای باشد. و اینجا میتوان بین اخالق و حقوق تفاوت های پیدا کرد و حوزه محدودتری برای حقوق می توان در نظر گرفت و اینکه حقوق مختص می شود به اجتماع در حالی که اخالق شامل حوزه فردی اجتماعی و الهی است و البته هر کدام از این مطالب در جای خود نظریات رقیب دارد و در نتیجه اخالق اعم از حقوق می گردد چون موضوعی عامتر از حقوق دارد. الزم است به این نکته اشاره شود که غایت و هدفی که اخالق دارد عالوه بر اینکه باعث ارزش گذاری بر گزاره های مختلف می گردد باعث تمایز از سایر دانش ها مانند تربیت و روانشناسی هم می گردد. استاد محترم با تاکید بر این نکته که سه مولفه مهم در اخالق هست که باید به آنها توجه کرد که به ترتیب مولفه اول غایت و هدف اخالق است و مولفه دوم موضوعات گزاره های اخالقی که اخالق در چه مواردی صحبت می کند و حوزه

شناختی اخالق شامل چه موضوعاتی می گردد و مولفه سوم ارزش گزاری صفات و افعال انسان توسط اخالق .مورد بعدی که باید توضیح داده شود رابطه دین و اخالق است که هر دو از اهدافشان رسیدن انسان به سعادت است و اینکه اخالق جزئی از دین در نظر گرفته میشود .گاهی اینگونه سوال می شود که اخالق بر دین مقدم است یا دین بر اخالق که در جواب اینگونه گفته میشود که این سوال اشتباه است زیرا تمایزی بین اخالق و دین نیست بلکه باید اینگونه سوال شود که تقدم و تاخر اجزا دینی نسبت به اخالق چگونه است .استاد محترم در پایان سخنان خود به عرفان عملی اشاره کردند که عرفان عملی در سنجش با اخالق یک رویکرد اخالقی است چون ارزش های را میدهد برای رسیدن به سعادت نهایی در کنار رویکردهای دیگر در اخالقی که رویکرد عرفانی هست که انسان به عنوان تجلی اسما و صفات الهی است . در پایان نشست ضمن جمع بندی مطالب ارائه شده توسط استاد محترم ایشان به سوالت مخاطبین آنالین پاسخ های الزم را ارائه کردند.

## ۱۵. نشست علمی نسخ خطی و جایگاه آن در تولید علم

نشست علمی نسخ خطی و جایگاه آن در تولید علم به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی المصطفی و با همکاری مرکز زبان دانشگاه مجازی المصطفی برگزار شد.



سخ خطی و جایگاه آن در تولید علم با همکاری معاونت پژوهش و مرکز زبان دانشگاه مجازی، با ارائه دکتر ابوالفضل مرادی (رستا) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ برگزار شد.

در ابتدای نشست جناب آقای سعیدنیا مدرس آموزش زبان و استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه به عنوان دبیر علمی به تبیین موضوع و معرفی استاد سخنران پرداخت و در ادامه دکتر مرادی با اشاره به تاریخچه نسخ خطی مباحث خود را آغاز نمود.

اهم مباحث مطرح در این نشست علمی به شرح ذیل می باشد:

کتاب شناسی نسخ خطی یکی از فنون تخصصی مهم و ابزاری بسیار مفید برای تحقیقات علمی است. در جهان غرب، در این زمینه فعالیت زیادی صورت گرفته و آثار ارزشمندی به زبان های متعدد پدید آمده است. در پرتو همین مراجع، امروزه ما می توانیم از موجودیت و چگونگی نسخ خطی فارسی در کتاب خانه های معتبر جهان مطلع شویم.

یکی از مهمترین راه ها برای شناخت و حفظ فرهنگ و هویت هر ملت، توجه به میراثی است که از گذشتگان آن ملت به جای مانده است. بر همین اساس، باید میراث گذشتگان را حفظ کرد و در اختیار همگان قرارداد. نسخه خطی که دست نوشته ای از آثار گذشتگان است مهمترین نمونه میراث گذشتگان است که باید هم در حفظ و نگهداری آن کوشید هم در تصحیح آن. متأسفانه در بعضی از دانشگاه ها و مراکز پژوهشی، نسبت به تصحیح نسخه خطی نگاه مثبتی وجود ندارد و اهمیت آن روشن نیست. از اینرو، در این پژوهش کوشش میشود ابتدا اهمیت نسخ خطی بیان گردد و سپس درباره تصحیح آنها نکاتی بیان شود. در اهمیت نسخ خطی همین بس که این نسخه ها، آینه تمام نمای شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تاریخی زمان خود هستند که تصحیح و برگرداندن آنها به زبان فارسی، به پر بار شدن فرهنگ جامعه کمک میکند. اهمیت استفاده از متون قدیمی، هدف تصحیح نسخ خطی،



نگهداری و تزئین نسخ خطی و روش شناسی تصحیح نسخ خطی از محورهای اصلی این نشست علمی است.

در ادامه دکتر مرادی به تبیین موضوعات زیر پرداخت:

\*تأثیر نسخه شناسی و تأثیر آن در ارتقای علوم دینی

\*کتابخانه ها و مراکز نگهداری کننده نسخ خطی؛ به ویژه در حوزه زبان و ادبیات فارسی

\*جایگاه نسخ خطی و میزان اهمیت دادن به آن در ایران

\*مراحل تصحیح نسخ خطی

\*فهرست نویسی و دسترسی آسان به نسخه های خطی

\*رابطه تصحیح نسخ با مباحث علم زبان شناسی

## ۱۶. عوامل و زمینه های پنهان کاری در زندگی زناشویی

نشست علمی آنلاین با عنوان عوامل و زمینه های پنهان کاری در زندگی زناشویی با ارائه حجت الاسلام دکتر حمید مریدیان برگزار شد.

نشست علمی عوامل و زمینه های پنهان کاری در زندگی زناشویی در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه توسط معاونت پژوهش و تولید محتوا دانشگاه مجازی المصطفی با سخنرانی حجت الاسلام دکتر حمید مریدیان برگزار شد.

یکی از مهمترین موضوعات مبتلا به در جامعه، مسائل و مشکلات زندگی زناشویی است که پرداختن به آن و ارائه راهکارهای نظری و عملی مؤثر، لازم و ضروری می باشد.

دکتر مریدیان در این نشست موارد پنهان کاری در زندگی زناشویی را به حوزه های شناختی، احساسی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد و با اشاره به اهمیت و فراگیری حوزه شناختی، باورها و نگرش های زوجین در زندگی زناشویی، تفاهم زوجین و میزان صمیمیت آن ها تأثیرگذار دانست.

حجت الاسلام دکتر مریدیان افزود: از موارد مهم پنهان کاری در زندگی مشترک، مخفی نمودن عواطف و احساسات از طرف مقابل است که زوج یا زوجه تحت شرایطی بیرونی یا درونی به مخفی کردن روی می آورد. این موضوع در بعضی از مواقع ممکن است باعث آسیب هایی در روابط شود و در دراز مدت مشکلات زیادی را که گاه جبران ناپذیرند به وجود آورد. در برخی موارد هم که عواطف و احساسات به جا کنترل و پنهان می شوند، سبب تقویت و صمیمیت بیشتر در روابط زوجین خواهد شد.

در ادامه این نشست علمی استاد جلسه به حوزه رفتار پرداخت و پنهان کاری زوجین در دو بخش روابط پیش از ازدواج و بعد از ازدواج قابل بررسی دانست و افزود: در هر دو حالت شخص به رابطه مخفیانه با غیرهمسرش روی می آورد که با آسیب های جدی در روابط روبه رو است. روابط پیش از ازدواج با توجه به تغییرات فضای فرهنگی و ارزشی و تغییرات اجتماعی دنیای امروز که با گسترش شبکه های اجتماعی و فضای مجازی همراه بوده، این روابط بیشتر و گسترده تر شده است.

دکتر مریدیان با اشاره به دلایل گسترش روزافزون روابط نامشروع قبل از ازدواج که اغلب به صورت پنهانی صورت می گیرد، پنهان کاری در روابط بعد از ازدواج را موجب خیانت زناشویی دانست که از عواملی همچون نارضایتی از روابط عاطفی و جنسی با همسر، تنوع طلبی و انتقام از همسر اثرگذار نشأت می گیرد.

## ۱۷. بررسی دلالت آیه ۳۸ سوره انعام بر بطن قرآن

The poster contains the following text:

**بررسی دلالت آیه ۳۸ سوره انعام بر بطن قرآن**

**زمان: دوشنبه، ۳۱ مردادماه ۱۴۰۱، ساعت ۹ الی ۱۱**

مکان: دانشگاه مجازی المعظم، طبقه سوم، سالن جلسات

همراه با اعطای گواهی

دانشگاه مجازی المعظم  
معاونت پژوهشی و تولید محتوا

۱۷۹-۱۴۱۱۴۱۷۸-۳۲۱-۰۲۵

**سخنرانان:**

- حجت الاسلام دکتر سید حسین شافعی دارابی
- حجت الاسلام دکتر سید حبیب طباطبایی حکیم
- حجت الاسلام دکتر آبراهیم رضایی آذرایی
- حجت الاسلام مهدی سازندگی

۱۴۰۱/۵/۳۱

چهاردهمین کرسی ترویجی دانشگاه مجازی (المصطفی) ص به صورت حضوری و مجازی با قرائت آیاتی از کلام اهل مجید آغاز شد. سپس آقای دکتر هاشمی، معاون پژوهش دانشگاه مجازی (المصطفی) ص در مورد برگزاری کرسی های ترویجی در دانشگاه و همچنین ساختار کرسی حجت السلام و المسلمین آقای دکتر سید حسین شافعی دارابی استاد یار دانشگاه مجازی (المصطفی) ص (با عنوان « بررسی دلالت آیه ۳۸ سوره انعام بر بطن قرآن » توضیحاتی ارائه نمودند. پس از آن مدیریت علمی جلسه را به حجت السلام و المسلمین آقای سازندگی سپردند. آقای سازندگی، مدی ر علمی جلسه، ضمن خیر مقدم به اساتید و ناقدین گرامی و حضار محترم به معرفی برگزار کننده کرسی آقای دکتر سید حسین شافعی دارابی و همچنین ناقدین، السلام و المسلمین آقای دکتر سید ح یدر طباطبایی حکیم و حجت السلام و المسلمین آقای دکتر ابراهیم رضایی آذرایی پرداختند. پس از این معرفی از آقای دکتر شفی ع ی خواستند تا در سی دقیقه بحث خود را مطرح کنند. آقای دکتر شفی ع ی ارائه کرسی خود را اینگونه آغاز کردند: بسم اهل الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و صلی اهل علی ه و آله الطی بین الطاهری ن. قبل از ورود به بحث، ذکر سه نکته را الزم میدانم ( ۱: عرض تسلیت به جهت ای ام سوگواری سالر شهیدان علیه السلام و ایام اسارت آل اهل؛ ( ۲) ابراز خرسندی از تقارن زمانی برگزاری این کرسی با ای ام سوگواری امام حسین ع) زیرا بر اساس تتبع صورت گرفته، معنی بطنی جمعی از آی ات قرآن به امام حسین ع) تطبیق داده شده است؛ ( ۳) تسلیت به جهت در پیش بودن شهادت امام سجاد ع) موضوع این کرسی، اثبات صاحب «بطن» بودن قرآن کریم است بر اساس آیه ۳۸ سوره انعام و در واقع نقد و بررسی مقاله «اثبات بطن قرآن در پرتو آیه « مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ » است؛ که البته مسئوالن بررسی کننده موضوعات پیشنهادی برای برگزاری کرسی ترویجی، عنوان مقاله را به « بررسی دلالت آیه ۳۸ انعام بر بطن قرآن » تغییر داده اند. -مقصود از مفهوم «بطن قرآن»؛ معانی پنهان آی ات شریفه است که در ورای معانی ظاهری آنها قرار

دارند؛ البته باتوجه به متن و مفاد آی ه شریفه ۷ سوره آل عمران): «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (بر این باوریم که دست یابی به همه بطون قرآن، فقط در توان اهل البیت) علیهم السلام (می باشد؛ اگرچه سایر افراد؛ در صورت برخورداری از شرایط الزم، می توانند به برخی از مراتب بطون آیات، دست پیدا کنند؛ -براساس آنچه که در متن مقاله آورده شد؛ اثبات صاحب بطن بودن آیات شریفه قرآنی، محدود به آیه ۳۸ أنعام نمی باشد؛ بلکه برخی از مفسران، آیات دیگری از قرآن)؛ همانند: نساء ۷۸ و ۸۲؛ أنعام: ۵۹؛ یوسف ۱۱۱؛ نحل ۴۴؛ ص ۸۹؛ محمد ۲۹ و... (را نیز در این راستا قابل استناد و استفاده میدانند؛ -اثبات بطن قرآن بواسطه مفاد آی ه ۳۸ أنعام توسط مفسران فریقین، سابقه ای بس طولانی دارد: الف) از مفسران اهل سنت: محمود آلوسی به صراحت اعان نمود: «ای کاش میدانستم منکر اشتمال قرآن بر باطن با آیه «و تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» (أنعام ۱۵۴ و آعراف: ۱۴۵) و نیز آیه «ما فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (أنعام ۳۸) چه می کند؟ و چه گفتا دیوان «متنبی» (ادیب و شاعر برجسته عرب در قرن چهارم هجری) و آیات آن چگونه مشتمل بر معانی کثیره است در حالیکه کالم پروردگار اینگونه نباشد...»؛ ب) از مفسران شیعه: آیه اهل جواد آملی، در تفسیر تسنی م (۱۳۸۱)، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ و ج ۲۵ (۱۳۹۰)، (ج ۲۵، ص ۱۷۱-۱۷۴؛ بصورت فشرده به اثبات دلالت آیه ۳۸ أنعام بر صاحب بطن بودن قرآن پرداخته است؛ -ما در این مقاله بر این نکته تصریح نمودیم: دلالت این آیه و برخی دیگر از آیات قرآنی بر صاحب بطن بودن قرآن، به دلالت منطوقی (دلالت مطابقی) آیات نمی باشد؛ بلکه دلالت همه آنها بر این مدعا، متفرع بر لحاظ مقدمات و قرائن و ضمائ درونی و برونی می باشد؛ از جمله این مقدمات، روایات ذیل این آیه ه و آیات مشابه می باشد - روند اصلی طی شده مقاله و ساختار موجود آن، بدین شرح می باشد: الف) بحث مفهوم شناسی پیرامون دو واژه کلیدی «بطن» و «ظاهر»؛ («ابطن» در لغت به معنی «خالف الظهر» (خالف «ظهر» و «پشت»)، «رویه داخلی هرشیء» و «نقطه مقابل آشکار» و «نقطه مقابل آشکار»؛ در اصطلاح: ۱- معنی پنهان آیات که بر مبنای مفاهیم عرفی کلمات و قواعد ادبی عربی و اصول عقائلی محاوره، دلالت آیات بر آنها روشن نباشد؛ ۲- افراد و مصادیقی که آیات قرآن بصورت مستقیم در مورد آنها نازل نگشته ولی رفتار آنها همانند افراد مورد نزول آیات است؛ و دلایل آیات بر آنها منطبق است؛ («۲ظهر»؛ که مفهوم لغوی و اصطلاحی آن، کاملاً نقطه مقابل «بطن» می باشد. ب) تبیین مفهوم مفردات در آیه؛ یعنی واژگان چهارگانه («۱: فَزَّطْنَا»؛ در لغت معانی متعددی برای این واژه ذکر شده؛ که معنی مورد نظر ما از این واژه، «تقصیر» و «کوتاهی کردن در حق چیزی» می باشد؛ مصطفوی: برخی از «خروج از مرز معین و تجاوز از آن»، به عنوان معنی اصلی از آن ذکر نموده اند؛ («۲الکتاب»؛ در اینکه مراد از این واژه در این آیه چیست؟؛ برخی سکوت کرده و اظهار نظر ننموده اند؛ اما آنانیکه اظهار نظر کرده اند، دو دسته شدند: الف) طبرسی و ابن وهب دینوری، فخر رازی و... گویند: مقصود قرآن است؛ به دلایل ذیل: سیاق آیه؛ انصراف الف و الم بر سر آن، بر عهد و معهود در اذهان (قرآن)؛ ارده «قرآن» در دیگر آیات شریفه؛ روایات وارده در ذیل آیه ب. (بَغْوِي، زمخشری، شوکانی و... گویند: مقصود لوح محفوظ است؛ به دلایل ذیل: همخوان شدن با مدلول آیه ۶ هود: «كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»؛ اراده لوح محفوظ در تعدادی از آیات قرآنی؛ مکی بودن سوره أنعام و پایان نیز یافتن نزول آیات و سوره قرآن.. نقد دالیل: اراده لوح محفوظ از «کتاب» در آیات دیگر، دلیلی بر این نیست که در این آیه هم همین مردا باشد؛ مکی بودن سوره أنعام هم مانع نمی شود؛ زیرا نظر به وجود حقیق قرآن که در لوح محفوظ قرار داشت و «۳... مِنْ»؛ فخر رازی گوی: «تبعضیه» و طبرسی گوی: «زای ده»؛ استدلال به آیه ه متفرع بر دیدگاه دوم است و «۴...»

(شئیء)؛ شرتونی : چ یزی که تعلق علم به آن و خبر دادن از آن صحی ح باشد)؛ آعم از آنکه دارای وجود حقیق باشد و یا غیرحقیقی؛ و اعم از آنکه ظاهر باشد و ی ا ناپیدا باشد و ...ج( کیفیت استدلال به آی ه؛ در صورتیکه «من زایده و مقصود از «کتاب» قرآن باشد. د( طرح دو پرسش اساسی در ذیل آیه (۱. آیا «ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» دال بر عموم است؟؛ جوادی آملی : دال بر عموم است: اوال با تکیه به روایت امام رضا (ع) و دوما به نظر عالمه طباطبایی (ره) (۲) آیا با جمله «ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» می توان به صاحب بطن بودن قرآن دست یافت؟؛ پاسخ ما اینست : با حاظ مفردات در آیه و ضمائ مربوطه (بویزه روایات ذیل آن « به خوبی می توان به چنین مطلوبی دست یافت . ه) (فایده و بازده ی قول به داللت آیه بر وجود بطن برای قرآن ( احل شدن مشکل قول به وجود «بطنم برای قرآن»؛ (۲) احل شدن مشکل «جامعی ت قرآن» والسالم علیکم و رحمة اهلل و برکاته پس از توضیحات آقای دکتر شفیعی، مدیر علمی جلسه آقای سازندگی جمع بندی از بحث های آقای دکتر شفیعی ارای ه کردند. و سپس از جناب حجت السالم و المسلمین آقای دکتر ابراه یم رضایی آدری انی به عنوان ناقد اول خواستند تا نظراتشان را ارایه کنند. حجت السالم و المسلمین آقای دکتر دکتر ابراه یم رضایی آدریانی عضو ه یئت علمی جامعه (المصطفی)ص) العالمیه اصفهان که به عنوان ناقد و به صورت مجازی در این جلسه حضور داشتند، به نقد ایده دکتر شفیعی پرداختند :عرض سالم و ادب و احترام خدمت همه سروران گرامی حاضر در جلسه و شرکت کنندگان محترم .اولاً تشکر میکنم از مسئولی ن و دست اندرکاران دانشگاه مجازی به ویژه معاونت پژوهش، تشکر میکنم از استاد عز یرمان جناب دکتر شفیعی دارابی و همچنین از مدیر جلسه آقای دکتر سازندگی و استاد عزیز آقای دکتر طباطبایی و سایر عز یران .نکته اول این که مسئله بطن در آن تردی دی ن یست، اصل قضیه بطن مسلم ه ست و قابلقبول، و موضوع این مقاله و این کرسی اثبات بطن قرآن نیست بلکه اثبات داللت این آیه شریفه بر بطن هست .به نظر میرسه کمترین و اصل یتربن دلیل بطن داشتن قرآن همان روایات هست، روایاتی که ثابت می کند قرآن بطن دارد، بحث می شود که اگر بطن نباشد امامت ائمه را نمیتوان اثبات کرد که درست است و محل بحث نیست، اصل بطن داشتن قرآن را کسی انکار نکرده، اینجا بحث داللت این آیه شریفه بر بطن داشتن قرآن است .نکته دوم اینکه این طرح و مقاله یک پیش فرضی دارد که سای ه انداخته روی بحث و آن پیش فرض عبارت است از جامعیت حداکثری قرآن، که در آن بحث جامعیت قرآن اقوالی وجود دارد که تعبیر می شود به جامعیت حداکثری ی ا حداقلی، جامعیت نسبی و اصطلاحاتی که بعضاً بکار می رود. استاد محترم دی دگاه جامعیت حداکثری را پذیرفتند و این خودش اول الکالم هست. در چکیده هم آورده اند که تنها با چنین نگاه ی میتوان به جامعیت حداکثری قرآن باور داشت و بر درستی این باور پای فشرده یعنی جامعیت حداکثری پیش فرض ماست و باید بر درستی آن پافشاری کنیم و حال برای اثبات آن با ید بطن ناگزری ر بر اثبات این دیدگاه باشد .در نتایج آمده است که تنها قبول وجود الیهی دیگری بنام بطن در فرای الیه ظاهری آیات میتوان گفت همهچ یز حتی امور غیر دینی و غیر هدایتی، خب آن جامعیت حداکثری خودش نوسان دارد و دیدگاه ها متفاوت هست و فکر کنم این یک دیدگاه حداکثری در بین حداکثری ها باشد و این پیش فرض بایستی حل شود .نکته بعدی در طرح در قسمتی که سوال شده که برای اثبات این مدعا روش شما در دستیابی به این مدعا چگونه است؟ چند مورد ذکر شده که یک مورد این هست، مدد جستن از روایات فراوان، مؤثر در جهت اثبات این مدعا. این روایت را بنده متوجه نشدم که کدام روایات هست، مدعا اینجا داللت آیه ۳۸ بر بطن هست، آیا برای ا ین مدعا روا یات فراوان داریم؟ اگر منظور روایاتی هست که بطن

را ثابت می کند که این از محل بحث خارج است، اگر منظور روایات جامعیت هست که آن روایات جامعیت قرآن را ثابت می کند و این خودش باز جای بحث دارد. مدعا داللت این آیه شریفه است و اینکه گفتید روایات متعدد این مدعا را ثابت می کند توضیح دهید که کدام روایات منظورتان هست. مطلب اصلی این است که اثبات بطن داشتن قرآن از آیه ۳۸ سوره انعام به نظر می رسد نی از به بحث هایی دارد تا این نتیجه حاصل شود. قرآن کتابی جامع است و هر کتاب جامع بطن دارد پس نتیجه این است که قرآن بطن دارد. قرآن کتابی جامع است قابل قبول اما اینکه هر کتاب جامع لزوماً نیازمند بطن است این به چه دلیلی؟ به نظر می رسد در این مقاله باید بیشتر روی این قسمت دوم بیشتر سرمایه گذاری می کرد که جامعیت قرآن لزوماً مستلزم بطن داشتن قرآن است. در خود جامعیت هم هر کتاب جامع لزوماً باید بیان کننده موارد مورد نیاز مخاطبین باشد، این گزاره صادق است، اما چه تحلیلی دارد؟ چگونه بیان کننده است؟ در تحلیل چگونگی جامعیت قرآن دیدگاه های مختلفی وجود دارد؟ عده ای رفتن سراغ قرینه، عده ای سراغ بطن رفتند و ... و اینجا هم بحث دوباره بحث جامعیت میشه و از بحث بطن خارج میشه، یکی از اقوال در اینجا بطن داشتن قرآن هست که نیاز به اثبات دارد که چرا جامعیت قرآن از طریق بطن داشتن تحلیل می شود و سایر دیدگاه ها صحیح نیست. اینکه بگیم جامعیت حداکثری با بطن توجیه میشه، به چه دلیل؟ دلیل عمده این است که عدم الوجدان یعنی قرآن باید همه چیز را بیان کرده باشد به ظاهر قرآن مراجعه می کنیم همه چیز را نمی یابیم چون عدم الوجدان چون پیدا نمیکنیم پس لزوماً باید بطنی وجود داشته باشد و ما باید سراغ آن بطن برویم. اگر ما احاله به بطن بدهیم، کل شی که شما معنا می کنید، کل شی که امور غیر هدای و غیر دینی را هم شامل می شود، امور غیر هدای و غیر هدای در علوم و سایر مفاهیم غیردینی و غیر هدایتی، حجم مطالب غیردینی طبیعتاً بیشتر مطالب دینی هست، از طرفی قرآن کریم این جامعیت و اشتغال بر همه چیز را مکرر تأکید میکند و منت میذاره بر ما یعنی امتنان الهی اینه که ما به شما همه چیز را گفتیم تبیان و تفصیل همه چیز، در همه چیز خدای متعال بر ما منت میگذارد که ای بندگان من همه چیز رو به شما گفتم، وقتیکه میریم در قرآن میگیریم که حال فالن موضوع و دانش تجربی کجای قرآن است؟ جواب میپیدا می کنیم که در بطن هست و شما دسترسی ندارید. قرآن به ما منت می گذاره و تأکید می کنه که همه چیز رو بیان کردم و وقتی هم چیز رو میاریم نود درصدش در باطن است و شما دسترسی ندارید، این با امتنان الهی سازگار نیست، این امتنان سازگار نیست. عدم وجدان بسیاری از مطالب در قرآن اگر با بطن توجیه بشه چالش اصلی عدم دسترسی که شبیه تخصیص اکثر میشه و این باید حل شود. والسلام علیکم ورحمة اهلل و برکاته. مدیر علمی جلسه پس از ارائه نقد دکتر رضایی، از ایشان تشکر کردند و گفتند: در این بخش از دیدگاه های حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید حیدر طباطبایی حکیم و نقدهای ایشان استفاده می کنیم. حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید حیدر طباطبایی حکیم، استادیار مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث که به عنوان ناقد در این جلسه حضور داشتند، به نقد ایده دکتر شفیع پرداختند و گفتند: الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین و الطاهرین عرض تسلیت دارم خدمت همه سروران، عزیزان، اساتید معزز، مخاطبین محترم شهادت آقا امام حسین (ع) و نیز شهادت آقا امام سجاد (ع) را که در آستانش هستیم. من به نوبه خودم نکاتی رو تقدیم خواهم کرد که ان شاء اهلل این کرسی ها پخته تر و بالنده تر شود و مفیدتری رو انشاء اهلل تقدیم جامعه علمی بفرمایند. قاعدتاً اول بای د این نکته اصلی رو جواب بدیم و بعداً وارد این بحث شویم، در حوزه

ادبیات که آی ۱ من زائده ای از وجود بحث زائد لفظی زائد در قرآن آیا پذیرفتنی است یا پذیرفتنی نیست؟ دو دی دگاه وجود دارد - بعضی از بزرگواران می گن که نه هر لفظی که در قرآن هست بالخره حکمتی دارد، ای نکه بگیم زائده هست زائد بودن چون مثلاً یک عی ب حساب میشه، انکار میکنند این بحث را و میگن که حتماً این ها معانی و حکمت هایی دارد - اما در د یدگاه مقابل وجود مین زائده رو میپذیرند و از ا این باب توج یه می کنند که وجود من زائده خودش یکی از محسنات ادبیات عرب هست و قرآن بهعنوان اعجاز ادبی خیلی راحت میتونه از این من زائده و محذوراتی دیگه ای که در عرف ممکن است محذور باشند اما در ادبیات به عنوان زیبایی و محسنات تعبیر حساب میشود قرآن استفاده بکند. مثل قضیه مبالغه، مبالغه رو بعضی از بزرگواران م یگویند چون خالف واقع گویی هست یک جور دروغ حساب میشه در قرآن راه ندارد اما د یدگاه دیگه می گه نه خود مبالغه گویی خودش یکی از محسنات زیبایی قرآن است. خود مبالغه گویی یکی از زیباییهای کالم هست و شیوههای زیبایی بخشی به کالم هست که ه یچ محذوری هم ندارد که خداوند متعال بخواد از آن استفاده بکنه در قرآنش البته با همان بار معنایی خاصی که عرف میفهمد. از این باب زائده بودن من مضر به بحث اعجاز قرآن و یا بحث عدم بطلان قرآن نی ست. در مورد بحث بطن قرآن و داللت این آیه شریفه ۳۸ سوره انعام، محسناتی وجود و یکی دو تا نکته هم برای تکمیل عرض خواه یم کرد. بحث جامعیت و جاودانگی قرآن و مرجعیت علمی قرآن است که منوط به مقوله بطن قرآن است که جا دارد روی این قضیه کار شود و اگر بخواه یم تمدن نوین اسلامی رو در گام دوم انقلاب رقم بزیم یقیناً عالوهر طواهر قرآن نیاز داریم که در قرآن مطالبی استکشاف کنی م که در ظواهر نبوده و در فضای جدید پاسخ به نیازهای مستحدثه از قرآن بهره مند بشیم. به قول یکی از اساتید خودم خداوند متعال میخواست با بشر صحبت کند و قرآن را نازل کرده و این قرآن برای صحبت با بشر کافی است، خیلی از بحث هایی که خدا میخواست مطرح بکند در همین طواهر قرآن وجود دارد و خداوند با ما صحبت کرده، دیگه در پس ا ی ن طواهر دنبال چه میگردیم و چرا اصرار داریم بر اینکه ما حتماً ال یه های معنایی رو در پس قرآن بخواه یم در آوریم در ب یاوریم، همین قرآن با همین ظواهرش اینقدر گویا و شفاف است که دیگه ما نی ازی نداریم بخواه یم دنبال معارفی بگردیم که در پس طواهر آیات قرآن مخفی شده باشند. خیل ی تعجب میکنم از اینکه ای ن بحث را مطرح می کردند که ما نی ازی به ان قدر اصرار در بعد باطن آیات نداریم درحالی که معارف اهل بیت عصمت و طهارت و آموزههای اون ها مبتنی بر اصرار بر بعد باطنی قرآن هست و اینکه این بطون آی ات قرآن و معارف قرآنی را ما اهل بیت میفهمیم و این ما هستیم که تمام شرای ع، احکام و تمام دین را می تونیم از همین قرآن کریم استخراج بکنیم. این بحث کلی بود که مطرح کردم یکی دو تا نکته تقدیم میکنم که دکتر شفیعی برای تکمیل کار البته در حد پیشنهاد هست. نکته اول در بحث طرح و طرح نامه، بحث اشتراکات و افتراقات را فکر میکنم بای د ی ک بازنگری بفرمایید، البته خود این طرحنامه دارا ی اشکالاتی هست که چندی ن بار مطرح شده، لزوماً هر دیدگاه ی دارا ی دیدگاه رقیب نیست که زمانیکه طرحنامه را تکمیل میکنیم باید بگویم اشتراکات و افتراقات دیدگاه های رقیب را مطرح کنی د. بحث داللت این آیه بر بطن قرآن کسی که اصل قبول نداره وارد این مباحث نمیشه و کسی که قبول داره یا به نحوی این داللت را به عنوان داللت خود آی ات قرآن وارد می شد و معمولاً نگاه اثباتی به این قضیه دارد. نکته دیگر این که فرمودید ای ن ایه اولین راه و مطمئنترین دلیل هست برای داللت بر بطن قرآن، قطعاً اولین راه مطمئنترین دلیل که میتوان در این عرصه راهگشا و گرگشا باشد چ یزی جز راه و دلیل قرآنی نخواهد بود، لزوماً همیشه آی ات قرآن اولین و مطمئنترین

نیستند بلکه از جهتی که قرآن قطعی و صدور هست آدمی اطمینان قلبی پیدا میکند اما بحث های داللت ها مهم است، الان در بحث بطن قرآن شما می خواهید استناد بکنید به اینکه یک آیه ای داللت میکند یا نمیکند، این خیلی حرف دارد که مراد از کتاب چه اصل مراد از کتاب همین قرآن است و قتیکه احتمالات متعدد در مورد کلمه کتاب وارد میشه دیگه نمیتونید به این آیه همیشه لزوماً آیات قرآن به خاطر قطعیت صدور شون صالحیت داللت اولین اصطلاح دلیل ندارند و در خیلی از موارد ما از عقل باید استفاده کنیم به عنوان اولین و مطمئنترین راه در جایی که خود اثبات خود قرآن به اصطلاح مطرح است. یا یه جاهایی هست اولین و مطمئنترین راه و شاید تنهاترین راه بیانات پیغمبر اکرم و بیانات اهلیت باشه در جایکه نه عقل دسترسی دارد نه در آیات قرآن چه یزی آمده است، تنها و تنها و مطمئنترین راه بیانات پیغمبر اکرم است در مورد جزئیات احکام در مورد جزئیات برزخ و معاد و قیامت چنان که در قرآن نیامده است عقل هم به دسترسی نداره قاعدتاً تنها و مطمئنترین راه روایات خواهد بود در جاهای دیگه تاریخ خواهد بود در جایی دیگه علوم تجربی خواهد بود. اینکه این آیه میتونه مطمئنترین راه باشه و اولین راه باشه در این محل بحث ما قابلقبول نیست این آیه در منظومه ادله بطن قرآن جزو تقریباً آخرین ادله ما حساب میشود و همانطور که مستحضر هستی در ما دلیل اولمون بر مقوله بطن قرآن روایات اهل بیت هست. نکته ای در مقاله فرمودید که من شیء عام هست، مستحضر هستی دیگه هم با حرف من اومده و هم نکره هست و در سیاق نفی آمده "ما فرطنا فی الكتاب من شیء"، اصرار کردید که این شیء عام هست و تعبی رتون این هست تو پراتر آوردید که اعم از موجود و معدوم، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، در کل مقاله اصرار داری که این شیء عام هست، اگر مراد واقعاً از شیء به همین وسعت باشه آیا واقعاً بعد کتاب همان قرآن محل بحث ما خواهد شد، بحث بحث معارف مادیات و معنویات، معارف علمی، معارف علوم اسالمی و انسانی اینها نیست، شما میفرمایید موجود و معدوم، مادیات و معنویات، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی اشاره به شیء میکنید، آی آهن و سیمان و گچ و کوه و طال و نقره و ... در قرآن هست؟ ناخودآگاه مجبور خواهد شد که دست از داللت کتاب بر قرآن بردارید و این کتاب یقیناً دیگه قرآن نیست مگر اینکه بفرمایید که مراد از من شیء یعنی معارف اشیا، آن وقت دست از اطلاق آیه برداشتی، دست از اطلاق کلمه شیء برداشته بای معارف اشیا بگویید. نکته بعدی در صفحه چهارده مقاله در نقد دلیل دوم کاملاً کسی که ارزیابی می کند مقاله را احساس می کند که این مقاله از منبع دیگه ای یعنی یک پایان نامه ای کتاب مفصلی گرفته شده که در اون جا یقیناً روایاتی آمده است در این مقاله اصل اثری از روایات نیست، فقط می گوید روایات دسته اول و روایات دسته دوم که اصل خواننده این روایات را نمیبیند و داللت های آن قابل ارزیابی نیست. اما آنجا در نقد دلیل دوم فرمودید که ادعا می کنید که اینها نص هستند یا بحث اظهر و ظاهر هستند، نص مقدم بر ظاهر هست یا نه اگر بگید نص هم نباشه، اظهر می شه و اظهر بر ظاهر مقدم هست، از این طریق جمع عرفی کردید که اینجا خواننده اصله یچی رو متوجه نمیشه که کجا نص هست و کجا ظاهر، کجا اظهر و کجا ظاهر خواهد بود و به نظرم اون جا اصلاً تو بحث روایاتی که داریم که می فرماید که همه چیز در قرآن نیامده است و ما اهلیت هستیم که بیان میکنیم که مرادتون این روایات هست، که دسته اولی می گوید بیان نشدن تمام علوم و همه امور در ظاهر قرآن فقط متونی است که ما همین دو تا روایات داشته باشیم فوری بگیم آقا داللت این روایات نص است داللت روایت متعارض اش مثالاً ظاهر است و این را تقدیم می کنیم بر آن. والسلام علیکم ورحمة اهلل و برکاته در ادامه و پس از جمع بندی مدیر کرسی و درخواست از



حضار و افرادی که به صورت آنلاین در جلسه حضور داشتند که اگر سوالی دارند مطرح نمای ند، دکتر شف یعی در مقام پاسخگویی به سؤاها برآمدند که این طور ادامه دادند: بسیار تشکر میکنم از اساتید معزز که وقت گذاشتند و مقاله را مورد مطالعه و نقد قرار دادند، ابتداً از نقدها ی جناب دکتر طباطبایی شروع می کنم: به هرحال جناب دکتر طباطبایی فرمایشات بسیار خوبی رو مطرح کردن که استفاده کردیم و اون دو تا نکته اولشون واقعاً قابل استفاده بود، هم بحث مبالغهای که ایشان مطرح کردند که دیگه من وارد نمیشم توی اون قسمت ولی به هرحال نکته بسیار مهمی بود، بحث بعدی که مطرح هست اینه که اون نکتههای که باز ایشان از باب تعجب و شگفتی مطرح فرمودند راجع به فردی که مثلاً ح یثیتی علمی ام دار ولی متأسفانه در مسئله بطن قرآن این گونه نظر داشت و ما متأسفانه داشتیم و الان هم داریم، همین جریان قرآنیونی که الان داریم و کم و بیش بعضی از شهرها رفته ام میبینم افراد با همین نگاه میگه آقا خدا با ما حرف زد و چه نیازی به دیگه چ یزها هست. خدا با ما حرف زد چطور حرف زد؟ خود خدا میفرماید شما از طریق پیامبر برید از طری ق اهل بیت برید جلو بنابراین ا ی نکه ما بگیم قرآن بس است معنی ندارد. نکته بعدی راجع به طرح نامه فرمودن، در بحث طرح نامه من اینو می پذیرم که میبای ست اشتراکات و افتراقات در حوزه داللت آیه مطرح باشه تو بحثا ممکن آمد این جا نیومد اینو میپذیرم و قابل اصلاح هم هست البته تو مقاله ا ی ن تقریباً نشان داده میشه ولی تو طرح ی که نوشته شد شای د رعایت نشده ولی اون تعبیری که فرمودن بیشتر به پیش فرضها توجه شده است باز هم ممکنه ما بپذیریم که پیش فرض ها مطرح شده ولی منافات ندارد که یک پیش فرض جزء مشترکات باشه اون بعدی نداره بعضی چ یزا ممکنه که پیش فرض باشه ولی درعین حال جزء نقاط مشترک هم باشد. در مورد بحث بعدی که مطرح شده است این که مثلاً بنده گفته باشم که اولین دلیل و مهم ترین دلیل اوآلً من اینو راجع به کل قرآن گفتم راجعه این آیه نگفتم و گفتم اولین و مطمئنترین دلیل برای اثبات وجود بطن قرآن آیات قرآنی است، نگفتم این آیه چون این آیه مورد بحث ه ست و من هم تکیه روی این آینه نکردم. تازه راجعه آیات قرآن مطرح کردم که اولین این قابل دفاع هست یعنی با شرایط خودش نه بدون لحاظ شرایط اگر اون شرایط مطرح بشه حال هرچ ی که بخوای شرایطش باشیم ما به این نتی جه برسی م که این آیه ه دارد به ما میگه بطن هست ا ی ن میشه مطمئنترین دلیل، راهش و شیوه اش یک بحث دیگه است. نکته دیگه این که مسئله مطرح شده است بحث کلمه من شیء مطرح شده با آن تعبیری که من مطرح کردم، موجود و معدوم که مطرح کردیم با توجه به فضای بحث من مطرح کردم، فضای بحث ما فضای بطنی است . فرمایشات دیگه جناب آقا ی طباطبایی هم قابل استفاده هست و قابل پاسخ منتها با توجه به ضیق وقت من عذرخواه ی میکنم . راجع به نکات آقای دکتر رضایی یکی دو جمله عرض بکنم ببینید من بحثمان اصلاً اثبات اصل موضوع مقاله اثبات بطن نی ست، اصل موضوع مقاله اثبات بطن از طریق این آیه است . اینکه فرمودند بحث جامعیت قرآن را پی ش فرض شما گرفتید یعنی گو این که ما از اول بنا داریم جامعیت قرآن را ثابت بکنیم و راهش این است که بی ام بگیم ال و البد قرآن بطن دارد، اصل من دنبال این و نیستم، مقاله هم دنبال ا ی ن نیست جامعیت قرآن نتی جه است و من جزو نتایج نوشتم نه جزء پی ش فرض ها، ما می گیم این آیه آیا بطن قرآن را ثابت میکند یا نه اگر بتوانیم از طریق این آیه ه ثابت بکنیم طبیعتاً نتا یجی دارد، یکی از نتای ج می شه جامعیت قرآن، اگر در کل نتوانیم بطون را ثابت بکنیم بر جامعیت قرآن ضربه می پذیرد . فرمایشات دی گره ایشان هم نیاز بود که ما مورد بحث قرار بدیم ولی وقت به طول انجامی د و به پایان رسید من مصدع بیش از این نمیشوم .

## ۱۸. علل و اسباب طلاق عاطفی و راهکارهای پیشگیری از آن

**علل و اسباب طلاق عاطفی و راهکارهای پیشگیری از آن**

- تعریف طلاق عاطفی
- نشانه های طلاق عاطفی
- علل طلاق عاطفی
- پایه های طلاق عاطفی
- پیشگیری و مداخله

**دکتر سارا ابراهیمی**  
عضو هیئت علمای پژوهش و برنامه ریزی آموزش  
دانشگاه مازندران و دانشکده تهرود بهشت

**دکتر حمیده طرقي اردکانی**  
گوشه ای از مشاوره خانواده

چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۴۰۱  
ساعت ۱۰:۳۰

live.mou.ir/research  
لینک شرکت در نشست

همراه با اعطای گواه

معاونت پژوهش و تولید

دانشگاه مجرای کمصطفی  
www.mou.ir

۰۲۵-۲۲۱۱۴۱۷۸-۱۷۹

این نشست علمی در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی برگزار گردید. در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی که بسیار کاربردی بود و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، ارائه می گردد: دکتر ابراهیمی در ابتدای نشست به تعریفی از طالق عاطفی پرداختند که گسستن پیوند عاطفی بین زوجی اختلال در روابط شناختی، ارتباطی، عاطفی، جنسی، زناشویی و ایجاد احساس از بیگانگی تدریجی در زوجین همراه با عدم درک متقابل و همدلی و انداختن تقصیرات به گردن همدیگر و کاهش تدریجی جاذبه و اعتماد تا رسیدن به درجات مختلفی از بی تفاوتی ایشان مهمترین علت طالق عاطفی زن را بی توجهی مرد بخصوص همراه با تحقیر نسبت به زن و عدم دیده شدن زن در زندگی زناشویی بیان کردند و عامل اصلی طالق عاطفی مرد را یکنواختی فیزیکی روانشناختی و از بین رفتن طراوت و جذابیت های ذهنی، روانی، جسمی و جنسی زن برای مرد دانستند. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به نشانه های طالق عاطفی پرداختند که از جمله آنان می توان به موارد زیر اشاره کرد که به ترتیب: عدم تمایل به گفتگو و حل مشکلات، سرزنش یکدیگر و به رخ کشیدن اشتباهات، زیاد وقت گذاشتن با فرزندان و غفلت از همسر، فراموش نکردن گذشته و پرداختن به آنها، افزایش تفریح خارج از خانواده، وقت گذرانی با برنامه های تلویزیون، افزایش مسافرت مجردی، کم شدن فعالیتهای مشترک، از بین رفتن حس اعتماد، کاهش یا از بین رفتن هیجان در زندگی، نداشتن رابطه جنسی و جسمی در زندگی، وقت نگذاشتن برای همدیگر، فراری از خانه به هر بهانه ای، کاهش وابستگی به همدیگر، بزرگ کردن مسائل کوچک و عدم رسیدگی به امور منزل و نظافت، آشپزی و .... ایشان در ادامه به عوامل سازنده عشق آرمانی در خانواده و

بین همسران پرداختند که سه فاکتور اساسی است که باید در کنار همدیگر قرار بگیرند تا آن عشق آرمانی را بین زوجین ایجاد کند که شامل صمیمیت و تعهد و اشتیاق است. استاد محترم با اشاره به اینکه طالق عاطفی امروزه بسیاری از خانواده ها را درگیر کرده است نیاز است با شناخت علل آن به رفع آن کمک کرد که از جمله عللی که منجر به طالق عاطفی می گردد می توان به عدم ارضای نی ازهای زوج ین، خیانت، تعارض های حل نشده زوجین، رنجش ابراز نشده، مشکلات فرزندپروری، اشکال در مرزبندی، مشکلات مربوط به رابطه جنسی و نقش ها، مشکلات نظم دهی هیجانی، کارناتمام گذشته، مقایسه، کمال گرایی، مسولیت گریزی... بیان کرد. ایشان در ادامه به موضوع اثرات طالق عاطفی بر فرزندان پرداختند که چه مخاطراتی را به همراه خود دارد و نقش بسیار مخربی در شخصیت و آینده فرزندان دارد و از اثرات آن می توان به تزلزل شخصیت و و سلامت روانی کودکان و نوجوانان، احساس تنهایی، بروز تعارض و احساس گناه و دوری از خانواده، افت تحصیلی و ایجاد الگوی نامناسب و اضطراب و افسردگی را به دنبال دارد. استاد محترم به روش های پیشگیری از طالق عاطفی را اشاره و توضیح دادند که مواردی مانند بهبود رابطه جنسی، مهارت آموزی، حل اختلاف، کنترل سالم، مرزبندی، حمایت و پذیرش و حل تعارض ها ... می باشد ایشان در پایان با جمع بندی از مطالب ارائه شده در نشست به سوالات مخاطبین آنلاین پاسخ ها الزم را ارائه کردند.

## ۱۹. کرسی بررسی واقع گرایی اجتماعی در داستان های کوتاه جلال آل احمد و یوسف ادریس

نشست علمی پژوهش

دانشگاه محقق امین

بررسی واقع گرایی اجتماعی

داستان های کوتاه جلال آل احمد و یوسف ادریس

• معرفی ادبیات تطبیقی و انواع آن  
• تعریف داستان کوتاه و معرفی دو داستان کوتاه نویسنده ایرانی و مصری؛ (جلال آل احمد و یوسف ادریس)  
• ارائه تعریفی از رئالیسم یا واقع گرایی و معرفی انواع آن به ویژه واقع گرایی اجتماعی  
• بررسی تطبیقی آثار جلال آل احمد و یوسف ادریس از منظر واقع گرایی اجتماعی

همراه با اعطای گواهی

یکشنبه ۳۰ مرداد ماه ۱۴۰۱

ساعت ۱۰

live.mou.ir/research

لینک شرکت در کارگاه

دکتر عاطفه خدایی

مدیر زن ادبیات فلسفه در دانشگاه قم

معاونت پژوهش و تولید

دانشگاه محقق امین

www.mou.ir

۲۵۳۲۱۴۱۷۸-۱۷۹

این نشست علمی در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه زبان و ادبیات فارسی برگزار گردید. در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی که بسیار کاربردی بود و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، ارائه می گردد: استاد محترم در ابتدا محورهای نشست را بیان کردند که شامل ۵ محور کلان می گردد که اول ادبیات تطبیقی و انواع آن و محور دوم تعریف داستان کوتاه پرداخته می شود و در محور سوم به تعریف رئالیسم یا واقع گرایی و انواع آن پرداخته میشود و در محور بعدی به معرفی دو داستان کوتاه نویسنده ایرانی و مصری پرداخته می شود و در محور پایانی به بررسی مقایسه ای آثار این دو شخصیت بزرگوار اشاره می گردد. استاد محترم به تعریف ادبیات تطبیقی پرداختند که نوعی پژوهش بین رشته ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات باهنرها و علوم انسانی می پردازد. مکتب تطبیقی فرانسه: ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین المللی است. پژوهشگر این ادبیات مانند کسی است که در سرحد قلمرو زبان ملی به کمین می نشیند تا تمام داد و ستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند. مکتب تطبیقی آمریکا: ادبیات تطبیقی یعنی مقایسه ادبیات یک کشور با ادبیات یک یا چند کشور دیگر. نیز مقایسه ادبیات با دیگر حوزه های دانش بشری ایشان در ادامه به تعریف رئالیسم یا واقع گرایی پرداختند با این توضیح که واقع گرایی به تمام آثاری اطلاق می شود که از سطح ظواهر عینی فراتر رفته و به بیان حقایق درباره جامعه و روابط آدم های آن میپردازد. این مکتب عکس العملی بود در مقابل مکتب رمانتیک. رمانتیک، مکتبی درون گرا و ذهنی بود که برای فرار از واقعیت اکنون، به دنیای گذشته پناه می برد که البته این دنیای ساختگی غالباً مبنای واقعی نداشت؛ اما رئالیسم، مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان

واقعی تهای جامعه تأکید بسیار داشت و معتقد بود که آثار متکلفانه و دیرفهم مکتبهای رمانتیسیسم و کالسیسیسم راه به جایی نمی برد و برای نشان دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی پیرایه و ساده را برگزید. رئالیست ها می کوشیدند زندگی را آنطور که عمال و واقع هست نشان دهند. هرچند زشت و ناپسند باشد. از مشخصه های مکتب رئالیسم یا واقع گرایی می توان به . اشفافیت روایی در برابر فصاحت بالغی . ۲ کارکرد ارجاعی در برابر کارکرد مجازی . ۳ زبان متعین در برابر ربان انتزاعی . ۴ زبان محاوره ای در برابر زبان رسمی اشاره کرد . استاد محترم در ادامه به تعریف داستان کوتاه پرداختند که تعریف داستان کوتاه ، روایت به نسبت کوتاه خالقانه ای است که نوعا سروکارش با گروهی محدود از شخصیت هاست که در عمل منفردی شرکت دارند و غالبا با مددگرفتن از وحدت تاثیر، بیشتر بر آفرینش حال وهوا تمرکز می یابد تا داستان گویی ایشان با نگاهی گذرا به رئالیسم در داستان کوتاه ایران میتوان به نمونه ه ای اشاره کرد از جمله جمالزاده ؛ اولین نویسنده داستان کوتاه در ایران هدایت؛ بارآورنده مکتب رئالیسم در قصه نویسی ایران جلال آل احمد نیز یکی از داستان نویسان پیشرو ایران است که شاخصه های مکتب رئالیسم در داستان های کوتاهش به خوبی نمایان است. بیشتر منتقدین، آثار جلال را به سبک رئالیسم سوسیالیستی میدانند؛ . اما در واقع او نویسن د های متعهداست که از هنر برای اصلاح جامعه بهره می برد در بعضی مجموعه ها، رئالیسم آل احمد، رئالیسم انتقادی است. اگر نگاهی گذرا به رئالیسم در داستان کوتاه مصر داشته باشیم خالصه آن این است که داستان کوتاه در مصر از اوایل قرن بیستم پایه عرصه وجود گذاشت. آغازگران داستان کوتاه در مصر: محمود و محمد تیمور، محمود طاهر الشین، یحیی حقی، محمد البدوی، یوسف ادريس و افراد دیگری آغاز مسأله فلسطین و درگیری اعراب، موجب گرایش های واقع گرایانه در ادبیات داستانی عرب است. یوسف ادريس نیز یکی از داستا نویسان مصری است که رویکرد رئالیستی او در داستان کوتاه باعث اعتالی این نوع از داستان در مصر شده است. در آثار یوسف ادريس به نوعی رئالیسم انتقادی از نوع ماکسیم گورکی وجود دارد. دکتر خانم خدایی در ادامه نشست به بررسی مقایسه ای دو اثر "زن زیادی" از جلال آل احمد و " لغه الی آی" از یوسف ادريس پرداختند که مجموعه داستان زن زیادی ۱۳۳۱ نگاشته شده و در مجموع ۹ داستان کوتاه در خود دارد. داستا نهایی این مجموعه بیشتر به مقوله زنان و مشکلاتشان در جامعه ایرانی مربوط است. خالصه داستان سمنویزان: این داستان که در محیط یک خانه اتفاق می افتد، روز سمنوپختن نذری را در این خانه به تصویر میکشد. نذری که هرساله انجام میشود اما امسال نیت زن صاحبخانه (مریم خانم) به مشکل فعلی وی؛ بارداری هوو و دختر دم بخت او بازمیگردد. خالصه داستان زن زیادی: این داستان تک گویی درونی زنی سی و چهارساله است که دو روز است توسط همسرش به خانه پدر بازفرستاده شده، در حال یکه فقط چهل روز از زندگی مشترک آنها میگذرد. داستان زن زیادی ، توصیفی دقیق از زندگی زنی رانده شده از جامعه، درون و بیرون شخصیت اصلی داستان نوعروسی مقهور ومطلقه است که به دلیل زشت رو بودن و مهمتر از آن کاله گیس داشتن سرچهل روز نشده به خانه پدری برگشته و بسیار هم نگران است واین واقعه برایش غیرقابل تحمل است. مجموعه داستان لغه الی آی در سال ۱۹۶۰ میالدی به رشته تحریر درآمده و از موفق ترین آثار یوسف ادريس محسوب میشود. در این مجموعه ۱۲ داستان کوتاه وجود دارد و داستا نها از حیث محتوا متنوع هستند. نام مجموعه که معنایی خاص نیز ندارد از یکی از داستان ها گرفته شده است. در این داستان ها، نگاه ادريس به مسائل عمیق تر شده و در حقیقت سعی در برگشودن عمق واقعیات را دارد. خانم دکتر بعد مقایسه ای که بین برخی از آثار این دو نویسنده انجام داد به نتیجه گیری پرداختند که جلال آل احمد و

یوسف ادریس از نظر زمانی تقریباً در یک دوره زیسته اند و در کشورهای با فرهنگ های مشابه زندگی کرده اند. این مسئله بسیاری از شباهت های نوشتاری و باورهای مشترک ایشان را توجیه می کند. ادریس و جلال نیز هر دو تحت تاثیر شرایط حاکم بر جامعه هستند. فقر، نابسامانی اجتماعی و مشکلات فرهنگی جامعه هر دو نویسنده را آزار می دهد و در آثارشان به خوبی منعکس شده است. از میان این داستان های بررسی شده، هر دو داستان جلال و یکی از داستانهای یوسف، درباره زن است. به عبارتی بهتر شخصیت اصلی داستان ها، از جنس زن، انتخاب شده است. البته قصد جلال، بیان معضالت و مشکلات جنس زن در جامعه و عمق نفوذ خرافات و باورهای عامیانه در این قشر است. اما یوسف به دلیل حساسیت عاطفی بودن زن، قهرمان اصلی را از این جنس برمیگزیند. ایشان به شاخص های واقع گرایی در آثار بررسی شده را در ادامه نشست توضیح دادند که اهم آنها این است که شخصیت های داستانهای بررسی شده از هر دو نویسنده با تعریف رئالیسم از شخصیت پردازی هماهنگی دارد و در همه داستان های بررسی شده، از عنصر مکان به خوبی استفاده شده است. یکی دیگر از نکاتی که می توان مورد بررسی قرار داد، زاویه دید در این داستان هاست. هر دو داستان جلال زاویه دید اول شخص دارند که در یکی (زن زیادی) راوی همان شخصیت اصلی است. اما در دو داستان ادریس، زاویه دید ادریس، اغلب راوی را به صورت سوم شخص و خارج از فضای داستان انتخاب می کند. « سوم شخص است و نکته بعدی این که در هر دو داستان جلال، غالب جمالت به صورت دیالوگ است و به همین واسطه غلبه زبان محاوره ای را بر زبان رسمی مشاهده می کنیم که از مختصات نثر رئالیستی است. دیالوگ ها در داستان های ادریس نیز با زبان محاوره نوشته شده اند با این تفاوت که تعداد دیالوگ ها در این دو داستان بسیار اندک است و به طور کلی نثر ادریس در این دو داستان، متمایل به زبان فصیح است. زبان داستان در هر دو داستان ساده و آسان است. جلال، عامیانه می نویسد تا زبان شخصیت هایش را که مردم متوسط و ضعیف جامعه هستند، نشان دهد. ادریس نیز در بسیاری از آثارش بر خالف رسم معمول نثر عربی، زبان محاوره و شکسته را در داستان هایش بکار می برد. بخش اعظم نثر آل احمد را لغات و تعابیر عامیانه در برمی گیرد که در آثار ادریس به این وسعت نیست. لغت ادریس در قصه های کوتاهش بویژه لغه آلی ای، جمع بین لغت فصیح و عامیانه عرب و ایجاد لغت جدید است. استاد محترم در پایان نشست بعد از ارائه جمع بندی از نشست به سوالات مخاطبین آنلاین پاسخ های الزم را ارائه کردند

## ۲۰. سنجه های تشخیص مصلحت نظام از منظر فقه سیاسی اسلام

نهمین کرسی ترویجی بررسی و نقد رویکردها و نظریه های علمی و دینی با ارائه دکتر ملک افضلی برگزار شد.



معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفی نهمین کرسی ترویجی بررسی و نقد رویکردها و نظریه های علمی و دینی را با عنوان «سنجه های تشخیص مصلحت نظام از منظر فقه سیاسی اسلام» را با ارائه دکتر ملک افضلی، استاد جامعه المصطفی، برگزار کرد.

در این کرسی ترویجی ابتداء جناب آقای دکتر ملک افضلی به تبیین سنجه های تشخیص مصلحت نظام از منظر فقه سیاسی اسلام پرداخت و بر این نکته تاکید کردند که مصلحت تشخیص داده شده آنگاه پراهمیت تر می شود که در پرتو آن حکم اولی شرعی جای خود را به احکام ثانوی می دهد. بر این اساس یکی از بایسته های اساسی تشخیص مصالح، ضابطه مندی و تعیین اصول حاکم بر این فرآیند است.

در ادامه جلسه ناقد اول جناب استاد حبیبی تبار از نوآوری و خلاقه بودن موضوع استقبال کردند و در نقد های خود بر این موضوع تاکید کردند که می بایست آقای ملک افضلی به برخی منابع که در این حوزه وجود دارد مراجعه می کردند.

در ادامه جلسه نوبت به ناقد دوم رسید و جناب استاد سائلی کرده عنوان کردند که ساختار مقاله می بایست از قوان بیشتر برخوردار می بود و در بخشی دیگر از نقد های خود اظهار داشتند که بین دو واژه مصلحت و عدالت تفکیک مناسب باید صورت پذیرد.

در پایان نیز جناب آقای دکتر ملک افضلی دفاعیات خود را ارائه نمودند و مدیر جلسه پایان جلسه کرسی را اعلام نمودند

## ۲۱. باز تاب آیات و روایات در اشعار خاقانی

این نشست علمی در تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه علمی زبان و ادبیات فارسی برگزار گردید. در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی که بسیار کاربردی بود و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، ارائه می‌گردد: دکترمجید جعفری دبیر محترم جلسه در آغاز محورهای کلیدی که قرار است در این نشست طرح و توضیح داده شود را اینگونه بیان کردند که به ترتیب در ابتدا شرح حالی مختصر از زندگی افضل الدین خاقانی شروانی ارائه می‌شود سپس جناب دکتر به توضیح سبک شاعری افضل الدین خاقانی شروانی می‌پردازند و در نهایت در رابطه با تاثیر پذیری خاقانی از آیات و روایات توضیحاتی ارائه خواهد شد. دکتر رحیمی در ابتدا جلسه به توضیح شخصیت و مقام خاقانی شروانی پرداختند که ایشان افضل الدین بدیل (ابراهیم) خاقانی شروانی از بزرگترین قصیده سرايان قرن ششم است (۵۲۰-۵۹۵ ه.ق) که اشعاری غزا و شورانگیز در مدح حضرت ختمی مرتبت سروده است. احاطه ی خاقانی بر علوم مختلف و اطالعات وسیع وی در مورد وقایع تاریخی - مذهبی و همچنین روایات، احادیث و آیات قرآنی باعث شده است که سروده هایش در مورد پی امبر(ص) سرشار از نکته های تاریخی، روایی و قرآنی باشد. استاد رحیمی به نکته ای دیگری در رابطه با شخصیت خاقانی اشاره کرد که چه عاملی باعث شد خاقانی تصمیم گرفت حسان عجم شود و خالصه آن این است که گرچه خاقانی در مدح پادشاهان و امیران مدای حی سروده است اما «سرانجام تمایلات پارسایی که از آغاز در وی وجود داشت، در طی سفر مکه و از تأثیر روضه ی پیغمبر(ص) در وی قوت بیشتری یافت و چون به سبب غرور باطنی، در دل از ستایشگری شاهان ناخرسند بود این داعیه ی تازه در جانش آویخت که از این پس حسان عجم شود و مثل حسان که ستای شگر پیغمبر(ص) بود، وی نیز به مدح پیغمبر بسنده کند و از ستای ش دیگران کنار جوید و حتی در یک قطعه شعر مدعی شد که صدیقان شهر، پیغمبر را به خواب دیده اند و پیغمبر نزد آن ها خاقانی را شاعر خوی ش خوانده است.» (زرین ۱۳۸۳: ۱۷). کوب دکتر رحیمی در بخش دیگری از سخنان خود به ارتباط خاقانی با مسیحیت پرداختند که با توجه به عاقله ی خاقانی به دین مسی حیت اشارات متعددی که مربوط به حضرت عیسی و مریم(ع) در اشعار مختلف وی به چشم می‌خورد، در این مدایح نیز خاقانی تا آن جا که موقعیت مناسبی پی دا کرده است، و توانسته از این مطالب در خدمت مدح پیامبر(ص) بهره ببرد، غافل نمانده است. ایشان به نمونه های از ترکیبات قرآنی که خاقانی در اشعار خود به کار برده است مواردی را بیان کردند از جمله استفاده از ترکیبات قرآنی همچون «فاستقم كما أمرت»، «رحمة للعالمین»، «واصطنعتک لِنَفْسِی» و همچنین در رابطه با واقعه ی معراج ترکیباتی همچون سدرة المنته ی، قاب قوسین، ذنی فَنَدَلِی، وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى و ..... از لوازم تصویرگری خاقانی است. از دیگر نمونه های که مربوط به وقایع تاریخی اسالم و وقایع مذهبی مربوط به عصر پیامبر(ص) همچون بت شکنی ایشان، یاری شدن پیامبر در جنگ بدر توسط مالئکه الهی از دیگر موضوعات اشاره شده توسط خاقانی است. خاقانی در مدایح نبوی از آیات و احادیث که مربوط به پی امبر(ص) است و همچنین از احادیثی که از قول خود حضرت(ص) نقل شده است، در حدّ فراوانی استفاده کرده است. طرز بکارگیری آیات و روایات در مدایح نبوی بس یار متنوع است. خاقاتی از شیوه های مختلف از جمله تلمیح، ترجمه ی تحت اللفظی، ترجمه ی آزاد و اقتباس های لغوی و معنایی در خدمت معانی متفاوت با



عبارت بکار گرفته شده، استفاده کرده است. جناب دکتر با اشاره بر اینکه واقعه ای معراج از جمله نمونه های بسیار مهمی است که خاقانی به آن توجه ویژه ای کرده است و از جمله موضوعاتی است که خاقانی در ضمن مدح پیامبر(ص) به آن اهمیت خاصی قائل شده است. در توصیف واقعه معراج خاقانی از آیات و روایات مختلفی که درباره ی این جریان آمده است استفاده کرده است، که سوره ی نجم در بین سُورِ قرآنی از پرکاربردترین آن ه است. و اینکه خاقانی در حین توصیف پیامبر(ص) از دیگر فرستادگان الهی غافل نبوده است و با ذکر نام ایشان در عین بزرگداشتشان، حضرت ختمی مرتبت را بر آن ها برتری داده است که در این باره نیز از آیات و روایات بهره گرفته است. و خاقانی از خصوصیات رفتاری پی امبر(ص) همچون بخشندگی و خوش خلق بودن البته با توجه به آیات و روایات و همچنین ویژگی های ظاهری همچون عالمت مهر نبوت بر کتف ایشان، در خدمت مدح استفاده کرده است. معجزات پیامبر(ص) که در واقع نشان از عنایت و الطاف حضرت حق نسبت به ایشان است و همچنین وقایع تاریخی همچون امداد مالئکه در جنگ بدر به سپاه پیامبر(ص) از دیگر بن مایه های تصویری خاقانی در مدایح نبوی(ص) است. شفاعت بخش بودن تربت حضرت رسول(ص) و مقایسه ی آن با نَفَسِ شفاعت بخش حضرت عیسی(ع) و همچنین تأثیر مکان مقدّس آرامگاه ای شان بر زائران، از دیگر مطالب بکاربرده شده در مدح ای شان است. دکتر رحیمی در پایان ضمن جمع بندی از مطالب ارائه شده در جلسه به سوالات حضار و مخاطبین آنالین پاسخ های الزم را بیان کردند

## ۲۲. محاکمات صدرا و حکیم زنوزی در معاد جسمانی

دهمین کرسی ترویجی دانشگاه مجازی (المصطفی) ص (به صورت حضوری و مجازی با قرائت آیاتی از کالم اهل مجید آغاز شد. سپس آقای دکتر هاشمی، معاون پژوهش دانشگاه مجازی (المصطفی) ص (در مورد برگزاری کرسی های ترویجی در دانشگاه و همچنین ساختار کرسی حجت السلام دکتر محمدمهدی گرجیان استاد دانشگاه باقرالعلوم با عنوان « محاکمات صدرا و حکیم زنوزی در معاد جسمانی » توضیحاتی ارائه نمودند. پس از آن مدیریت علمی جلسه را به آقای حمید علی آبادی مدرس دانشگاه مجازی (المصطفی) ص (سپردند. آقای علی آبادی، مدیر علمی جلسه، ضمن خیر مقدم به اساتید و ناقدین گرامی و حضار محترم به معرفی برگزار کننده کرسی حجت السلام دکتر گرجیان و همچنین ناقدین، جناب حجت السلام دکتر رضایا و حجت السلام دکتر عزیزی پرداختند. پس از این معرفی از آقای دکتر گرجیان خواستند تا در سی دقیقه بحث خود را مطرح کنند. آقای دکتر گرجیان گفتند: ضمن عرض سالم خدمت حاضرین در جلسه چه به صورت مجازی و چه به صورت فیزیکی و همچنین تقدیر و تشکر از معاون محترم پژوهش دانشگاه مجازی در برگزاری این کرسی. حکیم آقاعلی مدرس زنوزی را به حق میتوان از مفاخر جهان تشیع و مهم ترین شخصیت بعد از صدرالمتألهین در حکمت متعالیه دانست، که نوآوری های مهمی را در عرصه حکمت صدرایی از خود به جا گذاشته است. از جمله نوآوری های وی نظریه بدیع اش درباره معاد جسمانی در تعلیقه بر اسفار و هم در سبیل الرشاد است. وی مدعی است که این تفسیر از معاد جسمانی متشرعانه تر از نظریه مالصدرا پایه گذاری گردیده است و اصول عقلی و نقلی پشتوانه آن میباشد. اما بنده بر این باور هستم که ادله عقلی و نقلی اقامه شده از جانب حکیم مؤسس زنوزی بر مدعای خویش در معاد جسمانی دچار نقصان است و نمیتوان آن را بدیل یا مکمل دیدگاه صدرالمتألهین دانست. بر اثبات این سخن، ادله عقلی و نقلی وی به نقد کشیده شده، محاکمهای میان او و مالصدرا به انجام رسید و در نهایت، برتری دیدگاه حکیم شیرازی بر دیدگاه آقاعلی مدرس زنوزی برای مخاطب روشن می گردد. ابتدا نگاهی اجمالی به دیدگاه صدرا داریم که، معاد جسمانی صدرالمتألهین از مسائلی است که نظر بسیاری از بزرگان را به نحو نفی یا اثبات به خود معطوف داشته است. میشود گفت مالصدرا، بر اساس تاریخ مکتوب حکما، اولین حکیمی است که معاد جسمانی را، افزون بر آنکه بر ادله نقلی بنا نهاد، بر اساس اصول عقلی تأسیسی خویش نیز تبیین کرد. از اهم مسائل معاد جسمانی این است: آیا اثبات معاد جسمانی به نحو عقلی نیز ممکن است یا نه؟ صدرالمتألهین بر ابنسینا و پیشینیان دیگر به سبب دشواری و غموض ارائه مسئله معاد و بیتوجهی به اصولی که میشد چید با این بیان خرده میگیرد: «قد احکمو علم المبادی و تبدالته اذهانهم فی علم المعاد» و ابن سینا را در رسیدن به حقیقت امر معاد دچار مشکل می داند، چنان که خود شیخ نیز به آن اذعان نموده است. مالصدرا وصول به این قله رفیع در باور به معاد جسمانی را نصیب خود دانسته، آن را از رازهای بزرگ الهیات می داند، که رازگشایی از آن بهره واصلان به حقیقت است. صدرالمتألهین، با تبیین هستیشناختی و انسان شناختی منحصر به خود درباره نفس و بدن و اقالیم وجودی آن دو، معاد و حیانی را با تفسیری بدیع و عقلی ارائه مینماید، که خواننده را شگفت زده میکند، هرچند برخی با این اندیشه در ستیزند تنها به این بهانه که مالصدرا در توافق نظریه اش با آیات و روایات موفق نبوده است. مالصدرا، ضمن رد دیدگاه های حکمای مشایی و اشراقی و بسیاری از صوفیه و

متکلمان، بر این باور است که معاد روحانی و جسمانی متفعلیه همه است و مبرهن سازی آن با تکیه بر اصول و مبانی دهگانه مبتنی بر آیات و روایات تنها راه اثبات معاد جسمانی به نحو عقلی بر محور نقل است. مالصدرا معتقد است: ظهور و حضور وجود در عوالم سهگانه در عالم ماده و برزخ و عالم عقول نه تنها مابین هم نیست بلکه یک وجود با سه نمود در سه عرصه هستی است. لذا، رابطه «این همانی» بین بدن مادی و مثالی مسلم است و منکر آن منکر یافته های عقل و شرع است. مالصدرا بر این باور است: از آنجاکه آخرت دار بقاء است، نه دار فنا، اگر عالم دیگر و بدن در آن عالم به همین مواد زایلشدنی باشد، آخرت نیز فناپذیر خواهد بود، درحالیکه قرآن کریم آن را دار حیات و بقا نامیده است: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَإَهَىٰ الْحَيَاةِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». و نیز معتقد است: به جای توجه به تکرر از جانب قابل و ماده، باید به دنبال تکرر از جانب فاعل بود، که نمونه آن را در صور متخیله میتوان جست، که بدون ماده قابل، تکرر آن از جانب قوه فاعلی است که مخترع و مبدع است. و نیز او به این همانی انسان محشور با انسان دنیوی باور راسخ دارد: «ان المعاد فی يوم المعاد هو بعینه هذا الشخص الانسانی روحاً و جسداً» و میگوید که تبدل خصوصیات بدن ضروری به بقای شخص بدن نمی رساند، چنانکه در دنیا نیز این گونه است [در اتحاد کسی که در کودکی دیده شده با کسی که در میانسالی دیده میشود تردیدی نیست و به اختلاف در عوارض، هیئت ها و اجزاء فرعی و قعی نهاده نمیشود]. در ادامه نگاهی اجمالی به دیدگاه حکیم زنوزی داریم که در میان مخالفان معاد جسمانی صدرایی، حکیم مؤسس زنوزی که از پیروان حکمت متعالیه و از منتقدان معاد جسمانی صدرایی است - تقریر متفاوتی دارد و نظر صاحب نظران را به خود جلب کرده است، تا آنجا که برخی نظریه او را مرتفعکننده اشکالت و نارسایی های آن میدانند، چنان که خود مدعی است که تقریرش از معاد جسمانی انطباق بیشتری با معاد جسمانی قرآنی و روایی دارد. از سویی دیگر، عده ای نظریه وی در نقد ادله عقلی را نسبت به نظریه مالصدرا نارساتر میدانند و مستند روایی وی را نیز دچار ضعف سندی و دالی می شمارند، که نمیتواند دلیل محکمی بر اثبات معاد جسمانی از منظر روایت باشد. جناب حکیم مؤسس زنوزی به اصولی برای بیان نظر خویش اشاره دارد، که با اندکی دقت، میتوان آنها را در شش اصل دسته بندی نمود: اصل اول: نفس و بدن ترکیب حقیقی دارند، نه اعتباری اصل دوم: عناصر در مرکبات به صورت حقیقی خودشان باقی نیستند و بر فرض که به صورتشان باقی باشند، به عنوان اجزاء مرکبات حقیقی به اعتبار صور عنصریه شان به نحو بشرط ال و متفرق و متباین نیستند، بلکه این عناصر اجزاء مرکبات اند، به اعتبار جسمیت به نحو ال بشرط، آنهم نه به نحو متحصّل و فعلیت بلکه به نحو ابهام. اصل سوم: مرکبات حقیقی دو جهت دارند: ۱. قوه و ابهام ۲. فعلیت و تحصّل، که اولی به ماده و دومی به صورت برمیگردد؛ اجزاء اجزاء برای مرکبات حقیقیه به جهت دوم نیستند بلکه اجزاء به جهت اول شمرده میشوند. اصل چهارم: رابطه نفس و بدن ایجابی و اعدادی است به نحو دوطرفی، چراکه نفس علت فاعلی بدن است و بدن علت اعدادی آن: «أن النفس و البدن يتعاكسان ایجاباً و اعداداً». اصل پنجم: بعد از مفارقت نفس از بدن (آثاری و ودایعی) از نفس در بدن باقی میماند که سبب تمییز این بدن از بدن های دیگر است. اصل ششم: طبق قاعده «کل شیء یرجع الی أصله»، نفس پس از مفارقت از بدن به عقل و نفس کلیه برمی گردد، چراکه همه موجودات از قوس صعود به سوی عالم اعمال در حرکت اند و نفس هم اصل بدن است و بدن فرع آن و در قیامت همه فروع به اصول خود بازمی گردند. حاصل سخنان حکیم مؤسس این است: ترکیب نفس و بدن ترکیب اتحادی است و نفس علت فاعلی بدن و بدن علت اعدادی اوست. پس، تأثیر و تأثر نفس و بدن به نحو دوطرفه است، نه یک طرفه. نفس در این دنیا به تدبیر بدن

پرداخته و موجب آن میشود که ودایعی از نفس در بدن باقی بماند و همین ودایع موجب تمییز این بدن از بدن های دیگر خواهد بود و افراد با بصیرت، هرگاه این بدن را ببینند، می گویند: «این بدن فانی است.» جدایی ابدان از یکدیگر از جهت خود بدن است، نه از جهت نفس و با آنکه نفس به عوالم بالتر صعود میکند اما بدن هنوز به شخصه باقی است؛ سر بازگشت این بدن به آن نفس را باید در ودایع باقی مانده جست. بدین سبب، در آخرت، بدن از قبر بیرون آمده، به اذن خداوند، با حرکت ذاتی و جبلی خویش به سوی اصل خود - که نفس باشد - باز میگردد. بدین ترتیب، بازگشت بدن به نفس و بازگشت نفس به عالم عقول و مجردات است. «فافهم حقیقه المعاد الجسمانی.» در بررسی کلمات مرحوم مدرس زنوزی نکاتی چند به نظر میرسد که در ادامه ذکر میشود: عمده اصول یادشده از جانب حکیم مؤسس برگرفته از کلمات خود مالصدرا است. گویا دلیل اختصاصی و مهم حکیم مؤسس در بُعد عقلی «ودایع به جامانده از نفس در بدن» است. باید گفت: به جا ماندن ودایع به گونه ای که حتی با مرگ و جدایی نفس از بدن موجب اتصال مجدد بدن به نفس شود صرفاً یک ادعای بالدلیل و دچار چند اشکال است: اولاً هیچ گاه ایشان حقیقت و ماهیت ودایع را روشن نساخت که آیا از امور اعتباری است یا از امور حقیقی و آیا از امور مادی است یا مثالی و یا مجرد. ثانیاً، نمی توان مالک جدایی و تمییز بدنی از بدن دیگر را تنها این ودایع دانست، چراکه ممکن است کسی چون مالصدرا بگوید: مالک جدایی ابدان از یکدیگر نفوس خود آنهاست که سابقاً با آن اتحاد داشت و در آینده هم، نفس بدن متناسب با خود را انشاء و ایجاد می کند. «و اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.» ثالثاً، ودایع از دو حال خارج نیستند: اگر این ودایع اعتباری باشند، مثل انتساب شخصی از اشخاص به محل اسکان خود، از آنجاکه بر امر اعتباری هیچ گاه آثار حقیقی بار نمیشود، حرکت جبلی و تکوینی بدن همراه با ودایع اعتباری به سوی نفس در آخرت بیمعنا خواهد بود. و اگر این ودایع از امور حقیقی باشند که آثار خارجی بر آن مترتب شود، در این صورت، نشانه آن است که نفس با بدن در ارتباط است، چراکه حقیقتاً بدن به واسطه امری حقیقی در آن به نام «ودایع» باقی است و ارتباط نفس با بدن باید موجود باشد و نباید دثور و بوار و زوال و اندراسی در کار باشد و باید ودایع مانع پوسیدگی بدن گردند، در حالی که بدن متالشی میشود و «علت محدثه» مبقیه نیز خواهد بود و ذاتی شیء انفکاک پذیر نخواهد بود. و موارد نادری که ابدان باقی میمانند را نمیتوان دلیل کلی قرار داد. رابعاً، طبق مبانی عقلی و نقلی، آخرت دار قرار است و دار بوار و کون و فساد نیست، در حالی که اگر بدن دنیوی با خصوصیات ماده و زوالپذیری در قیامت حاضر شود، بین دنیا و آخرت فرقی نخواهد بود. خامساً، بدن اخروی که با ودایع بود عینیت الزم با بدن دنیوی را نخواهد داشت، بلکه غیر خواهد بود. و این همان تناسخ خواهد شد که به نظر جناب حکیم مؤسس باید به آن تن دهد، حال آنکه معتقد به آن نیست. سادساً، حکیم مؤسس، همانند مالصدرا، مالک و علت مرگ را قطع ارتباط نفس از بدن می داند، چنان که صدرالمتألهین بر اسفار و الشواهد الربوبیه تعلیقه و حاشیه ای بر این سخن نزده و آن را تلقی به قبول نموده است، در حالی که این سخن با نظریه وجود ودایع برای بدن - که موجب تشخیص و تمییز بدن از بدن های دیگر و مایه حرکت او به سوی نفس است - کاملاً مغایر به نظر می آید، چراکه با وجود ودایع قطع ارتباط نکرده، دوباره هم به سوی همان نفس برمیگردد. و صد البته، محاذیر دیگری هست که به علت اطناب از آنها صرف نظر میشود. نظریه مرحوم مدرس زنوزی متکی بر دلیل نقلی منقول از امام صادق(ع) در الاحتجاج است، که وجود ودایع و حرکت بدن به سوی نفس را ایشان از آنجا استفاده نمود. این روایت هم از نظر سندی و هم از نظر داللی دچار اشکال جدی است، که در اینجا به آن پرداخته می شود. این دلیل

روایی را - که به مثابه مستند دلیل عقلی مرحوم مؤسس زنوزی است - کثیری از افراد، از جمله جناب فیض کاشانی، در آثارشان ذکر نموده اند. مدرس زنوزی این روایت را با تعبیر «قوله» به دوازده قسمت تقسیم نمود، که از برخی از فقرات استفاده کرده و مباحثش را بر آن متکی نموده است. در ادامه به بررسی سندی این روایت می پردازیم که سلسله سند این روایت در مجامع روایی ما، از بحارالأنوار، تفسیر صافی و الإحتجاج، ذکر نشده است، در حالی که اولین مالک برای بررسی داللت یک حدیث و استناد به آن توجه به سند روایت است. بزرگان و فحول حدیث، از جمله عالمه مجلسی، آن را مرسل و ضعیف قلمداد نمودند. ممکن است کسی عمل اصحاب به روایت و شهرت روایی را جبرانکننده ضعف سند بداند و موجب تقویت روایت در مباحث فقهی قلمداد کند، که در جواب باید گفت: اولاً: در مباحث اعتقادی نمی توان به این امر معتقد شد. ثانیاً، شهرت روایی از جانب علما تحقق نیافت؛ هم در تحقق اصل شهرت روایی و هم در حجیت آن، به ویژه در مباحث اعتقادی، جای تأمل جدی است، که رأی حق نفی هر دو است. ثالثاً، جمهور علما قوت در سیاق روایت را سبب جبران ضعف سند نمیدانند و به واسطه قوت سیاق، صدور آن از معصوم را قطعی تلقی نمیکنند و حجیتی برای آن قایل نمیشوند. به بیان دیگر، صرف توجه به سیاق و اینکه این تعبیر از غیرمعصوم صادر نمی شود نمیتواند دلیلی بر صدق روایت و صحت سند آن باشد. علما سیاق روایت را جابر ضعف سند نمی دانند، مگر آیت اهل العظمی حکیم (اعلیاهل مقامه) که این نکته از ایشان نقل شد. عبارت مرحوم مجلسی هم به گونه ای است که گویا مبنای غیرمشهور و متروک را میپذیرند. وقتی در مباحث فقهی فرعی ضعف سند موجب رد روایت است، گرچه داللت قوی باشد، پس، در مباحث اعتقادی به طریق اولی باید روایت ضعیف السند طرد شود، چراکه اصل در امور اعتقادی تبعیت از عقل است، نه تعبد، به ویژه آنکه مفاد روایت دچار اشکالات عقلی متعدد باشد. پس از بررسی سندی، به بررسی دالی روایت می پردازیم که در بحث دالی نیز اشکالاتی بر برداشت های حکیم مؤسس از روایت وارد است. ۱: در روایت آمده است: «ینتقل باذن اهل القادر الی حیث الروح...» و مدرس زنوزی از این فراز روایت استفاده کرده است که بدن به سوی نفس به حرکت درمی آید. این سخن، علاوه بر اشکالات فلسفی در باب حرکت که هر حرکتی همراه با تدریج به معنای مصطلح است، دچار این اشکال است که عبارت روایت «انتقال» است، نه تدریج که با دفعی هم سازگار است. لذا، مالا سماعیل خواجوی آن را به گونه ای غیر از حرکت آینی و مسافتی معنا نمود. این عبارت از مرحوم مالا سماعیل خواجوی نشان از برداشت مغایر وی با برداشت جناب مدرس زنوزی است. هرچند سخن خواجوی خود نیز دچار اشکالاتی است، حداقل میتواند سخنی در مقابل برداشت حکیم مؤسس باشد، به ویژه آنکه وی بدن بدون نفس را ماده مبهمه میداند که تحصیل ندارد و پس از جدایی نفس از بدن (مرگ)، وقتی بدن به حالت ابهام برگشت، چطور میتواند به سوی نفس شخصی و نفس کلیه یا عقول حرکت کند؛ حکم کلی عقلی این است که با مرگ رابطه تعلقی بدن از نفس گسسته میشود و دیگر نمیتواند رشد نموده، به سوی نفس در حرکت باشد و این فقره از روایت، با وجود ضعف سندی و دالی و با امکان برداشت های دیگر از آن، نمیتواند این حکم کلی عقلی را تخصیص بزند. افزون بر این، پس از قطع عالقۀ نفس از بدن و با مرگ، دیگر، بدن بدن نیست، مگر به نحو تسامحی، چراکه به قول خود محقق زنوزی بدن به حالت ابهام و ماده بودن برمیگردد و اگر بعد از استحاله بخواد بدن دیگری بیابد، این همان تناسخ خواهد بود. از طرفی، این روایت در تعارض با روایات دیگر است. برای نمونه، روایتی در بحارالأنوار آمده که عالمه مجلسی از کتاب الکافی نقل فرمود که میرساند بدن در تشخص مدخلیتی ندارد و بدن دنیوی دخالتی در بدن اخروی ندارد. این روایت هم از حیث سندی

بر روایت احتجاج تقدم دارد و هم از حیث داللی. افزون بر این، اصل عنایت در اعتقادات مؤید روایت بحارالأنوار است، نه الإحتجاج. از سوی دیگر، روایات باب ترجیح مرتبط با امور تعبدی است، نه تعقلی و اعتقادی، چراکه این امور باید در جای خودش بحث شود. و از آنجا که جهان آخرت جهان بقا است، نه فنا و زوال و بوار و دثور و تغییر، و حالی به حالی شدن در آن راه ندارد، بدن عنصری زوال پذیر، با عوارض و لوازم آن، نمیتواند در جهان آخرت حضور یابد. عقل نیز به همین سخن حکم می کند و روایت بحارالأنوار که فرمود: «فاذا قبض اهلل الیه، صیرتک الروح الی الجنه فی صورته کصورته» با حکم عقل تأیید می شود. شاید بتوان روایت الإحتجاج را - در صورتی که بتوان سندش را به نحوی توجیه کرد - به مامشات امام صادق(ع) با فرد دهری و مخالف معاد حمل کرد، که حضرت میخواست به اندازه فهم او سخن بگوید. و طبق قاعده، بر فرض که دو روایت با هم تعارض کنند، تساقط مینمایند. در آن صورت، از دلیل عقلی در باب اعتقادات پیروی می شود و جایی برای تبعیت از اصل عملی - آن گونه که در مباحث فقهی فرعی است - باقی نیست. الزم به ذکر است که بر خالف روایت الإحتجاج که سند آن به دلیل مرسله بودن حجیت ندارد روایت بحارالأنوار با سند معتبر از ابوبصیر نقل شده است. پس، استحکام داللی و سندی آن میتواند موجب برتری بر روایت الإحتجاج باشد، خصوصاً آنکه با برهان عقلی نیز همراه است. ۲. در متن روایت الإحتجاج آمده است بدن ترابی به جایگاه روح میرود: «الی حیث الروح» و در جای دیگر دارد که «الروح مقیمه فی مکانها...سؤال اینجاست که چگونه ممکن است بدن دنیوی با حفظ مادیت و جسمانیت خود به جایگاه تجرد و مقام عالی عروج کند، چراکه تجافی الزم میآید که بدنی عنصری از همه لوازم مادی جدا شده، در عین مادیت، به نفس ملکوتی آخرتی متصل شود. باید توجه داشت که این تفسیر با بدن فلسفی صدرایی مناسبت دارد، اما با دیدگاه حکیم مؤسس مناسبت ندارد. دیگر آنکه نفس که پیش از این بینای از بدن شد و به فعلیت رسید به چه مالکی میخواهد مجدد به آن متصل شود و چه نیازی به بدن دارد. این سخن بدین معناست که هم نفس از بدن هم مستغنی باشد و هم نباشد. و اگر بخواهد نفس دوباره به بدن نیاز پیدا کند، رجوع فعلیت به قوه است که محال است. عالمه رفیعی قزوینی در دفاع از مدرس زنوزی، گرچه تعلق نفس به بدن در آخرت را جایز ندانسته است، عروج بدن و صعود آن و اتصال به نفس و روح را جایز و، به مقتضای «کل شیء یرجع الی اصله»، تعلق بدن به نفس را روا می داند. در حالی که، چه نفس به بدن تعلق گیرد و چه بدن به نفس، در هر دو صورت، حاکی از رابطه تعلق به یکدیگر است و اشکال تعلق فعلیت محض به بدن کماکان باقی است، چراکه تعلق رابطه طرفینی است و نفس بعد از استکمال و رسیدن به فعلیت البیق خودش از بدن مفارقت مییابد و علت مفارقت نیز فعلیت آن است. و علت تعلق نیز در اینجا موجود نیست تا تعلق حاصل آید و در این صورت، از تعلق دوباره نفس به بدن اجتماع استغنا و عدم استغنا الزم آید، که تناقض خواهد بود، چراکه ترکیب نفس و بدن ترکیب اتحادی است، نه انضمامی. ۳. برخی از تعبیر به کاررفته در حدیث با مبانی نقلی و عقلی ناسازگار است و با تعبیر عرفی میسازد، مثل تعبیر به ولوج برای تعلق روح به بدن، که در روایات به این تعبیر نیامده است. ۴. تذکر این نکته الزم است که طبق مبنای اصالت وجود، صفات وجودی به دو قسم دسته بندی می شوند: ۱. صفات وجودی بماهو وجود، مثل حیات و علم و اراده و قدرت. ۲. صفات وجودی بماهو ماهیه من الماهیات، مثل انسان و اسب و آسمان و کوه و درخت و مادیت و مجردیت و مثالیت. بر این اساس، اصل بدن به حیث وجودش میماند و وجود بدن به حیث مادیت از آن منسلخ میشود. ۵. جای این سؤال از مرحوم مدرس زنوزی باقی است که چطور طبق قاعده «کل شیء یرجع الی اصله» بدن به سوی نفس و روح حرکت میکند اما نفس و روح

حرکت نمیکند و به عوالم بالتر نرفته، ساکن میماند تا بدن به آن مرتبط گردد. والسالم علیکم و رحمۀ اهلل و برکاته پس از توضیحات آقای دکتر گرجیان، مدیر علمی جلسه آقای علی آبادی جمع بندی از بحث های آقای دکتر گرجیان ارایه کردند. و سپس از جناب حجت السالم دکتر حمیدرضا رضانیا به عنوان ناقد اول خواستند تا نظراتشان را ارایه کنند. حجت السالم دکتر حمیدرضا رضانیا استادیار جامعه المصطفی(ص) العالمیه که به عنوان ناقد در این جلسه حضور داشتند، به نقد ایده آقای دکتر گرجیان پرداختند و ضمن تشکر از برگزار کنندگان کرسی اظهار داشتند: ما خودمان تابع دیدگاه صدرا هستیم و دیدگاه حکیم زنوزی عقلی نیست. در اینجا چند نکته را می خواهم مطرح کنم که به اختصار بیان می کنم و نکاتی را که مطرح میکنم می خواهم رای خودم روشن گردد و ال نظر صدرا هم با عقل سازگار است و هم با نقد سازگار است و هم با شهود. فرق نظر صدرا با جناب بوعلی در این است که جناب بوعلی می فرمایند نفس که از این دنیا رفت دیگر بدون بدن است و این خود مشکلی است که بدون بدن دیگر نفس نیست و روح است. جناب صدرا می فرمایند که نفسیت نفس به این است که تدبیر بدن را داشته باشد. صدرا ی گوید که ما یک بدن نداریم و برای هر عالمی بدن خاص خودش را داریم. در صفحه ۱۸۷ مقاله آورده اید که آخرت دار قرار است و دار بوار و کون و فساد نیست، درحالیکه اگر بدن دنیوی با خصوصیات ماده و زوال پذیری در قیامت حاضر شود، بین دنیا و آخرت فرقی نخواهد بود. که این درست است اما جناب زنوزی نمی گوید که همین بدن عنصری با همین خصوصیات مادی خودش در آنجا حاضر می شود. در همان صفحه می فرماید حکیم مؤسس همچون مالصدرا علت مرگ را قطع ارتباطات نفس از بدن می داند درحالیکه این سخن با نظریه وجود ودایع بقای بدن مغایر است. ودایع که ایشان ازش تفسیر دارد و من عبارت جناب حکیم را میخوانم از کتاب مجمع مصنفات ایشان، میفرمان که آثار و ودایعی از جهات ذاتی و ملکات جوهری نفس در بدن و همچنین در عناصر تشکیلدهنده آن باقی میماند که ناشی از تدبیر ذاتی نفس در بدن می باشد و امری تبعی است و باور ایشان این تعلق و پیوستگی به اندازهای شدید مییابد که حتی با مرگ نیز از بین نمیرود و ایشان می فرماید که اساس این که تمایز بین اجساد بخاطر اون ودایع هست. درسته ایشان تبیین درستی از ودایع ندارد اما چرا شما احترام میگذارید به جسد فالن معصوم چرا همین احترام را به جسد فالن فرد عادی نمیگذارید؟ آیا به صرف اینکه یک روزی نفس با این جسد بوده یا نه الن این جسد خاص احترام دارد؟ ایشان می فرماید که بخاطر ودایع است. بنده سوالی دیگری از جواب دکتر دارم این که در بحث رجعت جناب صدرا نظرش این است که وقتی انفاس به عبارتی نفوس به عوالم بال رفتند و هیچ توجهی به اجساد دنیایی خودشون ندارند، رجعت را ایشان چطور میتواند تبیین کند؟ علت عدم اندراس بعضی از اجساد چیست؟ همیشه این را تبیین کرد به خاطر شدت وجودی که اون نفس با جسد داشته، چرا بعضی اندراس پیدا می کنند به خاطر اینکه اون شدت وجودی بین راکب و مرکب نبوده، اما چرا بعضی از اجساد اندراس پیدا نمیکنند؟ اینطور همیشه توجیه کرد که همون جور که انسان در توجهی به عوالم بال داره و نیم نگاهی به جسد عنصری خودش داره، مقدمه دوم النوم اخ الموت نتیجه این که انسان اگر قدرت پیدا کنه میتونه وقتی از این عالم رفت در عالم برزخ هم توجه به بدن مثالی خودش داشته باشه هم توجه بدن عنصری خودش داشته باشد و لذا این مندرس همیشه. رجعت علتش چیه که این ارواح طیبه برمی گردند به همین اجساد دنیایی خودشان، نه تنها حضرات معصومین بلکه خیلی از افراد برمی گردن د و ما اعتقاد به رجعت داریم. به نحوی جناب حکیم می خواد که این را توجیه کند که آقا شما قطع عاقله کلیه دیگه نسبت ب ه این جسد نداشته باشید همان طور که نفس دارد تحت حرکت جوهری در عوالم بال شناوری

می‌کنه این جسد را هم به دنبال خودش می‌کشد. اینجور نیست که وقتی نفوس از اجساد فاصله گرفتند دیگه این‌ها خاک بشن و دیگه هیچ ارتباطی بین این اجساد و ارواح نباشد. در صفحه ۱۹۳ آورید که سوال اینجاست که چگونه ممکن است بدن دنیوی با حفظ مادیت و جسمانیت خود به جایگاه تجرد و مقام عالی عروج کند؟ ایشان می‌گویند من که نگفتم با حفظ مادیت می‌خواهد عروج کند، همین که افتاد در مسیر صیوروت دارد آرام آرام از ما دیت فاصله می‌گیره، الی اهلل الرجعی، شما هم زیبا فرمودید وجود داره ارتقا پیدا میکنه تحت حرکت جوهری و لذا هر زمان نو می‌شود. چه اشکالی داره که این بدن عنصری هم در گردونه حرکت جوهری ارتقا وجودی پیدا کند، جناب حکیم شما برا چی اصل اون رو مطرح میکنید؟ که ایشان می‌گویند برای توجیه رجعت. اگر بازگشت به این دنیا نبود اصل حرف جناب صدرا هیچ مشکلی نداشت، من حقیقتاً برام مشکل هست و این را متوجه نمی‌شم رجعت رو من برایش هیچ توجیهی ندارم. مگر این که بگویید رجعت بازگشت نفس است به بدن مثالی، همون ماجرای که برام مالک اتفاق میوفته یعنی رجعت با بدن مثالی هست. اما ظواهر آیات و روایات این هست که رجعت با همین جسد هست و حضرات معصومین تشریف می‌آورند و حکومت می‌کنند. اگر قرار باشه طبق بیان جناب صدرا دیگه ما این جسد را مالقات نکنیم، رجعت توجیهی ندارد. در صفحه ۱۹۰ شما آورید که اینکه عبارت روایت انتقال است نه تدریج، قرار نیست که عبارات روایات تابع اصطلاحات فلسفی باشد. در صفحه ۱۹۱ وقتی بدن به حالت ابهام برگشت چطور میتواند به سوی نفس شخصی و نفس کلیه یا عقول حرکت کند؟ و این پاسخ اش این هست که همان طور که در دنیا حرکت جوهری بدن به واسطه نفس صورت گرفت، یعنی فاعل با واسطه نفس بدن را در مسیر حرکت قرار میدادند بعد از مرگ هم واسطه در حرکت بدن ه مان نفس باشد. والسلام علیکم و رحمه اهلل و برکاته مدیر علمی جلسه پس از ارائه نقد دکتر رضانیا، از ایشان تشکر کردند و گفتند: در این بخش از دیدگاه‌های حجت‌الاسلام دکتر مصطفی عزیزی علویجه و نقدهای ایشان استفاده می‌کنیم تا در پایان توضیحات آقای دکتر گرجیان را در مورد نقدها داشته باشیم. حجت‌الاسلام دکتر مصطفی عزیزی علویجه، دانشیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه که به عنوان ناقد در این جلسه حضور داشتند، به نقد ایده آقای دکتر گرجیان پرداختند و گفتند: موضوع مطرح شده در این کرسی موضوع چالشی و حساسی است و اهمیت این موضوع بر کسی پوشیده نیست لکن پس از بررسی‌هایی که بنده نسبت به مقاله انجام دادم برخی نکات صوری و شکلی و برخی نکات محتوایی را در آن دیدم که به تفکیک بیان خواهم کرد. نکات صوری و شکلی که در مقاله بود به شرح ذیل می‌باشد - عدم مطابقت میان عنوان مقاله و محتوای مقاله کلمه محاکمات بار معنایی خاصی دارد که باید ابتدا دیدگاه‌ها ذکر شود و سپس میان دیدگاه‌ها داوری شود، لکن در این مقاله ثقل بحث طرح دیدگاه آقا علی مدرس و نقد آن است. بهتر است که عنوان مقاله تغییر کند - برخی منابع در کتابشانی مقاله تکراری است و در برخی از منابع آدرس‌های اشتباه درج شده است - اگر سه اقلیم بدن در جایی دیگر بحث شده است چرا دوباره در این مقاله ذکر و نقد شده است؟ - اصولی که از آقا علی مدرس در مقاله ذکر شده تنها به متن عربی و ترجمه آن اکتفا شده است، زمانی که شخصی با این اصول آشنایی ندارد تحلیل این اصول اگر می‌آید بسیار بهتر بود. - در قسمتی از مقاله تفسیر صافی را به عنوان مجامع روایی آورده‌اید که اشتباه است و اینکه روایات را ناقص آورده‌اید که اگر کامل می‌آوردید بسیار بهتر بود. نکات محتوایی که به نظر بنده آمد به شرح ذیل می‌باشد - در هر دو دیدگاه اصول فلسفی دیدگاه‌ها تحلیل شده اما خروجی این اصول به عنوان یک نظریه منسجم برای مرحوم صدرا نیامده است - در صفحه ۱۸۲ مقاله بین دو پاراگراف آخر ناسازگاری به ذهن



میرسد که یک تحافت است که به ذهن می رسد و بایستی تبیین شود - .ودایعی که اقا علی مدرس ذکر کرده و نقطه ثقل است، مستند ایشان فقط روایات است. بعید است که ایشان این ودایع را صرفاً از روایات گرفته باشد - .اینکه میفرمایید حقایق این ودایع را مشخص نکرده است ، به نظر می رسد که ماهیت این ودایع را ایشان مشخص کرده و آورده است، لذا این ودایع ماهیت آن مشخص هست با عبارتی که از ایشان هست - .حضرتعالی میفرمایید ودایع از دوحال خارج نیست، یا این ودایع اعتباری اند یا حقیقی که قابل مناقشه هست. مرحوم صدرا میفرمایند مالک تعدد ابدان به نقش است - .یک تعداد عبارتی وجود دارد که بالخره معلوم نیست که این ودایع در کدام بدن ذخیره میشود، مخزن ودایع چیست؟ محل ودایع کجاست؟ بدن عنصری یا بدن مثالی؟ -جایی گفته اید که روایت آقا علی معارض دارد، ای کاش روایت معارض را می آوردید و وجه داللت بر مدعا نیز بیان می شد - .این انتقال بدن به روح گاهی به معنای عروج و گاهی به معنای انتقال مکان هست که دارای تعرض است .نکته آخر اینکه بنده نفسانیت نفس را به تعلق بدن نمی دانم .والسلام علیکم و رحمۀ اهل و برکاته آقای علی آبادی مدیر جلسه ضمن تشکر از حجت السلام دکتر عزیزی نسبت به جمع بندی نقدها اقدام نموده و اعالم نمودند که از حاضرین در جلسه چه به صوت آنالین و چه به صورت حضوری اگر شخصی سوالی در مورد کرسی دارد ارائه نماید .ایشان سپس از آقای دکتر گرجیان خواستند تا توضیحات و نکات خود را در پاسخ به مطالب و نقدهای ناقدین محترم مطرح کنند .آقای دکتر گرجیان، ارائه دهنده ایده مورد بحث در این کرسی، پس از شنیدن نقد ناقدان این چنین پاسخ دادند :ممنون که دوستان عزیز با دقت گوش کردند چه عزیزانی که از طریق مجازی دنبال می کنند کرسی را و چه استادان فن که الحمدلله بنده افتخار می کنم به ارتباط و رفاقت با عزیزان، من مجبورم که نکاتی که فرمودن را پاسخ بگویم و هر کدام را که درست هست بگویم که درست است . اینک دارای اغالت تاییبی هست مربوط به مجله هست، برخی از این مطالب که جناب استاد دکتر رضانیا فرمودند، فکر کنم یک ساعتی واقعاً مقدمات میخواود، هم با مبانی آخوند هم با مبانی که خودم میپذیرم ، فرمودند که رجعت را چه می کنید؟ این کلمه رجعت را چهار پنج بار به زبان شریفشون آوردن که من مجبورم بیشتر توضیح بدم .من فکر کنم این مبنا که ذکر کردم بار اول نه تنها رجعت را نه تنها زنده شدن مردگان را و حتی بلکه معراج جسمانی نبی را حل خواهد کرد. ادعای بنده است و شما آن ادعای بنده را نقد کنید، و جسارتاً بنده نفسانیت نفس را به تعلق بدن نمی دانم ، نفسانیت نفس در زم انی که در عالم ماده در سفر مادونی در قوس نزول اومده اینجا الکتساب ... که نیازمند بدن داره و الال نفس از آن حیث که نفس هست کی گفت که نیاز به بدن دارد .این ادعای بنده است و امکان دارد که بگوئید این حرف با آخوند فرق دارد که بله این را این آخوند کوچک داره می گه نه اون آخوند بزرگ. عرض کنم این نفس اصلاً آن نیست که در ساختار حکمت صدرایی می گن در عالم مثال هست، این ظلم به نفس هست و با فرهنگ قرآن هم سازگار نیست ، نفس بسیار عظیم هست، چقدر زیبا جناب موالنا گفت ما ز فلک برتریم از ملک افزونتریم، زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریا ست .باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست. ما با فلک بودهایم یار ملک بوده ایم، بهر تماشا چرا، و لذا خداوند سبحان وقتی اینو خلق کرده به ملک که عالم عقل هست گفت که اذا خلقت و ... فقعو له ساجدین و بعد هم که یکی که شش هزار سال عبادت کرد یک ا انقلت آورد و خدا گفت که فاخرج انک رجیم، فسجد المالکة کلهم الال ابلیس ابی ....، این فضا این نفس را نیاریم تو عالم مثال .بله نفس میتواند به عالم عقل بره، اما عقل نمیشه عقلی است ، عالم مثال میتونه بره، مثالی است نه مثال، در عالم ماده میره، منتسب به ماده هست اما ماده نیست، شأنش شأن خداست ،

شأن خدا چیه؟ چطور فی السماء اله و فی الرض اله؟ نفس هم فی السماء اله و فی الرض اله چون خلیفه است و خلیفه باید تمام اختیارات را داشته باشه. اینجا بحث رجعت را نفس لسعته وجودهی اتفاقاً همه جا باید سرکشی کند چرا که خلیفه است و باید بیاد پایین و بعضی از کمالتی که در عالم عقل و مالکته نیست، نفس در عالم ماده می کنه مثل شهادت، شهید شدن، ایثار، نوع دوستی، بعضی از امور هست که اصل در عالم بال نیست، نفس تعبیری که آخوند دارد و از ابنعربی گرفته، میگه درست مثل یه عقابی است که بالانشین هست اما بال نشین برای اینکه رزق و روزی اش را درست کند پایین میاید و شکار می کند و بال می رود. تعلق به بدن ذاتی نیست، مثل پیامبر که وقتی پایین بود جبریل هم بود و وقتی بال رفت تا جایی دیگه جناب جبریل هم نمیتوانست برود. آخوند میفرماید که بدن مادی هست و عنصری، گاه عقلی هست، گاه الهی هست، مرحوم آخوند پذیرفت که نفس باید حتماً بدن داشته باشه؟ نمیتونه که با این جرم به اونجا بره پس گفت اونجا بدن مثالیف جایی بدن عقلی و ... آخوند از این که اصل حقیقت را بیان کرده بنده حرفی ندارم و تابع ایشان هم هستم، که چی یعنی اینکه نفس در هر مملکتی که رفته قوانین اون مملکت رو باید رعایت کنه، قوانین عالم ماده چی هست؟ تعلق به بدن هست، در عالم مثال چی هست؟ اگر مثالیف هست با مثال یت در ارتباط هست و اگر عقل هست با عقل در ارتباط هست. بنده نفی نمیکنم، شما اصرار دارید که بدن بگذارید این کار را انجام دهید بنده مخالفت هم نمیکنم، اگر عنوان و اصطلاح میخواهید بنده هیچ دعوی ندارم. اما در مورد معاد جسمانی هم همینطور هست چرا؟ من که گفتم که صفات وجودی البد بما هو وجود را بردار، پیغمبر با سعه وجودی دارد بال میرود، وقتی رئیس مملکتی حرکت بکند عساکر وجود باهاش همراه هستند، این تعبیر در معراج هم میاد و در رجعت هم میاد، شما محل بحث را عوض کردید محل بحث در رابطه با معاد بود و اگر میخواهید راجع به رجعت صحبت کنید که این خود بحث دیگری هست و باید در جای دیگری بحث شود اما در عین حال بنده ادله ای که آوردم رجعت را هم شامل می شود. اینکه فرمودند که ودیعه هست که عامل تفکیک هست، ببخشید مصادره هست، بحث این است که آیا واقعاً تفکیک بهخاطر نفسانیات نفس هست یا به خاطر ودیعه هست؟ اگر این جوری هست اون تشخیص به این صورت اخیر هست، بر اساس عالمه جوادی آملی بگیم که انسان حیوان ناطق است، نوع متوسط هست چرا؟ ان الانسان به نوه هیوانی حیوان الناطق اما به نوه المحصل فمرتبط بعقل النظری و العقل العملی. بحثش جداست و آنرا هم ما قبول داریم. کی میگه نوع اخیر انسان می شه انسان کامل، که این حرف حرف درستی هست، گرچه در نظام منطقی بگویند حیوان ناطق. نکته دیگری که حضرت استاد فرمودند که بدن در مسیر صیروت هست و به گونه ای که در صیروت هست از مادیات بیرون میاید، این حرف آخوند شد، میگه آخوند اومده بدن مثالی را قائل شده درحالیکه ادله روایی آیات و روایات بدن ظاهری و مادی را میگویند، اشکال همین بود دیگر، اگر اینطور بود که بنده هم دعوا ندارم با اقا علی مدرس. جسمانیف جسم به وجود ضعیفش هست، من دنبال وجود ضعیف هستم، وجود ضعیف همراه وجود قوی هست، اندماجی، اضمحالی، استهالکی نه موجود از ما جداگانه. والسلام علیکم و رحمۀ اهلل و برکاته پس از پایان صحبت های آقای دکتر گرجیان جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد به جهت جمع بندی نهایی و شور ناقدان به اتمام رسید.

## ۲۳. واکوی نو اوری علامه طباطبایی در بهره وری از سیاق جهت تبیین مفاد قصری آیات

این نشست علمی در تارخ ۱۲ خرداد ماه ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و دبیرخانه کنگره بین المللی علامه طباطبایی برگزار گردید. خانم دکتر عالمی در ابتدا نشست مقدمه ای را ارائه دادند با این مضمون که علم بالغت از جمله علوم است که تأثیر شگرفی در رساندن مراد متکلم به مخاطب دارد. این علم متشکل از سه فن معانی، بیان و بدیع است. علم معانی به شناخت گونه های هماهنگی کالم با مقتضای حال میپردازد. در کتاب «مختصر المعانی» (تفتازانی) که یکی از رایج ترین متون نگارش یافته در حوزه علوم بالعی محسوب میشود (شاهد طرح هشت باب در علم معانی هستیم که بحث «قصر» باب پنجم آن را تشکیل میدهد. استاد محترم بعد از بیان مقدمه ای به توضیح مفهوم قصر پرداختند که «قصر» یکی از اسلوب های بالعی مهم است که در رساندن مقصود متکلم، نقش عمده ای را ایفا میکند. تفتازانی بر این عقیده است که در «قصر» غموض فراوانی نهفته است. سیوطی نیز موارد قصر را، یکی از وجوه اعجاز قرآن میداند. در ارزش و اهمیت این اسلوب همین بس که شعار توحیدی و آیه والیت و تطهیر همگی با اسلوب قصر نازل شده است. و تعریف اصطلاحی قصر بدین گونه است که: «تخصیص شیء بشیء أو تخصیص أمر بأمیر بطریق مخصوص؛ تخصیص چیزی بر چیزی دیگر یا امری بر امر دیگر با قالب ها و طرق مخصوص» ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به واژگان همسوی با واژه «قصر» اینگونه توضیح دادند که «حصر»، «تخصیص» و «اختصاص» واژگان همسوی واژه قصر هستند که مفهوم اصطلاحی این سه کلمه با مفهوم اصطلاحی واژه «قصر» مترادف و یکی است؛ به گونه ای که در کتب بالعی گاهی در جای یکدیگر به کار رفته اند نکته بعدی که استاد محترم به آن اشاره کردند طرق و راه های است که میتوان قصر را ایجاد کرد که چهار طریق عام و پرکاربرد برای قصر بیان شده است: «نفی و استثناء»، «إنّما»، «عطف به ال، بل، لکن» و «تقدیم آنچه جایگاهش در اصل مؤخر بوده است»؛ اما در برخی کتابها برای قصر، علاوه بر راههای مشهور، طرق دیگری نیز بیان شده است از جمله: «ضمیر فصل»، «إنّما»، «تعریف مسندالیه و مسند به الم جنس»، «تقدیم مسندالیه بر مسند فعلی». جلال الدین سیوطی این طرق قصر را ۱۴ چیز میداند که البته برخی از این طرق مورد پذیرش همه بالغت دانان نیست (عالمه طباطبایی) در خلال تفسیر گرانسنگ «المیزان» علاوه بر به کارگیری طرق مختلف قصر (طرق چهارگانه و اسالیب اسنادی) در مقام تشخیص مفاد قصری جمالت و آیات قرآنی، از عنصری به نام «سیاق» نیز بهره جسته است؛ که استفاده از آن در بین مفسران رایج نبوده؛ بدین جهت می توان از آن به عنوان نوآوری عالمه در اسالیب قصر یاد نمود. دکتر عالمی در ادامه نشست به توضیح مفهوم دیگری پرداختند و همچنین تاکید کردند که باید با این مفهوم آشنا شد و آن مفهوم سیاق است با این بیان که شهید صدر منظور از «سیاق» را هرگونه قرائنی میداند که به فهم معنای لفظ کمک میکند خواه قرائن لفظی باشد و خواه قرائن حالیه باشد و ایشان در تعریف «سیاق» به توسعه معنایی روی آورده است و از هرگونه قرائن (لفظی و حالی) تعبیر به «سیاق» نموده است و حال آنکه در نظر اکثر مفسران «سیاق» از قرائن لفظی است. آیت اهل معرفت نیز در تعریف «سیاق» می نویسد: «قرآن به تدریج و در موقعیتهای مختلفی نازل شده است و هر

مجموعه ای از آیات به دلیل مناسبتی خاص نازل شده است که این امر وجود رابطه ذاتی بین آنها را میطلبد و این همان چ یزی است که در اصطلاح «سیاق» آیه نام دارد «نسبت به استفاده عالمه طباطبایی از سیاق اینگونه می توان گفت که ایشان با وجود آنکه در تفسیر آیات بیش از سایر مفسران از «سیاق» استفاده نموده و در متن تفسیری «المیزان» بیش از دو هزار بار این واژه را به کار برده اما تعریفی از این ابزار کارآمد بی آن نکرده است. آنچه که از تفسیر المیزان به دست میآید این است که ای شان مقصود از سیاق را نظم و یکنواختی کلمات و جمالت در معنا و الفاظ می داند اگرچه مسئله «سیاق»، یکی از ابزارهای مهم و کارآمد برای فهم آیات محسوب می شود؛ و در درک عمیق و دقیق و کشف مدالیل آنها نقش بسزایی دارد؛ ولی استفاده از «سیاق» و بهره گیری از آن در علم تفسیر رشد آرامی داشته است و مفسران قبل از عالمه طباطبایی (ره) تا حدودی به این مسئله توجه داشته اند. اما این مفسر بزرگ شیعه در دوره معاصر، به مسئله «سیاق» توجهی فراوان نموده و به طور گسترده از آن در تفسیر المیزان استفاده نموده و آن را عنصری مهم جهت کشف معانی آیات دانسته است. استاد محترم در بخش دیگری از سخنان خود به توضیح نگاه عالمه نسبت به سیاق پرداخته و نمونه های از استفاده ایشان از سیاق را جهت تبیین مفاد قصری آیات را بیان کردند به این شکل که آنچه که نگاه عالمه نسبت به «سیاق» را از سایر مفسران و دانشوران علوم بالگی متمایز میسازد این است که وی از «سیاق» به عنوان اسلوبی برای تشخیص و فهم «قصر» استفاده مینماید؛ این نگاه عالمه در کتب بالگی و تفسیری متعارف نیست. نمونه هایی از استفاده عالمه از سیاق جهت تبیین مفاد قصری آیات اکنون برای بهره وری عالمه از سیاق جهت تبیین مفاد قصری آیات سه نمونه ذکر می شود. افزاز ترکیبی «اعْبُدُوا اللَّهَ» در آیه قرآن کریم استعمال شده است عالمه طباطبایی (ره)، در بخشهای مختلفی از تفسیر «المیزان» به این نکته توجه میدهد که تعبیر «اعْبُدُوا اللَّهَ»، داللت بر قصر میکند و مفید «توحید» می باشد. با توجه به مختلف و متنوع بودن عرصه های توحیدی در فرهنگ اسلام؛ می توان قصر در این آیه را در سه قالب توحیدی بیان کرد: ۱. توحید «عملی» عالمه طباطبایی (ره) مراد از فراز «اعْبُدُوا اللَّهَ» مذکور در آیه ۳۶ نساء «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ الِ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْاِلْدِيْنِ اِحْسَانًا» را دال بر «توحید عملی» می دانند و می نویسند: «مقصود از توحید عملی، انجام اعمال نیکو (از جمله احسان مذکور در آیه) برای طلب رضای خداوند متعال و به دست آوردن ثواب آخرت است. ۲ «توحید ربوبی» یکی از مراتب مهم «توحید»، «توحید ربوبی» است؛ که عبارتست از وابستگی همه مخلوقات در همه شئون وجودیشان. عالمه طباطبایی (ره) در مقام توجه دادن به این نوع از «توحید» مستفاد از تعبیر «اعْبُدُوا اللَّهَ» می نویسد: «مقصود از فراز «اعْبُدُوا اللَّهَ»، در آیه ۷۲ سوره مائده «قَالَ الْمَسِيْحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ» و آیه ۱۱۷ همین سوره «مَا قُلْتُ لَهُمْ اِلَّا مَا اَمَرْتَنِي بِهِ اَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ» توحید در الوهیت است از آنجا که مسیحی ان به شرک در ربوبیت آلوده بودند لذا حضرت مسیح (ع) در هر دو آیه، در ادامه فراز مذکور، الفاظ «رَبِّي وَ رَبَّكُمْ» را میآورد تا به آنه ا مربوب بودنشان را بفهماند یعنی همانگونه که خدا رب و تدبیر کننده امور شماسست تدبیر کننده امور من هم هست. ۳. توحید «عبادی» نفی هر گونه شرک در عبادت و انحصار پرستش در خدا را توحید در عبادت گویند. عالمه طباطبایی (ره) مفاد برخی آیاتی که فراز «اعْبُدُوا اللَّهَ» در آنها به کار رفته را ناظر به «توحید در عبادت» دانسته است؛ از جمله این ایات گفتار مشترکی از هادی ان و پی امبران الهی از جمله حضرت نوح، هود، صالح و شعیب خطاب به قومشان بوده است که این گفتار در ۸ آیه مشاهده می شود «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلِهٍ غَيْرُهُ» وی در ذیل آیه ۵۰ سوره هود مینویسد: «اعْبُدُوا اللَّهَ» یعنی اهلل را عبادت کنید و

خدایانی را که به‌عنوان ارباب و شفیع در نزد خداوند برای خود گرفتارید، عبادت نکنید. ایشان دلیل بر حصر مذکور را، ادامه آی ه یعنی «ما لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِلَّا أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ» م‌یداند؛ زی را الهه ای که آن‌ها به‌عنوان شریک یا شفیع عبادت می‌کردند افترائی بی‌ش‌ نبود عالمه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۱۶ سوره عنکبوت «وَإِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَانْقُوهُ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» می‌نویسد: «اعْبُدُوا اللَّهَ» به‌قرینه آیاتی که در ادامه می‌آید مفید حصر است زیرا بت پرستان بر این اعتقاد بودند که عبادت خداوند فقط از طریق کارگزارانی مانند مالئکه و جن که در نزد او مقرب هستند امکان‌پذیر است و اگر عبادت خدا ممکن بود قطعاً او معبودی بدون شریک بود؛ بن‌ابرای ن دعوت آن‌ها به عبادت خداوند با جمله «اعْبُدُوا اللَّهَ»، دعوت به توحید است گرچه در آن، ادوات حصر به کار نرفته است. ۲ «یکی دیگر از آیاتی که عالمه با توجه به سیاق از آن استفاده قصر نموده است آیه ۱۰۵ سوره هود «يَوْمَ يَأْتُ ال تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِذِيهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيٌّ» د «داللت بر انحصار اهل قیامت به دو گروه «سعید» و «شقی» دارد؛ ایشان آی ه مذکور را نظیر آیه ۷ سوره شوری «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ ال رِيبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» میداند؛ زیرا این آی ه نی‌ز در مورد احوال اهل قیامت است که گروهی از آنها راهی بهشت و گروهی راهی جهنم میشوند. ایشان م‌ینویسد: «جمله «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» به‌کمک سیاق افاده حصر میکند گرچه به‌تنهایی خالی از این داللت است»

اهم نقد‌های وارد شده توسط ناقد محترم به سخنرانی ارائه شده خانم عالمی به ترتیب اول آنکه با توجه به اینکه بحث تفسیر بود بهتر بود حداقل به این نکته اشاره میشد که بحث حصر در فهم آیات دخیل می‌باشد یا خیر؟ و اینکه سخنی از ابوحنیفه مطرح شد و کالم ایشان مورد نقد واقع شد مورد دوم از نقد‌های وارده این است که محدود نشدن حصر به حصر حقیقی باید مورد توجه قرار بگیرد و باید دید که عالمه طباطبایی سیاق را فقط در محدوده حصر حقیقی میداند و یا هم در محدوده حصر حقیقی و اضافی هم میبیند و... استاد محترم پاسخ‌های الزم را ارائه کردند و به جمع‌بندی از مطالب بیان شده از نشست پرداخته و اینگونه جمع‌بندی کردند که آنچه از این دستاورد پژوهشی به دست آمد این است که در متون و نگاشته‌های بالغی، برای فهماندن «قصر» اسالیب و طرق متعددی بیان شده است اما استفاده قصر به وسیله «سی‌اق» یکی از ابتکارات عالمه طباطبایی (ره) در تفسیر آیات شریفه است. و می‌توان این اسلوب را نیز از طرق قصر دانست یکی از مواردی که این مفسر بزرگ شیعه با توجه به «سی‌اق» استفاده قصر می‌نماید فراز «اعْبُدُوا اللَّهَ» است که عالمه طباطبایی (ره) با تکیه بر قاعده «سی‌اق»، این فراز را دال بر مفاد قصری (حصری) دانسته؛ منتهی گاه ناظر به «توحید عملی» است و در مواردی حاکی از «توحید ربوبی» میباشد، و در بعضی از آیات هم داللت بر «توحید عبادی» دارد. با توجه به این استفاده عالمه از این فراز می‌توان گفت از منظر عالمه طباطبایی (ره)، تمامی آیاتی که در آنها صفت یا فعلی به خداوند متعال نسبت داده میشود؛ به‌گونه‌ای، مفاد «قصر» در آنها مطرح است هرچند که در ساختار آیات، اسلوب‌های متداول قصر مشاهده نشود

## ۲۴. بررسی اندیشه موعود در اسلام و مسیحیت

این نشست علمی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه علمی فلسفه و کلام اسلامی برگزار گردید. در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی ارائه می گردد: جناب دکتر مساله گو در ابتدا به تبیین موضوع پرداخته و اینگونه توضیح دادند که در نشست امروز قرار است اندیشه منجی موعود در اسلام و مسیحیت بررسی و شباهت ها و نقاط اختلاف تبیین شود و هدف نشان دادن تعامل بین دو منجی بزرگ اسلام و مسیحیت است و نه تقابل. اندیشه موعود از جمله اصولی است که مشترک بین همه ادیان است و موعود گرایی جز اصول مورد قبول همه ادیان است و بحث موعود مربوط به حوادث آ آینده است و با بررسی و کنکاش در ادیان آسمان و یا در ادیان غیر آسمانی می توان ریشه و رگه های از باور به یک منجی یافت کرد. و باید به تفاوت موعود و منجی هم اشاره کرد که موعود فقط یک نفر است ولی منجی افراد مختلفی هستند و چندین نفر میتوانند منجی باشند ضمن اینکه موعود به عنوان آخرین منجی محسوب می شود. استاد محترم دکتر مساله گو مقدمه ای را بیان کردند و ویژگی های نمادین موعود ادیان را بر شمرده و توضیحی نسبت به هر کدام ارائه دادند که یکی از آن ویژگیها آن است که موعود یهود از خاندان داوود است و موعود مسیحیان، مسیح است که به آسمان رفته و دارای دوازده حواری است و دیری نخواهد پائید که عیسی به باز خواهد گشت تا ملکوت خداوند را استوار کند ( یوحنا : ۴ : ۲۵- ۲۶ ). ایشان در ادامه جلسه توضیحاتی پیرامون تناقض گویی نسبت به اندیشه موعود در مسیحیت پرداخته و اینکه مواردی در مسیحیت است که قابل جمع با هم نیستند از جمله این موارد مسیحیان همزمان قائل به سه خدا هستند در حالی که گفته میشود خدا واحد است و این چگونه ممکن است و ..... استاد محترم در ادامه جلسه توضیحاتی را پیرامون ماهیت موعود مسیحی و نجات موعود را ارائه دادند از جمله این توضیحات این است که موعود مسیحیان دوازده حواری دارد که بر دوازده سبط بنی اسرائیل حکومت خواهند کرد او همان عیسی بن مریم است که بعد از به صلیب کشیده شدن رستخیز کرده است، دوباره رجعت خواهد کرد و برای مدت هزار سال بر زمین حکومت خواهد کرد. عدل و انصاف کامل از ویژگی های این حکومت است و مسیح به عنوان فرمانروای جهانی مورد پرستش قرار خواهد گرفت. استاد مساله گو در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع بسیار مهمی به نام آرماگدون یا هرْمَجْدُون پرداختند و اینکه مساله آرماگدون دادای چندین محور اساسی است با این توضیح که محور اول اینگونه است که جهان به عهدن عقیده ی منجی و موعود در میهن ادیهان تها ریخی آسهمانی اقوام و مذاهب است به تعبیر ایهت اهلل مکهارم ایهن اندیشه یک بهاور قهدیمی عمهومی و مشهترک در میان ادیان، اقوام و ملل مختلف است حتی در میان ادیان تاریخ مانند زرتشت و هندویزم) برهمنی( اعتقاد به منجی وجود دارد اثبات اصل این عقیده در میان ادیان مختل بویژه ادیان ابراهمی با تاکید بر مسیحیت و اسلام. محور دوم: این عقیده ساختگی و دروغین نیست) تعالیم ادیان ابراهیمی بر این نکته تاکید دارد که عاقبت خیر بر شر پیروز می گردد در مسیحیت بازگشت مسیح و موعود منجی از اصول مسلم اعتقاد مسیحیان است و او بر همه جهان حکومت خواهد کرد ( لوقا: ۲۱- ۲۸- ۳۷ ) او پس انسان بر ابری سوار و با عظمت و شکوه می آید هر کس آگاه باشد که چون چنین شود خالصی نزدیک است در ادامه جلسه دکتر به محور سوم که شباهت ها و اختلاف های منجی اسلام و مسیحیت است را اشاره و توضیح آن این است که ابتدا شباهت های این منجی ها با همدیگر از جمله مواردی مانند امید به آینده

جهان و بشریت ان الباطل کا ن زهوقا) و امید به نجات انسان) و نرید ان نمں علی الذین استضعلو فی  
الرض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین( و مورد سوم بسط عدل در جهان و پایان شر ) گرگ و بره در کنار  
هم زندگی می کنند شهرها آباد نعمت ها فراوان برکت از زمین وآسمان سرازیر خواهد شد و مورد چهارم  
شباہت این است که الهی بودن شخص مصلح و منجی در اسالم و مسیحیت به عقده مسیحیان مسیح بار  
دیگر خواهد آمد بر ای کسانی که منظر آمدن او هستند و و نجات ایشان ) عبرانیان ۹ : ۲۸ .(و در متون  
اسالمی روایات صحیح از پیامبر « انه رجل من ولدی « آمده است . و از دیگر شباہت های منجی در اسالم  
و مسیحیت :تشکیل ارمان شهر و و مدینه فاضل در آخر الزمان به دست منجی و اینکه او از خاندان نبوت  
است و دارای صفات پسندیده است و دارای اعجاز است محور چهارم در رابطه با عالم ظهور است و  
توضیح آن را جناب دکتّر این گونه بیان کردند که در مسیحیت جور و فساد عالم گیر و فراگیر شده  
است(اشعیاء ۱۱ : ۴۸) و ظهور مسیح با ذلت قوم یهود پیوند عمیق دارد و اینکه ظهور در وقت جنگ ها و  
فتنه ها رح خواهد داد و در اسالم - نزول عیسی بر زمین می آید که از عالم آخر الزمان قیامت و اشراف  
الساعه است و در روایات آمده حضرت پس از ظهور به بیت المقدس رفته منتظر نزول عیسی می مانند )  
مجلسی بخار ۵۹ ۲۰۹ ) / امام صادق می فرماید خمس قبل قیام القائم : الیمانی و السفیانی و و المنادی  
ینادی بین السماء و و خس بالبیداء و قتل نفس الزکیه( صدوق ج ۲ / ۶۵۱ -خروج دجال قبل از ظهور )  
ارتداد بزرگ( زمانی که مردم بازگشت مسیح را مورد تمسخر قرار خواهند داد ) رساله دوم پطرس ۳ : ۳ و ۴ )  
ایشان در ادامه به حوادث پس از ظهور را توضیح و تشیح کردند به این شکل که در مسیحیت دارای چنین  
نظشانه های از جمله فراگیر شدن پیام انجیل و مجد و شکوه کلیسا و مورد بعدی اینکه ایمان آوردن یهود و  
دیگر امت ها به مسیح و باور به اینکه او همان مسیح موعود است ) موحّدیان عطار س ۲۳۶ .( محور  
پنجم کارکرد ظهور منجی در مسیحیت)اهداف بازگشت مسیح( است و از جمله نکاتی که میتوان ذیل این  
محور بیان و تصریح کرد. ۱ : دادرسی و پاداش دادن همه امت ها در حضور او جمع شوند) متی ۱۶ : ۲۷ )  
. ۲ .نجات بنی اسرائیل ) رساله به رومیان ۱۸ : ۲۶ . ۳ (جهانی پر از برکت عدل و داد و عاری از فساد ۴  
برقراری ملکوت خداوند ) تحقق همه وعده ه ای الهی که خداوند به داوود داده است( مزامیر ۳ : ۸۹ : ۵  
تعالی معنوی رفاه مادی . ۶ نجات مومنین . ۷ نابودی باطل استاد محترم دکتّر مساله گو در ادامه به دیگر  
محور های که در این زمینه مطرح است را بیان کردند که از جمله آنان :منجی در میان ادیان واحد نیست  
اختالف صرفا در مصداق آن است مسیحیان منجی را عیسی مسیح و مسلمانان او را مهدی و عیسی را یاور  
مهدی می دانند. به هر حال همین نقاط مشترک در همنوای و مقدمه سازی برای ظهور کاربست زیادی  
دارد . و دکتّر مساله گو در پایان نشست به جمع بندی پرداخته و به سوالت مخاطبین محترم پاسخ ه ای  
الزم را ارائه کردند.

## ۲۵. تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش روی ایران

پیش‌نشست سوم همایش «نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش روی ایران» به همت پژوهشکده مطالعات سیاسی و بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با سخنرانی دکتر شعیب بهمن (مدرس روابط بین‌الملل، پژوهشگر مسائل اوراسیا و رئیس مؤسسه مطالعات جهان معاصر) در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ برگزار شد.

دکتر بهمن در آغاز سخنانش گفت: تحریم‌ها را می‌توان اهرم اعمال قدرت دانست که در عین حال کارویژه ایجاد اختلال در روابط کشورها را نیز داراست. تحریم اقتصادی را در مطالعات بین‌الملل یک گام پایین‌تر از جنگ می‌دانند. در واقع تحریم اقتصادی در سطحی پایین‌تر با ایجاد بازدارندگی مانع از بروز جنگ می‌شود. تحریم ابزاری کارآمد در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده است؛ از این ابزار برای محدود ساختن کشورهای که در برابر منافع ایالات متحده بوده‌اند بهره‌برداری شده است. پرسش اینجاست که آیا تحریم‌ها کارآمدند و اهداف تغییر سیاست کلان و رویکردهای کلان سیاست کشورهای تحریم شده را فراهم کرده‌اند؟

وی ادامه داد: درباره روسیه رخدادی نو دیده می‌شود. در واقع این کشور پس از حمله به اوکراین با افزایش میزان تحریم‌ها روبه‌رو شد. **هدف از تحریم روسیه از این قرار بود:**

۱- تأثیر بر نخبگان سیاسی

۲- تأثیر بر صنعت و اقتصاد

۳- دور ساختن روسیه از دستیابی به فناوری‌های نوین

۴- کاهش ارزش روبل

۵- ایجاد بحران در نقدینگی

۶- قطع ارتباط روسیه با غرب و منزوی کردن این کشور

۷- تحریک خشم عمومی در میان مردم و نخبگان و اپوزیسیون

از سوی دیگر روسیه دو اهرم مهم و اساسی انرژی و تأمین مواد غذایی را به مثابه اهرم‌هایی مؤثر در دست دارد. تأمین گاز کشورهای اروپایی اهرم فشار مهمی در دست روسیه است و همچنین در حوزه تأمین غلات و امنیت جهانی غذا روسیه یکی از مهم‌ترین بازیگران است.

در ارتباط با اثرگذاری تحریم‌ها باید گفت، تحریم یک قله اثرگذاری دارد و اکنون روسیه این قله تأثیرگذاری را از سر گذرانده است و در سراسری تحریم قرار دارد.

دکتر بهمن تأکید کرد: روسیه سومین وارد کننده بزرگ از کشورهای اروپایی و پنجمین صادر کننده بزرگ به این کشورها است. چین و روسیه با حجم بالایی از تبادلات تجاری این قابلیت را دارند. این حجم از تبادلات امکان این را دارد که به خروج روسیه از انزوا یاری رساند. از دیگر سوی در فضای جنگ و بحران



هزینه بر دو طرف نبرد تحمیل می‌شود و روسیه و ناتو هر دو هزینه جنگ را بر دوش می‌کشند. هم از این روی می‌توان انتظار داشت که رویکرد ناتو به سوی کاهش افزایش صعودی تحریم‌ها تغییر یابد. در عین حال روسیه می‌تواند شریک‌های تجاری جایگزین برای خود دست و پا کند و به سوی شریک‌هایی مانند چین، هند و ایران دست دراز کند و بخش‌هایی را که تحت تأثیر تحریم قرار گرفته‌اند را ترمیم کند و نیز اتحادیه اقتصادی اوراسیا راهی برای دور زدن تحریم‌ها از سوی روسیه است. در پاسخ به پرسش نخست باید گفت، در واقع روسیه تحت تأثیر تحریم‌ها حاضر به تغییر سیاست‌های کلان خود نشده است. پرسش دیگر نشست این بود که چه فرصت‌هایی پیش‌روی ایران گشوده شده است؟

### **فرصت‌های پیش‌روی ایران را می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:**

- ۱- فرصت‌های سیاسی و امنیتی: دور شدن توجه‌ها از ایران به عنوان بازیگری نظم‌گریز به سوی روسیه فرصت تنفس و نیز بازسازی پرستیژ را برای ایران ایجاد نموده است.
- ۲- فرصت‌های اقتصادی دربردارنده دسته‌ای از فرصت‌های متنوع است:
  - علاقمندی بانک‌های روسی به همکاری با ایران
  - جذب بخشی از سرمایه‌های الیگارش‌های روس در اروپا که ناگزیر بودند به سرعت دارایی‌های خود را از اروپا خارج سازند.
  - حمل و نقل کریدور شمال-جنوب به خط آهن تکمیل نشده شمال-جنوب اشاره دارد که در کنار ترانزیت جاده‌ای و دریایی می‌تواند بسیار کارآمد باشد.
  - تأمین امنیت غذای جهانی، در این باره روسیه اعلام کرده است که غلات را جز به کشورهای دوست نخواهد فروخت.
  - حوزه انرژی و جذب فرصت ایجاد نیروگاه‌های برق آبی در سواحل خلیج فارس و راه اندازی سوآپ گاز فرصت‌های بزرگی برای ایرانند.
  - گسترش گردشگری و ایجاد ارتباط مردمی بیشتر با روسیه نیز فرصتی درخور توجه است.
  - همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و عضویت دائم ایران در این اتحادیه.
  - شکل دادن به گروه بریکس پلاس و پیش‌روی به سوی ایجاد نهادهای جهانی موازی.

## ۲۶. آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



دکتر علی رجبلو: تاریخ فرهنگی حاصل تعامل تاریخ و نظریه اجتماعی بوده است  
نشست «آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی» با حضور دکتر علی رجبلو، دکتر محمدمیر  
احمدزاده و فرانک جمشیدی ۱۶ شهریورماه ۱۴۰۱ برگزار شد.

در این نشست، دکتر علی رجبلو استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا به بحث درباره مراحل اصلی تعامل دانش تاریخ با نظریه اجتماعی پرداخت که حاصل این تعامل شکل‌گیری برخی دانش‌های میان رشته‌ای همچون تاریخ فرهنگی بوده است. او گفت: تاریخ فرهنگی بر این اساس یک امر میان رشته‌ای است و شامل دانش‌هایی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و تاریخ است که هر کدام شعباتی دارند اما طی ۳۰ سال گذشته تاریخ فرهنگی پررنگ‌تر شده است. تاریخ فرهنگی از ابتدا بود اما در محاق مطالعات تاریخ سنتی و در لابه‌لای متون تاریخی قرار داشته است.

دکتر رجبلو افزود: شکل‌گیری گفتمانی این رویکرد از سال ۱۹۷۰م شروع شد. او چالش‌های تاریخ و نظریه اجتماعی را امر مهمی در شکل‌گیری تاریخ فرهنگی برشمرد و گفت: در سال ۱۳۸۸ پیشنهاد ترجمه «کتاب تاریخ فرهنگی چیست؟» نوشته پیتر برک داده شد و یک سال بعد منتشر شد که اولین اثر ترجمه‌شده فارسی به‌شمار می‌رود. او به بررسی کتاب «دیدگاه» به کوشش خانم جمشیدی و خود پرداخت که مطالعه موردی بازتاب رویکرد تاریخ فرهنگی در مطالعات جنگ ایران و عراق است.

وی چالش نظریه اجتماعی و تاریخ را به نفع تاریخ فرهنگی برشمرد و افزود: پدیده ظهور تاریخ فرهنگی از اوایل قرن هجدهم نمود پیدا کرده که در آن ادوار می‌توان به دورکیم و بورکهارت نگاه کرد که خود را مورخ می‌دانستند یا مونتسکیو به بررسی مطالعات تاریخی در رویکردی غیرپوزیتویستی پرداخته است. پس در قرن هجدهم یک وفاق بین مورخان با نظریه پردازان اجتماعی رخ داده است حال آنکه در قرن نوزدهم امثال رانکه به تفکیک بین تاریخ و نظریه اجتماعی پرداختند و تاریخ در محاق قرار می‌گیرد. وبر در کتاب

«اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» بیشتر بر نظریه اجتماعی تکیه دارد و تاریخ به انزوا می‌رود. وبر سعی کرده تا هم از پوزیتویسم و هم از قیاس بهره گرفته است و از این حیث یک دانشمند استثناست.

نظریه اجتماعی را باید در بستر تاریخ مطالعه کرد

دکتر رجب‌لو افزود: نیمه دوم قرن بیستم مجدداً بین تاریخ و نظریه‌پردازان اجتماعی پیوند برقرار شد. آنان با نقد پوزیتویسم، چارلز تیلی، کلیفورد گیرتز و دیگران ضمن مطالعه مشاهده‌ای به این نتیجه رسیدند که نظریه اجتماعی را باید در بستر تاریخ مطالعه کرد. او گفت: تحولات صنعتی و تحولات اجتماعی پس از جنگ جهانی نیز این امر را توسعه داد چون مردمان از یک جایگاه تاریخ‌ساز برخوردار شدند. در کتاب تغییرات اجتماعی «گی روشه» همچون متفکران قرن بیستم به این نتیجه رسید و بر این امر تأکید داشتند که تغییر در ذات جامعه است لذا، از ترکیب رشته‌ها به خلق دانش‌های جدید بپردازد تا به بررسی و درون‌کاوی تحولات بدون هیچ چارچوبه‌های سخت‌رشته‌ای توفیق یابد.

این استاد جامعه‌شناسی تأکید کرد: در نیمه دوم قرن بیستم، بشر از میان انواع مطالعات بین‌رشته‌ای به تاریخ فرهنگی رسید و متفکران مدعی شدند که فرهنگ مغفول واقع شده است و باید در تحلیل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخالت داده شود. وی ضمن برشمردن برخی موضوعات تاریخ فرهنگی همچون تاریخ زنان، تاریخ قومیت‌ها، تاریخ هنرهای بومی، گروه‌های حاشیه‌ای و گروه‌های طرد شده مینا و بستر مطالعات تاریخ فرهنگی قرار گرفتند. از اوایل قرن بیست و یکم مسئله جهانی‌شدن را داریم که خود باعث شد تا فرهنگ به‌مثابه پیچکی در همه مسائل و موضوعات تاریخی و سیاسی ترکیب و آمیخته شد. زیربنای تحلیل مسائل را به فرهنگ واگذار کردند و دهه ۱۹۵۰ به بعد دهه تسلط فرهنگ بر سایر مسائل رخ داد که از آن به عنوان چرخش فرهنگی یاد کرده‌اند. رشته‌های جدیدی مثل روان‌شناسی هم به مدد تاریخ فرهنگی آمده و آن‌را بارور کردند.

فرانک جمشیدی: جایگاه امر اجتماعی در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق برای مطالعه دقیق تاریخ فرهنگی ضرورت دارد

سخنران بعدی این نشست فرانک جمشیدی، پژوهشگر مطالعات جنگ در حوزه هنری بود که با موضوع «جایگاه امر اجتماعی در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق» سخنان خود را ارائه کرد. جمشیدی گفت: به نظر من، ظهور و بروز تاریخ فرهنگی بیانگر یک رخداد فرهنگی است؛ رخدادی که در عرصه تبیین‌های نظری با بازشدن پای سنت‌های ساختارگرا و پس‌اساختارگرا به وقوع پیوست و به موجب آن، ارتباط به مهمترین مسئله فرهنگ تبدیل شد و از آن پس، تقریباً جملگی تحلیل‌های فرهنگی معطوف شدند به اینکه روشن کنند انسان‌ها در جماعت‌های فرهنگی متفاوت و متعدد، از چه الگوهای نظام‌مند و با کدام رمزگان‌های فرهنگی درباره پدیده‌ها می‌اندیشند یا درباره‌شان سخن می‌گویند و این الگوها چگونه حدود تفکر و اندیشه و خودفهمی آنها را تعیین می‌کنند. بنابراین، ناگفته پیداست که مقوله‌ای به نام «ارتباط» نقش محوری پیدا کند و به ضرورتی انکارناپذیر بدل شود، چندان که مورخان هم تمایل پیدا کنند تجربه‌هاشان و روش‌ها و نظریه‌های حوزه تاریخ را با علوم دیگر تلفیق کنند تا بتوانند با اصحاب سایر علوم گفت‌وگو کنند.

بدیهی‌ست حاصل این گفت‌وگو و درهم‌آمیزی، تاریخ‌نگاری را از حالت سنتی‌اش (که تاریخ خطی و مستمر درباره مواضع عینی یک واقعه است) جدا و به شکلی از تاریخ‌نگاری نزدیک کند که در آن، مسئله اصلی تاریخ‌نگار این است که واقعه چگونه به امر اجتماعی در میان جماعت‌های فرهنگی تبدیل شده و دارای چه نوع بازنمایی‌های فکری است.

منطقاً حاصل کار تاریخ‌نگاری که به دنبال پاسخ چنین پرسشی می‌رود، یک پژوهش تاریخی است، نه تاریخ به معنای سنتی‌اش، به این دلیل که آنچه برای یک تاریخ‌نگار فرهنگی موضوعیت دارد، بازنمایی‌های فکری واقعه یا تجلی واقعه در فرهنگ زیسته مردم است (و این همان بزنگاهی است که پای فرهنگ عامه را به تاریخ فرهنگی باز می‌کند و فراتر از این، جایگاه آن را بسیار پررنگ می‌نماید). این جایگاه پررنگ یا برجسته ناشی از پرسش عمیق تاریخ‌نگار فرهنگی است؛ مبنی بر اینکه واقعه پس از وقوع چگونه در کالبد مفاهیم و نشانه‌ها و ایده‌ها و نمادها (که هر کدام به بخشی از قلمرو زندگی اجتماعی همبسته و مرتبط‌اند) به حیات خود ادامه می‌دهد و این تداوم، امکان خلق چگونه جهانی از واقعه را فراهم می‌آورد و کنش‌گران احتمالاً آن جهان را چگونه فهم می‌کنند. پس میدان‌یافتن امکان‌ها (به جای قطعیت‌ها) در تاریخ فرهنگی و افق‌های جدیدی که در پی فکرکردن و نگاشتن درباره امکان‌ها، فراروی مطالعات بینارشته‌ای باز می‌شود، محصول نهایی را از سطح متعارفی که از تاریخ‌نگاری انتظار می‌رود؛ یعنی شرح اینکه واقعه یا حادثه یا رویداد چه بوده و چگونه به وقوع پیوسته و چرا، فراتر می‌برد.

جمشیدی ادامه داد: پس از این مقدمه، می‌روم سراغ طرح این پرسش که چرا در سال ۱۳۹۰ پیشنهاد تهیه و تدوین مجموعه مقالات یا برگزاری نشست‌های گفت‌وگویی در خصوص ضرورت‌های اعتنا و اقبال به رویکرد تاریخ فرهنگی به جنگ ایران و عراق و دستاوردهای احتمالی این رویکرد را به دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری دادم.

به نظر من، ما نیازمند تأملی درباره واقعه جنگ هشت‌ساله هستیم که متکی بر مسئله یا مسئله‌ها باشد؛ یعنی تأملی که بتواند گفتمان تاریخ این واقعه را به امری پرابلماتیک یا مسئله‌مندشده تبدیل کند. چرا؟ چون امر پرابلماتیک، ما را وامی‌دارد که به هنگام صحبت کردن درباره این واقعه یا اندیشیدن به آن، تابع یک صورت‌بندی نظری باشیم. به این منظور، چه آن موقع که کتاب دیدگاه را کار می‌کردم، چه این زمان، از خودم می‌پرسیدم و می‌پرسم که اکنون مسئله تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله چیست و دانش تاریخ‌نگاری جنگ، پشت پرداختن به تاریخ این واقعه، می‌خواهد به کدام مسئله پاسخ دهد؟

برای صورت‌بندی نظری از گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ در ایران امروز بدیهی است که باید فلش پرسش را روی امر اجتماعی بگذاریم و بپرسیم امر اجتماعی یا اجتماعات فرهنگی در فضای امروز ایران چه جایگاهی در تاریخ‌نگاری واقعه جنگ هشت‌ساله دارد؟ پاسخی که برای این پرسش دارم، ناظر بر گزاره‌ای نظری است که نه فقط من، بلکه بسیاری بر آن اجماع دارند، مبنی بر حاشیه‌مانی یا به حاشیه رانده‌شدگی امر اجتماعی و فرهنگی در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ در ایران امروز در نتیجه چیرگی امر سیاسی در این گفتمان، و اما آنچه به گزاره نظری فوق می‌افزایم این است که فراخوان عمومی به نفع مشارکت طیف‌های متفاوت جامعه در امر خاطره‌گویی/ نویسی از واقعه جنگ هشت‌ساله (که به پیدایی و رشد اشکال تازه‌ای از تولید

گفتارهای تاریخی درباره جنگ منجر شده) حداقل در بادی امر، وانمودن آن است که امر اجتماعی به تدریج جایگاهی شایسته در گفتمان تاریخ این واقعه پیدا می‌کند اما اینکه آیا انبوهی و انباشتگی خیره‌کننده این خاطرات، به‌عنوان پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ را می‌توان به معنای چیرگی امر اجتماعی بر امر سیاسی تلقی کرد و آیا این رشد بی‌وقفه تولید خاطرات، سرانجام منجر خواهد شد به اینکه امر اجتماعی جایگاه روشنی در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ به دست آورد، اگر نگوییم دور یا بعید به نظر می‌رسد، راه دشواری در پیش خواهد داشت. حتی قضاوت در باب اینکه آیا آن انبوهی خاطرات مربوط به این واقعه را می‌توان به پای رسمیت‌یافتگی تاریخ فرهنگی جنگ هشت‌ساله (در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی این واقعه) گذاشت یا، دست‌کم، چنین انگاشت که گفتمان تاریخ فرهنگی به تدریج در حال ظهور و بروز است، قضاوتی دشوار است.

استدلال درباره اینکه چرا ادعا می‌کنم دست‌یابی امر اجتماعی به جایگاهی موردقبول در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله، راهی دشوار در پیش‌رو دارد، متکی به قبول مرحله به مرحله گزاره‌های زیر است:

- اگر بپذیریم تاریخ‌نگاری جنگ یک گفتمان است، به حس‌سب اینکه شیوه‌ای از سخن‌گفتن درباره جنگ و بازنمایی جهان جنگ است که در عین بازنمایی، آن را برمی‌سازد،
- اگر بپذیریم این گفتمان مانند هر گفتمان دیگری به‌ناگزیر با قدرت و اخلاق و ایدئولوژی به‌شدت درهم‌آمیخته و درهم‌تنیده است، پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که:

اول، گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ یک بازنمایی واقع‌گرا از واقعیت آنچه رخ داده و گذشته است، نیست بلکه این گفتمان هم مانند هر گفتمان دیگر، دانشی است که معطوف به هدف/اهدافی روشن است.

دوم، وقتی ما نگاه مسئله‌مندانه به دانش تاریخ‌نگاری جنگ در ایران داشته باشیم، می‌توانیم این پرسش جدی را طرح کنیم که دالّ مرکزی این دانش در هر برهه چیست؛ یعنی آن امر سامان‌دهنده و معنابخش به تمامیت گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ چیست؟

ایده نظری من این است که امر سیاسی، دالّ مرکزی تاریخ‌نگاری جنگ در ایران، از ابتدای نگارش تاریخ این واقعه تاکنون بوده است. آنچه ادعای استیلای امر سیاسی در تاریخ‌نگاری جنگ را اثبات می‌کند، یک احصای دقیق از حاشیه‌شده‌ها یا به حاشیه رانده‌شده‌ها و نقاط سکوت در آثاری است که به‌نوعی معرّف تاریخ‌نگاری جنگ در ایران‌اند. باید از خود پرسیم صدای کدام اقلیت‌های مذهبی و دینی، کدام جناح‌های فکری، کدام گرایش‌های سیاسی در تاریخ‌نگاری یادشده خاموش است و کدام قسمت از قسمت‌های متعدد تاریخ این واقعه درباره‌اش همچنان سخنی گفته نمی‌شود و جزو نقاط ممنوعه است و، سؤال مهم‌تر: آنچه در این تاریخ صدادر شده، مجبور به قبول یا پذیرش چه قالب‌هایی، مأمور ترویج کدام الگوها، مشروط و منوط به کدام شروط برای صدادرشدن بوده است؟

به نظر من، آنچه امر سیاسی در قالب تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله و نیز در قالب خاطرات (به‌مثابه گفتارهای تاریخی درباره جنگ یا پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ)، سوژه‌های صدادرشده را به آن مجبور یا مأمور یا مشروط و منوط کرده و می‌کند، تبعیت از پروژه اسلامی‌سازی واقعه جنگ است. با این ملاحظه، سوژه‌هایی که امر سیاسی به آنها در قالب فراخوانی گسترده برای خاطره‌گویی/

نویسی از واقعه جنگ صدا بخشیده، به نوعی مأمور بازخوانی این واقعه می‌شوند، منتها مشروط و منوط به اینکه از چارچوب گفتمان اسلامی‌سازی واقعه فراتر نروند و این‌گونه است که مفهومی به نام «جهادگر مسلمان»، به‌عنوان سوژه‌ای فراجنسیتی (فراملیتی) فرامرزی از دل پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ بیرون می‌آید؛ مفهومی که خاطرات بیش از همه مسئول بازتولید مکرر آن‌اند. این پژوهشگر مطالعات جنگ افزود: شاید در نگاهی خوش‌بینانه بتوان افزایش تعداد سوژه‌هایی که از تاریخ واقعه جنگ هشت‌ساله سخن می‌گویند، دلیلی دانست بر اینکه بررسی امر اجتماعی در دستورکار تاریخی به نام «تاریخ فرهنگی جنگ» قرار گرفته است. شاید بتوان فزونی‌گرفتن طرح‌هایی که به مطالعه در باب امور جزئی و خرد و سوژه‌های فرودست در تاریخ این واقعه می‌پردازند و به روایت‌هایی معطوف می‌شوند که تا حداقل یک‌دهه پیش بی‌اهمیت تلقی می‌شدند، ولی اکنون به‌عنوان دانش‌هایی واجد ارزش تحلیلی و تاریخی در نظر می‌آیند، چنین انگاشت که تاریخ فرهنگی این واقعه در حال پاگیری و قوت‌گیری است. شاید کاربرد اصطلاحاتی چون «تاریخ انسانی جنگ» (که برخی از متولیان ادبیات جنگ، خاطرات را زمینه‌ساز نگارش این نوع تاریخ واقعه می‌دانند) موجب تقویت این فرضیه شود که امروز بررسی بازنمودهای فکری واقعه جنگ در میان اجتماعات فرهنگی، جایگاهی شایسته در گفتمان تاریخ ایران پیدا کرده و محل اقبال و اعتناست.

اینکه چرا مدام قید «شاید» را به‌کار می‌برم، به این دلیل است که مراکز متولی تاریخ‌نگاری جنگ، هنوز چندان علاقه و اشتیاقی به تقویت بن‌مایه‌های نظری و روشی تاریخ فرهنگی نشان نمی‌دهند و بنابراین، بحث‌های نظری در این خصوص بسیار کم‌جان و رمق است (نمی‌خواهم بگویم مهجور و کم‌اقبال). پس طبعاً آثاری چون کتاب دیدگاه نیز دیده نمی‌شوند؛ یعنی میدان برای به‌دیدآمدن پیدا نمی‌کنند. با این توضیح، آنچه در عمل مشاهده کنیم، مبنی بر انجام و اجرای پروژه‌هایی که از آنها بویی از اعتنا به تاریخ فرهنگی جنگ به مشام می‌رسد یا در دستورکار قرار گرفتن اقداماتی که نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از قد علم‌کردن تاریخ فرهنگی در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی جنگ را نوید می‌دهند، بیشتر اقداماتی فردی، خودجوش و خودانگیخته و ذوقی، و ناپایدار و کم‌دامنه و ضعیف به‌لحاظ رعایت اصول و مبانی نظری و روشی‌اند تا اقداماتی سازمانی و برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند و بلندمدت و قوی از حیث پشتوانه‌های علمی قدرتمند و به‌روز.

بنا به استدلال فوق، انتشار آثاری چون کتاب «دیدگاه» در زمره آثار اعتبارانگیز در حوزه آثار ادبی و تاریخی جنگ قرار نمی‌گیرد و احدی از متولیان و پایکاران و مسئولان این حوزه، از پتانسیل‌های روش‌شناختی این رویکرد به نفع تقویت مطالعات تاریخی و ادبی و میان‌رشته‌ای جنگ پرسشی نمی‌کند و این بی‌اعتنایی، به نظر من، مؤثرترین حربه برای بیرون‌گذاری کسی یا ایده‌ای متفاوت از متن گفتمان رسمی و غالب و به حاشیه‌رانی اوست.

جمشیدی افزود: با وجود آنکه ظاهراً مقرر است روایت‌ها درباره تاریخ واقعه جنگ هشت‌ساله از دستورالعمل تاریخ جنگ دفاع مقدسی تخطی نکنند، نشانه‌هایی از تعامل امر اجتماعی و امر سیاسی در

تاریخ‌نگاری جنگ می‌توان یافت که گزارف نیست اگر از آن، به «قد برافراشتن تدریجی تاریخ فرهنگی در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی این واقعه» یاد کنیم. گرچه تا رسمیت‌یافتگی «آن یک» در مقابل «این یک»، راه درازی باید پیموده شود. برخی از آن نشانه‌ها عبارت‌اند از:

- بازگشت به روش‌های محلی و به‌کارگیری محققان بومی برای تولید گفتارهای تاریخی جنگ؛ روش‌هایی که فوکو از آنها به «دانش‌های سلب صلاحیت‌شده» یاد می‌کند به معنای دانش‌هایی که چون دانش مسلط آنها را نادیده می‌گیرد، نمی‌توانند مشروعیتی کسب کنند و از این‌رو، کمتر شرح و بسط می‌یابند.

- توسعه حیطه‌های موضوعی پژوهش در حوزه گفت‌وگوهای تاریخ جنگ که خواه‌ناخواه امکان توسعه ابعاد دانش در این حوزه را نیز فراهم می‌آورد و اجازه می‌دهد حوزه‌های کمتر شناخته‌شده به دید بیابند و در دستورکار تحقیقات قرار گیرند و...

به‌یقین احصای دقیق دلایلی که موجب طرح رویکرد تاریخ فرهنگی به جنگ در برخی مراکز و نهادهای علمی و پژوهشی و، در نتیجه، شکل‌گیری و قوت‌گیری سنت تاریخ فرهنگی جنگ شده، نیازمند مطالعات بیشتر و تحلیل‌های عمیق‌تر است، اما می‌توان برخی دلایل را به‌اجمال و در قالب گزاره‌هایی قابل رد یا تأیید به شرح ذیل به اشتراک گذاشت:

- رنگ‌باختگی تقریبی شعار نگارش تاریخ جامع جنگ؛ تاریخی که مقرر بوده و هست ابدی و تغییرناپذیر باشد. این شعار که روزگاری برخاسته از دغدغه تحریف تاریخی جنگ بوده و نیز قائل‌بودن به اینکه فقط یک روایت اصیل و معتبر از جنگ وجود دارد، امروز شاهد آن‌ایم که به‌تدریج جای خود را به تاریخ بازنمودهای فکری واقعه در ذهن و زبان و ضمیر اجتماعات فرهنگی می‌دهد.

- آشکارشدن محدودیت‌هایی که به‌لحاظ ساختاری فراروی تحقق تام و تمام آرمان‌های انقلاب و جنگ قرار داشته و دارد و این آشکارشدگی، رنگ‌باختگی برخی از مهمترین آن آرمان‌ها، فروریختن پاره‌ای از نظم‌ها و قدرت‌های اسطوره‌ای و اسطوره‌های نظم و قدرت، و ترک‌خوردن بخش چشم‌گیری از آنچه را که به‌عنوان «روایت‌های اصیل جنگ» شناخته می‌شد، در پی داشته است.

... و مهمتر از دو دلیل فوق، ظهور و بروز آهسته اما پیوسته نوعی چرخش فکری در ذهنیت ایرانیان که به موجب آن، منطق دگرگونی اجتماعی جای‌گزین ثبات اجتماعی شده و در ساختار فهم تاریخی ما از وقایع بزرگی چون جنگ تغییرات اساسی پدید آورده است.

#### کاربست تئوری در تاریخ فرهنگی

همچنین دکتر احمدزاده به بحث و بررسی مسائل با موضوع کاربرست تئوری در تاریخ فرهنگی پرداخت. وی گفت: تاریخ فرهنگی نظریه‌محور است و این اتفاق زمانی رخ داد که در اواخر قرن نوزدهم در فهم نظری فرهنگ، تحولی رخ داد. او با ذکر اینکه یکی از تفاوت‌های تاریخ فرهنگی با تاریخ فرهنگ نیز همین است، گفت: در تاریخ فرهنگ کمتر از نظریه برای مفاهیم و پدیده‌ها استفاده می‌شود.

دکتر احمدزاده افزود: به سه شکل می‌توان از نظریه در تاریخ فرهنگی بهره گرفت؛ نخست، از مفاهیم و معانی آنان در تحلیل تاریخ فرهنگی استفاده کرد. دوم، از مدل‌ها و روش‌های مطرح در نظریه برای کاربرست در تاریخ فرهنگی بهره‌مند شد. سوم، از نظریه به تمام و کمال برای تفسیر و معناکاوی نقش تحولات فرهنگی در خلق رخداد‌های تاریخی بهره برد.

احمدزاده در خاتمه سخنانش گفت: عده کمی از مورخان نظریه را در مفهوم دقیق آن به کار می‌برند، اما اغلب آنان از مدل‌ها و مفاهیم یک نظریه استفاده می‌کنند.



## ۲۷. تکانشگری، تصمیم‌گیری خطرناک و جرائم قضایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نشست «تکانشگری، تصمیم‌گیری خطرناک و جرائم قضایی» ۱۳ تیرماه ۴۰۱، به همت گروه روان‌شناسی پژوهشکده اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. این نشست با هدف افزایش آگاهی جامعه در خصوص رفتارهای تکانه‌ای و زمینه‌های بروز آن و خصوصاً پیامدهای ناهنجار این ویژگی شخصیتی برگزار شد. در ابتدای نشست دکتر مهرنوش هدایتی، مدیر گروه روان‌شناسی و مشاوره و دبیر تخصصی نشست، توصیف کوتاهی از تکانشگری و ضرورت آگاهی جامعه، والدین و سیستم قضایی در برخورد مناسب با افراد واجد این ویژگی شخصیتی داشت.

تکانشگری؛ آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر  
اولین سخنران این نشست دکتر کسری شریفی، دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد بود. وی سخنانش را با عنوان «تکانشگری؛ آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر» آغاز کرد و گفت: بسیاری از افراد جامعه در خلال زندگی روزانه دست به رفتارهای پرخطر می‌زنند (تاکاها، ۲۰۰۸). رفتارهای تکانشگرانه و انفجاری که در تعبیر کلی به‌عنوان رفتارهای ریسک‌پذیر مطرح شده‌اند، شامل مجموعه‌ای از کنش‌های رفتاری همراه با لذت‌جویی و تحول‌نیافته هستند و معمولاً مخاطرات زیادی را به‌همراه دارند. (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵). اگرچه بررسی مصداقی تکانشوری ظاهراً ساده است، اما به‌دلیل وجود پیچیدگی‌های بسیار در تعریف اصولی این سازه، برچسب زدن بر یک رفتار به‌عنوان تکانشی بودن یا نبودن دشوار است (اوندن، ۱۹۹۹). با توجه به جایگاه مهم تصمیم‌گیری ریسک‌پذیر در ابعاد مختلف زندگی انسان، می‌توان نوعی کژکاری را در سیستم تصمیم‌گیری افراد تکانشگر متصور شد زیرا اخلاک در فرایند انتخاب بین گزینه‌ها و تصمیم‌سازی بخش اصلی سازه تکانشوری را نشان می‌دهد (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵).

دکتر شریفی ادامه داد: در بخش دیگری از تعاریف تکانشگری به مجموعه رفتارهایی گفته می‌شود که با وجود ضرر و آسیب احتمالی، امکان دسترسی به نوعی لذت یا امتیاز را نیز ایجاد می‌کنند (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵). این رفتارها دارای سه عامل زیر هستند: انتخاب یک گزینه از بین دو یا چند گزینه به همراه امتیاز، احتمال وقوع حوادث ناگوار در کنار یکی از چند گزینه موجود و مشخص نبودن احتمال نتایج ناخوشایند در زمان رخداد رفتار (دیو و لوکستن، ۲۰۰۴). تکانشگری یا Impulsivity به زبان ساده به معنی اقدام بدون تفکر قبلی و بدون در نظر گرفتن خطرات و پیامدهای احتمالی و بالقوه است. تکانشگری یک سازه چندوجهی و ویژگی مهم است که از منظر بسیاری از رویکردها مورد بررسی قرار گرفته است. تکانشگری حوزه وسیع و گسترده‌ای از انواع رفتارها (ترافیکی، مصرفی، شهروندی و...) را پوشش می‌دهد. مصداق‌های بسیاری را می‌توان برای تکانشگری نام برد، برای مثال فردی را در نظر بگیرید که بدون داشتن علم و دانش مرتبط و بدون در نظر گرفتن امنیت و شرایط سرمایه‌گذاری خانه‌اش را می‌فروشد و به بازار بورس می‌برد و ورشکست می‌شود یا فردی که بدون در نظر گرفتن عمق و بدون اطلاع از میزان ارتفاع به داخل رودخانه شیرجه می‌زند، شخص دیگری که بدون در نظر گرفتن شرایط و قصد بچه‌داری و بدون پیشگیری‌های لازم، اقدام به روابط جنسی پرخطر می‌کند همچنین در امر ازدواج و سایر حوزه‌ها باید به این سازه دقت و توجه خاصی داشت، لذا با توجه به اهمیت روز افزون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جوامع انسانی بررسی تکانشگری و آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر به لحاظ منطقی ضروری به نظر می‌رسد.

#### تکانشگری: پیش‌بینش رفتارهای اعتیادی

سخنران دوم این نشست دکتر اسماعیل ناصری، عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره پژوهش‌شده اخلاق و تربیت، مطالبش را با عنوان «تکانشگری: پیش‌بینش رفتارهای اعتیادی» آغاز کرد و گفت: تکانه (impulse) میل ناگهانی و گریزناپذیر برای انجام فوری یک عمل، که غالباً به عملی بدون قصد و اراده که نمی‌توان آن‌را به‌خاطر آورد، منجر می‌شود. در مقابل عمل تکانشی (impulsive)، مهارت کنترل تکانه است که توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر یک تکانه، میل یا وسوسه و تنظیم و تبدیل آن به عمل توصیف شده است. در روان‌شناسی شخصیت، منش تکانشی (impulsive character)، نوعی الگوی شخصیتی است که با گرایش به عمل عجولانه و شتابزده، بدون تفکر و دقت مشخص می‌شود. در زمینه آسیب‌شناسی روانی، تکانشگری (impulsivity) هم یکی از علائم تشخیصی چنداختلال روانی و هم یک طبقه تشخیصی از اختلالات روانی است. تکانشگری از علائم تشخیصی اختلالات ADHD، اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت ضداجتماعی، و اختلال شخصیت مرزی است. همچنین در DSM-5 طبقه‌ای از اختلالات با عنوان؛ اختلالات ایذایی، کنترل تکانه و سلوک (Disruptive, impulse-control, and conduct disorders) تعریف شده است و شامل شش اختلال نافرمانی مقابله‌ای (oppositional defiant disorder)، اختلال سلوک (conduct disorder)، اختلال شخصیت ضداجتماعی (antisocial personality disorder)، اختلال انفجاری متناوب (intermittent explosive disorder)، جنون دزدی (kleptomania) و جنون آتش افروزی (pyromania) می‌شود. مشخصه تمامی این اختلالات، ناتوانی بیمار برای مقاومت در برابر یک تکانه، رانه (drive)، یا وسوسه شدید انجام رفتار به‌خصوصی است که برای خود و یا دیگران زیان‌بار است. فرد پیش از انجام این رفتارها معمولاً دچار تنش و انگیزتگی فزاینده‌ای می‌شود و گاهی (اما نه همیشه)

این احساس تنش و انگیزتگی با انتظار هشیارانه لذت آمیخته است. انجام و تکمیل عمل مزبور سبب ارضاء و تسکین فوری می‌شود. اما بعداً و با فاصله متغیر پس از انجام عمل مزبور فرد دچار ترکیبی از پیشیمانی، احساس گناه، سرزنش خود و وحشت می‌شود. فرد به دلیل احساس شرم در مورد رفتارهای تکانشی مکررش، آنها را مخفی می‌کند و این مخفی‌کاری کم‌کم بر کل زندگی فرد سایه افکنده و اغلب سبب تعویق افتادن درمان می‌شود. برخی از موقعیت‌ها و تجربه‌ها از جمله مصرف مواد روان‌گردان احتمال بروز رفتارهای تکانشی را افزایش می‌دهند. مصرف‌کنندگان مواد، ویژگی‌های اختلالات کنترل تکانه را نشان می‌دهند، که در آن احساس تنش یا برانگیختگی فزاینده قبل از عمل تکانشی و به‌دنبال آن احساس آرامش یا لذت در هنگام انجام عمل وجود دارد. تصور می‌شود که اختلالات کنترل تکانه شامل مکانیسم‌های تقویت‌کننده مثبت است. تکانشگری از جمله عوامل خطر مصرف مواد در نوجوانان است. تکانشگری شدید در ۱۵ تا ۲۰ درصد مردان الکلی مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی مشاهده می‌شود، و آنها خطرات بالایی برای جنایت، خشونت و اختلالات متعدد مصرف مواد دارند. از نشانگان مسمومیت با مواد آرام‌بخش و خواب‌آور، ناتوانی در مهار تکانه‌های پرخاشگرانه جنسی است. رفتار جنسی تکانشی و بالقوه خطرناک از علائم مسمومیت با مواد محرک است. برخی از مصرف‌کنندگان طولانی مدت PCP سندرمی را گزارش می‌کنند که از دست دادن کنترل تکانه از نشانگان آن است. افرادی که با مصرف مواد استنشاقی (inhalants) نشئه می‌شوند ممکن است رفتار تکانشی یا پرخاشگرانه داشته باشند. همچنین اختلال کنترل تکانه نقش مهمی در رفتارهای اعتیادی مثل اختلال قماربازی (gambling disorder) دارد. بدون شک درمان اختلالات مصرف مواد نقش مهمی در کاهش رفتارهای تکانشی و به‌دنبال آن جرم و جنایت دارد.

رفتارهای تکانه‌ای، جرم و مسئولیت‌گیری: رویکردی انتقادی به گفتمان تقنینی ایران

سخنران سوم این نشست دکتر سپیده میرمجیدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل، مطالبش را با عنوان «رفتارهای تکانه‌ای، جرم و مسئولیت‌گیری: رویکردی انتقادی به گفتمان تقنینی ایران» آغاز کرد و گفت: یکی از جهت‌گیری‌های مهم در مطالعه رفتار مجرمانه، بررسی پیوند بین تمایلات یا گرایش‌های شخصیتی با ارتکاب جرم است. اینکه تکانشگری یعنی رفتار پریسک و نامتناسب با موقعیت، ممکن است از هر شخصی در موقعیت‌های خاصی سر بزند. اما برای اینکه ما این رفتار را از منظر جرم‌شناسی بررسی کنیم، مستلزم آن است که؛ اول، رفتار یا رفتارهای تکانشی فرد را در موقعیتی در نظر گرفته و مفروض بدانیم که آن رفتارها مسئولیت‌های قانونی و مشخصاً مسئولیت‌های کیفری برای فرد با این ویژگی در پی داشته باشد. دوم، این رفتارهای تکانه‌ای فرد در شرایطی باید باشد که به تعبیر قانون‌گذار، دست‌کم به اختلال نسبی در اراده فرد منجر شود، یعنی یک الگوی پایدار و مستمر در رفتار فرد، لذا هر طغیان خشمی به هر دلیلی محل بحث ما نیست و نمی‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت هر خشمی را در رفع یا کاهش مسئولیت کیفری مؤثر بداند. سوم، از منظر جرم‌شناسی چالش و دغدغه اصلی در جایی نیست که رفتارهای تکانه‌ای یا تکانشی از ویژگی‌های اختلالات روانی باشند که آن بیماری مثل جنون یا اختلالات خلقی، یا دیگر اختلالات روانی منجر به از بین رفتن اراده کامل فرد می‌شود. بلکه نگرانی و موضوع اینجاست که از منظر روان‌شناختی فردی که رفتارهای خشن مشخصاً از خودش نشان می‌دهد، کاملاً توجیه زیستی و روانی داشته و دارای اختلال نسبی در اراده و تمییز باشد؛ اما این مسئله از نگاه قانون‌گذار ما کاملاً نادیده انگاشته شده باشد.

میرمجیدی افزود: در اغلب اختلالاتی که دارای ویژگی تکانشگری هستند، ما عدم توانایی در کنترل خشم و دشواری در تسلط بر آن، نامتناسب و شدید بودن خشم و خشمگین بودن‌های دائمی را می‌بینیم. با این‌حال، برای ارتباط این خشم به بحث ما و مباحث جرم‌شناسی، همین خشم حالا دوباره تقسیم می‌شود، به؛ پرخاشگری برنامه‌ریزی شده و پرخاشگری تکانشی که اولی کاملاً عاری از احساس و خیلی سرد و خشک است؛ برعکس پرخاشگری تکانشی، واکنشی و دارای بار هیجانی است که با از دست دادن کنترل رفتار مشخص می‌شود. بدین‌ترتیب، می‌توان بین تکانشگری، خشونت و جرم یک پیوندی قائل بود. بر همین اساس است که تکانشگری مکرراً در نظریه‌های اتیولوژی جرم مورد ارجاع قرار می‌گیرد و حتی مشخصاً، تکانشگری و خودکنترلی پایین در مطالعات تجربی قابل توجهی نشان داده است که از عوامل پیش‌بینی کننده و تعیین کننده جرائم و البته جرائم جدی هستند. پس می‌توان از اصطلاحی تحت عنوان جرائم تکانه‌ای نام برد: جرائم خشونت‌آمیزی که به‌طور ناگهانی رخ می‌دهد تحت فشار ناشی از درگیری شدید عاطفی-احساسی نسبت به یک بزه‌دیده که با او یک رابطه بین‌فردی وجود دارد.

حالا باید دید گفتمان تقنینی و قضایی ما از حیث به رسمیت شناختن تکانشگری به‌عنوان یک عامل اثرگذار در ارتکاب رفتارهای مجرمانه و تبعاً مسئولیت کیفری فرد چطور ارزیابی می‌شود. از همین ابتدا هم باید تأکید کرد رفتارهای تکانه‌ای ناشی از طیفی از بیماری‌های روانی که موجب اختلال تام اراده در فرد و قدرت تمیز او می‌شود، اساساً محل بحث ما نیست. چون ذیل جنون قرار می‌گیرد و این مسئله می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد و در جرائم متعددی هم بروز و ظهور داشته باشد مثلاً جرائم یقه سفیدها، جرائم خیابانی و ... . طغیان خشم از نمونه‌های بارز این احساسات شدید است که بر مرتکب چیره می‌شود. پرسش این است که حقوق کیفری و به‌طورکلی اخلاق و عدالت چه پاسخی به این گونه از مرتکبان می‌تواند داشته باشد. از منظر بزه دیده‌شناسی (شاخه علمی) نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته و در چنین وضعیت‌هایی به مفهوم «بزه دیده مقصر» اشاره می‌شود که با اعمال خود موجب تحریک مرتکب می‌شود و بدین‌سان، در بزه دیدگی خود نقش دارد. در این وضعیت، مرتکب به واسطه طغیان احساساتش، اصولاً کنترلش را از دست می‌دهد و عامل تحریک‌کننده را به قتل می‌رساند. برخی کشورها مانند انگلستان در قوانین جزایی خود با پیش‌بینی این وضعیت خاص، طی شرایطی دفاعی خاص به نام دفاع تحریک یا تحریک‌شدگی را برای مرتکبی که به واسطه تحریک مقتول او را به قتل می‌رساند، تعیین کرده‌اند. چنانچه مرتکب بتواند شرایط مقرر برای این دفاع را ثابت کند، مشمول تخفیف محسوس شده و به‌جای محکومیت به قتل عمدی که شدیدترین کیفر را دارد، به مجازات قتل غیرعمدی محکوم می‌شود. مبنای این دفاع هم به بیانی ساده مبتنی بر این منطق اخلاقی و حقوقی است که چنانچه مرتکب جنایت در وضعیتی دردناک قرار گیرد که مقتول، عامل آن بوده و با رفتارهای غیرقابل تحمل خود او را آزار داده، و در واقع به بروز رفتارهای تکانه‌ای در فرد منجر شده است، عادلانه نیست که درباره (تحریک‌شونده)، همانند مرتکبی که در خارج از چنین وضعیتی می‌کشد، تصمیمی یکسان و مسئولیت و مجازاتی همسان در نظر گرفت.

دکتر میرمجیدی تأکید کرد: حقوق کیفری کنونی ایران در ارتباط با دفاعیات مانع مسئولیت کیفری یا موجب کاهش مسئولیت کیفری، بر این ایده استوار است که یا مرتکب واجد ارکان مسئولیت کیفری بوده و دارای مسئولیت تام است و یا با فقدان ارکان مسئولیت (مانند کودکی، جنون، اکراه و مستی)، به‌طورکلی فاقد مسئولیت کیفری است. بدین‌سان، برای وضعیت‌های بینابینی که متأثر از اخلاص نسبی در عقل و

ادراک و اراده و ... هستند، قائل به معذوریت برای مسئولیت‌پذیری کیفری نیست. این وضعیت در گواهی‌های پزشکی قانونی و آرای دادگاه‌ها به وضوح پیدا است. همانند گزاره‌های این چنینی که: «نامبرده در زمان ارتکاب جرم از سلامت کامل روانی برخوردار بوده و بر حرمت اعمال ارتكابی خود آگاهی داشته و علائمی از اختلالات روانی که باعث فقدان کنترل اراده و قوه تمیز او شود، مشاهده نشد». یا این‌که: «نام برده ... جنون ندارد» یا اینکه «بیماری روانی ... به حد جنون نمی‌رسد». دادگاه‌ها نیز با قائل شدن تنها به دو سر طیف سلامت کامل و جنون کامل، توسل متهم یا وکیل وی را به شرایط روانی که به حد جنون نرسد، «ایراد مؤثر» نمی‌پندارند. به‌همین جهت است که می‌توان مدعی شد حقوق کیفری ایران از بعد هنجاری به ارتکاب قتل در وضعیت طغیان شدید احساساتی مانند خشم و ترسی که از مقتول نشأت می‌گیرد و خود عاملش است، چندان نیاندیشیده و به بیانی ساده، مسئله را عمداً یا سهواً ندیده است.

میرمجیدی در خاتمه سخنانش تصریح کرد: در مجموع، از نظر تقنینی و بر پایه قوانین جزایی کنونی ایران با مرتکبی که در وضعیت احساسات شدیدی مانند خشم، ترس یا درماندگی ناشی از رفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، در وضعیتی که به صورت نسبی (و نه کلی) کنترلی بر اراده و تسلطی بر ذهن خویش ندارد، مرتکب قتل بزه‌دیده‌ای که عامل تحریک مرتکب است می‌گردد، همانند یک انسان مختار و با اراده آزاد برخورد می‌شود و دقیقاً پرسش همین‌جا است که چگونه می‌توان از منظر عقلی و نیز ضرورت انطباق قواعد شرعی و فقهی با قواعد عقلی، اهلیت و تقصیر تام جزایی را برای چنین فردی متصور بود؟ بدین‌ترتیب، باوجود ارتباط میان رفتارهای تکانه‌ای یا تکانشگری با خشم و تبعاً ارتکاب جرم، این ارتباط تنها زمانی برای قانون‌گذار ایران عاملی در رفع مسئولیت کیفری است که فرد فاقد قوه اراده یا درک و تمییز و به عبارتی مجنون باشد. حال آنکه ویژگی بارز بسیاری از اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت مرزی که تنها موجب اخلاص نسبی در قوه ادراک فرد می‌شود، بروز رفتارهای تکانه‌ای است. اهمیت توجه قانون‌گذار به این مسئله به‌ویژه زمانی بیشتر است که مرتکبی که دچار اختلال شخصیت است بر اثر رفتارهای تحریک‌آمیز بزه دیده، دچار رفتارهای تکانه‌ای و در نهایت مرتکب قتل تحریک‌کننده می‌شود.

در پایان نشست نیز دکتر هدایتی با جمع‌بندی سخنرانی‌های ارائه شده و پاسخ به سؤالات حاضرین در نشست، بر ضرورت پرداختن به رفتارهای تکانه‌ای از دوران مدرسه و تشخیص نمودهای رفتاری آن تأکید و ابراز امیدواری کرد که در آینده نزدیک این مبحث در حوزه تعلیم و تربیت توسط گروه روان‌شناسی و مشاوره پژوهشکده اخلاق و تربیت مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد./پایان

## ۲۸. نظریه امنیت سوژه مبنا

امنیت سوژه مبنا تلاشی نظری برای غلبه بر مهمترین تناقض در حوزه امنیت پژوهی یعنی تناقض آزادی و امنیت به شمار می‌رود، به نحوی که دوگانه واگرای آزادی و امنیت در پیوندی متقابل قرار گیرند و جریانی هم‌افزا را به وجود آورند



پیش اجلاسیه کرسی «نظریه امنیت سوژه مبنا» ۲۸ خردادماه ۴۰۱ در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این پیش اجلاسیه دکتر قدیر نصری، دکتر جمال شفیعی و دکتر بهرام اخوان کاظمی به عنوان داور و دکتر فرزاد پورسعید، دکتر علی عبدالله‌خانی، دکتر رضا خلیلی و دکتر مهدی میرمحمدی حضور داشتند. همچنین دکتر طاهره ایشانی نیز به‌عنوان مدیر دفتر حمایت از نظریه‌ها در پژوهشگاه و دکتر محمدسالار کسرابی به‌عنوان دبیر علمی جلسه حضور داشتند. در ابتدای جلسه دکتر سلمان صادقی‌زاده، ارائه دهنده نظریه به تشریح دیدگاه خود پرداخت و با اشاره به خاستگاه‌های نظری دانش امنیت پژوهی گفت: مطالعات امنیت به‌مثابه دانشی کلاسیک نخستین‌بار به‌عنوان رشته‌ای فرعی از درون نظریه‌های روابط بین‌الملل پدید آمد و اختراعی انگلوامریکن بود که عمر کوتاه آن به تعبیر مک‌سوئینی و همچنین ال‌ویور به فردای جنگ جهانی دوم می‌رسد. البته برخی «مطالعه جنگ» از کوئینسی رایت به سال ۱۹۴۲ (و در بحبوحه جنگ دوم جهانی) را نخستین اثر در این حوزه می‌دانند. مطالعات یادشده به لحاظ تبارشناختی ریشه در مکتب رئالیسم دارد و از همین‌رو عمده نظریه‌های امنیت رویکرد و ماهیتی ساختارگرایانه دارند و بیش از هر چیز بر سه اصل دولت‌محوری، خودیاری و بقاء بنا شده‌اند. پس از رئالیسم مهمترین مکاتب «جریان اصلی» در امنیت را مکتب نورئالیسم تهاجمی جان مرشایمر و نورئالیسم تدافعی کنت والتز تشکیل می‌دهد. با وجود این، دیری نپایید که ماهیت ساختارگرایانه نظریه‌های جریان اصلی به نسبت‌های مختلف از سوی مکاتب نوپدیدمانند آبريستويث، پاریس و کپنهاگ به چالش کشیده شد.

دکتر صادقی‌زاده در ادامه به ترتیب و تلخیص به بیان مهمترین نکات نظریه‌ای در آراء اندیشمندان چون کن بوث، ریچارد وین‌جونز، دیدیه بیگو، باری بوزان، ال‌ویور، جپ دوایلد، ریچارد اولمان و استیو اسمیت

پرداخت و پس از تشریح نظریات جریان اصلی و نظریات پیرامونی در ادبیات امنیت به معرفی نظریه امنیت سوژه‌مبنا پرداخت و نوآوری‌های این نظریه را بیان کرد.

وی در تشریح نظریه امنیت سوژه‌مبنا گفت: نقطه عزیمت روشی این نظریه ارائه مقوله‌بندی جدیدی از نظریه‌های امنیت از آغاز عصر جدید تا دوره معاصر است. مقوله‌بندی‌ای که بر پایه الگوی پارادایمی طرح می‌شود. بر اساس این مقوله‌بندی در عصر جدید سه پارادایم امنیت‌پژوهی را می‌توان و باید از یکدیگر تمیز داد: پارادایم سیاسی امنیت، پارادایم اقتصادی امنیت و پارادایم فرهنگی امنیت؛ هرچند این تمایز(۱) ناظر بر تفکیک(۲) نیست اما بدون تمیزدادن این سه پارادایم نمی‌توان تغییر در نقطه ثقل مطالعات امنیت را درک کرد؛ تغییری که بیانگر تکوین پارادایمی نوین است که بیش از هر چیز با برآمدن نظریه «مدرنیته متأخر» در پیوند است.

امنیت سوژه‌مبنا هم به لحاظ غایت‌شناسی و هم به لحاظ مسئله‌شناسی متجدد است زیرا غایت آن تحقق بعد وجودی فرد یا به دیگر سخن تحقق سوژگی است و در مقام مسئله‌شناسی نیز دشواره کانونی امر امنیتی را ایجاد تعادل میان دو عنصر بنیادین اجتماعی یعنی «نظم» و «تغییر» می‌داند.

دکتر صادقی‌زاده تأکید کرد: امنیت سوژه‌مبنا نقطه عزیمتی کاملاً جامعه‌شناختی برمی‌گیرد و با وارد کردن مفاهیم جامعه‌شناسی جدید به ادبیات امنیت مانند «تولد سیاست سوژه»، «آغاز مدرنیته متأخر»، «بازاندیشگی به‌مثابه نزاع کانونی جوامع جدید» و «فردی‌شدن تجربه امر جمعی» بازنمایی متفاوتی از «امر امنیتی» را صورت‌بندی می‌کند و با طرح مفهوم «از خودبیگانگی امنیت»، بنیان‌های معرفت‌شناختی جدیدی را پیش‌روی مفهوم امنیت قرار می‌دهد.

انگاره «سوژه‌مبنا» هرچند به لحاظ نظری مقارن با آموزه‌های جامعه‌شناسی جدید است، اما خاستگاه انسان‌شناختی خود را از بطن و متن نحله‌هایی از فلسفه اسلامی و عرفان می‌گیرد. وجه مشترک این نگرش‌های فلسفی و عرفانی برکشیدن مقام انسانی است تا جایی که فرد از فردیت خود به در می‌آید و در مقام سوژگی قرار می‌گیرد و این سوژگی او را در وضعیتی تکوینی قرار می‌دهد که در مسیر کمال خویشتن جهان خویش را نیز کمال می‌بخشد.

این نظریه با بهره‌گیری از میراث آگزیستانسیالیستی فلسفه و عرفان اسلامی، اهمیت بعد سوژگی مکنون در آنها را شناسایی و صورت‌بندی می‌کند و با بهره‌گیری از آموزه‌های اندیشمندانی همچون سهرودی، ملاصدرا و مولانا انسان‌شناسی نوینی برای نظریه امنیت طرح و ارائه می‌کند و در این راستا انسان‌شناسی اشراقی را به مثابه نحله‌ای مهم درون سنت اندیشه اسلامی در نظر می‌گیرد که حامل نوعی از فلسفه سوژه‌مبنا است. انسان‌شناسی اشراقی در جریان عرفانی از مسیر اندیشه‌های عرفا و شعرای بزرگی مانند بایزید بسطامی، حلاج، سهل تستری و سنایی و عطار ادامه یافت و در اوج خود به مولانا جلال الدین محمد رومی بلخی رسید.

در جریان فلسفه نیز خاستگاه‌های انسان‌شناسی اشراقی با غزالی و عین‌القضات ادامه یافت و در سهرودی به اوج رسید. همین اندیشه‌ها با صورت‌بندی متفاوتی در حکمت متعالیه بازنمایی شد. در واقع با وجود تفاوت در اشکال و صورت‌بندی‌های نظری در تمام نحله‌های فلسفه اشراقی «انسان به‌ماهو انسان» در مقام «مجلی» قرار می‌گیرد.

در همین رابطه حکمت متعالیه را می‌توان نقطه اوجی فلسفی بر انسان‌شناسی اشراقی دانست. برای نمونه،

فلسفه متعالیه صدرالمتألهین بر ارزش تکوینی انسان تمرکز می‌کند و از این‌رو اساساً فلسفه‌ای سوژه‌مبنا است که تحقق وجود انسانی را در کانون هستی‌شناسی خود قرار می‌دهد که در حوزه جامعه‌شناسی و در نتیجه امنیت‌پژوهی می‌تواند حاوی دلالت‌های مفهومی مهمی باشد.

دکتر صادقی‌زاده در خاتمه سخنانش شرح داد: در مجموع، امنیت سوژه‌مبنا تلاشی نظری برای غلبه بر مهمترین تناقض در حوزه امنیت‌پژوهی یعنی تناقض آزادی و امنیت به شمار می‌رود، به نحوی که دوگانه واگرای آزادی و امنیت در پیوندی متقابل قرار گیرند و جریانی هم‌افزا را به‌وجود آورند و پاسداری از کرامت انسانی و تحقق بعد وجودی به کانون درک و دریافت امر امنیتی بدل شود؛ نقطه‌ای که در آن «انسان» نه ابزار امنیت بلکه هدف امنیت باشد.

در ادامه جلسه، ناقدین انتقادهای خود را در چند محور زیر بیان کردند:

-لزوم تصریح مرزبندی امنیت سوژه‌مبنا با امنیت انسانی، امنیت فردی و امنیت پایدار

-لزوم تصریح در کاربردهای عملی و سیاست‌گذارانه مفهوم امنیت سوژه‌مبنا و تعیین نسبت آن با

کارگزاری دولت

-نقد بر تناقض میان نقش دولت و جامعه مدنی در تمهید امنیت سوژه مبنا

همچنین ناقدان ضمن تأکید بر وجوه نوآورانه و اهمیت متن، نقدهای خود را در رابطه با پذیرش متن به عنوان نظریه بیان کردند که پس از پاسخ ارائه دهنده در نهایت نظر خود را مبنی بر پذیرش متن با لحاظ اصلاحات اعلام کردند



حوزه/ نخستین نشست علمی «بررسی آثار معرفی اسلام شیعی در عرصه بین‌الملل» با حضور اساتید، اندیشمندان، صاحب‌نظران عرصه تفکر فرهنگی - بین‌المللی شیعی در محل سالن همایش‌های مؤسسه بین‌المللی المرتضی(ع) در قم برگزار شد.

به همت نمایندگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در قم و با همکاری مؤسسه البیان للتواصل و التّأصیل، مرکز بین‌المللی طلوع مهر، دانشگاه ادیان و مذاهب، مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه و مؤسسه بین‌المللی المرتضی(ع)، نخستین نشست علمی «بررسی آثار معرفی اسلام شیعی در عرصه بین‌الملل» با حضور اساتید، اندیشمندان، صاحب‌نظران عرصه تفکر فرهنگی - بین‌المللی شیعی در محل سالن همایش‌های مؤسسه بین‌المللی المرتضی(ع) در قم برگزار شد.

در این نشست، رضا ملکی، رئیس مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حجت‌الاسلام محمد حسین مظفری، رئیس مرکز صلح و گفت‌وگو دانشگاه ادیان و مذاهب، باقر طالبی دارابی، استاد جامعه شناسی دین، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی براتی، عضو هیأت علمی جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه، حمیدرضا شریعتمداری، مدیر گروه دانشکده فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب در موضوعات شاخص‌های اثر مطلوب برای معرفی اسلام شیعی در عرصه بین‌الملل، کدام اسلام؟ برای چه کسی؟، بررسی کتب «مقدمه‌ای بر شیعه اسلام»، «منشور عقاید امامیه» و «شیعه در اسلام» به ایراد سخنرانی پرداختند.

حجت‌الاسلام مجید مشکى، رئیس مؤسسه بین‌المللی المرتضی(ع) ضمن بیان تاریخچه برگزاری نشست‌های پیشین، گفت: خوشبختانه این سلسله نشست‌ها بر خلاف ادوار قبل به هیچ عنوان دعوت عمومی ندارد و قرار است کاملاً علمی و تحقیقی برگزار شود.

وی اظهار داشت: یکی از خصوصیات این نشست نسبت به دیگر نشست‌های قبلی این است که در این جلسه سخنرانانی در قالب مبلغان اعزام شده در دوره‌های بلند مدت، رایزنان و کارشناسان فرهنگی با تجربه میدانی حضور دارند.

ملکی، رئیس مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با برشمردن چالش‌های دنیای اسلام در مقطع کنونی و اهمیت برگزاری چنین محافل عنوان کرد: در دوران کنونی که ابروندهای متعددی در حال شکل‌گیری است، هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند من می‌توانم جریان را مدیریت کنم. اما همه در تلاش هستند تا در دوران گذار از این ابروندها در آینده نقش و جایگاهی برای خود تعیین کنند.

وی ادامه داد: این تغییرات چنان سریع است که دنیای اسلام در مقابله با این پیچ تاریخی بایستی برنامه‌ریزی دقیق و کاملی داشته باشد تا به تعبیر مقام معظم رهبری جهاد کبیر یعنی «عدم تبعیت و دنباله روی از دشمن» تحقق پیدا کند.

ملکی مطرح کرد: ایادی استکبار در تلاش هستند با مشغول سازی و درگیری داخلی بین جوامع مسلمان استعداد نقش آفرینی در آینده جهانی را از دنیای اسلام سلب کنند. به همین منظور، نظام مقدس جمهوری

اسلامی ایران به ویژه نهادهای حوزوی و دانشگاهی باید این موضوع را مدیریت کنند و رسالت بین‌المللی حوزه‌های علمیه و مراکز وابسته فرهنگی - دینی بسیار سنگین تر از گذشته است.

### تأکید سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر اقتدار حوزه علمیه در عرصه بین‌الملل

وی در عین حال، گفت: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دوره جدید خود، خدمت به نهادهای اصیل دینی به ویژه حوزه علمیه و مراکز وابسته را تعریف کرده است تا به کمک آن بتواند امتداد بین‌المللی این مراکز را تقویت کند.

رئیس مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی افزود: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در جایگاه تحلیل گر و تسهیل گر میدانی می‌تواند کمک زیادی به این موضوع داشته باشد و اولین قدم در این مسیر، مواجهه نهادهای مذکور با میدان عمل است.

وی ضمن رد رویکرد نسخه نویسی برای میدان بین‌المللی از داخل کشور، اعلام کرد: پیام مشخص است، چگونه گفتن را میدان مشخص می‌کند. تجربه ثابت کرده است که اگر خصوصیت میدان را درک کنیم در اجرا موفق تر خواهیم بود.

ملکی در ارتباطات فرهنگی - بین‌المللی سه مدل محصول را شامل محصول تولیدی در کشور مبدأ با کمترین کارایی، محصول مشترک با اثرگذاری نسبی و محصول تولیدی در میدان با اثربخشی بالا را دسته بندی کرد و در قالب ارزیابی، محصولات فرهنگی - میدانی را جزء شاخص‌های هادی و راهبردی دانست.

وی در پایان سخنان خود، مطرح کرد: در مقطع کنونی با توجه به ضرورت‌های نخواستار بهتر است اجازه بدهیم در چگونگی بازآفرینی محصولات بین‌المللی برای جوامع هدف، میدان مقصد به ما کمک کند.



### بررسی عملکرد تبلیغی در آثار معرفی اسلام شیعی در عرصه بین‌الملل

حجت‌الاسلام مظفری، رئیس مرکز صلح و گفت‌وگو دانشگاه ادیان و مذاهب سخنان بعدی این نشست بود که ابتدا عملکرد تبلیغی را در سه محور محتوا، روش و رویکرد دسته بندی کرد و سپس، در باب مشخصه‌های منبع تبلیغی به عواملی همچون جذابیت، جامعیت، بهره‌گیری از رویکرد و روش مناسب، تمرکز بر اصول، پرهیز از شذوذات، تفکیک اصول از دکتربین و اتقان و بساطت اشاره داشت.

وی در بحث رویکرد، گفت: در بحث رویکرد باید به مخاطب شناسی توجه ویژه‌ای داشت زیرا مخاطبین ما در خارج از کشور یا جوامع شیعی هستند با عنوان مخاطب مذهبی و یا جامعه مسلمانان به عنوان مخاطب دینی و در وهله بعد، جامعه غیرمسلمانان با عنوان مخاطب برون دینی هستند.

حجت‌الاسلام مظفری تأکید کرد: در بحث روش شناخت ذائقه مقدم بر تعیین روش است و جذابیت و جامعیت پیام هر دو مکمل هم هستند. از سویی دیگر، گاهی اوقات پرداختن به یک مسئله شذوذات در منابع تبلیغی - دینی، آن منبع را از مسیر اصلی و اصول دور می‌کند و به همین دلیل نیاز به طرح مسائل فرعی برای مخاطب نیست.

وی ادامه داد: در حال حاضر مباحث فلسفی و نظریات اخلاقی جدید و دقیقی در جوامع مطرح است و با تمسک بر نظریه تسامح در ادله سنن نمی‌توانیم هر روایتی را وارد منابع کنیم زیرا منجر به ایجاد شبهه جدید خواهد شد.

رئیس مرکز صلح و گفت‌وگو دانشگاه ادیان و مذاهب در عین حال، به موضوع اندیشه کانونی پرداخت و گفت: اندیشه‌های کانونی در مسیحیت: عشق و محبت، در دین زرتشت: راستی و صداقت، فرهنگ شرقی: هارمونی و در یهودیت: میثاق است و ما هم باید بر اساس آموزه‌های دینی خود یک اندیشه کانونی دارای مشخصه‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، تعریف کنیم و حول محور آن به تولید محتوا و عملیات تبلیغی بپردازیم.

حجت‌الاسلام مظفری تصریح کرد: اندیشه کانونی و دال مرکزی در اسلام فلاح، نجات و رستگاری است که بنیادی ترین و محوری ترین اندیشه کانونی اسلامی است که ما کمترین توجه را به آن داشته‌ایم.

سومین سخنران این نشست علمی، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی براتی، عضو هیأت علمی جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه در باب کتاب «منشور عقاید امامیه» به ایراد سخن پرداخت. وی در آغاز مقدمه‌ای پیرامون موضوع تاریخ و فلسفه علم کلام و مقایسه آن با علم فقه بیان کرد.

حجت‌الاسلام براتی گفت: بهترین مشخصه اصلی منابع دینی این است که باید ناظر بر سوالات عصر و شبهات فعلی در اذهان عمومی باشد. آیت‌الله سبحانی زمانی منشور عقاید امامیه را به رشته تحریر درآورد که هجوم شبهاتی از سوی وهابیت فراگیر بوده است و برای مقابله با آن، حمله فکری و اعتقادی این کتاب را نوشته است. مهم این است که در تألیف کتاب معرفی شیعه بایستی اول به این سوال پاسخ دهیم که آیا می‌شود کتابی بنویسیم که تمام ابروندها را در برگیرد؟ آیا آن کتاب می‌تواند کارآیی لازم را داشته باشد؟

وی خاطرنشان کرد: جریان‌های الحادی قبلی مدون بود مانند مارکسیسم ولی بی دینی جدید، مدون نیست و شبهات خود را مشخص و مکتوب ارائه نمی‌دهند تا ما بتوانیم پاسخگوی آن باشیم. باز در این باب می‌توان به مشکل جدیدی اشاره کنیم که آن مسئله «مدرنیسم» و «پست مدرنیسم» است.

حجت‌الاسلام یحیی جهانگیری، سرپرست نمایندگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در قم با اشاره به اهمیت برگزاری این نشست علمی، تأکید کرد: کشف دال مرکز و کانونی پیام رسانی در اسلام، مسأله جدی است که باید مورد مذاقه قرار گیرد.

اولین سخنران بخش دوم این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین شریعتمداری، مدیر گروه دانشکده فلسفه دانشگاه ادیان و مذاهب بود که به بررسی کتاب شیعه در اسلام پرداخت و گفت: مخاطبین ما فقط مسلمانان و غیر مسلمانان خارج از کشور نیستند بلکه بایستی کتابی تألیف کرد که برای شیعیان داخلی و جوامع شیعه خارج از کشور کارآمد باشد و به عنوان کتب مرجع و معیار در داخل و خارج به شمار آید تا در صورت وجود شبهه و اشکال همگان بتوانند به آن تمسک جویند.

وی با اشاره به کتاب شیعه در اسلام علامه طباطبایی گفت: مجموعه کتاب شیعه در اسلام با توجه به شخصیت نویسنده دارای دو مشخصه متقن و مطابق واقع بودن و قابلیت استناد به مرجعیت مورد مقبول و مورد اعتماد، است.

حجت‌الاسلام شریعتمداری در باب معرفی کتاب شیعه در اسلام علامه طباطبایی اظهار داشت: بخش اول کتاب، جنبه تاریخی دارد و به کیفیت پیدایش و نشو و نمای شیعه از قرن اول تا قرن چهارده پرداخته است و به مباحثی از قبیل آغاز پیدایش شیعه، منشا اختلاف شیعه و سنی و چگونگی پیدایش و تثبیت حکومت‌های بنی‌امیه، بنی‌عباس و آل‌بویه و مذاهب شیعه امامیه و زیدیه و اسماعیلیه نیز اشاره دارد.

وی ادامه داد: بخش دوم کتاب تفکر مذهبی شیعه و سه منبع ظواهر دینی قرآن و حدیث، عقل و کشف عرفانی را بررسی می‌کند و بخش سوم موضوع اعتقادات اسلامی از نظر شیعه دوازده امامی از قبیل خداشناسی شامل ضرورت وجود خدا، وحدانیت خدا، صفات ذات و صفات فعل، قضا و قدر، انسان و اختیار، پیغمبرشناسی با عناوین فلسفه نبوت، عصمت انبیا، چیستی و دلالت معجزه، حضرت محمد(ص) و قرآن اعجازین، معادشناسی مشتمل بر حقیقت انسان، چیستی روح، مرگ، برزخ، قیامت، استمرار آفرینش و امام‌شناسی با عناوین معنای امام، فرق امام و نبی، تاریخ اجمالی زندگی دوازده امام، خصوصاً امام مهدی(عج) و مباحث مرتبط با غیبت و ظهور ایشان را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین شریعتمداری پیشنهاد داد: ضمن حفظ ادبیات منحصر به فرد تطبیقی و تقریبی کتاب علامه طباطبایی و با دقت در روش شناسی این اثر می‌توانیم خلاء داده‌های آن را جبران و تأمین کنیم و جهت اعتبار بیشتر آن را منضم به تأییدیه مراجع شیعی کنیم.

وی در ادامه سخنانش، مطرح کرد: در این کتاب اختصاصات مذهبی همچون رجعت، آیین‌ها و شعائر شیعی، کلام اجتماعی و سیاسی، تقیه، غلات، بداء و دیگر موارد برجسته نشده است. اما در کتابی تحت عنوان آموزه‌های اختصاصی شیعه که در دانشگاه ادیان و مذاهب گردآوری شده به تمامی این‌ها توجه ویژه شده و توضیح داده شده است. این اثر هم می‌تواند به عنوان اثری دیگر در رابطه با موضوع این نشست مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

باقر طالبی دارابی، استاد جامعه‌شناسی دین از دیگر سخنرانان این نشست، پیشنهاد تخصصی تر شدن گفت‌وگوها را یادآور شد و در باب معرفی منابع شیعی در مقیاس جهانی اعلام کرد: در پایان نامه مرجعیت دینی شیعه در آثار انگلیسی زبان، بسیاری از آثار مکتوب شیعی بررسی شده است که آگاهی از آن برای همگان قابل اهمیت است.

وی با برشمردن تعدادی از کتب موجود در این زمینه، گفت: کتاب جهان موعود گرایی شیعه در تاریخ با ۵۰۴ صفحه توسط سید حسین و سید رضا نصر و حمید دباشی گردآوری شده که می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد. این کتاب ۷ بخش و ۲۶ فصل است و موضوعات جامعی دارد. از نویسندگان حوزوی داخلی و محققین خارجی به طور ترکیبی در این کتاب استفاده شده است. بخش اول به بحث اعتقادات پرداخته و بخش دوم آن به مرجعیت و جامعه شیعی پرداخته است. در بخشی دیگر به موضوع شیعه در تاریخ، رشد تاریخی شیعه و شیعه در مناطق مختلف به ویژه جهان مدرن مورد بحث قرار گرفته است.

طالبی دارابی افزود: در این کتاب، حتی به تفکر شیعه در دوران مشروطیت و شخصیت‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران هم اشاره شده که این امر بر جامعیت هر چه بیشتر کتاب افزوده است.

وی پیشنهاد داد: این کتاب طرف نظر از نگاه خاص نویسندگان هر یک از مباحث، به دلیل پاسخگویی کامل به تمام مسائل جامعه شناختی، انسان شناختی، کلامی، الهیاتی، تاریخی و ... می‌توان از الگوی نوشتاری و

یا محتوایی آن استفاده کرد و به عنوان یک کتاب موجود در زمینه معرفی شیعه در جهان مورد بررسی قرار گیرد.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: ما بایستی در تدوین کتاب، خود انسان به معنی واقعی و با آن ویژگی‌های انحصاری را مخاطب قرار دهیم و آن را دسته بندی نکنیم. کتابی که قرار است تهیه شود باید برای انسان‌ها فارغ از هر گرایشی تهیه شود تا بتواند تأثیری قابل قبولی داشته باشد.

عبدی‌پور، معاون بین‌الملل مؤسسه البیان للتواصل و التّأصیل نیز در سخنانی در این نشست علمی، گفت: کتب موجود به ویژه «شیعه در اسلام» علامه طباطبایی هر چند در زمان خودش بسیار کتاب مؤثر و جامعی بوده است اما در حال حاضر دشمن به سراغ میراث شیعی ما از جمله علماء و نظریات آن‌ها مانند علامه کلینی آمده است.

وی ادامه داد: دشمن با گسترش شبهات تخصصی و طرح مسائل خاص، تمام قد مقابل اسلام و تشیع ایستاده است. ما اکنون در تولید، تبدیل و توزیع مشکل داریم و باید این مشکلات را مرتفع کنیم.

معاون بین‌الملل مؤسسه البیان للتواصل و التّأصیل پیشنهاد داد: در هر جلسه مناسب است یک اثر به طور دقیق مورد گفت‌وگو و تحلیل قرار گیرد تا بتوان به نتیجه تخصصی تری رسید.

در پایان این نشست، حجت‌الاسلام داوودی، مدیر داخلی جامعه‌المرتضی(ع) بر وجود ارائه راهکارهای عملیاتی تأکید کرد و حجت‌الاسلام والمسلمین تسخیری، معاون ارتباطات و امور بین‌الملل دانشگاه ادیان و مذاهب به بیان مطالبی در خصوص تاریخچه و صعوبت جمع‌آوری کتابی جامع و کامل در خصوص معرفی شیعه در جهان پرداخت و پیشنهادهای را در خصوص طریقه نوین گردآوری و تألیف این مجموعه ارائه داد.

### ۳۰. مفهوم حکمرانی اسلامی؛ مولفه ها و ویژگی ها

۲۳ مهر ۱۴۰۱

به همت مرکز تحقیقات اسلامی مجلس؛

نشست علمی "مفهوم حکمرانی اسلامی؛ مولفه ها و ویژگی ها" برگزار شد



**نشست علمی "مفهوم حکمرانی اسلامی؛ مولفه ها و ویژگی ها" به همت گروه حکمرانی اسلامی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس و با سخنرانی دکتر سید محمد حسین هاشمیان عضو شورای علمی گروه حکمرانی اسلامی مرکز برگزار شد.**

نشست علمی "مفهوم حکمرانی اسلامی؛ مولفه ها و ویژگی ها" به همت گروه حکمرانی اسلامی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس و با سخنرانی دکتر سید محمد حسین هاشمیان عضو شورای علمی گروه حکمرانی اسلامی مرکز برگزار شد.

دکتر هاشمیان در این نشست به بررسی انتقادی الگوی دولت ملت و معرفی الگوی بدیل، - نظریه سازمان)، گفتمان-ها، الگوها و فرایند (- گفتمان های کلیدی در حکمرانی عمومی از منظر اسلام و غرب، - نقش مدل ها و فرایند خط مشی گذاری عمومی در حکمرانی، - نقش گروه های فشار و رسانه در حکمرانی)، فهم چالش های حکمرانی در ایران معاصر و تجربه نگاری شکست ها و موفقیت ها پرداخت.

وی در این نشست که با رویکرد موضوع شناسی و از منظر خط مشی گذاری عمومی انجام شده است، نسبت میان فرهنگ و حکمرانی، مدیریت، سیاست و اقتصاد پرداخت و بیان داشت: یک پایه حکمرانی در علم سیاست است به این معنا که تصمیمات و تدابیری که حکومت در حوزه عمومی اتخاذ می کند حکمرانی خوب را تامین می کند.

دکتر هاشمیان با اشاره به پارادایم های حکمرانی به حکمرانی دولتی با محوریت دولت، حکمرانی سیاست،

بازار با محوریت اقتصاد، فرهنگ و حکمرانی مدنی پرداخت و گفت: از نظر اسلام معیار در حکمرانی، وحی است.

دکتر صدرا عضو شورای علمی گروه حکمرانی اسلامی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس نیز گفت: ما به نظریه بنیادین و هدفمند حکمرانی اسلامی اعم از نظریه علمی و نظریه عملی نیاز داریم، در چرخه حکمرانی سه مرحله سیاست(سیاست های کلان، چشم انداز، تدبیر)، مرحله خط مشی گذاری و حکمرانی قانون نیاز داریم.

دکتر بهنام نیا از دیگر اعضای شورای علمی گروه حکمرانی اسلامی مرکز نیز طی سخنانی بیان داشت: مناسب بود حکمرانی غربی با مدل‌های هشتگانه حکمرانی مطرح شده از دیدگاه قرآن کریم تطبیق داده می شد که یک دسته در سبیل صراط مستقیم و مابقی در سبیل فساد بودند.

حجت الاسلام والمسلمین آل غفور از دیگر اعضای شورای حکمرانی اسلامی مرکز گفت: باید از تجربه در حکمرانی اسلامی بیشتر استفاده کنیم، البته تجربه اعم از نظری و عملی و هم داخلی و خارجی. در بحث تجربه لازم است به حوزه مباحثات و عرف عنایت داشته باشیم.

وی ادامه داد: از مشکلات حکمرانی ما ضعف در تنظیم بین سیاست، بازار و جامعه مدنی است؛ یعنی تصمیم گیری در جای خودش انجام نمی شود؛ تصمیم گیری سیاسی باید در حوزه سیاست و فرهنگی در حوزه فرهنگ اتخاذ شود و تنظیم مناسبات بین آنها ضروری است.

وی بیان داشت: ما به نخبگان به اندازه کافی بها نمی دهیم تا بتوانند خوب ایفای نقش کنند؛ باید مناسبات بین نخبگان فکری و ابزاری تعریف شود.

دکتر اکبری معلم جانشین گروه حکمرانی اسلامی مرکز تحقیقات اسلامی مجلس نیز بیان داشت: باید در قالب این مباحث، شاخص های حکمرانی اسلامی استخراج و معرفی شود تا مورد استفاده قوه مقننه در حوزه تقنین، نظارت و راهبردی قرار گیرد.



### در نشستی ۵ مورد از علل پیدایش فتنه ها بر محور معارف نهج البلاغه تبیین شد.

حجت الاسلام ایمان شکیبایی، در ابتدای نشست تبیینی با حضور جمعی از بسیجیان گفت: در طول تاریخ مسیر هدایت و یا انحراف به دو واژه پر تکرار قرآن کریم و نهج البلاغه گره خورده است و آن دو واژه یکی حق و دیگری باطل است، آنجایی که باطل بخواهد در لباس حق به جانب جلوه کند فتنه و اغتشاش و شبهه و در یک کلمه انحراف پدیدار خواهد شد. که به وضوح دیده شد این انحراف در رفتار و گفتار و پوشش افراد فتنه گر و فتنه جو نمایان شد.

پژوهشگر حوزه و دانشگاه در ادامه به ۵ مورد از مهمترین علل پیدایش فتنه ها در نهج البلاغه اشاره نمود:

۱) هواپرستی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آغاز خطبه ۵۰ به سرچشمه پیدایش فتنه ها در جوامع اسلامی می پردازد که هم، زمان بعد از رحلت رسول الله را شامل می شود و هم ماجراهایی همچون واقعه جمل و صفین و نهروان، و هم زمان حاضر را و دقیقاً دست روی سرچشمه و نکته اصلی می گذارد، می فرماید: «آغاز پیدایش فتنه ها پیروی از هوی ها و هوسها و بدعتهایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد»؛ (إِنَّمَا بَدَأُ وَفُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ، يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابَ اللَّهِ)، ریشه اصلی فتنه ها دو چیز است: پیروی از هوای نفس و احکام دروغین خودساخته که مخالف کتاب خداست و بی شک اگر احکام قرآن در میان مردم حاکم باشد و اصالت قوانین اسلام حفظ شود و بدعتهای ناروا در دین خدا نگذارند و همچنین در اجرای قوانین ناب الهی هوی و هوس را حاکم نکنند فتنه ای پیدا نخواهد شد؛ چرا که این قوانین مجری عدالت و حافظ حقوق همه مردم و بیانگر وظائف است، فتنه آن زمان شروع می شود که فزون طلبی ها آشکار گردد



و قوانین الهی در مسیر مطامع شخصی منحرفین و منافقین تحریف شود. حق و عدالت زیر پا بماند و افراد و گروهها وظائف الهی خود را فراموش کنند و به بدعتها روی آورند؛ در این فتنه های اخیر به وضوح مشاهده کردید نه تنها کتاب مقدس قرآن کریم را آتش زدند بلکه به دستورات قرآن هم پشت کردند، آیا حجاب دستور قرآن نیست؟ آیا ظلم به دیگران نهی قرآن نیست؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر دستور مؤکد قرآن نیست؟ پس چه شد که هم کشف حجاب کردند، هم به مردم ظلم کردند، هم به بیت المال مسلمین خسارت وارد ساختند، هم آمرین به معروف و ناهین از منکر را به شهادت رساندند؟ چرا به آرمانها و ارزش های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران جسارت شد؟ جواب اینها یک کلمه است: فتنه؛ که سرچشمه اش پیروی از هواهای نفسانی و پشت کردن به قرآن کریم و دستورات انسان ساز آن است.

۲) بدعت گزاری در احکام آسمانی

حضرت در فرازی از خطبه ۵۰ می فرماید:

احکام تُبتدع یخالف فیها کتاب الله

احکام ساختگی و مخالف قرآن یکی دیگر از علل پیدایش فتنه هاست. این موضوع به خوبی در شعارهای فتنه گران تداعی شد؛ شعار زن و آزادی بی قید و بند از کلیدواژه های مهم بدعت گزاری در دین است.

استاد حوزه علمیه افزود: البته این بدعت گزاری ها در طول تاریخ نمود داشته است، به عنوان مثال می توان به فتنه «بنی امیه» که در اسلام از بزرگترین فتنه ها محسوب می شود اشاره کرد. آنها برای رسیدن به حکومت خود کامه خویش بر مرکب هوی و هوس سوار شدند و تا آنجا که توانستند در احکام اسلام تفسیر و توجیه نادرست روا داشتند و آنها را به سود منافع شخصی خود توجیه نمودند و هر جا امکان نداشت دست به بدعت جدیدی زدند.

«معاویه» خلافت اسلامی را با نیرنگ به چنگ می آورد و بر اساس بدعتی جدید آن را در خاندان خود موروثی می کند، «زیاد» را برادر خود می خواند و برای یزید در حیات خود از مردم بیعت می گیرد و سب و دشنام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را که پاکترین و آگاهترین و بزرگترین شخصیت اسلام بعد از پیغمبر خدا بود در قلمرو حکومت خود، سنت می شمرد، خود و یارانش در ریختن خون عثمان شرکت می کنند و سپس به خونخواهی او برمی خیزند.

۳) خلط حق و باطل

حضرت در ادامه خطبه ۵۰ می فرماید: «و گروهی چشم و گوش بسته و نادان، یا هواپرست آگاه به پیروی آنان برمی خیزند و از هوی ها و هوسها و بدعتهاى آنان برخلاف دین خدا حمایت می کنند». (وَيَتَوَلَّىٰ عَلَيْهَا رِجَالٌ رِّجَالًا عَلَىٰ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ)، در جمله بعد اشاره به ابزار این کار شده. ابزاری که در تمام طول تاریخ از سوی همه هواپرستان و جنایتکاران مورد استفاده قرار گرفته و به صورت یک سنت همیشگی درآمده است و آن این که آنها همیشه برای رسیدن به مقاصد خود حق و باطل را به هم می آمیزند و حق را سپری برای حمایت از باطل و یا پوسته شیرین و جالبی برای پنهان کردن زهر باطل قرار می دهند، می فرماید: «اگر باطل از آمیختن با حق جدا می گردید بر کسانی که طالب حَقّند پوشیده نمی ماند، و اگر حق از آمیزه باطل پاک و خالص می شد زبان دشمنان و معاندان از آن قطع می گردید». (فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ، وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ)

چه تعبیر جالب و گویایی، باطل اگر در شکل اصلیش نمایان شود خریداری ندارد و حق اگر به صورت خالص عرضه شود زبان بهانه جویان را قطع می کند؛ لذا بدیهی است نه حق خالص مشکل هواپرستان را حل می کند، چرا که منافع آنها در باطل نهفته است، و نه باطل خالص آنها را به مقصد می رساند؛ چرا که

مردم از آنها حمایت نخواهند کرد و اینجاست که به سراغ آمیختن حق و باطل می روند؛ همان چیزی که تمام سیاستهای مخرب دنیا را می توان در آن خلاصه کرد.

امام(علیه السلام) در این مورد می فرماید: «ولی بخشی از این گرفته می شود و بخشی از آن، و این دو را به هم می آمیزند، و در اینجا است که شیطان بر پیروان و دوستان خود مسلط می شود و تنها کسانی که مشمول رحمت خدا بوده اند از آن نجات می یابند»

(وَلَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضِعْفًا، وَ مِنْ هَذَا ضِعْفًا فَيَمْرَجَانِ فَهَذَا كَيْسُ الشَّيْطَانِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ، وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.)

این تعبیر به خوبی نشان می دهد که آمیختن حق و باطل به یکدیگر مانع از شناخت باطل نیست هر چند به دقت و کنجکاوی یا پرسش از آگاهان نیاز دارد. به همین دلیل امام(علیه السلام) می فرماید: در گیرودار آمیزش حق و باطل شیطان بر دوستان و پیروانش چیره می شود و خداجویان حق طلب از خطر گمراهی در این گونه جریانات درامانند.

در واقع آمیزش حق و باطل چراغ سبزی است برای هوی پرستان و بهانه ای است برای پیروان شیطان که وجدان خود را فریب دهند و در برابر دیگران استدلال کنند که ما به این دلیل و آن دلیل (اشاره به قسمتهایی از حق که با باطل آمیخته شده) این راه را برگزیده ایم.

آری مستضعفین فکری و ساده لوحان ممکن است در این میان ناآگاهانه در دام شیطان بیفتند، در حالی که آنها نیز اگر رهبر و راهنمایی برای خود انتخاب می کردند گرفتار چنین سرنوشتی نمی شدند. به این ترتیب مردم در برابر آمیزش حق و باطل به سه گروه تقسیم می شوند:

گروه اول همان «الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى» و به تعبیر دیگر حق طلبان آگاه و مخلصند که به لطف پروردگار از توطئه های شوم فتنه جویان درامانند.

گروه دوم هوی پرستان بهانه جو هستند که می خواهند به بهانه حق در راه باطل گام بگذارند و در واقع نیمه آگاهند و با پای خود در دام شیطان می روند.

گروه سوم افراد ساده لوحی هستند که تشخیص حق از باطل در این آمیزه خطرناک برای آنها مشکل است و ناآگاهانه گرفتار دام شیطان می شوند مگر این که در پناه رهبر آگاه و فرزانه ای جای گیرند.

استاد حوزه علمیه ادامه داد: شبیه همین معنی در خطبه ۳۸ هست، آنجا که امام(علیه السلام) شبهه را تفسیر می فرماید و راه نجات از آن را نشان می دهد و می گوید: شبهه را از این رو شبهه نامیده اند که شباهت به حق دارد اما اولیاءالله گرفتار آن نمی شوند، چرا که نور یقین در اینجا راهنمای آنها است ... ولی دشمنان خدا بر اثر گمراهی در دام شبهات گرفتار می شوند.

۴) دنیا طلبی

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در فرازی از خطبه ۳۲ می فرماید:

مِنْهُمْ الْمُضِلُّ لِسَيْفِهِ وَ الْمُغْلِبُ بِسَرِّهِ وَ الْمُجْلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجِلِهِ قَدْ أَشْرَطَ نَفْسَهُ وَ أَوْبَقَ دِينَهُ لِحَطَامٍ يَنْتَهَرُهُ أَوْ مَقْتَبٍ يَفُودُهُ أَوْ مِنْبَرٍ يَفْرَعُهُ وَ لِبَيْتِ الْمَثَجْرِ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوْضًا.

گروهی هستند که شمشیر کشیده، و شر و فسادشان را آشکار کرده اند، لشکرهای پیاده و سواره خود را گرد آورده، و خود آماده کشتار دیگرانند. دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رییس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرا رفته، خطبه بخوانند. چه بد تجارتي، که دنیا را بهای جان خود بدانی، و با آنچه که در نزد خداست معاوضه نمایی.

## ۵) جهل و نادانی

حضرت در فرازی از خطبه ۱۰۳ می فرماید:

الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ، وَ إِنَّ مِنْ أْبْعَضِ الرَّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعَبْدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرًا عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ سَائِرًا بَعِيرٌ دَلِيلٍ، إِنَّ دُعَى إِلَى حَزْبِ الدُّنْيَا عَمِلَ وَ إِنَّ دُعَى إِلَى حَزْبِ الْآخِرَةِ كَسَلٌ، كَأَنَّ مَا عَمِلَ لَهُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ وَ كَأَنَّ مَا وَنَى فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ

دانا کسی است که قدر خود را بشناسد، و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش را نداند. دشمن ترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود واگذاشته تا از راه راست منحرف گردد، و بدون راهنما برود.

اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش کند، اما چون به آخرت و نعمتهای گوناگونش دعوت شود، سستی ورزد، گویا آنچه برای آن کار می کند بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تنبلی می کند، از او نخواستہ اند.

حجت الاسلام شکیبایی در پایان گفت: چقدر نادانان و ساده لوحان و بد اندیشان این نظام مقدس در فضاهای مجازی وقت گذاشتند و به منحرفین و جوّ زدگان آموزش دادند که چگونه سلاح سرد و گرم بسازند و به جان مردم مظلوم و نیروهای مخلص و مجاهد نظامی و امنیتی بیفتند ولی عاقبت چه شد؟ روسیاهی برای زغال ماند و نقشه هایشان به مدد امام زمان نقش بر آب شد و گریه های ناکام شدنشان در شبکه های مختلف منتشر شد.

وی گفت: آمریکا، اسرائیل، عربستان، انگلیس، فرانسه و همه مزدوران عالم بدانند ایران اسلامی تحت لوای رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی با قدرتی بیش از گذشته مسیر پیشرفت و اقتدار دشمن خوار کن را ادامه خواهد داد و این شاء الله به زودی با دعای امام زمان (علیه السلام) نابودی و خواری دشمنان اسلام و شیطان صفتان را شاهد خواهیم بود.



**حجت الاسلام مطهرخو گفت: در حقیقت تکریم جایگاه عالم، تکریم جایگاه علم است، آن علمی که اهل بیت(ع) به ارزش والای آن در دنیا سفارش کرده‌اند.**

حجت الاسلام محمد مطهرخو امام جمعه نائین، صبح امروز در پیش نشست کنگره بین‌المللی میرزای نائینی، اظهار داشت: این همایش به همت مسئولان عالی حوزه و بر اساس درخواست مردم شهیدپرور و عالم پرور مردم نائین در تکریم و جلیل از عالمی بصیر، مرجعی والا مقام و اندیشمندی توانا برگزار شده است.

وی با بیان اینکه زهد، خصلت بارز آیت الله میرزا محمد حسین نائینی و بی‌توجه به مقام، ریاست و دنیا از دیگر ویژگی‌های ایشان بود، گفت: حسن توجه به جایگاه عالمان، سفارش و سنتی است که ائمه اطهار(ع) به ما آموخته‌اند.

امام جمعه نائین ادامه داد: امام هادی(ع) می‌فرمایند «اگر بعد از غیبت مهدی(عج)، عالمان دینی نبودند که به سمت وجود او مردم را هدایت کنند، بندگان خدا را از دام ابلیسیان نجات دهند و دین ما را ترویج بدهند، بی‌گمان همه مردم از دین خدا بر می‌گشتند.»

وی تاکید کرد: در حقیقت تکریم جایگاه عالم، تکریم جایگاه علم است، آن علمی که اهل بیت(ع) به ارزش والای آن در دنیا سفارش کرده‌اند.

حجت الاسلام مطهرخو تصریح کرد: امیدواریم این ارزش گذاری‌ها در جامعه ادامه داشته باشد و اینگونه برنامه‌ها جز برنامه‌های اصلی حوزه فرهنگ کشور ما باشد.



<b>از الهیات اجتماعی تا ارشاد اجتماعی</b>		<b>زمان</b>	روز یکشنبه، ۱۰ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۹:۰۰ تا ۱۴:۰۰
<b>موضوع حجاب</b>		<b>مکان</b>	دانشگاه باقرالعلوم (ع) طبقه ۳ اتاق جلسات ریاست دانشگاه
			
<b>ابعد فقهی و اجتماعی حجاب</b> استاد حمید پارسا دکتر سید محمد حسین هاشمیان	<b>پایه گذاری حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>پایه ها و بنیادها در سیاست گذاری حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>پایه های حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان
<b>تاریخچه حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>انسان مصروف به تصویر و حجاب: از گریز تا ستیز</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>تحلیل رسانه‌ای از حرکت اعتراضی به گشت ارشاد</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>تاریخچه حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان
<b>حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>تاریخچه حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>تاریخچه حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان	<b>تاریخچه حجاب و ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب</b> دکتر سید محمد هاشمیان دکتر سید محمد هاشمیان
دبیر جلسه: دکتر احمد اوجایی			
دانشگاه باقرالعلوم (ع) دانشکده فرهنگ و علوم اجتماعی		پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی	
مرکز وکس مطالعات و سنجش دینداری		مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی	
شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی		شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی	

**نشست علمی «از الهیات اجتماعی تا ارشاد اجتماعی» با موضوع حجاب با حضور اساتید و پژوهشگران مرتبط با حجاب در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم برگزار شد.**

نشست هم اندیشی «از الهیات اجتماعی تا ارشاد اجتماعی» با موضوع حجاب، امروز در سالن جلسات دانشگاه باقرالعلوم (ع) با حضور اساتید و پژوهشگران برگزار شد.

بر اساس این گزارش: این نشست که با همکاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشگاه مطالعات تمدنی و اجتماعی، شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، مرکز مطالعات و سنجش دینداری و دانشگاه باقرالعلوم (ع) دانشکده فرهنگ و علوم اسلامی برگزار گردید.

دبیری این جلسه را که حجت الاسلام احمد اولیایی مدیر روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بر عهده داشت، سخنرانان موضوعاتی از جمله، بررسی ابعاد فقهی و اجتماعی حجاب، ابعاد فقهی سیاست ترویج حجاب، غفلت از زیر ساخت های فرهنگی حجاب، حجاب و چالش های ادراک عدالت جنسیتی، بایدها و نبایدهای سیاستگذاری حجاب، گونه شناسی واکنش های معنوی به گشت ارشاد، تحلیل رسانه از حرکت اعتراضی به گشت ارشاد، بی ایدگی حجاب و زن معاصر، استخفاف راهی برای عرفی

شدن، انسان معطوف به تصویر و حجاب از گریز تا ستیز، تنوع در سیاست فرهنگی، حجاب و سلبریتی های ایرانی و مدیریت جنگ روایت ها، رویه های جمهوری اسلامی در مواجهه با پدیده های فرهنگی و جبهه انقلاب در مواجهه با بحران های اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند.



**استاد مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س) مرند گفت: وظیفه طلاب برای پرداختن به مسائل دوران غیبت و امام زمان(عج) بسیار سنگین بوده، زیرا که ما بر سر سفره آن حضرت نشستیم و نباید نسبت به این موضوع بی‌توجه باشیم.**

نشست علمی وظایف منتظران در عصر غیبت با تاکید بر آیات و روایات با سخنرانی خانم طاهره حمیدوند استاد حوزه علمیه فاطمه الزهرا(س) مرند، روز گذشته با حضور طلاب و اساتید این مدرسه برگزار شد.

خانم حمیدوند استاد مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س) مرند، اظهار داشت: در فرهنگ دینی، شناخت امام عصر(عج) و اعتقاد قلبی به امامت آن حضرت، چنان مهم و کلیدی است که در احادیث متواتر، بود و نبود آن، معیار ایمان و کفر، شمرده شده است.

وی افزود: پیامبر اکرم(ص) در حدیث معروف می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کفایة الاثر، ص ۲۹۶) یعنی هرکس بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی‌دینی مرده است.

استاد مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س) مرند خاطر نشان کرد: رعایت عدالت، فراوانی رزق و روزی، عدالت در داوری، اوج آگاهی و عقلانیت برای مردم، از ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) است.

خانم حمیدوند به ویژگی‌های آخر الزمان در روایات اشاره کرد و گفت: بی‌اعتنایی به حلال و حرام به طوری که مردم هر چه به دستشان برسد، حلال می‌شمرند و یا بسیاری از مردم رباخوار می‌شوند و آنانکه رباخوار نباشند گرد و غبار ربا بر دامنشان می‌نشیند و برخی از مردم نیز سرمست از نعمت، مبدأ و معاد را فراموش کرده و در عالم بی‌خبری به سر می‌برند و عده‌ای نیز با تکیه بر حیل‌های شرعی و بهانه‌های واهی کارهای ناروا انجام می‌دهند.

وی یادآور شد: وظیفه طلاب برای پرداختن به مسائل دوران غیبت و امام زمان(عج) بسیار سنگین بوده، زیرا که ما بر سر سفره آن حضرت نشستیم و نباید نسبت به این موضوع بی‌توجه باشیم.





**مدیرعامل خانه خلاق و نوآوری اشراق گفت: یکی از میدان های آموزشی موفق، آموزش بازی ها می باشد؛ لذا بسیاری از مؤسسه ها می توانند به این عرصه ورود پیدا کرده و به صورت حضوری و مجازی به آموزش بازی های مختلف پردازند.**

حجت الاسلام والمسلمین محمد قطبی امروز سه شنبه در یازدهمین جلسه از سلسله وبینارهای درس گفتار حکمرانی خلاق و دانش بنیان که با موضوع «بازی بومی محلی؛ ترجمه فناورانه ارزش ها» و به همت خانه خلاق و نوآوری اشراق دفتر تبلیغات اسلامی برگزار شد، در ابتدا با برشمردن برخی بازی های بومی محلی گفت: هفت سنگ، قلعه بازی، زو و... از جمله بازی های بومی محلی ما هستند؛ بخش عمده ای از این بازی ها امروز با پیدایش اینترنت از بین رفته است.

وی با بیان تعریفی فناورانه از بازی ادامه داد: فرآیند ارزش آفرینی فرهنگی اجتماعی همراه با تعامل و شادی را بازی می گویند.

حجت الاسلام والمسلمین قطبی در ادامه با برشمردن مؤلفه های بازی افزود: بازی که در واقع یک فناوری نرم و هویت ساز است، باید شامل مؤلفه هایی از جمله پر تحرکی، سناریومندی، تکرارپذیری، هیجان انگیزی، ریتمیک بودن، دارای تعامل بالا، در بردارنده ارزش فرهنگی و بهره گیری از همه قابلیت های بدن می باشد.

وی تصریح کرد: تمام بازی ها از جمله بازی های کوچک نیز باید تحرک داشته باشند؛ متأسفانه امروز، تحرک از میان برخی بازی های ما از بین رفته است.

مدیرعامل خانه خلاق و نوآوری اشراق گفت: بازی یک فرآیند رها شده نیست؛ بازی در واقع باید شامل یک ابتدا و انتها باشد؛ لذا سناریومندی بازی، ارزش ساز است.

وی اظهار کرد: برخی بازی های مبتنی بر اسباب بازی، در خلاقیت، پرتحرکی، سناریومندی، تکرارپذیری و هیجان انگیزی ریتم خاصی ندارند؛ اما می توان گفت که عموم بازی ها دارای ریتم هستند.

حجت الاسلام والمسلمین قطبی ضمن اشاره به کارکردهای بازی خاطرنشان کرد: اجتماع سازی، تحرک آمیز بودن، شبیه سازی موقعیت شغلی، جامعه پذیری و تعامل اجتماعی، ایجاد دوستی و رفاقت، چرخش یارگیری، تربیت و رشد حواس و تخلیه هیجان مختلف از کارکردهای ارزشی بازی به شمار می روند.

وی بیان کرد: از کارکردهای خوب و مهم بازی می توان به شبیه سازی موقعیت شغلی اشاره کرد؛ در بسیاری از بازی ها می بینیم که کودکان ما به ایفای نقش های مختلفی مثل دکتر، معلم و کشاورز می پردازند.

مدیرعامل خانه خلاق و نوآوری اشراق گفت: تعامل کودکان در بازی به تعامل اجتماعی و جامعه پذیری آن ها منجر می شود؛ امروز یکی از چالش های رو به روی ما در حوزه فرهنگ، جامعه پذیری افراد می باشد. کودکان در فرآیند جامعه پذیری، نحوه صحبت کردن، درخواست، ارتباط گیری، فرار از تهدید و کمک کردن را می آموزند.

وی تصریح کرد: اکنون سوالی که ما با آن روبه رو می شویم این است که چه ظرفیت هایی در حوزه های کسب و کار در بازی وجود دارد؛ به نظر می آید که اگر ما به بازی های بومی و محلی موجود در کشور خود نگاه کسب و کاری داشته باشیم، می بینیم که ظرفیت ایجاد کسب و کار در آن ها وجود دارد.

حجت الاسلام والمسلمین قطبی در ادامه بحث به برشمردن ظرفیت ها و میدان های کسب و کار در بازی پرداخت و گفت: طراحی، تولید و عرضه لوازم بازی، آموزش بازی، لیگ های رقابتی و مسابقات، تعمیر المان ها و نمادهای بازی در تولیدات هنری و رسانه، تولید داستان و بازی واره ها، صادرات بازی، بازی نما و روایتگری بازی، بازی درمانی و آموزش از راه بازی از جمله میدان های کسب و کار در حوزه بازی ها به شمار می روند.

وی تأکید کرد: امروزه یکی از میدان های آموزشی موفق، آموزش بازی ها می باشد؛ ولی متأسفانه ما در این زمینه پیشرفت چشمگیری نداشته ایم. لکن بسیاری از مؤسسه ها و کارآفرینان می توانند به این عرصه ورود پیدا کرده و به صورت حضوری و مجازی به آموزش بازی های مختلف بپردازند.

مدیرعامل خانه خلاق و نوآوری اشراق با اشاره به اینکه بازی یک فناوری نرم است به بیان ظرفیت های ارزشی بازی پرداخت و عنوان داشت: سبک زندگی از ظرفیت های ارزشی بازی به شمار می رود؛ در حوزه سبک زندگی می توان ارزش های فرهنگی موجود در سه مقوله خوراک، پوشاک و ارتباطات از راه بازی بیان کرد.

وی خاطرنشان کرد: از دیگر ظرفیت های ارزشی بازی، مشاغل نوپدید می باشد؛ از طریق بازی می توان به آشنایی، آموزش و ترویج مشاغل نوپدید پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین قطبی افزود: تقاطع بین مجازی و حقیقی که از چالش های بزرگ این عصر بوده نیز از ظرفیت های ارزشی بازی به شمار می رود؛ تعامل و تقاطع بین محیط و فضای مجازی با استفاده از چالش های محیطی و امتداد مجازی می تواند از راه بازی به کودکان منتقل شود.

وی در پایان با تأکید بر ویژگی های خاص سبک زندگی مدرن به عنوان یکی دیگر از ظرفیت های ارزشی بازی خاطرنشان کرد: در زندگی مدرن امروز، ما با مقوله های شهرنشینی و آپارتمان نشینی سروکار داریم؛ یکی از راه های آموزش و انتقال فرهنگ شهرنشینی و آپارتمان نشینی در نسل نو بهره گیری از ظرفیت های بازی هاست.



### نشست علمی آسیب شناسی و چالش های آزادسازی سهام عدالت و ارائه الگوی مطلوب آن در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

نشست علمی آسیب شناسی و چالش های آزادسازی سهام عدالت و ارائه الگوی مطلوب آن در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

در این نشست مهدی سعادت‌نی رئیس فراکسیون سهام عدالت مجلس، دکتر مهدی زریباف معاون اقتصادی مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مهندس مصطفی صالحی دستیار ویژه معاونت امور تعاون در حوزه سهام عدالت و حجت الاسلام والمسلمین مسعود رانجی مدیر اندیشکده تعاون، کار و رفاه اجتماعی و حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم صباغیان دبیر میز تعاون مرکز تحقیقات اسلامی مجلس سخنرانی کردند.

دکتر توکلی دبیر و مهندس علیزاده عضو فراکسیون سهام عدالت مجلس شورای اسلامی، برخی از مسئولان اتاق تعاون و کارشناسان سهام عدالت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در این نشست حضور پیدا کردند.

### توضیحاتی در مورد لایحه جدید سهام عدالت

سعادت‌نی با بیان اینکه آیین نامه جدید سهام عدالت تدوین می‌شود، گفت: در مورد سهام عدالت بر اجرای قانون تأکید داریم، ما معتقدیم هر جا نقض قانون صورت گرفته منافع سهامداران عدالت به خطر افتاده است و ما به عنوان فراکسیون، دنبال اجرای قانون هستیم.

وی همچنین به سخنان کارشناسان و مسئولان سهام عدالت استان‌ها نیز گوش فرا داد و به برخی سوالات آنها نیز پاسخ داد.

وی پیش از این در یک نشست خبری آیین‌نامه قبلی سهام عدالت لغو و آیین‌نامه جدید سهام عدالت تدوین و جایگزین آن خواهد شد، کمیته حقیقت‌یاب قرار شد، شکل بگیرد و مسئله اینکه تاکنون ۱۲ هزار میلیارد تومان از سرمایه سهامداران عدالت مظلوم به هر بهانه‌ای برداشته شده و در حساب‌های دولت نزد خزانه به عناوین مختلف نگهداری شده است، باید تعیین تکلیف شود، زیرا مقامات دولتی گاهی می‌گویند این مربوط به سهام عدالت افراد متوفی است که در خزانه نگهداری می‌شده است، در حالی که این یک تخلف به شمار می‌رود.

رئیس فراکسیون سهام عدالت مجلس ادامه داد: برای انتخابات مجامع سهام عدالت طرح جامعی در دست تدوین است که مصوبه سابق سازمان بورس منتفی شد، چون مخالف با شرع و نظر مقام معظم رهبری در مورد آزادسازی سهام عدالت بود، در نتیجه قرار شد، ظرف یک ماه طرح جدیدی برای نحوه اداره سهام عدالت با همکاری کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی و سازمان بورس تهیه شود. در این طرح قرار است وزارت اقتصاد، سازمان خصوصی‌سازی، سازمان بورس، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، تعاونی‌های سهام عدالت و شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت باید نقش داشته باشند.

وی افزود: در بحث سهام عدالت و نحوه اداره آن همانند جنگ بین دو دیدگاه از اسلام اشراف‌گری و اسلام پابره‌نه‌ها است که طبق سیاست‌های کلی می‌گوییم، باید پابره‌نه‌ها یعنی همان دارندگان سهام عدالت باید در اداره آن نقش داشته باشند و فراکسیون سهام عدالت هم تاکنون اجازه نداده است مشارکت سهامداران عدالت در سرنوشت خودشان نادیده گرفته شود و ما از رئیس جمهور انتظار داریم اگر کسی بخواهد قانون را زیر پا بگذارد باید با او مقابله شود و رئیس دفتر رئیس جمهور هم به صراحت اعلام کرد که آقای رئیس جمهور به شدت روی سهام عدالت و مشارکت مردم حساس هستند.

### **در ارتباط با سهام عدالت باید با تدبیر عمل کنیم**

دکتر مهدی زرییاف معاون اقتصادی مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری در این نشست گفت: ما نباید در ظاهر شعار عدالت و اقتصاد مقاومتی سر بدهیم ولی در عمل خلاف آن عمل و سفره مردم را خالی کنیم.

وی ادامه داد: در ارتباط با سهام عدالت باید با تدبیر عمل کنیم، مراقب باشیم که سهام عدالت به دست مافیا نیفتد، باید مدیریت سهام عدالت در حوزه مالکیت و مشارکت به نفع مردم متحول شود.

### **تخلفات دولت قبل در بحث سهام عدالت**

مهندس مصطفی صالحی دستیار ویژه معاونت امور تعاون در حوزه سهام عدالت نیز طی سخنانی گفت: در دولت قبل تخلفات زیادی در حوزه سهام عدالت صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان به جابجایی مشکوک پرتفوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تضعیف مالی شرکت‌های تعاونی شهرستانی، ارائه لایحه تغییر ساختار قانونی سهام عدالت اشاره کرد.

وی بیان داشت: لایحه تغییر ساختار قانونی سهام عدالت در دولت گذشته از سال ۹۲ تا ۹۹ در بالاترین سطح پیگیری شده است ولی موفق نشد، متأسفانه دولت‌ها وقتی در تغییر قانون ناکام ماندند تلاش‌هایی را برای دور زدن قانون به کار می‌گیرند.

صالحی تصریح کرد: در دولت فعلی در زمینه سهام عدالت هم تخلفاتی وجود دارد و امیدواریم که همانگونه که رهبر معظم انقلاب دولت‌ها را از اینکه سرمایه‌گذاران بزرگ بر سهام عدالت مسلط شوند، برحذر داشتند.

وی ادامه داد: اجرای صحیح قانون در مساله سهام عدالت مساله کلیدی و محوری ما می باشد.

### شورای فقهی سهام عدالت تشکیل شود

مدیر اندیشکده تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه و اجتماعی با تاکید بر پاسخگویی به موضوع سهام عدالت از پایگاه فقه و شریعت اسلامی گفت: باید یک شورای فقهی ناظر به بحث سهام عدالت و به صورت اعم، واگذاری بنگاه‌های دولتی به مردم تشکیل شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین مسعود رائجی افزود: تشکیل این شورای فقهی، ضرورت جدی عرصه سهام عدالت است تا این مساله را مستمر دنبال کند و این جلسه نیز می‌تواند شروع پیگیری این روند فقهی باشد، ابعاد مالی و گستره اجتماعی این عرصه به شدت زیاد است، ۴۰ یا ۵۰ میلیون تن در کشور درگیر این مساله هستند، از این رو اگر حوزه علمیه به معنای دستگاه فقاقت در این نقطه وارد نشود و حرف خودش را اعلام نکند در چه مساله‌ای می‌خواهد این کار را بکند؟

رائجی همچنین در ادامه بیان داشت: جدای از اختلاف بین تعاونی‌ها و اقتصادی‌ها و هرگونه تعارض‌هایی که در خصوص سهام عدالت وجود دارد، از جهت اندیشکده‌ای ۲ مساله جدی وجود دارد که می‌تواند برای ارزیابی الگوهایی که در نهایت می‌خواهیم به آنها رای بدهیم یک ملاک باشد.

وی با ذکر این نکته که باید به سمت حداکثری کردن سه مولفه مالکیت، مدیریت و عاملیت مردم حرکت کنیم گفت: هر الگویی که این حداکثری در آن باشد، مطلوب است البته با این قید و شرط که حداکثری شدن این سه مولفه منجر به این نشود که تداول ثروت بین اغنیا به وجود آید، یعنی همان اتفاقی که در آزادسازی سهام عدالت و فروشی که در فضای سهام‌ها رخ داد.

وی ادامه داد: این دو قید بسیار مهم و اساسی هستند و هر مدلی نیز باید بر این مبنا مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.

مدیر اندیشکده تعاون با یادآوری اینکه اموال دولتی شامل ۶ مورد مختلف از جمله خراج، انفال، خمس، زکات، جزیه و مالیات می‌باشد بیان کرد: ما بحث سهام عدالت را در فضای فقهی ناظر به انفال پیگیری می‌کنیم، چون انفال برای خدا و رسول است، باعث می‌شود که سیاست‌ورزی نکنیم، اما قواعدی وجود دارد که چه بسا خود رسول (ص) هم بر اساس این قواعد عمل می‌کند.

### نظریه مردم سالاری دینی باید در حوزه اقتصادی نمود عینی داشته باشد

رئیس مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه علمیه با اشاره به نظریه مردم سالاری دینی به عنوان نظریه پشتیبان نظام اسلامی گفت: نظریه مردم سالاری دینی باید در حوزه اقتصادی نمود عینی داشته باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی افزود: اگر در جامعه، تمرکز ثروت و شکاف درآمدی بین فقیر و غنی نهادینه شود، اصل ساختار اقتصادی آن نامشروع است.

وی با بیان اینکه نظام سرمایه‌داری مبتنی بر دو موضوع بانک و پول و همچنین بورس و سرمایه‌گذاری است گفت: در نظام اسلامی موضوع مردم سالاری دینی نظریه پشتیبان است، و در صورتی که این نظریه را در حوزه اقتصادی تفسیر کنیم، به مردم سالاری اقتصادی دینی می‌رسیم.

وی با تاکید بر نمود عینی مردم سالاری در حوزه اقتصادی خاطر نشان کرد: اگر این امر تحقق پیدا نکند، معنای آن این است که در مسیری غیر از مردم سالاری دینی حرکت می‌کنیم، و این دقیقاً خواست دشمن است، کسانی که بخواهند ساختارهای فاسد را از بین ببرند، مورد هدف دشمن قرار می‌گیرند.

رئیس راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه گفت: اینکه رئیس جمهور یا یکی از وزیران به میان مردم بروند و مشکل‌های اقتصادی آنها را بررسی کنند، کار خوبی است اما ساختارهای ما باید به سمت مردم سالاری اقتصادی دینی باشد.

وی سه موضوع عاملیت، مالکیت و مدیریت مردم را وجه مشترک یک اقتصاد کامل و تعاون واقعی ذکر کرد و گفت: اگر مطلب درست منتقل شود، همه مقام‌های کشور از جمله رئیس جمهور، وزیر اقتصاد و امور دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس مجلس شورای اسلامی همراهی خواهند کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین یوسفی خاطرنشان کرد: باید تعاونی‌های فراگیر ملی و سهام عدالت را برای ریشه‌کنی و رفع فقر در میان پنج دهک پایین جامعه به کار بگیریم، چون افراد وقتی مالک بنگاه تولیدی، زمین و مغازه بشوند، نرخ تورم نیز بالا برود، خسارتی نمی‌بینند، در صورتی که توسعه مالکیت اتفاق بیفتد، اساساً انگیزه ایجاد تورم در جامعه از بین می‌رود.



**نشست علمی نقد و بررسی کتاب اجازات العلماء با حضور آیت الله استادی از سوی سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی- نمایندگی قم برگزار شد.**

نشست علمی نقد و بررسی کتاب اجازات العلماء با حضور آیت الله استادی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از سوی سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی- نمایندگی قم برگزار شد.

بر اساس این گزارش: در این نشست کتاب دو جلدی اجازات العلماء حاوی اجازه علما از لابه لای نسخه های خطی موجود در آستان مقدس رضوی (سلام الله علیه) که حاصل زحمات فهرست نگار بخش خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، براتعلی غلامی مقدم بود مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

این کتاب در مرحله بعدی توسط سیدمحمدرضا رضا پور به رشته تحریر درآمد.

ناجی ناصر آبادی دبیرعلمی این نشست با اشاره به اینکه کتاب اجازات به کوشش غلامی مقدم طی سال های گذشته پیگیری شد، اظهار داشت: با برخی از پژوهشگرها صحبت شده و قرار است تا به صورت مشترک همکاری داشته باشیم.

وی افزود: غلامی مقدم فهرست نویس کتابخانه بود که بازنشسته شد، وی با توجه به ذوقی که داشت کتاب های فقه و اخباری را مطالعه کرده و یادداشت هایی که در حاشیه این نسخه ها بوده است را برای ۱۵ سال یادداشت کرده و در یک مرحله آماده کرد.

دبیرعلمی این نشست ادامه داد: نمونه اول به صورت دیجیتال فرم ابتدایی این کتاب بود و بعد که منتشر شد اشکالات متعدد بر ساختار و محتوا وارد بود. مبنای تاریخی و یا بعضی از اجازات در این کتاب نبود که از آقای رضا پور در خواست کردیم با پیگیری مولف کار را دنبال کند و این اجازات را ویرایش کند که این امر یک سال نیز به طول انجامید.

وی بیان داشت: در این کتاب بیش از ۱۰ هزار مطلب اصلاح شده است و این کتاب ارائه شده است و ۱۵۰ صفحه فهرست دارد که پژوهشگران به راحتی می توانند موفق باشند و آثار را ببینند.

وی خاطر نشان کرد: اکنون اجازات مربوط به آثار فقهی و اخباری در این کتابخانه شروع شده است و خیلی از منابع دیگر وجود دارد که باید بر روی آنها کار کرد.

#### **اهمیت نسخه شناسی موضوعی**

حجت الاسلام ابوالفضل حافظیان از فهرست‌نگاران نیز در ادامه این نشست گفت: باید نسخه شناسی های موضوعی انجام دهیم در نسخه های باقی مانده اطلاعات مهمی راجع به کتاب وجود دارد که باید کارهای ارزشمندی در این زمینه صورت گیرد.

وی افزود: شرح و تصحیح خوبی بر روی کتاب ها نوشته شده است و اکنون چاپ عکسی کتاب ها مورد توجه قرار گرفته و در دنیا رایج شده است.

این پژوهشگر با اشاره به اینکه کتابخانه آستان قدس رضوی چندین نسخه قدیم را چاپ عکسی کرده است گفت: در کتاب خانه آیت الله العظمی نجفی نیز این گونه اقدامات صورت گرفته است که این کار سند تاریخی ارزشمند است.

وی ادامه داد: یکی از کارهایی که باید کار تفصیلی انجام دهیم درباره اجازات است باید نسخه ها مجدد بررسی شود نباید به این فهرست ها بسنده کرد. اگر به نسخه ها مراجعه کنیم مباحث جدیدی را در اجازات به دست خواهیم آورد.

حافظیان بیان داشت: کدها و مفاهیم در گذشته به خوبی در نسخه شناسی جا نیفتاده بود هر کدام از این ها فراوان دیده شده است که این مفاهیم باید تفهیم شود و این نسخه ها بررسی شود تا سهل انگاری ها برطرف شود.

وی با بیان اینکه امروز تصحیح اجازات در دنیا به عنوان تز دانشگاهی مطرح است گفت: اگر پژوهشگران و فهرست‌نگاران این اجازات را اختصاص به تصاویر دهند و یا در سی دی قرار دهند، از سوی پژوهشگران مورد استقبال قرار می گیرد.

این فهرست نگار خاطر نشان کرد: موسسه شیعه شناسی در حال فعالیت است و در این زمینه کارهای خوبی را انجام می دهد همچنین توسط حجت‌الاسلام سیدصادق حسینی اشکوری موسوعه اجازات در ۵۰ جلد در حال تهیه است و در کتاب خانه مرعشی اجازات از خطوط علما جمع آوری می شود.





**بحران اوکراین صرفاً جنگ بین روسیه و اوکراین نیست بلکه یک رویارویی تمام‌عیار بین روسیه و مجموعه غرب برای تسلط بر آینده جهان است.**

نشست «جنگ اوکراین؛ پیامدهای منطقه‌ای» با سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین محمد مسجدجامعی مشاور عالی رئیس دانشگاه و همچنین عضو هیئت علمی دانشکده وزارت خارجه در تالار امام موسی صدر دانشگاه ادیان و مذاهب به صورت حضوری و مجازی برگزار شد، متن سخنان وی به این شرح است:

بحران اوکراین صرفاً جنگ بین روسیه و اوکراین نیست بلکه یک رویارویی تمام‌عیار بین روسیه و مجموعه غرب برای تسلط بر آینده جهان است. تحریم روسیه، غرب را با مشکل انرژی روبرو کرده و همین امر موجب ایجاد موقعیت جدیدی در کشورهای منطقه ما، عربستان و شیخ‌نشین‌ها شده است. این ارتقای موقعیت نیز ناشی از به‌هم‌ریختگی کنونی نظم جهانی است.

اگر بخواهیم این موضوع را بی‌طرفانه و علمی و دقیق بررسی کنیم نخست باید این موضوع را روشن کنیم که اساساً بحران اوکراین چیست و چرا این اتفاق افتاد و عوامل مختلف مؤثر در آن چه بوده و چه هست. در گام دوم باید بررسی کنیم که این بحران دارای چه پیامدهای جهانی است و در نهایت به پیامدهای منطقه‌ای آن خواهیم پرداخت.

در گام اول باید توجه داشت که این بحران صرفاً جنگ بین دو کشور روسیه و اوکراین نیست، اگرچه اختلافات بین این دو سابقه‌ای طولانی دارد و اصولاً «ناسیونالیسم اوکراینی» در مخالفت و تعارض با روسیه شکل‌گرفته است جریانی که در دوران تزارها و در دوران شوروی و خصوصاً در دهه اول بعد از جنگ دوم به‌شدت ادامه داشت چنان‌که در خلال جنگ دوم و آمدن آلمان‌ها به قلمرو شوروی هم حضوری پررنگ

یافت تا آنجا که به استقبال آلمان‌ها رفتند و هموطنان یهودی خود را جهت اعدام، به نازی‌ها معرفی کردند.

این نکته نیز حائز اهمیت است که اوکراین کشور پر جمعیتی است و حدود ۵۰ میلیون جمعیت دارد و وسیع‌ترین کشور اروپایی است. در حقیقت این کشور را باید به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد که این دو بخش همواره در دهه‌های اخیر تحت تأثیر دو گرایش مختلف بوده‌اند. بخش شرقی اوکراین تمایل به روسیه داشته ولی بخش غربی متمایل به اروپا و آمریکا بوده است. در دهه‌های اخیر این دو بخش با یکدیگر مشکلات زیادی داشته‌اند.

ریشه این مشکلات به چگونگی شکل‌گیری تاریخ اوکراین، مخصوصاً از قرن ۱۶ به بعد باز می‌گردد؛ بنابراین یک مسئله مهم در خصوص تاریخ اوکراین، واقعیت‌های سیاسی اجتماعی آن خصوصاً پس از فروپاشی شوروی و استقلال است و تعارضات و اختلافات میان بخش غربی و شرقی آن است.

### ناتو و حضور سنگین در اوکراین

نکته دوم در این خصوص حضور سنگین ناتو در سالیان اخیر در این کشور است. همان‌طور که می‌دانید یکی از درخواست‌های مهم اوکراین پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو بوده و هست. این نشان می‌دهد که اوکراین هنوز جزء هیچ‌کدام از این‌ها نیست اما ناتو در اوکراین به دلایل مختلفی از جمله تعارض با روسیه، نفوذ گسترده‌ای داشته و دارد. به‌هرحال گسترش حضور نظامی و تسلیحاتی ناتو در داخل اوکراین مسئله‌ای بود که برای پوتین و روسیه قابل‌تحمل نبود. در این رابطه می‌توان به سخنان پاپ در مصاحبه‌اش با روزنامه ایتالیایی «کورییره دلا سرا» اشاره کرد که گفته بود ناتو در دروازه‌های روسیه پارس کرد و روس‌ها که تمایلات امپراتورانه دارند تحمل نکردند و به اوکراین حمله کردند. البته او بعد از این حرف مورد اعتراض قرار گرفت و سخنش را تعدیل کرد و گفت که این حرف یکی از رؤسای کشورهای است که ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین این موضوع را بیان داشت و پیش‌بینی کرده بود که بالاخره جنگی در خواهد گرفت. این نکته را تقریباً سه هفته بعد از مصاحبه اول با مجله «چیویتاکا تُولیکا» بیان داشت و روزنامه ایتالیایی «استامپا» تمامی آن را منتشر ساخت.

### پیامدهای سنگین جنگ روسیه و اوکراین و تبدیل آن به بحران جهانی

اما در خصوص پیامدهای این بحران باید به این نکته مهم توجه کرد که تقریباً از جنگ جهانی دوم به بعد هیچ جنگی و هیچ برخورد نظامی این مقدار پیامدهای سنگین نداشته است؛ با وجود اینکه هنوز احتمالاً در ابتدای این بحران هستیم و فقط چهار ماه از آن می‌گذرد. از جنگ جهانی دوم به بعد جنگ‌های زیادی در جهان رخ داده است؛ مانند جنگ کره که حدود ۲ میلیون کشته داشت و یا جنگ ویتنام، بحران کوبا، جنگ هند و پاکستان که به جدایی بنگلادش انجامید، جنگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۷ و ۷۳ قرن گذشته و یا حتی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. هرکدام از اینها جنگ‌های پر پیامدی بودند و مشکلات زیادی را ایجاد کردند اما هیچ‌کدام آنها به این مقدار، پیامدهای سنگین و با این کیفیت نداشتند.

دلیل این پیامدها به شرایطی بازمی‌گردد که دنیای ما در آن زیست می‌کند. یک عامل دیگر این است که این بحران در حساس‌ترین نقطه اروپا اتفاق افتاد. این حساس‌ترین نقطه‌ای است که عملاً روس‌ها و مجموعه غرب در مقابل هم قرار گرفتند و اصولاً می‌توانستند قرار بگیرند. نقاط و کشورهای دیگر چنین ظرفیت و خصوصیتی نداشتند. از همان روزهای اول جنگ بین دو کشور نبود، بلکه در حقیقت میان روسیه و مجموعه غرب است که در کنار اوکراین ایستاده و آشکارا از او حمایت می‌کند. این جنگ اگر در نقطه‌ای دیگر از جهان اتفاق افتاده بود این مقدار اهمیت نداشت. یعنی غربی‌ها را به این مقدار در کنار کشوری که

مورد تعرض قرار گرفته بود، قرار نمی‌داد؛ بنابراین موقعیت این جنگ به نوعی بود که عملاً همه غربی‌ها را در مقابل کشوری که تجاوز کرده بود قرارداد.

اما نکته مهم‌تر این است که در طی این چند سال اخیر تعداد قابل توجهی از سیاست سازان و تصمیم گیرندگان کلان بلوک غرب کم‌وبیش به این نتیجه رسیدند که تحولات در سطح جهانی در جهتی اتفاق می‌افتد که موجب کاهش نفوذ چندین قرن‌های غرب و تمدن غربی می‌شود. از نظر آنها علت اصلی این موقعیت، رشد غیرقابل انتظار چین و تا حدی کشورهای نوظهور دیگر است. کسی تصور نمی‌کرد که چین تا این مقدار رشد کند. رشد اقتصادی و تکنولوژیکی و از همه مهم‌تر رشد در تکنولوژی و صنایع پیشرفته و حساس. در حقیقت در این مدت چین نه تنها رشد کرد بلکه عملاً مشغول اقدامات زیربنایی در کشورهای شد که به طور سنتی متعلق به بلوک غرب یا استعمار غربی بوده‌اند؛ مانند پروژه راه ابریشم که پروژه فوق‌العاده سنگینی است که مدخل آن زیربنایی و توسعه‌ای است اما نهایت آن تثبیت چین به عنوان یک قدرت جهانی خواهد بود.

روش چینی‌ها برای نفوذ به عکس عموم اروپایی‌ها از طریق ارائه خدمات زیربنایی و اقدامات توسعه‌ای در کشورهای مختلف بود. مثلاً در چارچوب همان جاده ابریشم سعی کردند در نقاط مختلف با استفاده از همین اقدامات توسعه‌ای نفوذ خود را گسترش دهند. به نوعی که این نفوذ منجر به تحول اقتصادی در آن کشورها شود. برای مثال در حال حاضر چین یک قدرت غیرقابل رقابت در افریقا است به دلیل انعطاف زیاد و همچنین نقش فوق‌العاده زیادی که در فعالیت‌های زیربنایی در افریقا دارد همچون ساختن جاده و بندر و فرودگاه و کارخانه و پروژه‌های کلان ساختمانی و حتی ساختن موزه. آنها مهم‌ترین مسجد الجزایر در شهر الجزیره را با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد دلار ساختند که یکی از بزرگ‌ترین مساجد در سطح جهان مسلمان است.

جورج سورس در سخنرانی‌اش در داووس ۲۰۱۹ صریحاً گفت که اگر رشد چین به این کیفیتی که به پیش می‌رود، ادامه دهد آمریکا و غرب سروری تاریخی خود را از دست خواهند داد. ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه نیز در سخنرانی اخیرش در بین سفرای فرانسه گفت رقابتی ما به نوعی عمل می‌کنند که صحنه را از ما گرفته‌اند و به سمتی پیش می‌رویم که دیگر حرف اول از آن ما نیست. این چنین واقعیت‌هایی در چند سال اخیر وجود دارد.

در سال‌های اخیر به دلایل مختلف چین و روسیه به هم نزدیک شدند این نزدیکی به دلیل احساس تهدید مشترک و وجود منافع مشترک بوده است. این دو کشور هیچ‌گاه رابطه صمیمانه‌ای نداشته‌اند و حتی در زمان سیطره کمونیست‌ها نیز با هم رقابت داشتند. اما شرایط جدید بین‌المللی به نوعی شکل گرفته که باعث شده این دو به هم نزدیک شوند. در سال‌های اخیر موضوعات و چالش‌های جهانی باعث نزدیکی این دو به هم شده است، مخصوصاً در سال‌های اخیر و از همه بیشتر جنگ روسیه با اوکراین. در خصوص نزدیکی و رابطه این دو کشور باید این نکته را باید در نظر داشت که روسیه اگرچه مسلح به قدرت هسته‌ای است، اما نمی‌تواند در حوزه اقتصادی و تکنولوژی‌های پیشرفته تهدیدی برای غرب باشد اما در خصوص چین این نکته صادق نیست و چین برای آمریکا و غرب تهدید به حساب می‌آید.

نکته دیگری که در خصوص چین وجود دارد نوع رفتار این کشور در سطح جهان است. چین همواره تلاش کرده به صورت مستقیم وارد عرصه‌های تنش‌زا نشود و همواره خود را از تنش‌ها و چالش‌های بین‌المللی دور کرده است؛ لذا کشورهای غربی هم نمی‌توانند به طور مستقیم به چین ضربه بزنند اما آنها تلاش دارند از طریق فشار به شرکای مهم چین همچون روسیه به صورت غیرمستقیم موجب تضعیف چین شوند. براین اساس می‌توان گفت که یکی از اهداف اصلی هجمه علیه روسیه، به نوعی تضعیف چین است.

این جنگ بیش از آنکه جنگ «امروز» باشد جنگ برای تصاحب «آینده» است و اینکه این آینده از آن کدامین قطب باشد. در طی قرون اخیر هیچ‌گاه جنگی رخ نداده که هدفش برکناری غرب در سطح جهانی باشد و یا جایگاه و نقش او را در چنین سطحی به چالش بکشد. این نخستین بار است که چنین می‌شود. به همین دلیل است که این بحران یک جریان بسیار پر پیامدی است و می‌شود گفت که حتی اگر این جنگ هم‌اکنون متوقف شود - که البته این‌طور نیست و ادامه پیدا می‌کند - باز هم تا مقدار زیادی روابط بین‌الملل و بسیاری از بخش‌های سیاسی و امنیتی دنیا را به هم‌ریخته و ترکیب قدرت را در جهان عوض کرده است. این جنگ به‌واقع به‌مراتب فراتر از جنگ روسیه و اوکراین است.

### پیامدهای بحران اوکراین در منطقه ما

منظور از کشورهای منطقه‌ای در اینجا، منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای مرکزی است. این مجموعه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم. البته در اینجا افغانستان، پاکستان و ترکیه هم هستند که هر یک بحث مستقل خود را می‌خواهد و در این سه مورد صحبت نمی‌کنیم.

نکته‌ای که در خصوص این کشورها وجود دارد این است که این کشورها عملاً بخشی از جهان سوم هستند. به طور خلاصه دو بخش مهم جهان سوم، یکی امریکای لاتین و یکی آفریقای سیاه، در طی دو دهه اخیر عملاً به یک نوع ثبات اجتماعی و سیاسی دست یافته‌اند و اوضاع به‌مراتب پایدارتر از گذشته است. مسئله در این کشورها این نیست که نظام حکومت دموکراتیک در آنها وجود ندارد، بلکه از نظر سیاسی و اجتماعی به‌نوعی منطبق انتقال قدرت دست یافته‌اند که موجب ثبات نسبی آنها شده است. اما در منطقه ما یعنی در منطقه خاورمیانه و در بخش دیگر هنوز «منطق انتقال قدرت» وجود ندارد. اوضاع اگرچه آرام است، اما بعضاً شکننده است.

یکی از دلایل ناآرامی‌هایی که در منطقه ما وجود دارد مربوط می‌شود به دخالت‌های بسیار فراوان قدرت‌های غربی و مخصوصاً آمریکا. از انقلاب‌های مخرمی که در این منطقه اتفاق افتاد گرفته تا دخالت‌هایی که در کشورهای مانند سوریه و عراق و یمن و لیبی و حتی مصر انجام گرفت. هدف از این دخالت‌های مداوم، تغییر رژیم‌های کشورهای منطقه و یا اینکه همسو کردن حکومت‌ها و رژیم‌های حاکم در این کشورها با منافع و مصالحشان خودشان بود. البته به نظرم در حال حاضر آنها دیگر قادر به این دخالت‌ها نیستند و این دو علت دارد یکی اینکه شرایط این کشورها و منطقه فرق کرده است و دیگر اینکه آنها قدرت یک‌تازانه سابق را ندارند. مضافاً اینکه مجموعه بلوک شرق که هم‌اکنون در رأس آنها چین و روسیه هستند - که احتمالاً کشورهای دیگری هم بخواهند به آنها اضافه شوند - تمایلی به چنین اقداماتی ندارند. این یک رویکرد بسیار مهم است که مخصوصاً چینی‌ها آن را دنبال می‌کردند. آنها در دو یا سه دهه اخیر اصلاً کاری به این نداشتند که رژیم حاکم چه هست، آنها هر رژیمی که حاکم بود را به رسمیت می‌شناختند و فعالیت‌های زیربنایی خودشان را انجام می‌دادند. در واقع آنها کاری به مسائل به‌اصطلاح حقوق بشری که عموماً سیاسی است و موجب دخالت در کشورهای دیگر می‌شود، نداشتند و یا آنکه به‌طور کلی غربیان در برخورد با دیگر کشورهای در حال توسعه یک سری دستورالعمل‌هایی داشتند و دارند که به‌هرحال باید این دستورالعمل‌ها رعایت شود که عموماً مالی و توسعه‌ای و اقتصادی و بعضاً اجتماعی بود. البته اینکه آیا این دستورالعمل‌ها خوب بوده یا بد مسئله دیگری است ولی شواهد نشان می‌دهد که عموماً این دستورالعمل‌ها باهدف سیاسی بوده است. چینی‌ها و روس‌ها در حال حاضر اصولاً در پی چنین مسائلی نیستند.

### همسایگان جنوبی ایران و بحران اوکراین

در بحران اوکراین مسئله مهمی که برای همسایگان جنوبی ایران بسیار حائز اهمیت است، بحث محاصره اقتصادی روسیه از طرف بلوک غرب است. محاصره اقتصادی روسیه دو پیامد اساسی دارد، اول مسئله انرژی یعنی نفت و گاز و دوم گندم و مواد غذایی است و مهم‌تر مسئله انرژی است که مهم‌ترین مشتریانش نیز اروپایی‌ها هستند. اروپا به‌غیراز انگلستان عمیقاً وابسته به گاز و نفت روسیه بود و زمانی که روسیه را تحریم می‌کنند باید به فکر جایگزین باشند. در اینجا است که یک‌مرتبه کشورهای عرب خلیج فارس مطرح شدند. حتی کشوری مانند ونزوئلا که سال‌هاست در تحریم همین بلوک غرب است، نیز به‌یک‌باره مطرح می‌شود. از ایران نیز گاهی اوقات یاد می‌شود که نفت خود را از او تهیه کنند.

در رأس این کشورها عربستان و امارات هستند. به‌رحال تحولات منطقه‌ای باعث شده است که این دو کشور هم‌سو و مشترک عمل کنند. البته قطر هم در این میان مطرح می‌شود اما قطر از آنجاکه در این تیم نیست و به‌صورت مستقل عمل می‌کند، باید به گونه دیگری مورد بررسی قرار گیرد. در چند ماه اخیر چند اتفاق افتاد که نشان می‌دهد چقدر غربی‌ها نیازمند انرژی این دو کشور هستند. به طور مثال وقتی که امیر امارات فوت شد رؤسای قدرت‌های غربی برای گفتن تسلیت مسابقه گذاشتند؛ ماکرون، جانسون، و حتی بایدن که معاونش را فرستاد و علی‌رغم تمامی کدورت‌ها، اردوغان نیز آمد. این هجمه برای درگذشت کسی که اساساً قدرتی نداشت و عملاً قدرت در دست برادرش، محمد بن زاید بود، به چه معناست؟ آن هم در کشوری مانند امارات که تا چندی پیش برای آن اهمیتی قائل نبودند. به نظر می‌رسد ریشه این ماجرا و این سبقت در تسلیت به بحران اوکراین و نیاز آنها به انرژی این کشورها باز می‌گردد. بدون تردید اگر این فوت قبل از جنگ اوکراین اتفاق افتاده بود، بسیار بعید بود این‌طور عمل کنند.

نمونه دیگر آن مربوط به خود عربستان و داستان جمال خاشقچی است. این داستان به‌نوعی بود که رژیم عربستان و مخصوصاً ولیعهد عربستان مورد نفرت و غضب افکار عمومی و در سطح جهان قرار گرفت. حتی فردی مانند ترامپ که مایل نبود در این موضوعات دخالت کند و اساساً این‌چنین موضوعاتی برای او اهمیت چندانی نداشت؛ ولی از ترس افکار عمومی بی‌اعتنایی زیادی نسبت به عربستان و بن محمد داشت. به‌نوعی در کنفرانس جی ۲۰ که مدتی پس از حادثه قتل خاشقچی اتفاق افتاد، هیچ‌کدام از رؤسای جمهور، او را تحویل نگرفتند مگر پوتین که با همان سبک روسی او را صمیمانه تحویل گرفت. اما در حال حاضر تمام آن جنایت‌ها به یک‌باره فراموش شده است و کشورهای بلوک غرب در نزدیک شدن به عربستان مسابقه گذاشته‌اند.

### پختگی سیاسی عربستان و امارات در بحران اوکراین

این درست است که منشأ اولیه این‌گونه رفتارها از طرف بلوک غرب، مسئله انرژی است ولی شرایط جهانی به‌نوعی است که همسایگان جنوبی ما عملاً در موقعیت نفوذ گذارتی قرار گرفتند. در مجموع این واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی با موضوع انرژی شروع شد ولی این منجر به ارتقای موقعیت سعودی و شیخ‌نشین‌ها شد. در واقع می‌توان گفت این ارتقای موقعیت باز هم تا حدودی مربوط به به‌هم‌ریختگی نظام جهانی است.

نکته دیگر این است که همسایگان جنوبی ما نسبت به قبل به دلایل مختلف از بلوغ و پختگی سیاسی بیشتری برخوردارند به همین دلیل علی‌رغم فشارهایی که به آنها آمد، حاضر نشدند روسیه را تحریم کنند. اصلاً پیش‌ازاین مرسوم نبود که این کشورها درخواست‌های غربی‌ها را قبول نکنند اما در خصوص بحران اوکراین غربی‌ها هر چه تلاش کردند برای همراهی در تحریم روسیه، این کشورها را نتوانستند با خود همراه کنند. این موضوع نشان می‌دهد که اینها به‌نوعی پختگی سیاسی رسیده و اعتمادبه‌نفس به‌مراتب بیشتری یافته‌اند.

بدون شک بحران اوکراین اینها را بسیار به پیش برد؛ هم به لحاظ اقتصادی و تجاری و هم آنان را در موقعیت بهتر منطقه‌ای و جهانی قرار خواهد داد. آن‌چنان‌که آمار بیان می‌کند عربستان در سال‌های آینده با رشدی همانند رشد هند پیش خواهد رفت. اگر نکات یاد شده پذیرفته شود این به نفع و مصلحت ما و آینده ما است که رابطه خود را با این کشورها، و البته بدون عجله و هیجان‌زدگی، تقویت کنیم. رابطه خوب و بدون تنش با این کشورها به نوع‌های مختلف هم به سیاست خارجی ما کمک می‌کند و هم به ثبات و استقرار داخلی ما که از بیان تفصیلی آن در می‌گذریم.



عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: شهید صدر معتقد است همه انسان‌ها دارای مسئولیت هستند، ولی بزرگان، انبیا و امامان چون آگاهی بیشتری دارند، مسئولیت و وظایف بیشتری هم در قبال جامعه خود دارند زیرا کسانی که آگاهی بیشتری دارند، نمی‌توانند از زیر مسئولیت شانه خالی کنند.

شریف لکزایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۲۲ خردادماه در نشست علمی «حکمرانی در قرآن با تکیه بر اندیشه امام موسی صدر»، گفت: امام موسی صدر در خرداد ۱۳۰۷ در شهر قم به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند، سپس وارد حوزه شده و به نجف هم رفت، کارشناسی خود را در اقتصاد و حقوق در دانشگاه تهران گذراند و تا شهریور ۵۷ که ربوده شد، رهبری جامعه لبنان را بعد از علامه شرف‌الدین برعهده داشت.

وی با بیان اینکه رویکرد امام موسی صدر در تفسیر، نگاه عقلی به مباحث قرآنی است، گفت: آثار ایشان از جمله مجموعه ۱۲ جلدی «گام به گام با امام موسی صدر» شامل مصاحبه‌ها، سخنرانی و ... ایشان گردآوری و به فارسی ترجمه شده است و جلد دهم این کتاب مباحث تفسیری است. ایشان همه انسان‌ها اعم از انسان ۱۴۰۰ سال قبل و امروز را مخاطب قرآن تلقی کرده و معتقد است که همه به اندازه فهم و معرفت خود می‌توانند از معارف کلام الهی بهره‌مند شوند، طبیعتاً با توجه به رشد معارف بشری، فهم‌های جدیدتری هم از قرآن صورت می‌گیرد.

استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: امام موسی صدر معتقد است قرآن، کتاب زندگی و برای هدایت انسان نازل شده است لذا ابعاد تربیتی، اخلاقی و اجتماعی قرآن بسیار زیاد است و از این منظر می‌توانیم جامعه را بهره‌مند کنیم. وی معتقد است قرآن گرچه مباحث علمی و فلسفی دارد، ولی کتاب علمی نیست. رویکرد شهید صدر در تفسیر نگاه عقلی به مباحث قرآنی است، همچنین شهید صدر به اعجاز برای کشف معارف قرآن معتقد است.

لکزایی با بیان اینکه مباحث تفسیری امام موسی صدر شامل آیات برگزیده و قصارالسور است، تصریح کرد: از منظر ایشان قرآن هم پوشش‌دهنده زندگی دنیا و هم تأمین‌کننده زندگی اخروی است؛ همچنین ایشان بر بحث اعجاز قرآن تأکید زیادی دارد و آن را ناشی از بلاغت و فصاحت می‌داند و به تحدی آن اشاره کرده است.

وی افزود: امام موسی صدر همچنین اخبار از غیب را به عنوان اعجاز برشمرده و فرموده است که قرآن به موضوعاتی اشاره کرده است که ۷۰۰ سال بعد از نزول قرآن روشن شده است، مانند اینکه بدن فرعون روی آب در حاشیه ساحل مانده بود.

لکزایی افزود: رویکرد آسیب‌شناسانه انسان و جامعه معاصر در تفسیر شهید صدر بسیار برجسته است و بخشی از آن نقد روشنفکران معاصر است؛ هدف ایشان از این تفسیر، اصلاح جامعه و ساختن انسان و جامعه تراز اسلامی بوده است، در تفسیر قرآن بحث‌های مفصلی در مورد حکمرانی ندارند و بعضاً از سایر مباحث ایشان استنباط کرده‌ایم.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار کرد: یکی از مباحث مورد تأکید امام موسی صدر در تفسیر قرآن خود، تربیت جامعه و انسان تراز اسلام است که یکی از نتایج آن ایجاد دولت صالح و برقراری حکمرانی صالحه است.

پنج برنامه اصلی برای تربیت انسان

دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: از نظر وی، برنامه کلی قرآن برای تربیت انسان، پنج اصل بنیادین دارد؛ اول، ایمان به غیب و اتکاء انسان به عالم غیب، دوم، اقامه نماز، سوم، انفاق در راه خدا، چهارم، ایمان به رسالت پیامبر(ص) و پنجم، ایمان به معاد؛ از دید شهید صدر، حقیقت هدایت و رستگاری در این پنج بنیاد نهفته و تفسیر ایشان هم حول همین محورها بحث شده است.

لکزایی بیان کرد: امام موسی صدر، خلقت هستی و جامعه و انسان‌ها را در مسیر اعتدال می‌داند و معتقد است اگر انسانی نفاق داشته باشد و گناه کند، از اعتدال خارج شده و جامعه و حکمرانی هم از اعتدال خارج خواهد شد؛ البته به تعبیر وی، قانون می‌تواند این اعتدال را حفظ کند و حرام و حلال الهی هم برای حفظ این اعتدال است. در آیه ۱۱۹ سوره انعام فرموده است: وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا دُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار کرد: امام موسی صدر می‌گوید، منطق اسلام با تصوف متفاوت است زیرا در اسلام، روح و جسم باید در راستای رضایت الهی به تعامل برسند و هر چه انسان قصد دارد، انجام دهد باید مراقب باشد تا روح خود را فدای جسم نکند و سراسر زمینی نشود. ایشان معتقد است باید بعد جسمانی و آسمانی انسان متوازن و از افراط و تفریط جلوگیری شود.

وی اضافه کرد: در آیات ۳۱ تا ۳۴ سوره اعراف به بحث حیات و ممات امت‌ها پرداخته و گفته است که حیات و ممات امت‌ها منوط و وابسته به اعتدال بوده است و اگر جوامع معتدل بوده‌اند، دوام و بقا داشتند وگرنه ساقط شده‌اند و حکمرانی عادل می‌تواند موجب بقا و دوام یک جامعه شود. بحث دیگر مورد اشاره ایشان در تبیین حد و مرز اعتدال است.

لکزایی بیان کرد: از منظر ایشان، اعتدال یعنی اینکه نه ظلم بشود و نه ظلم مورد پذیرش قرار بگیرد. پرهیز از ظلم به نفس، خداوند و دیگران، اصول و ضامن بقای امت است. ایشان به مقاومت و دفاع هم در اینجا



پرداخته و تأکید دارد که مقاومت و دفاع از جان، مال، ناموس، جامعه، رفاه و پیشرفت مصداق بارز اعتدال است.

وی اضافه کرد: نکته جالب در مباحث امام موسی صدر در زمینه اعتدال یعنی بهره‌مندی از ضروریات زندگی است و اگر ضروریات زندگی تأمین نشود، اعتدال هم وجود ندارد و این به معنای مرگ حکمرانی است. اگر ضروریات جامعه نادیده گرفته شود، به فقدان اعتدال خواهد انجامید.

لکزایی با تأکید بر اینکه اعتدال باید در روابط اجتماعی رعایت شود، اضافه کرد: این اعتدال می‌تواند مبتنی بر صداقت، رفاقت و اعتماد، احترام متقابل و اطمینان متقابل باشد، بنابراین دروغ، غیبت، تهمت و نفاق، اعتدال را در جامعه از بین می‌برد و جامعه را منجر به فروپاشی خواهد کرد. همین که غیبت کسی انجام شود، می‌تواند یک خانواده را از هم فروپاشد و اگر تسری یابد، ممکن است منجر به فروپاشی جامعه شود.

استاد حوزه و دانشگاه با تأکید بر اینکه همراهی اندیشه و احساس و عاطفه می‌تواند به اعتدال در جامعه کمک کند، اظهار کرد: ایجاد ظرفیت‌هایی برای تأمین ضروریات زندگی انسان‌ها می‌تواند به اعتدال کمک کند.

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اصل مسئولیت در نگاه امام موسی صدر و استخراج این اصل در تفسیر قرآن ایشان، افزود: این مسئله ناظر به آیات اول، هفتم، هشتم، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ و ۴۷ سوره انبیاء است؛ شهید صدر معتقد است همه انسان‌ها دارای مسئولیت هستند ولی بزرگان، انبیاء و امامان چون آگاهی بیشتری دارند، مسئولیت و وظایف بیشتری هم در قبال جامعه خود دارند زیرا کسانی که آگاهی بیشتری دارند، نمی‌توانند از زیر مسئولیت شانه خالی کنند.

وی اضافه کرد: اصل دیگر در تفسیر امام موسی صدر، رضایت و خدمت به مردم است؛ ایشان در مباحث تفسیری خود در ذیل داستان حضرت یوسف (ع)، نکاتی را مورد تأمل قرار داده و آورده است که کسب رضایت الهی و مردم، از اصول حکمرانی مطلوب است. به تعبیر ایشان، غالب پادشاهان و حاکمان از سوی قرآن مورد مذمت قرار گرفته‌اند، زیرا به ضروریات نیازهای مردم در جامعه توجه نداشتند لذا ظلم‌هایی رخ داده است. ایشان تصریح دارد ذوالقرنین، تنها پادشاهی است که در قرآن مدح شده و علت آن، این است که موقعیت‌هایی برای مردم ایجاد کرده و آن‌ها را به کار گماشته است.

لکزایی با تأکید بر اینکه حکمران باید موقعیت‌های مناسب برای زندگی مردم ایجاد کند، اضافه کرد: از این منظر، حکمرانی با علم سر و کار دارد و توجه به علم می‌تواند حکمرانی را در مسیر صحیح‌تر جلو ببرد و از طرفی، موقعیت‌های مناسبی را ایجاد و ضروریات زندگی مردم را محقق کند. به باور شهید صدر اگر تمدن، پاسخ به نیازهای انسان تعریف شود، آیات قرآن همگی در پاسخ به نیازهای مادی و معنوی است. تحولی که در اثر تعامل انسان با هستی و در پرتو رجوع به آیات قرآن رخ می‌دهد و بحث انفاق یک اصل مبنایی در این زمینه به شمار می‌رود. انفاق در مال، سلامتی، علم و ... یکی از عوامل مهم در پیشرفت هر جامعه است.

وی، اظهار کرد: بنابراین، سه اصل اعتدال، رضایت و خدمت به مردم و مسئولیت، مهم‌ترین اصول در تفسیر امام موسی صدر در بحث جامعه و حکمرانی اصلح است.

## ۴۰. «مکتب جعفری» نقش مکتب جعفری در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و حماسه‌هایی نظیر آزادی خرمشهر

۸ خرداد ۱۴۰۱



**حجت الاسلام و المسلمین جبرئیلی، گفت: گفتمان و فرهنگ مقاومت با جریان شیعی گره خورده است و علت ماندگاری شیعیان در طول تاریخ برخلاف بسیاری از گروه‌ها و فرقه‌ها نیز همین مقاومت بوده است و باید بدانیم که امروز نیز بدون مقاومت ثمره‌ای به دست نخواهد آمد.**

به مناسبت شهادت امام صادق (ع)، نشست «مکتب جعفری» نقش مکتب جعفری در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و حماسه‌هایی نظیر آزادی خرمشهر با حضور حجت الاسلام و المسلمین محمد صفر جبرئیلی به صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای این نشست، حجت الاسلام والمسلمین جبرئیلی پیرامون اهمیت دوران امام صادق (ع) در شکل‌گیری تفکر شیعی گفت: در دوران امامان معصوم ما، دوران امام صادق (ع)، یکی از ادوار تاثیرگذار حیات فکری بشریت، اسلام و تشیع است؛ چراکه در زمان پیشوای ششم شیعیان، بیشترین تاثیرگذاری از نظر فکری، مبانی، علمی، عقیدتی و جامعه‌سازی اتفاق افتاد و شیعه جامعه پیدا کرد.

وی در ادامه پیرامون اهمیت مقاومت افزود: مقاومت یکی از لوازم حیات در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است و این در نظام سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی جامعه نیز وجود دارد و در قرآن نیز بارها به موضوع استقامت اشاره شده است.

حجت الاسلام والمسلمین جبرئیلی ادامه داد: خود پیامبر گرامی اسلام نه فقط در شعب ابی طالب بلکه در مکه و مدینه نیز در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مقاومت کردند و برای مثال یکی از اقدامات ایشان مخالفت با نام‌گذاری‌ها و اسامی بود که یک مقاومت فرهنگی بود و این رویه در دوران امیرالمومنین، امام حسن (ع) و سایر ائمه نیز ادامه داشته است.

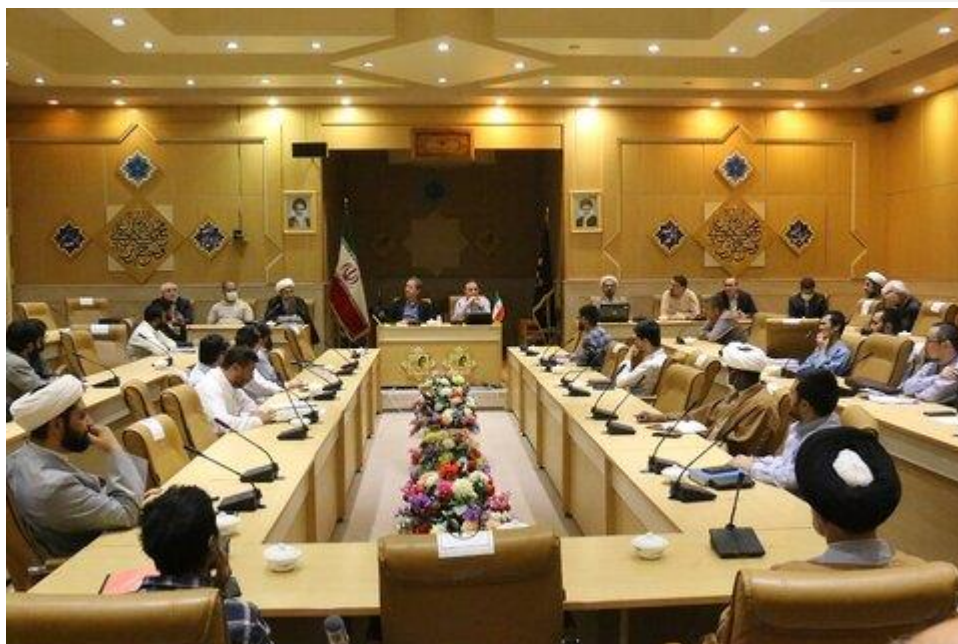
استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: یکی دیگر از نمونه‌های کمتر اشاره شده در عرصه فرهنگ مقاومت، در زمان امام سجاد (ع) بود که ایشان با وجود خفقان و شرایط زمانه، با حضور خود در مسجد پیامبر و گاهی پاسخ دادن به مخالفان به زبان دعا در مقابل مختلفان ایستادگی می‌کردند.

حجت الاسلام والمسلمین جبرئیلی پیرامون مقاومت در عصر امام صادق (ع) خاطر نشان کرد: در زمان امام صادق (ع) نیز شرایط بسیار سخت بود؛ چرا که حکومت عباسی در آن زمان با منصور دوانقی به ثبات

رسیده بود؛ اما مقاومت امام صادق (ع) در آن عصر باعث رقم خوردن یکی از بهترین دوران تشیع شد. وی اضافه کرد: این مقاومت از چند جهت بود که از جمله مهم ترین آنها می توان به مقاومت از جهت داخلی و ایستادگی در مقابل بنی حسن، مقاومت در مقابل خشونت، مقاومت در برابر زیاده خواهی دشمنان و حاکمان، مقاومت در برابر عالمانی که تحت تاثیر حاکمان بودند و در نهایت مقاومت در مقابل انحرافات در خانه خود و ادامه راه امامت اشاره کرد.

وی ادامه داد: یکی از راهبردی ترین راه ها برای رسیدن مقصد که خود یک نوع مقاومت نیز به شمار می رود سپر تقیه است که در زمان امام صادق (ع) نهادینه شد و یک ابزار مقاومت بود

حجت الاسلام والمسلمین جبرئیلی در پایان با اشاره به جریان مقاومت در عصر حاضر گفت: گفتمان و فرهنگ مقاومت با جریان شیعی گره خورده است و علت ماندگاری شیعیان در طول تاریخ برخلاف بسیاری از گروه ها و فرقه ها نیز همین مقاومت بوده است و باید بدانیم که امروز نیز بدون مقاومت ثمره ای به دست نخواهد آمد.



### نشست علمی «الحاد، علم و دین» به همت مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان برگزار شد.

نشست علمی با موضوع «الحاد، علم و دین» با حضور اساتید و پژوهشگرانی از کشور ترکیه برگزار شد که در آن، استاد پروفسور شعبان علی دوزگون، پروفسور مفید سلیم ساروهان، از استادان دانشکده الهیات آنکارا، استاد دکتر مهدی کریمی، مدیر گروه کلام مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان و استاد دکتر رضانیا شیرازی به ایراد نظرات خود پرداختند.

در این جلسه، پروفسور شعبانعلی به پنج مبنای مهم دئیسم اشاره کرد و مشکل مهم دین‌گریزی در عصر حاضر، به ویژه در ترکیه را مربوط به نزاع عقل و ایمان متأثر از تاریخ مسیحیت در کشورهای غربی دانست.

استاد پروفسور مفید سلیم، در ادامه این جلسه به ایراد سخن پرداخت و اظهار داشت: علوم جدید مانند فیزیک موجب ایجاد برخی از شبهات الهیاتی شده است و از سوی دیگر، تناقضات عملکردی دین‌داران نیز افراد زیادی را دچار دین‌گریزی نموده است. ظاهراً راهکار مهم این است که ابتدا حاکمیت عقل و فطرت را در جامعه تثبیت کنیم و بر زبان دینی به صورتی جدید و روشمند تکیه نماییم.

همچنین در ادامه، دکتر رضانیا بر اهمیت گفت‌وگو در قرآن و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تأکید نمود و چالش علم و دین را که در محتوای برخی از گزاره‌ها به وجود می‌آید، با تمسک به نظرات اندیشمندانی مانند علامه طباطبایی حل‌شدنی دانست.

پس از آن، دکتر کریمی نخست به چیستی الحاد مدرن و ویژگی‌های اساسی آن اشاره نمود و سپس رویکرد آن را دارای سه شاخصه سلبی، علمی و تهاجمی دانست و به همین جهت تأکید نمود که الحاد جدید کمتر به فلسفه و مناقشات عقلی تکیه می‌کند.

وی، در ادامه به مبانی مهم الحاد مدرن مانند انسان گرایی و تجربه گرایی اشاره کرد و راه کارهای مقابله با بعد نظری و عملی الحاد را در چند محور مهم تبیین و تأکید نمود که روش ها و راهکارهای این مقابله، با تمسک به کتاب و سنت قابل اصطیاد است.



**سرپرست اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی گفت: روحانیون درباره مزایای هدفمندسازی یارانه‌ها روشنگری کنند چراکه دشمن می‌خواهد با بزرگ نمایی مشکلات اقتصادی و ایجاد غوغا سالاری در جامعه باعث ایجاد بحران شود.**

حجت الاسلام سید محمود حسینی، در نشست جهاد تبیین اقتصادی ویژه روحانیت شاخص تبریز که در محل اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی برگزار شد. گفت: مقام معظم رهبری از زمان ریاست جمهوری خودشان موضوع جهاد تبیین را مطرح کرده‌اند ولی از اواخر سال ۱۴۰۰ جهاد تبیین را فریضه فوری و مهم عنوان کردند.

وی با اشاره به اینکه تبیین اسلام ناب محمدی وظیفه اصلی روحانیت است، افزود: ضعف در تبیین صحیح اسلام باعث بروز شبهات اعتقادی در جامعه و عدم تجلی کامل اسلام ناب در کل دنیا شده است.

حجت الاسلام حسینی به موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها و تخصیص ارز ترجیحی اشاره داشت و گفت: اصلاحات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم یکی از اولویت‌های اصلی دولت سیزدهم است که باید روحانیون درباره مزایای هدفمندسازی یارانه‌ها روشنگری کنند چراکه دشمن می‌خواهد با بزرگ نمایی مشکلات اقتصادی و ایجاد غوغا سالاری در جامعه باعث ایجاد بحران شود.

سرپرست اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی افزود: جهاد تبیین باید در تمامی موارد به خصوص در مسائل اقتصادی و روشنگری مورد توجه علما و روحانیون باشد و مردم را با اهداف و مزیت‌های طرح‌های اقتصادی دولت آشنا سازند.



**نشست علمی «تحولات، سیاست ها و برنامه های جمعیتی ایران» امروز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.**

، نشست علمی «تحولات، سیاست ها و برنامه های جمعیتی ایران» امروز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد.

عبدالله معتمدی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی، محمد اسحاقی معاون پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، اردشیر انتظاری رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، امیرحسین بانکی پور نماینده مجلس شورای اسلامی، محمدجواد محمودی رئیس کمیته مطالعات و پایش سیاست های جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسعود عالمی رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور و شهلا کاظمی پور استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران در این نشست سخنرانی کردند.

**رشد جمعیت سالمندی بیش از ۳ برابر رشد جمعیت است**

معتمدی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی در ابتدای این نشست گفت: آنچه که الان در فضای عمومی و در مجلس در باب جوانی جمعیت مطرح است، نگاه مثبتی است تا بحث فرزند آوری و ازدواج تسهیل شود. اما باید رویکردی هم نسبت به شرایط موجود جامعه داشته باشیم که کاهش فرزندآوری تبعات جامعه شناختی و روان شناختی خاصی دارد. لذا جوانب موضوع خیلی گسترده است و زوایای مختلفی دارد که قابل بحث است.

وی ادامه داد: سرعت رشد جمعیت سالمندی در جامعه ما بیش از ۳ برابر رشد جمعیت است. لذا ما دچار جمعیت سالمند هستیم و این شرایط رو به رشد است. بنابراین نگاه ما به جمعیت سالمندی نباید بی تفاوت باشد.

رئیس دانشگاه علامه طباطبایی در پایان تاکید کرد: موضوع تحولات و سیاست های جمعیتی چند وجهی و پردامنه است و از جهات سیاسی اجتماعی و... قابل بحث و بررسی است.

تدوین سیاست های جمعیتی مستلزم شناخت روندهای آسیب زا و چالش هاست

شهلا کاظمی پور هم در این نشست با موضع آینده نگری ساختار سنی جامعه ایران و سیاست های مرتبط به ایراد سخنرانی پرداخت.

استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران در این باره گفت: باید به جمعیت نگاهی پویا داشت. فرصت ها و چالش های جمعیتی همواره در حال تغییر هستند. از این رو تدوین سیاست ها و برنامه های جمعیتی در هر دوره ای مستلزم شناخت روندهای آسیب زا و چالش هاست.

کاظمی پور ادامه داد: تغییرات در ساختار سنی به عنوان یک انقلاب خاموش مطرح است. در دهه های قبل تغییرات جمعیتی کشور حاکی از این بود که ۴۶ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال بودند اما اکنون تنها ۲۳ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال هستند، لذا با این روند در سال ۱۴۲۵ جمعیت ایران هرم معکوسی را شکل می دهد

استاد جمعیت شناسی دانشگاه تهران با بیان اینکه یکی از چالش ها بحث کاهش باروری است، گفت: در خوشبینانه ترین حالت نرخ رشد سالانه جمعیت در سال ۱۴۳۰ به ۰.۸۸ خواهد رسید و با خوشبینانه ترین حالت جمعیت ایران به ۱۱۷ میلیون نفر خواهد رسید و جمعیت فعال ما نیز از ۷۰ درصد به ۶۰ درصد در سال ۱۴۳۰ خواهد رسید.

کاظمی پور ادامه داد: ما سالمندی را در پیش داریم، لذا باید سیاست هایی در راستای پاسخگویی به نیازهای سالمندان داشته باشیم.

وی در پایان گفت: جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله ما نسبت به گذشته افزایش یافته، اما نسبت آن به کل جمعیت کاهشی بوده است. در سال ۱۴۴۰ در خوشبینانه ترین حالت ورودی های ما یعنی موالید نسبت ۱۱۴ درصدی نسبت به خروجی ها و متوفیان خواهند داشت.

عدم ازدواج و فرزندآوری ناشی از سومدیریت مسئولین در حوزه اقتصادی است

مسعود عالمی نیز در این نشست درباره «نجات ایران از پیری جمعیت، امکان یا امتناع؟» سخنرانی کرد و گفت: وقتی از وادی پیش بینی به وادی سیاست گذاری وارد می شویم، اراده و امکان تغییر در جامعه مطرح می شود. لذا امکان ها و پتانسیل های وجود دارد که ما بتوانیم مسأله جمعیت را تا حدی حل کنیم.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: ماهیت مسأله جمعیت ایران به مجرد ناباروری، سقط جنین و عدم فرزندآوری خانواده های موجود وابسته است.

وی افزود: در بحث مجرد طبق آخرین آمار ۱۱.۶ میلیون مجرد در سن ازدواج داریم. این عدد بسیار بزرگ است و همین بازه سنی انباشت عدم ازدواج هایی است که در سال های گذشته اتفاق افتاده است. اما ۸۸ درصد جوانان در سن ازدواج، تمایل به ازدواج دارند و با مسأله عدم تمایل به ازدواج مواجه نیستیم. یک سری موانع اقتصادی مثل شغل و مسکن داریم که ناشی از سوء مدیریت است.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: در بحث ناباروری بر اساس تخمین ها بین ۳ تا ۳.۵ میلیون زوج نابارور داریم که هر سال حدود ۲۰ درصد ازدواج ها را شامل می شود. در این سال ها با فقدان امکانات درمان ناباروری مواجه بوده ایم. ۸۰ مرکز درمان ناباروری داریم که اگر این تعداد بخواهند به این مراکز مراجعه کنند ۶ سال باید منتظر بمانند.



عالمی گفت: سالانه ۸۸ هزار زوج نابارور به این میزان اضافه می شوند. که ۹۲۴۰۰ سیکل نیازمند هستند که الان فقط ۳۳ هزار سیکل در کشور انجام می شود.

وی ادامه داد: از سال ۷۱ که فلوشیپ نازایی تشکیل شده فقط ۱۵۰ فارغ التحصیل داشته ایم که به نوعی انحصار ایجاد کرده و ضرورت افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو را نشان می دهد.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور افزود: در بحث سقط جنین، تخمین وزارت بهداشت این است که ۲۲۰ هزار سقط قانونی و غیر قانونی داریم که به طور کلی ۱۹ درصد سقط جنین صورت می گیرد.

عالمی تاکید کرد: وضعیت فرزند آوری نیز نامطلوب است که ۱۴ درصد خانواده ها فرزند ندارند و ۲۱ درصد هم یک فرزند دارند.

وی ادامه داد: شرایط جمعیتی ایران بیشتر به سوء مدیریت باز می گردد و مثل دیگر کشورها نیستیم که عدم ازدواج و یا عدم فرزند آوری دلایل عمیق فرهنگی داشته باشد. مثلاً یکی از عوامل عدم فرزندآوری در ایران موضوع مسکن است. مسکن سهم بالایی در سبد هزینه خانواده دارد. عرضه زمین ما محدود است ولی تقاضا مرتب زیاد می شود و قیمت زمین و مسکن افزایش پیدا می کند.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور افزود: چون انباشت عدم ازدواج و عدم فرزندآوری ناشی از سوء مدیریت است، فرصتی وجود دارد که این سوءمدیریت ها تغییر کند و بخشی از مسأله را حل کند.

عالمی با بیان اینکه نرخ باروری کل ۱.۷ و نرخ باروری نکاحی ۲.۷ است، گفت: این آمار یعنی اگر ازدواج صورت بگیرد وضعیت به مراتب بهتر خواهد شد. اگر آمار ۸۸ درصدی تمایل به ازدواج در میان مجرد ها را در نظر بگیریم، اگر فرض کنیم ۵۰ درصد ازدواج کنند، می توان تخمین هایی در مورد مولید زد که عدهای معناداری به دست میدهد.

وی درباره تاثیر مولفه های اقتصادی بر موضوع جمعیت، گفت: بخش خصوصی میتواند نقش بسزایی در اشتغال ایجاد کند، اما باید گفت ناپایداری در مقررات عامل اصلی کاهش صادرات غیر نفتی ایران است. بیشترین صادرات غیر نفتی ایران مربوط به سال ۹۹ است که به میزان ۶۰ میلیارد دلار بوده است و این در حالی است که امارات سهم ۲۵۰ میلیارد دلاری از صادرات غیر نفتی دارد.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: در حوزه کشاورزی هم اراضی به مردم واگذار نمی شود که بتوانند کشاورزی کنند. ۱۶ میلیون هکتار زمین وجود دارد که سهم اندکی از آن یعنی ۱.۶ میلیون هکتار از سال ۵۹ تاکنون برای کشاورزی واگذار شده است.

عالمی در پایان گفت: در بحث مسکن، راهبرد اول الغای قوانینی است که گسترش افقی شهرها را مانع می شوند و راهبرد دوم توسعه محورهای مواصلاتی بین شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک است.

باید مادر شدن به یک ارزش تبدیل شود

احمد دراهکی دیگر سخنران این نشست با موضوع پاسخ های سیاستی به باروری پایین، تجارب بین المللی و ظرفیت های داخلی بود. وی تاکید کرد: ۶۰ کشور در مورد باروری پایین کار کرده اند که می توان از تجارب آن استفاده کرد. ما از سال ۸۰ وارد باروری زیر سطح جانشینی شده ایم که در این مدت فرصت های زیادی را از داده و می دهیم.

وی ادامه داد: سیاست های جمعیتی مستقیم و غیر مستقیم است که سیاست های غیر مستقیم اعم از سیاست هایی است که در حوزه نان و مسکن و ارز و... وجود دارد.

این کارشناس با بیان اینکه جامعه ایرانی یک جامعه اصیل است که تمایل به ازدواج و فرزندآوری در آن وجود دارد، گفت: شواهد بین المللی سیاست های مشخصی در حوزه باروری را نشان می دهد که سیاست های نظیر هزینه های مراقبت از کودک، سیستم های مرخصی والدین، مشوق های مالی، شرایط بازار کار، خدمات کمک باروری را شامل می شود.

دراهمی گفت: سیاست های حمایتی از باروری در حد ۰.۲ یا ۰.۳ در کشورهای دیگر موثر بوده است چون مشکل این امر در کشورهای دیگر مسأله فرهنگی است. مسأله اصلی باروری در این کشورها تغییر ارزش ها و باورهاست. ما هنوز ساختار فرهنگی جامعه غرب را نداریم، اما با دست خود جوانان را به این سمت سوق دهیم.

وی ادامه داد: تجربه دیگر کشورها نشان می دهد، مشوق های مالی منظم اثرات اندک اما سریع و مثبتی بر باروری دوره ای دارند. ژاپن با ۲۸ درصد بی فرزندی پس از هنگ کنگ بیشترین آمار را در این زمینه دارد که نشان می دهد سیاست های باروری آنها موفق نبوده است.

دراهمی در پایان تاکید کرد: باید به این سمت برویم که مادر شدن در جامعه تبدیل به ارزش شود.

### زمینه های بروز و ظهور باروری پایین

محمود مشفق هم در این نشست درباره نشانه های گذار دوم جمعیتی و ملاحظات سیاستی سخنرانی کرد و گفت: از سال ۴۵ تا ۶۵ افزایش جمعیت داشتیم که به عنوان گذار اول جمعیتی مطرح است، از آن پس باروری شروع به کاهش کرد و به سطح جانشینی رسید. زمینه های بروز و ظهور باروری پایین انعکاس یافته شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و هنجاری است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: واکنشی که سایر کشورهای جهان نسبت به کاهش باروری داشته اند در کشور ما -البته با تاخیر- پیگیری می شود.

وی با بیان اینکه گذار دوم جمعیتی بحث سالمندان و کاهش نیروی کار است، گفت: گذار دوم جمعیتی ناشی از تحول در ویژگی های اجتماعی و اقتصادی زنان بوده است.

مشفق ادامه داد: نتایج سیاست های حمایتی در کشورهای دیگر نه خیلی موفق آمیز و نه خیلی ناموفق بوده است. برخی از این سیاست ها بی تاثیر بوده، گاهی نیز تاثیر موقتی داشته و بر زمانبندی فرزندآوری موثر بوده است و مادر در سن پایین تری فرزند خود را به دنیا آورده است. به هر حال در لزوم این سیاست ها کسی شک ندارد.

وی در پایان گفت: نیازمند این هستیم که سیاست های ما در این حوزه به طور سالانه مورد بازخوانی قرار بگیرد.

برخی از کاهش جمعیت به عنوان معجزه ایرانی یاد می کردند!!

اردشیر انتظاری دیگر سخنران این نشست گفت: وقتی کاهش جمعیت در ایران در مقطعی رخ داد، برخی افراد از این کاهش جمعیت به عنوان یک معجزه ایرانی یاد می کردند، این در حالی است که مسأله جمعیت یک مسأله امنیتی برای جهان است.

وی ادامه داد: آن دستکاری های ما آثار سو برای جامعه داشت، اکنون هم دستکاری های ما ممکن است آثار سو داشته باشد.

انتظاری افزود: ما داریم وارد فاز فراملی شدن می شویم و مفهوم جمعیت هم فراملی می شود و نمی توانیم متعهد به جمعیت در جامعه دولت-ملت باشیم که فرآیندهای فراملی به شدت آن را تهدید می کند. ما با سیالیت جمعیت مواجه ایم که سیاست های جمعیتی باید با در نظر گرفتن این مقولات همراه باشد.

سالخوردگی جامعه موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی می شود

محمدجواد محمودی هم در این نشست گفت: پیری جمعیت از دیدگاه مرسوم نسبت جمعیتی بالای ۶۵ سال به جمعیت ۱۵ الی ۶۴ سال است که معیار دقیقی نیست، چرا که بخش اعظمی از گروه ۱۵ الی ۶۴ سال شاغل نیستند مثلا دانشجو، خانه دار و... هستند. از مقطعی جمعیت بازنشستگان به کارگران در بازه سنی یاد شده مد نظر قرار گرفت.

وی ادامه داد: ما اگر باروری پایین داشته باشیم حدود ۴۲ درصد جمعیت ما در ۲۰۶۰ و ۳۰ درصد آن در ۲۰۴۰ سالخورده است. اگر به دنبال باروری برویم میزان سالخوردگی ما ۱۵ درصد کمتر خواهد بود.

استاد دانشگاه افزود: کاهش نرخ باروری و سالخوردگی جامعه موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی می شود که این امر در ژاپن مشهود است. سالخوردگی موجب ایجاد مشکل برای صندوق های بازنشستگی و افزایش هزینه های بهداشت و درمان و... می شود که این امور از جمله دلایل کاهش رشد اقتصادی است.

محمودی، گزینه های سیاستی الگوی بنگارت برای سالخوردگی را برشمرد و بر مقابله با پیری جمعیت از طریق باروری بیشتر، اجازه مهاجرت بیشتر به داخل، افزایش مشارکت نیروی کار، بالا بردن سن بازنشستگی و کاهش مزایای بازنشستگی تاکید کرد.

برنامه های توسعه ضد خانواده است

امیرحسین بانکی پور دیگر سخنران این نشست نیز گفت: الان مزیت رشد جمعیت مسأله ما نیست، مسأله ما فعلا هرم سنی جمعیت است. در شرایط کنونی هرم سنی وضعیت بحرانی به خود می گیرد. ما در حالی پیر می شویم که کشورهای مجاور همه جوان هستند و این تهدیدی امنیتی برای ماست. اروپایی ها در حالی که توسعه یافته بودند پیر شدند، اما ما در چه حالتی در حال پیر شدن هستیم؟ لذا وضعیت خیلی از ابعاد مختلف نگران کننده است.

وی ادامه داد: فقط در ۵-۶ سال پیش رو می توانیم با این بحران مقابله کنیم. ۵-۶ سال دیگر دهه شصتی ها از مدار باروری خارج می شوند و شما نمی توانید یا دهه هفتادی ها بحران جمعیت را حل کنید.

بانکی پور درباره موانع فرزند آوری، اظهار کرد: ۲۱ مانع را شناسایی کردیم که باید این موانع را برطرف کنیم. تأخیر و صعوبت ازدواج جوانان یکی از موانع است. الگوی مسکن برای خانواده های بیش از ۲ فرزند ناسازگار است. مشکلات اقتصادی، نگرانی از بیکاری، اشتغال و نگرانی آتیه زنان، هزینه های دوران بارداری و زایمان، شیوع و هزینه های درمان ناباروری، شیوع غیراستاندارد زایمان غیر طبیعی، ترس از فرزند معلول، قبح زدایی و شیوع انواع سقط جنین، عدم اطمینان به ادامه زندگی مشترک، نگرانی از مسئولیت بچه داری و محدودیت های آن، نگرانی از آتیه و آینده فرزندان، ناسازگاری تأهل و فرزندآوری با محدودیت های کنونی آموزش عالی، ضعف خدمات اجتماعی مادر و کودک در محیط اجتماعی، نهادینه شدن فرهنگ فرزند کمتر زندگی بهتر از دیگر موانع موجود است.

وی با اشاره به قانون حمایت از خانواده، گفت: در این قانون به دنبال باز کردن گره های ۳۰ ساله هستیم. برنامه های توسعه ضد خانواده بوده و خانواده را نابود کرده است.

بانکی پور ادامه داد: سال ۷۰ اعلام کردند که خوابگاه متأهلی متوقف شود. ما در این قانون خوابگاه دانشجویی را توسعه دادیم و درصد ساختن خوابگاه هایی از این دست هستیم. باید دانشگاه ها را به سمت دانشگاه های متأهلی ببریم. تحصیلات عالی که اکنون مانع ازدواج است با خوابگاه های دانشجویی به یک فرصت تبدیل می شود.

وی افزود: مراکز ناباروری باید توسعه پیدا کند و ۹۰ درصد هزینه های درمان ناباروری باید توسط بیمه پرداخت شود. اگر وارد الگوی فرزند سوم به بعد نشویم نمی توانیم هرم سنی را تغییر دهیم. نماینده مجلس افزود: اینکه بگوییم مشکل ازدواج را حل کنیم، مشکل فرزندآوری هم حل می شود، آدرس غلط است. این مسأله چند فاکتوری است و باید همه جانبه به مسأله نگاه کرد.

بانکی پور تاکید کرد: شاخص امکان پذیری و اثربخشی و پذیرش مردمی را در نوشتن این قانون لحاظ کردیم و مواردی که با این شاخص ها در تعارض بود را حذف کردیم.

وی در پایان گفت: مخالفین این قانون در پی تحریف این قانون بودند، اما ما حرف های مخالفین را هم شنیدیم و در پی اصلاح نقدها بوده ایم. در یک سالی که درگیر این قانون بودیم هر اندیشمند یا مجموعه ای نظری در باب این قانون داشته، شنیده شده است.

سیاست های جمعیتی پیشران وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... است

محمد اسحاقی هم آخرین سخنران این نشست بود که اظهار کرد: بیداری و هوشیاری در کشور ما در مورد تحولات جمعیتی خیلی دیر اتفاق افتاد.

معاون پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ادامه داد: نقشه مهندسی کشور بخشی مربوط به خانواده و بخشی مربوط به فرزندآوری بود. سال ۹۰ اولین سیاست های مربوط به این موضوع تصویب شد. از سال ۹۰ تا انتهای دهه، ۲ مجلس عوض شد، ولی این طرح تصویب نشد و فرصت طلایی اجرایی شدن آن از بین رفت. دولت وقت هم حاضر نشد لایحه بدهد. لذا یک دهه فرصت سوزی شد.

وی با بیان اینکه سیاست های جمعیتی پیشران وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... است، گفت: خلاهایی وجود دارد که ما نیازمند قانون های مکمل داریم، در حوزه های حمایت از خانواده، مهاجرت، سالمندی و... نیازمند کار جدی هستیم.

اسحاقی گفت: رشد شاخص های توسعه انسانی را بعد از انقلاب شاهد هستیم و این رشد نشان می دهد که می توانیم روی آن کار کنیم، ولی شاخص های دیگر مانند بُعد خانوار، نرخ مولید و باروری و... کاهش یافته است.

معاون پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ادامه داد: برخی از سیاست ها در قانون ما به ازایی ندارد و باید جزئی تر شود و فقط درباره یک بند از این سیاست ها قانون تصویب شده است.

وی افزود: مثلاً بحث مهاجرت از مناطق کم آب به مناطق پر آب، حفظ و جذب جمعیت در مناطق روستایی، مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه گذاری، تقویت مولفه های هویت بخشی ملی، رصد مستمر سیاست های جمعیتی با ابعاد کمی و کیفی و... از این دست است که قانونی ما به ازای آن نداریم.

اسحاقی در پایان گفت: پیشرفت خوبی در این یک دهه در شاخص ها و سنجه ها نداشته ایم. انتظار این است که با اجرایی شدن قانون حمایت از خانواده و هم افزایی همه نهادها، اثربخشی آن را ببینیم و زودتر نسبت به اصلاح آن اقدام کنیم.



**نشست «بررسی ریشه‌ها و پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین» با سخنرانی حجت‌الاسلام سهیلی مقدم در جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بررسی شد.**

حجت‌الاسلام سیدمهدی سهیلی مقدم در نشست «بررسی ریشه‌ها و پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین» که از سوی دفتر بین الملل جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در سالن جلسات ساختمان شهید بهشتی برگزار شد، عنوان کرد: پس از شروع جنگ بین روسیه و اوکراین، تحلیل‌هایی از این جنگ صورت گرفت که بهترین تحلیل را رهبر معظم انقلاب مدظله العالی داشتند.

کارشناس ارتباطات و همکاری‌های بین‌الملل جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به اجرای سه خواهر برای کشورهای روسیه، بلاروس و اوکراین، اظهار کرد: شوروی پس از فروپاشی به ۱۵ کشور تقسیم شد و سه خواهر شامل سه کشور اسلاو یعنی روسیه، بلاروس و اوکراین هستند که خود این کشورها نیز از واژه «سه خواهر» استفاده می‌کنند.

حجت‌الاسلام سهیلی مقدم با اشاره به موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلاو، عنوان کرد: کشورهای روسیه، بلاروس و اوکراین از نظر فرهنگی بسیار شبیه هم هستند و قرابت نزدیکی با هم دارند، همچنین رژیم بدون ویزا در این کشورها حاکم است.

وی در ادامه به توافقنامه ۲۰۱۴ که بین روسیه و اوکراین و چند کشور دیگر صورت گرفت، اشاره کرد و افزود: پس از این توافقنامه، در سال ۲۰۱۵ یک توافق جامع بسته می‌شود که اوکراین به این توافقنامه عمل نمی‌کند و تجاوزات اوکراین در جمهوری خلق دونستک باعث کشته شدن ۵ هزار و ۵۹ نفر در آن سال‌ها شد.

استاد حوزه علمیه تصریح کرد: در این جنگ بیشترین آسیب را کشورهای روسیه، بلاروس و اوکراین خوردند و برنده جنگ هم آمریکا است.

حجت‌الاسلام سهیلی مقدم تصریح کرد: آنچه روسیه برای اتمام جنگ اعلام کرده این است که قانون اساسی اصلاح شود، پیوستن اوکراین به بلوک غرب باید رفع شود و یک منطقه بیطرف باشد، کریمه را به رسمیت بشناسد و رأی‌گیری توافق سال ۲۰۱۵ عملیاتی شود که در طول این مدت، پنج دور مذاکره صورت گرفت و حتی در قالب ویدئو کنفرانس هم برگزار شد.

وی با اشاره به تحریم‌های غرب علیه روسیه، گفت: در این مدت ۵ هزار ۵۰۰ تحریم علیه روسیه صورت گرفته است، ایران هم پس از پیروزی انقلاب تا کنون بیش از سه هزار تحریم داشته است، اما ایران در طول این سال‌ها توانسته با تحریم‌ها کنار بیاید، به همین خاطر اخیراً مورد توجه روسیه قرار گرفته است.

این نویسنده و پژوهشگر حوزوی در ادامه یادآور شد: متأسفانه بخش عمده‌ای که از اطلاعات ما درباره اتفاقات بین روسیه و اوکراین، ترجمه شده از رسانه‌های غربی است، رسانه‌های غرب همه‌های عظیمی به روسیه داشتند و دارند و ما روسیه را از طریق رسانه‌های غربی می‌شناسیم.

وی اضافه کرد: روس‌ها در بحث رسانه کار کردند اما قدرت آنها کمتر از رسانه‌های غربی بود و این نقطه ضعف برای روسیه و درسی برای ما است تا برای تقویت رسانه‌های خود و آمادگی جهت مواجهه با مسائل فرامنطقه‌ای و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی تلاش کنیم.

حجت‌الاسلام سهیلی مقدم با اشاره به هرم اهمیت رسانه، گفت: ما باید توجه ویژه‌ای به رسانه داشته باشیم، در رسانه‌ها نیز بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و سینما به ترتیب بیشترین تأثیر و اهمیت را دارند.

وی یادآور شد: در این جنگ، دولت روسیه از چن‌ها استفاده کرد، چون چن‌ها با اوکراینی‌ها قرابتی ندارند؛ اما نکته قابل توجه اینکه در چن هنوز نهاد خانواده و موضوعات مذهبی مورد توجه است که این مسئله برای جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها و دیگر مراکز حوزوی بسیار با اهمیت است، زیرا طلاب این کشورها بسیار می‌توانند تأثیرگذار باشند و حتی مانع جنگ شوند.



**عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: عقل در قرآن قوه‌ای است که انسان با آن حقایق را ادراک می‌کند. عقل، ابزار و منبع درک است؛ همانگونه که حس این گونه است. عقل قوه‌ای است که محصول آن علم است.**

حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدپارسانیا، استاد حوزه و دانشگاه طی سخنانی در نشست "علم و عقل در قرآن" از سلسله نشست‌های قرآنی شب‌های ماه مبارک رمضان که در دفتر آیت الله یعقوبی در قم برگزار می‌شود، اظهار داشت: قرآن "تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ"، روشنگر و کتاب هدایت الهی است. قرآن کتاب پیامبر خاتم(ص) برای عصرها و نسل‌هاست. هر کس از موضع خود، پرسشی به قرآن عرضه می‌کند و پاسخ را از قرآن می‌گیرد.

استاد حوزه و دانشگاه درباره موضوع نشست، افزود: مفهوم عقل و علم از مفاهیم بسیار کلیدی هستند. هر جامعه، فرهنگ، تاریخ و تمدنی را بر اساس تعریفی که از علم و عقل دارد و بر اساس اقبال به علم یا عقل، می‌توان شناخت.

وی درباره جایگاه علم در عصر جاهلیت عنوان کرد: قرآن، جامعه پیش از اسلام را جامعه علم نمی‌دانست بلکه جامعه جهل معرفی می‌کرد. جامعه جاهلی برخی چیزها را علم می‌دانستند. "علم الانساب" علم مهمی در شبه جزیره بود. اگر نسب کسی در ماه حرام مشخص نبود به او حمله می‌کردند و مالش را غارت می‌کردند؛ این کار خلاف قوانین نبود چون حق و حقوق و جایگاه متعلق به روابط بین اقوام بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا افزود: توحید و معرفت النفس در این جامعه، علم نبود و ارزش و جایگاهی نداشت. اگر کسی به این علوم می‌پرداخت، باید دور از جامعه و در غار زندگی می‌کرد.



وی درباره مفهوم عقلانیت در غرب گفت: در تمدن غرب معنای خاصی از عقلانیت به نام عقلانیت ابزاری وجود دارد. با این مدل از عقلانیت، تمدن غرب ایجاد شد و عقلانیت‌های دیگر رفت و معنای خاصی از علم پدید آمد.

استاد حوزه و دانشگاه درباره تکرار کلمه "عقل" و "علم" در قرآن اظهار داشت: هشتاد بار کلمه عقل به صورت فعل در قرآن به کار رفته است. "عقل" به صورت‌های مختلف و با جملات "کسانی که تعقل می‌کنند" و توبیع به اینکه چرا تعقل نمی‌کنید و ... در قرآن آمده. از سوی دیگر شاید بیش از هزار بار کلمه علم به صورت فعل و اسم مصدر و ... در قرآن به کار رفته است.

وی درباره معنای عقل در قرآن گفت: عقل در قرآن قوه‌ای است که انسان با آن حقایق را ادراک می‌کند. عقل، ابزار و منبع درک است؛ همانگونه که حس این گونه است. عقل قوه‌ای است که محصول آن علم است. گاهی در قرآن عقل به عنوان قوه‌ای معرفی شده که برای علم نیست بلکه برای کار و فعل است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا در تشریح دیدگاه فلاسفه غرب درباره عقل اظهار داشت: از دیدگاه فیلسوفان جهان مدرن، عقل فعالیت ذهنی انسان است. عقل عینک است که با آن جهان را می‌توان دید. عقل نوری نیست که جهان را نشان می‌دهد. از دیدگاه فیلسوفان غربی ما با عقل به جهان، صورت می‌دهیم. بخشی از فیلسوفان غرب می‌گویند که ما چیزی به نام عقل نداریم؛ درک انسان از طریق حس است و آنچه که با چشم بینیم مورد قبول است.

وی افزود: حس گرایان می‌گویند انسان قوه عقل ندارد و مفاهیم عقلی نداریم بلکه ملاک حس است. لذا معاد و فوق طبیعت در حیطه حس نیست. هر چیزی که معنای حسی نداشته باشد، مهمل است. برخی از فلاسفه غرب می‌گویند عقل داریم اما عقل قوه‌ای نیست که از عالم خبر دهد. عقل متعلق به سوژه و فاعل شناسا است؛ عقل متعلق به خودمان است و به جهان خارج ربطی ندارد.

استاد حوزه و دانشگاه همچنین در ادامه گفت: آیات قرآن، عقل را قوه‌ای می‌داند که جهان را می‌شناسد اما غربی‌ها می‌گویند این قوه متعلق به خود انسان است که جهان را صورت می‌دهد نه اینکه صورت جهان را بشناسد. در جهان غرب چیزی به نام عقل وجود ندارد بلکه عقلانیت وجود دارد و عقلانیت، محصول کار انسان است. انسان موجودی است که برای اهداف خود ابزارهایی می‌سازد؛ یک سری ابزارها سخت، و یک سری ابزارها نرم هستند. یکی از ابزارها، عقلانیت است و عقلانیت از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. لذا چیزی به نام عقل نداریم.

وی درباره محصول عقلانیت غربی گفت: وقتی که فلاسفه غرب، عقل را اینگونه معنی می‌کنند خروجی آن علم می‌شود و علم، محصول کار است. برخی از آنان حس گرا هستند و می‌گویند حس، جهان را نشان می‌دهد. اگر شناخت با حس نباشد علم شامل آن نمی‌شود. علم، معرفتِ آزمون‌پذیر است که جهان را می‌شناسد و هر چیزی که آزمون‌پذیر نباشد علم نیست. علم، کشف حقایق جهان است و کشف جهان فقط با حس است و هرچه که به حس نیاید داستان سرایی و کار ذهن است. علم؛ فیزیک، شیمی، روانشناسی و جامعه‌شناسی است البته به شرطی که با روش تجربی قابل آزمون باشد. برای نمونه خداشناسی از دیدگاه آنان علم نیست و جزء فرهنگ است. این‌ها عقلانیت است اما علم نیست. علم، دانش تجربی و آزمون‌پذیر است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا درباره جایگاه علم و عقل در قرآن گفت: موضع قرآن خیلی روشن است. عقل، قوه دژاکه انسانی است که حقایق را می‌شناسد، حق را از باطل تشخیص می‌دهد و معرفتی که به دست می‌آورد علم است. البته کاربرد مفهوم علم در قرآن خیلی وسیع است و عقل یکی از منابع معرفت علمی برای انسان‌ها است. ما با حس، عقل و خیلی از امور دیگر علم بدست بیاوریم. نه اینکه همه

معرفت‌ها و علوم از طریق حس یا عقل باشند. حوزه علم خیلی وسیع می‌باشد و ابزارهای علم هم در قرآن وسیع است.

وی تأکید کرد: همانگونه که نگاه به طبیعت و حیوانات، به انسان علم می‌دهد اما معرفت علمی فقط به حس ختم نمی‌شود. قرآن کتاب علم و نور است. توحید هم علم است و شناخت مبدأ و معاد هم علم است. این‌ها صورتی نیست که ذهن انسان به جهان ارائه دهد.

استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه از دیدگاه قرآن، علم محدود به شناخت حسی و عقلی نمی‌شود اظهار داشت: مفهوم علم، مفهوم مقدسی است. " هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ " علم منشأ تفاوت درجات انسان‌ها است و منزلت انسان‌ها هم فرق می‌کند.

وی با اشاره به جایگاه علم در جامعه گفت: هر جامعه و فرهنگی را با توجه به تعریفی که از علم دارد می‌توان شناخت. هر جامعه و فرهنگی یکسری مفاهیم کلیدی دارند که هویت آنها با آن مفاهیم شکل می‌گیرد. مفاهیم کلیدی و بنیادی قرآن، همان مفاهیمی است که بیشتر در آن بکار رفته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا اضافه کرد: محوری‌ترین مفهوم در قرآن حق سبحانه تعالی و کلمه جلاله الله است. مرحله بعد چند کلمه است که یکی از آنها علم است. علم به دانش حسی و تجربی محدود نمی‌شود. علم فراتر از این‌ها است. علم مسیر حرکت انسان به سوی خداوند و مسیر توسعه وجود انسان است. ما به سوی خدا می‌رویم به سوی وجودی که به ما نزدیک‌تر است. این مسافت گذر از زمین و زمان است. لذا مرگ آگاهی جدید است و از ابزارهای علم، مرگ است. مرگ، فوت نیست بلکه وفات است.

وی در پایان گفت: وقتی که پیامبر(ص) را تکریم می‌کنیم می‌گوییم که او معلم است و آمده تا بیاموزد. شاید کمتر کلمه‌ای مثل علم در اسلام قداست داشته باشد و عالم به خاطر علم مقدس است. علم در جهان جدید ابزار تسلط انسان برای پیش‌بینی حوادث طبیعی است. در این دیدگاه سخن از مبدأ و معاد و حشر و نشر و خدا، پندار می‌شود و علم نیست. بنابراین آنان معنای سخیفی از معرفت را تحت مفهوم علم آورده‌اند.



**نشستی با عنوان نقد عرفان منهای دین با همکاری اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی و دانشگاه شهید مدنی آذربایجان با تاکید بر علل گرایش به عرفان حلقه در تبریز برگزار شد.**

، حبیب طاهری، کارشناس ادیان و فرق اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، امروز در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: مقاله‌ای با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه و تحقیق میدانی از سوی سمیه خادمی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به نگارش درآمده بود.

وی افزود: حاصل تحقیق این مقاله در قالب نشستی در اداره کل تبلیغات اسلامی استان به صورت حضوری و مجازی و نیز بخشی از فضای شاد ویژه مبلغین پرورش برگزار شد.

طاهری ادامه داد: ناقدان این مقاله حضرات حجت الاسلام نظری و همزمان بودند و داوری مقاله نیز به عهده حضرت حجت الاسلام شمشیری مسئول انجمن نجات حلقه به عهده داشتند.

وی ادامه داد: از مهمترین علل گرایش به عرفان حلقه ادعاهای درمانی و تکیه بر طرح موضوع طب مکمل اعلام شد که عده‌ای با فریب کاری و ادعای اختراع نوعی عرفان با قابلیت درمان امراض اقدام به جذب و سو استفاده بیماران می‌نمایند که نتایج تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که تنها درمانی در این صورت اتفاق نیفتاده، بلکه مبتلا به بیماری‌های متعدد روحی و اضطرابی شده‌اند.

کارشناس ادیان و فرق اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی در پایان گفت: ارتباطات بدون چارچوب در کلاس‌های عرفان حلقه موجب بروز اختلافات خانوادگی و طلاق در خیلی از خانواده‌های تبریزی شده است.

## ۴۷. تأثیر حضور بزرگان شیعه در واتیکان اما و اگرها...



**نشست علمی مجازی از سوی بخش شبهه یابی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه های علمیه با موضوع «تأثیر حضور بزرگان شیعه در واتیکان اما و اگرها...»، برگزار گردید.**

نشست علمی مجازی از سوی بخش شبهه یابی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه های علمیه با موضوع «تأثیر حضور بزرگان شیعه در واتیکان اما و اگرها...»، با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری؛ معاون ارتباطات و بین الملل دانشگاه ادیان و مذاهب و حجت الاسلام والمسلمین طاهر امینی گلستانی؛ مدیر مؤسسه بین المللی صلح و ادیان و امام فرهنگی و تبلیغی آلمان، برگزار گردید.

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری ضمن تبریک اعیاد شعبانیه گفتند: بحث اصلی پیرامون این موضوع خود «گفت و گو» است، که از حیث عقلانی مورد تایید تمامی ادیان الهی است. هدف ما از این گفت و گو ها این است که بگوییم دیدگاهی که ما از اسلام داریم یک دیدگاه تمدنی معاصر است که به فکر ارزش های انسانی و رفع آلام بشری و صلح مقبول است.

در ادامه بحث حجت الاسلام والمسلمین طاهر امینی گلستانی درباره جایگاه تشیع در این بحث افزود: ایشان نیز در ابتدا خود گفت و گو را هدف دانستند نه وسیله. ما اصلا به دنبال این نیستیم که بخواهیم کسی را از دینی به دین دیگر راهنمایی کنیم، بلکه هدف اصلی ما همین جمع شدن رهبران دینی به دور یک میز است. همچنین با توجه به اینکه قرن ۲۱ عصر ارتباطات است این گفت و گو در این قرن مهم تر به شمار می آید.

وی افزود: تاریخ واقعا به دیدار هایی مثل حضرت آیت الله سیستانی و پاپ نیاز دارد. ما در تاریخ یک همچنین دیداری نداشتیم. ایشان حضور در فضای بین الملل و اینگونه ملاقات ها را به عنوان مقدمه واجب، واجب دانستند. یعنی ما اگر به مقدمه سازی برای ظهور منجی عالم بشریت نیاز داریم، باید اینگونه دیدار ها را داشته باشیم.

وی درباره این گفت و گو ها افزود: ما بعد از انقلاب شروع خوبی داشته ایم، مراکزی مثل مجمع تقریب بین مذاهب و مرکز گفت و گوی ادیان و شورای عالی گفت و گوی ادیان، ولی خب باز هم در مرحله مقدمه

هستیم. همچنین با توجه به اینکه مسیحیت برنامه طولانی مدت میریزد ما هم باید برای آینده دور برنامه ریزی کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری معاون ارتباطات و بین الملل دانشگاه ادیان و مذاهب درباره توانایی و ظرفیت ما در این عرصه افزود: هر مؤسسه و نهادی باید به اندازه توانایی خودش باید حرکت کند و صرف عدم داشتن امکانات کافی موجب توقف نمی شود. با توجه به فرمایش حضرت آیت الله بروجردی ما اگر بتوانیم مرجعیت امامان شیعه را به جهانیان اثبات کنیم، بعد از چند نسل حقیقت برای همه روشن می شود. ما با ورود به این گفت و گو ها چهره فرهنگی، انسانی و علمی خود را نشان می دهیم. همچنین با این دروغ بزرگ که گفت و گوی ادیان موجب درگیری ها می شود نیز مخالفت می کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین گلستانی درباره جایگاه تشیع در واتیکان در مقایسه با دیگر مذاهب اسلامی نیز افزود: ما دچار بحران مدیریت شده ایم. در واتیکان مساجدی که سعودی ها ساخته اند بزرگ و مراکز اسلامی ما خیلی کوچک هستند. همچنین نکته دیگری که وجود دارد باید ما بسته بندی و روش خود را زیبا کنیم، بعضا فرقه های وجود دارد که اصلا دین هم نیستند ولی بسته بندی زیبا دارند. حضور شیعیان در واتیکان ضروری است اما نیاز به برنامه ریزی دارد. ما با توجه به اینکه یک نهاد مستقل برای تربیت مبلغ بین الملل نداریم، لذا باید طلاب و روحانیونی را در این رابطه تربیت کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین تسخیری در رابطه با علمی بودن گفت و گوی بین ادیانی نیز خاطر نشان کرد: گفت و گو ها به همین صورت دارد پیش می رود. ما فقط باید داشته های خود را مدیریت کنیم. ما مؤسسات و نهاد های مدنی فراوانی داریم که با تمام دنیا در حال گفت و گو است. مثلا دانشگاه ادیان و مذاهب در دنیا بی نظیر است، درباره همه ادیان چه ابراهیمی و چه غیرابراهیمی بحث علمی می کنند. نکته مهمی است که باید بین مراکز ما یک هماهنگی ایجاد شود. در طول این مدت در کشور های مختلف بالای ۱۲۰۰ دانشمند شیعه در این گفت و گو ها شرکت کردند. ما باید با جذب دانشجویهای خارج از کشور تمدن نوین اسلامی را به واسطه همین افراد به جهان عرضه کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین گلستانی درباره تهدید هایی که در این عرصه وجود دارد گفت: از دست دادن فرصت خودش نوعی تهدید است. ما باید تربیت نیرو داشته باشیم و مراقب نیروهای علمی خود باشیم و آن ها را حفظ کنیم. نامه هایی که مقام معظم رهبری به جوانان کشورهای غربی دادند این خود یک کد بود که باید روی جوان ها برنامه ریزی کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین تسخیری در پایان بحث افزود: علما و طلاب و دانشمندان شیعه باید در جامعه بحث نشر فرهنگ گفت و گو را ترویج بدهند. باید در این عرصه هم صبر کرد چرا که تحولات فرهنگی مدت زمانی طول می کشد تا اثر گذار باشد.

## ۴۸. روش استنباط در مسائل مستحدثه



**نشست علمی «روش استنباط در مسائل مستحدثه» به همت گروه فقه حقوق شهروندی پژوهشگاه فقه معاصر با همکاری گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام تمدنی برگزار شد.**

نشست علمی «روش استنباط در مسائل مستحدثه» به همت گروه فقه حقوق شهروندی پژوهشگاه فقه معاصر با همکاری گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام تمدنی با ارائه حجت الاسلام جواد حبیبی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی برگزار شد.

حجت الاسلام حبیبی، روش شناسی را شاخه‌ای از فلسفه‌ی علم دانسته و گفت: با شناخت روش یک علم می‌توان از مبانی، بایسته‌ها و روش‌های مختلف سخن گفت، اجتهاد دارای روش شناسی است و پیشرفت محیرالعقول بشری در ابعاد مختلف آن را متمایز می‌کند.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی به نظریه‌ی منطقه‌ی الفراغ شهید صدر اشاره و عنوان کرد: بر اساس نظریه‌ی شهید صدر خلو وقایع از حکم شرعی نیست بلکه وجود ظرفیت در فقه اسلامی برای پاسخگویی به مصادیق است.

حجت الاسلام حبیبی در ادامه به راهکارهایی که در برابر فقیه در مواجهه با مسائل مستحدثه برای اظهار نظر هست دو شیوه را بیان کرد: یک؛ راهکار فقیه افتاء مبتنی بر قضایای حقیقیه و فرضیه باشد یعنی افتاء به نحو مشروط دو؛ فقیه کارگروه موضوع شناسی که مرکب از متخصصین مورد اعتماد تشکیل دهد و به نحو قضایای خارجی با پدیده‌ها برخورد کند.

وی در ادامه افزود: بایسته اول در روش شناسی موضوعات مستحدثه دخالت فقیه در موضوع شناسی است و بایسته دوم همان استنباط به روش اجتهاد سنتی است و پاسخگویی به مسائل مستحدثه در قالب همان فقه جواهری است.

استاد جامعة المصطفى موضوعات احكام را به شرعيه و غير شرعيه تقسيم کرده و مطرح کرد: جعل و اعتبار موضوعات شرعيه از ريشه به دست شارع مقدسه است و گاهی هم موضوعات در شارع جعل نشده است که برخی از طريق عرف عام و برخی از طريق عرف خاص قابل تشخيص است.

وی در استنباط احكام توجه به ضروریات دین را لازم دانست و گفت: در استنباط اجتهادی علاوه بر توجه به ضروریات دین توجه به تمسک بر عمومات و اطلاقات نیز لازم است.

حجت الاسلام حبیبی، تمسک به حکم عقل را از دیگر عوامل مؤثر در ادلهی اجتهادی مطرح کرد و گفت: ما بر خلاف مشرب عامه و بعضی از مذاهب و براساس مشرب فقهای اصولی عقل را حجت می‌دانیم.

حجت الاسلام والمسلمین سید منذر حکیم عضو هیئت علمی جامعة المصطفى که به عنوان ناقد در این نشست حضور داشت در ادامه با بیان اینکه شهید صدر در بحث استنباط افق جدیدی داشت مطرح کرد: ۳ موضوع بسیار مهم را که در مسائل مستحدثه و روش استنباط آنها مؤثر است را می‌توان در اثرات شهید صدر دید. مورد اول مقاله‌ی شهید صدر درباره کتاب فقه الامام الصادق (ع) آیت الله محمدجواد مغنیه تحت عنوان الفهم الاجتماعی للناس که در آنجا به ویژگی‌های کتاب امام صادق اشاره می‌کند که نگاه امام یک نگاه اجتماعی است و نگاه فردی نیست. مقاله دیگر الاتجاهات المستقبلیه لحرکه الاجتهادیه است که بیش از پنجاه سال پیش نوشته شده و در آن عنوان کرده که نباید نگاه ما به مسائل دینی و فقهی فردی باشد نگاه اجتماعی یا فردی در بحث استنباط مسائل مستحدثه مؤثر است.

بحث سوم شهید صدر که در کتاب المدرسة القرآنیة که آخرین اثر علمی شهید صدر است نظریه‌ی اجتماعی اسلام را دارد، نظریه‌ای که بر اساس آن خلافت انسان برای خدا را مطرح می‌کند او معتقد است نظریه‌ی اجتماعی خاستگاه یک نظام اجتماعی است.

وی در ادامه به جایگاه مسئله‌ی فقهی اشاره و بیان کرد: جایگاه مسئله‌ی فقهی چه مستحدث و چه غیر مستحدث در نظام باید دیده شود و مستندات کتاب، سنت، عقل، اجماع و دین را باید کنار هم قرار داد تا بتوان برای استنباط شیوه را تعریف کرد.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفى افزود: معتقدم یک نظام استنباط داریم و بدون نظام استنباط نمی‌توانیم حرکت کنیم و استنباط هر یک از احکام راهکار مربوط به خود را دارد.

لازم به ذکر است: دبیری این نشست علمی را حجت‌الاسلام علی شریفی استاد جامعة المصطفى را برعهده داشت.

## ۴۹. افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد صحابه و تابعین



**نشست علمی «افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد صحابه و تابعین» در مجمع جهانی شیعه شناسی، برگزار شد.**

نشست علمی «افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد صحابه و تابعین» با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محمد جعفر طبسی، از اساتید سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر حوزه امامت، در مجمع جهانی شیعه شناسی برگزار گردید.

حجت الاسلام و المسلمین محمد جعفر طبسی، در ابتدای این نشست، بحث ولادت امام علی علیه السلام در کعبه را مطرح کرد که مورد قبول فریقین هست و گفت: از اهل سنت؛ گنجی شافعی در کتاب کفایت الطالب و از شیعه؛ شیخ مفید در الارشاد این قضیه را بیان نموده اند، که همین مطلب بهترین و بزرگترین دلیل بر افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام است

این استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم در با اشاره به آیه مباهله، ادامه بیان کرد: افضلیت امیرالمؤمنین ابداع شیعه نیست، بلکه ریشه در وحی الهی دارد.

وی از کلمه انفسنا، اعلمیت و افضلیت امیرالمؤمنین (ع) را اثبات کرد و افزود: مراد از کلمه انفسنا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام هست و همه اتفاق دارند که پیامبر اکرم (ص) افضل و اعلم من فی الوجود است در نتیجه برای امیرالمؤمنین نیز همین حکم صدق می کند.

حجت الاسلام و المسلمین طبسی در ادامه با اشاره به کتابی که در این زمینه تألیف کرده به نام «افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام عند الصحابه و تابعین و غیرهم» گفت: در این کتاب روایاتی از پنجاه نفر صحابه و صد نفر از تابعین درباره افضلیت امیرالمؤمنین (ع) جمع آوری شده و از باب نمونه از این کتاب چند روایت را که بحث افضلیت و اعلمیت مولا را اثبات می کند بیان نمود.



روایت اول: امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امام علی علیه السلام خطبه‌ای را قرائت کردند و در آنجا تصریح دارند بر بحث افضلیت و اعلییت امام علی (ع)؛ روایت بعدی: روایتی که احمد بن حنبل در فضائل الصحابه از انس بن مالک که از سلمان پرسیده و سلمان از پیامبر اکرم (ص) پرسید که وصی بعد شما چه کسی هست؟ که پیغمبر اکرم (ص) تصریح داشتند که وصی بعد از من علی بن ابیطالب است و روایت بعدی: از اصبع بن نباته که یک روایت کمتر شنیده شده ای است که پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمودند: «انا مدینه الجنه و انت بابها»، که این روایت دال بر افضلیت حضرت علی علیه السلام می‌باشد.



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به همت گروه فرهنگ پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه در راستای همایش «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» هجدهمین نشست علمی با عنوان «ابعاد فرهنگی مالکیت فکری» (جلسه دوم) با ارائه دکتر محمود حکمت‌نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه و حضور اعضا شورای علمی گروه فرهنگ پژوهی و گروه فقه و حقوق، روز چهارشنبه ۸ تیرماه سال جاری به صورت حضوری و مجازی برگزار گردید.

دبیر علمی نشست دکتر فخرزادع پس از بیان اهداف برگزاری همایش، خاطر نشان کرد مقرر است مجموعه نشست‌ها و کرسی‌های علمی پیش از همایش در چهار محور اصلی هویت ساختار انقلابی فرهنگ؛ نقادی ساختار فرهنگی کنونی؛ وضعیت مطلوب ساختار فرهنگی کشور؛ چگونگی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور برگزار گردد. وی اظهار امیدواری کرد که نتایج حاصل از این همایش و تلاش‌های دیگر بتواند در جهت تأکيدات مقام رهبری مدظله پیرامون تحول ساختار فرهنگی کشور که در بیانات مختلف خود بر آن تأکید داشته‌اند به این امر مهم و بنیادی کمک کند.

در ادامه آقای دکتر حکمت نیا عضو هیئت عملی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن یادآوری و بیان تلخیصی از مباحث جلسه اول، به ارائه بحث پرداخت و خاطر نشان کرد: ابعاد فرهنگی مسئله مالکیت فکری از جمله موضوعاتی است که تحلیل آن نیازمند دقت نظر زیادی است. در حوزه مالکیت فکری باید مشخص شود که از بازار چه چیزهایی تأمین هزینه می‌شود تا سایر حوزه‌ها مانند دانش و فلسفه و ریاضی و علوم محض و غیره که از طریق بازار مکانیزمی برای تأمین هزینه‌اش نداریم بتواند از منابع عمومی از سوی دولت تأمین شود. اساس بحث در این موضوع این است که کار باید منجر به درآمد اقتصادی و اجتماعی باشد لکن برخی این اشکال را مطرح کرده‌اند که کاری که در حوزه اجتماعی برای آن پرداخت‌هایی انجام می‌شود بیشتر مربوط به کارهای فیزیکی است و صرفاً این نوع از فعالیت‌ها را کار می‌دانسته‌اند و در مورد کارهای فکری این سوال مطرح است که آیا عنوان کار بر آن صادق است یا نه؟ و چگونه این مفهوم را می‌توان توسعه داد؟ در آمریکا کار بر اساس عرق جبین و نشاط آور بودنش تعریف می‌شود اما بعدها گفته شد میزان در کار حل مسئله است و عرق جبین و نشاط آور بودن چندان معیار خوبی نمی‌تواند باشد. در ادبیات حقوقی هم چون کار به طور عام بحث شده، جای بحث زیادی ندارد. اگر بحث روی عنوان کار برده شود در فرهنگ ما تشویق به انجام کار علی‌القاعده خیلی اهمیت می‌یابد. لذا حتی امروزه در تکدی‌گری می‌بینیم کمتر دست‌دراز کردن سوی مردم معنا دارد و بیشتر به طرف اموری مانند اجرای موسیقی و فروش اجناس دارای ارزش کمتر رفته‌اند که به رغم این‌که می‌دانیم شخص در حال تکدی‌گری است ولی بر آن عنوان کار اطلاق می‌کنیم و این ناشی از همین فرهنگ کار است. نکته مهم دیگر این است که هر کسی کاری در حیطه فرهنگ انجام دهد، نتیجه کار خودش را در تملک دارد و این همان قاعده کشت، درو و کار و از تبعات کار است که در اصطلاحات عرفی هم آمده که "گندم از گندم بروید جو ز جو". در بحث ادبی و هنری مسئله احترام به شخصیت بسیار اهمیت دارد و دارای اقتضائاتی است. دو قاعده و حق در این موارد وجود دارد یکی این‌که اثر به شخص باید مستند باشد و دیگر اینکه اثر وی تحریف نشود. اینکه آیا کسی مافی‌الضمیر خود را به غیر ابراز نماید و مثلاً روی کاغذ آورد مشمول مالکیت فکری می‌شود یا وقتی آن را انتشار دهد؟ در حقوق بیشتر نظر دوم مورد نظر است لذا مالکیت فکری در موقعیت تولید چندان دخالتی ندارد ولی در مقام نشر دخالت دارد.

بحث تحریف و دستکاری در تولیدات فرهنگی و پیوند آن با مسئله شخصیت تولید کننده از جمله مباحث دیگر بود که به آن پرداخته شد. دکتر حکمت‌نیا در ادامه اظهار داشت آنچه در مالکیت فکری مورد اهتمام و حمایت است نقد و دخالت در حوزه علمی و اخلاق فعل است و نه شخصیتی که مربوط به حوزه فاعل می‌باشد. نکته دیگر و مهم این است که یک محصول کپی نشود نه اینکه تولید با ایده مشابه صورت نگیرد زیرا ایده، آزاد است و محتواس است و به صورت‌های مختلف می‌تواند بیان شود. ایده مال هیچکس نیست اما زمانی که تجلی بیرونی یافت و عنوان خلق بر آن صادق شد، موضوع بحث ما می‌شود.

مطلب دیگر که باید به آن توجه شود، این است که اصل مالکیت فکری در کشور ما گذشته از حقوق اخلاقی‌اش، به عنوان یک اصل سرزمینی قلمداد شده است یعنی مثلا فقط از اثری که در ایران نشر یافته است حمایت می‌شود یا مثلا اثری که در کشور ما تولید شده اگر در کشور دیگری تکثیر شود جزء قانون مالکیت فکری نمی‌باشد مگر این‌که به معاهده‌های مربوطه مانند معاهده برن و غیره بپیوندیم. به خاطر خاصیت سرزمینی‌اش است که گفته می‌شود حوزه مالکیت فکری حوزه‌ای تقنینی است لذا اول به قانون مراجعه می‌شود و بعد به فتوا و غیره.

بنابر این اگر مسئله مالکیت فکری بویژه در ابعاد فرهنگی‌اش طوری مطرح گردد که در آن عمیقا مداخله علمی بشود، خوب است در غیر این صورت کماکان دارای ابهام بوده و بهره‌ عملی نمی‌توان از آن داشت.

ادامه جلسه به طرح پرسش‌های شرکت‌کنندگان در نشست علمی اختصاص داشت که آقای دکتر حکمت‌نیا به این سوالات پاسخ دادند و تفصیل مباحث و پاسخ‌های ایشان به سوالات انشالله در مجموعه جستارها ارائه خواهد شد.

در پایان آقای دکتر فخرزاد دبیر علمی همایش یادآور شد: مجموعه ایده‌هایی که در نشست‌های مختلف ارائه شده به همراه یادداشت ارائه‌کنندگان و نیز پرسش‌های مهم طرح شده و پاسخ آن‌ها، در مجموعه جستارهایی پیرامون موضوع همایش منتشر خواهد شد. همایش بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور در شهریور ماه با حضور و ارائه سخنرانی توسط صاحب‌نظران حوزه فرهنگ برگزار می‌گردد.



نشست تخصصی «جنسیت و علوم حدیث» در پنجمین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم شادی نفیسی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به تبیین رابطه جنسیت و علوم حدیث پرداخت و اظهار داشت: امروز محققان جدید مشکل چندانی با آیات قرآن کریم ندارند، بلکه بیشترین چالش را با روایات دارند، به همین دلیل گرایشی به طور کلی وجود دارد که روایات را کنار بگذاریم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اظهار داشت: این گرایش به صورت افراطی در قالب قرآن‌بسندگان نمود پیدا کرده که یکی از مهم‌ترین انگیزه قرآن‌بسندگان ناظر به مشکلاتی است که در موضوعات حدیثی در جهات مختلف وجود داشته است.

نفیسی افزود: این چالش‌ها منحصر به بحث زنان و حقوق بشر نیست، بلکه ما در مباحث علمی روایات هم مشکلات جدی داریم، اما رویکرد قرآن‌بسندگان مورد پذیرش علما نبوده و علمای دین از پذیرش آن سر باز زدند و یکی از تلاش‌ها در این زمینه این بوده که به نقادی حدیث بپردازند.

وی با بیان اینکه نقد حدیث در دوره معاصر به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است، گفت: اگر در گذشته نقد سندی مطرح بوده امروز نقد متنی جایگاه ویژه پیدا کرده که هیچ‌گاه در گذشتگان مورد توجه نبوده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ابراز داشت: ما تا وقتی تعارضات باورها و اطلاعات ما اتفاق نیفتند به بازخوانی اطلاعات نمی‌پردازیم، ایجاد چالش‌ها باعث شده که ما در روایات بازنگری داشته باشیم.

نفیسی خاطر نشان کرد: پژوهش‌های حدیثی از منظرهای مختلفی قابل تحلیل است، از جمله به صورت سنتی، شیوه‌های فراتر بررسی مانند نگاه منبعی و فهرستی به روایات، بررسی روایات به صورت مجموعی و نه تک‌روایت، بررسی روایات شیعی در کنار روایات اهل سنت، تحلیل‌های فراتر راویان، تحلیل‌های فراتر سندی و متنی داریم که بهره‌گیری از این ابزارها به تعمیق و بهتر کردن تحلیل‌ها و استدلال‌های ما کمک می‌کند.

وی تصریح کرد: ما در تحلیل‌های خود می‌توانیم بیشتر به بحث سیره و تاریخ توجه داشته باشیم که از تحلیل‌های فراتر سندی و متنی استفاده می‌شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بیان داشت: اگر ما به سیره اهل بیت علیهم‌السلام برگردیم، یک قرینه عملی است که می‌توانیم در تحلیل و گزینش روایات استفاده کنیم.

نفیسی در ادامه به تاریخ‌گذاری احادیث اشاره کرد و گفت: هدف از تاریخ‌گذاری احادیث، تعیین زمان شکل‌گیری حدیث جهت تحلیل زمینه‌های اجتماعی و علمی شکل‌گیری آن است که از روش ترسیم نمودار سندی روایات، شناسایی حلقه مشترک سند و بررسی دوره زمانی حلقه مشترک و شرایط اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شود.

وی با بیان نمونه‌هایی از روایات، به بررسی تاریخ‌گذاری روایات، بررسی سندها، بررسی راویان، حلقه مشترک، تحلیل محتوا و بررسی منابع احتمالی روایات پرداخت.



استاد درزی با بیان اینکه در تفسیر قرآن کریم باید کل مفاهیم آیات در نظر گرفته شود، گفت: در مطالعات تفسیر قرآن کریم، ما باید به روح و کلیت قرآن کریم توجه داشته باشیم و خوانش کلی‌نگر از آیات داشته باشیم.

نشست تخصصی «جنسیت و علوم قرآن» در پنجمین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، جناب آقای دکتر قاسم درزی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به تبیین موج‌های فمینیسم در غرب و جهان اسلام، رویکردهای فمینیستی به آیات قرآن و روایات اسلامی پرداخت.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی افزود: رویکردهای فمینیست‌های جهان اسلام به قرآن کریم شامل بازنگری آیات قرآن به منظور تصحیح روایات نادرست رایج، یادآوری آیاتی که به صراحت برابری زن و مرد دلالت دارند، ساختار شکنی آیاتی که ناظر به تفاوت زن و مرداند و تأثیر اندیشه مردسالاری در تفاسیر قدیم بودند.

درزی در ادامه با بیان اینکه در تفسیر قرآن کریم باید کل مفاهیم آیات در نظر گرفته شود، اظهار داشت: در مطالعات تفسیر قرآن کریم، ما باید به روح و کلیت قرآن کریم توجه داشته باشیم و خوانش کلی‌نگر از آیات داشته باشیم.

وی به چگونگی مواجهه فمینیست‌های اسلامی با آیات قرآن کریم اشاره کرد و در ادامه تصریح کرد: ما در قرآن کریم با زنان الگو روبرو هستیم که بحث خیلی مهمی است، اینکه متنی جنس زن را الگو برای مردان معرفی می‌کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. حال آنکه ما متنی که زنی را به عنوان الگو و اسوه معرفی کند، به راحتی پیدا نمی‌کنیم، یا خطاب مستقیم به زن نوشته شده باشد، نیست چه به اینکه الگو معرفی شده باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در دامه به موضوع «علوم قرآنی و جنسیت» اشاره کرد و با بیان اینکه بحث جنسیت در علوم قرآن ظهور و بروز کرده است، گفت: علوم قرآن کریم تنوع زیادی دارند، برخی زبان شناختی هستند، برخی کاملاً تاریخی هستند و برخی ارتباط آیات را نسبت به هم دارند، آیات قرآن کریم، طیف متنوعی از موضوعات را دارند که هر کدام به نحوی می‌توانند در فهم قرآن تأثیرگذار باشند.

درزی با بیان اینکه در بخشی از آیات قرآن کریم، مباحث جنسیتی مطرح می‌شود، به تشبیه (تصویرپردازی‌ها) و جنسیت اشاره کرد و افزود: تصویرپردازی در برخی آیات به شیوه‌های مختلف ارائه شده است، مثلاً تشبیه بلیغ مانند «ازواجه امهاتهم»، بر اساس محسوس و معقول بودن طرفین مانند «هن لباس لکم و انتم لباس لهن»، تشبیه مقلوب مانند «و لیس الذکر کالانثی» و تشبیه در مقام مدح یا ذم در آیه شریفه «یا نساءالنبی لستن کاحد من النساء» که این تشبیه‌ها ظرفیت جنسیتی دارند و تصویرپردازی‌هایی که در آیات قرآن کریم اتفاق می‌افتد، از مباحث پردامنه هستند.

وی با اشاره به قصص قرآن کریم، خاطرنشان کرد: در داستان‌هایی که در قرآن کریم مطرح می‌شود، رویکرد مردانه و زنانه دیده می‌شود و رویکرد زنانه در قصص قرآن کریم جایگاه بالایی دارد، ما زنان الگو را در قصص داریم که می‌توان به آنها پرداخت و قصص ظرفیت خوبی برای ما در حوزه جنسیت هستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به مباحث کنایه و تعریض، عنوان کرد: در آیات قرآن کریم، بسیار از زبان کنایی استفاده می‌شود، مثلاً این زبان کنایی را در ماجرای خلقت می‌بینیم، بسیاری از مفاهیم و موضوعات مرتبط با جنسیت در قرآن کریم از باب کنایه مورد نظر قرار گرفته است.

درزی همچنین به مباحث عام و خاص، محکم و متشابه، سبب نزول، حقیقت و مجاز، معربات، منطوق و مفهوم، مقدم و مؤخر، ناسخ و منسوخ در مطالعات جنسیت و علوم قرآن اشاره کرد.





«زن و جنسیت در تاریخ اسلام» با حضور استاد طیبی در پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نشست تخصصی «زن و جنسیت در تاریخ اسلام و اندیشه اسلامی» در چهارمین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم ناهید طیبی، مدیر دانشنامه زن مسلمان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه مبحث جنسیت غیر از امر جنسی است، اظهار داشت: در این نشست ما در پی بازخوانی تاریخ با حساسیت جنسیتی نیستیم، در اندیشه اسلامی، جنسیت امری ثانوی است و زن و مرد فارغ از جنسیت، در مسیر رشد و تعالی قرار می‌گیرند.

استاد و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه در اندیشه اسلامی، جنسیت امری عارضی است نه ذاتی و در کارکردهای زندگی معنا می‌یابد، گفت: ذهن، اگر از کلیشه‌های اندیشه غربی در باب جنسیت و مرجعیت آن خالی شود، جنسیت در اسلام ادراک می‌شود

طیبی در ادامه با اشاره به مفهوم جنسیت، گفت: جنسیت شامل مجموعه اطلاعات کلی و انتظاراتی درباره رفتار، اولویت‌ها و نقش‌های اجتماعی دو جنس متمایز انسانی (زن و مرد) است.

وی افزود: مبحث جنسیت در ادبیات غربی ماهیتاً سیاسی است، چون آغاز فمینیسم، سیاسی بود. در غرب، سیاست اجتماعی، سیاست فرهنگی، سیاست هویت و سیاست جنسیت داریم.

مدیر دانشنامه زن مسلمان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به چالش‌های نظریه‌های جنسیت و منشاء و مبنای تفاوت‌های جنسیتی اشاره کرد و در ادامه، بیان داشت: ما دو رویکرد کلی درباره نظریه‌های جنسیت داریم، نظریه‌های اجتماعی جنسیت که بر پایه برساخت‌گرایی است و نظریه‌های ذاتی جنسیت که بر اساس ذات‌گرایی هستند.

طیّبی، مطالعه کتاب‌های «زنان یونان باستان» و «آشنایی با تاریخ ایران» را به علاقه‌مندان این عرصه توصیه کرد و در ادامه، به موضوع جنسیت و مواجهه تاریخی با حضور و نقش‌های زنانه زنان اشاره داشت و گفت: فرهنگ جوامع عرب و غیرعرب پیش از اسلام معمولاً نافی حضور و صلاحیت سیاسی زنان بوده است،

وی همچنین به جلوه‌های حضور زنان در صدر اسلام و در زمان ظهور حکومت نبوی و حکومت علوی اشاره و عنوان کرد: در عصر نبوی و علوی، ردیابی تاریخی نشان می‌دهد که معضلی به نام تعارضات گزارش‌های سیره و روایات ضد زن وجود دارد.

مدیر دانشنامه زن مسلمان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به احادیث و گزاره‌هایی دالّ بر عدم مناسبات زنان با حکومت و امور سیاسی، یادآور شد: در عصر خلافت به استثنای عصر علوی و دوره عباسیان، زنان حضور چندانی در عرصه سیاسی نداشتند.

طیّبی در ادامه به موضوع زن و جنسیت در ادوار تاریخ اسلام از جمله عصر نبوی، خلفای سه‌گانه، علوی، امویان، عباسیان و از قرن هفتم تا کنون اشاره کرد و پایان اظهار داشت: اگر بخواهیم درباره موضوع زن و جنسیت در تاریخ اسلام و اندیشه اسلامی کار پژوهشی انجام دهیم، باید گزارش‌های تاریخی و روایات اسلامی را به صورت داده‌های پژوهشی مورد بررسی قرار دهیم، ردیابی تاریخی کنیم و هویت زن و استعدادهای زنان را با توجه به خلقت زنان بر مبنای مکتب اسلام در نظر بگیریم تا به ایده‌های پژوهشی مناسبی دست پیدا کنیم.

احکام اخلاقی جنسیت‌پذیر نیستند / تبیین ملاک تشخیص ارزش‌ها و تعالی اخلاقی زنان و مردان



پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه اخلاق، فطری است و اصول اخلاقی، مطلق هستند، گفت: احکام اخلاقی جنسیت‌پذیر نیستند، زیرا هر زن و مردی با ویژگی‌های خاص خود در راستای علو روح و منزل روحانی خود قدم برمی‌دارد و در زندگی دنیوی نیز با رعایت احکام اخلاقی به سوی سلامت روحی خود، خانواده و جامعه حرکت می‌کند.

نشست تخصصی «جنسیت و اخلاق اسلامی» در چهارمین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم زینب کبیری، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه به تبیین رابطه اخلاق و جنسیت، چیستی اخلاق و تفاوت بین جنس و جنسیت پرداخت و اظهار داشت: بر اساس حسن و قبح ذاتی افعال، اصول اخلاقی مطلق‌اند و چیزی به نام اخلاق زنانه و مردانه وجود ندارد. ممکن است در بعضی مصادیق یا فروع تفاوت‌هایی باشد، اما اصل حکم ثابت است؛ یعنی برخی اصول اخلاقی به طور مطلق برای هر دو جنس خوب و برخی به طور مطلق بدند؛ مانند کمک به انسان نیازمند که برای زن و مرد خوب است.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه اخلاق، فطری است و اصول اخلاقی، مطلق هستند، یادآور شد: هرچند ارزش‌های اخلاقی ثابتند، در اولویت‌بندی ارزش‌ها و تزامات‌شان، وظایف و توانایی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود و نقش‌ها متناسب با جنسیت شکل می‌گیرند.

کبیری افزود: برخی از ارزش‌ها و هنجارهایی که در آموزه‌های دینی آمده است، با نقش‌های جنسیتی (زن و مرد) تناسب دارد؛ همانند هنجارهای حاکم بر نقش مادری که متناسب با تحمل و صبر فراوان مادر و ویژگی‌های عاطفی او در عشق و محبت به کودک است. احکام اخلاقی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با هدف آفرینش بشر که کمال و تعالی روح است، سازگار باشند؛ از این رو، این احکام اخلاقی فضیلتند؛ اما اگر احکامی ما را از این اهداف آفرینش دور کند، به دلیل ناسازگاری با طبع کمال‌گرای انسان، بدند و به آنها قبیح می‌گویند.

وی با اشاره به مبحث جنسیت و نسبی‌گرایی اخلاقی در اسلام، گفت: احکام اخلاقی جنسیت‌پذیر نیستند؛ زیرا هر زن و مردی با ویژگی‌های خاص خود در راستای علو روح و منزل روحانی خود قدم برمی‌دارد و در زندگی دنیوی نیز با رعایت این احکام اخلاقی به سوی سلامت روحی خود، خانواده و جامعه حرکت می‌کند.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به ملاک تشخیص ارزش‌ها و تعالی اخلاقی زنان و مردان از دیدگاه اسلام به بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد و اظهار داشت: قرآن کریم معیار ارزشمندی سنجش اعمال را تقوا می‌داند: «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم/ حجرات ۱۳»؛ معیار تقوا و پرهیزکاری، اکتسابی ارزشی است و به دنبال آن خداوند متعال می‌فرماید: «انّی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی/ آل عمران ۱۹۳»؛ اینجا سخن از نفی تأثیر جنسیت و نبود تفاوت در پذیرش ارزش‌های اخلاقی است؛ بنابراین تنها معیار برتری نزد خداوند کرامت انسانی و تعالی روحی است.

کبیری همچنین به تساوی در ارزش‌های انسانی و اهداف کمالی از دیدگاه اسلام اشاره کرد و افزود: برخلاف آموزه‌های کتب مقدس که بسیاری از امتیازات را خاص مردان می‌داند، (نظیر آنکه اجازه تعلیم به زنان نداده و تکلم زنان در کلیسا را ممنوع اعلام کرده)، با توجه به آیه ۳۵ سوره احزاب، قرآن کریم زنان و مردان را در کسب امتیازات و کمالات انسانی یکسان می‌داند.

وی در ادامه با بیان اینکه آزادی در اسلام به معنای رهایی‌گریز و بی‌قید و بندی اخلاقی نیست، تصریح کرد: آزادی در اسلام به معنای آزادی معنوی، رهایی انسان از غرایز و شهوات نفسانی همانند حرص، طمع، غضب، جاه‌طلبی و غیره است. این آزادی، جدای از آزادی اجتماعی (به معنای رهایی از اجبار دیگران) است و به معنای رهایی انسان از حیوانیت خویش است. آزادی که فطرت و عقل انسانی، او را به آن سمت دعوت می‌کند تا از بردگی نفس رهایی یابد.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه ادامه داد: از منظر اخلاق اسلامی، آزادی جنسی به دلیل آنکه انسان را از تکامل معنوی باز می‌دارد و راه فسق و فجور را باز می‌کند، پسندیده نیست. گزینه جنسی باید در حدود خانواده کنترل شده و مایه رشد خانواده باشد نه آنکه با آسیب زدن به نهاد خانواده و فروپاشی آن، جامعه را نیز به انحطاط بکشانند.

کبیری اضافه کرد: مقررات اخلاقی اسلام نظیر عفت، حیا و تقوا برای رسیدن به حیات طیبه و حقیقی انسانی است که استعدادهای عالی بشری در آن شکوفا می‌شود.

وی بیان داشت: در واقع اسلام برقراری رابطه جنسی در قالب ازدواج و تشکیل خانواده را مایه پاکی و تکامل افراد می‌داند، زیرا این امر باعث هدایت و کنترل‌گریزه جنسی شده و جامعه را از آلودگی به فساد، هوا و هوس‌های مکرر، بدون برنامه، قانون و هدف سودمند باز می‌دارد.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به نقد دیدگاه حقوق باروری و جنسیت از منظر اخلاق اسلامی، عنوان کرد: نوع جهانبینی فرد (الهی یا مادی)، عامل اصلی شکل‌دهندگی باورها و انتخاب‌های او در طول زندگی است و به آن معنا می‌بخشد. به همین دلیل مومنین آزادی‌های فردی خود را برای رسیدن به آزادی‌های مهمتر و کمالات معنوی محدود کرده و به حقوق سایرینی که از جانب خداوند دستور به رعایت آنها داده شده است نظیر حق حیات جنین احترام می‌گذارند.

کبیری تصریح کرد: اسلام بندگی خدا را برای انسان، موجب کمال او می‌داند و در واقع آزادی او را از قید بندگی دیگران مرهون بندگی خداوند می‌داند. اگر فردی از مسیر بندگی الهی منحرف شود و دستورات خداوند را که بر اساس حکمت و مصلحت تنظیم شده، نادیده گرفته و به حقوق دیگران که خداوند آنها را محترم شمرده است (نظیر حق حیات جنین)، بی‌توجه باشد و بی‌مسئولیتی و رسیدن به رفاه مادی حداکثری را هدف زندگی بداند، در واقع آزادی واقعی و زندگی حقیقی خود را نابود کرده است.

وی اظهار کرد: در دیدگاه اخلاق اسلامی، انسان موظف است در هر عمل و انتخابی رضایت پروردگار و رسیدن به هدف والای زندگی یعنی قرب الی الله را در نظر بگیرد و ارزش‌های والای زندگی انسانی را بر لذات زودگذر و زندگی پوچ و مادی ترجیح دهد؛ لذا سزاوار است که انسان، به اندازه توان خود حق معرفت را در خصوص معبود خود به جای آورد و قدردان و حق‌شناس نعمت‌های او باشد و مسئولیت‌های مورد انتظار پروردگارش را قبول نماید و به نحو احسن اجرا کند.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه در پایان بیان داشت: اگر انسان خود را همواره در برابر خداوند مسئول بداند، به حقوق دیگران توجه بیشتری خواهد کرد، زیرا از دیدگاه اسلام منشأ مسئولیت در برابر جامعه و سایرین، مسئولیت داشتن انسان در برابر خداوند و دستورات اوست.



نشست علمی پژوهشی «جنسیت و کلام اسلامی» در سومین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست تخصصی، سرکار خانم زینب تاجیک، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به مبحث جنسیت و کلام اسلامی، عنوان کرد: مطالعات جنسیتی و کلام اسلامی یک رابطه دوسویه می‌توانند داشته باشند.

#### **مباحث جنسیتی باعث پویایی علم کلام خواهد شد**

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه اظهار داشت: مباحث جنسیتی باعث پویایی علم کلام خواهد شد و کلام را از حصار تنگ انتزاعیات خارج خواهد کرد؛ از سوی دیگر، ما برای رسیدن به یک نظام جامع درباره جنسیت محتاج علم کلام هستیم.

تاجیک خاطر نشان کرد: نوع نگاه به زن در هر دین و فرهنگی برگرفته از مبانی کلامی آن دین و به‌خصوص دیدگاه‌های کلامی نسبت به مباحث انسان‌شناسی در ارتباط با زن است.

وی با اشاره به تعریف علم کلام، گفت: علم کلام، دانشی است که درباره اعتقادات و معارف دینی به دو شیوه عقلی و نقلی بحث می‌کند و ضمن استنباط اعتقادات دینی از منابع اصلی دین، به تبیین و اثبات آن عقاید می‌پردازد و همچنین وظیفه مهم پاسخ به شبهات و اعتراض مخالفان نیز بر عهده علم کلام است.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه یادآور شد: شهید مطهری برای علم کلام یک ماهیت معرفت‌زا قائل هستند و معتقدند علم کلام شامل تمام گزاره‌های غیرفقهی اعم از فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و غیره خواهد شد.

**علم کلام بسته به اقتضات زمان و مکان باید به‌روز شود/ نیازمند تاسیس کلام‌های مضاف هستیم**

تاجیک با تصریح بر اینکه علم کلام منحصر در مباحث مبدأشناسی و معادشناسی نمی‌شود، عنوان کرد: وظیفه علم کلام، زمینه‌سازی نظری برای تمام گزاره‌های دینی و پاسخ به شبهات درباره نظرات دینی است.

وی اضافه کرد: بنابراین علم کلام بسته به اقتضائات زمان و مکان باید به‌روز شود و ما نیازمند تأسیس کلام‌های مضاف مانند کلام اجتماعی، کلام فرهنگی، کلام سیاسی و... هستیم.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه از مباحث مهمی که در کلام‌های مضاف باید تأسیس شود کلام جنسیتی است، اظهار داشت: کلام جنسیتی نشان‌دهنده ابعاد نظری و نظرگاه دین در باب جنسیت است و باید از مهم‌ترین مبانی حوزه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی یک نظام جامع و کامل جنسیتی را براساس دین اسلام برای ما سازمان‌دهی کند.

### **موضوع کلام اسلامی و جنسیت مورد بی‌مهری قرار گرفته است/لزوم تدوین منظومه کامل و جامع جنسیتی در مباحث کلام اسلامی**

تاجیک با بیان اینکه موضوع کلام اسلامی و جنسیت مورد بی‌مهری قرار گرفته است، یادآور شد: ما آثار ارزشمندی درباره این موضوع و جایگاه و حقوق زنان از برخی علما و بزرگان مانند علامه مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی، علامه طباطبایی داریم، اما این آثار شبهه محور هستند که در صدد پاسخگویی به شبهات در موضوعات اختلافات جنسیتی بودند.

وی تصریح کرد: ما یک منظومه کامل و جامع جنسیتی که در حوزه مباحث کلام اسلامی باشد، نداریم؛ وظیفه اصلی علم کلام، رسیدن به یک نظام جامع و کامل است و ما کار انجام نشده در این زمینه‌ها زیاد داریم.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه تأکید کرد: ما برای رسیدن به این نظام جامع باید دو کار انجام دهیم، مسائلی که کامل و مشخص در ارتباط با جنسیت هستند، اما برخی پژوهش‌های ما شاید در نگاه اول ارتباطی با مباحث جنسیتی نداشته باشد اما برای رسیدن به نگاه جنسیتی در مباحث کلامی نیاز است که به آنها توجه داشته باشیم.

تاجیک در ادامه گفت: از مهم‌ترین مباحثی که در کلام جنسیتی باید مورد توجه قرار گیرد، بحث هویت جنسیتی و بحث از چیستی جنسیت و تأثیر آن بر هویت و شخصیت انسان است که دامنه این اختلافات جنسیتی و حدود آن باید مشخص شود.

وی بیان داشت: مشخص کردن حکمت این اختلافات و امتداد آن در مباحث خانوادگی و اجتماعی از مباحث دیگری که علم کلام متکفل پرداختن به آن است؛ تأثیر جنسیت بر مباحث هرمنوتیک متون مقدس نیز از نقاط تلاقی جنسیت و علم کلام است.

### **لزوم بازتعریف عقلانیت، عاطفه و احساسات با توجه به متون اصلی اسلامی**

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه در ادامه گفت: ریشه تمام فرودستی‌ها و فرادستی‌ها که در برخی جوامع بیان می‌شود، به یونان باستان برمی‌گردد که هرچه برتر بوده، به عنوان مردانه تعرف می‌کنند و هر چه فرودست است به زنانه نسبت می‌دهند.

وی با بیان اینکه ما بر اساس منابع دینی به هیچ عنوان حق ارزشگذاری نداریم، گفت: یکی از کارهای کلامی که ما باید انجام دهیم، بازتعریف عقلانیت، عاطفه و احساسات با توجه به متون اصلی اسلامی است. عاطفه از عقلانیت است و ما وقتی وارد متون دینی می‌شویم، به هیچ عنوان این دوگانگی را نمی‌بینیم که کسی که عاطفه داشته باشد، از عقلانیت او کم شده است. ما با بازتعریف این عقلانیت، عاطفه و احساسات می‌توانیم خط بطلان روی همه این مباحث بکشیم.





نشست تخصصی «جنسیت و فلسفه اسلامی» در سومین روز پیش رویداد پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم مهدیه سادات مستقیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم به اهمیت موضوع «جنسیت و فلسفه اسلامی» پرداخت و اظهار داشت: در بحث جنسیت که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی و رویکرد معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه در اوج اهمیت است، ما هنوز در ابتدای راه افق‌گشایی نگاه فلسفی به جنسیت هستیم و این درد بزرگی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم تصریح کرد: این خلأ علمی به صورت جدی وجود دارد و ما به تأسیس یک رشته تحصیلی با عنوان «جنسیت و فلسفه اسلامی» نیاز داریم.

مستقیمی به فلسفه مطلق و مضاف اشاره کرد و گفت: در فلسفه مطلق می‌توان با رویکردهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی به مبحث جنسیت پرداخت، همچنین در فلسفه مضاف هم امکان بررسی جنسیت وجود دارد.

وی افزود: در مباحث جنسیتی چون مضارب آرا بالاست، بشر صدها راه دارد و اعمال نظرات خیلی زیاد است.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم با بیان اینکه ما باید ادبیات فلسفه را وارد مباحث جنسیت کنیم، رابطه «جنسیت و ارزشمندی» و «جنسیت و ناطقه بودن» را توضیح داد.

مستقیمی در پایان با اشاره به اتفاقات اخیر در ایران، تصریح کرد: ما می توانیم از طریق عقل و با ساده سازی زبان فلسفه، ارزش های دینی و اجتماعی را به نسل جوان منتقل کنیم و در کنار آن، از معارف دینی و اسلامی نیز بهره بگیریم.



نشست ایده پردازی پژوهشی «جنسیت و فقه و اصول» در دومین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسن حیدری، مدیر گروه علمی فقه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به نقطه مطلوب در حوزه علوم دینی، گفت: ما باید مدافع خوبی برای دین باشیم، گاهی لازم است نوآوری داشته باشیم، اما مواظب باشیم که مسیر منحرف نشود؛ گاهی نیز لازم است بیان جدیدی ارائه دهیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری تصریح کرد: زبان حوزه و همه هنر ما در بعد علمی باید این باشد که نمونه عینی آموزه‌های دینی باشیم.

وی در ادامه با بیان اینکه ادبیات فقه ما نیاز به روزرسانی دارد، خاطرنشان ساخت: از آنجا که فقه با نیازهای جامعه سروکار دارد و نیازهای جامعه روز به روز در حال تغییر هستند، باید هر چند سال یک بار بانویسی شود.

مدیر گروه علمی فقه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تأکید کرد: ما در هر مسئله‌ای که در حوزه دین سروکار داریم، اگر می‌خواهیم در بحث پژوهشی موفق باشیم باید خاستگاه مسئله را درک کرده و بدانیم چرا تبدیل به مسئله شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری با بیان اینکه اصول فقه با فقه و برخی علوم فرق اساسی دارد، گفت: ما در فقه، اگر احاطه کافی نسبت به مسئله ای نداشته باشیم، شاید مانعی سر راه احساس نکنیم، اما در اصول فقه احساس نیاز می‌شود. بنابراین اگر می‌خواهیم بر یک مسئله اصولی کار کنیم، باید احاطه کافی به کلیت مباحث اصولی داشته باشیم.

وی خاطر نشان کرد: علما و بزرگان دین در بحث‌های اصولی بابی با موضوع ثمره بحث باز می‌کردند؛ بنابراین در بحث اصول، نتیجه ای که گرفته می‌شود باید کاربردی باشد.

مدیر گروه علمی فقه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها عنوان کرد: در بحث اصول فقه و جنسیت، نگاه بیطرفانه داشتن از اهمیت زیادی برخوردار است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری در ادامه به ارتباط اصول فقه و جنسیت اشاره کرد و با بیان اینکه جنسیت بر احکام فقهی تأثیر دارد، گفت: اصول فقه بنا است فواید مشترک استنباط را به ما تحویل دهد، اما حوزه‌هایی هستند که با حفظ چارچوب اصولی بودن مسئله، بحث جنسیت در آن مهم است.

وی بیان داشت: در عصر حاضر، مباحث زنان به طور خاص مورد توجه قرار گرفته و بحث‌هایی را اقتضا می‌کند که به آنها پرداخته شود.

مدیر گروه علمی فقه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به محورهای پیرامون اصول فقه و جنسیت اشاره کرد و در ادامه تصریح کرد: یکی از وظایف ما در عرصه دین این است که آنچه به نام دین عرضه می‌شود، طبق ضوابط باشد. تمام تلاش بزرگان ما این بود که فقه را از ضابطه مند بودن خارج نکنند، بنابراین تمام تلاش ما این باشد که طبق ضوابط پیش برویم.

حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری تأکید کرد: ما باید تحقیقات و مقالاتی را که درباره مباحث دینی و حوزه زنان است، رصد کنیم و اگر انحرافی دیده می‌شود، آن را مطرح کنیم.

وی عنوان کرد: برخی از مقالات از اولیات دین غافل شدند، اگر بحث زاویه دار با مباحث دین دیدیم، نقد کنیم و در دسترس دیگران قرار دهیم. مباحثی که درباره اخلاق کاربردی در غرب مطرح است، لازم است که به این عرصه‌ها ورود پیدا کنیم و با ادبیات خودشان نقد کنیم.



نشست تخصصی «جنسیت و اصول فقه» در دومین روز پیش رویداد پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم بتول سادات بنیادی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه به اهمیت موضوع «جنسیت و علوم فقه» پرداخت و اظهار داشت: فهم احکام جنسیتی اسلام، در گرو فهم جنسیتی از متون دینی است.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه اظهار داشت: یکی از عناصر قابل سنجش در این متون، جنس زبانی در زبان عربی است که نقش مهمی در انتقال مضامین جنسیتی دارند.

بنیادی با بیان اینکه ابعاد جنسیتی زبان، به تازگی در دانش زبان‌شناسی مورد توجه گسترده قرار گرفته است، گفت: امروز توصیفات ابتدایی صرفی و نحوی در باب مونث و مذکر، نیاز زبان‌شناختی عصر حاضر را پاسخگو نبوده و مسئله در ابعاد گسترده‌تری نیاز به توجه و شناسایی دارد.

وی تصریح کرد: دانش زبان‌شناسی می‌تواند زوایای جدیدی از رابطه جنسیت و زبان را در باب متن دینی گشوده و فهم دقیق‌تری از مضامین جنسیتی متن دینی را ممکن سازد.

معاون علمی رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بیان داشت: اصول فقه متکفل تبیین چگونگی استنباط احکام فقهی و استدلال صحیح فقهی است، ازین رو می‌توان اصول فقه را منطق و متدلوژی فقه دانست.

بنیادی در ادامه عنوان کرد: رابطه جنسیت و استنباط احکام فقهی از دو منظر تأثیر جنسیت بر استنباط احکام به عنوان عاملی در فرد مستنبط احکام و دیگری از منظر مسئله‌بودگی جنسیت در عملیات فنی استنباط و روش‌شناسی استنباط فقهی قابل بررسی است.

وی به واژه «جنس زبانی» اشاره کرد و اظهار داشت: «جنس زبانی» به معنای عنصر زبانی منسوب به جنس و جنسیت در نظام‌های زبانی است؛ به تعبیری دیگر، «جنس زبانی» حاصل تبلور جنس و جنسیت در زبان است. این تبلور از چشم زبان‌شناسان زبان عربی پنهان نمانده است. لذا مؤنث و مذکر در زبان عربی، مسائل گسترده‌ای را در مباحث صرفی، نحوی و ادبی به خود مشغول کرده‌اند.

پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه در ادامه درباره مباحث اصولی درگیر با مسئله از جمله عموم و خصوص، اطلاق و تقييد، اجمال و تبیین، اشتراك لفظی، ظهور، اصول لفظی، مقدمات حکمت، قاعده فقهی اشتراك تکلیف، موضوع الغای خصوصیت (تنقیح مناط) و مفهوم قرینه توضیحاتی ارائه داد.



نشست تخصصی «جنسیت و فقه» در دومین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست تخصصی، حجت‌الاسلام والمسلمین حسین بستان، مدیر گروه پژوهشی فقه زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به تبیین رویکردهای نص، قاعده، سیره و عقل در بحث جنسیت و فقه و اصول پرداخت و عنوان کرد: فقه جنسیت، ناظر به مسئله مستحدثه تغییر جنسیت نیست. جنسیت، به‌مثابه یک اصطلاح جدید در علوم اجتماعی به تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان زن و مرد اطلاق می‌شود.

مدیر گروه پژوهشی فقه زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بیان داشت: نقطه مقابل جنسیت، اصطلاح جنس قرار دارد و مراد از آن، تفاوت‌هایی است که به‌طور فیزیکی و طبیعی میان زن و مرد وجود دارد. اما تفاوت‌هایی که علی‌رغم ریشه‌های زیستی، بیشتر بار اجتماعی داشته و در اجتماع بروز پیدا می‌کند، تفاوت جنسیتی می‌نامند.

حجت‌الاسلام والمسلمین بستان توضیح داد: برای مثال؛ تفاوت پوشش زن و مرد ریشه در ذات و طبیعت آنان ندارد، بلکه امری است که دین یا فرهنگ جامعه چنین پوششی را تعیین کرده‌اند؛ یا الگویی برای تقسیم کار که اولویت در برخی شغل‌ها با مردان است، این تفاوت‌های نقش‌های اجتماعی و تفاوت فعالیت‌ها و تفاوت شغلی که انجام می‌دهند، یک تفاوت جنسیتی است.

وی تصریح کرد: هدف فقه جنسیت این است که تفاوت‌هایی را که به لحاظ اجتماعی میان زن و مرد وجود دارد، بررسی فقهی کند تا صحت و سقم این تفاوت مشخص شده و اعتبار شرعی آن تعیین گردد. هرچند برخی از مباحث، ناظر به جنسیت در ابواب مختلف فقهی آمده و احکام آن بیان شده است، در عین حال جمع کردن این مباحث از ابواب مختلف، ذیل عنوان «فقه جنسیت» دارای فوایدی از جمله انسجام مباحث، افزوده علمی، طرح احکام ثانوی، است.

مدیر گروه پژوهشی فقه زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در ادامه گفت: در بحث جنسیت، یکی از روش‌های دسته‌بندی مباحث در علوم اجتماعی، تقسیم‌بندی براساس نهادهای اجتماعی است که از این دست می‌توان به نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهاد آموزش و پرورش، نهاد سیاست یا حکومت، نهاد دین و نهاد قانون اشاره کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین بستان اظهار داشت: مباحث مربوط به «فقه جنسیت» بسیار مفصل و بخش قابل‌توجهی از این مباحث مربوط به خانواده است. در موضوع خانواده، یکی از این مباحث «استقلال دختر باکره رشیده در ازدواج» است که از گذشته تاکنون مطرح بوده و از جهاتی دارای اهمیت است.

وی افزود: یکی از مسائل مهم فقه جنسیت، مربوط به «تعدد زوجات» است، اسلام به مرد اجازه داده که با چهار زن می‌تواند ازدواج کند، در حالی که زن مجاز است، تنها با یک مرد ازدواج کند. علت این حکم، منشأ شبهه شده و از مهمترین شبهات فمینیستی است و بسیار بر آن تأکید شده است.

مدیر گروه پژوهشی فقه زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها اضافه کرد: موضوع دیگر، بحث «حضانة» است، منظور از حضانة؛ نگهداری از فرزند است، در مقابل ولایت (سرپرستی)، که حق تصرف در اموال و ازدواج و غیره است. حضانة، بیشتر مربوط به نگهداری فیزیکی و مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه و غیره است.

حجت‌الاسلام والمسلمین بستان در ادامه به موضوع «شبه قاعده» اشاره کرد و گفت: در موارد مختلفی از بحث‌های فقه جنسیت می‌توان به موضوع «شبه قاعده» استناد کرد، از جمله نقش سیره در فهم روایات است، روایاتی که ناظر به زنان است، اعم از بحث‌های فقهی، ارزشی، جایگاه و شخصیت زن که از جمله بحث‌های چالشی روز بوده و از این زاویه، شبهات بسیاری مطرح می‌شود.

وی به انواع قضایای منطقی مانند مشورت با زنان، مخالفت با زنان در روایات که مباحث کاملاً جنسیتی است، اشاره کرد و بیان داشت: در بحث‌های فقهی فقها گاهی به عمومات استدلال می‌کنند، مثلاً در جایی که شک و تردید هست به عموم قرآنی رجوع می‌شود و استنباطی از آن صورت می‌گیرد، حال آنکه شاید باید تا حدی به جایگاه قرآن به نحو متفاوتی نگریسته شود.

مدیر گروه پژوهشی فقه زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به قاعده مماثلت، گفت: یکی از قواعدی که در بحث فقه جنسیت گاهی بدان استناد می‌شود، قاعده مماثلت است که از آیه شریفه «وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) گرفته شده و برای زنان است، مثل آنچه بر عهده آنان است، البته با قید معروف یعنی معروف باید رعایت شود.





نشست علمی پژوهشی «تاریخ و روش‌شناسی مطالعات جنسیت» در نخستین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در سالن جلسات آموزشگاه امام رضا علیه‌السلام برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم سمیه حاجی اسماعیلی، مدیر گروه علمی مطالعات زنان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به معرفی و فرایند تاریخی رشته «مطالعات زنان» پرداخت و در ادامه اظهار داشت: در رشته «مطالعات زنان» به مرور زمان، تمرکز از جنس زن و مرد به جنسیت که بر ساخته فرهنگ و جامعه است، تغییر کرد، به طوریکه موضوع فمینیست از نسخه جهانی کلی خارج شد و رشته «مطالعات زن» به «مطالعات زنان» تغییر کرد تا همه اقوام و ملیت‌ها و غیره را شامل شود.

مدیر گروه علمی مطالعات زنان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها افزود: رشته «مطالعات زنان» متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی در حال تغییر است، به طوریکه بعدها در بدنه جامعه، بحث تکثر صدای زنانه مطرح شد و به مرور زمان زمینه‌ای فراهم شد که «مطالعات زنان» به «مطالعات جنسیت» شیفت پیدا کند.

حاجی اسماعیلی ادامه داد: تغییر رشته مطالعات زنان به مطالعات جنسیت، پایان قصه نیست، آنها به طرز عجیبی می‌خواستند به مطالعات همجنس‌گرایی مشروعیت دهند که این کار به صورت افراطی صورت گرفت تا ذیل بحث مطالعات زنان به این موضوع صدا دهند.

وی بیان داشت: تمرکز بر بحث مطالعات جنسیت باعث می‌شود که زنان از مرکز و ثقل توجه خارج شوند. این سوال روی میز هست که چه کسانی از این موضوع سود می‌برند که این مباحث را پیگیری می‌کنند.

مدیر گروه علمی مطالعات زنان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: ما می‌توانیم عرصه‌هایی از مباحث جنسیت و مطالعات زنان که به آن پرداخته نشده با رویکرد دینی بپردازیم.

حاجی اسماعیلی یادآور شد: رشته «مطالعات زنان» در کشورهای غربی با این هدف به وجود آمد که بازوی دانشگاهی در مسائل فمینیستی باشد، اما در ایران، بر مبنای دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) بود تا به دنبال ارائه الگوی اسلامی برای بهبود وضعیت زنان باشند، بر همین اساس، در دانشگاه‌ها رشته مطالعات زنان را با توجه به اصل تحکیم خانواده تأسیس کردند تا به تربیت کارشناسان با هدف تبیین دیدگاه‌های اسلامی بپردازند.

وی با اشاره به راه اندازی رشته مطالعات زنان در اواخر سال ۷۸، گفت: این رشته در سال ۸۰ برای اولین بار پذیرش دانشجو داشت و سال ۹۰ برای سطح دکتری دانشجو پذیرفتند. اما این رشته به مرور رویکرد انتقادی پیدا کرد.

مدیر گروه علمی مطالعات زنان جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: در حوزه، رشته مطالعات اسلامی زن و خانواده راه اندازی شد تا در برابر نفوذ جریان‌های فمینیستی پاسخگو باشد.



نشست علمی پژوهشی «جنسیت و علوم اسلامی» در نخستین روز پیش رویداد پژوهشی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به عنوان نشست پایه ای برگزار شد.

در این نشست، سرکار خانم بتول سادات بنیادی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه به ضرورت موضوع «جنسیت و علوم اسلامی» پرداخت و اظهار داشت: امروز جنسیت در ساحات مختلفی از تشابه و تمایز در حال بازشناسی انسان است. محصول این بازشناسی‌ها، نظام اندیشه بشری و بالتبع حیات فرهنگی و اجتماعی و فردی انسان را دگرگون کرده است؛ به گونه ای که این امر در مورد فمینیسم بیش از هر جریان دیگری، زندگی زنان را در جوامع مختلف دستخوش انواع تنشها و آسیب‌ها ساخته است.

این پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه افزود: در این میان، علوم اسلامی به عنوان یک نظام اندیشه ورزی، شایسته و نیازمند شناسایی این مقوله انسانی و بررسی ابعاد مختلف آن در ارتباط با معارف اسلامی و ارائه نظریات متناسب با اسلام و بشر امروز است.

بنیادی تصریح کرد: مسئله جنسیت نه به جهت احقاق حقوق زنان بلکه به جهت ضرورت شناخت ابعاد وجودی انسان، حیات بشری و یافتن رویکرد متناسب ساحات مختلف اندیشه اسلامی با آن، دغدغه علوم اسلامی و اندیشمندان مسلمان است.

وی بیان داشت: مطالعات جنسیت (Gender Studies) یکی از حوزه‌های جدید علمی است که در دانشگاه‌های معتبر جهانی مورد توجه قرار گرفته است. مسایل این حوزه مطالعاتی به ساحات مختلف حیات بشری مرتبط است؛ لذا روش شناسی بسیار متنوع و گسترده ای را مورد استفاده قرار می‌دهد.

معاون علمی رویداد پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: علوم اسلامی به عنوان میراث اندیشه اسلامی که می‌کوشد در جهان بسیار پرشتاب کنونی هویت خود را حفظ و همپای بشر امروز پیش بیاورد، نمی‌تواند از شناسایی «جنسیت» به عنوان یک مشخصه گسترده و پیچیده انسان که در تمام ساحات وجودی وی در تنیده است، غفلت کند. در این راستا نیازمند شناسایی و تعریف چهارچوب‌های نظری و روش‌شناسی دقیق هستیم که بتواند علوم اسلامی را به زاینده‌گی و تولید دانش در حوزه جنسیت وادار سازد.

بنیادی با تأکید بر اینکه هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی باید مقوله جنسیت را شناسایی کرده و نقش و تأثیر آنرا در ابعاد مختلف بررسی کند، گفت: ما در رویداد پژوهشی پژوهشگاه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بنا داریم که دنبال طرح این مهم و آمایش نظری اولیه باشیم.

وی در ادامه به مفهوم جنسیت و ابعاد هویتی آن پرداخت و اظهار داشت: امروز نظریات مختلف فلسفی، اجتماعی، روانشناختی در باب جنسیت وجود دارد که هر یک به نحوی بر علوم انسانی و مطالعات زنان تأثیرگذارند.

این پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه دو عنصر همسانی و تمایز بین دو جنس انسانی، در شکل دهی مفهوم جنسیت کلیدی هستند، گفت: برخی از نظریات (نظریه اجتماعی جنسیت) بر استقلال کامل جنسیت از جنس تأکید می‌کنند و جنسیت را به طور کامل بر ساخته فرهنگ و اجتماع می‌دانند. در مقابل، برخی نظریه‌ها (نظریه ذاتی جنسیت) تماماً آنرا منبعث از جنس و عوامل ذاتی و زیست‌شناختی همچون ژن و هورمون‌های جنسی می‌دانند.

بنیادی با بیان اینکه نحوه شناسایی جنسیت در علوم و دانش‌های مختلف بسیار گسترده و متفاوت است، عنوان کرد: این مفهوم پیچیده در تمام ساحات حیات انسانی با وجود انسان تنیده است و شناسایی آن به عنوان موضوع علمی و پژوهشی نیازمند دقت نظری و روشی بسیار بالاست.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به وجود جریان‌های رادیکال اجتماعی سیاسی زنان در سطح جهانی، به نظر می‌رسد در مطالعات جنسیت، انگیزه‌هایی در دیگر ساحات (اغلب حقوقی و سیاسی) عامل راهبر بوده است؛ امری که در مطالعه نظریات جنسیت نباید از نظر دور داشت.

معاون علمی رویداد پژوهشگاه جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در ادامه با بیان اینکه مفهوم «علم» یکی از پرچالش‌ترین مفاهیم دانش بشر است، اظهار داشت: این چالش‌ها که در باب علم و معرفت در ذهن بشر روی داده اند، در مورد علوم و معارف اسلامی نیز مطرح شده اند؛ لذا چیستی و ماهیت علوم اسلامی یکی از مسائل امروز ماست.

بنیادی افزود: هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی به عنوان یک نظام علمی، باید بتواند ارکان معرفتی خود را تبیین و تصویری علمی از مسائل و روش‌شناسی خود به دست دهد و موضوعات خود را با روش‌های قابل ارزیابی و منسجم‌شناسایی و روش‌شناسی خود را تبیین و دفاع کند.

وی خاطر نشان کرد: یکی از مفاهیمی که موضوعات بسیار گسترده‌ای را در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی به چالش کشیده، مفهوم نوپدید «جنسیت» است.

این پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه تصریح کرد: علوم اسلامی باید بتواند ابزار نظری و تئوریک مطالعه اسلامی جنسیت را فراهم سازد، در غیراین صورت، در فهم و مدیریت مسائل جنسیت به ناچار تابع جریان‌ها و پارادایم‌های ناهماهنگ با دین و فرهنگ اسلامی خواهیم بود.

بنیادی در پایان تأکید کرد: رهایی از این جریان‌ها و پارادایم‌های سلطه‌گر، جز با زایش درونی علوم و معارف اسلامی در زمینه جنسیت ممکن نخواهد بود؛ لذا ضروری است تمام امکانات نظری علوم اسلامی فراخوانده شده و جنسیت به مثابه ابژه‌شناسایی به نظام معرفتی آن عرضه شود.

## ۶۲. رسالت زن تراز انقلاب در تعارض حق استیلااد مثبتہ وی با حکم حکومتی

۱۵/۰۶/۱۴۰۱ •



کرسی آزاداندیشی «رسالت زن تراز انقلاب در تعارض حق استیلااد مثبتہ وی با حکم حکومتی» امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها و به همت معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

خانم مریم زارع به عنوان ارائه دهنده، خانم افتخار یوسفی به عنوان ناقد و خانم شاهرخی به عنوان دبیر کرسی حضور داشتند و خانم سبحانی، داور ثابت و خانم سرکشیکیان، ناظر علمی این کرسی بودند.

خانم زارع در ابتدای این کرسی به بیان ادله و مبانی اثبات حق استیلااد زوجه پرداخت و با اشاره به قاعده سلطنت، اظهار داشت: با بررسی قاعده سلطنت و بیان آرای مخالف و موافق در زمینه سلطنت رحم زوجه به این مهم دست می‌یابیم که چنانچه زوجه در تصرفات خود نسبت به رحم شک کند که تصرف وی مشروع است و منافاتی با حقوق زوج دارد یا نه، قاعده سلطنت در ما هو المشروع آزادی تصرفات را اثبات می‌کند.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها افزود: در «ما نحن فیه» در صورتی که سلطنت زوجه بر رحم با حقوق زوج در تمکین خاص در تعارض قرار گیرد، حقوق زوج مقدم بر حق سلطنت زوجه است.

زارع در ادامه به شرط ضمن عقد اشاره کرد و گفت: شارع با ضمانت اجرای تکلیفی (حرمت یا کراهت بنا بر اختلاف موجود در مسئله) و وضعی (وجوب یا استحباب پرداخت دیه به زوجه بنا بر اختلاف موجود در مسئله) از فرزندآوری حمایت می‌کند. از سوی دیگر، عرف نیز لزوم فرزندآوری را در صورت انعقاد نکاح دائم تأیید کرده و معتقد است که اگر هر یک از زوجین، تمایلی به فرزندآوری ندارند و قصد دارند که هیچ‌گاه فرزند نداشته باشند، لازم است از ابتدا بیان کنند و در غیر این صورت، نوعی فریب طرف مقابل محسوب می‌شود.

وی با اشاره به قاعده لا ضرر، خاطرنشان کرد: لسان قاعده لا ضرر، نافی نیست و قدرت اثبات حکم را نیز دارد؛ بنابراین با تنقیح مناط از حکم مذکور در مواردی که زوجه به دلیل فرزندآوری یا عدم فرزندآوری از

طریق زوج، دچار زیان‌های معنوی و روحی می‌شود، با استناد به این حق، در صورت امتناع زوج از فرزندآوری یا عدم فرزندآوری، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را مجبور به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در ادامه به آثار مترتب بر حق استیلا زنی شامل حقوق مثبت برای زنان شوهردار و حقوق مثبت برای زنان غیرباکرة فاقد همسر یا شوهردار همراه با رضایت زوج اشاره کرد.

زارع در ادامه با اشاره به حکم تکلیفی فرزندآوری، گفت: به دلیل آیات و روایاتی مانند «تناکحوا تناسلوا» که ظهور در امر دارند و به حکم عقل، امر به فرزندآوری، امری کلی است که یک غرض دارد و غرض آن حفظ نسل بشر است.

وی توضیح داد: این امر به گونه‌ای است که اگر همه انجام ندهند، همه عقاب می‌شوند؛ چرا که مطلوب شارع را که بر مبنای تواتر معنوی آیات و روایات ثابت شده بود (یعنی فرزندآوری به منظور بقای نسل بشر) ترک کرده اند؛ و اگر همه انجام دهند همه ثواب می‌برند و اگر عده‌ای انجام دهند به نحوی که غرض شارع از آن الزام و امر، که در اینجا حفظ نسل است، حاصل شود، امر از بقیه ساقط شده و همین امتثال بعضی کفایت می‌کند.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها همچنین به مباحثی چون فرزندآوری از نگاه ولی فقیه و حل تعارض با حقوق مثبت، اختیارات حکومتی و قلمرو آن، اثبات ضرورت فرزندآوری با عنایت به منویات مقام معظم رهبری، تکثیر نسل برای حفظ نظام اسلامی وظیفه‌ای عمومی، مسئله تحدید نسل، خطری جدی برای کشور و فرزندآوری از مهم‌ترین وظایف زنان در پیشرفت کشور اشاره کرد.

زارع با اشاره به رسالت زن تراز انقلاب در تعارض حق و حکم تکلیفی فرزندآوری با حکم حکومتی، گفت: مقوله استیلا در حوزه فردی رسالت زن از دغدغه‌های امروز جامعه است. فارغ از حقوقی که در باب استیلا به اثبات رسید و حکم تکلیفی و جوب کفایی، ضرورت فرزندآوری در کلام ولی فقیه، رسالت زن تراز را در این امر به مراتب بیش از وجوب کفایی دانسته و شاید بتوان اذعان کرد زن تراز با نگاه الگوی جهانی در شرایط حاکم جهت تبیین عملی در حوزه فرزندآوری ملزم به تولید نسل و بالتبع تربیت نسل مذکور است.

وی تصریح کرد: لازمه الزام زن تراز در حوزه استیلا، مهیا کردن بستر جامعه و رفع موانع جهت رسیدن به اهداف عالی نظام است، لذا پیشنهاداتی در راستای رسیدن به هدف افزایش جمعیت چه از جنبه کمی و چه کیفی ارائه می‌گردد.



نشست علمی «راهبردهای تربیت زن تراز انقلاب» امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در سالن جلسات معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

در این جلسه اعضای انجمن علمی پژوهشی مطالعات زن و خانواده جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها حضور داشتند که خانم عفت عرب زاده به عنوان سرگروه و خانم‌ها ثنا بوژند، اعظم شیری، دینا بوژند، لیلا عباسی و فاطمه عبائی دیگر اعضای این میزگرد بودند که مباحث راهبردهای تربیت زن تراز انقلاب را مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

در این نشست به موضوعات جایگاه ارزشی زن، سطح خلقت و آفرینش زن، سطح خانوادگی، سطح اجتماعی، کرامت انسانی، اثرگذاری اجتماعی زنان، مدیریت کانون خانواده توسط زنان و زنان به عنوان تربیت‌کننده نیروی انسانی اشاره شد.

همچنین بی‌بدیل بودن نقش‌های زنانه، نوع خلقت زن و همچنین عواطف و احساساتی که خداوند در وجود زن به ودیعه نهاده است و او را برای پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌هایی آماده کرده است که هیچ‌کسی به جزء زن نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد، مورد بحث قرار گرفت.

حفظ شأن انسانی زن در جامعه، برابری زن و مرد در ارزش‌ها، شکوفایی استعداد زن، رسیدن زن به کمال وجودی که از جمله اهداف اصلی در بحث زن و خانواده هستند، مورد بررسی قرار گرفت و بایسته‌های مسائل زنان نیز تبیین شد.

نقش اصلاحی و پرورش دهنده زن در جامعه به عنوان عنصر اصلی تشکیل خانواده، احقاق حقوق زن بر اساس بینش خردمندانه و حقایق هستی، عدم پیروی از غرب در مسئله زن و تجربه ناموفق غرب در مسئله زن و در نهایت حفظ حرمت و کرامت زن از دیگر مباحث مورد گفتگو در این میزگرد بود.



در این جلسه، خانم دکتر زهرا موسوی به عنوان ناظر علمی و خانم سمیه مالمیر به عنوان داور ثابت حضور داشتند که ضمن قدردانی از این فعالیت پژوهشی، به بیان نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود پرداختند.



کرسی آزاد اندیشی «بررسی مبانی فقهی جرم انگاری بدحجابی در نظام اسلامی» امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها از سوی معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

خانم سیده کبری وفایی به عنوان ارائه دهنده، خانم مریم برقی به عنوان ناقد و خانم شاهرخی به عنوان دبیر کرسی حضور داشتند، همچنین خانم فرزانه سبحانی، داور ثابت و خانم مریم زارع، ناظر علمی این کرسی بودند.

خانم وفایی در ابتدای این جلسه با بیان اینکه حجاب یکی از اساسی‌ترین احکام دین اسلام و از ضروریات و واجبات آن به شمار می‌آید، عنوان کرد: حجاب شامل مجموعه‌ای از اصول مورد تأکید دین در زمینه پوشش، رفتار و گفتار زنان در جامعه اسلامی است؛ بر این اساس، «بدحجابی» مفهومی است که با کوتاهی در التزام عملی به بخش یا بخش‌هایی از اجزای تشکیل‌دهنده حجاب، محقق می‌شود و عمدتاً به پوشش و رفتار غیراسلامی زن در عرصه اجتماع ناظر است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به موضوع این کرسی که به واکاوی جرم انگاری بدحجابی در نظام اسلامی و ابعاد حکومتی و تبعات اجتماعی آن پرداخته است، گفت: نتایج حاصل از این پژوهش به مباحث چالش برانگیز مرتبط با جرم بودن بدحجابی که بین متخصصان دینی وحتى غیردینی رایج می‌باشد، پاسخ داده است.

وفایی به مفاهیم مبانی فقهی، جرم و جرم انگاری اشاره کرد و در ادامه، ادله فقهی جرم انگاری بدحجابی، ادله تلازم حرمت و جرم انگاری و معیار جرم انگاری را توضیح داد.

وی با بیان اینکه حجاب یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین احکام و از ضروریات مورد تاکید دین اسلام است، گفت: رعایت یا عدم رعایت حجاب در رشد و تعالی فرد و جامعه مؤثر است، از طرفی دین در نظام اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و عنصر اصلی آن را تشکیل می‌دهد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بیان داشت: حجاب به معنای پوشش شرعی و اسلامی زنان دارای دو بعد ایجابی و سلبی است که بعد ایجابی آن، لزوم رعایت پوشش بدن در برابر نامحرم و بعد سلبی آن، پرهیز از تبرج و خودنمایی است.

وفایی اظهار کرد: مستنداتی مانند ادله تعزیرات، ولایت حکومت بر شئون مردم، حفظ نظام و ادله امر به معروف و نهی از منکر، بر جواز دخالت حکومت در مقابل بدحجابی دلالت دارد؛ بنابراین علاوه بر اینکه بدحجابی بر اساس منابع فقهی حرام است، مبتنی بر اصولی همچون قاعده حفظ نظام و اصل استحکام خانواده و... مغایر با هنجارهای حکومت اسلامی بوده و جرم تلقی می‌شود.

وی تصریح کرد: فرد بدحجاب بعد از آگاه شدن با احکام حجاب، اگر تغییری در بهبود وضعیت خود نداد، مجرم تلقی می‌شود و لازمه جرم بودن بدحجابی، گناه بودن آن و اختلال در نظام اجتماعی است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها خاطرنشان کرد: با توجه به اجتماعی بودن مسئله حجاب و حق الهی بودن آن، حاکم اسلامی مکلف است در راستای حفظ نظام و دفع مفساد اجتماعی، این واجب الهی را در جامعه برپا دارد، البته این امر در صورتی محقق می‌شود که حکومت در این زمینه اختیاراتی داشته باشد و اوامر حکومتی از سوی مردم نیازمند ضمانت اجرایی است.

در این کرسی، خانم مریم برقعی به عنوان ناقد کرسی به بیان نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود درباره این موضوع پژوهشی پرداخت و خانم فرزانه سبحانی به عنوان داور ثابت و خانم مریم زارع به عنوان ناظر علمی، نظرات و پیشنهادات خود را ارائه کردند.

## ۶۵. عفاف و حجاب در شبکه مسائل زن و خانواده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

۱۵/۰۶/۱۴۰۱ •



به گزارش روابط عمومی، کرسی آزاداندیشی «عفاف و حجاب در شبکه مسائل زن و خانواده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها از سوی معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

در این کرسی آزاداندیشی، خانم عفت عرب زاده به عنوان ارائه دهنده، خانم سمیه حاج اسماعیلی به عنوان ناقد و خانم کوثر میرزایی به عنوان دبیر کرسی حضور داشتند، همچنین خانم فرزانه سبحانی، داور ثابت و خانم خدیجه حسین زاده، ناظر علمی این بخش از رویداد بودند.

خانم عرب زاده در ابتدای این کرسی، به ضرورت و اهداف این پژوهش از جمله ضرورت توجه نظام‌مند به مسئله زن و خانواده، تبیین نظام‌مند مسئله حجاب مبنا برای فعالیت‌های تبلیغی و پژوهشی اشاره کرد.

در این کرسی، مباحثی چون جایگاه عفاف در مسئله زن، ضرورت پرداختن به مسئله حجاب، وجوه مسئله‌گی حجاب، ماهیت حجاب، انواع حجاب، سیر تطور وضعیت حجاب، دستاوردهای حجاب، آسیب‌های بی‌حجابی و بدحجابی، اهداف و راهبردهای دشمن در مسئله حجاب و همچنین راهبردهای ترویج حجاب مطرح شد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به توضیح مسئله عفاف و حجاب در عرصه‌های زندگی زن مسلمان در سه محور شخصی-معنوی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب مدظله العالی پرداخت.

عرب زاده در ادامه با بیان اینکه مسئله حجاب در رابطه با الگوی زن مسلمان غیرقابل اغماض است، گفت: در گفتمان اسلام، حجاب تنها یک پوشش نیست، بلکه خود منظومه ای از مسال به هم مرتبط و پیچیده است که آثار گوناگونی در پی خواهد داشت.

وی به جایگاه عفاف در مسئله زن اشاره کرد و گفت: از منظر اسلام، حجاب عفاف را در بر می گیرد و رابطه میان عفت و حجاب آنقدر در هم تنیده است که در بسیاری از مواقع، مورد غفلت واقع می شود، با این حال دشمن به درستی دریافت که برای دستیابی به اهداف خویش، کجا را نشانه بگیرد، همانگونه که در اسلام، مقصود از حجاب، حفظ عفاف و حریم زن و مرد است، در افق تمدن غرب، مراد از آزادی و تشخیص زن از بین رفتن همان عفاف و حریم است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام الله علیها با اشاره به وجوه مسئله حجاب، به بیان جهان بینی و مبانی نظری، پیامدهای عدم رعایت حجاب، حریم به مثابه یکی از اصول تفکر اسلامی، عدم تأثر از هجمه تبلیغات دشمن، آگاهی بخشی، تشخیص مفاهیم و ایده پردازی جهانی پرداخت.

عرب زاده در ادامه به ماهیت حجاب اشاره کرد و با اشاره به فرموده رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، حجاب را از فروع دین و مصداق تقوا دانست.

وی به حجاب زنان الگو از جمله حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام اشاره کرد و در ادامه سیر تطور وضعیت حجاب را در صدر اسلام، در دوران مدرنیته، در غرب امروز و در دوران پهلوی، اوایل انقلاب و امروز ایران توضیح داد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام الله علیها در ادامه به فواید و دستاوردهای حجاب اشاره کرد و تحکیم خانواده، تحکیم نقش مادری و همسری، طهارت جامعه، دفع دشمن و نشانه تسخیرناپذیری انقلاب و فرهنگ اسلامی، الگوسازی فرهنگی و ایرانی برای جهان، عفت و عصمت جنسی، حضور ایمن زن در صحنه های اجتماعی، ایجاد الگوی جدید برای زیست زن مسلمان ایرانی، عامل ارزشمندی و شخصیت زن، حفظ کرامت زن، امنیت بخشی به زن و مرد و استقلال هویتی و فرهنگی زنان را از جمله این دستاوردها دانست.

عرب زاده همچنین به آسیب های بدحجابی و بی حجابی اشاره کرد و گفت: ناکارآمدی نقش های متعالی زنان در خانواده و اجتماع، ناکارآمدی الگوی مشارکت اجتماعی، انحراف جامعه، شکسته شدن سد عفاف و ترویج فرهنگ برهنگی، دور شدن از شخصیت انسانی جامعه، تهدید خانواده، سرخوردگی زنان، ظلم به زنان، سوءاستفاده از زن از جمله آسیب های بی حجابی و بدحجابی است.

وی با اشاره به اینکه دشمن در مقابله با حجاب و ترویج بی حجابی راهبردهایی دارد، عنوان کرد: از جمله این راهبردها، از بین بردن ایمان صادقانه و راسخ، سیاستگذاری بر پایه شهوت، دگرگون کردن فرهنگ عفاف، القای پیشرفت با واردات فاضلاب مدرنیته، بی ارزش کردن ارزش های انسانی و زنانگی، اجباری کردن بی حجابی، استفاده از ظرفیت همه دستگاه ها برای مقابله با حجاب، برنامه ریزی و ورود شبکه

سازی شده برای تمام سطوح سنین، ترویج نام‌ها و نمادهای فاسد، اهانت و تهمت به افراد و گروه‌های مؤمن به حجاب و ترویج فیلم‌های ضد حجاب هستند.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به راهبردهای ترویج حجاب و مقابله با بدحجابی اشاره کرد و بیان داشت: مرزبندی بین زن و مرد، پرهیز از تبرج، بهره‌برداری از هنرهای نمایشی و تجسمی و نوشتاری، مقابله برنامه‌ای با ترویج شهوت، پرهیز از افتادن در کلیشه‌های ضد حجاب، ایستادگی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، آگاهی بخشی از برنامه‌های دشمن، افشای راهبردهای دشمن در نهادینه کردن بی‌حجابی، ایجاد موج تبلیغاتی برای حجاب، ترویج منطقی افکار اسلامی، اصلاح نگاه به افراد بدحجاب، ارائه الگوهای موفق سازمانی و مصداقی، سالم‌سازی محیط‌های آموزشی و نهی از منکر از جمله راهبردهای ترویج حجاب و مقابله با بدحجابی هستند.

## ۶۶. ساختار شناسی جایگاه زن و نقش هویت‌سازی آن در حاکمیت اسلام و سایبرنتیک

۱۵/۰۶/۱۴۰۱



میزگرد علمی «ساختار شناسی جایگاه زن و نقش هویت‌سازی آن در حاکمیت اسلام و سایبرنتیک» عصر امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها از سوی معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

این میزگرد به همت گروه انجمن علمی پژوهشی فلسفه تشکیل شد و خانم مرجان عباسی به عنوان سرگروه و خانم‌ها فاطمه ملایی، کبری جهانی، حمیده بهمنش، مه لقا ادیب زاده و سیده حانیه مکی دیگر اعضای این گروه به بیان مباحث این میزگرد پرداختند.

خانم عباسی که به عنوان سرگروه در این میزگرد حضور داشت، ابتدا به مباحث جایگاه اصلی زن در نظام آفرینش، حاکمیت طاغوت و حاکمیت طاغوت مدرن، ارکان اصلی حاکمیت سایبری و حاکمیت اسلام اشاره کرد و اظهار داشت: ارکان اصلی حاکمیت سایبری، کنترل اطلاعات و ارتباطات و محاسبات است که منجر به کنترل انسان بر محور اهداف این حاکمیت می‌شود.

استاد و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بیان داشت: حاکمیت طاغوت بر محور تفرد و سودگرایی است، حال آنکه حاکمیت اسلام بر محور وحدت است.

عباسی تصریح کرد: نقش خانواده در حکومت اسلامی به عنوان محور وحدت تلقی می‌شود که در نظام اسلامی تقدس ویژه ای دارد، همچنین زن به عنوان کانون خانواده مطرح است.

استاد و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: امروز غرب از طریق فضای سایبری به دنبال تأثیرگذاری در خانواده است، محور کانونی خانواده در اسلام، زن است و امروز زن را مورد هدف قرار دادند تا کانون خانواده از هم پاشیده شود.

وی تأکید کرد: یکی از راهبردهای دشمن، ایجاد پاندمی‌های متعدد، مردم را به فضای مجازی سوق می‌دهند که این فضای مجازی، فضای حاکمیتی است که برای خود تعریف کردند.

خانم مکی در ادامه این میزگرد، سایبرنتیک را به عنوان فعالیت در فضای مجازی و همچنین کنترل و حاکمیت بر پدیده‌ها از طریق کنترل جریان اطلاعات (معنای دقیق‌تر) تعریف کرد که تقابل تمدنی با حاکمیت اسلام دارد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها افزود: حاکمیت سایبرنتیک بر پایه انسان محوری و نفی خداوند است و تقدس‌زدایی، بی‌غیرتی، بی‌حیایی، حرص و استکبار را در بررسی تمدنی حاکمیت سایبرنتیک شاهدیم، حال آنکه حاکمیت اسلام بر پایه حق‌گرایی و خدامحوری است و تقدس‌گرایی، غیرتمندی، حیا، قناعت و تواضع را به همراه دارد.

خانم جهانی در ادامه به حاکمیت سایبرنتیک اشاره کرد و گفت: حاکمیت سایبرنتیک دشمن به واسطه فضای سایبر و با هدف کنترل جریان اطلاعات، به حوزه حاکمیت کشورها نفوذ می‌کند.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: اهداف سایبری غرب علیه زنان شامل از بین بردن خانواده، حذف حیا، تحریف نقش و جایگاه زن و ترویج تفردگرایی است.

جهانی بیان داشت: یکی از رکن‌های اصلی جهانی‌سازی که از طریق فضای سایبر صورت می‌گیرد، ناکارآمدسازی زن از خاصیت اصلی او است. دانش سایبرنتیک براساس اهداف جهانی سازی خود، به دنبال تحریف جایگاه و کرامت زن از طرق مختلف است.

وی تصریح کرد: یکی از ابعاد جدی مسئله جهانی‌سازی به واسطه فضای سایبر این است که افراد را از فضای فیزیکی به فضای سایبر سوق دهند، از آنجا که فضای فیزیکی عمدتاً بر مسئله خانواده استوار است و رکن اصلی خانواده نیز زن است، بنابراین زن را مورد حمله قرار می‌دهند تا از طریق فضای سایبر بتوانند حاکمیت جهانی را محقق کنند.

خانم جهانی بیان داشت: فرهنگ غربی که ترویج می‌شود، فرهنگ حرص و طمع است که باعث مصرف‌گرایی بیشتر می‌شود و هدف آنها صرفه‌جویی نیست، در این راستا از زن به عنوان ابزار استفاده کردند.

وی افزود: اسلام در مقابل فرهنگ غربی، قناعت را توصیه می‌کند و از آنجا که کلید مصرف‌گرایی و کلید قناعت به دست زن است، زن در این عرصه بسیار تأثیرگذار است.

در ادامه این میزگرد، خانم بهمنش به اصالت انسانیت اشاره کرد و در رابطه با این موضوع، نظر ابوعلی سینا و ملاصدرا را از بیان حضرت آیت‌الله جوادی آملی بیان داشت.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در ادامه، تفاوت و کارکرد عقل نظری و عقل عملی را بیان کرد.

در ادامه خانم ملایی به نظر اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی زن اشاره کرد و در ادامه گفت: زن از دیدگاه شرقی، عنصری بی‌حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی است، زن



از دیدگاه غربی یک ابزار جنسی برای خدمت به مرد و سرمایه داری است، اما زن در دیدگاه رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، نه شرقی و نه غربی است، بلکه به عنوان الگوی سوم مطرح است.

خانم ادیب زاده نیز در این میزگرد با اشاره به الگوی فاطمی، به ویژگی‌های حضرت زهرا علیهاالسلام به عنوان الگو بودن در سیر تاریخی و زندگی آن حضرت از جمله ولایت‌مداری، شفاعت، هدایت اتصال به مطلب و نگاه توحیدی اشاره کرد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها همچنین سیره علمی، سیره اقتصادی و سیره تربیتی حضرت زهرا علیهاالسلام را مورد توجه قرار داد.

## ۶۷. الزامات جهاد تبیین زن تراز انقلاب با الگوگیری از حضرت زینب علیهاالسلام

۱۴۰۱/۶/۱۵



نشست علمی «الزامات جهاد تبیین زن تراز انقلاب با الگوگیری از حضرت زینب علیهاالسلام» امروز سه شنبه ۱۵ شهریور در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به همت معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

این نشست با حضور اعضای گروه انجمن علمی پژوهشی تاریخ با همکاری گروه علمی آموزشی تاریخ تشکیل شد و سرکار خانم صدیقه شاکری به عنوان سرگروه و خانم‌ها زهرا سعیدی، زهرا کبیری پور، زهرا مهرجوئی، فاطمه میری و زهرا بهجتی پور دیگر اعضای گروه حضور داشتند که هر یک از اعضا به تبیین یکی از سرفصل‌های این میزگرد پرداختند.

در ابتدای این نشست علمی، به بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله العالی و اهمیت تبیین اشاره شد، چنانچه تبیین یکی از مهم‌ترین رویکردها و شیوه‌های حرکت انقلاب اسلامی است، چنانچه رهبر معظم انقلاب مدظله العالی در بیاناتی فرمودند: «در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین خیلی اهمیت دارد و کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از جنجال بود.»

اصل دعوت صدر اسلام نیز از جهت عقبه دینی و اعتقادی بر پایه تبیین استوار بوده است، و نکته کلیدی اینکه اگر تبیین نباشد، فرصت برای اغواگری و همراه سازی مردم توسط دشمن در عرصه‌های مختلف باز خواهد شد. در مقطع کنونی بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوء استفاده خواهد کرد. بنابراین بر اساس فرموده رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، همه ما باید در میدان تبیین، حرکت جهادی داشته باشیم.

در این نشست علمی، کلیدواژه‌های «تبیین»، «جهاد» و «جهاد تبیین» توضیح داده شد و در این راستا رسالت حضرت زینب علیهاالسلام در نهضت عاشورا و ویژگی‌های این بانوی باکرامت به عنوان الگویی برای زن تراز انقلاب اسلامی تبیین شد.

همچنین در این نشست، الزامات جهاد تبیین زن تراز انقلاب با الگوگیری از حضرت زینب علیهاالسلام مورد تبیین قرار گرفت که از جمله این الزامات، هماهنگی حضرت با نقشه و طرح الهی، توجه و توسل به خداوند متعال، تکیه بر خداوند و سن الهی و همه امور را جمیل دیدن، رعایت اولویت‌ها، اخلاق مدار، استقامت و پایداری، شجاعت و همچنین تبیین فصیح و بلیغ متناسب با مخاطب هستند.

بهره‌گیری از عاطفه و بیدار کردن احساسات خفته، بهره‌گیری از معارف بلند دینی، بیان حقیقت، دوری از افراط و تفریط و همچنین مداومت در تکرار تا نهادینه شدن ارزش‌ها از دیگر الزامات جهاد تبیین زن تراز انقلاب با الگوگیری از حضرت زینب علیهاالسلام هستند.

در این نشست علمی، عملکردهای تربیتی حضرت زینب علیهاالسلام که یکی از چهره‌های برجسته تاریخ اسلام است، برشمرده شد که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد در تمام زمینه‌ها می‌تواند به عنوان الگو مطرح شود و عملکردهای تربیتی ایشان می‌تواند الگوی مناسبی برای جامعه امروز به ویژه نسل جوان باشد.

مبانی علمی و مبانی شخصیتی اخلاقی حضرت زینب علیهاالسلام از دیگر مباحث مطرح شده در این میزگرد بود.

در این نشست، خانم صفورا سالاریه به عنوان ناظر علمی و خانم سمیه مال میر به عنوان داور ثابت ضمن قدردانی از این اثر پژوهشی به بیان نظرات و پیشنهادات خود پرداختند.

## ۶۸. نقش الگوهای قرآنی در الگوسازی زن تراز انقلاب اسلامی با محوریت آیات سوره تحریم

۱۴۰۱/۶/۱۵



نشست «نقش الگوهای قرآنی در الگوسازی زن تراز انقلاب اسلامی با محوریت آیات سوره تحریم» امروز در دومین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

در این نشست که به همت اعضای گروه انجمن علمی پژوهشی کلام تشکیل شد، خانم زهرا دلآوری پاریزی به عنوان سرگروه و سمیه امیرآبادی، فاطمه الیاسری، فاطمه مطهری و حمیده صنبعی دیگر اعضای این گروه حضور داشتند.

خانم زهرا دلآوری پاریزی در این میزگرد، اظهار داشت: هدف از این فعالیت پژوهشی این بود که از ویژگی‌های الگوهای معرفی شده در سوره تحریم برای ایجاد الگوی زن مسلمان تراز انقلاب اسلامی الگوبرداری و به جامعه بانوان تعمیم داده شود، در این راستا، مبانی کلامی و جنبه‌های اعتقادی آیات این سوره مورد کنکاش قرار گرفته است.

دلآوری پاریزی با بیان اینکه در علم روان‌شناسی و تربیت، نقش الگوهای عینی و واقعی ثابت شده است، خاطرنشان کرد: ما با توجه به خصوصیت کمال‌گرایی بشر و اقتباس صفات الگو و رسیدن به حیات معنوی و معقول نیاز به الگو داریم.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه انقلاب اسلامی با گفتمان تمدنی باید بتواند نمونه زن تراز را به دنیا معرفی کند، تصریح کرد: بهترین راه نجات از الگوهای نامتعادل غربی و شرقی، استفاده از الگوهای معرفی شده در قرآن کریم است که با ذکر ویژگی‌های مهم، ما را به ساختن الگوی تراز می‌رساند.

در این نشست، اهداف این پژوهش، شکوفا کردن استعدادها و ظرفیت‌های حقیقی و انسانی زنان، نشان دادن جایگاه حقیقی زنان و به تبع دفاع از حقوق آنان، تبیین نقش‌های مهم و اساسی زن در عرصه‌های مختلف خانواده و جامعه (باورها و عقاید، فرهنگ، علم، سیاست، اقتصاد، معنویت، اخلاق، تمدن‌سازی) و دور کردن زنان از فضای خصمانه گفتمان فمینیستی غرب و تعارض و رقابت با مردان اعلام شد.

در این نشست ، هریک از اعضای گروه به بیان بخشی از این پژوهش پرداختند که خلاصه این میزگرد به شرح ذیل است:

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و سازنده نیم دیگر هم هستند، اسلام طرفدار تکامل بشر از جمله زن و مرد است و در نگاه اسلام، دو نیمه پیکره بشریت هستند و تفاوتی در انسانیت و فطرت وجودی زن و مرد وجود ندارد.

اسلام انسان را به درستی می شناسد و بنابر صفت عدالت خداوند، در زمینه های تکوین، تشریح و جزا، عدالت را بین این دو جنس رعایت نموده و توانایی ها، تکالیف و حقوق مخصوص به هر جنس را هم عطا کرده است.

وی با بیان اینکه ما برای رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه باید از احکام اسلام الهام بگیریم، عنوان کرد: زن صالح و تراز، به دلیل تاثیر فراوان، نسل خوبی را تربیت می کند و در نتیجه خانواده و جامعه اصلاح می شود.

ما برای شناخت زن تراز انقلاب نیاز به الگو داریم که می توانیم از آیات قرآن کریم بهره مند شویم که بر همین اساس والدین، خانواده و همچنین الگوهای نمادین یا سمبلیک مانند شخصیت های دینی، سینمایی، ورزشی، کارتونی و غیره به عنوان الگو مطرح هستند.

جامعه امروز به ویژه کودکان و جوانان در زمینه الگوبرداری دچار افراط و تفریط فراوان شدند و الگوها نیز دارای افکار و اعتقادات غیردینی و فاسد هستند. لذا الگوهایی باید به جامعه معرفی شود که ضمن دور بودن از آلودگی های اعتقادی و اخلاقی، با فطرت کمال جوی بشر سازگار باشند.

تجربه و علم نشان داده که دل بستن و ارادت به الگو می تواند حرکت در جهت اصلاح و تغییر را راحت و میسر کند؛ قرآن کریم نیز با معرفی انبیاء و اولیای الهی و صفات آنها مثل استقامت، هوشیاری، اخلاص، شفقت، و توجه به خداوند به این نیاز انسان پاسخ درخوری داده است، اما نکته جالب توجه در سوره تحریم، معرفی چهار زن به عنوان نمونه برای جامعه مردان و زنان است.

با توجه به شأن نزول آیات شریفه سوره تحریم و معرفی الگوهای قرآنی، برخی الگوها در قرآن کریم، مثبت و یا منفی هستند که این زنان معرفی شده در قرآن مجید، الگوی صلاح و یا فساد در طول تاریخ هستند.

عمل صالح، ملاک برتری انسان و جنسیت، امری عارضی است، آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم به ویژگی های حضرت مریم علیها السلام اشاره دارد که با توجه به این آیات شریفه، پاکی و طهارت حضرت مریم علیها السلام، برتری حضرت مریم علیها السلام بر زنان عالم و عبادت زاهدانه و متواضعانه باعث شده این بانوی گرامی الگو برای تمام مؤمنان باشد.

در این نشست ، خانم زینب کبیری به عنوان ناظر علمی و خانم سمیه مالمیر به عنوان داور ثابت حضور داشتند که ضمن قدردانی و بیان نکات مثبت این فعالیت پژوهشی، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را ارائه کردند.



نشست علمی تخصصی «حوزه مطالعات زنان با رویکرد قرآنی» امروز دوشنبه ۱۴ شهریور در نخستین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به همت معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

خانم طاهره ماهروزاده مدیر گروه علمی پژوهشی قرآن و حدیث پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها، دبیر علمی این نشست است و خانم ریحانه حقانی، معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها، خانم سکینه آخوند، استاد جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها و خانم مواهب الخطیب استاد حوزه و دانشگاه به عنوان ارائه دهندگان این نشست تخصصی حضور دارند.

در این نشست، خانم ماهروزاده با اشاره به اینکه الگوی زن تراز انقلاب اسلامی به تعبیر رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، الگوی نه شرقی و نه غربی بلکه الگوی سوم زن مسلمان است.

وی بیان داشت: در این نشست تخصصی سه محور مد نظر است، از جمله «تأثیر زنان در فرهنگ سازی و تغییر فرهنگی در جامعه با رویکرد قرآنی»، «تأثیر نگرش‌های مختلف دینی در تبیین جایگاه اجتماعی زنان» و «تأثیر آداب و رسوم‌های اجتماعی در جوامع در تعیین نقش‌های زنان» مورد تبیین قرار می‌گیرد.

#### تأثیر نگرش‌های مختلف دینی در تبیین جایگاه اجتماعی زنان

خانم حقانی با اشاره به تأثیر نگرش‌های مختلف دینی در تبیین جایگاه اجتماعی زنان، عنوان کرد: ما سه رکن اساسی «خود»، «دیگری» و «رابطه خود و دیگری» برای حضور اجتماعی بانوان داریم که باید هر سه در کنار هم باشد، در غیر این صورت آسیب زا است.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها افزود: اگر فقط محوریت «خود» مورد توجه قرار گیرد و زن فقط به خاطر خود در اجتماع حضور داشته باشد، باعث تفکر فمینیستی می‌شود و بحث حیا و عفت مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ حال اگر زن به خاطر دیگران در جامعه حضور داشته باشد، زن به خاطر هم‌رنگ شدن با جامعه، شخصیت مستقل خود را از دست می‌دهد و ابزاری در دست دیگران می‌شود و باعث انفعال در زن می‌شود.

حقانی تصریح کرد: اگر حضور بانوان فقط به محوریت «ارتباط با دیگران» توجه داشته باشد و فقط به خاطر ارتباط با دیگران در اجتماع حضور پیدا کند، آسیب‌زا است و نمی‌تواند به اهداف عالی برای زن تراز انقلاب دست پیدا کند.

وی بیان داشت: اگر زن در حضور اجتماعی با حفظ اصالت وجودی و توجه به زن تراز انقلاب ایفای نقش کند و سه رکن را با هم داشته باشد و به آسیب‌ها هم توجه کند، می‌تواند تأثیرگذار باشد.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به جایگاه متعالی زن در نگاه اسلام، عنوان کرد: وقتی نگاه متعالی اسلام به نقش اجتماعی زن را می‌بینیم، از نگاه اسلام حضور اجتماعی بانوان با توجه به الزامات و آسیب‌ها هیچ اشکالی ندارد.

حقانی در ادامه به دیدگاه ادیان مختلف به جایگاه اجتماعی زنان اشاره کرد و اظهار داشت: اسلام به عنوان دین کامل بر خلاف دیگر ادیان، زن و مرد را از نظر خلقت، انسانیت، استعدادهای انسانی و غیره یکسان می‌داند و در مالکیت و حق وصیت و حضور اجتماعی هم یکسان و مساوی هستند.

وی تصریح کرد: زن و مرد تنها به جهت سیرت وجودی و ویژگی‌های فردی با هم تفاوت دارند، بنابراین به خاطر وظایف و شئونی که برای زن و مرد وجود دارد، احکام زن و مرد متفاوت است که این تفاوت حقوق و احکام، لازمه عدالت است.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها بیان داشت: نگاه اسلام به جایگاه اجتماعی زن مبتنی بر بینش و مبانی درستی است که بدون انحراف به ما رسیده است و زن در اجتماع می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

### **تأثیر آداب و رسوم اجتماعی در جوامع در تعیین نقش‌های زنان**

خانم آخوند نیز با اشاره به تأثیر آداب و رسوم اجتماعی در جوامع در تعیین نقش‌های زنان، به مفهوم آداب و رسوم اجتماعی اشاره کرد و اظهار داشت: یکی از شاخصه‌های فرهنگ، آداب و رسوم است و ارتباط تنگاتنگی بین آداب و رسوم و فرهنگ وجود دارد.

استاد جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به نقش زن در جامعه، عنوان کرد: نیمی از جمعیت انسان‌ها و هر جامعه را زن تشکیل داده است، بنابراین زن در اجتماع، جایگاه خاصی دارد و در جامعه باید کارکردها و نقش‌های خاصی را ایفا کند.

آخوند با اشاره به نقش فردی و اجتماعی زن در جامعه، افزود: نقش مادری و همسری یک زن بالاترین و مهم‌ترین نقش زن در جامعه است و در کنار این دو نقش، می‌تواند نقش‌های دیگری پایه‌پای مردان داشته باشد.

وی در ادامه یادآور شد: آداب و رسوم گاهی مثبت و گاهی منفی هستند، آداب و رسوم مثبت مانند دیدوبازدید یا صلہ رحم، هدیه دادن و غیره باعث ایجاد ارتباط بین مردم می‌شود و تأثیر مثبت در جامعه دارد، اما برخی آداب و رسوم سبب تنزل در جامعه شده و سیر قهقرایی را برای انسان به دنبال دارد.

استاد جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: متأسفانه امروز آداب و رسوم و فرهنگ‌هایی در جامعه حاکم شده که زن مسلمان را به سمت قهقرا می‌کشاند.

وی با اشاره به پیشینه آداب و رسوم در جامعه و تأثیر آداب و رسوم جامعه بر نقش زنان، به عوامل پیدایش آداب و رسوم اشاره کرد و گفت: گاهی آداب و رسوم از طریق تقلید در جامعه حاکم می‌شود، مانند چشم و هم چشمی در ازدواج، تهیه جهیزیه و غیره. گاهی رسم‌هایی را وارد اذهان مردم می‌کنند، مانند شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» که بسیاری از مردم ما تحت تأثیر این شعار قرار گرفتند و این آداب و رسوم به گونه ای نقش اصلی زن را زیر سؤال برده بود.

آخوند بیان داشت: مهم ترین عامل پیدایش آداب و رسوم و فرهنگی که زن را از نقش خود دور کرده است، تهاجم فرهنگی است که ما در این سالها آثار آن را دیدیم.

وی تصریح کرد: گرچه اصل ورود زنان به اجتماع و اشتغال زنان خوب است، اما با توجه به تبلیغات سوء دشمن و تهاجم فرهنگی و بحث رفاه زدگی که باعث کمرنگ شدن نقش مادری و همسری زنان می‌شود، می‌تواند آسیب زا باشد.

استاد جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه زن باید سبب ایجاد آرامش برای همسر و خانواده خود باشد، عنوان کرد: کاهش فرزندآوری و ارتباط عاطفی به دلیل اشتغال زنان، تحت تأثیر آداب و رسومی است که در جامعه حاکم شده است.

وی یادآور شد: یکی از آداب و رسوم، مدیریت بدن است که یکی از بزرگترین مضرات و تهاجم فرهنگی غرب به زن مسلمان است.

### **تأثیر زنان در فرهنگ سازی و تغییر فرهنگی در جامعه با رویکرد قرآنی**

خانم مواهب الخطیب در این میزگرد به تبیین تأثیر زنان در فرهنگ سازی و تغییر فرهنگی در جامعه با رویکرد قرآنی پرداخت و اظهار داشت: شاید این سوال مطرح شود که آیا زنان در فرهنگسازی و تغییر فرهنگ تأثیر داشته اند یا نه؟

مدرس حوزه و دانشگاه به تأثیر زنان پژوهشگر در ایجاد جریان‌ها و نظریه پردازی‌های مختلف اشاره کرد و با بیان اینکه شیوه فهم ما از دین بر فرهنگسازی زنان تأثیر دارد، گفت: ما زنان پژوهشگری داریم که وارد نص قرآنی می‌شوند و در بحث قومیت و نقش و جایگاه زنان ورود کردند.

مواهب الخطیب بیان داشت: امروز جریان‌هایی وجود دارد که برخی زنان پژوهشگر، تفسیر زنانه از قرآن کریم را مطرح می‌کنند و در بحث قانون گذاری‌ها و نقش و جایگاه زنان در جامعه نظریه پردازی می‌کنند و تأثیرگذار هستند.



وی تصریح کرد: زنان می‌توانند در جامعه فرهنگ‌ساز باشند و با مبانی اسلامی می‌توانند در جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فرهنگ‌سازي کنند.

## ۷۰. بازساخت زنان شیعه تراز از قرن چهار تا قرن نهم هجری و ارائه الگو

۱۴۰۱/۶/۱۴



نشست «بازساخت زنان شیعه تراز از قرن چهار تا قرن نهم هجری و ارائه الگو» امروز دوشنبه ۱۴ شهریور در نخستین رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها از سوی معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

در این نشست که به همت اعضای انجمن علمی پژوهشی تاریخ تشکیل شد، خانم نجمه صالحی به عنوان سرگروه و خانم‌ها زهرا کبیری پور، صدیقه عالیپور، صدیقه قصاب ساروی، سیده زهرا محمدی، زهرا سعیدی و طیبه شیرزادیان حضور داشتند.

خانم صالحی در ابتدای این نشست با اشاره به زن تراز انقلاب اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، عنوان کرد: رهبر معظم انقلاب مدظله العالی در بیاناتی فرمودند: «زن در تراز انقلاب اسلامی، زنی است که مورد نظر اسلام بوده، نه زن شرقی است که احساس می‌کند تنها برای گذراندن روزگار به این دنیا آمده است و نه زن غربی است که ابزار جنسی اجتماع باشد»، همچنین معظم له در بخشی از سخنرانی خویش تصریح کردند: زنی مورد نظر اسلام است که بتواند شاخصه‌های مختلف را در عین اینکه فرزندی‌پروری و همسر‌داری را انجام دهد از جنبه‌های علمی، حضور اجتماعی به شکل صحیح، بینش و بصیرت، قدرت تربیت، شجاعت را داشته باشد.»

وی با بیان اینکه زن تراز انقلاب اسلامی در نگاه رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، زنی است که مدیر و محور خانواده باشد و در عین حال علم‌اندوزی داشته باشد، به شاخصه‌های زن تراز انقلاب اسلامی اشاره کرد و در ادامه گفت: بارزترین شاخصه فعالیت بانوان شیعه تراز قرون مختلف در بعد فرهنگی و اجتماعی بوده است.

در این نشست، هر یک از اعضای گروه به معرفی بانوان تراز قرون چهارم تا نهم که در ابعاد مختلف زندگی فعالیت داشتند، پرداختند.

صالحی در ادامه، بیان داشت: حضور و نقش زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را می‌توان به دو بخش پیدا و ناپیدا تقسیم بندی کرد، بخشی از فعالیت‌های زنان را تربیت فرزند، هدایت و مدیریت خانواده تشکیل می‌دهد و بخش دوم، نقش و فعالیت بانوان در جامعه است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: شناخت اثرگذاری بانوان در تاریخ و رفع اتهام منفعل بودن ایشان از نظر اسلام، از مهم‌ترین وظایف حوزه پژوهش‌های تاریخی است.

صالحی عنوان کرد: عملکرد بانوان شیعه در عرصه‌های مختلف می‌تواند الگوی مناسبی برای زنان شیعه امروزی باشد تا در پرتو الگوگیری از این بانوان مجاهد، شاهد حضور مؤثر زنان در زمینه‌های تربیتی، تبلیغی، اجتماعی و سیاسی باشیم .

وی با اشاره به اینکه محدودیت تاریخی شیعیان و کمبود گزارش‌های تاریخی درباره بانوان، امکان پرداختن به ابعاد مختلف موضوع بانوان کمی سخت به نظر می‌رسد، گفت: به طور کلی، با توجه به حکومت‌های مختلف در قرون مختلف، زنان تراز در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتترین بروز و ظهور را داشته اند، اما در برخی قرون نظیر قرن چهارم و هشتم، فعالیت‌های تبلیغی بانوان را نیز شاهدیم.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها یادآور شد: بانوان قرن نهم در اکثر فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی ورود کرده اند.

در این میزگرد، خانم سمیه مالمیر به عنوان داور ثابت و خانم اعظم ابوالحسنی عراقی به عنوان ناظر علمی حضور داشتند که ضمن قدردانی از این فعالیت علمی پژوهشی، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را ارائه کردند.

## ۷۱. نقش سلامت فردی و اجتماعی زنان در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه با تأکید بر آیات و روایات در دوران دومین گام انقلاب اسلامی ایران

۱۴۰۱/۶/۱۴



کرسی آزاداندیشی «نقش سلامت فردی و اجتماعی زنان در بهبود کیفیت زندگی خانوادگی و جامعه با تأکید بر آیات و روایات در دوران دومین گام انقلاب اسلامی ایران» امروز دوشنبه ۱۴ شهریور در نخستین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها در سالن جلسات معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

خانم زهره دانشجو به عنوان ارائه دهنده، خانم سلطان محمدی به عنوان ناقد و خانم مرجان عباسی به عنوان دبیر کرسی حضور داشتند.

خانم دانشجو با اشاره به خصوصیات اخلاقی فردی و اجتماعی در انسان، عنوان کرد: زنان با داشتن برخی خصوصیات اخلاقی می‌توانند در تأمین امنیت و آرامش روانی اعضای خانواده، پرورش نسل جدید، جهت‌دهی به افکار فرزندان در درک درست، تربیت فرزندان سالم و به تبع جامعه‌ای سالم ایفای نقش کنند.

این پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها اظهار داشت: سلامت فردی زنان به معنای سلامت شخصیت آنان است که آن نیز به اعتبار علم، دانش و فرهنگ آنها جلوه‌گر می‌شود؛ یعنی، اگر زنان جامعه‌ای از سلامت روحی و روانی برخوردار باشند، بر علم، دانش، زبان و فرهنگ فرزندان آن جامعه اثر گذار خواهند بود؛ همچنین پیامدهای بسیار خوب دیگری را نیز به همراه خواهد داشت.

دانشجو تصریح کرد: «تدبیر و برنامه ریزی»، «هدف و تمرکز بر آن»، «اراده»، «میانروی»، «صبر و بردباری» از جمله عوامل اثرگذار بر سلامت فردی و نقش زن در خانواده است.

وی با بیان اینکه سلامت اجتماعی زنان به معنی سلامت روانی آنها در ارتباط با دیگران است، گفت: سلامت اجتماعی، شاخص‌های سلامتی در یک جامعه را شامل می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی سکونت دارند و دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، اقتصادی و سیاسی است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها عنوان کرد: «سازگاری»، «حسن خلق» و «اظهار مهر (گوش دادن، خوش زبانی، خوش رویی، همدلی و همزبانی، سپاسگزاری)» از جمله عوامل اثرگذار بر سلامت اجتماعی و نقش زن در جامعه هستند.

دانشجو تصریح کرد: زنان با توجه به ویژگی‌های رفتاری و جایگاهی که در خانواده دارند، می‌توانند در موقعیت کنونی و در گام دوم انقلاب بر سایر اعضای خانواده اثرگذار باشند تا جامعه به انحطاط کشیده نشود.

در ادامه، خانم سلطان محمدی به عنوان ناقد کرسی به نقد این مقاله پرداخت، همچنین خانم سبحانی به عنوان داور ثابت و خانم خدیجه حسین زاده به عنوان ناظر علمی ضمن قدردانی از این طلبه پژوهشگر در ارائه این مقاله، نظرات و پیشنهادات خود را ارائه کردند.

## ۷۲. تبیین سبک زندگی اجتماعی زن تراز انقلاب، با تکیه بر نقش آفرینی در عرصه علوم تجربی

۱۴۰۱/۶/۱۴



دومین میزگرد علمی در رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها امروز دوشنبه ۱۴ شهریور با حضور اعضای انجمن علمی پژوهشی تبلیغ (گرایش حج) در سالن جلسات معاونت پژوهش این مؤسسه علمی حوزوی برگزار شد.

موضوع این میزگرد، «تبیین سبک زندگی اجتماعی زن تراز انقلاب، با تکیه بر نقش آفرینی در عرصه علوم تجربی» بود که با سرگروهی خانم طیبه محمدی و دیگر اعضا شامل خانم‌ها فهیمه جعفری جبللی، آذر ظفری، سیده فاطمه میرزاده و زینب یوسفیان برگزار شد.

خانم زینب یوسفیان در ابتدای این میزگرد، به تبیین سبک زندگی اجتماعی پرداخت و با اشاره به تعریف «جامعه پذیری»، اظهار داشت: اگر فردی فرایند جامعه پذیری را به درستی طی کرده باشد می‌تواند در همه عرصه‌های اجتماعی حضور و زندگی سالم داشته باشد؛ در غیر اینصورت با مشکلات فراوانی روبرو هست که هم خود آسیب ببیند و هم برای دیگران آسیب زا خواهد بود.

این پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها افزود: اسلام برای حضور اجتماعی مردم، ارتباطات آنان با یکدیگر و ارتباط با جنس مخالف، مقررات و قوانینی تشریح کرده که در صورت رعایت آنها، سبک زندگی اسلامی در بعد اجتماعی آن شکل خواهد گرفت.

یوسفیان تصریح کرد: اندیشمندان اسلامی از زنی که با رعایت معیارها و هنجارهای سبک زندگی اسلامی در جامعه حضور سازنده دارد، به انسان گرانبهای دارای نقش و انسان تاریخ‌ساز تعبیر می‌کنند.

وی بیان داشت: انگیزه غرب از حضور زنان در اجتماع با توجه به باورها، هنجارها و سبک زندگی غربی، استفاده و بهره‌وری جنسیتی از زن با شعار آزادی است.

در ادامه، خانم سیده فاطمه میرزاده به تبیین «شاخصه‌های زن تراز انقلاب اسلامی» پرداخت و در این راستا به محورهای معرفتی، ارزشی و رفتاری زن تراز انقلاب اسلامی اشاره کرد.

همچنین خانم آذر مظفری با اشاره به موضوع «چارچوب و ملاک‌های حضور اجتماعی زن»، افزود: حضرت امام خمینی رحمة‌الله‌علیه معتقدند که حضور زن در عرصه اجتماع به معنای ولنگاری زن و مرد نیست، بلکه هر دو با مراعات آداب شرعی از جمله چشم‌پوشی از نامحرم، پرهیز از دست دادن، دوری از خلوت‌گزینی، پوشش مناسب زن و خودداری زن از استعمال بوی خوش می‌توانند بستر حضور زن در اجتماع را فراهم کرد.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها اضافه کرد: رهبر معظم انقلاب مدظله العالی نیز حضور زن در عرصه اجتماع را به شرط رعایت مواردی چون رعایت مسئله محرم و نامحرم در محیط کار، عدم خضوع و تواضع در برابر مرد در محیط کار، تکبر داشتن زن درمقابل مرد بیگانه و به عهده گرفتن مسئولیت‌هایی مثل مدیریت در محل کار بدون اشکال می‌دانند.

مظفری با تصریح بر اینکه حضور زن در اجتماع نباید به خانواده و روابط زناشویی لطمه وارد کند، تأکید کرد: مسئولیت اجتماعی زنان، در کنار اولویت دادن به مسئولیت‌های خانوادگی معنا پیدا می‌کند، اما این مسئولیت خانوادگی نباید مانع حضور و فعالیت‌های اجتماعی زن بشود.

همچنین خانم فهیمه جعفری به تبیین «زنان تراز انقلاب اسلامی در عرصه علوم تجربی» پرداخت.

در این میزگرد، خانم سمیه مالمیر به عنوان داور ثابت و خانم خدیجه حسین زاده به عنوان ناظر علمی حضور داشتند و به بیان نظرات و پیشنهادات خود پرداختند.



کرسی آزاداندیشی «چالش‌های بازگشت به الگوی زن در دوره پهلوی مبتنی بر بیانات رهبر معظم انقلاب» امروز دوشنبه، ۱۴ شهریور در نخستین روز رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

خانم معصومه فاطمی به عنوان ارائه دهنده این کرسی حضور دارد و خانم اعظم ابوالحسنی عراقی به عنوان ناقد کرسی و خانم آمنه شهبازی به عنوان دبیر کرسی هستند.

خانم فاطمی در ابتدای جلسه با اشاره به موضوع زن در دوره پهلوی در بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، عنوان کرد: در بیانات رهبر فرزانه انقلاب مدظله العالی ضمن بیان شاخصه‌ها و معیارهای تراز اسلام و عقلانیت بشری، چالش‌های زن در دوره پهلوی توصیف شده و مسیر طی شده زن دوره پهلوی و دستاوردهای آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

این طلبة و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با اشاره به چالش‌های بازگشت به الگوی زن دوره پهلوی مبتنی بر بیانات رهبری با استفاده از الگوی سوم زن به تبیین چالش‌های پیش روی زن ایرانی در الگوی غربی پرداخت و افزود: در دوره پهلوی، چهار آسیب شامل «تضعیف حجاب و عفاف»، «آرایش‌های بیهوده»، «تجمل‌گرایی»، «مصرف‌گرایی» وجود داشت که دستاورد این آسیب‌ها با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب، «ستم به زن» و «انحطاط زن ایرانی» بوده است.

فاطمی تصریح کرد: وضعیت زن در دوره پهلوی رو به رشد و تکامل نیست و زن از جهت عفاف، حجاب، اخلاق، طهارت، فعالیت اجتماعی، علم آموزی، درست اندیشی و... دچار چالش‌های فکری و عملی شده و حتی نتوانسته است پله‌های موفقیت علم را به خوبی طی کند.



وی بیان داشت: در دوره پهلوی، بین حفظ امنیت اجتماعی و حضور زن در اجتماع توازن ایجاد نشده است؛ همچنین مهم‌ترین نگاه‌دارنده حفظ امنیت اجتماعی زن یعنی حفظ عفاف و عدم اختلاط با نامحرم در جامعه حذف شده است.

این طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها تصریح کرد: در دوره پهلوی، با توجه به عدم امنیت اجتماعی در عرصه‌های مختلف، شخصیت زن شکل نگرفته و در حد ابزار نظام سرمایه‌داری و فحشا تنزل پیدا کرده است.

در این کرسی، خانم اعظم ابوالحسنی عراقی به عنوان ناقد کرسی حضور داشت که به نقد این ارائه پرداخت، همچنین خانم سبحانی به عنوان داور ثابت و خانم صفورا سالاریه به عنوان ناظر علمی حضور داشتند که به بیان نظرات خود پرداختند.



نخستین میزگرد علمی رویداد پژوهشی جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با حضور طلاب و پژوهشگران انجمن علمی پژوهشی معارف انقلاب اسلامی برگزار شد.

موضوع این میزگرد، «الگوی سوم زن در بعد اجتماعی» بود که با حضور خانم آمنه شهبازی به عنوان سرگروه و خانم‌ها معصومه حیدریان منش، فرزانه جعفری، سمیه صادقی و فیروزه دلداری تشکیل شد.

همچنین در این میزگرد، خانم سمیه مال میر به عنوان داور ثابت و خانم زاهره میرجعفری به عنوان ناظر علمی حضور داشتند.

اعضای گروه در این میزگرد، به تبیین الگوی سوم زن مسلمان، جایگاه زن از منظر فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداختند و عرصه‌های کنشگری اجتماعی شامل مجالس خانگی، نوشتن، تبلیغ و سبک زندگی تبیین شد.

## ۷۵. آینده پژوهشی عفاف و حجاب در مهندسی نظام جمهوری اسلامی (ناظر به منظومه فکری امامین انقلاب)

۱۴۰۱/۴/۳۰



خانم ریحانه حقانی در نشست هم اندیشی راهکارهای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب که با عنوان «آینده پژوهشی عفاف و حجاب در مهندسی نظام جمهوری اسلامی (ناظر به منظومه فکری امامین انقلاب)» و با حضور جمعی از اندیشمندان و فعالان حوزه عفاف و حجاب در جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد، با اشاره به موضوع «مدیریت راهبردی فرهنگ عفاف و حجاب در نظام اسلامی باتوجه به فرامین حضرت آقا و امام راحل(ره)»، به حدیثی از امام علی علیه‌السلام با مضمون «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ حفظ (حجاب) زن به حال او بهتر و زیبایی اش را پایدارتر می‌کند» اشاره کرد و اظهار داشت: این روایت گویا و مفید و راه‌نشانی است.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها به موضوع مدیریت راهبردی اشاره کرد و افزود: بحث مدیریت راهبردی عالی‌ترین سطح از سطوح مدیریتی است، بنابراین در بحث عفاف و حجاب باید در کنار مباحث تکنیکی، تاکتیکی و عملیاتی، یک مدیریت راهبردی داشته باشیم.

حقانی با بیان اینکه حیاتی‌ترین عنصر هر جامعه برای رشد و پیشرفت همه جانبه، فرهنگ و تعاملات نظام مند آن است، گفت: نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام حکومتی و الگوی منحصر به فرد در جهان مطرح است که بر پایه و مبانی شریعت اسلامی و آموزه‌های اسلامی ایجاد شده است؛ بنابراین راهبردها، ترسیم‌ها و چشم‌اندازهای آن باید در جایگاه عالی و متعالی قرار داشته باشد. یکی از سطوح فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، بحث عفاف و حجاب است که باید مورد توجه قرار گیرد.

وی بیان داشت: سطوح راهبردی برای الگوی مدیریتی در بحث عفاف و حجاب باید آرمانی و در عین حال واقع‌گرایانه باشد تا به جامعه و برای مخاطبان عام و خاص عرضه شود؛ بنابراین ما باید برای لایه‌های متعدد برنامه‌ریزی داشته باشیم.

### **فطرت انسان با فرهنگ حجاب آمیخته شده است**

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها عنوان کرد: ساحت فرهنگ عفاف و حجاب چند مسئله است، از جمله نگرشی که می‌خواهد ایجاد کند، یعنی تمام راهبردهای ما باید بر اساس ایجاد نگرش درست برای مردم و ارکان دیگر از جمله مسئولان، کارمندان، مخاطبان عام و خاص باشد.

حقانی با اشاره به لزوم توجه به همه عناصر مدیریت راهبردی، یادآور شد: در بحث توجه به اصول اساسی و راهبردهای مدیریتی باید بر اساس نگرش‌ها و باورهای پایه اتفاق بیفتد، گاهی نگرش‌های پایه را به درستی انجام نمی‌دهیم و به مبانی اساسی توجه نداریم، به همین خاطر نمی‌توانیم راهبرد درستی را متناسب با آنها ارائه کنیم.

وی با اشاره به اینکه رویکرد ما در بحث عفاف و حجاب باید مشخص باشد، افزود: برخی این رویکرد را فردی و برخی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی می‌بینند، اما بحث عفاف و حجاب، بحث مبنایی و پایه‌ای از کهن‌ترین و ضروری‌ترین موضوعات پیش از اسلام و متناظر با فطرت انسان است و به دین، زمان، محدوده و قشر خاصی اختصاص ندارد.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه فطرت انسان با فرهنگ حجاب آمیخته شده است، تصریح کرد: خداوند متعال، فطرت انسان را با عفاف و حجاب آمیخته کرده است.

### **ارتباط راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب با جهاد تبیین**

حقانی در ادامه به ابعاد حیاتی فرهنگ عفاف و حجاب اشاره کرد و گفت: ابعاد حیاتی فرهنگ عفاف و حجاب و مبنای اصلی آن باید توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و کسانی که در عرصه‌های راهبردی فعالیت دارند، مورد توجه قرار گیرد.

وی با بیان اینکه اصل قطعیت باید به عنوان مبنای راهبردی عفاف و حجاب دیده شود، عنوان کرد: برخی بحث عفاف و حجاب را بحث شبهه‌ای و تشکیکی می‌دانند و چالش ایجاد می‌کنند و درگیر این مسئله هستند که آیا مسئله و اصل حجاب را به عنوان یک واجب بدانیم یا نه؟، در حالیکه بنا بر استنادات دینی و درون دینی و برون دینی، قطعیت موضوع و باور مسلم به عنوان باور پایه کاملاً اثبات شده است، یعنی عفاف و حجاب قطعیت دارد و در این مسئله کسی تشکیک ندارد.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با بیان اینکه راهبردهای ما در بحث عفاف و حجاب باید در دو عرصه راهبرد سنت تقدیری و راهبرد تدبیری اتفاق بیفتد و برنامه‌ریزی شود، اظهار کرد: راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در عرصه‌ها و ارکان متعدد و لایه‌های مختلف برنامه‌ریزی شده که باید در دستور کار قرار گیرد.

وی با اشاره به ارتباط راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب با جهاد تبیین، گفت: رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی یکی از خاکریزهایی که در جهاد تبیین مطرح کردند، بحث خانواده، سبک زندگی و الگوی زیست مؤمنانه است و طلبه به عنوان مبلغ و فعال فرهنگی باید این موضوعات را تبیین کند؛ بنابراین

پیشنهاد می‌شود طلبه متناسب با راهبردها وظیفه خود را در ساحت فردی خود ببیند و در بحث وظیفه سازمانی هم ورود داشته باشد.

### **لزوم تبیین جایگاه والا و پراعتبار زن در اسلام و مقایسه با سایر مکاتب**

حقانی با ارائه ۱۰ راهبرد متناسب با عرصه تبیین در رابطه با موضوع عفاف و حجاب، به سه مورد این راهبردها اشاره کرد و اظهار داشت: یکی از راهبردها در بحث عفاف و حجاب، تبیین جایگاه والا و پراعتبار زن در اسلام و مقایسه با سایر مکاتب به منظور احساس برتری شخصیت زن مسلمان نسبت به زنان سایر مکاتب و پرهیز از روی آوردن به جاذبه‌ها و شخصیت‌های کاذب است که راهبرد جدی است.

وی تصریح کرد: به فرموده رهبر معظم انقلاب مدظله العالی، جهاد تبیین واجب فوری عینی لازم است که هم باید فردی و هم دستگاه‌های تصمیم ساز انجام دهند، بنابراین این راهبردها هم وظیفه فردی و هم اجتماعی است.

معاون پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها ادامه داد: دومین راهبرد در بحث عفاف و حجاب، تبیین آموزه‌های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت متناسب با قابلیت‌ها و ویژگی‌های زنان و مردان و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی آنان است.

حقانی اضافه کرد: سومین راهبرد، تبیین دیدگاه اسلام در خصوص عفاف و حجاب و ضرورت بیان فلسفه و احکام و دستاوردهای مثبت رعایت آن در جامعه متناسب با شرایط سنی جوانان و نوجوانان با شیوه‌های جذاب است.

وی در پایان تأکید کرد: توجه به جهاد تبیین یکی از کلان‌راهبردهای جبهه انقلاب برای تبیین همه مسائل راهبردی نظام جمهوری اسلامی است که در بحث عفاف و حجاب تأثیرگذاری زیادی دارد.

## ۷۶. مواجهه امام رضا علیه‌السلام با جریان‌های ضد علوی و جریان‌های کلامی عصر خویش

۱۴۰۱/۳/۲۴



نشست علمی پژوهشی «مواجهه امام رضا علیه‌السلام با جریان‌های ضد علوی و جریان‌های کلامی عصر خویش» به همت انجمن علمی پژوهشی تاریخ معاونت پژوهش جامعه الزهرا سلام‌الله‌علیها با ارائه حجت الاسلام والمسلمین اکبر روستایی برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین روستایی در بخش نخست، جریان‌های ضد علوی را تقسیم بندی کرد و عباسیان به عنوان جریان سیاسی و اهل حدیث به عنوان جریان مذهبی، مورد بحث قرار گرفت.

استاد حوزه و دانشگاه اظهار داشت: عباسیان به عنوان جریان سیاسی ضدعلوی، بر پایه طرح نظریه وراثت و غصب خلافت، به کشتار علویان و تخریب اماکن مقدس زیارتی مربوط به ائمه و امام زادگان همچنین به کشتار آل ابی طالب و تهمت به امام رضا علیه‌السلام پرداختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین روستایی افزود: امام رضا علیه‌السلام با کاربست ۹ تاکتیک با جریان مذکور مقابله کردند، از جمله مقاومت در برابر مامون و حرکت نکردن از مدینه؛ همراه نکردن خانواده با خود و بیان عدم بازگشت از این سفر؛ بیان همبستگی ولایت و توحید و انتصابی بودن امامت و بیان حقانیت خود برای رهبری جامعه در مناظرات.

وی همچنین زیر سؤال بردن حکومت مأمون؛ ابطال استناد به خویشاوندی؛ بیان همسانی اطاعت خویش با اطاعت از امیر مؤمنان علیه‌السلام؛ عدم دخالت در عزل و نصب حکومت و شرط حضور در نماز عید مطابق با روش رسول خدا ص و امیر مؤمنان علیه‌السلام را از دیگر تاکتیک‌های امام رضا علیه‌السلام در مقابله با جریان عباسیان ذکر کرد.

معاون پژوهش مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی در ادامه بیان داشت: یکی دیگر از جریان‌های ضد علوی، اهل حدیث است، به عبارتی جریان مذهبی ضدعلوی آن دوره بوده است و برخی آراء شافعی نظیر مأجور بودن قاتل امیر مؤمنان علیه‌السلام و پیمان‌شکن بودن اهل بیت علیهم‌السلام در مواجهه با بنی عباس و عبدپنداری مردم توسط علویان، ارتباط شافعی با هارون در قامت مشاور، عهده‌داری قضاوت یمن و پوشاندن خلعت علما بر وی از سوی حاکم عباسی، مورد واکاوی قرار گرفت و نکاتی بر رد ادعاهای وی بیان شد.

بخش دوم نشست به کاوش مواجهه امام رضا علیه‌السلام با جریان‌های کلامی عصر ایشان اختصاص یافت و حجت‌الاسلام والمسلمین روستایی در دو ساحت شیعی و اهل تسنن به تبیین موضوع پرداخت و در قسمت اول، عملکرد واقفیه و غالیان و واکنش امام علیه‌السلام در قالب لعن آنان، سفارش به دوری از آن‌ها و داشتن بغض ایشان و غیره ذکر شد.

وی در قسمت دوم، جریان‌های کلامی اهل حدیث، جبریه و معتزله را مورد بررسی قرار داد و و رویارویی امام علیه‌السلام با اهل حدیث در چهار جنبه بیان استدلال به قرآن کریم، ذکر دلیل عقلی، تحریف احادیث نبوی و مخالفت با کلام الهی مورد مذاقه قرار گرفت.

استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه توجه دادن به جعل روایت توسط جبریه و استدلال عقلی در نقد تفکر آنان، دو عنصر تشکیل دهنده مواجهه امام علیه‌السلام با این جریان انحرافی بود، به مباحثی پیرامون جریان فکری معتزله، در زمینه عدم بخشش مرتکب گناه کبیره با توجه به مخالفت آن با قرآن پرداخت و این بحث در کلام امام رضا ع مورد واکاوی قرار گرفت.

در این نشست چند موضوع پژوهشی نیز جهت انجام پروژه های تحقیقاتی و مقالات ارائه گردید.



پژوهشگاه شهید صدر، حجت‌الاسلام والمسلمین سعید بهمنی [عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی](#) و مؤلف کتاب «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» سخنران پنجمین جلسه از سلسله نشست‌های علمی «اندیشه صدر» با عنوان «جامعیت تفسیر شهید صدر» بود که به مناسبت فرا رسیدن چهل و دومین سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر به همت پژوهشگاه شهید محمدباقر صدر از [صفحه اینستاگرام این پژوهشگاه](#) به صورت زنده پخش شد. حجت‌الاسلام والمسلمین بهمنی در نشست اینستاگرامی جامعیت تفسیر شهید صدر: روش تفسیری شهید صدر جامع تمام تفاسیر گذشته و آینده است.

روش تفسیری شهید صدر هیچ روشی را رد نمی‌کند

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی درباره جامعیت روش تفسیری شهید صدر گفت: این روش هیچ روشی را رد نمی‌کند و جامعیتی از تمام آنهاست؛ تفسیر موضوعی شهید صدر در عرض هیچ روش دیگری قرار ندارد و قسیم روش‌های دیگر نیست؛ روش موضوعی تفسیر شهید صدر رویکردی است و با هدف و مسئله‌ای که دنبال می‌کند از سایر روش‌ها ممتاز می‌شود.

مؤلف کتاب «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» در نشست اینستاگرامی جامعیت تفسیر شهید صدر آغاز فرآیند تفسیر موضوعی شهید صدر را مسئله‌شناسی عنوان کرد و ابراز داشت: در مسئله‌شناسی تکنیک‌هایی وجود دارد؛ در زمان شهید صدر تکنیک‌هایی وجود داشته است و در این روش اندیشمند مسئله را انتخاب می‌کند و درصدد حل آن است که در اینجا نیازمند نگاهی جهان‌شمول هستیم.



وی ابراز داشت: وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شویم باید از دستاوردهای بشر و سیر تاریخی آن اطلاع داشته باشیم؛ این روش برون‌قرآنی است و با روش‌های تفسیر هیچ ارتباطی ندارد؛ در ادامه شهید صدر می‌گوید برای مسئله‌ای که ممکن است کل هدف نباشد، در نظر می‌گیریم که این کار هم برون‌قرآنی است و ارتباطی به روش‌های تفسیری ندارد.

دو مرحله تفسیر موضوعی از نگاه شهید صدر

حجت‌الاسلام والمسلمین بهمنی دو عنوان کلی شهید صدر را این‌گونه برشمرد: ما در مسئله‌یابی حتماً باید نظریه‌پردازی کنیم که به داده‌های توصیفی قرآن کریم دست پیدا می‌کنیم، بعد از این می‌گویید که این مسئله یک بایندی را به ما ارائه می‌دهد؛ هرکسی باید ببیند که مسئله چیست؟ هستی‌شناسی کند و به الزامات آن پایبند باشد؛ در این مرحله هم به روش‌های تفسیر دیگر متعرض نمی‌شود.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مرحله بعد شهید صدر را طرح سؤال عنوان کرد و توضیح داد: باید دید سؤالات مسئله چیست؟ چه ابعادی دارد؟ چگونه شکل گرفته است؟ و به آنها پاسخ دهیم تا در تفسیر موضوعی با این سؤالات مشخص و تخصصی به پژوهش خود جهت دهیم.

مؤلف کتاب «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» در در نشست اینستاگرامی جامعیت تفسیر شهید صدر افزود: شهید صدر نمونه‌هایی از هستی، چیستی، چگونگی، عوامل، مصادیق، نقش انسان در ارتباط با آن مسئله، و سؤالات پیشینه‌شناسی که در تاریخ مطرح شده است می‌آورد؛ اینجا هم فرآیند تفسیر موضوعی با روش‌های موجود در تفسیر و قرآن‌پژوهی ارتباط ندارد.

وی فرضیه‌سازی را مرحله بعد از طرح سؤال عنوان کرد و گفت: این شهید فرضیه‌سازی را در کتاب [المدرسة القرآنية](#) گفته است اما در آثار دیگر تأکید دارد هر پژوهش نیازمند فرضیه‌سازی است؛ فرضیه‌سازی ایده‌ای است که شما برای هر مسئله در نظر می‌گیرید و بعد آن را راستی‌آزمایی می‌کنید.

حجت‌الاسلام والمسلمین بهمنی تصریح کرد: مراحل مسئله‌شناسی، گزینش مسئله راهبردی، هدف‌گذاری و فرضیه‌سازی، هیچ‌کدام با روش‌های تفسیر درگیر نیستند.

استنطاق، ویژگی تفسیر موضوعی شهید صدر

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که درباره مرحله استنطاق از قرآن در روش موضوعی شهید صدر سخن می‌گفت ابراز داشت: اگر روش شهید صدر قرار است در جایی با روش‌های تفسیری دیگر درگیر باشد، اینجاست.

مؤلف کتاب «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» مطالعات قرآنی در نشست اینستاگرامی جامعیت تفسیر شهید صدر، روش شهید صدر را دارای چهار مرحله ارزیابی کرد و گفت: قبل از اینکه وارد پژوهش قرآنی شوید، باید روش معتبر خود را تبیین علمی کنید؛ یعنی از طریق علمی و معتبر به روش برداشت از قرآن برسید؛ اینجا هم روش مشخصی را تعیین نمی‌کند؛ فقط تأکید دارد که باید روش خود را تعیین کنید.

وی درباره استنطاق در روش تفسیری شهید صدر اظهار داشت: استنطاق، بردن پرسش در محضر قرآن و گرفتن پاسخ از آن است؛ اینجا دستیابی به مدلولات تفسیری اهمیت دارد؛ در آن هم هیچ روشی را تعیین نمی‌کند بلکه تأکید دارد کدام قاعده را به کار می‌برید. عام یا خاص، مطلق یا مقید بودن را باید تعیین کنید؛ وقتی تعیین نمی‌کند یعنی اطلاق کلی است؛ این روش ادبی، فکری، تعریفی، علمی، خوانش قرآن و شأن نزول باشد؛ هر روش معتبری می‌تواند باشد؛ تنها در این مرحله ششم تأکید دارد که باید در روش خود نوآوری داشته باشید.

حجت‌الاسلام والمسلمین بهمنی مرحله هفتم تفسیر موضوعی شهید صدر را مطالعات تطبیقی عنوان کرد و گفت: شما مدالیل خود را که از قرآن به دست آورده‌اید، با داده‌های بشری و میراث علمی موجود و گذشته بشر مقایسه و مقارنه کنید؛ در اینجا هم شما باید روش‌های موجود و معتبر را اعمال کرده باشید و اینجا هم با روش‌های دیگر درگیر نمی‌شوید.

#### نظریه‌پردازی در روش تفسیری شهید صدر

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ادامه داد: نظریه‌پردازی مرحله نهایی‌تر بعدی است که یافته‌ها را با هم ترکیب می‌کنید تا به این‌ها ساخت دهید که چه گزاره‌های هستی‌شناسانه‌ای داشته‌اید و عوامل و موانع و همه این‌ها را تبیین می‌کنید و به رسالت‌ها هم دست پیدا می‌کنید که مجموعه این‌ها نظریه است؛ در مرحله نظریه‌پردازی هم با روش‌ها و مدالیل تفسیری کاری ندارید بلکه آزاد هستید از هر روش معتبر استفاده کنید.

مؤلف کتاب «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» ابراز داشت: شهید صدر در این روش ما را ناگزیر از استفاده از روش ترتیبی می‌داند؛ اما رویکرد ما این است که در یک مسئله متمرکز هستیم و می‌خواهیم حقایق جهان شمولی درباره کبرای مسئله به دست آوریم.

وی تصریح کرد: من به‌عنوان کسی که روش شهید صدر را پیشرفته‌ترین رویکرد در مطالعه قرآن می‌دانم، این روش را با هیچ یک از تفاسیر ترتیب نزول، ترتیب ادبی، فلسفه و برهان، شهودی و عرفانی یا بر مبنای روایات معتبر مقابل نمی‌دانم، بلکه این روش اجزای نظریه را برای ما سامان می‌دهد و ما با هیچ روشی درگیر نیستیم، این روش ظرفیتی دارد که همه روش‌های معتبر را در بر می‌گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین بهمنی در پاسخ به اینکه در فضای رویکردهای تفسیری موجود، چقدر به این روش نگاه می‌شود گفت: متأسفانه تا جایی که آثار فارسی و عربی را دیده‌ام، هیچ‌کدام به طور عمیق شهید صدر را نخوانده و بررسی نکرده‌اند؛ مقالاتی که به تفسیر موضوعی پرداخته‌اند هر کدام از یک زاویه روش شهید صدر را داوری کرده‌اند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پایان نشست اینستاگرامی جامعیت تفسیر شهید صدر تأکید کرد: هر روشی که بشر تا روز قیامت به آن دست پیدا کند، در دل دستگاه تفسیری شهید صدر جا می‌گیرد؛ این روش دستگاه بزرگی است و هیچ‌چیز را نفی نمی‌کند.



پژوهشگاه شهید صدر، حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران سخنران چهارمین جلسه از سلسله نشست‌های علمی «اندیشه صدر» با عنوان «روش تفسیری شهید صدر» بود که به مناسبت فرا رسیدن چهل و دومین سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر به همت پژوهشگاه شهید محمدباقر صدر از صفحه اینستاگرام این پژوهشگاه به صورت زنده پخش شد. حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر: شهید صدر معمار اندیشه اسلامی بود.

### نبوغ شهید صدر در جمع‌بندی و نگاه نظام‌مند

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران، در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر، شهید محمدباقر صدر را علامه باهوش و با زکاوت توصیف کرد و گفت: شهادت هولناک این شخصیت که علم و عمل را با هم درآمیخت و در اوج صفای باطن در چنین ایامی به شهادت رسید را تسلیت عرض می‌کنم؛ این شهادت مصداق اتم و اکمل ورود ثلمه به اسلام بود.

این استاد حوزه و دانشگاه با ابراز تأسف از بی‌مهری جامعه اسلامی به آثار شهید صدر تصریح کرد: ما باید برگردیم به پنجاه سال پیش و سخنان شهید صدر را واکاوی کنیم و ببینیم که چقدر این اندیشه‌ها راهگشای

ما در عرصه‌های مختلف جهان اسلام است؛ این اندیشه‌ها از نیازهای اساسی ما برای پی‌ریزی تمدن عظیم اسلامی است.

وی در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر درباره نبوغ شهید صدر ابراز داشت: نابغه بودن شهید محمدباقر صدر با دیگر ستارگان جهان اسلام متفاوت بود؛ شهید صدر امتیازاتی داشت که این شخصیت را کم‌نظیر می‌کند؛ نبوغ برخی در حافظه، سرعت یادگیری یا انتقال مطلب است، اما شهید صدر قدرت جمع‌بندی، نظریه‌پردازی، نگاه نظام‌مند و ساختارمند و سیستماتیک، قدرت تولید راهبرد داشتن و دارای تفکر استراتژیک بود که نبوغ ایشان در این عرصه‌ها بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان افزود: شهید صدر نه تنها تفکر استراتژیک داشت بلکه در این زمینه نابغه بود؛ شهید صدر معمار اندیشه اسلامی بود؛ خانه‌هایی از اندیشه اسلامی ساخته می‌شد که بشریت می‌توانست در این خانه‌ها زندگی کند و پناه بگیرد.

### **لزوم تربیت شهید صدرهای زمان**

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر، خواستار تغییر شیوه تعلیم و تربیت شد و اظهار داشت: باید کاری کنیم که در مکتب‌ها و مدرسه‌ها، افرادی مانند شهید صدر در حد استعدادها و خود تربیت شوند؛ گاهی اوقات شیوه آموزش ما جزئی‌نگری را تشدید می‌کند و افراد از کلی‌نگری پرهیز می‌کنند و ناتوان می‌شوند؛ جزئی‌نگری لازم است اما شهید صدر با سرعت بسیار بالا جزئیات را در کنار هم قرار می‌داد و در همان دوران یک کل‌نگر بزرگ بود و می‌توانست از بالا مجموعه‌ای را تحت نگاه هوشمندانه خود قرار دهد.

### **روش تفسیری شهید صدر**

این استاد حوزه و دانشگاه درباره عظمت قرآن و سفارش به تدبر در آن سخن گفت و ابراز داشت: روش‌های مختلفی برای بهره‌گیری از قرآن وجود دارد که شهید صدر این روش‌های تفسیر قرآن و تلاش برای فهم قرآن را به دو روش جزئی‌نگر و موضوع محور تقسیم‌بندی می‌کند؛ و رویکرد جزئی‌نگر را مورد توجه بسیاری از مفسران می‌داند که لازم است تا قرآن کریم مورد تحریف قرار نگیرد.

وی ادامه داد: شهید صدر تفسیر موضوعی را مطرح می‌کند و بر دیگر تفاسیر برتری می‌دهد؛ در این نوع از تفسیر، انسان موضوع خود را به قرآن عرضه می‌کند و قرآن پاسخ این مسئله یا شرح آن موضوع را بیان می‌کند؛ در اینجا اتفاقات عجیبی رقم می‌خورد؛ شهید صدر اعتقاد دارد تفسیر جزئی‌نگر محدودیت‌هایی دارد، ولی تفسیر موضوعی نامحدود است و با این روش به صورت نامحدود می‌توان از قرآن بهره برد.

### **ویژگی تفسیر موضوعی**

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر گفت: شهید صدر به فرموده امیرمؤمنان حضرت علی (ع) از قرآن استنتاج می‌کند و حل مسائل را از آن جویا می‌شود؛ این

بی‌نهایت بودن فواید قرآن کریم در تفسیر موضوعی نکته بسیار جالبی است که مورد توجه این اندیشمند جهان اسلام است و ما را به آن توجه داده است.

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران شروع فهم عمیق آیات قرآن را به‌واسطه استفاده از این روش ارزیابی کرد و اظهار داشت: شهید صدر نکته‌ای را اشاره می‌کند که «حقیقت آن است که تعیین و استخراج این نظریه‌ها، امروز امری بایسته و ضرورتی اساسی است و نمی‌توان به‌هیچ‌وجه خود را از آن بی‌نیاز پنداشت؛ پیامبر اکرم(ص) نیز نظریه‌ها را ارائه می‌کرد، اما از رهگذر اجرا و در چهارچوب فضای کلی قرآنی که در زندگی اسلام ایجاد می‌کرد؛ هر فرد مسلمانی در این فضای کلی هرچند به‌صورت اجمالی و ارتکازی، نظریه‌های اسلامی را می‌فهمید زیرا آن فضا و چهارچوب روانی، اجتماعی، فکری و تربیتی که پیامبر بنا نهاده بود، توانایی آن را داشت که نگاه صحیح را ارائه کند.»

### نیاز به تفسیر موضوعی، افزون بر تفسیر جزئی

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه اکنون در زمان نزول قرآن نیستیم ابراز داشت: اکنون نیازمند تفاسیر جزئی قرآن کریم هستیم تا کلمه به کلمه قرآن را متوجه شویم، اما نیازی که امروز باید با تأمل برطرف شود این است که به‌وسیله نبوغ شهید صدر بدانیم که مردم در صدر اسلام قرآن را به‌وسیله رسول گرامی اسلام(ص) در اجرا می‌دیدند اما امروز الگویی مانند رسول خدا(ص) که حجت را بر ما تمام کند نداریم، حال چگونه باید جایگزین رسول خدا(ص) را پیدا کنیم؟ درک کل‌نگر به قرآن کریم و حل مسائل خود با این کتاب ارزشمند چگونه انجام شود؟

وی با اشاره به اینکه روش تفسیر موضوعی را در نظر شهید صدر مرحله دوم تفسیر ارزیابی کرد که نباید تفسیر جزء نگر فراموش شود، گفت: شهید صدر نشان می‌دهد که تفسیر جزئی‌نگر با رویکرد جزئی‌نگری مقدمه‌ای برای تفسیر موضوع محور است؛ ما نباید در جزئی‌نگری متوقف شویم که شهید صدر از باقی ماندن در جزئی‌نگری نهی می‌کند و اشاره می‌کند اگر در جزئی‌نگری باقی بمانیم باعث می‌شود که از قرآن برداشت‌های نادرستی پیدا کنیم که نمونه‌هایی از آن در تاریخ بوده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر اعلام خطر کرد که اکنون برخی آن‌چنان در جزئی‌نگری فرو رفته‌اند که حتی با نگاهی که بخواهد کلی نگاه کند و مسئله‌ای را حل کند و با برداشت‌هایی که نتیجه همین رویکرد موضوع محور است مخالفت می‌کنند؛ شهید صدر اشاره می‌کند که رشد و بالندگی فقه هم به‌خاطر همین کلی‌نگر شدن است؛ رشد فقه در تاریخ فقاهت از زمانی است که فقها با موضوعات و مسائل به‌سراغ روایات معصومان(ع) و قرآن رفتند.

### نظریه‌پردازی، ثمره حقیقی تفسیر موضوع محور

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران در اشاره‌ای به نوع تفسیر موضوع محور در نگاه شهید صدر تصریح کرد: کافی نیست که ما جمع‌بندی بین آیات را پیدا کنیم یا بر اساس چند واژه یک سری آیات را در کنار هم قرار دهیم، بلکه باید نظریه‌پردازی کنیم و به نظریه برسیم؛ به نظریه‌های علمی و انسانی که پاسخ‌دهنده نیاز بشر باشد.

این استاد حوزه و دانشگاه، شهید صدر را مدافع شیعیان در مقابل اهل سنت ندانست و تصریح کرد: شهید صدر مدافع اسلام در برابر تمام اندیشه‌های انحرافی است و حتی می‌توان گفت ویژگی برجسته شهید صدر این است که می‌خواهد با قرآن جهان و حیات بشر را اداره کند؛ مسائلی که دنبال می‌کند مسائلی است که بشر برای اداره حیات خود نیاز دارد؛ ما الآن به چنین تشیعی نیاز داریم که دغدغه آن صرف نقد دیگر مذاهب یا شبهات دیگر مذاهب نباشد؛ امروز با نیازهایی از بشریت مواجه هستیم که اندیشمندان جهان بی‌توجه یا ناتوان از پاسخ به آنها هستند.

وی به بیان شهید صدر، رویکرد جزئی‌نگر را شروع از قرآن و ختم به قرآن توصیف کرد که شاید به هیچ‌یک از نیازهای جامعه نگاه نکند و گفت: شهید صدر تصریح دارد برای نظریه‌پردازی در رویکرد موضوع‌محور تفسیر قرآن، ما باید از مسائل عینی حیات بشر شروع کنیم و به قرآن برسیم و بعد برگردیم و مسائل حیات بشر را حل کنیم؛ چقدر روشنفکران جهان به این نگاه دینی نیاز دارند.

### درک بی‌نظیر شهید صدر از مسائل اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان اظهار داشت: اگر ما چهل سال پیش به این نگاه شهید صدر خوب پرداخته بودیم، این‌قدر در فضای روشنفکری و حتی فضای سیاسی جامعه تلفات نمی‌دادیم؛ چند ده سال در درگیری‌های بی‌هوده برخی روشنفکران معطل ماندیم و فرسوده شدیم چون از دین تلقی غلطی داشتند که این افکار تابناک و روشنفکرانه شهید صدر می‌توانست تلقی‌های غلط آنها را برطرف کند.

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران در نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر، او را در درک مسائل جامعه دارای نبوغی بی‌نظیر ارزیابی کرد و توضیح داد: وقتی انقلاب اسلامی به پیروزی نرسیده است می‌گویید، «با پیروزی انقلاب خمینی ابرقدرت‌ها نابود شدند»، که این اوج دقت در وضعیت جامعه را نشان می‌دهد و متأسفانه برخی هنوز با این‌همه پیروزی به این نگاه نرسیده‌اند.

این استاد حوزه و دانشگاه اصرار امام خمینی در مراجعه به آقای صدر برای تدوین قانون اساسی را مورد اشاره قرار داد و گفت: این پاسخ‌ها هنوز قابل دفاع و کارآمد برای اداره جامعه است.

وی درباره اعتنا به تجربه بشری و نقد و بررسی آن با نگاه به قرآن از منظر شهید صدر گفت: متن صریح شهید صدر این است که «این روش تفسیری از موضوع یا واقعیت خارجی یا شیء بیرونی آغاز می‌کند و به قرآن مجید می‌رسد، بنابراین به این دلیل که این تفسیر از موضوع بیرونی آغاز می‌کند و به قرآن کریم می‌رسد در پرتو تفاوت اول آن را تفسیر موضوع‌محور می‌نامیم، از سوی دیگر آن را تفسیر وحدت‌بخش نیز می‌نامیم؛ زیرا در این رویکرد بین تجربه بشری و کتاب الهی وحدت برقرار می‌کنیم؛ البته نه آنکه تجربه بشری را بر قرآن حاکم کنیم، یا قرآن را تابع آن نماییم، بلکه به این معنا که آن دو را در قالب یک روند پژوهشی می‌ریزیم تا در نتیجه این روند یکسان پژوهش، مفهومی قرآنی به دست بیاید که می‌تواند موضع اسلام را در برابر آن تجربه بشری یا مقوله فکری که به روند پژوهشی وارد شده است معین کند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان با توجه به متن شهید صدر تأکید کرد: این روند موضوع‌محور به درد دانشگاه‌های ما می‌خورد؛ زیبایی و روشنفکری بیانات شهید صدر تمامی ندارد.

## لزوم پرداخت به سنت‌های تاریخ در قرآن

مسئول مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه تهران از موضوعات مورد توجه شهید صدر به «سنت‌های تاریخ در قرآن کریم» که مورد نیاز حوزه‌های علمیه از صدر اسلام تاکنون بوده است اشاره کرد و افزود: همانطور که باید خودشناسی را بر خدا شناسی اولویت دهیم، باید سنت‌های تاریخ را بشناسیم و بعد سراغ دین برویم تا دین برای ما نجات بخش باشد؛ همان‌طور که اگر طبیعت انسان، حیات اجتماعی و سنت‌های الهی در تاریخ را نشناسیم، اسلام را تحمیلی خواهیم شناخت؛ همان‌گونه که بسیاری به این دلیل، دین‌گریزی دارند.

این استاد حوزه و دانشگاه توجه به «چه کسی بودن» و «کجا بودن» را که دو امر برای ورود به مسائل است مهم دانست و اظهار داشت: خیلی‌ها درباره انسان‌شناسی که ما چه کسی هستیم توجه کرده‌اند، اما باید ببینیم که کجا هستیم؛ ما انسانی در خلأ نیستیم؛ انسانی محکوم به یک سلسله سنت‌های تاریخی و اجتماعی هستیم که تنها در این چارچوب می‌توانیم حیات و حرکت داشته باشیم؛ حالا دستوراتی که برای حرکت مناسب در این چارچوب است را بعد از شناخت چارچوب دریافت کنیم.

وی شهید صدر را ناجی عراق از مارکسیست عنوان کرد و گفت: شهید صدر مسأله مارکسیست را برای مردم حل شده نشان دادند که امروز هیچ اثری از مارکسیست نمی‌بینید.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان در پایان نشست اینستاگرامی روش تفسیری شهید صدر خواستار شد: توصیه امام خمینی(ره) مبنی بر مطالعه آثار و اندیشه شهید صدر را اجرا کنید و از این اندیشه‌های تابناک بهره ببرید؛ حتی موضوعات مطرح شده به وسیله وی که موضوع و مسأله کاری شما نباشند را نیز مطالعه کنید، تا از روی دست این متفکر، این کسی که دارای تفکر راهبردی است نگاه کرده باشید و از روی دست او نحوه برخورد با مسائل را یاد بگیرید؛ به‌ویژه برای طلاب گرامی و محققان علوم اسلامی و حتی علوم انسانی شایسته است که به اندیشه‌های تابناک و روش مطالعه و پژوهش و تفکر او مراجعه کنند.



نشست معرفی و بررسی کتاب نا برگزار شد. [اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران](#)، نشست کتابخوان ۱۴۰۰ با معرفی و بررسی کتاب «نا» با حضور مریم برادران نویسنده اثر و ساجده ابراهیمی به‌عنوان مجری و کارشناس برنامه، به‌صورت زنده از صفحات مجازی اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران برگزار شد.

#### بیشترین شناخت ما از شهید صدر، بُعد دینی شخصیت اوست

مریم برادران در نشست معرفی و بررسی کتاب نا با بیان اینکه بیشترین شناختی که ما از شهید صدر داریم این است که او را به‌عنوان یک عالم دینی می‌شناسیم، گفت: برای نزدیک شدن به شخصیت ایشان، باید مسائل عاطفی، اخلاقی و توجه او به خانواده را بررسی کرد تا به نگارش درست ابعاد شخصیتی شهید صدر کمک کند. هنگامی که شاهد رفتار و گفتار او در خانواده باشیم این رفتارها، ابعاد تازه‌تری از وی را برای ما روشن خواهد کرد.

برادران با اشاره به سختی نوشتن از زندگی علما، گفت: من به‌دلیل کرونا خیلی موفق به گفت‌وگوهای نزدیک نشدم و بیشتر گفت‌وگوهای من تلفنی بود و حتی ملاقات‌های حضوری من هم بیشتر از یکی دو بار نبود. این درحالی بود که من با راستی‌آزمایی سعی می‌کردم آن چیزهایی را که در مورد زندگی شهید صدر مطرح بود را از طریق خانواده صدر پیگیری کنم. هرچند که خانواده صدر مایل به گشودن خیلی از مسائل نبودند.



وی افزود: من سؤال‌های زیادی داشتم که اگر توسط خانواده صدر پاسخ داده می‌شد، خیلی از ابعاد شخصیتی شهید صدر برای مخاطب آشکار و وجهه داستانی آن پررنگ‌تر می‌شد.

به گفته وی، فاطمه صدر و حورا صدر (دختر امام موسی صدر) از کسانی بودند که در گفت‌وگو با نویسنده، برخی از ابعاد زندگی شهید صدر را بازگو کردند.

نویسنده کتاب «نا» در نشست معرفی و بررسی کتاب نا تأکید کرد: این کتاب، روایت مریم برادران از شهید محمدباقر صدر است و این کتاب نیز به هیچ عنوان ادعای اینکه کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب در زمینه صدر است را ندارد.

این منتقد ادبی اظهار داشت: هنگامی که می‌خواستیم در مورد شهید صدر بنویسیم با یک انسان سرشناس و با ابعاد مختلف شخصیتی مواجه بودیم و نمی‌شد برای معرفی وی، فقط به یک بُعد آن بسنده کرد، بلکه با اشاره به تمامی ابعاد او بود که مخاطب متوجه شخصیت اصلی شهید صدر می‌شد. از سوی دیگر، محتواهایی که در دسترس داشتم آن قدر به جزئیات نمی‌پرداخت که خروجی این کتاب یک کتاب خواندنی باشد. این در حالی است که خواندنی بودن یک کتاب، یکی از ملاک‌های مهم است.

### من در کتاب «نا» صدر نا را معرفی کردم

مریم برادران در نشست با معرفی و بررسی کتاب «نا» یادآور شد: اکنون زمانه ما، زمانه «تفرقه» نیست و امروز به نظر می‌رسد که بیش از حد به موضوعات تفرقه‌انگیز و آزاردهنده توجه می‌شود، درحالی‌که من در کتاب نا، صدر «نا» را روایت کردم. صدی که از همین تفرقه‌ها، ضربه خورد و به شهادت رسید. شاید عنوان «نا» دوپهلوی باشد و یک جاهایی به خاطر وجهه ایدئولوژیک آن بیگانگی ایجاد کند و من البته سعی کردم در مقدمه کتاب هم توضیح بدهم که نای من دوپهلوست اما «نگاه با هم بودن برای داشتن یک اتحاد و زندگی متعالی» مهم است.

مریم برادران با بیان اینکه سعی کردم از مطالبی که حجم کتاب را بی‌جهت افزایش می‌دهد پرهیز کنم، گفت: تلاش کردم آن چیزهایی که می‌تواند حداقل کلیدی از شخصیت شهید صدر را به مخاطب بدهد و فرد را برای مطالعه آثار او ترغیب کند، در کتاب قید کنم.

### نوشتن در مورد «بنت الهدی صدر» نیازمند جسارت خاص و تحقیقات مفصل است

وی در نشست معرفی و بررسی کتاب نا، با اشاره به بنت‌الهدی صدر، خواهر شهید صدر افزود: نوشتن در مورد ایشان کار سختی است، اما خوبی‌ای که بنت‌الهدی دارد این است که بسیاری از زنان موفق امروز با بنت‌الهدی ارتباط داشتند و خوش‌بختانه اکثر آنان هم در قید حیات‌اند و در ایران زندگی می‌کنند. هنگامی که من کتاب نا را به اتمام رساندم به من پیشنهاد نوشتن در مورد بنت‌الهدی را دادند که من بلافاصله جواب منفی دادم؛ چراکه نوشتن در مورد ایشان علاوه بر اینکه نیاز به جسارت خاص دارد، نیاز به فرصت زیاد تحقیق و پژوهش دارد که من شرایط آن را نداشتم.

به گفته وی، نگارش در مورد شخصیت بنت‌الهدی صدر حتماً دنیای جدیدی را برای مخاطب خواهد گشود، البته به شرطی که نگاه همه‌جانبه‌ای در نگارش آن لحاظ شود.

### **شهید صدر نابغه بود**

این نویسنده و منتقد ادبی با بیان اینکه اصل اعتقاد شهید صدر مباحث اجتماعی و ساختن حکومت بوده است و اولین دغدغه ایشان نیز نوشتن کتاب جامعه ما بود، گفت: وی به خاطر شرایط موجود و پیشنهادی که آیت‌الله حکیم به ایشان دادند کتاب «فلسفتنا» و کتاب «اقتصادنا» را نوشتند.

برادران در نشست معرفی و بررسی کتاب نا تصریح کرد: من معمولاً از اینکه فردی را فقط «نابغه» بنامند موافق نیستم بلکه معتقدم باید زندگی و رفتار وی، نابغه بودن او را تأیید کند. اما هنگامی که به کتاب «فدک» اثر شهید صدر که آن را در سن ۱۳ سالگی نوشته است برخوردم متوجه نبوغ او در این سن و سال شدم.

وی ادامه داد: درحالی‌که مطالعه برای همه ما مهم است، شهید صدر معتقد بود «بیش از اینکه مطالعه کنید، فکر کنید» و این نگرشی است که می‌تواند فرد را به نقادی و نوآوری تشویق کند.

### **باید آثار شهید صدر مورد نقد قرار بگیرند**

نویسنده کتاب «نا» گفت: اگر کسی با مطالعه کتاب‌های شهید صدر (بدون اینکه به آن فکر کند) فقط او را تقدیس کند، حتماً به شهید صدر ظلم کرده است. این در حالی است که معتقدم آثار شهید صدر همچون دیگر آثار بزرگان باید مورد مطالعه قرار بگیرد و نقد شود.

مریم برادران از آثار شهید صدر همچون گنجی نام برد که نباید تنها به ما احساس خوبی ببخشد بلکه باید با مطالعه این کتاب‌ها و نفوذ محتوایی آن در زندگی روزمره و نقد آثار وی، از این گنج به نفع جامعه بهره جُست.

برادران در پایان نشست معرفی و بررسی کتاب نا، با بیان اینکه شهید محمدباقر صدر، جزء افرادی است که متأسفانه نامش فقط در قفسه‌ها مانده، گفت: دوست دارم این کتاب در بین گروه‌های مختلف دست به دست بگردد و مطالعه شود؛ چراکه معتقدم باید باب مطالعه آثار شهید صدر گشوده شود هرچند که بعضی از کتاب‌های او همچنان سخت‌خوان هستند.



حجت‌الاسلام والمسلمین زائری:

مهمترین ویژگی شهید صدر ارائه چارچوبی منسجم از دستگاه فکری اسلام است

حجت‌الاسلام والمسلمین زائری با نادر خواندن شخصیت شهید محمدباقر صدر گفت: مهمترین ویژگی شهید صدر ارائه چارچوبی منسجم از دستگاه فکری اسلام است.

پژوهشگاه شهیدصدر، حجت‌الاسلام محمدرضا زائری سخنران نخستین جلسه از سلسله نشست‌های علمی «اندیشه صدر» با عنوان «شخصیت‌شناسی شهید صدر» بود که امروز به مناسبت فرا رسیدن سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر به همت پژوهشگاه شهید صدر از صفحه اینستاگرام این شهید (shahidsadr) به صورت زنده پخش شد.

این فعال فرهنگی شهید صدر را از نوادر روزگار توصیف کرد و گفت: حتی اگر شهید صدر در حوزه علمیه تحصیل نکرده بود از نوادر روزگار ما بود؛ بی شک در فضای حوزه علمیه و چارچوب حوزه‌های علمیه، شخصیت شهید سید محمد باقر صدر استثنایی و بسیار ویژه است؛ از سویی ایشان فرزند خاندانی با سابقه نهمصد سال فقاقت است؛ از سوی دیگر شرایط شخصی یتیم شدن در کودکی، فقر، خود اتکایی در تحصیل و رشد عجیب درسی که نمی‌شود برای آن مثالی پیدا کرد.

وی از نشانه‌های نبوغ بسیار زیاد شهید محمدباقر صدر را اجتهاد در دوازده سالگی عنوان کرد و ابراز داشت: باور کردنی نیست که آثار ایشان برای ایام کودکی است؛ وی در سن ۲۲ سالگی درس خارج دارد؛ جایی که بزرگان در آن حوزه علمیه تدریس می‌کردند.

حجت‌الاسلام زائری با اشاره به عظمت آثار این شهید با رویکرد تفصیلی، مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام اظهار داشت: کسی باور نمی‌کند که ایشان به پنجاه سالگی نرسیده است.

این فعال فرهنگی در بیان نکته اصلی صحبت خود عنوان کرد: در غیاب ائمه معصوم علما باید جلوه‌ای از حضور ایشان باشند؛ غالب علما از جهت سلوک فردی و اخلاقی سعی کرده‌اند شبیه اهل بیت (ع) باشند؛ هرچند فاصله زیاد است اما در آن پیروی و توسل، مردم آن جلوه‌ها را دیده‌اند.

وی جلوه‌ای از نمایندگی اهل بیت به وسیله علما را در تفکر نظام‌مند در شناخت دین دانست و گفت: زندگی نماینده ائمه اطهار (ع) باید مجموعه‌ای منسجم در تمام ابعاد زندگی باشد؛ ارتباطات و رسانه‌های جدید، شناختی جدید را به ارمغان آورده است و سئوالات متعددی در برابر اسلام قرار گرفته است.

حجت‌الاسلام زائری تصریح کرد: مطالب قدیمی مشکلی را از مخاطب جدید حل نمی‌کند؛ اجتهاد به معنای سنتی که احکام دین را از منابع اصیل استخراج کند و تنها احکام نماز و روزه را بگوید، پاسخگوی بشر امروز نیست؛ اینجا به اجتهادی نیاز داریم که کلیت علم و دین را بفهمد و بتواند پاسخ بدهد.

این فعال فرهنگی اجتهاد به معنای سنتی را در بعضی موارد نوعی تقلید دانست و ابراز داشت: برخی از اساتید فعلی، آرای علمای قدیم را در سینه دارند و آن‌ها را بازگو می‌کنند؛ این کار بسیار ارزشمند است اما اجتهاد برای زمان فعلی نیست؛ گاهی اوقات به دلیل محیط اجتماعی جرأت نوآوری نداشته‌ایم، در نتیجه خیلی از اشکالات و ایرادات در حوزه علمیه به وجود آمده است و به این خاطر نمی‌تواند مشکلی حل کند.

وی با اشاره به سفر رهبر معظم انقلاب به قم و صحبت برای انجام تغییراتی در حوزه‌های علمیه اظهار داشت: سخنرانی رهبر معظم انقلاب نشان از خواست ایشان برای ایجاد تحولی اساسی در حوزه‌های علمیه بود که به دلیل فشارهای مختلف، فضای ایستادگی جدی نشد.

حجت‌الاسلام زائری گفت: استاد سید ابوالحسن اصفهانی فرمودند اجتهاد «منطق پیغمبر فهمی» است؛ مجتهد کسی است که به اندازه توان خود تشخیص دهد پیامبر (ص) درباره موضوع فعلی چه تصمیمی می‌گرفت؛ اگر پیامبر اکرم (ص) با این سؤال مواجه می‌شد چه می‌کرد؛ در نتیجه اینجا پیام امام، پیامبر و خدا است پیام فقه، اصول و تفسیر نیست.

این فعال فرهنگی اجتهاد را جلوه‌ای از رفتار ائمه دانست که شناخت همگن، منسجم و منضبط با یک دستگاه فکری روشن از دین ارائه می‌کند و ابراز داشت: نخست اینکه عالم باید خود این دستگاه فکری را دریافت کند و دوم اینکه آن را منتقل کند؛ چنین مواردی زیاد نبوده است و اگر هم بوده، امکان عرضه خود را پیدا نکرده است؛ البته عمر کوتاه شهید محمدباقر صدر نیز باعث شد که فرصت تبیین اندیشه خود را پیدا نکند.

وی مهمترین ویژگی شهید صدر را پیدا کردن چارچوبی منسجم از دستگاه فکری اسلام عنوان کرد و گفت: شهید محمدباقر صدر توانست پیام دین را برای انسان امروز بیان کند؛ این مهمترین جنبه شهید صدر است و دریغ و افسوس از اینکه جنایت وحشتناک صدام فرصت نداد که این شخصیت بی‌نظیر بتواند این دستگاه فکری را بیشتر تبیین کند.

حجت‌الاسلام زائری شهادت را خواست شهید صدر توصیف کرد و ابراز داشت: شهید صدر می‌توانست با سفر به کشورهای اروپایی خود را از مهلکه نجات دهد، اما ایستادگی و شهادت را برگزید و جهان معاصر ما از ایشان محروم شد؛ هرچند آثار ایشان به صورت منسجم در اختیار همگان قرار دارد.

این فعال فرهنگی در پاسخ به اینکه چگونه باید اندیشه شهید صدر را ترویج داد گفت: ابتدا باید شخصیت خود شهید صدر را به درستی تبیین کرد؛ حتی مخاطبان نخبه و متخصص با شخصیت شهید صدر آشنا نیستند؛ کتاب‌هایی مانند «نا» و آثار عمومی‌تر درباره ایشان، باید ترویج و خوانده شود؛ به شکل‌های دیگری مانند برگزاری همین نشست‌های علمی نیز لازم است که فعالیت‌هایی برای شناخت شخصیت شهید صدر صورت گیرد.

وی آثار امام موسی صدر را مکمل آثار شهید محمدباقر صدر دانست و تصریح کرد: این دو در کنار هم چشم‌انداز روشن‌تری را ارائه می‌کند؛ اول اینکه امام موسی صدر ارتباط بین‌المللی بیشتری داشت؛ دوم اینکه شهید محمدباقر صدر تجربیات اجتماعی، علمی و فرهنگی محدود به جامعه شیعه و حوزه نجف داشت اما امام موسی‌صدر با عمر طولانی‌تر و فعالیت‌های بیشتر توانست آن اندیشه‌ها و افکار را با شرایط روز تطبیق کند؛ تلفیقی از امام موسی صدر با شهید محمدباقر صدر بسیار سودمند خواهد بود.



سطح مقدماتی مدرسه تخصصی «فرصت صدرخوانی» با عنوان «مقدمه‌ای درباره ظرفیت‌های اندیشه‌ای شهید صدر در ارتقای علوم انسانی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سید امید مؤذنی، معاون پژوهش [پژوهشگاه تخصصی شهید صدر](#) برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید امید مؤذنی، در نشست «مقدمه‌ای درباره ظرفیت‌های اندیشه‌ای شهید صدر در ارتقای علوم انسانی» بیان کرد:

#### کاربرد سیره رفتاری شهید صدر در علوم انسانی

سنجش نقش شهید صدر در ارتقای اندیشه‌ای علوم انسانی مستلزم کار پژوهشی گسترده‌ای است که از ظرفیت‌های رشته‌ها و شاخه‌های مختلف علوم انسانی، کسانی که احاطه کافی بر اندیشه‌های شهید صدر دارند گرد هم آیند و در رشته‌های خودشان و اتفاقات بین‌رشته‌ای بررسی کنند که چه عرصه‌هایی از اندیشه شهید صدر می‌تواند تفاوت‌ها و تظورهایی را در آنچه امروز فضای علمی دارد ایجاد کند.

سیره شهید صدر به‌طور خاص می‌تواند در بحث‌های علوم انسانی کاربرد داشته باشد و بسیار جای کار دارد؛ برای مثال در علوم سیاسی، اتفاقی که در سیره شهید صدر افتاده است، فرابندی که ایشان از تحزب گذشته

و با مرجعیت و انقلاب اسلامی مسیر رسیدن جامعه به حکومت را طی کرده، یک تجربه واقعی است که می‌تواند به ما که در دل یک حکومت اسلامی هستیم کمک کند.

### برخی از ویژگی‌های شخصیتی شهید صدر

فارغ از توصیف‌های مختلفی که از شهید صدر شده، می‌توان ویژگی‌هایی را در اندیشه ایشان رصد کرد: ایشان **اندیشه با اصالتی** دارد؛ اصالت به این معنا که شهید صدر با رویکرد اکتشافی مبتنی بر متن دینی، یعنی قرآن محوری، و روش اصولی، یعنی اصول فقه و تأکید بر جایگاه بی‌بدیل فقه و روش فقهی، اندیشمندی به طور کامل اصیل و با پایه‌ی اسلام است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید صدر **نوآوری و پیشتازی** است؛ عرصه‌ای نیست که شهید صدر به آن وارد شده باشد، مگر اینکه در آن نوآوری داشته و ابداعی را در سطوح مختلف ایجاد کرده است.

**کل‌نگری یا جامع‌نگری** یکی دیگر از ویژگی‌های شهید صدر است. او یک ساحت علمی را با نگاه به تمام ابعاد و زوایای آن بررسی می‌کند؛ رویکردهای تطبیقی یا مقارنه‌ای یا مقایسه‌ای شهید صدر به شکل بسیار برجسته‌ای درون مذهب و هم میان مکاتب مختلف بحث‌ها را به چالش با هم می‌برد.

یکی دیگر از ویژگی‌های شهید صدر **روش و ساختارمندی** اوست. در اندیشمندان معاصر کسانی که بحث‌هایی را ارائه کرده باشند کم نداشته‌ایم؛ اما اینکه این افراد توانسته باشند بحث‌های خود را هم در حوزه روش، منضبط و درست پیش برده باشند و هم ارائه‌شان ارائه‌ای ساختارمند باشد و با منطقی درست ساختار ایده خود را چیده باشند، کم است.

**ثبات اندیشه** به این معنا که شهید صدر در عین تطور و پیشرفت، یک بستر بنیادین و ثابتی را در اندیشه‌های خود دارد که می‌توانید از اولین تا آخرین اثر شهید صدر نوعی ثبات را در این تطورات ببینید.

### تأثیر نوآوری‌های شهید صدر در علوم انسانی

حجت‌الاسلام والمسلمین مؤذنی در ادامه نشست «مقدمه‌ای درباره ظرفیت‌های اندیشه‌ای شهید صدر در ارتقای علوم انسانی» افزود: وقتی می‌خواهیم شهید صدر را از دیگر اندیشمندان ممتاز کنیم به طور طبیعی باید آن بخش‌هایی از اندیشه شهید صدر را مورد توجه قرار دهیم که شهید صدر دستاورد جدیدی داشته و نقطه‌ای از مرز دانش را پیش برده است.

اگرچه دستاوردها و نوآوری‌های شهید صدر در علوم حوزوی همگی مستقیم یا غیرمستقیم در علوم انسانی مؤثر است؛ دست‌کم در پنج سطح در معرفت دینی، نوآوری و ابداعاتی را داشته که همگی در علوم انسانی مؤثر و راه‌گشاست:

### نوآوری در مکتب‌سازی

گسترده‌ترین سطح نوآوری شهید صدر، سطح «مکتب» است؛ تعریف مکتب را سطحی از معرفت مستدل می‌داند که حاوی مجموعه‌ای از نظریه‌های کلان باشد که ذیل خود بتواند مجموعه‌ای از ساخت‌های نظری

را شکل دهد و به‌طور کامل با تفسیرهای دیگر از عرصه‌های زیستی متفاوت باشد. خلاصه اینکه مکتب، سطحی از معرفت است که مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در دل خود دارد، نه صرفاً مجموعه‌ای از نظرها. شهید صدر مکاتبی در فقه، اصول، اقتصاد، تفسیر موضوعی و فلسفه آفریده که بسیار پُردامنه است و می‌توان پژوهش‌های زیادی در آن انجام داد.

### نوآوری‌های نظریه‌ای

نوآوری‌های نظریه‌ای ایشان به دو دسته کلان و خُرد تقسیم می‌شود؛ این‌ها بسیار زیاد است و حداقل فهرست اجمالی بنده حدود شصت نظریه کلان در ابعاد مختلف معرفت، فلسفه و فقه و تفسیر است که می‌تواند تغییرات اساسی در فضای معرفتی ما به‌وجود آورد.

این نظریه‌ها مانند: **منطق ذاتی** که شهید صدر در آن، استقرا را از لایه عدم اعتبار و لاحجیت به حجیت و از یقینی نبودن به یقینی بودن می‌رساند؛ **نظریه سنت تاریخی** دین که از بحث‌های بسیار پرطرفیت است که گسترش دامنه این بحث و پیدا کردن ابعاد بعدی آن، منطق تحول اجتماعی را به‌دست می‌دهد؛ **نظریه استخلاف** که همه بحث‌هایی که ایشان در حوزه علوم سیاسی انجام می‌دهد رگ‌وریشه‌ای از این نظریه است؛ **منطقه الفراغ** که تئوری حکمرانی ولی‌فقیه است.

### نوآوری در عرصه دیدگاه‌ها

عرصه دیگر از نوآوری‌های شهید صدر عرصه دیدگاه‌هاست؛ یعنی نظراتی که شهید صدر درباره مسئله‌ها ارائه کرده است. برای مثال **نظریه قرن اکید** شهید صدر در اصول که نظریه‌ای معرفت‌شناسانه و نیز زبان‌شناسانه است و از چگونگی نسبت لفظ و معنا بحث می‌کند؛ کار بین‌رشته‌ای، بین معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی و روان‌شناسی است.

### نوآوری‌های شهید صدر در عرصه روش‌ها

عرصه بعدی نوآوری‌های شهید صدر که از مهم‌ترین کارهای ایشان است، جایی است که شهید صدر دست ما را باز کرده و به غنای معرفتی روش دینی کمک کرده است؛ برای مثال **روش استنتاج** در تفسیر موضوعی که بنیاد نظریه‌پردازی دینی است و چگونگی رسیدن به تعریف دین‌بنیاد از هستی را به ما می‌دهد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین در پایان نشست خود در دوره مقدماتی مدرسه صدرخوانی افزود: آنچه در این جلسه ارائه کردم مقدمه‌ای بر ظرفیت‌های اندیشه شهید صدر در علوم انسانی است؛ دقیقاً به این معنا که زمینه‌های ابتدایی را برای آغاز ارتباط ما با شهید صدر به‌مثابه یک اندیشمند دارای دستاوردهای متعددی که می‌تواند زمینه پژوهش ما باشد فراهم کند.

خود ظرفیت‌های پژوهشی شهید صدر نیازمند کار مستقلی است؛ هرکس در رشته خود باید با توجه به این راهنمای اولیه که تقدیم شد نقطه‌های ارتباط را کشف کند؛ این کشف با مطالعه دقیق و منسجم و روش‌مند شهید صدر انجام می‌شود.



شایان ذکر است که مدرسه تخصصی کشوری «فرصت صدرخوانی» به همت [اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق\(ع\)](#) با همکاری پژوهشگاه تخصصی شهید صدر و دیگر همکاران در ۴ سطح مقدماتی، متوسطه، پیشرفته و اختصاصی (فقه و حقوق) در حال برگزاری است.



نخستین کارگاه سطح مقدماتی مدرسه تخصصی «فرصت صدرخوانی» با عنوان «درآمدی بر شخصیت و سیره علمی شهید صدر» در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۱ با حضور [حجت الاسلام والمسلمین مجتبی الهی خراسانی](#)، استاد حوزه و دانشگاه برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین الهی خراسانی در نشست درآمدی بر شخصیت و سیره علمی شهید صدر بیان کرد:

### نبوغ و جنبه خانوادگی شهید صدر

به عنوان مقدمه درباره جنبه‌ای از زندگی شهید صدر صحبت می‌کنم که اکتسابی نیست و ما را نرسد جز اینکه درباره آن سخن بگوییم.

به تعبیر مقام معظم رهبری شهید صدر از معدود متفکران اسلامی معاصر است که با دقت در کلمه باید او را نابغه نامید؛ این نبوغ به لحاظ قدرت ذهنی، تراوشات فکری، سرعت انتقال، حافظه و هوش بسیار سرشار است که در جنبه‌های مختلف زندگی ایشان قابل بررسی و تعقیب است.

افراد تیزهوش زیاد داریم، اما نبوغ تعریفی دارد که حتی در تست‌های امروزی قابل رهگیری نیست؛ مانند اینکه کسی در پانزده سالگی درباره نظریات منطقی یا ریاضی فکر کند و چیزی بنویسد یا در هجده سالگی آرای اجتهادی خود را درج کند و در حدود بیست تا ۲۲ سالگی به مقام اجتهاد نائل آید که به تعبیر محقق

خراسانی، صاحب کفایه رضوان‌الله‌علیه معدود کسانی موفق می‌شوند به این مقام برسند، این‌ها هم ابعادی از این نبوغ است.

البته جنبه خانوادگی ایشان هم بسیار ممتاز است که جنبه اکتسابی ندارد و صحبت درباره آن بهره‌ای برای ما نخواهد داشت؛ به تعبیر مرحوم آیت‌الله قاضی‌زاده خراسانی علامه شهید صدر متعلق به پرافتخارترین خاندان علمی شیعه در طول تاریخ است که از سید مرتضی آغاز می‌شود و طی نسل‌های مختلف پرافتخار به صدرها ختم می‌شود.

### **خصوصیات الگوپذیر شهید صدر**

صحبت کردن از شهید صدر کار آسانی نیست و این فرصت فشرده تنها مدخلی بر اندیشه و افکار شهید صدر است. ابتدا درباره زندگی چندبعدی شهید صدر نکاتی عرض می‌کنم، بعد به سراغ شخصیت شهید صدر و سپس کارنامه فکری و علمی ایشان می‌روم.

سه بُعد کلی در زندگی شهید صدر پررنگ‌تر از ابعاد دیگر است؛ چنان‌که شاید بتوان گفت این‌ها سه خصوصیت برجسته ایشان است. این خصوصیات درس‌آموز و اکتسابی است: شهید صدر را به‌عنوان «استاد والا»، «متفکر نواندیش» و «مصلح اجتماعی» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### **شهید صدر، استاد والا**

شهید صدر شاگردان محقق، پرشور، آگاه و مجاهدی تربیت کرد که اغلب آن‌ها پرچمداران علم، فرهنگ و جهاد بودند و هستند و بعد از استادشان راه علمی، فکری و اجتماعی ایشان را ادامه دادند.

بخش‌هایی از جنبه استادی ایشان عبارت است از: ایجاد توازن آموزشی میان رشته‌های دینی و اسلامی؛ جبران خلأ تفسیر و تحقیق در منظومه آموزشی خود؛ ارائه برنامه جدید برای دانش‌های حوزوی، فقه، اصول، فلسفه، اقتصاد و تفسیر؛ تأکید مستمر بر بازنگری متون درسی و ایفای سهم خود به‌عنوان مؤلف کتاب‌های درسی متفاوت اصولی و علوم دیگر؛ ابداع شیوه‌های پژوهش گروهی برای شاگردان.

### **شهید صدر، متفکر نواندیش**

از جنبه دیگر، ایشان یک متفکر نواندیش است؛ تبیین و تفسیری نو برای مفاهیم و مقولات کهن علوم اسلامی ارائه داده است؛ بخش‌هایی از دیدگاه‌های پیشگامان علوم اسلامی در فقه و اصول و رجال و تفسیر را بازسازی کرده است؛ بیان و تحلیل تازه‌ای برای پدیده‌ها از منظر اسلام ارائه کرده است؛ صورت برهان‌ها را در استدلال‌ها تغییر داده و در مجموع بخش‌های پراکنده میراث علمی را در مجموعه‌های مختلف منظومه‌سازی کرده و راه‌های نوینی برای اندیشه اسلامی گشوده است که در کارنامه فکری و علمی ایشان مشهود است.

### **شهید صدر، مصلح اجتماعی**

شهید صدر در بخشی دیگر از زندگی مصلح اجتماعی است. در سال ۱۳۷۷ هجری قمری عده‌ای از علمای روشن‌بین و آینده‌نگر مانند آیت‌الله شهید سید مهدی حکیم، شیخ مهدی سماوی و سید طالب رفاهی به این نتیجه رسیدند که باید علاوه بر روشنگری نسل جوان، کمک کنند تا یک حزب اسلامی در مقابل حزب بعث به‌وسیله جوانان تأسیس شود و در آن سال چنین کردند.

شهید صدر طرح‌هایی برای تبیین و نقش‌آفرینی جدید برای نهاد مرجعیت «به‌عنوان نظریه مرجعیت صالحه» ارائه دادند. این طرح شبیه‌ترین ایده و نظریه به نهاد ولایت فقیه به‌جای منصب ولایت فقیه است که همچنان در کشور ما یک ایده تازه است.

ایشان طرح‌هایی برای هماهنگ‌سازی حوزه‌های علمیه در یک رابطه تشکیلات شبکه‌ای حوزه‌های بزرگ و کوچک انجام دادند. تبیین اصل جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، پیشگامی در مداخلات سیاسی، ایجاد فضا در مناظره و پاسخ‌گویی بهنگام در برابر شبهات روز و مهم‌تر از همه این‌ها، احیای روح مسئولیت عالمان اسلامی تا مرز ایثار و جهاد و شهادت و تأکید بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی، حمایت از نهضت اسلامی ایران به رهبری امام راحل (ره) و توجه دادن به ابعاد مختلف اجتماعی اسلام مانند اقتصاد، سیاست، تربیت و ارتباطات اجتماعی از دیگر اقدامات ایشان بود.

### توجه به رسالت اجتماعی

شهید صدر توانست بین تخصص علمی و رسالت اجتماعی جمع کند. در ایفای رسالت اجتماعی لحن ایشان مانند یک رهبر و فرمانده اجتماعی یا پرچمدار نهضت انقلابی با طنین صدای خاص رهبران است و با حماسه انقلابی و ادبیات فاخر و آهنگین و گاهی مسجع سخنرانی می‌کند، گویا عمری رئیس احزاب مختلف سیاسی بوده و تنها رهبری پویش‌های اجتماعی را بر عهده داشته و باورنکردنی است که همین شخص دقیق‌ترین تأملات فلسفی و عمیق‌ترین تفکرات اصولی و نوآوری‌های فقهی را رقم می‌زند.

### نیازمداری و جامعیت شهید صدر

وی نیازمدار بود؛ گاهی درس فقه خود را تعطیل می‌کرد و تفسیر می‌گفت؛ گاهی به بحث حدیث می‌پرداخت و درعین‌حال حقیقت‌جویی را فراموش نکرد؛ گاهی حقیقت‌قربانی مصلحت و نیاز می‌شود و گاهی حقیقت‌بهانه‌ای برای فرار از نیاز.

جمع بین جامعیت دانشی در حوزه‌های مختلف و عمق تخصصی در هر یک از علوم در ایشان حیرت‌انگیز است؛ در عین اینکه در فعالیت علمی به‌طور کامل متقن، محکم، روشمند و مستدل عمل می‌کند، ولی باز هم به نوآوری متصل است.

### مکتب‌سازی و تاریخ‌نگری

وی مکتب‌سازی و تاریخ‌نگری را نیز در اندیشه خود دارد؛ معدود کسانی مانند علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید صدر را داریم که در عین تسلط بر گذشته، رو به آینده مشغول مکتب‌سازی شوند؛ البته

شاید اندازه‌های افکاری که در شهید صدر می‌بینیم بیشتر به مقیاس مکتب نزدیک باشد و از اندازه‌های مکتب و مرز نظریه عبور کرده باشد و از این منظر شاید از دیگر متفکران معاصر چند قدمی پیش باشد.

### کارنامه علمی و اندیشه‌ای شهید صدر

حجت‌الاسلام والمسلمین الهی خراسانی در بخش دوم از بیانات خود در نشست درآمدی بر شخصیت و سیره علمی شهید صدر افزود: بخش آخر عرایض بنده درباره کارنامه فکری و علمی شهید صدر است؛ پنج قسمت از کارنامه فکری ایشان را گزینش کرده‌ام که در مجموعه سی سال که با اندیشه شهید صدر محشور هستم، احساس می‌کنم نسل جدید علمی ما به آن نیازمندتر است.

### معرفت‌شناسی و روش‌شناسی

منظور از معرفت‌شناسی همان است که گفته می‌شود شناسایی و تبیین منابع معرفت، دادن یک ضابط برای یک نظریه موجه، یعنی معرفت موجه و ضوابط معرفت موجه و احیاناً ضابط درستی قضایا، صدر است؛ شهید صدر در همه این حوزه‌ها حرف دارد.

در منابع معرفت ضمن یا فشردن بر منبع عقل و ابطال نظریات پوزیتیویست‌ها و حس‌گرایان و علاوه بر آن برای استفاده از برهان نظم در علم کلام، استفاده از اجماع و تواتر در علم فقه و علم اصول و حتی نظریه تحویل سند در علم رجال، نظریه خاصی را در توجیه معرفت بیان کرده‌اند که به نظر برخی، نوعی سازگاری میان معرفت روانشناختی و معرفت علمی است که در آن اتکا به ظرفیت ذهنی مغز در معرفت و تمایز آن با احتمالات ریاضی است.

برخی معتقدند که ایشان توانسته نوعی ذات‌گرایی در معرفت را ابداع کند که این ذات‌گرایی در معرفت یا «المعرفة الذاتية» فصل جدیدی را در برهان‌های اثبات خداوند و در اثبات قضایای عقلی خواهد گشود.

### حجیت استقرا از منظر شهید صدر

از سوی دیگر بنیاد فلسفه حسی و تجربی را ایشان جابه‌جا کرده است؛ ضمن ابطال نظریه تجربه‌گراها و حس‌گراها، برای حجیت استقرا راه‌های معرفت‌شناختی پیدا کرده است که از اینجا وارد حوزه روش‌شناسی می‌شود.

### مکتب‌سازی اسلامی در علوم انسانی

حوزه دوم از کارنامه ایشان مکتب‌سازی اسلامی در علوم انسانی است؛ مهم‌ترین کارنامه ایشان در این حوزه، دو کتاب [فلسفتنا](#) در حوزه فلسفه و [اقتصادنا](#) در حوزه اقتصاد است؛ ایشان نشان داد که اسلام و معارف اسلامی به‌خوبی ظرفیت‌ها و درون‌مایه‌های تأسیس یک یا چند مکتب در فلسفه و اقتصاد را دارد و همین مدل از حرکت به سمت فعال‌سازی ظرفیت معارف اسلامی در حوزه مکتب‌سازی می‌تواند در سیاست و جامعه‌شناسی و تربیت تکرار شود. از این جهت می‌توان گفت که شهید صدر الهام‌بخش مکتب‌سازی اسلامی در علوم انسانی است.

شهید صدر نشان داده است که ما می‌توانیم مکتب مستقلی در مقابل لیبرالیسم و مارکسیسم داشته باشیم؛ فلسفه‌های لیبرال و هگلی را می‌توانیم نقد کنیم و یک مکتب یا مکتب‌هایی فلسفی بر اساس دیدگاه‌های خودمان بنا کنیم.

ایشان به راحتی رابطه مکتب‌سازی و اجتهاد را بیان کرده است؛ امکان استفاده کسی را که درصدد ساخت مکتب است از آرای اجتهادی دیگران را فراهم کرده و توجیه معرفت‌شناختی آن را توضیح داده است.

### **بازنگاری فقه**

بخش دیگری از کارنامه ایشان معطوف به فقه است؛ ایشان فقه را هم بازنگاری کرد؛ یعنی تعریف فقه، رسالت فقه، ساختاری که ایشان برای فقه قائل است و مفاهیم تازه‌ای که در حوزه فقه وارد کرده است، بخشی از پروژه بازنگاری ایشان است؛ مفاهیمی مانند اموال عامه در برابر اموال خاصه، سلوک عام در برابر سلوک خاص و اینکه فقه فعلاً به افعال مکفان نمی‌پردازد بلکه متکفل کشف هرچیزی است که شریعت برای تنظیم زندگی انسان آورده است و سپس عرضه این‌ها به شکل نظام‌مند.

وی بین حکم فقهی و قانون متکی بر حکم فقهی تفکیک قائل شده که حتی اکنون برخی از متفکران ما در خلط میان این دو گرفتار هستند و دیگران را هم گرفتار می‌کنند؛ این‌ها بخش‌هایی از عملی است که ایشان در فقه انجام داده است.

### **پیکربندی مجدد اصول استنباط**

آخرین بخش، پیکربندی مجدد اصول استنباط است؛ ایشان در اصول استنباط نوآوری‌های فراوانی دارند، به تعبیر بعضی از محققان معاصر دست‌کم هجده نظریه وسیع و در مجموع شاید نزدیک دویست رأی تازه آورده‌اند؛ ولی این جنبه‌ها را کنار تلاش ایشان می‌گذارم برای اینکه اصول استنباط و اصول فقه را پیکربندی مجدد کنند.

نظم تازه‌ای که به اصول داده‌اند باعث می‌شود که طلبه و مجتهد امروز ما با یک ساختار ذهنی منظم و روشمند استنباط کند؛ حسب تجربه ما چنین فراگیری منطق استنباط، متفکر ما را از غلتیدن در دام مغالطات و جدل‌ها و التقاط‌های رهن تا حد زیادی مصون نگه می‌دارد و از اعجاب و شیفتگی نسبت به فضاهای اثباتی جدید دور می‌کند.

شایان ذکر است که مدرسه تخصصی کشوری «فرصت صدرخوانی» به همت اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (ع) با همکاری پژوهشگاه تخصصی شهید صدر و دیگر همکاران در ۴ سطح مقدماتی، متوسطه، پیشرفته و اختصاصی (فقه و حقوق) در حال برگزاری است.

## ۸۳. مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

پژوهشگاه شهید صدر، دکتر عادل پیغامی عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سخنران سومین جلسه از سلسله نشست‌های علمی «اندیشه صدر» با عنوان «مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی» بود که به مناسبت فرا رسیدن چهل و دومین سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر به همت پژوهشگاه شهید محمدباقر صدر از صفحه [اینستاگرام این پژوهشگاه](#) به صورت زنده پخش شد.

### شهید صدر بازوی امام خمینی در سطح بین‌الملل

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) زنده کردن یاد، نام و خاطره شهید صدر را از ملزومات این دوران عنوان کرد و گفت: امام موسی صدر و شهید سید محمدباقر صدر دو بازوی بین‌المللی برای امام خمینی (ره) در تأسیس انقلاب اسلامی بودند که متأسفانه هر دو در همان زمان انقلاب از میان ما رفتند؛ البته کماکان روزبه‌روز به اندیشه‌های این شهیدان نیاز داریم و باید آن‌ها را مرور کنیم.

وی درباره اندیشه شهید صدر در حل مشکلات اقتصادی معاصر اظهار داشت: شهید صدر مشکلات اقتصاد جهان را به صورت مبنایی مطرح کرده است و به دنبال ارائه راه‌حل از مبانی اسلامی برای آن‌ها بوده است؛ درحالی‌که دیگران اخلاق اقتصادی، حقوق اقتصادی و فلسفه اقتصادی اسلام را بیان کرده‌اند.

### پاسخ مبنایی شهید صدر به پرسش درباره سهم‌بری عادلانه عوامل تولید

پیغامی سؤال از «سهم‌بری عادلانه عوامل تولید» را یکی از سؤالاتی برشمرد که شهید صدر درصدد پاسخ به آن از مبانی اسلامی بوده است و توضیح داد: در هر فرآیند تولید عوامل مختلفی حاضر هستند که در مشارکت با هم تولید می‌کنند؛ حال پس از به دست آمدن محصول تولید این مقدار چگونه باید بین تولیدکنندگان تقسیم شود؟ این یکی از سؤالات مهم تمام مکاتب اقتصادی است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در نشست مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی، سؤال مذکور را سؤال جدی اقتصاددانان از گذشته تا همین سال‌ها عنوان کرد و گفت: هر مکتب اقتصادی بنا به اصول خود به بخشی از عوامل تولید توجه دارد؛ به‌طور کلی غرب قائل به مساوات است، یعنی همه تولیدکنندگان گندم باید به‌صورت مساوی از محصول برداشت کنند؛ اما این‌طور مساوی هم دارای اقسام مختلفی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در تبیین پاسخ نوآورانه شهید صدر از منظر اسلامی به این سؤال اظهار داشت: شهید صدر فرایند تولید را همگن فرض نمی‌کند؛ اگر این اندیشه امروز به‌خوبی و به زبان انگلیسی در محافل علمی خارجی مطرح شود خریدار خواهد داشت؛ متأسفانه دیپلماسی علمی ما به‌گونه‌ای نبوده است که این اندیشه‌ها را بتواند صادر کند.

### اصالت‌دهی به صاحب کار در مبنای اسلامی

وی ادامه در نشست مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی داد: شهید صدر برخلاف همه اقتصاددانان جهان انواع تولید را همگن فرض نکرده است؛ اسلام در برداشت از منابع طبیعی و مباحث عامه به کنشگری صاحب کار اصالت می‌دهد؛ یعنی صاحب سرمایه و ابزار اصالت ندارد؛ متأسفانه از این اندیشه در شیلات ایران و دیگر کشورهای اسلامی مدل‌سازی نشده است؛ شهید صدر در فلاحت نیز قائل به اصالت نیروی کار است.

### نوآوری شهید صدر در تفکیک سرمایه‌ها

پیغامی دومین نوآوری شهید صدر را همگن ندانستن سرمایه‌ها عنوان کرد و ابراز داشت: شهید صدر بین سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی تفکیک می‌کند که سرمایه مالی یا به قرض آمده است و یا باید مشارکت در کار داشته باشد؛ در صنعت، شهید صدر اجازه می‌دهد که هر سه صاحب زمین، صاحب پول و کارگر در ریاست مجموعه مشارکت کنند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: ارزش اضافی ناشی از کار تیمی عوامل تولید مسئله‌ای است که اقتصاد خرد کنونی از پاسخ دادن به آن فرار می‌کند، اما این پرداخت شهید صدر به مسئله آن را به درستی پاسخ داده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) رویکرد شهید صدر را ایفای کرامت انسانی به تمام انسان‌ها عنوان کرد و گفت: ما نباید با اسم تأکید بر کرامت انسانی در رویکردهای مارکسیستی بیفتیم که با نجات انسان از استثمار سرمایه جلوگیری کنیم. شهید صدر راه میانه و درست را پیموده است و توجهی به هیچ‌کدام از مکاتب مارکسیستی و لیبرالیستی و مانند این‌ها ندارد.

### لزوم بازخوانی افکار شهید صدر

وی با اشاره به فعالیت‌های حوزه علمیه قم درباره اندیشه شهید صدر ابراز داشت: همه این کارها گذر از اندیشه شهید صدر نیست؛ کماکان اندیشه شهید صدر باید بازخوانی و مطالعه مجدد شود و کارهایی که در این چهل سال در حوزه علمیه و دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه امام صادق شده است، به لحاظ زمانی جلوتر هستند اما به لحاظ محتوایی عمق آن آثار را ندارند؛ بنابراین تمام پژوهشگران اسلامی را به خواندن سطر به سطر آثار شهید صدر دعوت می‌کنم.

پیغامی در نشست مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی تصریح کرد: درباره بانکداری اسلامی بسیار کار شده است، اما عجیب است که به مقاله الاسس العامة للبنک فی المجتمع الاسلامی در [الاسلام یقود الحیاة](#) ارجاع نداده‌اند؛ همه به کتاب [البنک اللاربوی](#) شهید صدر ارجاع می‌دهند اما به آن مقاله ارجاع داده نمی‌شود؛ درحالی‌که در این مقاله شهید نوعی از بانکداری به نام بانکداری تجاری را اسلامی می‌کند و در کتاب خود بانکداری سرمایه‌داری را اسلامی می‌کند؛ همین بی‌توجهی در قانون بانکداری بدون ربای پیشین همه بانک‌ها را همگن فرض کرده، در حالی که شهید صدر تمام بانک‌ها را همگن نمی‌دانسته است.



عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ورود شهید صدر در توازن اجتماعی و اقتصادی را ستود و اظهار داشت: در جلساتی که در کتاب «گفتارهای عدالت اجتماعی» چاپ شده است، تصریح کرده‌ام که رسیدن به این عدالت یکی از مسائل بزرگ جهان است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) آرزو کرد: در حوزه‌های علمیه تمام اندیشه‌های اسلام‌شناسانه شهید صدر به عنوان متن جدی خوانده شود، نقد شود و حتی شرح بخورد؛ سنت شرح نویسی و حاشیه‌نویسی در حوزه‌های ما دیرینه و فعال است.

### **منظومه فکری اسلام ناب در کنار دیگر بزرگان**

وی مباحث اقتصادی شهید صدر را فنی و تخصصی عنوان کرد و گفت: بنیان و مبانی این مباحث مایه‌ای است که شهید صدر از اسلام دارد؛ نکته عجیب این است که اسلام‌شناسی مبنایی شهید صدر با اسلام‌شناسی علامه طباطبایی، شهید مطهری و امام موسی صدر بسیار مشابه است؛ شهید صدر استاد رهبر معظم انقلاب نبوده است اما مبانی اسلام‌شناسی این شهید با رهبر معظم انقلاب و دیگر علمای اسلامی یکی است؛ به این دلیل می‌توان این منظومه را بی‌توجه به اینکه چه کسی آن را صادر کرده است به نام منظومه فکری اسلام ناب نامید.

پیغامی در پایان نشست مکتب اقتصاد اسلامی شهید صدر و چالش‌های اقتصاد جهانی افزود: داشتن سیستم عامل اندیشه انقلاب اسلامی منوط به مجهز بودن به نظام فکری انقلاب اسلامی است که با خواندن اندیشه‌های شهید مطهری، علامه طباطبایی، شهید صدر و دیگران است. بدون این خوانش کسی معنای مطالبات رهبر معظم انقلاب را متوجه نمی‌شود؛ متوجه شدن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منوط به آشنایی با این اندیشه اسلامی است که در یک منظومه واحد هستند.

## ۸۴. نظریه عاملیت جمعی در اندیشه سیاسی شهید صدر

۱۷ فروردین ۱۴۰۱

به گزارش روابط عمومی [پژوهشگاه شهید صدر](#)، دکتر مسعود پورفرد عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سخنران دومین جلسه از سلسله نشست‌های علمی «اندیشه صدر» با عنوان «نظریه عاملیت جمعی در اندیشه سیاسی شهید صدر» بود که به مناسبت فرا رسیدن سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر به همت پژوهشگاه شهید صدر از صفحه [اینستاگرام](#) این پژوهشگاه به صورت زنده پخش شد.

### دیدگاه‌های شهید صدر راهگشای جمهوری اسلامی و جهان اسلام است

دکتر پورفرد با تبیین اندیشه شهید صدر درباره «عاملیت جمعی» گفت: دیدگاه‌های شهید صدر برای جمهوری اسلامی و حتی جهان اسلام راهگشا است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره جایگاه دیدگاه شهید صدر در علوم سیاسی و اجتماعی گفت: کتاب «فقه سیاسی شهید صدر» را سال ۱۳۹۶ چاپ و منتشر کردم؛ نگاه شهید صدر در حوزه سیاست می‌تواند تحول آفرین باشد؛ نگاه شهید صدر در قلمروهای مختلف علوم انسانی بویژه سیاست، بسیار کاربردی و کارآمد است.

وی مفاهیم و بحث‌های شهید صدر مانند اقتصادنا، فلسفتنا و مانند آن‌ها را دریایی از خلاقیت در حوزه‌های علوم اجتماعی عنوان و تصریح کرد: با توجه به دیدگاه‌های شهید صدر می‌توانیم حوزه علم سیاست را متحول کنیم؛ این نگاه‌ها بومی و اسلامی است.

پورفرد در تبیین «نظریه عاملیت جمعی در اندیشه سیاسی شهید صدر» گفت: در پرداخت به این نظریه شهید صدر از کتاب‌های «المدرسه القرآنیه»، «الاسلام یقود الحیات» و «اقتصادنا» استفاده کرده‌ایم.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در ارائه تعریفی از عاملیت جمعی اظهار داشت: به طور ساده منظور از عاملیت جمعی چیزی در مقابل عاملیت فردی است؛ شهید صدر حامی این عاملیت جمعی است که در حوزه نظام‌های اجتماعی سیاسی عاملیت جمعی مؤثرتر و کارآمدتر است؛ سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی و جمعی نمونه ساده‌ای از عاملیت جمعی هستند؛ یعنی گروهی از مردم که مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی و هدف خاص دارند.

وی افزود: منظور از عاملیت جمعی یک گروه مستقل از قدرت سیاسی است که ممکن است تخصصی در فرهنگ، اقتصاد و سیاست نیز داشته باشند؛ این گروه زیرمجموعه قدرت اجتماعی هستند.

پورفرد از خواست شهید صدر مبنی بر نقش کلیدی و اساسی برای عاملیت جمعی در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی خبر داد و گفت: این عاملیت جمعی در دوران معاصر پیروزی‌های بزرگی را برای جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی و عرصه‌های مختلف رقم زده است؛ اگر این عاملیت مهم شمرده شود نظام سیاسی هم می‌تواند موفقیت خود را بیمه کند.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به دوران زندگی شهید صدر و حکومت صدام اشاره کرد و ابراز داشت: شهید صدر ثابت کرد عاملیت جمعی بر پایه اسلام می‌تواند ساختارهای متصلبی مانند ساختار سیاسی صدام را در هم بشکند. هرچند متأسفانه این عالم بزرگ جهان اسلام را به شهادت رساندند اما ایشان منابع و مطالب کلیدی را در فلسفه جامعه‌شناسی مطرح کرد که می‌تواند مورد استفاده ما قرار گیرد.

وی شش گزاره را در چگونگی استفاده از آثار شهید صدر مورد توجه قرار داد و گفت: گزاره اول این است که عاملیت فردی با تلاش اجتماعی می‌تواند به سمت عاملیت جمعی سوق پیدا کند؛ دو نوع می‌توان این طریق را پیمود یکی حب ذات که مورد اشاره شهید صدر است که خودخواهی ذاتی افراد زمینه‌ای برای رساندن خیر به دیگران است و این کمال خواهی می‌تواند به حرکات خیرخواهانه جمعی نیز منتقل شود؛ دوم فلسفه صدراپی و حکمت متعالیه که شهید صدر آن را تدریس می‌کرد نیز به دنبال حرکت جوهری فردی به حرکت جوهری جمعی و مورد تأیید شهید صدر است.

پورفرد در بیان گزاره دوم که تغییر در ساختار غیر ممکن نیست گفت: دو بخش ساختار و کارگزار نشان می‌دهد که ساختارها سیستم جبری است که الزامات و شکل‌های خاص خود را دارد و ممکن است منعطف یا متصلب باشد؛ شهید صدر اعتقاد دارد ساختار به هر شکلی باشد قابل تغییر است؛ از سویی عاملیت جمعی با قدرت بیشتر خود می‌تواند این ساختار را تغییر دهد.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در بیان ویژگی‌های عاملیت جمعی گفت: در کتاب مدرسه القرآنیه شهید صدر، ویژگی‌های امت که همان ویژگی‌های عاملیت جمعی است بیان شده است؛ در این کتاب بیان شده است که امت باید هدفی خاص، همبستگی، همدلی و ارزش‌های معنوی داشته باشد.

وی با توجه به گزاره چهارم که کارگزار فردی نقش فردی و کارگزار جمعی نقش جمعی دارد گفت: باید عاملیت جمعی با ویژگی‌های مطلوب خود فعال شود و ما این قدرت اجتماعی را در کنار قدرت سیاسی به رسمیت بشناسیم و وظیفه نظارت و کنترل را به آن واگذار کنیم که این یکی از پایه‌های اساسی و زیرساخت‌های نظریه عاملیت است.

پورفرد گزاره پنجم را تأکید نصوص دینی بر عاملیت جمعی و نهی از گوشه‌گیری عنوان کرد و در بیان گزاره ششم اظهار داشت: آیات مربوط به این مسأله در حوزه اجتماعی وجود دارد؛ شهید صدر آیاتی را انتخاب می‌کند که زندگی اجتماعی سیاسی نشان می‌دهد که این جامعه، جمع و امت، می‌تواند در راه‌ها و سبک‌های زندگی خود موفق شود؛ عاملیت جمعی بر اساس این آیات می‌تواند گره‌گشای کارآمدی یک نظام باشد.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشکلات جمهوری اسلامی را ناشی از توجه کم به عاملیت جمعی برشمرد و گفت: شهید صدر به این مشکلات پاسخ می‌دهد که مشارکت جمعی را در نظام خود استفاده کنید و هیچ نگران نباشید؛ ما با این دیدگاه می‌توانیم در جمهوری اسلامی و حتی در جهان اسلام تحول ایجاد کنیم.

وی از ناکارآمدی نظام سیاسی با وجود داشتن اندیشمندی مانند شهید صدر ابراز تعجب کرد و تأکید کرد: دیدگاه‌های شهید صدر راهگشای جمهوری اسلامی و جهان اسلام است

پورفرد در پاسخ به نقاط برجسته نظریه شهید صدر در باب نظریه عاملیت اجتماعی و نظریات مقابل آن گفت: در جمهوری اسلامی هم نظریات مختلفی داریم که البته قوی نیستند؛ در نظریات نخبگانی یک عده خاص تصمیم می‌گیرند و تصمیم‌ساز و همه‌کاره هستند و مردم هیچ‌کاره هستند؛ اما در دیدگاه شهید صدر حتی نخبگان هم مجبور هستند در تشکلهای مردم حضور پیدا می‌کنند.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پایان خواستار برجسته کردن دیدگاه‌های شهید صدر در فضاهای علمی جهان اسلام شد و تصریح کرد: امام خمینی (ره) شهید صدر را اندیشمند بزرگی در جهان اسلام می‌دانستند؛ کمک به شناخت هر چه بیشتر این شهید بزرگوار خدمت بزرگی به جهان اسلام است.

در اولین نشست تخصصی هفته جمعیت با موضوع ناباروری مطرح شد:

### سن زنان مهم‌ترین عامل در باروری و ناباروری

در اولین نشست تخصصی هفته جمعیت سرکار خانم دکتر حیدری متخصص زنان و زایمان و پژوهشگر حوزه جمعیت مهم‌ترین عوامل مؤثر در ناباروری را تشریح کرد. این نشست‌ها به مناسبت هفته جمعیت هر روز به مدت یک هفته در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) برگزار خواهد شد. امکان حضور عموم مردم عزیز در این نشست‌ها فراهم است و مخاطبین گرامی می‌توانند به صورت برخط در نشست شرکت کنند.

### از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در این نشست می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- تحقیقات علمی نشان می‌دهد سن یکی از مهم‌ترین پارامترهای باروری و ناباروری می‌باشد. بدین معنا که با بالا رفتن سن بانوان تا ۳۰ درصد شاهد ناباروری هستیم. بهترین سن برای باروری برای بانوان بازه‌ی ۲۰ تا ۲۴ سالگی می‌باشد.
- ازدواج دیر هنگام و یا تأخیر در فرزندآوری نقش بسیار مهمی در ناباروری دارد.
- یکی از مهم‌ترین نکاتی که جوانان ما باید بدان آگاه باشند این است که بدانند نظام باروری و حاملگی امری کاملاً اختیاری نیست و کاملاً در اراده آن‌ها نمی‌باشد. بدین معنا که در هر رابطه زناشویی امکان باروری در حدود ۲۰ درصد می‌باشد. پس اینکه جوانان به امید اینکه در آینده اقدام به فرزندآوری کنند و گمان کنند باروری با اقدام آن‌ها در هر زمانی ممکن است کاملاً اشتباه است. و در اصل با تأخیر در این امر شاهد ناباروری خواهند بود.
- مادرانی که وزن بالایی دارند در فرآیند تخمک‌گذاری عملکرد بدنشان بسیار ضعیف خواهد بود و از اینرو پیشنهاد می‌کنیم با انتخاب یک سبک زندگی سالم وزن خود را در حالت طبیعی قرار دهند.
- تحقیقات نشان داده است ناباروری در زنانی که وزن بالایی دارند شایع‌تر است.
- سبک زندگی سالم و تغذیه سالم یکی از مهم‌ترین زمینه‌های باروری می‌باشد.
- فعالان فرهنگی و اجتماعی با ترویج سبک زندگی سالم می‌توانند نقش بسیار مهمی در جلوگیری از ناباروری ایفا کنند.

در پایان اشاره شد چالش ناباروری با رعایت نکاتی بسیار ساده از قبیل: کاهش وزن، ورزش کردن، سبک زندگی سالم، ترک دخانیات و تغذیه سال قابل حل می‌باشد و زوجین با رعایت این موضوعات می‌توانند از ناباروری جلوگیری کنند.

سلسله نشست‌های تخصصی هفته جمعیت

جلسه اول ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ ساعت ۱۵ الی ۱۶:۳۰

# نگاهی به مسئله ناباروری



دکتر کتایون حیدری  
متخصص زنان و زایمان

قم، بلوار جمهوری اسلامی،  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره  
طبقه پنجم، سالن اندیشه

پخش زنده [iki.ac.ir/su/?u=1](http://iki.ac.ir/su/?u=1) [Live.۴Fon.ir](http://Live.۴Fon.ir) [Rubika.ir/andishe\\_mastor](http://Rubika.ir/andishe_mastor) [Eitaa.com/populationir](http://Eitaa.com/populationir)



نشست علمی «جایگاه تراث روایی در مبانی مکتب قم - از حاج شیخ عبدالکریم حائری تا امام خمینی» در نمایشگاه «حضور صدساله خورشید» برگزار شد.

آیت الله عندلیب همدانی در نشست علمی جایگاه تراث روایی در مبانی مکتب قم - از حاج شیخ عبدالکریم حائری تا امام خمینی که از طرف موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) برگزار شد، اظهار داشت: بزرگان شیعه از ابتدا تاکنون، مبانی متفاوتی در مواجهه با حدیث دارند، می توان این دیدگاه ها را به ۶ قسم تقسیم کرد گرچه خود گرایش های گوناگونی دارند؛ ۱. مبنای محققینی مانند مرحوم کلینی، صدوق که آنها نیز وارث رواه جلیل القدر پیشین ما هستند و مولف دو کتاب از کتاب های اصلی شیعه هستند. این مسلک بعد هم ادامه داشته است. شما می توانید کسانی مانند علامه فیض و علامه مجلسی را از این گروه به حساب آورید. ۲. مبنای اخباریین است که آنها هم یکسان نیستند و بین آنها اختلاف نظرهای جدی مشاهده می شود. ۳. مجتهدانی که مبنای آنها برپایه انسداد است مانند میرزای قمی و دیگران که اینها اگر به روایات مراجعه می کنند، فتوا می دهند از باب ضمّ مطلق به آنها مراجعه می شود. ۴. مجتهدانی که شبه انسدادی هستند یعنی مقدمات انسداد را تقریباً پذیرفته اند ولی به حجت ضمّ مطلق نرسیده اند بلکه راه پیشنهادی آنها مراجعه به کتب معتبر حدیث از باب احتیاط است و احتیاط را در این محدوده موجب عسر و حرج نمی دانند. ۵. مجتهدانی که فقط به خبر واحد صادره شده از ثقه عمل می کنند. اینها خبر واحدی را می پذیرند که یا صحیح السند باشد یا موثق. در این گروه، کسانی ماند صاحب مدارک قرار دارند. ۶. مجتهدانی که نه تنها به خبر ثقه عمل می کنند به تنهایی بلکه هر خبری که از هر راهی برای مجتهد وثوق به صدور حاصل شود، به این نوع اخبار عمل می کند و دایره را منحصر به روایات صحیحه یا موثقه نمی کنند. برای آنها وثوق به صدور اهمیت دارد. بزرگانی که ما درباره آنها بحث می کنیم از محقق داماد تا امام خمینی (ره) داخل در دسته ششم جای می گیرند.

او ادامه داد: اگر مبنای ما در پذیرش خبر واحد، تمسک به سنت باشد، از نظر مرحوم حائری، قدر متیقن خبر ثقه است ولی اگر مبنا برای حجیت خبر، سیره عقلا باشد، ایشان می گوید هر خبری که وثوق به صدورش داشته باشیم.

استاد حوزه علمیه قم بیان کرد: آیت الله محقق داماد در تقریرات اصولی در پاسخ به سخن انسدادیون که می گویند باب علم و علمی مسدود است، می گوید باب علمی مسدود نیست چون به اندازه ای که در معظم فقه نیاز داریم، از روایات معتبره داریم و اگر هم در مواردی به اصل یا اماره ای غیر از خبر واحد مراجعه کنیم، خدشه ای به وجود نمی آید. ایشان چه در مباحث اصولی و چه کلمات فقهی خودش جزو خانواده وثوق به صدور است و خود را محصور در روایات صحیحه نکرده است. بزرگان حوزه علمیه قم از نظر حدیثی باینکه اختلاف نظرهای عمده ای باهم دارند اما همگی در خانواده وثوق به صدور جای می گیرند.

او در ادامه ابراز داشت: مجتهدانی که در قاموششان عناصری مانند اعراض فقها از یک روایت، شهرت با هر سه قسم رواییه، فتوائیه، عملیه، اجماع و امثال اینها مهم است، همه در استفاده از این عناصر اختلافی ندارند و آیت الله خویی در این بین، از همه مقدم تر است. ایشان تصریح دارد که روایات فقهی ما فقط روایاتی نیست که فقط در مجامع روایی آمده است بلکه بسیاری از روایات ما در کتب فقهیه ای مانند معالی شیخ، متن روایت است که به صورت فتوا آمده است و لذا می توان این روایات را در حکم روایت مرسله دانست و نباید اینها را در جمع بندی کنار گذاشت.

عندلیب همدانی عنوان کرد: امام خمینی در کتاب «الطهاره»، دایره را برای فتوادادن محدود به روایات کتب اربعه و امثال آن نمی کند، می گوید همین شهرت عظیمه کافی برای فتواست.

او با بیان اینکه در کتاب های فقهی کمتر به مباحث رجالی پرداخته می شود، گفت: امتیاز امام خمینی نسبت به سایر فقها این است که در جای خود در فقه وارد مباحث رجالی می شود. ایشان نقدهایی به کتاب رجال کشفی وارد می کند و سپس سراغ ابن ابی عمیر می آید و می گوید نجاشی درباره او می گوید علمای ما به روایات ابن ابی عمیر اطمینان دارند چون کتاب های ایشان از بین رفته بود و از حافظه کمک می گرفت. امام خمینی می فرماید که صرف زیان کتب نمی تواند موجب عمل به مراسیل ابن ابی عمیر باشد باید دلیل دیگری باشد برای مراجعه به او. و این هم دلالت می کند که مراسلات او مورد قبول است.

استاد حوزه علمیه قم به نمونه های دیگری در این زمینه اشاره کرد و افزود: در کتاب «بیع» در بحث ولایت فقیه، صریحا می فرماید: «مراسیل مرحوم صدوق که با «قال» شروع شده باشد نشان از اعتماد صدوق دارد و این برای ما کافی است». بنابراین مراسلات صدوق را قبول می کند درحالیکه می فرماید در مراسلات ابن ابی عمیر، «ان قلت» است.

او بیان کرد: امام خمینی در کتاب البع راجع به حدیث مجاری الامور، می فرماید: درست است که این حدیث در تحف العقول است و در اعتماد به این کتاب، بحث هایی است اما همینکه صاحب وسائل نسخه ای دستش بوده و اعتماد به آن نسخه تحف العقول کرده و نقل کرده است، اینکه این کتاب وجود دارد، برای ما کافی است. این درحالی است که آیت الله بروجردی، به مناسبتی بحث تحف العقول را مطرح کرده



و مولف آن را مجهول می داند یعنی برای ایشان ثابت نشده است که صاحب کتاب، حسن بن علی بن شعبه است باینکه صاحب وسائل گفته است.

عندلیب همدانی گفت: یکی از امتیازات خوب امام خمینی در مورد اعتماد به روایات، «نقد متن» است که کمتر درباره دیگر بزرگان دیده می شود.



اولین نشست علمی گروه معارف اهل بیت (ع) وابسته به پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی خاتم النبیین (ص) در آستانه شهادت امام صادق (ع) با موضوع «تحوّل کلامی عصر امام صادق علیه السلام» با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی، مدیر انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه قم، برگزار شد.

در این نشست علمی بیش از ۸۰ نفر از اساتید و دانش پژوهان سطوح مختلف حوزوی و دانشگاهی به صورت حضوری و بیش از ۴۰۰ نفر نیز از طریق سامانه های مجازی حضور یافتند.

در ابتدای نشست مدیر گروه علمی معارف اهل بیت علیه السلام، حجت الاسلام سید حسن سبزواری به بیان ویژگی های منحصر به فرد عصر امام صادق (ع) پرداختند. از جمله سقوط حکومت ظالمانه بنی امیه و از سویی دیگر سر کار آمدن حکومت بنی العباس و وقایع آن پرداختند.

او در ادامه به وجود مکاتب مختلف اعتقادی و فقهی در این عصر، که همه ی آنها در تضاد و رویارویی با اسلام و مذهب حقّه شیعه ساماندهی شدند و پیشوای ششمین شیعیان را از یک سو درگیر بُعد بیرونی و به فکر نجات افکار توده مسلمانان از الحاد و بی دینی و کفر و از سوی دیگر در جانب داخلی، گرفتار بحران انحرافات اصول و معارف اسلامی و رفع بدعتهای حاکمان ظالم معرفی کردند.

حجت الاسلام سبزواری در انتهای سخنان خود به حدیث معروف لوح، نیز اشاره و بخشی از آن که مربوط به امام صادق علیه السلام می باشد را بیان کردند.

در ادامه این نشست علمی، حجت الاسلام دکتر محمد تقی سبحانی مدیر انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه قم، به عنوان سخنران اصلی، به ایراد سخنان خود پرداخت.

در پایان این نشست علمی، کلیپ پژوهشی با عنوان «امام صادق علیه السلام و نمادهای شیعی» با تحقیق دکتر حسین افراخته ارائه شد. در این کلیپ به سکه های ضرب شده و آثار فرهنگی - هنری همانند محراب ها، نگاره ها و قلمدان هایی که به نام اهل بیت علیهم السلام و امام صادق علیه السلام زیور شده، اشاره گردیده است.

## ۸۸. تحلیل دیدگاه های فقهی توسعه مطاف



نشست علمی «تحلیل دیدگاه های فقهی توسعه مطاف» برگزار شد با حضور آیت الله فاضل لنکرانی برگزار شد.

نشست علمی «تحلیل دیدگاه های فقهی توسعه مطاف» توسط پژوهشکده سازمان حج و زیارت با همکاری مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام در قم برگزار شد.

نشست علمی تحلیل دیدگاه های فقهی توسعه مطاف با سخنرانی آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی و حضور جمعی از طلاب و فضلا، اساتید حوزه و دانشگاه پیش از ظهر امروز در مسجد مرکز فقهی ائمه اطهار برگزار شد.

نشست علمی «تحلیل دیدگاه های فقهی توسعه مطاف» با سخنرانی آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی و حضور جمعی از طلاب و فضلا روز چهارشنبه (۲۵ اسفند ۱۴۰۰) در مسجد مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام والمسلمین مقدادی، مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت با اشاره به فتواهای مختلف در این زمینه اظهار داشت: امام خمینی (ره) و آیت الله شبیری زنجانی نظرشان این است که طواف بین کعبه و مقام ابراهیم صحیح است. وی ادامه داد: دسته دوم بر این باور هستند که مطاف توسعه دارد که نظر آیت الله خوئی و آیت الله سیستانی بر این است.

حجت‌الاسلام مقدادی تاکید کرد: آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی گلپایگانی هم نظرشان این است که طواف از پشت مقام امکان پذیر است، در همین بحث احتیاط آن است طواف در محدوده انجام شود.

در ادامه این جلسه، آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی درباره موضوع نشست سخنارنی کردند. مشروح سخنان ایشان زودی در همین صفحه منتشر خواهد شد.



نشست علمی «جریان شناسی مدعیان دروغین مهدویت» با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا نصوری، معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت در مجمع جهانی شیعه‌شناسی برگزار شد.

حجت الاسلام نصوری در این نشست، اظهار داشت: یکی از ضرورت‌های بحث، باورهای قطعی می‌باشد که عبارتند از: ظهور حتمی و قطعی است، ظهور قابل تاخیر است، ظهور نیاز به ابزار و یک سری امکانات دارد.

این پژوهشگر حوزه مهدویت در ادامه وارد بحث آسیب‌ها و چالش‌های مهدویت شد و گفت: فترت و فاصله زمانی ما با امام زمان (عج)، یکی از آسیب‌های مهدویت است و درمان آن «دعوت» می‌باشد. او ادامه داد: حیرت و سرگردانی نیز آسیب دیگری است که درمان آن «ارائه ادله و استدلال» می‌باشد. فتنه‌ها و یاس و ناامیدی از دیگر آسیب‌های مهدویت است که درمان آن‌ها به ترتیب «دفاع» و «امید آفرینی» می‌باشد.

نصوری در پایان، عواملی که باعث بروز و ظهور مدعیان و ادعاها می‌شود را بیان نموده و به توضیح آنها پرداخت که آن عوامل عبارتند از: عوامل تحریک‌کننده، عوامل تسریع‌کننده و عوامل شتاب‌زا.



مسعود معینی‌پور عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مدیر سابق شبکه چهار سیما با حضور در نشست علمی «تجربه‌نگاری مدیران رسانه» به بیان چالش‌ها و مسائل مهم رسانه امروز پرداخت .

مسعود معینی‌پور عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مدیر سابق شبکه چهار سیما با حضور در نشست علمی «تجربه‌نگاری مدیران رسانه» به بیان چالش‌ها و مسائل مهم رسانه امروز پرداخت . روابط عمومی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مسعود معینی‌پور عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مدیر سابق شبکه چهار سیما با حضور در نشست علمی «تجربه‌نگاری مدیران رسانه» به بیان چالش‌ها و مسائل مهم رسانه امروز پرداخت .

دانشگاه باقرالعلوم(ع)، اولین نشست از سلسله نشست‌های علمی با عنوان «تجربه‌نگاری مدیران رسانه» به همت انجمن علمی مدیریت رسانه، با همکاری امور فرهنگی و اداره پژوهش دانشگاه باقرالعلوم(ع) با حضور عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مدیر سابق شبکه چهار سیما برگزار گردید .

در این نشست که با هدف تجربه‌نگاری در عرصه مدیریت رسانه و بررسی دغدغه‌های مختلف در زمینه

رسانه و مسائل مهم مرتبط با آن برگزار شد، دانشجویان رشته مدیریت رسانه دانشگاه باقرالعلوم(ع) حضور داشتند .

مسعود معینی‌پور در ابتدای این نشست علمی به ضعف موجود در حوزه علوم انسانی اشاره کرد و گفت: امروزه پیوند میان نظر و عمل وجود ندارد و عموم دانشجویان از نقش‌های کاربردی و اجتماعی خود در آینده با خبر نیستند. در پایان‌نامه‌ها این بحث مضاعف است و مسائلی که برای پایان‌نامه‌ها انتخاب می‌شوند عموماً جنبه کاربردی ندارند.

وی در ادامه برخی از چالش‌های مهم حوزه رسانه را برشمرد و افزود: نخستین چالش در حوزه رسانه پای‌بندی بیش از حد به اصول کلی و عدم انعطاف‌پذیری است. البته باید در نظر داشت که برخی از اصول غیر قابل تغییر هستند اما فروعاتی نیز وجود دارند که می‌توان در آن‌ها انعطاف و تغییر داشت. به عنوان مثال سیاست‌های انقباضی رسانه منجر به ناتوانی رسانه در بیان آزاد اندیشه‌های مختلف شده است .

معینی‌پور در نظر نگرفتن اقتضائات رقابتی در مواجهه با رقبای رسانه‌ای دیگر را یکی دیگر از چالش‌های رسانه‌ای برشمرد و گفت: به عنوان مثال تمایز یکی از اصول مهم در تولید پیام است و عدم توجه به این عنصر توسط سیاست‌گذاران باعث شده است تا رسانه به تأثیرگذاری مطلوب در مخاطبین خود دست پیدا نکند.

وی در ادامه گفت: چالش نهایی این است که بین تربیت و هدایت که وظیفه رسانه است و بین ذائقه و سلیقه مخاطب کدام یک ترجیح داده شود. به دلیل بحران کمبود مخاطب در طول سالیان گذشته، رسانه ترجیح داده است تا خواست مردم را بر سیاست‌های خود ترجیح دهد که این امر باعث تکثر رسانه‌های داخلی شده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) سپس به بیان و تحلیل ساختار رسانه در نظام جمهوری اسلامی ایران و برخی از برنامه‌های شاخص و پر بیننده صدا و سیما پرداخت.

در پایان نیز وی ضمن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده از سوی شرکت‌کنندگان نسبت به ادامه یافتن این جلسات استقبال کرد .



۹۱. الإصلاح الاجتماعي و بناء الحضارة الإسلامية في سيرة النبي الأكرم صلى الله عليه و آله وسلم

۵ آبان ۱۴۰۱

دانشگاه ادیان

به همت دانشکده علوم و معارف قرآن دانشگاه ادیان و مذاهب و مشارکت دانشگاه کوفه برگزار شد

نشست علمی «الإصلاح الاجتماعي و بناء الحضارة الإسلامية في سيرة النبي الأكرم صلى الله عليه و آله وسلم» به همت دانشکده علوم و معارف قرآن دانشگاه ادیان و مذاهب و مشارکت دانشگاه کوفه در تاریخ ۴ آبان ۱۴۰۱ برگزار شد. در این نشست دکتر محمد موحّد معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم و معارف قرآن و دکتر سعد جاسم الكعبي معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده فقه دانشگاه کوفه به ایراد سخن پرداختند.

در ابتدا دکتر سعد الكعبي از تلاش دانشگاه ادیان و مذاهب در راستای تعامل و همکاری محافل علمی دو کشور ایران و عراق ابراز خرسندی کرده و همکاری های دوجانبه وهم افزایی اساتید را فرصتی مغتنم در جهت پیشبرد اهداف علمی و قرآنی دانست.

سخنرانی دکتر کعبي بر نقش پیامبر (ص) در ساخت تمدن اسلام متمرکز بود. وی با اشاره به تعریف تمدن، عناصری چون جامعه، مردم، سرزمین و نوع روابط را به عنوان مولفه های تشکیل دهنده تمدن دانست و

عواملی چون هنر، شخصیت ها و نوع معماری را به عنوان مظاهر و نموده‌های هر تمدن برشمرد. وی افزود البته برخی از تمدن ها پیش از اسلام نیز شخص محور بوده و بر اساس تمجید از یک پادشاه یا سلسله بنا نهاده شده است لکن هیچ تمدنی را نمی توان یافت که به مانند اسلام، جامع همه مقتضیات انسانی و پیشرف اجتماعی انسان باشد و پیامبر (ص) با بیان احکام و اخلاقیات در این راستا گام برداشت.

معاون دانشکده فقه دانشگاه کوفه ساحت دانش، بینش و رفتار را از جمله مهمترین ساحت هایی دانست که اسلام در این زمینه حرف و سخن دارد چه اینکه انسان را به توحید و عقاید حقه فرا می خواند و در باب اخلاق و رفتار به ارائه تعالیم و برنامه می پردازد و از این رهگذر انسان تربیت می شود سپس جامعه ساخته شده و بر این اساس تمدن بنا نهاده می شود. وی گفت: نقش عقاید در این زمینه پر رنگ است و تطابق عمل انسان با اخلاق و عقاید از منظر تمدن اسلامی لازم و ضروری است. وی همچنین پیامبر (ص) را پیشگام تربیت انسان برای تشکیل تمدن اسلامی قلمداد کرد و افزود علم و دانش در تمدن اسلامی نقشی اساسی را ایفا می کند چنانکه روابط بین فردی نیز از جمله عوامل موثر در این راستا است.



## ندوة علمية افتراضية

تحت عنوان

# الإصلاح الاجتماعي وبناء الحضارة الإسلامية في سيرة النبي الأكرم



كلية الفقه  
جامعة الكوفة

بالتعاون  
بين

كلية العلوم والمعارف القرآنية  
جامعة الأديان والمذاهب

موضوع المحاضرة  
النبي الأكرم عليه وآله و دوره في البناء الحضاري



د. مهدي جاسم الخزازي  
المستشار العلمي

موضوع المحاضرة  
الإصلاح الاجتماعي في سيرة النبي الأعظم عليه وآله



د. موحّد  
المستشار العلمي

رابط الحضور <https://b2n.ir/m85333>  
المربع الاول: لقب المشارك؛ المربع الثاني: 22

الاربعاء 26 / أكتوبر / 2022 ؛ 4 آبان 1401  
الساعة 14 بتوقيت إيران ، 13.30 بتوقيت العراق

سخنران دیگر این نشست، دکتر موحد به ارائه سخنانی در باره اصلاح اجتماعی در سیره پیامبر (ص) پرداخت. وی ابتدا به تاثیر متقابل فرد و جامعه و لزوم توجه به هویت مستقل جامعه پرداخت و با ارائه دورنمایی از عصر پیامبر (ص)، نقش اصلاحگرانه ایشان را در جامعه به عنوان الگویی موفق جهت بازخوانی و اجرا در جوامع امروزی مورد تاکید قرار داد و افزود این مسئله که جامعه جاهلی با تمام ویژگی های سلبی و منفی اعم از زنده به گور کردن دختران و جنگ ها و قتل و غارت پی در پی، در یک دوره کوتاه به

صلح و برادری برسند نشان از موفقیت الگوی نبوی در اصلاح اجتماعی است. مسئله ای که حتی از نگاه مستشرقان نیز دور نمانده و بدان اعتراف و اذعان دارند. معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم و معارف قرآن در ادامه، به تبیین مهمترین اسباب و مولفه های اصلاح اجتماعی در سیره نبوی پرداخت و آنها را در موارد ذیل به شمار آورد:

۱. مبارزه با عادات غلط و پیروی کور از آباء و اجداد که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (اعراف، ۱۵۷)

۲. کادر سازی و تشکیل کلونی های کوچک و در عین حال موثر و کارا جهت انجام فعالیت های مهم و ویژه در حکومت که نمونه آن نیز در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران، ۱۰۴)

۳. ترویج فرهنگ مواخات و ایثار که خود باعث مسئولیت پذیری هر مسلمان نسبت به دیگری می شود. مسئله ای که در موارد متعدد توسط خداوند مورد اشاره قرار گرفته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه ۷۱) و «انما المومنون اخوه» (حجرات، ۱۰)

۴. پیاده سازی مقولاتی چون مصابره و مرابطه به معنای صبر اجتماعی و تمدنی و هم افزایی تحمل اجتماعی که در نتیجه منجر به تقوای اجتماعی شده و فلاح و رستگاری جامعه را به ارمغان می آورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۲۰۰)

۵. ارائه نمونه و الگوی انسان کامل که متعین در وجود پیامبر (ص) بوده و رفتار و حضور کرامت بخش ایشان در جامعه نیز از جمله عوامل موثر در اصلاح اجتماعی ارزیابی می شود.

در پایان نیز دقایقی به پرسش و پاسخ اختصاص یافت و حاضرین در نشست به طرح سوال پرداختند.



انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم و معارف قرآن کریم با همکاری معاونت فرهنگی دانشگاه ادیان و مذاهب به مناسبت عید سعید غدیر خم اقدام به برگزاری همایشی با عنوان قرآن و غدیر و نمود. در این همایش که با استقبال گرم اساتید و دانشجویان دانشکده روبرو شد سه تن از اساتید به ایراد سخنرانی پرداختند.

در این مراسم آقای دکتر محمد موحد مدیر گروه قرآنی دانشکده علوم و معارف قرآن کریم در ابتدا به این نکته اشاره نمود که غدیر تنها حادثه‌ای تاریخی نیست و نمی‌توان آن را منحصر در برهه خاصی از زمان دانست. بر این اساس واقعه غدیر پیامی فراتاریخی برای بشر در طول تاریخ داشته و قطب نمای هدایت انسان‌ها پس از پایان نبوت است. ایشان تأکید نمود: توجه به معضلات کنونی دنیای معاصر و دنیای اسلام، به روشنی ضرورت توجه به غدیر را روشن می‌سازد. امروزه کشورهای اسلامی غالباً از فقدان برنامه جهت راهبری امت اسلامی رنج می‌برند و از سوی دیگر مردم در سرگردانی اجتماعی و بی‌هویتی فرهنگی به سر می‌برند. توجه به این مشکلات مسلمانان را به نقاط ضعف امت اسلامی واقف می‌سازد و محملی را فراهم می‌کند تا - فارغ از مباحث تاریخی و عقیدتی- امامت و رهبری امت توسط انسان کامل

که با وجود او معنای اکمال دین و اتمام نعمت محقق می شود، بیش از پیش قابل طرح و پذیرش باشد. دکتر موحد در ادامه به برنامه‌های دانشکده علوم و معارف قرآن کریم دانشگاه ادیان و مذاهب اشاره نمود که به عنوان نمونه، در راستای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی قرآنی دانشکده علوم و معارف قرآن کریم در صدد است اقدام به برگزاری مدرسه قرآنی با موضوعات متعدد می‌نماید.



این مدرسه که با هدف آشنایی مخاطبان با قرآن کریم و احادیث برگزار می‌شود، فعالیت خود را ضمن عناوین آشنایی با علوم قرآن و حدیث، تدبر و تفسیر قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان و کارگاه روش تحقیق سامان خواهد داد و در این راستا رایزنی‌ها و توافقات مقدماتی با تعدادی از مراکز علمی و حوزوی در برخی استانها جهت برگزاری دوره های مذکور صورت گرفته است.

در ادامه حجت الاسلام دکتر سید محمدحسن حکیم از اساتید دانشکده علوم و معارف قرآن کریم به ایراد سخنرانی پرداخت. سخنرانی ایشان که با عنوان غدیر مظهر اکمال دین و اتمام نعمت سامان یافته بود، به این نکته کلیدی اشاره داشت که امیر مؤمنان علیه السلام پس از بیست و پنج سال از رحلت پیامبر به حکومت و زعامت مسلمین رسیده‌اند. بنابراین در خصوص اکمال دین و اتمام نعمت چند فرض قابل تصور است. نخست این که به مانند صوفیه نقش امیر مؤمنان در بیست و پنج سال ذکرشده را ناظر به نقش ایشان در هدایت غیبی بشر دانست و این در حالی است که اکمال دین و اتمام نعمت علاوه بر هدایت غیبی ناظر به هدایت ظاهری نیز هست. فرض دیگر این که با نگاهی اشعری‌گونه به ظاهر اکمال دین و اتمام نعمت اکتفا کنیم که در این صورت ما دانشی نسبت به چگونگی اکمال دین و اتمام نعمت نداشته و صرفاً از باب تعبد این نکته را قبول خواهیم نمود و فرض سوم این که اکمال دین و اتمام نعمت را امری حقیقی بدانیم که در این صورت باید به دنبال مظاهر اکمال دین و اتمام نعمت در وجود مبارک امیر مؤمنان

علیه السلام در دوره بیست و پنج ساله قبل از رسیدن به حکومت ایشان باشیم. در این صورت شاید بتوان این نکته را مورد توجه قرار داد که وجود مبارک امیر مؤمنان علیه السلام سبب‌ساز ادامه یافتن خط اسلام نبوی در برابر حکومت‌های شکل‌گرفته در دوران بیست و پنج ساله بودند و همین امر سبب اکمال دین و اتمام نعمت و باقی ماندن خط اصیل اسلام نبوی به دست امیر مؤمنان علیه السلام گشت.



رویکرد اول که بیشتر به دیدگاه‌های مستشرقان قدیمی‌تر مانند گولدزیهر اختصاص دارد، غدیر را به عنوان حقیقت تاریخی که در صدر اسلام اتفاق افتاده نمی‌داند. این نوع نگرش بیش از آنکه جنبه علمی داشته باشد متأثر از رویکردهای ضد شیعی استعمار غرب بوده و از جمله اشکالات دیگر آن عدم بهره‌بری از منابع شیعی است. در مقابل برخی از مستشرقان به ویژه در دهه‌های اخیر قرار می‌گیرند که با توجه به آشنایی‌شان با منابع شیعی رویکرد منصفانه‌تری به واقعه غدیر دارند.

## ۹۳. امام رضا (ع) و گسترش ژرفای معارف اهل بیت

۲۰ خرداد ۱۴۰۱

تمامی امامان بزرگوار پس از امام صادق(ع) در تبیین فقه و معارف کاملاً در امتداد کلمات و ادبیات آن حضرت قرار داشتند.



دانشگاه ادیان و مذاهب، روز پنج شنبه ۱۹ خردادماه ۱۴۰۱ نشست علمی «امام رضا (ع) و گسترش ژرفای معارف اهل بیت(ع)» به همت دانشکده شیعه‌شناسی برگزار شد.

در این نشست حجت‌السلام و المسلمین دکتر محمدتقی سبحانی به ایراد سخنرانی پرداخت. ایشان با توصیف شرایط اجتماعی و سیاسی دوران ائمه معصومین بیان کرد: میراث معارف اسلامی در دوران مختلف ائمه بزرگوار به نحو آماری متفاوت بوده است. به‌گونه‌ای که اگر امام صادق(ع) در رتبه نخست قرار گیرند، امام باقر(ع) و امام رضا(ع) در رتبه‌های بعدی صورت بندی می‌شوند.

سبحانی در ادامه تصریح کرد: تمامی امامان بزرگوار پس از امام صادق(ع) در تبیین فقه و معارف کاملاً در امتداد کلمات و ادبیات آن حضرت قرار داشتند. چراکه با رجوع به جوامع موضوعی روایات این نکته کاملاً مشهود است و تحقیقاً می‌توان ادعا کرد که هیچ مطلبی وجود ندارد که در بیانات امام صادق تکرار نشده باشد.

رئیس بنیاد تخصصی امامت با نقد بر قصور برخی در پرداخت به میراث رضوی، اظهار داشت: ما چندان به صورت زمینه‌مند و تاریخی به میراث رضوی به مثابه یک پروژه تاریخی نگاه نکرده‌ایم. در حوزه بسط معارف، امام رضا یک رسالت‌های اختصاصی داشته‌اند. کار ویژه امام رضا در خصوص معارف اعتقادی بسیار مهم است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: با توجه به فلسفه و اهمیت حضور امام رضا(ع) در عرصه بسط معارف اسلامی می‌توان بر توسعه جغرافیایی و بسط انسانی ایشان تاکید کرد. در واقع، دامن‌گستری و نشر حداکثری معارف و اندیشه‌های اسلامی از سوی امام رضا(ع) بسیار قابل‌تأمل است. چراکه ایشان در بین مخاطبین گسترده‌تری این مطالب را نشر می‌دادند. و یکی از پیامدهای چنین اقدامی را؛ آشنایی سایر فرقه‌ها و مکاتب و ادیان زنده و برقراری تعامل و ارتباط با اسلام به شمار می‌آید.

سبحانی با اشاره به برخی از مصادیق ژرف‌گستری و توسعه کیفی معارف در عصر امام رضا(ع) ابراز داشت: با توجه به شرایط پدید آمده در زمینه سیاسی و وضعیت اجتماعی عصر ایشان، تعامل با سایر مکاتب و مذاهب به گونه کم‌سابقه‌ای پدید آمده است. علی‌رغم اینکه هارون نیز توانسته بود با امپراتوری بیزانس و سایر قدرت‌های شرقی در قالب ارتباطات سیاسی فتح‌البابی ایجاد نماید.

وی ادامه داد: عصر امام رضا(ع) از این حیث توانسته است شرایطی را پدید آورد تا دیگر مذاهب و ادیان پایگاه رسمی پیدا کنند. بنابراین بزرگان مکاتب و ادیان مختلف نیز فرصت مناظره و گفتگو با یکدیگر را پیدا کردند.

رئیس بنیاد تخصصی امامت بیان کرد: امام رضا(ع) تبیین توصیفی دوران امامان پیش از خود را بسط معنوی و معرفتی بخشید. اینکه فقها، محدثین و متکلمین دیگر مذاهب به سراغ امام می‌آمدند و گفتگو می‌کردند. صورت جدیدی از کار ویژه ایشان محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: شبکه ارتباطی و اجتماعی در دوران امام موسی کاظم(ع) به شکلی است که در دایره شیعیان این ارتباط صورت می‌گیرد. اما در دوران امام رضا، ابهام‌زدایی از سنت نبوی و معارف جعفری از دیگر اقدامات ارزشمند مقام امامت است. در هنگامه بسط، تبیین و شرح احادیث اسلامی، امام رضا(ع) به تصفیه، تصحیح و پالایش احادیث نیز می‌پردازد.

سبحانی خاطرنشان کرد: میراث ائمه پیشین و تطبیق آن با میراث رضوی نشان می‌دهد که بیان معارف از سطح ایجاز و طرح توصیفی به تکامل و گسترش آن رسیده است. ضمن اینکه، مقایسه خطبه‌ها و فرمایشات و سخنان امام رضا(ع) با ائمه پیشین نشان می‌دهد اهتمام ایشان در گسترش و توسعه کیفی مباحث و معارف اندیشه‌ای شیعی کاملاً مشهود است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سبحانی با اشاره به دیگر ویژگی‌های مهم عصر امامت رضوی، ادامه می‌دهد: همواره حضرت با ارائه ادله معارف نقل‌شده از جانب ائمه پیش از خود سعی در تعمیق معارف اسلامی داشتند. به طوری که نمونه‌های مختلفی را می‌توان در عیون الاخبار باب یازدهم آن مشاهده کرد. حضرت در



همه حال بنا بر تناسب و زمینه‌های مختلف با ارجاعات قرآنی از تمام وجوه ادله برای ادعای مطرح‌شده به اقامه ادله می‌پرداختند.

این استاد حوزه و دانشگاه در پایان اشاره کرد: امام رضا(ع) به وسیله قاعده سازی و فرمول‌بندی اصول و معارف اسلامی می‌خواستند ادبیات معرفتی ائمه پیشین را به قواعد مستدلی تبدیل کنند. ضمن اینکه، قاعده‌مند کردن معارف و عمق بخشیدن در سطوح مختلفی انجام می‌شد. لذا منبع مهمی همچون مناظرات امام رضا(ع) با بزرگان و حکیمان یهودی، مسیحی، زرتشتی و صابئین مندایی نمونه واضحی از مدلل سازی عقاید و معارف اسلامی محسوب می‌شود.

## ۹۴. نقش اندیشه های عرفانی امام خمینی (ره) در شکل گیری انقلاب اسلامی

۱۰ خرداد ۱۴۰۱

دانشگاه ادیان



نشست علمی با موضوع «نقش اندیشه‌های عرفانی امام خمینی (ره) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران» برگزار شد. در این نشست اساتید، دانشجویان و فرهیختگان و روسای دانشکده‌های دانشگاه ادیان و مذاهب، همچنین قائم مقام ریاست دانشگاه جناب حجت‌الاسلام دکتر جعفرطیاری و نیز معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی جناب آقای دکتر بوالحسنى و دیگر میهمانان حضور داشتند و سخنرانان دعوت شده به تبیین و توضیح نقش اندیشه‌های امام خمینی (ره) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران پرداختند.

در ابتدای شروع نشست مذکور حجت‌الاسلام دکتر امیرجوان آراسته بعنوان دبیر نشست آغازگر نشست بودند. سپس جناب آقای حجت‌الاسلام دکتر مصطفی فرهودی ریاست دانشکده عرفان دانشگاه ادیان به بررسی و تبیین ابعاد عرفانی شخصیت امام خمینی (ره) پرداختند. در ادامه جناب آقای حجت‌الاسلام دکتر رضا الهی‌منش به رابطه عرفانی امام با دوست و دشمن اشاره کرده و ابعاد شخصیتی امام را از حیث ذکر شده مورد بررسی قرار دادند. همچنین حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد رودگر نیز به تبیین نقش امام در شکل‌گیری انقلاب اسلامی همت گماردند.



## ۹۵. زیارت در آئین هندو و سیکه

دانشگاه ادیان

۰۷ خرداد ۱۴۰۱



به همت گروه ادیان و مذاهب اسلامی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، نشست علمی «زیارت در آئین هندو و سیکه» برگزار شد.

دکتر سید محمد روحانی، پژوهشگر ادیان شرق و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، در این نشست که در تالار شیخ طوسی بنیاد برگزار شد، عنوان کرد: از نگاه برون‌دینی آیین هندو یک سنت در حال تکامل است چرا که آیین هندو بر خلاف بسیاری از ادیان و آیین‌های دیگر، که دارای بنیان‌گذار مشخصی است مانند آیین بودا و یا کنفوسیوس، هیچ بانی مشخصی ندارد.

### آیین هندو مجموعه‌ای از سنت‌هاست

وی ابراز کرد: علاوه بر این اگر تاریخ آیین هندو را دقیقاً بررسی کنیم، شاهد تغییر و دگرگون شدن فوق‌العاده این آیین در طول تاریخ هستیم در واقع می‌توان گفت ساختار آیین هندو در دو جهت در حال تکامل بوده است؛ یکی به سبب نوآوری‌ها و تحولاتی که در خود سنت‌های رایج در این آیین رخ می‌داده و دیگری به دلیل تعامل و سازگاری با دیگر فرهنگ‌ها و مذاهبی که خود در آیین هندو جذب می‌شدند. بنا بر این از دیدگاه برون‌دینی می‌توان مدعی شد که آیین هندو مجموعه‌ای از سنت‌هاست.

روحانی تصریح کرد: آیین هندو با توجه به کثرت و تنوع فرقه‌ها و مذاهب و همچنین طبقات مختلف اجتماعی، دارای معابد و زیارتگاه‌های بسیار مختلفی است، که نقش مهمی را در بسیاری از مناسک دینی ایفا می‌کنند. زیارت اماکن مقدس (درشنه) و رفتن به سفرهای زیارتی که تیرتته‌یاترا نامیده می‌شود نیز، اهمیت بسیاری نزد هندوها دارد.

این پژوهشگر ادامه داد: این نام از دو واژه تیرتته، به معنای محل عبور، و یاترا به معنای سفر تشکیل شده است. اصطلاح تیرتته برای بخش کم عمق و بی‌خطر سواحل رودها که برای عبور مناسب است استفاده می‌شود و در اینجا این واژه به عبور از زندگی مادی و دنیوی به سوی زندگی معنوی و مقدس، که در حقیقت عبور از حیات ناپایدار و گذرا و رسیدن به زندگی سرشار از سعادت و نجات (مُکشه) است، اشاره دارد.

وی با بیان اینکه اهمیت مناسک زیارت اماکن مقدس در هندو به متون باستانی و مقدس این آیین باز می‌گردد، گفت: نخستین متونی که به صراحت به اهمیت زیارت اماکن یا رودخانه‌های خاص و دریافت پاداش برای بازدید از آن مکان یا غسل در آب آنجا اشاره کرده است، متون اسطوره‌ای مهابهارت و پورانه‌ها هستند. در این دسته از متون به پاداشی که برای زیارت این مکان مقدس کسب می‌شود تیرتته‌پهل، به معنای ثمره تیرتته یا زیارت گفته شده است. در این متون افزون بر پاداش‌های مادی و این جهانی مانند سلامت، ثروت و داشتن فرزندان پسر، پاداش‌های معنوی مانند پاک شدن روح برای آمادگی حیات پس از مرگ نیز وعده داده است.

### جایگاه زیارت در آیین سیکه

روحانی تصریح کرد: آیین سیکه با قدمتی نزدیک به ۵۰۰ سال، یکی از مهمترین ادیان نوظهور به‌شمار می‌آید. این آیین بر مبنای تعالیم گورو نانک مرشدی از دیار پنجاب در شمال غربی هند، شکل گرفت و بعدها در ظرف حدود ۲۳۹ سال، توسط ۹ تن از جانشینان وی، به صورت دینی مستقل درآمد. البته این آیین هرگز ادیان و متون مقدس پیشین را باطل و کذب معرفی نمی‌کند، و تنها پیروان آنان را به تدبیر در حقیقت تعالیم دین خود ترغیب می‌کند.

وی افزود: آموزه‌های متون مقدس این آیین در سه اصل اعتقادی تأکید بر یگانه‌پرستی، اطاعت محض از مرشد معنوی و روحانی گورو که نقشی شبیه به معلمی آسمانی دارد و باور به تناسخ ارواح پس از مرگ سمساره و در نهایت فنای روح در خدا خلاصه می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب خاطر نشان کرد: علاوه بر آموزه‌های معنوی، متون مقدس این آیین بر آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی همچون نفی نظام طبقاتی، برابری زن و مرد، خدمت به خلق، بدون توجه به نژاد و دین و عقیده آنها، کار و کوشش، نفی هرگونه انزوا و ریاضت جسمانی، داشتن زندگی اجتماعی تأکید دارد.

### نزدیکی آموزه‌های آیین سیکه با اصول اعتقادی و اخلاقی اسلامی

وی اظهار کرد: با نگاهی گذرا به این اعتقادات، درمی‌یابیم که این آموزه‌ها بسیار به اصول اعتقادی و اخلاقی اسلامی و هندویی همسو و هم‌مشرک است، به همین دلیل از دید برون‌دینی به‌نظر می‌رسد آموزه‌های این آیین ترکیبی از تعالیم اسلامی و هندویی است، که بنیان‌گذاران این آیین جهت تفاهم، تعامل و آشتی میان دو دین بزرگ هند، آن را تدوین کرده‌اند. البته پیروان آیین سیکه از دید درون‌دینی خود این نظر را نمی‌پذیرند و دین خود را مستقل و ناشی از فیض خداوند یگانه می‌دانند.

روحانی اضافه کرد: آیین سیکه را باید دینی یگانه‌پرست محسوب کرد، در این آیین اعتقاد به خدای یگانه، به‌عنوان قادر مطلق و خالق هستی، جزو اصول اولیه اعتقادی این آیین به‌شمار می‌آید. در دیدگاه یگانه‌پرستی سیکه جهان هستی به‌عنوان جلوه‌گاه خداوند و حقیقت وجود تنها مختص خداوند دانسته شده است.



#### دانشگاه ادیان

نشست علیم «رویارویی فرهنگ و قانون در قتل ناموسی» روز شنبه ۲۱ اسفند ماه در سالن صدر در دانشگاه ادیان به صورت مجازی و حضوری برگزار شد.

در این نشست ابتدا دکتر خوش صورت ابعاد حقوقی و فقهی قتل‌های ناموسی، به ویژه قتل اخیر در اهواز، را بررسی کرد. رئیس دانشکده زن و خانواده با بیان اینکه بعد از این واقعه این شائبه پیش آمد که قوانین ما ناکارآمد است، اشاره کرد که این دست رخدادها تنها مسئله ما نیست و مسئله یک بوم یا یک دین و جغرافیای خاص نیست و گفت: سالانه چندین هزار نفر بر اثر این حوادث می‌میرند. البته این آمار در آسیا و کشورهای مثل آرژانتین، برزیل، سوریه، اسرائیل و اردن بالاتر است.

این استاد دانشگاه با طرح این پرسش که قوانین ما چه نسبتی با این مسئله دارند و آیا مواجه قانون گذار با آن نا کارآمد بوده گفت: در قتل اخیر سخن از این است که دختر از ابتدا دوست نداشته که ازدواج کند و پس از ازدواج نیز می‌خواسته به خانه بازگردد. در قوانین ما اراده و قصد برای ازدواج جزو شروط است و ما شاهدیم که در این ازدواج این شرط بر قرار نبوده. به نظر می‌رسد روح حاکم بر قوانین مخالف وقوع چنین جرم‌هایی باشد و مشکل در خود قوانین نیست. قانونی وجود دارد که بر اساس آن مرد می‌توانش زنش را

بکشد حین ارتکاب به زنا بکشد. باید توجه کرد که در قانون قید همسر هست، در حالی که بسیاری از این قتل‌ها توسط پدر یا برادر صورت می‌گیرد.

خوش صورت با بیان اینکه قانون‌گذار برای اثبات چنین جرمی سخت‌گیر است گفت: در قانون مجزات علم به تمکین بسیار سخت احراز می‌شود، چرا که شرط احراز آن حضور چهار شاهد عادل است که حصول آن بسیار سخت است. همچنین شاهدیم که قانونگذار در دیگر قوانین نیز چنین قصدی دارد. مثلاً در لایحه دفاعیه عده زنا بر اساس فیلم و عکس، قاعده این است که عکس و فیلم چیزی را اثبات نمی‌کند. آنچه در قتل دختر اهوازی رخ داد این مسئله جدی است؛ چرا که این دختر بعد از جدا شدن، عکس و فیلم‌هایی فرستاد که نشان می‌داد با کسی است. در قانون مجازات تلاش برای اثبات این جرم ممنوع است؛ یعنی پرداختن به این موضوع از امور ممنوعه است. ما شاهدیم که قانونگذار در بررسی شیوه حکم نیز بسیار سختی‌گیر است؛ برای مثال در این مورد ارجاع تحقیق به ضابطین وجود ندارد و فقط خود شخص قاضی می‌تواند بررسی کند. مثلاً اگر یک مرد به رم گوشی خانم دسرسی پیدا کند و عکس‌ها و فیلم‌هایی ببیند که کاملاً دال بر فضای جرم آلود است، این مدارک در خروجی رأی دادگاه مورد استناد قرار نمی‌گیرد و شخص قاضی است که باید اینها را بررسی کند و حتی اگر ضابط ببیند و گزارش کند نیز امکان استناد قانونی نیست. در این دست مسائل شهادت فقط باید عینی و مستقیم باشد.

استاد دانشگاه ادیان با بیان اینکه سیاست عدم تلاش برای اثبات چنین جرمی از سیاست‌های پذیرفته شده رد قانون مجازات اسلامی است گفت: در داستان دختر اهوازی فضای مستعد ایجاد شبهه نسبت به رابطه جرم آلود است و هیچ چیز قابل اثبات نیست و نباید برای اثبات آن تحقیق کرد. قانونگذار حتی برای این حالت جرم‌انگاری نیز کرده است؛ یعنی اگر کسی بدون دلیل چنین مسئله‌ای را مطرح کند، مجرم است. حتی از این هم بالاتر، اگر کسی جرم را اثبات کند، اما به جهت شکستن قبح این عمل در اجتماع اشاعه فحشا کرده باشد، باز هم مجازات می‌شود و مجازات کسی را دارد که جرم را نتوانسته اثبات کند. ما از کنار هم گذاشتن این موارد می‌فهمیم که ذائقه قانون‌گذار چیست. به طور کلی برای فهم روح حاکم بر قوانین یا کشف مذاق شارع باید کل قوانین را دید و بررسی کرد. برای مثال ما در جرم زنا استحباب شهادت نداریم.

خوش صورت ضمن اشاره به اینکه جامعه ما از آموزه‌های اسلام دور شده است گفت: چرا الزامی برای مشاوره پیش از ازدواج نیست، اما در مقابل، مشاوره برای طلاق الزامی است؟ به نظر من برون رفت از این شرایط و بهبود اوضاع دو راهکار دارد: ۱. جدی گرفتن فضای آموزش. ۲. توجه به خرد بین‌المللی. یکی از نمونه‌های موفق بین‌المللی پلیس زنان است که در برزیل اجرا می‌شود. این طرح باید در ایران نیز اجرا شود و امنیت بیشتری را برای زنان به ارمغان بیاورد.

سپس خانم دکتر برزگر به بررسی ابعاد جامعه‌شناختی این واقعه پرداخت و گفت: در ساخت جامعه‌شناختی قتلی که در اهواز رخ داد نقطه عطفی بود برای اینکه این مسئله مورد مناقشه قرار بگیرد و نخبگان درباره آن بحث و گفت‌وگو کنند. در این جرایم علاوه بر کسی که کشته می‌شود و کسی که می‌کشد یک سوی دیگر داریم که جامعه است. جامعه نیز دو بخش عمده دارد: حاکمیت و مردم. در نقدهای این مدت دولت و حاکمیت را شماتت می‌کردند مبنی بر ناکارآمدی قوانین و غیره که به نظر من این اشتباه بود.



دولت به نظر می‌رسد در قانونگذاری درست عمل کرده است. بنابراین در اینجا منظور ما از جامعه خانواده و شهروندان جامعه است. روال و روند این جرایم نشان می‌دهد که جامعه نسبت به پدیده دید درستی ندارند؛ چنان‌که چند روز پیش نیز چنین قتلی در اهواز رخ داد و جامعه و ما اصلاً متوجه نشدیم و فقط در جایی که این پدیده خیلی خود را لخت و عریان نمایش بدهد جامعه واکنش نشان می‌دهد. واکنش‌ها هم عموماً درست نیست و خیلی هیجانی است و بعد از هیجان همه به وضعیت عادی بر می‌گردند.

این استاد دانشگاه ادیان با بیان اینکه در این شرایط خانواده‌ها و جامعه می‌توانند مطالبه‌گر باشند و دولت را به سمت مواجهه صحیح بکشانند گفت: متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. اگر کمی از قتل ناموسی عبور کنیم و همه قتل‌ها را رد نظر بگیریم، می‌بینیم که واکنش‌ها به این اتفاقات کاملاً عادی شده است. گویی چون تکثر دارد، دیگر علامت سؤال نداریم و عادی شده است. قتل‌های عادی جامعه مقدمه قتل ناموسی است. ما می‌بینیم که این پدیده‌ها روز به روز روشن‌تر صریح‌تر می‌شود؛ یعنی الان افراد کمتر از این اخبار جا می‌خورند. جامعه نوعی بی‌تفاوتی دارد که نسبت به اخبار حساسیت اجتماعی ندارد. در قتل ناموسی نیز مسئله همین است، بی‌تفاوتی اجتماعی بیشترین تأثیر را در بروز این پدیده دارد و این به معنای مقبولیت این اتفاق در آن جامعه است.

با این دید مسئله جغرافیا و فرهنگ اهمیت پیدا می‌کند؛ مثلاً در خوزستان این رفتار به نوعی هویت‌ساز است و جامعه آن را می‌پذیرد. تعریف آنها از مردانگی و غیرت به نوعی است که مرد در آن جامعه مدام تحقیر می‌شود چون زنش از پیشش رفته است و وقتی دستش به آن فرد می‌رسد، مرتکب قتل می‌شود. چه بسا اگر فرد در شرایط دیگری بود، این کار را نمی‌کرد؛ اما چون در جامعه‌ای است که هویتش منوط به این کار است، دست به اینکار می‌زند.

برزگر ضمن اشاره به اینکه فرهنگ بر پدیده‌ها اثر می‌گذارد گفت: این فرهنگ از کجا می‌آید؟ آیا فرهنگ‌سازی بر دوش دولت است؟ قطعاً در این فرهنگ خانواده‌ها و افراد مؤثرند. چرا در فرهنگ این جامعه، آن شخص قانون را مرجع ذی‌صلاح نمی‌داند؟ شاید در خوزستان چون فرهنگ قبایلی هست و تلقی این است که دولت در این موارد نباید دخالت کند این اتفاق افتاد. ما در بحث خانواده را مقصر نمی‌دانیم؛ چرا؟ رشد در این جامعه یک‌جانبه بوده است. افراد به مدرنیته به خوبی دسترسی داشته‌اند و همین خانم از شبکه‌های اجتماعی فیلم‌ها و عکس‌ها را مخابره کرده است؛ اما ازدواج آنها به صورتی کاملاً سنتی بوده است. چرا خانواده‌ها می‌پذیرند که دختران گوشی هوشمند داشته باشند، اما نمی‌پذیرند که نگاهشان به زن را عوض کنند و در ازدواج تجدید نظر کنند؟ من سهم شهروندان این جامعه را در این رخداد کم نمی‌دانم. چرا فعالان اجتماعی کاری نکردند و همه منتظر ماندند که حاکمیت کاری کند؟

در قصه دختر اهوازی پدر و عموی او می‌خواهند دختر را به پلیس تحویل بدهند که دو جوان می‌آیند و این کار را می‌کنند. چرا کسی کاری نمی‌کند؟ یعنی پدر و عموی دختر نمی‌دانستند؟ به نظر من پدر و عمو رضایت داشتند.

استاد دانشکده زن و خانواده با اشاره به اینکه آگاهی‌ها یک‌طرفه است و به مردان آگاهی لازم داده نمی‌شود، گفت: فکر می‌کنیم اگر زنان به حقوقشان برسند، اوضاع درست می‌شود، در حالی که ابتدا باید

مردان را متقاعد کرد که حقوق زنان چیست و حقوق مردان چیست. به مردان زمانی آگاهی می‌دهیم که دیگر فرد در دادگاه است و بعداً به او می‌گوییم که قانون این‌گونه است و تو چنین حقی نداشتی. تصور ما این است که انتخاب‌ها و تصمیمات همواره آگاهانه است؛ درحالی که مثلاً انتخاب دختر اهوازی حتماً انتخاب ملت‌په‌ی بوده و سن و شرایط وی اقتضای این کار را داشته است. همسر او هم در تنازع بین هویت خودش قرار داشته. بنابراین بین خودش و آن رفتار، خودی را انتخاب می‌کند که بازیابی‌کننده هویتش است. این نیز انتخابی نا آگاهانه است.

دکتر برزگر در پایان مسائل و پدیده‌های اجتماعی را دارای لایه‌های مختلفی توصیف کرد گفت: در جامعه با نهادهای مختلفی مثل دولت، فرهنگ، دین و خانواده سر و کار داریم و دولت کارش صرفاً تولید قانون نیست. دولت تا اینجا قوانین خوبی تعبیه کرده است، اما در اجرا باید بیشتر دقت کند. در مرحله اجرا ضعف وجود دارد. در مسائل اجتماعی و از جمله همین قتل ناموسی نباید به دنبال مقصر بگردیم، بلکه همه نهادهای جامعه به سهم خودشان مقصرند. در جامعه ما یا مطالبه صورت نمی‌گیرد یا اینکه مطالبه به درستی صورت نمی‌گیرد و گاهی نیز که مطالبه صورت می‌گیرد این مطالبه به سمع و نظر سیاست‌گذار نمی‌رسد. سیاست‌گذاران باید توجه کنند که فرهنگ‌سازی امری زمان‌بر است. فضای خانواده در ایران گفت‌وگو محور نیست بنابراین سیاست‌گذاران فرهنگی باید به آگاهی اجتماعی و آگاهی در خانواده‌ها توجه ویژه کنند.

دکتر مجید دهقان به عنوان آخرین سخنران الاهیات مردانه و نیز فهم مردانه این موضوع را در بوته نقد قرار داد. ایشان با بیان اینکه جنس این کار انتقام نیست گفت: اگر این کار انتقام بود، فرد قاتل نمی‌رفت که مانور افتخار برگزار کند. این رفتار از جنس انتقام نیست و از جنس افتخار است. افتخار نیز به آن چیزی است که شما من را به آن مفتخر می‌دانید. لذا جامعه آن کار را باعث مفتخر بودن می‌دانسته است. چرا در این جامعه این کار افتخارآمیز است؟ به دلیل اینکه فرد با این کار نشان می‌دهد که زنش هنوز در قلمرو من است. این هم سندش. با اینکه از کشور خارج شد، ولی همچنان در قلمرو من است. آن جامعه از فرد انتظار دارد که اگر زنت این کار را کرده، تو مقصری. شاید اگر فرهنگ دیگری بود کار دیگری می‌کردند، مثلاً حبس می‌کرد.

این مفهوم که اگر همسر، دختر یا پسرم کاری انجام بدهد، من مقصرم، در داستان قتل دختر اهوازی به شنیع‌ترین نوعش نمایش داده شد، اما در رفتار روزمره ما نیز وجود دارد. اینکه اگر همسرم کار اشتباهی می‌کند، این منم باید کاری کنم که نشان بدهم او همچنان در قلمرو من است و اینکه پدر به فرزند می‌گوید تو ابروی مرا بردی نشان از همین دیدگاه دارد. به نظر می‌رسد این احساسات ما باید بررسی شوند و هر عنصری که ربطی به ارزش و دین ندارد را اصلاح کنیم.

استاد دانشگاه ادیان با بیان تفاوت مالکیت و مسئولیت در ازدواج گفت: در ذهن برخی از مردان ازدواج به مثابه عقد دو فرد عاقل نیست که می‌خواهند گاهی با هم باشند. فرد این مفهوم و تصور را دارد که اگر کسی وارد قلمرو من شد - در اینجا از طریق ازدواج - هر اشتباه و تخطی او و کوتاهی من در قلمروام

است؛ درست مثل پادشاهی در قلمرواش اگر جرمی رخ بدهد، یعنی پادشاه خوبی نیست. در حالی که بین دو مفهوم قوامیت به معنای مالکیت و قوامیت به معنای مسئولیت تفاوت وجود دارد. معنای مسئولیت این است که من وظایفی دارم و باید تمام تلاشم را کنم، اگر شد، شد و اگر نشد فی امان الله. در روایات نیز چنین است.

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان با بیان اینکه امام صادق در روایات به دنبال اصلاح جامعه و تبیین مفهوم غیرت است گفت: امام نمی‌خواهد مفهوم غیرت را گسترش بدهد به همه چیز و نباید مفهوم غیرت را به افعال اختیاری همسر نیز گسترش داد. باید مفهوم غیرت و مردانگی در ذهن مردان اصلاح و بازسازی شود و سپس کار فرهنگی انجام گیرد. برای کار فرهنگی نیز باید چرخه عقلانیتی که پشت فرهنگ آنجا هست شناخته شود. اصلاح آن چرخه با سیاست‌گذاری از تهران احتمالاً پاسخ‌گو نیست و منجر به مقاومت اجتماعی می‌شود. باید از همان چرخه برای اصلاح استفاده کرد. کار فرهنگی کار روی روابط و فهم متقابل در خانواده است و فقط کار فرهنگی صرف افزایش مظاهر دینداری نیست. اصلاح روابط درون خانواده و نیز پایه‌های اصلی جامعه اهمیت بسیار بالایی دارد.

## ۹۷. نقش تقیه در جنبش‌های اسلامی

۱۴۰۱/۳/۹

روح‌الله شریعتی پاسخ می‌دهد:

چرا جنبش‌های اسلامی نیازمند تقیه هستند

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: بستر و زمینه‌ای که تقیه در آن شکل می‌گیرد بستر بحران است، در این شرایط ممکن است دولت، اصول اسلامی را رعایت نکند لذا جنبشی که در بحران ایجاد شده در بسیاری از موارد نیازمند تقیه است.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشست «نقش تقیه در جنبش‌های اسلامی» امروز یکشنبه ۸ خردادماه با ارائه حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله شریعتی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد.



در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی جنبش‌هایی ایجاد شده که برخی به نتیجه رسیده و برخی هنوز به نتیجه نرسیده‌اند. گروه‌ها یا افرادی این جنبش‌ها را شکل داده‌اند که هدف آنها اصلاح وضع موجود و حرکت به سمت وضع مطلوبی است که مطابق با دستورات اسلامی باشد. جنبش‌های اسلامی به دو گروه شیعی و غیرشیعی تقسیم می‌شوند اما در اینجا مذهب را دخالت نداده‌ایم و آثار تقیه را در همه جنبش‌های اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم. تقیه هم در شکل‌گیری جنبش‌ها و هم استمرار فعالیت آنها تا رسیدن به هدف مؤثر است.

## اقسام تقیه

درباره جنبش هم باید گفت که حرکتی اصلاح طلبانه، مردمی و سازمانی یافته است که خواهان تغییر وضع موجود و حرکت به سمت وضع مطلوب در ابعاد مختلف فکری، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی است که گاهی از روش‌های مسالمت‌آمیز و گاه خشونت‌آمیز برای رسیدن به هدف استفاده می‌کند. در تعریف تقیه هم باید گفت که یک قاعده فقهی است که در لغت به معنای بازداشتن، خودنگهداری و همراهی و هم‌کلامی با افراد در آن چیزی است که اعتقاد دارند و ترک آنچه منکر آن هستند برای رسیدن به مصالح بالاتر. امام خمینی(ره) می‌فرماید تقیه این است که انسان حکمی را برخلاف واقع بگوید یا عملی را برخلاف شریعت برای حفظ مال یا ناموس خود یا دیگری انجام دهد.

تقیه اقسامی دارد که از منظر نحوه انجام، انگیزه، ذات و احکام به انواعی تقسیم می‌شود. درباره اهداف تقیه باید گفت سه هدف شامل حفاظت، جذب و نفوذ را می‌توان برای آن ذکر کرد. حفاظت به معنای مراقبت از جان، مال، آبرو و هویت شیعه و احکام اسلام است. جذب به معنای جذب همفکران و افرادی است که مسلمان یا پیرو مکتب تشیع هستند تا وحدت و همگرایی شکل بگیرد. سومین هدف، نفوذ در ابعاد داخلی و خارجی است. در این راستا گروه‌ها و جنبش‌ها در اعتقادات خود تقیه می‌کنند تا به گروه‌های دیگر نفوذ کنند تا در نهایت منجر به جذب آنها شود.

### آثار مثبت و منفی تقیه

درباره گستره تقیه باید گفت که مستندات تقیه عام است و این موضوع اقتضا می‌کند در هر شرایطی تقیه رعایت شود. امام صادق(ع) فرمودند تقیه در هر شرایطی که آدمی اضطرار پیدا کند توسط خداوند حلال شده است. البته باید دانست که تقیه فقط در برابر مخالف یا دشمن اعتقادی نیست بلکه ممکن است مخالف سیاسی را هم شامل شود و فرد به خاطر مصالحی برخی از اعتقادات خود را بیان نکند. مسئله دیگر امکان سنجی کاربرد تقیه در ایجاد یا تداوم جنبش‌های اسلامی است. نکته اول در این زمینه اینکه بستر و زمینه‌ای که تقیه در آن شکل می‌گیرد بستر بحران است که ممکن است به خاطر تخلف دولت از اعتقادات یا میثاق خود باشد. در این شرایط ممکن است دولت، اصول اسلامی را رعایت نکند لذا جنبشی که در بحران ایجاد شد در بسیاری از موارد نیازمند تقیه است.

در بسیاری از موارد، اگر جنبش‌ها تقیه نکنند در نطفه خفه می‌شوند یا دشمنان اجازه نمی‌دهند به حرکت خود ادامه دهد. تقیه حرکت را کند می‌کند اما آن حرکت استمرار دارد همانند تقیه‌ای که در زمان شاه بین مردم رواج داشت و مردم در ظاهر علیه حکومت چیزی نمی‌گفتند اما اعلامیه پخش می‌کردند و بعد از مدتی همین تقیه‌ای که کردند باعث شد حرکت به پیش برود. تقیه آثار مثبت و منفی برای جنبش‌ها دارد. اثر منفی این است که جلوی پیشرفت جنبش را می‌گیرد چون تقیه به خودنگهداری و سکوت دعوت می‌کند.

امام خمینی در آغاز نهضت خطاب به علما فرمودند وای بر علمای ساکت و نجف و قم ساکت، تقیه در اینگونه موارد حرام است. البته اگر تقیه باعث شود جان گروهی که جنبشی را ایجاد کرده‌اند به خطر بیفتد باید تقیه را شکست همانند مؤمن آل فرعون که برای حفاظت از جان حضرت موسی(ع) باید تقیه خود را

می‌شکست. اما تقیه آثار مثبتی هم دارد و از جمله به پیشبرد جنبش کمک می‌کند و باعث استمرار آن می‌شود. حضرت امام صادق(ع) فرمودند تقیه همانند سپر مؤمن است. سپر برای کسی است که می‌خواهد پیش برود.



#### تقیه تاکتیک است یا استراتژی؟

سؤال دیگری که پیش می‌آید این است که آیا تقیه تاکتیک است یا استراتژی؟ تقیه در وهله اول تاکتیک است هرچند ممکن است در برخی موارد استراتژی باشد. البته چه تاکتیک و چه استراتژی باشد باید تا آخر به همان شکل باقی بماند و نمی‌توان در میانه راه، روش تقیه را تغییر داد. نکته بعدی درباره امکان مبارزه آشکار است. گاهی اوقات مبارزه آشکار ممکن است و در تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از مبارزه با ظلم به شکل آشکار وجود داشته است که در این شرایط تقیه جایز نیست. نکته دیگر تقیه در اصول اسلام است. گاهی حکومتی علیه توحید فعالیت می‌کند که در اینگونه موارد نباید تقیه کرد.

مسئله دیگر درباره عدم تأثیر تقیه و ملاحظات سیاسی است. گاهی تقیه کردن یا نکردن تفاوتی ندارد و رویکرد و مواجهه دولت با آن جنبش تغییری نخواهد کرد که در اینجا باید حکم اولیه که همانا مبارزه با ظلم است پیگیری شود و اگر تقیه که حکم ثانوی است پیگیری شود اثر منفی دارد. مسئله دیگر درباره آثار مثبت تقیه در جنبش‌هاست. اولین نقش مثبت آن مصونیت بخشی است چراکه تقیه از ترس گزندگی که ممکن است به برپاکنندگان جنبش برسد صورت می‌گیرد لذا برای تقیه کنندگان امنیت ایجاد می‌شود. نقش دیگر همراهی است که در تقیه مداراتی وجود دارد و انعطاف‌پذیری دین را در این مدل از تقیه می‌بینیم چون به افراد اجازه داده می‌شود به خاطر مصالح بالاتر و یکپارچگی در جنبش، برخی از اعتقادات خود را بپوشانند. احزاب مختلف ممکن است تفکرانی داشته باشد که با تقیه، دیدگاه‌های فرعی و حاشیه‌ای کنار رفته و همه یکپارچه می‌شوند همانند جنبش امام خمینی(ره) که همه گروه‌ها را زیر چتر خود گرد آورد و تبدیل به نهضت و در نهایت یک حکومت شد.

نقش دیگر تقیه، حرکت‌زایی است. تقیه شعله مشعل فروزان را پائین‌تر می‌کشد و کار را آهسته و پیوسته

پیش می‌برد تا افراد سکون نداشته باشند. به فرموده رهبر معظم انقلاب در دوران مبارزه نهضت اسلامی وقتی تقیه می‌کردیم معنایش این بود که ضربه شمشیر را بر پیکر دشمن وارد می‌کردیم اما دشمن نه بلند شدن و نه فرود آمدن آن را نمی‌دید بلکه فقط درد آن را حس می‌کرد و مثلاً افراد اعلامیه پخش می‌کردند که وقتی پخش می‌شد به کلی آبروی رژیم شاهنشاهی را می‌برد. آخرین مورد هم نقش استمراربخشی تقیه است چون وقتی تقیه مقداری از فروزان بودن مشعل را کم کند نهضت استمرار پیدا می‌کند و در نطفه خفه نمی‌شود. در مجموع باید گفت که تقیه حکم عقل است و نه تنها در اسلام بلکه در ادیان دیگر هم وجود دارد و اسلام هم آن را امضا کرده و حتی برخی احکام اسلام به خاطر این موضوع تغییر پیدا می‌کند.

## ۹۸. نمایه‌سازی مفاهیم حوزه علوم اسلامی در پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی

۱۴۰۱/۴/۲۹

نشست نقد روش نمایه‌سازی پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی با حضور اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و کارشناسان برگزار شد.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، به همت گروه تدوین سازمان های دانش پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی جهت بررسی و نقد نمایه‌سازی مفاهیم حوزه علوم اسلامی، نشست نقد روش نمایه‌سازی پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی با حضور اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و کارشناسان برگزار شد.

در ابتدای نشست آقای دکتر رسول سعادت با بیان اهمیت مدیریت دانش و لزوم نقد روش های این کار برای بازنمایی بهتر اطلاعات به معرفی آقای دکتر مرتضی محمدی استانی پرداخت.



در ادامه دکتر محمدی استانی گفت: نمایه‌سازی به عنوان یک فن، هنر و علم از گذشته تا کنون در نظام‌های اطلاعاتی کاربرد داشته‌اند. اساس پایگاه‌های اطلاعاتی (آفلاین و برخط) و همچنین موتورهای کاوش وب بر اساس نمایه‌سازی است. نمایه‌سازی را فرایند توصیف و بازنمون مدرک در قالب اصطلاحات برگرفته از محتوای موضوعی مدرک تعریف کرده‌اند که دارای انواع مختلف نمایش عمل نمایه‌سازی نظیر ساده، برون



بافتی و درون بافتی است. هدف از نمایه‌سازی تسهیل بازیابی اطلاعات یا به عبارت دیگر رساندن اطلاعات مناسب به کاربر مناسب در زمان مناسب است. در اینجا تاکید بیشتر بر اصطلاح «کاربر» است. به طور کلی تمام این فرایندها به جهت رساندن و بازنمون محتوا برای کاربر است. بنابراین نمایه‌سازی نیز دستخوش این تغییر بوده و باید در فرایندهای آن نیز قابل مشاهده باشد. نمود این تغییر پارادایم را می‌توان در پیش‌همارایی و پس‌همارایی نمایه‌ها، زبان‌های نمایه‌سازی و شیوه نمایش آنها مشاهده کرد.

عضو هیئت علمی اضافه کرد: بافت (context) یکی از موارد مهم در همین تغییر پارادایم است که باعث افاده معنای متن می‌شود. همانطور که در نمایه‌سازی خواهان بازنمون متن هستیم ضرورتاً و باید بتوانیم بافت آن متن را نیز بازنمون کنیم. با بازنمون بافت، معنا نیز منتقل خواهد شد که بسیاری از سیستم‌های مبتنی بر وب معنایی به دنبال و توسعه آن هستند. مشکل بسیاری از مباحث در نمایه‌سازی، عدم توجه به کاربر است و پاشنه آشیل بسیاری از پروژه‌های نمایه‌سازی است. حتی توجه به کاربر، شیوه نمایش نمایه‌سازی را هم مشخص خواهد کرد.

سپس ایشان با اشاره به کارهای انجام شده در پژوهشکده افزود: نمایه‌سازی در پژوهشکده مدیریت اطلاعات- که یکی از سازمان‌های پیشرو در کشور و فراتر از آن است- مبتنی بر روشی موسوم به «نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی» است. در همین عنوان اصطلاح «موضوع» ذکر شده است. حال سوال اینجاست که «آیا هدف نمایه‌سازی بازنمون مفاهیم است یا موضوع؟» پاسخ به این سوال، راهگشای بسیاری از مباحث بوده و به نوعی محل بحث است. پاسخ به این سوال، مبحث «بافت» را نیز بهتر تبیین خواهد کرد. خروجی این نوع نمایه‌سازی، ایجاد یک برساخته جدید از دید و نظر نمایه‌ساز خواهد بود که حتی ممکن است با نحوی متفاوت از متن بیان شود.

وی در پایان گفت: روش پیشنهادی برای نمایه‌سازی در پژوهشکده مدیریت اطلاعات، روش برون بافتی است که دارای مزایای بیشتری در بازنمون بافت و معنا نسبت به سایر روش‌های نمایش نمایه‌هاست. همچنین از دیدگاه کاربر و نظام‌های اطلاعاتی معنایی جدید نظیر هستی‌شناسی‌ها این رویکرد مناسب‌تر خواهد بود. در این نشست مباحث پیشگفته به طرح و بحث تفصیل‌تر ارائه خواهد شد.

در انتها کارشناسان حوزه مدیریت اطلاعات نظرات خود را در خصوص مسائل مطرح شده در قالب گفتگو بیان کردند.

## ۹۹. سیره پژوهی اهل البیت علیهم السلام با استفاده از نرم افزارها و پایگاه های علوم اسلامی

۱۴۰۱/۴/۲۳

به همت اداره کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی شیخ بهایی برگزار گردید:

نشست علمی سیره پژوهی اهل البیت علیهم السلام با استفاده از نرم افزارها و پایگاه های علوم اسلامی



نشست علمی سیره پژوهی اهل البیت علیهم السلام با استفاده از نرم افزارها و پایگاه های علوم اسلامی با ارائه وحید شریفی مدیر کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی شیخ بهایی در مدرسه قرآن و عترت مشهد برگزار گردید.

در این نشست، قابلیت های نرم افزار سیره معصومان و همچنین پایگاه اینترنتی تاریخ نور مطرح شد و همچنین به عنوان نمونه به آشنایی با سیره امام صادق(ع) در نرم افزار سیره معصومان پرداخته شد. شریفی گفت: نرم افزار سیره معصومان علیهم السلام شامل کتابخانه تخصصی با محوریت اهل بیت علیهم السلام، تدوین درختواره، سال شمار زندگانی ایشان، نمودار تبارنامه بیش از ۱۱۰۰۰ نفر از سادات، نقشه های تاریخی، تصاویر، اشعار، زیارت نامه به همراه قابلیت های ویژه پژوهشی، جایگاه ویژه ای را در میان پژوهشگران علوم اسلامی به خود اختصاص داده است.

وی افزود: سیزده هزار و ۶۳۷ فیش پژوهشی به همراه ۷ عنوان کتاب اختصاصی نیز در ۳۴ جلد از امام صادق(ع) از جمله مسند الامام الصادق، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، الفائق فی رواة واصحاب الامام الصادق در بخش کتابخانه این نرم افزار به کاربران ارائه شده است.

مدیر کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی شیخ بهایی تصریح کرد: ارائه رخدادهای زمانی مرتبط با زندگانی امام صادق(ع) در گاهنامه به سه زمان شمسی، قمری و میلادی، ارائه نموداری و مشجر تبار امام صادق(ع) در بخش تبارنامه با قابلیت اتصال به متن، ارائه صلوات مخصوص امام صادق(ع) و ۹ قطعه شعر زیبا در مدح ایشان با قابلیت پخش صوت در بخش نجوانامه و همچنین نمایش ۲۰ تصاویر زیبای قدیمی و جدید از بقیع از گنجینه های فاخر این نرم افزار است.

وی در پایان افزود: ارتباط و مقایسه بین متون، ارتباط واژگان کتب با لغتنامه، جستجوی پیشرفته در متن، امکان انتقال متن به Word، حاشیه نویسی، نمایه زنی، علامت گذاری و ... از جمله قابلیت های پژوهشی نرم افزار سیره معصومان(ع) به شمار می رود.

## ۱۰۰. نقش ابزارها در توسعه نشر دیجیتال

۱۴۰۱/۲/۲۲

در سی و سومین نمایشگاه بین الملل کتاب تهران برگزار شد؛ نشست علمی «نقش ابزارها در توسعه نشر دیجیتال» همزمان با سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، نشست علمی «نقش ابزارها در توسعه نشر دیجیتال» با ارائه دکتر محمود متین فر و مهندس محمد کریمی، روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه در نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد.

کریمی در ابتدا به تعریف نشر دیجیتال و تاریخچه آن پرداخت. وی برخی مزایای نشر دیجیتال را سرعت و وسعت دامنه انتشار، بستر نشر آسان، تنوع انتخاب برای کاربران، جذابیت و تعاملی بودن، بی مرزی و هزینه کم دانست و به برخی محدودیت ها از جمله لزوم دسترسی به خط اینترنت و کامپیوتر، عدم رعایت حق مولف، نحوه فروش کتاب الکترونیکی و مسائل معنوی پرداخت و به راهکارهایی برای استفاده بهینه از نشر دیجیتال اشاره کرد.



در ادامه این نشست دکتر متین فر، با برشمردن ابزارهای نشر دیجیتال از جمله کتاب های دیجیتال متنی

و صوتی، به برخی ابزارهای نشر دیجیتال از جمله پژوهان، فیدبو، طاقچه و کتابراه و ... اشاره کرد و مهمترین قابلیت های آنها را دسترسی سریع و ارزان به کتاب ها و مجلات علمی، همگام سازی اطلاعات کاربر بر روی دستگاه های مختلف، سفارشی سازی محیط مطالعه، کتابخانه و میز مطالعه شخصی کاربر، کتابخانه اشتراکی، امکان قفسه بندی کتاب ها، جستجوی آسان، کپی و رنگی کردن بخشی از متن و مطالعه بخشی از کتاب قبل از خرید دانست .

متین فر در ادامه به مهمترین ویژگی کتابخوان پژوهان که محصول پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پرداخت و امکانات پژوهشی پژوهان را از برجسته ترین ویژگی های متمایز کننده آن دانست و گفت: در این کتابخوانی پژوهشگر می تواند از امکانات پژوهشی همچون تطابق شماره صفحه کتاب دیجیتال با کتاب مکتوب جهت رفرنس دهی، امکان خروجی اطلاعات کتابشناختی با فرمت RIS و ENDNOTE ، شناسایی فهرست عناوین کتاب، پاورقی ها، آیات، اشعار و روایات، اشتراک گذاری متن انتخابی با نمایش مرجع متن، اتصال به اصطلاحنامه اسلامی، لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین، عمید و ...، امکان یادداشت گذاری روی متن و استخراج فهرست یادداشت ها، متن های رنگی شده و صفحات نشان شده با امکان جستجو استفاده کند .

وی در پایان به ضریب نفوذ کتاب های دیجیتال و رشد آن در سال های اخیر و بخصوص بعد از شرایط کرونایی کشور پرداخت و به سهم بالای برخی کشورها و سهم اندک ایران در عرصه دیجیتال اشاره کرد و بر ضرورت توجه به این بخش تاکید کرد .

## ۱۰۱. روش قاعده‌سازی در مسائل مستحدثه

در نشست علمی «روش قاعده‌سازی در مسائل مستحدثه» مطرح شد: قاعده‌سازی کمک می‌کند که یک دانش، مُعلَّل و تدقیق بشود نشست علمی «روش قاعده‌سازی در مسائل مستحدثه» به همت گروه فقه حقوق شهروندی پژوهشگاه فقه معاصر با همکاری گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام تمدنی، برگزار گردید نشست علمی «روش قاعده‌سازی در مسائل مستحدثه» به همت گروه فقه حقوق شهروندی پژوهشگاه فقه معاصر با همکاری گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام تمدنی، استاد مصطفی دُری (قائم مقام پژوهشگاه فقه معاصر) به عنوان ارائه دهنده، علی الهی خراسانی «عضوهیئت علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی» به عنوان ناقد و علی شریفی «استادجامعه المصطفی» به عنوان دبیر جلسه، برگزار گردید.

### تاریخچه قاعده‌سازی مسائل مستحدثه

پس از سخنان مقدماتی دکتر شریفی، استاد دُری، به بیان نکات خود پرداخت و گفت: به نسبت سابقه فقه شیعی، بحث «قاعده‌سازی» اساساً بحث دیرپایی نیست و جزو مباحث نوپا به شمار می‌رود. در میان قواعد فقهی، قواعد فقهی در مسائل مستحدثه عمر کوتاه‌تری دارند. از آن نوپاتر، بحث «روش قاعده‌سازی در مسائل مستحدثه» است. بحث «مسائل مستحدثه» چند سالی است که به صورت ابواب فقهی مورد توجه قرار گرفته است. معمولاً مسائل مستحدثه همیشه ملاحظه و حاشیه بر مسائل سنتی فقه بوده‌اند و ما کمتر شاهد بوده‌ایم که باب فقهی تحت عناوین نوپدید ایجاد بشود. چند سالی است که این اتفاق افتاده است و ابواب فقهی جدید پدیدار شده‌اند. همیشه قاعده‌سازی در یک دانش مثل یک باب فقهی، آن دانش را روشمند می‌کند.



وی در ادامه گفت: متأسفانه ما در این چند سالی که در شهرهای قم، مشهد و شهرهای دیگری که حوزه‌های جدی و معتبری دارند، بحث فقه‌های نوپدید را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم که بسیاری از دروس خارج عملاً دروس ضعیفی هستند و پرداخت‌هایی که به مسائل مستحدثه صورت می‌گیرد، یا رویکرد فقهی

ندارند و یا اگر رویکرد فقهی دارند، رویکرد فقهی رقیق و دست‌چندم است. کسی که درس خارج فقه هنر برگزار می‌کند ولی عملاً همان مباحث مکاسب محرمه را بررسی می‌کند، نمی‌شود از درس او به‌عنوان فقه هنر و یک باب فقهی جدید یاد کرد.

استاد در ادامه افزود: قاعده سازی کمک می‌کند که یک دانش، مُعَلَّل و تدقیق بشود و جلوی حرف بی حساب در آن دانش را می‌گیرد. این یکی از مهم‌ترین و مبارک‌ترین فواید قاعده سازی است. ما یک قواعد عمومی داریم و یک قواعد اختصاصی. قواعد عمومی قواعدی هستند که در بسیاری از ابواب فقهی کاربرد دارند. این قواعد اگرچه در نوع خود ارزشمند هستند اما پیدا کردن آن‌ها در ابواب فقهی معاصر اصطلاحاً آن کارِ کارستان نیست. این قواعد قبلاً هم بوده اند و ممکن است در این باب، پرکاربرد هم باشند. با وجود این قواعد متأسفانه ابواب فقهی ما متضمن حرف‌های رقیق و رویکردهای غیرفقهی است. آن چیزی که ارزشمند است و ابداع تلقی می‌شود و کارِ نوپدید به نظر می‌آید و اصطلاحاً کارِ کارستان است، پیدا کردن قواعد اختصاصی هر باب است.

به وسیله این قدر مشترک می‌توانیم یک قاعده کلی به دست بیاوریم / در مسائل فقهی، ادله ای که آن‌ها را زیاد به کار می‌بریم. ما از این ادله می‌توانیم یک قاعده به دست بیاوریم / نتیجه این قواعد، الزاماً قواعد فقه اختصاصی یک فقه نیست

استاد دُری در ادامه سخنانشان گفت: تعریف قاعده فقهی، دو ضابط دارد:

۱ این تعریف قطعاً در همه ابواب فقهی نخواهد بود. چون اگر این‌گونه باشد، دیگر قاعده فقهی نیست و قاعده اصولی است.

۲ باید نحوه ای از کلیت را داشته باشد؛ چرا که اگر جزئی باشد، تبدیل به مسأله فقهی می‌شود. روشی که بنده برای قاعده سازی در مسائل مستحدثه بیان کرده ام، اختصاصی به ابواب مستحدثه ندارد. اساساً تصور می‌کنم هیچ روشی نمی‌شود پیدا کرد که فقط به قاعده سازی در ابواب مستحدثه بپردازد. وی در ادامه گفت: چند روش برای قاعده سازی در مسائل مستحدثه می‌شود بیان کرد. این روش‌ها به ذهن بنده رسیده است و ممکن است روش‌های دیگری وجود داشته باشد که به ذهن بنده نرسیده باشد و من آن روش‌ها را نفی نمی‌کنم.

۱ استقراء از ادله

در این روش، ادله به‌کاررفته برای حل مسائل یک فقه، بررسی می‌شود و ادله پرتکرار آن به‌عنوان یک قاعده تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، وقتی برای حل مسأله‌ای از قبیل «منع مالی جبران زحمات آتش‌نشانان»، «منع مالی جبران زحمات پاکبانان»، «منع مالی جبران زحمات اعضای شورای شهر»، «منع مالی جبران زحمات مدیران شهرداری» و مانند آن، به دلیل «لزوم ارتزاق فعالین عرصه عمومی از بیت‌المال» استدلال می‌شود، کشف می‌شود که این دلیل پرتکرار، به‌مثابه یک قاعده فقهی است.

۲ استقراء از مسائل

در این روش، با مراجعه به شبکه مسائل یک فقه نوپدید، به دنبال مسائل عامی می‌گردیم که چند مسئله را در ذیل خود داشته باشد. این مسائل عام، در بسیاری از موارد به‌مثابه یک قاعده فقهی هستند. به‌عنوان نمونه وقتی با مسائل زیر مواجه می‌شویم:

آیا در صورت عدم داشتن مجوز برای ساخت، ساخت ساختمان مجاز است؟

آیا در صورت امکان فرار از پرداخت عوارض شهری، می‌توان آن را پرداخت نکرد؟

در صورت تعارض قوانین شهری با فتاوی مراجع تقلید، باید به کدامیک عمل کرد؟ متوجه می‌شویم که این مسائل، در حقیقت زیرمجموعه یک مسأله عام‌تر هستند که عبارت است از «لزوم عمل به قوانین شهری». این مسئله عام، اگرچه در قالب، یک «مسئله» است اما چون خصوصیات یک قاعده را دارد و تعریف قاعده فقهی بر آن صادق، است می‌توان آن را در زمره قواعد فقهی فقه شهر و شهرنشینی قرارداد.

### ۳ مراجعه به قواعد فقهی پیشین

در این روش، به کتب قواعد فقهی مراجعه کرده و قواعد فقهی مندرج در این کتب را بررسی می‌کنیم. ممکن است برخی از قواعدی که به صورت کلی در این کتب مطرح شده و ذیل فقه خاصی مندرج نشده‌اند، با تبویب فقه‌های جدید، ذیل یکی از این فقه‌ها قابل اندراج باشند.

به عنوان نمونه، قاعده سوق، در کتب قواعد فقهی به کرات مورد استعمال قرار گرفته است. این قاعده اگرچه ذیل باب فقهی خاصی درج نشده است، اما با ایجاد فقه شهر و شهرنشینی، می‌توان آن را ذیل این فقه نوپدید جای داد؛ زیرا «بازار» و «سوق» اساساً از پدیده‌هایی است که تبلور آن در شهر و شهرنشینی است. وی پایان سخنانش گفت: روش‌هایی که برای کشف قواعد فقهی در فقه شهر و شهرنشینی بیان شد، اولاً تنها اختصاص به این فقه ندارد، بلکه در سایر فقه‌های نوپدید نیز قابل پیاده‌سازی است.

و ثانیاً: نتیجه این قواعد، الزاماً قواعد فقه اختصاصی یک فقه نیست، بلکه ممکن است نتیجه آن، قاعده‌ای عام برای چند فقه نوپدید باشد؛ بنابراین پالایش قواعد به دست آمده از طرف فوق از قواعد عمومی، نیازمند تلاشی دیگر است. ضابط آن نیز عدم عمومیت قاعده برای چند باب و اختصاص آن به فقه مورد نظر است. قواعد فقهی فراگیر موجود، چالش‌های موجود در مسائل مستحدثه را می‌توانند حل کنند / باید نگاه نو و بازنگری نسبت به قواعد فراگیر و عمومی داشته باشیم / تقسیم شهید صدر در این باب نه تنها غلط است بلکه خیلی غلط است!

در ادامه جلسه، ناقد، دکتر علی الهی خراسانی «عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در

علوم انسانی دانشگاه فردوسی»، صحبت‌های آقای دُزی را به بوته نقد گذاشت و گفت:

اگرچه در اندیشه فقهی معاصر، روش قاعده سازی موجود است ولی تجمیع آن و تمرکز بر یک بحث روش شناختی، امری جدید و مبارک و قابل تحسین است.

نگاه آقای دری در باب تعریف قاعده فقهی، نگاه درستی است.

استاد در ادامه گفت: اگر آقای دری دیدگاه شهید صدر در این رابطه را قبول دارند و می‌خواهد یک کار روش شناختی انجام بدهند، باید هرکدام از قواعد فقهی را که مطرح می‌کنند، با تقسیمات شهید صدر تطبیق بدهند و بگویند با کدام یک سازگاری دارد. اگر هم که دیدگاه شهید صدر را قبول ندارند، آن را نقد کنند. وی در ادامه گفت: آقای دری گفتند که ما باید از قواعد فقهی فراگیر و عام عبور کنیم و آنچه ارزش دارد، قواعد اختصاصی فقه‌های مستحدثه است. این حرف ایشان را قبول دارم اما این حرف که قواعد فقهی موجود ما در مسائل نوپدید اهمیت ندارند را به هیچ عنوان قبول ندارم؛ چون قواعد فقهی فراگیر موجود، خیلی از چالش‌های موجود در مسائل مستحدثه را می‌توانند حل کنند. آنچه مهم است، نگاه نو و بازنگری ما نسبت به قواعد فراگیر و عمومی است.

مثال‌ها و روش‌هایی که آقای دری فرمودند، تطبیقات پرکاربرد یک حکم شرعی یا تطبیق حکم شرعی بر مصادیق زیاد است. آیا اسم این را می‌توانیم قاعده فقهی بگذاریم؟ طبق آنچه شهید صدر بیان کرده است،



نمی توانیم اسم آن را قاعده فقهی بگذاریم.  
توجه به تحولات اجتماعی و طرح مقاصد شریعت دو زمینه برای قاعده سازی است.  
پس از پایان نقدهای ناقد، دُرّی به پاسخ نقدهایی که گفته شد پرداخت و گفت: تقسیم شهید صدر در این باب نه تنها غلط است بلکه خیلی غلط است. بنده یازده نقد بر نظر او نوشته ام.  
صحبت های شما درباره قواعد عمومی را قبول دارم. مراد من اصلاً این نبود که قواعد عمومی به درد نمی خورند. من گفتم جلوی نگارش کتاب های که بخواهند قواعد عمومی را به عنوان قواعد یک باب فقهی بنویسند، می گیرم. می گویم اگر می خواهید قاعده بسازید، قاعده جدید بسازید.  
نکته شما درباره مقاصد شریعت، نکته درستی است و من به ذهنم آمد که شاید بتوانیم بر اساس علل احکام هم قواعدی را درست کنیم و این هم روش چهارم باشد.

## ۱۰۲. چرخهٔ صعودی نظریه‌های مطرح در فلسفه ذهن

به همت پژوهشکدهٔ فلسفه و کلام اسلامی برگزار گردید؛ نشست «چرخهٔ صعودی نظریه‌های مطرح در فلسفه ذهن» نشست «چرخهٔ صعودی نظریه‌های مطرح در فلسفه ذهن» با ارائهٔ حجت الاسلام آقای دکتر محمدحسن فاطمی نیا در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد. در این نشست علمی که در تاریخ ۸ اسفند ماه ۱۴۰۰ در تالار شهید سلیمانی پژوهشگاه برگزار شد، جناب آقای دکتر فاطمی‌نیا پس از معرفی اجمالی نظریه‌های مطرح در فلسفه ذهن معاصر، همچون دوگانه‌انگاری جوهری دکارتی؛ فیزیکیالیسم تحویل‌گرا (این همانی مغز و ذهن)؛ کارکردگرایی؛ (فیزیکیالیسم تحویل‌گرای جدید)؛ اجماع نسبی فیزیکیالیسم ضد تحویل‌گرایی؛ جریان نخواستگی ویژگی؛ دوگانه‌انگاری ویژگی؛ (در برابر انواع فیزیکیالیسم‌ها)؛ ظهور دوگانه‌انگاران جوهری، به تبیین ایدهٔ نشست علمی خود دربارهٔ چرخهٔ صعودی این نظریه‌ها از فیزیکیالیسم تحویل‌گرا به سمت دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها سخن گفتند و سپس نظریهٔ خود دربارهٔ الزام دوگانه‌انگاری ویژگی‌ها به سمت دوگانه‌انگاری جوهری را به تفصیل بیان کردند.

به بیان ایشان در جریان سیر نزولی نظریه‌ها فلسفه ذهن به سمت فیزیکیالیسم تقلیل‌گرا، ما با یک نوع فیزیکیالیسم ترفیع‌گرا (در برابر گرایش تقلیل یا تحویل‌گرایانه) مواجه می‌شویم؛ فیزیکیالیستی که نه تنها تقلیل‌گرا نیست، بلکه تلاش می‌کند جایی برای امور غیرفیزیکی هرچند در قالب «ویژگی» باز کند؛ همین نگاه ترفیع‌گرایانه، ما را به سمت دوگانه‌انگاری ویژگی سوق داده است؛ اما پس از این تطور فکری نظریه‌ها، بار دیگر این سؤال زنده شد که چرا نتوانیم یک ساجکت آگاه برای ویژگی‌های ذهنی در نظر بگیریم؟ درحقیقت این بار در پی ویژگی نخواستته، جوهر نخواستته مطرح شد. می‌توان حدس زد خاستگاه عبور از دوگانه‌انگاری ویژگی، ابتدا عدم مزیت آن در توانایی حل سؤالات بنیادین فلسفه ذهن نسبت به دوگانه‌انگاری جوهری و در ادامه، اشکالات متافیزیکی حمل ویژگی‌های ذهنی توسط جوهر فیزیکی دانست.

**نشست علمی**

**چرخه سعودی**

**نظریه های مطرح در فلسفه ذهن**

**ارائه دهنده:** حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن فاطمی نیا

**دبیر علمی:** جناب آقای دکتر ذوالفقار ناصری

**زمان:** یکشنبه ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ | ساعت: ۱۰ الی ۱۲

**مکان:** پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

طبقه دوم، تالار سردار شهید سلیمانی

**لینک ورود به جلسه:** [Dte.bz/philconf](http://Dte.bz/philconf)

پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی | مرکز همکاری های علمی و بین الملل

به باور دکتر فاطمی نیا در ادامه شاهد ظهور فیلسوفانی هستیم که از دوگانه-انگاری جوهری دفاع می کنند: هسکر، سوئینبرن، لو، اکانر، جیکوبر، و تونر. البته خیلی از دوگانه-گرایان جوهری برای فرار از نواقص دوگانه انگاری جوهری دکارتی، دیدگاه های دیگری مطرح کردند مثلاً برخی مانند فاستر هرچند در طول تئوری دکارتی است، ولی تلاش کرده از خود، تفاوت نشان دهد و مدعی شود که نظریه اش در حل مسئله ذهن و بدن موفق تر از نظریه دکارت است و برخی دیگر مانند «لو» اساساً مدعی شده اند، دوگانه انگاری جوهری-شان «غیردکارتی» است؛

دکتر فاطمی نیا در این نشست نشان دادند که در مجموع سیر حرکت در نظریه های فلسفه ذهن سعودی است؛ زیرا در فرجام این نظریه پردازی ها، دوگانه انگاری ویژگی سربرآورده است و دوگانه انگاری ویژگی خود، می تواند پلی برای رسیدن به دوگانه انگاری جوهری محسوب شود؛ بدین معنا که صرف نظر از سیر تاریخی، از دوگانه انگاری ویژگی می توان استدلالی با مقدماتی تجربی برای اثبات وجود «نفس» طراحی کرد. به باور ایشان، مزیت این برهان برخلاف براهین انتزاعی محض فلسفی، این است که از دل مباحث فیزیکیستی معاصر برخاسته و این توان را دارد که با زبان علمی، پس از یک چرخه علم تجربی، ما را به سمت اثبات ویژگی غیرتجربی و غیرفیزیکی سوق دهد.

نشست «دینداری و تاب‌آوری اجتماعی در قرآن کریم» امروز چهارشنبه ۴ اسفندماه با سخنرانی سیدعلی‌نقی ایازی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد. بنده با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و به صورت استقرایی به قرآن کریم و آن دسته از آیات اجتماعی که مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی هستند مراجعه و آنها را مورد بررسی قرار داده‌ام لذا داده‌ها که در اینجا آیات قرآن هستند را شناسایی و بر اساس آنها یک تفسیر اجتماعی انجام داده‌ایم. البته نیازمند بهره‌مندی از دو دانش تفسیر اجتماعی و جامعه‌شناسی بوده‌ایم اما مهم‌تر تفسیر اجتماعی است که به عنوان یک اقدام اثرگذار در فرآیند انجام کار مد نظر بوده است.

### مراد از تفسیر اجتماعی چیست؟

مقصود ما از تفسیر اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از شروط، توضیحات و تحلیل‌هایی که مفسران در طی قرون، ذیل آیات اجتماعی قرآن عرضه کرده‌اند که به زندگی اجتماعی انسان و لوازم و آثار و پیامدهای آن مربوط است. لازم به اشاره است که در تحقیق کیفی، بیشتر بر چهارچوب مفهومی تأکید داریم و اگر چهارچوب نظری ارائه می‌شود در راستای روشن شدن فضای مفهومی تحقیق است. در معنای تاب‌آوری نیز باید گفت که توانایی مقاومت در مقابل ناملایمات و دشواری‌های زندگی همانند بلایایی طبیعی یا کرونا و ... است بنابراین اگر تاب‌آوری را توسعه دهیم موضوع تاب‌آوری اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... معنا پیدا می‌کند اما محل بحث ما بیشتر بر تاب‌آوری اجتماعی است.

### عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در قرآن

یکی از کارهایی که در مطالعات کیفی انجام می‌شود مفهوم‌پردازی است تا وقتی مقولاتی را ذیل آنها دسته‌بندی کردیم انتزاع درستی از آن موضوع داشته باشیم لذا ما مفاهیمی همانند توانایی بازیابی سریع و موفق، دستیابی به موقعیت‌های برتر و شادی آفرین، توانایی کامیابی، توانایی عدم شکست و غلبه بر مشکلات، توانایی رویارویی با تغییرات مخرب و شرایط ناگوار و امثالهم را احصا و آنها را بر قرآن عرضه کردیم و با توجه به اینکه می‌خواهیم از تحلیل محتوای کیفی و استقرایی به قرآن مراجعه کنیم بنابراین ابتدا باید داده‌ها را جمع‌آوری و موضوعات را مرتبط کنیم لذا بنده جدولی را تدوین و در یک ستون آیات مرتبط با بحث تاب‌آوری اجتماعی و در ستون دیگر عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی را آوردم. اولین مورد مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی در آیات قرآن کریم صبر و شکیبایی است. در آیات بسیاری بر این موضوع مهم اشاره شده است. امام محمد غزالی به حدود هفتاد آیه اشاره کرده که به این موضوع پرداخته‌اند. صبری که در قرآن و سنت به عنوان راهکاری برای تاب‌آوری اشاره شده امری اختیاری و ارادی است وگرنه اگر امری خارج از اراده باشد درجه و پاداشی برای آن نخواهد بود. آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹ اعراف یکی از این موارد است که خداوند فرموده است: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَدْرُكَ ۖ وَالْهَيْكَلِ ۚ قَالَ سَنُقَاتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۚ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۚ» و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را واگذاری تا در این سرزمین فساد کنند و تو و خدایان تو را رها سازند؟ فرعون گفت: به زودی پسرانشان را کشته و زنانشان را زنده گذاریم (و در رنج و عذاب خدمت و اسارت نگاه داریم) و ما

بر آنها غالب و مقتدریم. موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست»  
 ویژگی دیگر که در تاب‌آوری اجتماعی مؤثر است مناسک دینی و به طور مشخص نماز است. خداوند در آیات ۱۹ تا سوره ۲۴ معارج به این موضوع اشاره کرده و فرموده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ؛ به راستی که انسان سخت آزمند و بی تاب خلق شده است چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد غیر از نمازگزاران همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند و همانان که در اموالشان حقی معلوم است». عامل دیگر استمداد جستن از خداوند است که زمینه تاب‌آوری را تسهیل می‌کند. استعانت بدین معناست که فرد از خداوند برای افزایش قدرت یا سهولت انجام دادن کار کمک بخواهد لذا در نماز مستمراً از او استمداد می‌طلبیم.

### اهمیت الگوگیری از پیشوایان دینی

عامل دیگر الگوسازی زیست‌شکیبایان است و یکی از مفاهیم در تربیت‌پذیری نیز همین الگوپذیری است. حضور اولیای دین در عرصه‌های اجتماعی و نحوه برخورد آنها با حوادث اجتماعی که در قالب قصص قرآنی بیان شده الگوی مناسبی برای ماست. ۱۴۶ آل عمران از جمله این موارد است که خداوند فرموده است: «وَكَايِنٌ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا ۗ وَاللَّهُ يُجِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت بسیار (از پیروانش) همراه او جنگیدند و با این حال، اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسید هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و (صبر و ثبات پیش گرفتند، که) خدا صابران را دوست می‌دارد.» در این آیه خداوند برای کسانی که در جنگ احد دچار ضعف و ناتوانی شدند، اولیای پیشین را مثال زده و بر الگوگیری از آنها تأکید کرده است.

عامل دیگر تقوا است که باعث تقویت نفس انسان می‌شود. این همان خصوصیت خودکنترلی است که با ریاضت حاصل می‌شود و انسان را از ناشکیبایی حفظ می‌کند. آیا ۹۰ سوره یوسف یکی از مواردی است که به این موضوع اشاره کرده و خداوند فرموده است: «قَالُوا أَلَيْكَ لَآتَتْ يُوسُفُ ۖ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي ۖ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا ۗ إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ آیا تو همان یوسف هستی؟ پاسخ داد که آری من همان یوسفم و این برادر من (بنیامین) است، خدا بر ما منت نهاد (و ما را به دیدار هم پس از چهل سال رسانید) که البته هر کس تقوا و صبر پیشه کند خدا اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.»  
 عامل دیگری که قرآن بر آن تأکید می‌کند عبرت‌گیری است چراکه تاریخ، آئینه تمام‌نمای وقایع و حوادثی است که امروزه می‌توانیم از آنها بهره‌مند شویم. قرآن از این تکنیک به درستی استفاده کرده تا نادرستی‌ها به خوبی نمایان شود و انسان‌ها از تاریخ بهره‌مند شوند. یکی از این آیات آیه ۹ سوره روم است که خداوند فرموده است: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۗ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛ آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که عاقبت کار پیشینیان‌شان (چون قوم عاد و ثمود) چه شد؟ در صورتی که از اینها بسیار تواناتر بودند و بیش از اینها در زمین کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند و پیامبران‌شان با آیات و معجزات برای (هدایت) آنان آمدند (لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند). و خدا درباره آنها هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.»

نظریه ابهام دارد

در ادامه علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، در نقد مطالب ایازی گفت: ایشان براساس چارچوب نظریات تاب‌آوری اجتماعی به متن قرآن مراجعه کردند، استنباط بنده این است که وقتی سراغ نظریات تاب‌آوری اجتماعی می‌رویم مرور انتقادی داریم و نظریات را مقایسه می‌کنیم و اگر بخواهیم جمع‌بندی و نتیجه بگیریم با منطق تحلیلی سراغ آن می‌رویم، بنابراین مقایسه آراء و نتیجه‌گیری و ادغام روابط خاص خود را دارد.

وی افزود: وقتی سراغ نظریه می‌رویم انتظار تعریف روشن و مشخص کردن ابعاد و سطوح و انواع آن وجود دارد و فرایند تاب‌آوری باید بررسی شود ولی در ارائه شما این مسئله وجود نداشت. این بحث درباره دینداری هم ضروری است. اینکه دینداری چیست و ابعاد آن چیست و نتیجه‌گیری از منظر جامعه‌شناسی صورت بگیرد و بعد سراغ قرآن بروند. استخراج یکسری مضامین پراکنده و اتصال آن و ارائه به عنوان پیامد، مطلوب ما نیست بلکه این استخراج باید طوری صورت بگیرد که منجر به نظریه شود. یوسفی تصریح کرد: یکی از آرای شاخص ایده تروما است یعنی وقتی تکانه شدید به جامعه مانند زلزله و کرونا و ... وارد شود، چه عوارض فرهنگی و اجتماعی بر جامعه دارد و جامعه چه تغییراتی را در قلمروهای مختلف اقتصادی و سیاسی و روانی و ... پیدا می‌کند.

یوسفی بیان کرد: تحلیل محتوایی استقرایی در قرآن که به آن اشاره شد به چه مفهومی است، زیرا آیات قرآن مانند تجربه کنشگران اجتماعی نیست که از زمانی به زمان و از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد. شما گزاره‌های دین‌ورزی و تاب‌آوری را استخراج کرده‌اید و می‌گویید براساس معیارهایی آنها را به هم متصل می‌کنید و با منطق نظری به برداشت و نتایج خاصی می‌رسید.

وی تاکید کرد: من در نوع مواجهه شما با قرآن مشکل دارم و معتقدم تحلیل فراتئوریک برای مفهوم تاب‌آوری در قرآن لازم است. لذا باید با منطق تولید نظریه با متن روبرو شویم و به ربط مفاهیم مختلف در قرآن بپردازیم. مثلاً دینداری با علائمی با تاب‌آوری در قرآن پیوند خورده است و این مقوله متفاوت از آن است که ما خودمان ربط‌هایی را برای آن بیابیم که بعضاً درست نیست.

### **استفاده از قرآن برای حل مشکلات؛ نیاز راهبردی امروز**

همچنین قاسم درزی، استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، گفت: این تحقیق از آن جهت که به مسائل روز پرداخته است دارای ارزش ویژه است و به خصوص در حوزه مطالعات قرآنی کمتر شاهد این مباحث هستیم و برای ما مهم و راهبردی است که بتوانیم مشکلات و مسائل اجتماعی را براساس قرآن حل کنیم.

وی افزود: بحث اول بنده ابهام در عنوان بحث یعنی دینداری و تاب‌آوری است. آیا ما قصد داریم نسبت بین این دو را در قرآن بحث کنیم یا اینکه هر کدام را جدا در قرآن بررسی کنیم؛ قرآن بزرگترین منبع دینی است و چه معنایی دارد که ما دینداری را در قرآن مدنظر قرار دهیم؛ پیشنهاد بنده این است که عنوان تاب‌آوری از منظر قرآن انتخاب شود.

درزی اضافه کرد: ما غیر از فهرستی که مرتبط با تاب‌آوری بودند مانند صبر، عبرت و الگوگیری چیز دیگری نیافتیم، یعنی ابهام وجود دارد که آیا چیزی به حوزه علوم اجتماعی اضافه می‌شود، آیا نظریه‌ای تولید شده است یا تاب‌آوری اجتماعی نقشی در فهم بهتر آیات داشته است؟

استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، بیان کرد: این کار، طرح مسئله

ندارد؛ اگر در بحث تاب‌آوری، مسئله وجود داشت جهت‌گیری مشخصی در تحقیق به وجود می‌آمد و نتیجه آن هم روشن بود. صرفاً یک تطبیق بین یکسری مؤلفه‌های نظریات تاب‌آوری اجتماعی و مفاهیم قرآن رخ داده و دستاورد پژوهشی قابل مشاهده ندارد؛ روش تحقیق دارد ولی مبتنی بر نظریه نیست و مؤلفه‌های روش تحقیق هم دارای ابهام است.

درزی بیان کرد: برخی مؤلفه‌ها هم که به عنوان مؤلفه‌های تاب‌آوری بحث شده، مبهم است مثلاً عبرت‌گیری و شکیبایی چه ربطی به تاب‌آوری دارد؛ حد تاب‌آوری هم معلوم نشده است، مثلاً آیا امروز مردم کره شمالی در برابر حاکمشان، تاب‌آوری دارند؟ آیا رفتار قوم فرعون در برابر او و اسارت آنها، شکیبایی و تاب‌آوری اجتماعی است، اصلاً چرا ما باید در برخی موارد شکیبایی کنیم و تاب‌آوری داشته باشیم. شما گفته‌اید روزه و نماز باعث تاب‌آوری است ولی بر چه مبنایی اثبات می‌کنید. همچنین ممکن است گفته شود صلاة در قرآن در همه جا به معنای نماز نیست و دعا هم هست و اگر صلاة عاملی برای تاب‌آوری است چه نیایشی منجر به این تاب‌آوری است؟



نشست علمی «سیره علما در پیاده روی اربعین حسینی» با سخنرانی دکتر سعید طاووسی مسرور و دبیری دکتر سید محمود سامانی به همت گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت روز یکشنبه ( ۱۳ شهریور ۱۴۰۱) در سالن جلسات پژوهشکده برگزار شد

به همت گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت و همزمان با ایام اربعین حسینی نشست علمی «سیره علما در پیاده روی اربعین حسینی» با سخنرانی دکتر سعید طاووسی مسرور روز یکشنبه ( ۱۳ شهریور ۱۴۰۱) با حضور پژوهشگران پژوهشکده حج و زیارت در سالن جلسات پژوهشکده برگزار شد.

در این جلسه نخست دکتر طاووسی در حدود ۴۰ دقیقه به طور نسبتاً مبسوطی به تاریخچه پیاده‌روی اربعین از سوی علما پرداخت. وی نخستین فرد مؤثر در این رویداد را در تاریخ معاصر، مرحوم شیخ انصاری دانست و از ابتکار و نحوه پیاده‌روی جناب ایشان مطالبی ارائه کرد. وی در ادامه، برخی از علما مانند آیت الله شاهرودی و محدث نوری را به عنوان احیاگر پیاده‌روی و ترویج کننده آن معرفی کرد.

بخش پایانی سخنان دکتر طاووسی مسرور، فراز و فرود پیاده‌روی اربعین به ویژه محدودیت‌های ایجاد شده و شدت برخورد با علما و دیگر زائران از سوی حزب بعث حاکم بر عراق بود که گاهی منجر به مجازات سنگین و به شهادت رساندن کسانی می شد که همچنان بر پیاده‌روی اربعین پای می فشردند. ایشان در همین زمینه بیان کرد: به هرروی این سنت حسنه متوقف نشد و با برچیده شدن رژیم بعث عراق، امروزه پیاده روی اربعین به یک رویداد مهم بین المللی تبدیل شده و کارکردهای بسیاری دارد. در پایان دکتر طاووسی پرداختن به تاریخ شفاهی پیاده‌روی اربعین را خواستار شد و بر اهمیت آن تأکید کرد.

در پایان این نشست علمی، شرکت کنندگان سؤالات متعددی را مطرح کردند شایان ذکر است که برخی از حاضران با توجه به آن که در این نشست به سیره علما کمتر پرداخته شده بود، نکاتی را در این باره یادآور شدند.



## ۱۰۵. نقد و معرفی کتاب بهشت بقیع (بازنمایی قبرستان مقدس بقیع برپایه منابع و مدارک تاریخی و هنری)

۷ شهریور ماه ۱۴۰۱



نشست نقد و معرفی کتاب بهشت بقیع (بازنمایی قبرستان مقدس بقیع برپایه منابع و مدارک تاریخی و هنری) تألیف دکتر احمد خامه‌یار، با ارائه مؤلف، و همچنین حضور دکتر علی مشهدی‌فیع به عنوان ناقد، روز دوشنبه (۷ شهریور ماه ۱۴۰۱) در سالن نشست‌های پژوهشکده برگزار شد.

به همت گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت نشست علمی نقد و معرفی کتاب "بهشت بقیع: بازنمایی قبرستان مقدس بقیع برپایه منابع و مدارک تاریخی و هنری" تألیف آقای احمد خامه‌یار، روز دوشنبه ۷ شهریور ماه ۱۴۰۱ در پژوهشکده حج و زیارت برگزار شد.

دکتر احمد خامه‌یار، مؤلف کتاب، در آغاز با اشاره به اینکه قبرستان بقیع، نخستین و مقدس‌ترین قبرستان مسلمانان است و در آن چهار امام معصوم شیعیان و بسیاری از شخصیت‌های مقدس سایر مذاهب و فرق اسلامی به خاک سپرده شده‌اند، آن را قبرستانی مورد توجه عموم مسلمانان و موضوعی ارزشمند برای مطالعات پژوهشی دانست.

وی هدف خود از این پژوهش را توجه به اسناد تصویری مرتبط با بقیع دانست و در همین زمینه بیان کرد: درباره قبرستان بقیع کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نگاشته و منتشر شده است، اما تاکنون پژوهشی در این باره بر پایه اسناد ترسیمی و تصویری باقی‌مانده از آن انجام نشده است. از این‌رو این کتاب، توجه به این اسناد را به عنوان رویکردی کاملاً جدید در مطالعات بقیع، مبنا قرار داده است.

دکتر خامه‌یار در ادامه با بیان اینکه اسناد ترسیمی - تصویری بقیع شامل نگاره‌های هنری بقیع در نسخه‌های خطی و آثار اسلامی و نیز عکس‌های قدیمی موجود از اواخر دوره عثمانی (پیش از تخریب گنبدهای بقیع) است، افزود که در ساختار کتاب، فصل نخست آن به سیر تاریخی تحولات بقیع، و دو فصل دوم و سوم آن به نگاره‌های هنری و عکس‌های قدیمی بقیع اختصاص یافته است.

مؤلف کتاب "بهشت بقیع" همچنین بر این مسئله تأکید کرد که اسناد ترسیمی - تصویری، حاوی اطلاعاتی درباره شکل و الگوی معماری گنبدهای بقیع و وضعیت آنها در دوره پیش از تخریب آنها است و می‌تواند تکمیل‌کننده داده‌های موجود در اسناد خطی و متون مکتوب باشد؛ و از وجوه ارزش این تحقیق نیز استخراج چنین اطلاعاتی است که گاه تا کنون در تحقیقات قبلی به آنها توجه نشده است.

این پژوهشگر تاریخ و میراث اسلامی، با تشریح نمونه‌هایی از یافته‌های جدید خود در کتاب بهشت بقیع که با مطالعه تطبیقی متون مکتوب و اسناد مصور به آنها رسیده است، یکی از مهم‌ترین این یافته‌ها را الگوی معماری گنبد ائمه بقیع (ع) مطرح کرد که به اعتقاد وی، برگرفته از مقابر دوره اول سلجوقی در فلات مرکزی ایران از جمله برج - مقبره‌های خرقان قزوین است.

در ادامه این نشست، آقای دکتر علی مشهدی رفیع، به عنوان ناقد سخنرانی کرد. ایشان استفاده از نگاره‌های موجود در سفرنامه‌ها و راهنماهای زیارتی را، به عنوان کروکی‌هایی که در آنها موقعیت قبور و گنبدها جانمایی شده، از نقاط قوت کتاب بهشت بقیع به شمار آورد که رویکردی جدید در روش‌شناسی مطالعات جغرافیای تاریخی مزارات و قبرستان‌های تاریخی به شمار می‌آید.

این پژوهشگر حوزه ایران‌شناسی، با اشاره به وجود سابقه دویست ساله حضور مستشرقان یا کارگزاران سیاسی و نظامی کشورهای اروپایی در خاورمیانه و گزارش‌های توصیفی مهمی که درباره مکه و مدینه منتشر کرده‌اند، اظهار داشت که در کتاب بهشت بقیع به منابع اروپایی توجه چندانی نشده و مؤلف می‌تواند از داده‌های این منابع، در تکمیل کتاب در چاپ‌های بعدی آن استفاده کند.

ناقد علمی نشست در مجموع، تلاش نویسنده برای جانمایی مزارات بقیع و رویکرد روش‌شناسانه آن در استفاده از منابع تصویری از قبیل کروکی‌ها و عکس‌های قدیمی را، از نقاط قوت کتاب برشمرد که این رویکرد، آن را به پژوهشی معیار در این زمینه تبدیل کند و سایر پژوهشگران علاقمند به این حوزه پژوهشی می‌توانند این روش را به‌کار گیرند.

## ۱۰۶. زیارت متعالی و ماندگار

۱۶ خرداد ۱۴۰۱



نشست علمی «زیارت متعالی و ماندگار» به همت دفتر پژوهش‌شکده حج و زیارت در خراسان رضوی روز دوشنبه (۱۶ خرداد ۱۴۰۱) در سالن همایش های سازمان حج و زیارت مشهد برگزار گردید.

در این نشست که با حضور مدیران، روحانیون و معینه های حج ۱۴۰۱ برگزار شد، در ابتدا حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی مسئول بعثه خراسان رضوی ضمن خیر مقدم، ارتقاء سطح علمی روحانیون را یکی از اهداف این گونه نشست ها دانستند.

در ادامه، آقای دکتر احد فرامرز قراملکی به ارائه بحث پیرامون چیستی زیارت متعالی، مبانی و چگونگی دستیابی به آن پرداختند.

مدیر عامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس در ابتدا با اشاره به روایتی از امام حسین علیه السلام که می فرماید: *فَضْلُ كَافِلٍ يَتِيمٍ آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْقَطِعِ عَنِ مَوَالِيهِ النَّاشِبِ فِي زُنْبَةِ الْجَهْلِ يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَ يُوضِحُ لَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ عَلَى فَضْلِ كَافِلٍ يَتِيمٍ يُطْعَمُهُ وَ يَسْقِيهِ ، كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الشَّهَى* بیان داشتند که تمایز دو گونه یتیم در احادیث الف: یتیم از پدر و مادر، ب: یتیم از ائمه علیهم السلام کاملا مشخص و مشهود است و به تعبیر روایت، برتری کسی که یتیم آل محمد صلی الله علیه وآله را که از موالیان و امامان خویش علیهم السلام دورافتاده و به گمراهی گرفتار شده است، سرپرستی کند و او را از جهل و نادانی بیرون آورد، بر سرپرستی کننده‌ی یتیم که او را غذا و آب می‌دهد، قابل مقایسه نیست. بنابراین وظیفه روحانی کاروان وصل فرزند به نقطه هستی است و تکفل ایتام آل محمد صلی الله علیه وآله می باشد.

دکتر فرامرز قراملکی زیارت را داری سه رکن، زیارت کننده، زیارت شونده و اصل زیارت دانستند که اصل زیارت در دو مرتبه متعارف و متعالی قابل بررسی می باشد. ایشان در ادامه ره آورد های زیارت را ۱. تعمیق عواطف، ۲. افزایش معرفت و ۳. تحول رفتاری دانستند و گفتند: رهاورد زیارت اصلاح انگاره هاست که باید توسط روحانی تصحیح و هدایت شود تا زائر به ره آورد نهایی زیارت که تحول وجودی است برسد.

ایشان در پایان نقش واسطه که همان روحانی کاروان در زیارت متعالی است را در شش محور زیر برشمردند:

۱. اعتدال در هر یک از مواجهه های احساسی، کنشی و معرفتی؛

۲. مواظبت بر صحت مناسک و احکام شرعی؛
  ۳. انسجام بین چهار مواجهه احساسی، کنشی، معرفتی و مناسکی؛
  ۴. اصلاح انگاره های ذهنی زائر از ... و پیشگیری و درمان خرافه گرایی؛
  ۵. ایجاد زمینه برای تجربه حضور؛
  ۶. یاری در بازشناسی تجربه و توهم تجربه.
- وی در پایان سخنان خود توضیح داد که با تحقق این شش محور می توان گفت ره آورد نهایی صورت گرفته که تحول وجودی من و زائر است.

## ۱۰۷. نقش حج و زیارت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر : تحولات حوزه حج و زیارت پس از انقلاب بسیار چشمگیر است



نشست علمی «نقش حج و زیارت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، روز پنجشنبه (۵ اسفند ۱۴۰۰) از سوی پژوهشکده حج و زیارت و با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر به صورت حضوری و مجازی در قم برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام والمسلمین حسین احمدی، مسئول دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در خراسان رضوی از طریق تماس تصویری به بیان اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب پرداخت که ۲۲ بهمن ماه ۹۷ از طرف مقام معظم رهبری صادر شد. ایشان با بیان اینکه در این بیانیه دستاوردهای چهل ساله انقلاب از سوی رهبر معظم انقلاب بیان و نقشه راه آینده ترسیم شده است، گفت: مقدمات جهش فوق العاده انقلاب با نگاه بر مصادیق راهگشا و کارساز در بیانیه گام دوم امکان پذیر است.

وی با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر داشته‌های علمی و پژوهشی پس از انقلاب و رشد آن تأکید کردند، از عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد، اقتصاد جامعه، استقلال و آزادی، عزت ملی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی به عنوان بخشی از محورهای این بیانیه نام برد.

مسئول دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در خراسان رضوی افزود: رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با اشاره به مهم‌ترین ظرفیت‌های روح بخش و رشد آفرین کشور، تحقق این ظرفیت‌ها را توسط نیروی انسانی کارآمد، مؤمن و انقلابی دانسته‌اند.

وی از جوانان به عنوان مخاطبان اصلی بیانیه گام دوم انقلاب که می‌توانند محورهای مهم آن را محقق سازند نام برد و گفت: تمام جامعه مخاطب بیانیه گام دوم انقلاب هستند و لازم است در وظایف مرتبط با حوزه خود برنامه‌ریزی کنند و برای تحقق محورهای این بیانیه بکوشند.

در ادامه جلسه، حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و نماینده سابق ولی فقیه در امور حج و زیارت به بررسی نقش حج و زیارت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخت. ایشان ضمن بیان محورهای مهم بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه حج و زیارت گفت: با مطالعه سفرنامه‌های حج گذشته و نسخه‌های خطی و چاپی که در اختیار داریم،

متوجه می شویم که پس از پیروزی انقلاب تاکنون در حوزه حج و زیارت تحولات شگرفی صورت گرفته است.

سرپرست پیشین حجاج ایرانی از امکانات بسیار محدود، نبود امنیت، اذیت و آزار زائران به عنوان بخشی از مشکلات حجاج قبل از انقلاب نام برد و افزود: البته بخشی از این محدودیت‌ها بر عهده عربستان بود که هنوز هم نتوانسته است امکانات لازم را برای میلیون‌ها زائر فراهم کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر با بیان اینکه در دوران پیش از انقلاب توجه به معنویت حج بسیار پایین بود و زائران تنها به طواف و انجام اعمال ظاهری حج توجه داشتند، تصریح کرد: اکنون پس از چهل سال تحولات چشم‌گیری در حوزه حج و زیارت انجام شده است.

وی گفت: تحولات در حوزه رفاهی، اجرایی و فرهنگی با گذشته قابل مقایسه نیست و حتی در مسائل فقهی هم که یکی از معضلات زائران در گذشته به شمار می‌رفت، اقدامات ویژه‌ای صورت گرفت.

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: هنوز به نقطه مطلوب نرسیده‌ایم و بین آنچه امروز هست و آنچه باید باشد، فاصله بسیار است.

### **تیین دو واژه حج ابراهیمی و حج آمریکایی**

وی در ترسیم وضعیت آینده یا نقطه مطلوب به تبیین دو واژه حج ابراهیمی و حج آمریکایی پرداخت و اظهار داشت: امام خمینی (ره) محورهایی را درباره حج ابراهیمی مطرح کرده و فرمودند که فریضه حج یک فریضه عبادی سیاسی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر در این زمینه بحث برائت از مشرکان را برجسته کرد و با بیان اینکه برائت ریشه قرآنی دارد و ما وظیفه داریم در کنار خانه خدا از دشمنان بی‌زاری بجوییم، از آمریکا و صهیونیسم به عنوان دشمنان قسم خورده مسلمانان نام برد که دشمنی خود را همواره ابراز می‌کنند.

وی توجه به وحدت مسلمانان را از دیگر ویژگی‌های حج ابراهیمی برشمرد و گفت: نگاه تقریبی پیروان اسلام را امام راحل مطرح کرد و امروز سردمدار آن مقام معظم رهبری است.

### **حج باید حلال مشکلات جهان اسلام باشد**

نماینده پیشین ولی فقیه در امور حج و زیارت با بیان اینکه حج باید حلال مشکلات جهان اسلام باشد، افزود: امام راحل فرمودند که حج کانون مقابله با مشکلات جهان اسلام و رسیدگی به آن مشکلات است و در این زمینه نیز مسئله فلسطین را مطرح کردند که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید دارند.

وی اظهار داشت: لازم است در سطح سران کشورهای اسلامی یا اندیشمندان مسلمان در کنار خانه خدا متحد بنشینند و درباره مشکلات ملت‌های اسلامی به گفتگو و تدبیر بپردازند و برای مقابله با ظلم ظالمان و رفع فقر مسلمانان چاره‌اندیشی کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر تأکید کرد: معیارهای حج ابراهیمی بسیار درخشان و ارزشمند است که اگر حج اینگونه برگزار شود، «الإسلامُ یَعْلُو ولا یُعَلَى عَلَیْهِ» تحقق پیدا خواهد کرد.

وی ظرفیت حج را بسیار بالا دانست و با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر نظام‌سازی و تمدن‌سازی در بیانیه گام دوم انقلاب گفت: نظام حج و زیارت مدام دچار تحول می‌شود و لازم است خود را به سرعت بروزرسانی کرده و برای برگزاری حج مطابق این تحول برنامه‌ریزی کنیم.

### **ضرورت طراحی الگوی حج و معرفی آن به جهان اسلام**

سرپرست پیشین حجاج ایرانی با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب بر طراحی الگوی حج و معرفی آن به جهان اسلام، از «طرح تعالی حج» که به صورت کتاب منتشر شده است، به عنوان اقدامی در این زمینه یاد و ابراز تأسف کرد که به دلیل تغییر نگرش دولت‌ها، این طرح هنوز اجرایی نشده است.

وی گفت: لازم است برای آینده برنامه‌ریزی کرده و جلوتر از زمان حرکت کنیم، در همه حوزه‌ها متحول شویم و یا به سمت تحول حرکت کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر در ادامه از دیپلماسی حج به عنوان دیگر محور مهم تحقق بیانیه گام دوم نام برد و با اشاره به دیدارهای خود با سران بعثه‌های مختلف و حجاج کشورهای دیگر افزود: دیپلماسی حج ظرفیت بسیار بزرگی ایجاد کرده است به طوری که برخی کشورها از نوع و تجربه برگزاری حج جمهوری اسلامی ایران الگو گرفته‌اند.

وی دیگر نقش حج در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب را شبهه‌زدایی خواند و با بیان اینکه دشمنان شبهات فراوانی در فضای مجازی منتشر می‌کنند که روز به روز بر آن افزوده می‌شود، گفت: دشمنان اسلام مغزهای متفکر خود را به کار گرفته‌اند تا به القای شبهات بپردازند.

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تصریح کرد: لازم است مسائل را به گونه‌ای مطرح کنیم که شبهات را بزدايد و زمینه‌ای ایجاد کند که شیعیان در کنار دیگر مسلمانان از ظرفیت‌های حج بیشتر استفاده کنند و نگاه رو به جلو داشته باشند.

### **علم و پژوهش پشتوانه قوی برای آینده‌نگری، نظام‌سازی و تمدن‌سازی**

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر با اشاره به ضرورت آینده‌نگری و افزایش اطلاعات جهان اسلام نسبت به اهل بیت (ع) و تشیع، افزود: دانستن زبان‌های بین‌المللی و معرفی اهل بیت (ع)، تفکرات شیعه و انقلاب اسلامی برای دیگر مسلمانان سبب تحول ویژه‌ای در جهان اسلام خواهد شد.

وی همچنین درباره حوزه علم و پژوهش با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب گفت: پشتوانه قوی ما برای آینده‌نگری، نظام‌سازی و تمدن‌سازی، علم و پژوهش است.

وی همچنین ضرورت ایجاد تحول و تغییر در نحوه آموزش را یادآور شد و با بیان اینکه پژوهشگران کشورمان امروز در تمام حوزه‌ها فعالیت‌های بی‌نظیری انجام داده‌اند، تحریر ده‌ها مقاله ارزشمند تنها در حوزه حج و زیارت و انتشار مجله میقات حج و فرهنگ نامه حج و زیارت را از آن جمله برشمرد.

### **اگر مدیریت حج واحد بود نمی‌گذاشتم در حق حجاج ظلم شود**

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر با اشاره به برگزاری همایش حج و اقتصاد در سال ۸۵ یادآور شد: در این همایش مطرح کردیم پولی که از زائران گرفته و در بانک‌ها نگهداری می‌شود درست نیست و باید این پول با هدف ایجاد اشتغال، تولید و ارزش افزوده سرمایه‌گذاری شود.

وی با بیان اینکه لازم بود به گونه‌ای عمل می‌کردیم که پس از گذشت چند سال حجاجی که به حج مشرف می‌شوند دیگر پولی پرداخت نکنند، اظهار داشت: در سال ۸۸ که سرپرست حجاج شدم، اگر مدیریت حج واحد بود این طرح را عملیاتی می‌کردم و نمی‌گذاشتم در حق حجاج ظلم شود.

سرپرست پیشین حجاج ایرانی با بیان اینکه توجه جدی به معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته است، خاطرنشان کرد: سال‌های پیش از انقلاب زائران چندان متوجه اسرار و معارف حج نبودند، اما پس از انقلاب در این زمینه اقدامات مناسبی صورت گرفت.

وی انتشار صدها جلد کتاب در حوزه اسرار و معارف حج از سوی پژوهشکده حج و زیارت را یادآور و متذکر شد: حج تحول آفرین است و اگر زائر به درستی آموزش ببیند که از لحظه ورود به حرمین شریفین به دنبال مسائل معنوی و اخلاقی باشد، تحولات وسیعی در او ایجاد خواهد شد.

### **رفع مشکلات اجرایی با مدیریت جهادی**

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر همچنین از اهمیت مدیریت جهادی و نقش آن در حوزه حج و زیارت سخن گفت و اظهار داشت: نگاه امام و مقام معظم رهبری همواره این بوده است که به حج نگاه انتفاعی نداشته باشیم و تمام کارگزاران حج با تمام وجود خدمت‌گذار زائران باشند.

وی تصریح کرد: لازم است که با مدیریت جهادی مشکلات حوزه مسکن، تغذیه، بهداشت، حمل و نقل و تدارکات را حل کنیم تا زائر دغدغه مسائل اجرایی نداشته و تنها در فکر بهره‌برداری معنوی باشد.

مسئله حج و جوانان از دیگر مسائلی بود که نماینده پیشین ولی فقیه در امور حج و زیارت مطرح کرد و با بیان اهمیت بسیار بالای آن، گفت: اعزام حدود ۳۰ هزار دانشجوی و استاد و بیش از دو هزار دانش آموز به عمره سبب تحولات بسیار زیادی در آن شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر افزود: حج می‌تواند برای نسل جوان که مدیران آینده کشور هستند تحول آفرین باشد به طوری که همواره خدمت‌گزار مردم باشند.



وی طرح سبک زندگی اسلامی در بیانیه گام دوم را بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت: حج و زیارت با ارائه الگوی زیست ائمه اطهار (ع) می‌تواند این درس آموزی را برای حاجی و زائر داشته باشد و زیستن به سبک زندگی اسلامی را به آنان آموزش دهد.

## ۱۰۸. رویکرد حکومتی به فقه از دیدگاه امام خامنه ای

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱ / ۰۶ / ۱۰

ناقد:

[حجت الاسلام محمدعلی لیالی](#)

نظریه پرداز:

[حجت الاسلام سید سجاد ایزدهی](#)

دبیر علمی:

[حجت الاسلام عباسعلی مشکانی سبزواری](#)



باسمه تعالی

«راهبری، موجه سازی، پشتیبانی و استنباط فقه حکومتی»

دومین نشست از سلسله نشست های علمی «مکتب شناسی فقهی امام خامنه ای» در قالب کرسی

ترویجی برگزار شد.

کرسی «رویکرد حکومتی به فقه از دیدگاه امام خامنه ای» با ارائه حجت الاسلام سید سجاد ایزدهی، و همرا هبا نقد حجت الاسلام محمدعلی لیالی برگزار گردید. در این کرسی، حجت الاسلام عباسعلی مشکانی سبزواری نیز به عنوان دبیر علمی کرسی، حضور داشت.

گفتنی است این کرسی در تاریخ پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ از ساعت ۱۸ الی ۲۰ در سالن جلسات و نشست های مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، با همکاری گروه فقه سیاسی مرکز فقهی ائمه اطهار، موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا و دفتر نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای دامت برکاته برگزار گردید.

حجت الاسلام ایزدهی با اشاره به سابقه و پیشینه فقه حکومتی گفت: ایده فقه حکومتی مربوط به بعد از انقلاب است که توسط حضرت امام(ره) مطرح شد و در واقع موسس و راهبر فقه حکومت ایشان هستند.

ایشان اضافه کردند: البته آنچه در زمان حضرت امام مطرح شد، به صورت اجمالی بود و در دوره آیت الله العظمی خامنه شاهد طرح تفصیلی این گفتمان هستیم. در واقع مقام معظم رهبری راهبردی این جریان را بعد از حضرت امام بر عهده گرفتند و اگر اهتمام و طرح و پیگیری ایشان در سطح حوزه نبود، شاید به موفقیت لازم در این زمینه نمی رسیدیم.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در مورد نقش امام خامنه ای در توسعه گفتمان فقه حکومتی گفت: عمدتاً ادبیات فقه حکومتی، راهبری و تفصیل این امر از جهاتی مربوط به مقام معظم رهبری است. در واقع این را از جهات مختلفی می توان تحلیل کرد.

این استاد خارج فقه سیاسی حوزه ادامه داد: یکی از این جهات، جهت «راهبری» گفتمان فقه حکومتی است. توضیح آنکه: راهبری رهبری بایست ناظر به گستره فراگیری باشد که یکی از آنها نرم افزا اداره جامعه است، که در حکومت اسلامی، این نرم افزار فقه است. مرحوم حضرت امام هم این امر را مطرح و پیگیری نمودند، اما آیت الله خامنه ای در سطح راهبری آن را تفصیل و امتداد داده، و حوزه علمیه را به این سمت کشانده است که فقه باید، فقه حکومتی باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه و نظام اسلامی باشد. وی به عنوان جهت دوم، به «ذکر تراث و گفتمان سازی» اشاره کرد و گفت: از جهت دیگر، ذکر تراث برای فقه حکومتی و تبدیل آن به گفتمان در حوزه های علمیه، از جمله فعالیت های رهبری در این زمینه است. ایشان در فضایی که رویکرد فردی حاکم است، در جهت موجه کردن گفتمان فقه حکومتی، به تبیین تراث و تبار فقه حکومتی پرداخته است. در ادواری که برای فقه برشمرده و جنبه های سیاسی و حکومتی فقه در ادوار مختلفی از قبیل دوره کرکی و نراقی و ... را به رخ کشیده است.

استاد ایزدهی طرح فقه های مضاف و تخصصی را از دیگر جهات کنش گری آیت الله خامنه ای در زمینه فقه حکومتی برشمرد: در زمان های پیشین، حتی در زمان حضرت امام و قبل تر از آن در زمان آقای حائری و بروجردی، خیلی این بحث ها مطرح نبود. در زمان حضرت امام اندکی بحث فقه های تخصصی و مضاف مطرح شد. ان در زمان آیت الله العظمی خامنه ای شاهد رشد روز افزون این بحث ها هستیم. در سی چهل سال گذشته شاهد توفیقات فراوانی در این زمینه هستیم که اساساً قابل مقایسه با قبل نیست.

مدیر گروه فقه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در جمع نقش رهبری در توسعه گفتمان فقه حکومتی به چهار کارویژه اشاره کرد: در مجموعه می توان گفت رهبری معظم انقلاب در قالب چهار کارویژه اساسی به توسعه گفتمان فقه حکومتی پرداخته است: یک. «راهبری گفتمان فقه حکومتی» در حوزه های علمیه و خصوصاً در میان طلاب و اساتید انقلابی و دغدغه مند حوزه های علمیه کشور. دو «موجه سازی گفتمان فقه حکومتی» از طریق تبیین تبار و تراث مکتوب و شخصیتی در این زمینه. سه. پیشتیبانی از گفتمان فقه حکومتی. چهار. استنباط و فقاقت در حوزه فقه حکومتی.

حجت الاسلام ایزدهی در بخش دیگر از سخنان خود، به بحث پیشینه فقه حکومتی در شیعه و اهل سنت اشاره کرد و گفت: سابقه فقه حکومتی در فقه اهل سنت زیاد است و ما در این زمینه از آنها عقب هستیم. البته این حرف لزوماً به معانی عمق فقه حکومتی آنها نیست. جلو بودن آنها در این زمینه نیز، بخ مسئله حکومت برمی گردد که در طول این سالیان متممادی اهل سنت دارای حکومت بوده و به طور طبیعی ببه این مباحث پرداخته و در قالب های مختلفی همچون احکام السلطانیه ها به تولید در این زمینه پرداخته اند، اما شیعه این طور نبوده، حکومتی نداشته و حوف شنوی ای هم از سوی حکومت ها نسبت به آنها نبوده تا بخواهند در این زمینه ورود تفصیلی داشته باشد.

ایشان در توضیح این مهم ادامه: طبیعت حضور در حکومت ورود در عرصه مصلحت و نزاحات و منازعات است، اما وقتی حکومتی نباشد، اینها هم پر رنگ نمی شود. در عین حال به مناسبت حضور برخی فقها در حکومت ها و ارتباطاتی که با برخی حکومت ها بود، مباحث متعدد، اما پراکنه ای را در منابع و تراش فقهی در این زمینه ها داریم.

در بخش دیگری از ارائه استاد ایزدهی به ضرورت و مبانی فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره شد. وی در این زمینه گفت: در اندیشه رهبری مبانی مختلفی منجر به لزوم و اهمیت فقه حکومتی می شود: جامعیت شریعت و لزوم پاسخگو بودن دین و جامعیت دین در همه زمینه ها از جمله این مبانی است. همچنین مسئله ضرورت حکومت و حکومت دینی از دیگر مبانی این مهم است. ضرورت ها و اقتضائات وضعیت کنونی جامعه و حکومت در ایران، مسئله دیگری بود که از نگاه مقام معظم رهبری، به عنوان عامل ضرورت ورود در گفتمان فقه حکومتی مورد اشاره حجت الاسلام ایزدهی قرار گرفت.

استاد خارج فقه سیاسی حوزه علمیه قم، «تغییر موضوعات» را عاملی دیگر در زمینه اهمیت و ضرورت ورود در فقه حکومتی قلمداد کرد: «فقه حکومتی ناشی از تغییر موضوعات است. پیش تر حکومت نبود، رویکرد ما هم حکومتی نبود، الان حکومت آمده و در پرتو آن موضوعات دچار تغییر و تحول شده و طبیعتاً باید با رویکرد حکومتی به تبیین احکام موضوعات بپردازیم. اقتضای زمان کنونی این چیزها است. ما هزار سال فردی بودیم، اما الان فضا تغییر کرده است.

حجت الاسلام ایزدهی در تبیین تفاوت های فقه حکومتی و فقه فردی گفت: در فقه فردی، مکلف به عنوان یک فرد مد نظر است اما در فقه حکومتی، به عنوان شهروند مورد ملاحظه قرار می گیرد. همچنین «حکم» در فقه فردی تبدیل به «قانون» در فقه حکومتی می شود. «فتوا» نیز به «نرم افزار اداره جامعه و فرد و حکومت» مبدل می شود. اینها لوازم و اقتضائات فقه حکومتی است. وی در توصیف فقه حکومتی با توجه به مباحث مطرح شده گفت: فقه حکومتی، فقهی شرعی، عقلایی، عرفی، تاریخی و روزآمد است.

استاد ایزدهی در تبیین نسبت فقه حکوت و فقه نظام گفت: فقه حکومتی، فقیه است که توانایی اداره حکومت را دارد و باید بتواند سیستم های مختلف را در این جهت طراحی و فعال کند. بنابراین فقه حکومتی نمی تواند از فقه نظام بی نیاز و یا بی توجه به آن باشد.

در بخش پایان ارائه حجت الاسلام ایزدهی، به بحث آسیب شناسی فقه حکومتی پرداخته شد. ایشان در این بخش به دو آسیب اشاره کردند: یکی از آسیب های موجود، بحث موضوع شناسی است که باید به طور تخصصی به آن پرداخته شود. موضوع دیگر، بحث ساختار سازی و نهادسازی و طراحی ساختارها و ابزارها است که در این زمینه نیز باید ورود تفصیلی داشته باشیم.

۱۰۹. کارآمدی نظام ولایی از منظر نگرش سیستمی در حوزه نظارت و ارزیابی



کرسی ترویجی

گروه فقه سیاسی

۱۶



معاونت پژوهش



پروژه‌های پژوهشی، تدوین و انتشار

## کارآمدی نظام ولایی از منظر نگرش سیستمی (حوزه نظارت و ارزیابی)

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر سید غلامرضا موسوی

ناقد: حجت الاسلام دکتر محمد طالبی

دبیر علمی: حجت الاسلام دکتر محمد قاسمی

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱ / ۰۶ / ۱۰

ناقد:

حجت الاسلام دکتر محمد طالبی

نظریه پرداز:

حجت الاسلام دکتر سید غلامرضا موسوی

دبیر علمی:

حجت الاسلام دکتر محمد قاسمی

کرسی کارآمدی نظام ولایی از منظر نگرش سیستمی در حوزه نظارت و ارزیابی

ضرورت تاسیس «سازمان برنامه ریزی و نظارت راهبردی نهاد ولایت»  
در کرسی ترویجی «کارآمدی نظام ولایی از منظر نگرش سیستمی (حوزه نظارت و ارزیابی)» مطرح شد:  
باید ذیل نهاد ولایت و رهبری، سازمان و تشکیلاتی با عنوان «سازمان برنامه ریزی و نظارت راهبردی نهاد

ولایت» تاسیس گردد.

کرسی ترویجی «کارآمدی نظام ولایی از منظر نگرش سیستمی (حوزه نظارت و ارزیابی)» در تاریخ پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ برگزار گردید. در این کرسی علمی، حجت الاسلام دکتر سید غلامرضا موسوی، به عنوان ارائه دهنده و نظریه پرداز، حجت الاسلام دکتر محمد طالبی به عنوان ناقد و حجت الاسلام دکتر محمد قاسمی، به عنوان دبیر علیم حضور و مشارکت داشتند.

این کرسی ترویجی به همت گروه فقه سیاسی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) برگزار گردید.

حجت الاسلام دکتر سید غلامرضا موسوی در ابتدای این نشست، ابتدا به تعریف مفاهیم بحث پرداخت. وی در تعریف کارآمدی گفت: کارآمدی به معنای بهره وری است. یعنی از تمام اجزاء، عناصر و مولفه های یک سیستم به گونه ای استفاده گردد، که سیستم به طور حداکثری به اهداف از پیش تعیین شده اش برسد. به عنوان مثال در مقدمع قانون اساسی، اهدافی برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی تعریف شده، که باید با استفاده از تمام اجزاء، عناصر و مولفه های جمهوری اسلامی در راستای آن اهداف حرکت کنیم و در صورتی که به تمام آن اهداف نائل شویم، می توانیم بگوییم نظام جمهوری اسلامی، کارآمد بوده است. وی ضمن تعریف سیستم به مجموعه ای به هم پیوسته از عناصر و اجزاء که اهداف خاصی را دنبال می کنند، در تعریف نگرش سیستمی گفت: نگرش سیستمی، یعنی نگرش کل نگر. نگاهی معرفت شناسانه و درجه دو، که با استفاده از آن سیستم و نظام را تجربه و تحلیل می کنیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم نظارت را امری کمی و ارزیابی را پدیده ای کیفی دانست و گفت: در نظارت نگاه می کنیم که سیستم تا چه انداز و چه مقدار از برنامه ها را درست انجام داده و چه اندازه از اهداف را در پی داشته است. در ارزیابی اما، دنبال این هستیم که سیستم از نظر کیفی اثرات مطلوبی رد پی داشته یا خیر؟ آیا تاثیر لازم را داشته یا نه؟

نهاد ولایت، نهاد تعدیل کننده

دکتر موسوی در ادامه به یکی از آسیب های سیستم ها (چه خرده سیستم ها و چه ابر سیستم ها) اشاره کرد و گفت: سیستم همه یک مشکلی دارند و آن این است که دچا آنروپی می شوند و لذا نیازمند نیروی متعادل کننده هستند تا این مشکل حل شود. به عنوان مثال در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نیروی متعادل کننده قوا لازم است و آن «نهاد ولایت» است که مظهر آن ولی فقیه است که نقطه تعادل و متعادل کننده سیستم جمهوری اسلام به شمار می رود.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه مقصود ما از ولایت فقیه، «ولایت مطلقه فقیه» با همان قرائت رسمی حضرت امام است افزود: اینکه می گوییم نقش ولایت، نقش متعادل کننده است، مبتنی بر این است که رهبری، نقش محقق کننده اهداف کلان نظام سیاسی اسلام را دارد و با توجه به اختیاراتی که در این زمینه دارد، نقش متعادل کنندگی را نیز بر عهده دارد. از جمله وظائف ولی فقیه، نظارت بر کارگزاران و سیستم است تا دچار انحراف نشود و از نظر فقهی - که مورد تاکید معظم فقهاست- این امر تکلیف ولی فقیه به شمار می رود.

شرط کارآمدی نظام ولایی ورود رهبری در حوزه برنامه ریزی کلان

دکتر موسوی در ادامه بحث با اشاره به یکی از مهمترین عناصر کارآمدی نظام ولایی گفت: حوزه برنامه ریزی کلان نظام باید در اختیار رهبری باشد نه دولت ها. اینکه رهبری سیاتگذاری می کنند، این کفایت نمی کند، سیاست ها کش دار هستند و دولت ها به راحتی می توانند ادعا کند که طبق سیاست ها عمل

کرده و آنها را محقق کرده اند؛ در حالی که معاموم نیست واقعا این امر محقق شده باشد؛ لذا باید رهبری در برنامه ریزی های کلان دخالت مستقیم داشته باشد. به عنوان مثال برنامه های ۵ ساله باید زیر نظر رهبری طراحی و تدوین شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم، سپس با اشاره به حوزه نظارت و ارزیابی گفت: اگر گفتیم برنامه ریزی بای در اختیار رهبری باشد، به طور طبیعی و به طریق اولی باید حوزه نظارت و ارزیابی راهبردی نیز در اختیار رهبری باشد.

وی با اشاره به اینکه مقصود از رهبری، نهاد رهبری است و نه تنها شخص رهبری گفت: نهاد رهبری باید از نظر کمی و کیفی بر برنامه ها نظارت داشته باشد.

حجت الاسلام موسوی در مورد فقدان نگرش سیستمی به عملکرد دولت ها گفت: عدم نگرش سیستمی بر عملکرد دولت ها منجر به این می شود که خیلی از بحث ها و برنامه ها محقق نشود و یا به درستی محقق نشود.

نظارت نهادی لازمه اعمال ولایت

وی «نظارت نهادی» را لازمه اعمال ولایت دانست و گفت: اگر نظام ولایی بخواهد کارآمدی لازم را داشته باشد، نیازمند نظارت و ارزیابی سیستمی است. باید تمامی فرامین رهبری در قالب اسناد ابلاغ شود و با نگرش سیستمی پیگیری شده و رها نشوند. به عنوان مثال در بحث تحول حوزه، فرمایشات و اوامر رهبری بی بدیل است، اما متأسفانه پیگیری نشده و اهمتانی نیز به آن وجود ندارد. این عدم پیگیری ها ناشی از عدم وجود نظارت و ارزیابی نهادی و سیستمی است.

با استفاده از نهاد نظارت و ارزیابی سیستمی است که کارآمدی نظام ولایی بالا می رود.

نقش ولایت فقیه در نظام سیاسی از منظر نگرش سیستمی

استاد حوزه و دانشگاه با با انتقاد از کسانی که اختیارات رهبری را زیر سؤال برده و آن را منافی قانون اساسی می دانند، گفت: اینکه برخی می گویند این امر در قانون اساسی نیامده، باید حداقل به مقدمه قانون اساسی نگاه کنند که رهبری را ضامن عدم انحراف نظام معرفی کرده است.

ایشان با اشاره به بیان رهبری مبنی بر عدم ورود به امور اجرایی گفت: بنابراین اینکه مقام معظم رهبری می فرمایند: بنده در امور اجرایی وارد نمی شوم، این به معنای نفی لزوم نگرش و نظارت و ارزیابی نهادی نیست و این دو تهافتی با هم ندارد. ورود در برنامه های اجرایی و ریز، غیر از ورود در برنامه ریزی های کلان و راهبردی و نظارت و ارزیابی نهادی است. بر همین اساس، رئیس جمهوری نیز مسئول عملیاتی و اجرای خرده سیستم هاست و جایگاه ریاست جمهوری نیز با این ایده منافاتی ندارد.

پیشنهاد سازمان برنامه ریزی و نظارت راهبردی

دکتر موسوی سپس به ارائه پیشنهاد خود در این زمینه پرداخت و گفت: به نظر من باید در ذیل نهاد رهبری، سازمان و تشکیلاتی با عنوان «سازمان برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی راهبردی نهاد ولایت» تشکیل شود. این تشکیلات باید به صورت سیستمی به کار برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی در سطح رهبری بپردازد.

**آسیب شناسی سیستم نظارت و ارزیابی کنونی**

حجت الاسلام موسوی، سپس به بررسی و ارزیابی و آسیب شناسی سیستم نظارت و ارزیابی کنونی پرداخت و گفت: یکی از اشکالات سیستم کنونی، تعدد مراکز نظارتی است. وی با اشاره به بیان یکی از مسئولان گفت: این تعدد مراکز نظارتی، مسئولین و مدیران را زمین گیر کرده است! آسیب دیگر این

بیستم، فقدان ارتباط ارگانیک این مراکز نظارتی با یکدیگر است، به گونه ای که هر کدام کار خود را می کند و از خروجی ها های یکدیگر بی خبرند!

وی به عنوان آسیب های دیگر سیستم نظارتی کنونی اضافه کرد: همپوشانی اختیارات، نبود ضمانت اجرایی، خلاصه شدن نظارت و ارزیابی در فرآیند های پایان یافته، عدم اقدام به موقع و اساسی در مواردی که نقصی کشف می شود، مصطلحت اندیشی غیر لازم و غیر ضرور، خارج ماند بسیاری از نهادها از چارچوب نظارت و ارزیابی و ... از جمله دیگر آسیب های سیستم نظارتی موجود هستند.

نقش سازمان برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی راهبردی در این میان دکتر موسوی با عنوان راه حل، به ضرور تاسیس سازمان پیشنهادی خود در سطح رهبری اشاره کرد و نقش این سازمان در اصلاح وضع موجود را اینگونه تبیین کرد: یکی از کارهای نهاد پیشنهادی، حذف موارد غیر ضروری از میان نهادهای نظارتی کنونی است. دیگر اینکه اگر قابل حذف نیستند، در راستای هماهنگی آنها تلاش می کند. همچنین می تواند با تعریف ارتباط روش مند و هدف مند این دستگاهها به آنها کمک کند. همچنین می تواند با تجمیع اطلاعات این نهادها از آنها بهره برداری نماید.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم در بخش نهایی سخنان خود، به بیان وظائف نهاد پیشنهاد خود پرداخت. وی در این زمینه گفت: نهاد مذکور وظائمی که شرح ذیل خواهد داشت:

۱. نظارت و کنترل برنامه ای: اینکه برنامه ها از لحاظ کمی و کیفی، چه میزان تحقق پیدا کرده اند.  
۲. نظارت راهبردی: یعنی کنترل و پایش مدام قوای سه گانه از لحاظ تحقق اهداف و سیاستها. الان بر قوه قضائیه چه کسین شارت می کند؟ هیچ کس!

۳. نظارت بر اختیارات و وظائف و عملکرد نهادهای نظارتی: به عنوان مثال تفکیک وزارت اطلاعات از سازمان اطلاعات سپاه، در راستای چنین وظیفه ای از جانی نهاد رهبری قابل تحلیل است.

۴. نظارت بر ساختارها که از ابر مسائل جمهوری اسلامی است. الان به طور تزییدی هر روز ساختار بو به افزایش هستند. این افزایش ساختارها از معضلات اساسی است. باید نهاد پیشنهادی جلوی این معضل را بگیرد.

۵. نظارت بر عزل و نصب ها(شایسته سالاری): جابجایی اتوبوسی نیروها با تعویض دولت ها، از دیگر معضلات است. با جابجایی دولت ها، فقط نیروهای اصلی جابجا می شوند نه تمام نیروها، حتی در سطوح پایینی. نهاد نظارت رهبری این را پیگیری می کند.

۶. اثر بخشی و آینده پژوهی: خروجی نظارتها در سیستم آینده پژوهی نهاد نظارت قرار می گیرد و از طریق رصد روندها و فرآیندها، جمع آوری و تحلیل داده ها و آمارها، ترسیم جزئیات وضعیت های کحتمل، تعیین در صد وقوع وضعیت ها و سناریوهای محتمل، مدل سازی و ... که این مهم نیز بر عهده نهاد نظارت رهبری خواهد بود.

کارآمدی به مثابه عامل مشروعیت ثانوی

حجت الاسلام دکتر موسوی در مقام جمع بندی بحث خود، با اشاره به اهمیت و ضرورت کارآمدی نظام ولایی گفت: کارآمدی از اهمیت والایی برای نظام های سیاسی عموما و نظام سیاسی اسلام برخوردار است و در اصطلاح عامل ثانویه مشروعیت به شمار می رود.

پس باید در این جهت گام برداریم و به سراغ طرحها و برنامه هایی برویم که این کارآمدی را محقق و افزایش دهند.



## ۱۱۰. مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی(ره)

مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) با مشارکت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه (دبیرخانه کنگره بین‌المللی میرزای نائینی) برگزار می‌نماید:



کرسی ترویجی  
گروه فقه سیاسی  
۱۷

میرزای نائینی  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه  
معاونت پژوهش

میرزای نائینی  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

مجلس شورای اسلامی  
مجلس شورای اسلامی

# مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی

هم اندیشی فقیهانه

تاریخ برگزاری: ۰۸ / ۰۶ / ۱۴۰۱

ناقد:

حجت الاسلام والمسلمین مجید جواد تاکی

نظریه پرداز:

حجت الاسلام دکتر عباسعلی مشکانی سبزواری

دبیر علمی:

حجت الاسلام دکتر محمد قاسمی

باسمه تعالی

گزارش کرسی ترویجی مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی(ره)  
(بخش اول)

«نائینی؛ فقیه فقه حکومتی»

در کرسی ترویجی مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی(ره) مطرح شد:  
مبنتی بر مبانی کلامی، نائینی از قائلین به گفتمان فقه حکومتی و فقه نظام ساز است.

با همکاری کنگره بین المللی میرزای نائینی(ره)، کرسی علمی ترویجی «مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی(ره)» برگزار گردید.

این کرسی در تاریخ سه شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۱ از ساعت ۱۱ الی ۱۲:۳۰ در مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) و با حضور حجت الاسلام دکتر عباسعلی مشکانی سبزواری به عنوان ارائه دهنده، حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد تاکی به عنوان ناقد، و حجت الاسلام دکتر محمد قاسمی، به عنوان دبیر علمی برگزار گردید. در ابتدای جلسه، حجت الاسلام قاسمی، با اشاره به موضوع و عنوان جلسه، بیان کرد: در این جلسه تلاش می شود نگاه و نظریه مرحوم نائینی در حوزه فقه حکومتی مورد بحث قرار گیرد. حجت الاسلام مشکانی سبزواری، در ادامه به ارائه بحث در دو بخش مقدمات و مبانی پرداخت. بخش اول: مقدمات بحث:

۱. اقراءت های اختلافی از نائینی و اجحاف در حق ایشان

عضو شورای علمی گروه فقه سیاسی مرکز فقهی در ابتدا با اشاره به کشاکش ها و قراءت های مختلف پیرامون اندیشه و فقه سیاسی مرحوم میرزای نائینی(ره) گفت: در چنددهه اخیر دو جریان چپ و راست تلاش کرده اند نائینی را نفع خود تفسیر و قراءت کنند، که البته در این میان جریان چپ و اصلاحات، موفقیت بیشتری در این زمینه کسب کرده است و تحریفات و اجحاف هایی نیز نسبت به مرحوم نائینی صورت گرفته است.

۲. نائینی؛ فقیه میان دوره‌ای (نظریه و نظام)

استاد حوزه و دانشگاه در ادامه به تبیین شخصیت فقهی-سیاسی نائینی پرداخت. وی با اشاره سه دوره فقهی با رویکرد سیاسی برای فقیهان نائینی را فقیه میان دوره ای دانست. وی در این زمینه گفت: از کلینی تا کرکی، دوره گزاره های سیاسی است. از کرکی تا نائینی دوره نظریه های پردازی سیاسی و از نائینی تا به امروز دوره نظام سازی. وی ادامه داد: در این میان میرزای نائینی با توجه به سیره و آثارشان، یک پای در دوره نظریه و پای دیگر در دوره نظام دارند و به فقهی میان دوره ای به شمار می روند.

۳. نائینی؛ فقیه نظام ساز

دکتر مشکانی سبزواری در ادامه با اشاره به تلاش های نائینی در زمینه ارائه نظریه و نظام مشروطه گفت: نائینی در زمره نخستین فقیهانی است که در وادی نظام سازی فقهی وارد شده و مبتنی بر فقه و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، به ارائه الگویی برای نظام سیاسی پرداخته است. ۴. فقه حکومتی؛ فقاہت از پایگاه حکومت

حجت الاسلام مشکانی در مقدمه دوم خود به تعریف فقه حکومتی و برداشت ها و رویکرد مختلف پیرامون آن پرداخت.

وی در زمینه تعریف فقه حکومتی گفت: فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر بر تمام ابواب فقه است. در این نگاه، استنباط های فقهی باید بر اساس فقه اداره-ی نظام اجتماعی انجام شود و تمامی ابواب فقه ناظر به امور اجتماع و اداره-ی کشور باشد.

وی با اشاره به تعاریف دیگر در این زمینه ادامه داد: در تعریف دیگر در مورد فقه حکومتی می خوانیم: فقه حکومتی دانش احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در چارچوب یک سازمان متشکل مبتنی بر قدرت حاکم در یک دولت - کشور است. تعریف های دیگری نیز وجود دارد که نیازی به پرداختن به آنها نیست.

مهم این است که بدانیم، فقه حکومتی، فقهی حکومت محور است و اساساً در زمانی که حکومت اسلامی برقرار است زمینه طرح و بحث پیدا می‌کند.

۵. برداشت‌ها و رویکردهای مختلف از فقه حکومتی

مشکانی سبزواری سپس به رویکردها و برداشت‌های مختلف پیرامون فقه حکومتی اشاره کرد و آنها در دو دسته کلان سلبی و ایجابی دسته بندی کرد. در بخش سلبی به سه رویکرد (۱) فقه توجیه‌گر حکومت؛ (۲) فقه غیر معارض با حکومت؛ (۳) رویکرد فقه عصری-عرفی؛ و در بخش ایجابی به سه رویکرد (۱) رویکردهای حداقلی؛ (۲) رویکردهای جزءنگر؛ (۳) رویکردهای کل‌نگر اشاره کرد.

وی سپس رویکردهای ایجابی حداقلی را در چهار دسته (۱) رویکرد فقه ساختارگرا؛ (۲) رویکرد توسعه حکمی؛ (۳) رویکرد توسعه موضوعی؛ (۴) رویکرد توسعه منبعی؛ و رویکردهای ایجابی جزء نگرانه را در قالب ۷ دسته (۱) رویکرد فقه سیاسی؛ (۲) رویکرد فقه الحکومه؛ (۳) رویکرد فقه کلان؛ (۴) رویکرد فقه عرصه-ی اجرا؛ (۵) رویکرد فقه احکام حکومتی؛ (۶) رویکرد فقه الاداره؛ (۷) رویکرد فقه الدوله، معرفی کرد.

در نهایت رویکردهای ایجابی کل‌نگر را نیز در ۵ رویکرد دسته بندی کرد: (۱) رویکرد نگاه حکومتی به فقه موجود؛ (۲) رویکرد فقه اجتماعی؛ (۳) رویکرد فقه تمدنی؛ (۴) رویکرد فقه ولایی؛ (۵) رویکرد فقه نظام‌های اجتماعی؛ (۵) رویکرد فقاقت از پایگاه حکومت.

۶. نائینی فقیه حکومتی (رویکرد فقاقت از پایگاه حکومت)

عضو شورای علمی فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پس از بیان رویکردهای فقه حکومتی گفت: از میان این دسته‌ها و رویکردهای مختلف، نائینی به رویکرد اخیر، یعنی رویکرد فقاقت از پایگاه حکومتی اعتقاد دارد. شواهد و نشانه‌های این ادعا نیز اولاً رصد مبنائی و ثانیاً بناات و محتوای فقهی و غیر فقهی مرحوم نائینی در آثار ایشان است.

۷. نحوه رصد رویکرد حکومتی به فقه در سیره و تراث فقه

این استاد فقه سیاسی اضافه کرد: برای تبیین و اثبات اینکه کدامیک از فقیهان به رویکرد حکومتی به فقه اعتقاد دارند دو راه و روش وجود دارد:

اول: رصد مبنائی و محتوایی: در این شیوه با رصد منابع فقهی، مطالب مرتبط با حوزه-ی سیاست و حکومت گردآوری و دسته‌بندی می‌شود و از طریق بررسی میزان پردازش مباحث سیاسی و حکومتی فقیه، به وجود یا فقدان رویکرد سیاسی و حکومتی او در فقه حکم می‌گردد.

دوم رصد مبنائی: در این شیوه اما برخلاف شیوه-ی پیشین، به جای رصد محتوای سیاسی و حکومتی منابع فقهی، مبانی فکری و روش‌شناختی فقها مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اساس منهج فقهی- فقاقتی هر یک از فقها، در مورد وجود یا فقدان رویکرد حکومتی به فقه در سیره-ی فقهی و فقاقتی ایشان قضاوت و حکم می‌شود.

وی اضافه کرد که در این نشست، از رصد مبنائی بهره می‌گیریم و از طریق کاوش در مبانی مرحوم نائینی تلاش می‌کنیم اعتقاد یا عدم اعتقاد ایشان به فقه حکومتی را تبیین کنیم.

۸. مبنائی؛ به مثابه اصول موضوعه فقه حکومتی

مشکانی سبزواری ادامه داد: مبنا دو کاربست دارد. در کاربست اول به معانی دلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در کاربست دوم به معنای اصول موضوع به کار می‌رود. در این نشست مقصود از مبانی فقه حکومتی، اصول موضوع فقه حکومتی است. بر این اساس مقصود از مبانی فقه حکومتی: مفروضات و

اصول موضوعه‌ای هستند که به مثابه‌ی اساس و شالوده‌ی فقه حکومتی به شمار می‌روند و در صورت اثبات و تبیین صحیح آنها، به راحتی می‌توان از امکان و ضرورت فقه حکومتی سخن به میان آورد. وی ادامه داد: مبانی انواع و اقسامی دارد، مبانی فلسفی، مبانی اصولی، مبانی عرفانی، مبانی فقهی و از جمله مبانی کلامی. در این نشست مبانی کلامی فقه حکومتی مورد نظر هستند و دیگر مبانی. وی در ادامه به شمارش انواع مبانی کلامی پرداخت و گفت: مبانی کلامی نیز دارای تقسیمات مختلفی از قبیل: شارع شناختی، دین شناختی، انسان شناختی، هستی شناختی، راه شناختی، راهنما شناختی و ... است که در این نشست به برخی از آنها به عنوان مبانی کلامی فقه حکومتی پرداخته می‌شود.

۹. تبیین نحوه استدلال به مبانی کلامی برای اثبات فقه حکومتی

معاون پژوهش موسسه آموزش عالی امام رضا(ع) در مورد نحوه استدلال به مبانی کلامی برای اثبات رویکرد حکومتی فقیهان به فقه، به اشاره به برخی از مبانی کلامی گفت: به عنوان مثال، گستره‌ی حداکثری شریعت یکی از مبانی فقه حکومتی است؛ به این بیان که: زمانی می‌توان از فقه حکومتی سخن به میان آورد که پیش‌تر گستره‌ی حداکثری شریعت را اثبات کرده باشیم. همچنین برای انتساب و استناد اندیشه و رویکرد حکومتی به فقه به کسی، باید از طریق بررسی مبانی وی به بررسی این مهم پرداخت و مثلاً نگاه وی درباره‌ی گستره‌ی شریعت (جامعیت دین) را جویا شد. اگر قائل به گستره‌ی حداکثری برای شریعت بود، می‌توان از احتمال اعتقاد وی به فقه حکومتی سخن به میان آورد، اما در صورت کشف نگاه حداقلی وی به شریعت، دیگر هیچ امید و احتمالی برای انتساب و استناد فقه حکومتی به وی وجود نخواهد داشت. همچنین اعتقاد به نسبت دین و سیاست، حکومت و ضرورت آن و نیز اعتقاد به ولایت فقیه، نوع تحلیلی که فقیه از توحید تشریحی، جاودانگی دین، جهان‌شمولی دین، ماهیت احکام اسلامی و شئون و سیره‌ی علمی معصومین (ع) و ... به دست می‌دهد و مواردی از این دست، از جمله اموری است که به مثابه‌ی مبانی فقه حکومتی به شمار می‌روند و اگر فقیهی به این امور اعتقاد داشت، می‌توان از احتمال اعتقاد وی به فقه حکومتی سخن به میان آورد.

بخش دوم: مبانی فقه حکومتی از دیدگاه نائینی

پژوهشگر حوزه فقه سیاسی در بخش دوم ارائه خود به بحث مبانی کلامی فقه حکومتی از منظر نائینی پرداخت. وی در این بخش بر از مبانی کلامی برشمرده و پس از تبیین ماهیت آن به تبیین دیدگاه نائینی در این زمینه پرداخت.

۱. نائینی؛ عالمی معتقد به گستره حداکثری دین، شریعت و فقه

عباسعلی مشکانی سبزواری، به عنوان اولین مبنای کلامی، به بحث «گستره شریعت» اشاره کرد. وی در این زمینه گفت: از جمله پرسش‌های اساسی که در زمینه دین و شریعت و فقه مطرح می‌شود، بحث گستره و قلمرو دخالت دین و شریعت در امور دیگر است که مقدار دخالت شریعت در امور دیگر تا کجاست؟ آیا فقط شامل امور اعمال فردی است یا فراتر از آن شامل امور اجتماعی نیز می‌شود؟ آیا شریعت پاسخگوی تمام انتظارات و نیازهای بشر است یا نه؟ آیا تمام امور جزئی و کلی خطاب شرعی دارد یا خیر؟ و سؤالاتی از این قبیل در این زمینه مطرح می‌شود.

۱.۱. دیدگاه‌ها در مورد گستره شریعت: وی ادامه داد: در این حداقل دو دیدگاه کلان وجود دارد: برخی معتقدند که در شریعت اسلام، اهداف و ارزش‌ها و کلیات بیان شده و دیگر امور و جزئیات آنها به عقل و متخصصان و خرد جمعی واگذار شده است. عده‌ای مه معتقدند که در اسلام هیچ واقعه‌ای خالی از حکم

نیست و آنچه امت اسلامی تا آساتنه قیامت به آن نیاز دارد در قوانین اسلامی پیش بینی شده است.

۱۲. مکانیزم شارع مقدس برای پاسخگویی حداکثری به نیازها از دیدگاه نائینی: حجت الاسلام مشکانی در مورد دیدگاه نائینی در این زمینه ادعا کرد که: مرحوم میرزای نائینی به دیدگاه دوم (رویکرد حداکثری به قلمرو شریعت) اعتقاد دارد. وی در تبیین دیدگاه نائینی گفت: مرحوم نائینی معتقد است اسلام در مقابل همه نیازهای بشری پاسخگوست و برای این پاسخگویی دو مکانیزم طراحی کرده است: اول نص خاص و دوم عمومات و اطلاقات و قواعد عامی که با محوریت «ولی نوعی» پاسخ همه مسائل و نیازها استنباط شده و در اختیار مکلفین قرار می گیرد. در واقع نائینی معتقد است همه حوزه ها مشمول جعل مستقیم الهی است یکی از طریق نص خاص و دیگر از طریق عمومات، اطلاقات و قواعد عام. وی در ادامه متن نائینی در ای زمینه را مورد اشاره قرار داد: «مجموعه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت، خواه دستورات اولیه متکلفه اصل دستورالعمل های راجعه به وظائف نوعیه باشد و یا ثانویه-ی متضمنه ی مجازات بر مخالفت دستورات اولیه، علی کلّ تقدیر، خارج از دو قسم نخواهد بود؛ چه بالضروره، یا منصوصاتی است که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است و یا غیر منصوصی است که وظیفه ی عملیه-ی آن به واسطه-ی عدم اندراج در تحت ضابط خاص و میزان مخصوص، غیر معین و به نظر و ترجیح ولی نوعی موکول است.»

مشکانی همچنین به شواهد دیگری در زمینه نگاه حداکثری نائینی به قلمرو شریعت اشاره کرد: ۱. اعتراض نائینی به عدم استفاده از تمامی ظرفیت دین و شریعت اسلام در خطاب به اندیشمندان روشنفکران و مسئولان؛ ۲. استدلال به واقعه غدیر و نصب حضرت علی(ع) به عنوان امام (تتمیم شریعت با امام: شریعت ناطق). ۳. تاکید بر ضرورت حکومت و اثبات وجود نظام سیاسی در شریعت اسلام و اعتقاد به ولایت عامه فقیه از جمله مویداتی هستند که برای این ادعا قابل ارائه و اقامه هستند.

۱۲. اعتقاد نائینی به مناسبات حداکثری و آمیختگی دین و سیاست

«آمیختگی دین و سیاست» دومین مبنائی بود که مشکانی سبزواری مورد اشاره قرار داد. او گفت: نزدیکترین مبانی فقه حکومتی، آمیختگی دین و سیاست است؛ هم به لحاظ ثبوتی و واقعیت و هم به لحاظ اثباتی و تداعی در اذهان.

وی در ادامه گفت: مهمترین بحث برانگیزترین معنای آمیختگی دین و سیاست این است که دین برای سیاست، حکومت و اداره جامعه آیا قانون و برنامه دارد یا خیر؟

وی در توضیح تفاوت این مبنا با مبانی پیشین (گستره و قلمرو شریعت) گفت: گاهی در بحث قلمرو شریعت فقیهی داریم که قائل به دخالت دین در حوزه اجتماع و سیاست است، اما مقدار این دخالت در حد امور کلی باقی می ماند و به جزئیات نمی رسد و یا حتی فقیهی قائل به مناسبات دین و سیاست نیز می باشد، اما این مناسبات و ارتباطات را در سطوح کلان و بالایی باور دارد و در سطوح پایین دستی و جزئیات مانند برنامه ها و شبیه های اداره جامعه، نحوه طراحی ساختار حکومت و نظام سیاسی و... نمی پذیرد و اصطلاحاً آنها را خارج از حوزه دین و شریعت قلمداد کرده و واگذار شده به مدیران و متخصصان و خرد جمعی می دانند.

در مبنای دین و سیاست در واقع ما به دنبال تبیین این نکته هستیم که از کلان ترین امور ات جزئی ترین امور تحت نظر و اراده شارع و جعل مستقیم و غیر مستقیم او قرار دارد و فقیهی که این سطح از مناسبات را قبول داشته باشد، را در زمره باورمندان به آمیختگی دین و سیاست قلمداد می کند.

حجت الاسلام مشکانی سبزواری پس از تبیین ماهیت مبانی مورد بحث، گفت: با توجه به بیان و بنان مرحوم نائینی، به طور قطع می‌توان ادعا کرد وی از جمله فقیهانی است که به مناسبات حداکثری دین و سیاست و آمیختگی این هر دو باور دارد. از دیدگاه نائینی سیاست در دل دین و احکام اسلامی تشریح و جعل شده و اصول آن در کتاب و سنت درج شده است. تعبیر «سیاسات نوعیه» نیز که فراوان در ادبیات مرحوم میرزا به کار می‌رود - که تعیین حکم آنها به ولی امر واگذار شده - نیز از تعبیری است که در زمینه نگاه نائینی به نسبت دین و سیاست، قابل توجه است.

از نظر مشکانی سبزواری، یکی از مهمترین شواهد بر نگاه حداکثری نائینی به مناسبات دین و سیاست، مکانیزم است که پیشتر مورد اشاره قرار داد (مکانیزم پاسخگویی از طریق نص خاص و عمومات و اطلاعات و قواعد عام تحت نظر ولی نوعی). وی همچنین با اشاره به مباحث فقهی مرحوم نائینی در سر درس اضافه کرد: مرحوم نائینی در کتاب مکاسب و منیه الطالب نیز پیوستگی دین و سیاست را مورد تاکید قرار داده است. به عوان مثال نائینی در مکاسب در تعریف ولایت می‌گوید: «الولاية انها عبارة عن الرياسة على الناس في امور دينهم ودنياهم ومعاشهم ومعادهم». وی همچنین نفس پذیرش ولایت عامه فقیه توسط نائینی را دلیلی مهم بر اعتقاد نائینی به آمیختگی دین و سیاست دانست.

عضو شورای علمی گروه فقه سیاسی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) همچنین شواهد و کدهای دیگری را به عنوان موبد برای این ادعا مطرح کرد: ۱. اشاره نائینی به پیشرفت غرب مبتنی بر احکام سیاسیه و سیاست اسلامیه؛ ۲. تلاش نائینی برای برقراری نظام سیاسی مبتنی بر اسلام و احکام اسلامی؛ ۳. تقسیم سیاست به: سیاست استبدادی و سیاست ولایتی توسط نائینی و حکم وی به وجوب برقرار سیاست اسلامیه و براندازی سیاست استبدادیه؛ ۴. تاکید نائینی بر بدیهی بودن نیاز به حکومت و لزوم الهی بودن کارگزاران؛ ۵. تاکید نائینی بر لزوم عدم مغایرت قوانین و شیوه اداره جامعه و حکومت با احکام سلامی؛ و ...  
۳. ضرورت عقلی و شرعی حکومت از دیدگاه نائینی

«ضرورت حکومت» مبنای کلامی دیگری بود که ارائه دهنده کرسی «مبانی فقه حکومتی از دیدگاه میرزای نائینی» به تبیین آن از دیدگاه مرحوم نائینی پرداخت. وی با اشاره به ضرورت و بداهت حکومت، چه از منظر عقل و چه از منظر تاکید روایات بر آن، به دو روایت معروف از حضرت امیر(ع) مبنی بر «لابد للناس من امیر بَرّ او فاجر» و «وال ظلوم خشوم خیر من فتنة تدوم» اشاره کرد.

مشکانی سبزواری در بیان دیدگاه میرزای نائینی در این زمینه گفت: از نگاه میرزای نائینی اصل اولی این است که اگر امور جهان به حال خود رها شود، به سمت بی‌نظمی و آشفتگی میل می‌کند و نظم آنها بر اساس سیاست و حکومت و تدبیر است.

وی ادامه داد: نائینی معتقد است اداره فردی انسانها به اراده و اختیار آنها واگذار شده، اما امور مربوط به نوع بشر، باید از سوی حکومت انتظام یابد. و در ادامه به بیان مرحوم نائینی در این زمینه اشاره کرد: «بدان که این معنا در نزد جمیع امم مسلم و تمام عقلای عالم بر آن متفق اند که استقامت نظام عالم و تعیش نوع بشر متوقف به سلطنت و سیاستی است که خواه قائم به شخص واحد باشد یا به هیئت جمعیه و چه آنکه تصدی آن به حق باشد یا اغتصاب، به قهر باشد یا به وراثت یا انتخاب». مشکانی افزود: این بیان ناظر به ضرورت عقلی حکومت از منظر نائینی است. ایشان همچنین از منظر شرعی نیز بر این ضرورت تاکید دارد که شارع مقدس به هیچ روی به اختلال نظام و از بین رفتن مملکت اسلامی رضایت نمی‌دهد و از متشرعین می‌خواهد که این مهم را حفظ کنند و لازمه این امر نیز وجود حکومت است، پس

وجود و تاسیس حکومت از باب مقدمه واجب، واجب خواهد بود .

حجت الاسلام مشکانی افزود: بر این اساس اصل و مبنای ضرورت حکومت از منظر نائینی روشن است و از سوی دیگر ابتدای فقه حکومتی بر عنصر حکومت نیز، چنانکه اشاره شد، امری واضح است؛ چه اینکه فقه حکومتی، فقهی حکومت محور و حکومت بنیان است.

۱۴. اعتقاد راسخ نائینی به ولایت فقیه عامه فقیه

دکتر مشکانی سبزواری به عنوان آخرین مبنا، به مسئله ولایت فقیه پرداخت و گفت: از جمله مسائل مهمی که در حوزه مبانی فقه حکومتی قابل طرح و بحث است، نظریه ولایت فقیه است، چرا که این مسئله با فقه حکومتی رابطه تنگاتنگی دارد.

وی با اشاره به اینکه در تحلیل نظریه ولایت فقیه دو مبنا وجود دارد، گفت: طبق مبنای اول، منشأ ولایت فقیه حسبه است و فقیه از باب حسبه به این مهم گمارده می شود. اما بر اساس مبنای دوم، فقیه به طور مستقیم و با نصب عمومی از جانب معصوم (ع) دارای ولایت عامه است.

حجت الاسلام مشکانی در مورد دیدگاه نائینی در زمینه ولایت فقیه تصریح کرد که: متأسفانه رویکرد نائینی و توجه نائینی به مدل مشروطه، اذهان را به این سمت کشانده است که وی ولایت فقیه را قبول ندارد! در حالی که نائینی علیرغم اعتقاد راسخ و عمیق به ولایت فقیه، با رد نظر گرفتن شرایط روز و با هدف دفع افسد به فاسد و به عنوان ثانوی اقدام به پیشنهاد مدل مشروطه کرده است.

مشکانی ادامه داد: مرحوم میرزای نائینی در آثار خود بارها و بارها بر اصل ولایت فقیه در دوره غیبت تأکید و تصریح کرده و عمیقاً به آن معقد است. به عنوان نمونه نائینی حداقل در سه جای تنبیه الامه بر حق فقیهان برای حق حکومت در عصر غیبت تأکید کرده است. همچنین در منابع فقهی خود، کتاب المکاسب و البیع و کتاب منیه الطالب، به تبیین ولایت فقیه از طریق مقبوله عمر بن حنظله پرداخته است. به عنوان نمونه می گوید: «فروایة ابن حنظله احسن ما تمسک به لاثبات الولاية العامه للفقیه.»

مدرس فقه سیاسی حوزه علمیه قم، در مقام جمع بندی دیدگاه نائینی در زمینه ولایت فقیه گفت: میرزای نائینی در عین اینکه در عمل و نظر فاقد وحدت رویه است و در مقام عمل به ارائه مدل مشروطه پرداخته، اما از لحاظ مبنائی و نظری، عمقا به ولایت عامه فقیه اعتقاد دارد.

مشکانی افزود: اساس اینکه نائینی توانسته از دل فقه، یک الگوی نظام سیاسی استخراج کند، این خود گویاترین نشانه بر ورکیدن حکومتی وی به فقه است؛ چرا که فقیه با رویکرد فردی به فقه و شریعت، توان فهم و درک و استنباط نظام و الگوی کلان ندارد.

در ادامه جلسه، ناقد محترم، حجت الاسلام تاکی به بررسی و نقد مباحث ارائه شده پرداخت. حاضران نیز پرسش هایی را مطرح کردند که مشکانی سبزواری به آنها پاسخ گفت.

گزارش تفصیلی بیانات ناقد محترم و پرسش و پاسخ ها در گزارشی دیگر تنظیم و منتشر خواهد. انشاء الله

۱۱۱. مبنای علم عادی نظامی در علم اصول از دیدگاه محقق شاهرودی (از تلامذه میرزای نائینی)



سخنران :

[استاد محمد حسین عبدی](#)

مبنای علم عادی نظامی در علم اصول از دیدگاه محقق شاهرودی (از تلامذه میرزای نائینی)

بنام خدا

«پنجمین نشست میز پژوهشی علم اصول»

سخنران جلسه: استاد محمد حسین عبدی

موضوع جلسه: مبنای علم عادی نظامی در علم اصول از دیدگاه محقق شاهرودی (از تلامذه میرزای نائینی)

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين.

موضوع بحث پیرامون علم عادی نظامی است. این اصطلاح در کلمات حضرت آیت الله العظمی سید

محمود حسینی شاهرودی از تلامذه برجسته محقق نایینی بسیار دیده می‌شود؛ البته اصطلاح علم عادی،

امر جدیدی نبوده و در سابق بر این نیز مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما ایشان بر نظامی بودن آن تاکید

داشته و نظام بشر را بر این علم استوار می‌داند، به نحوی که عدم لحاظ علم عادی، موجب اختلال و هرج و

مرج در نظام بشری شده، تنظیم امور معاد و معاش را از بین خواهد برد.



ایشان هر چه که به عنوان مصلحت نظام بشری است را قائم به این علم می‌داند. به همین دلیل ایشان از تعبیر علم عادی نظامی استفاده می‌کند.

### شروع بحث

مطالب در هشت بحث مطرح می‌شود؛ البته فقط در حد طرح بحث است؛ زیرا مباحث پیشرفته‌تری در اینجا وجود دارد، که باید در جلسات دیگری پیگیری شود.

امر اول: اولین امر به عنوان مبدا عزیمت این بحث، مطلبی است که خاتم الفقها و المجتهدین شیخ انصاری در ابتدای رسائل بیان کردند. ایشان می‌فرمایند «اعلم ان المكلف اذا التفت الی حکم شرعی اما ان يحصل له الشک فیه او القطع او الظن...» این تقریباً می‌توان گفت یک رویکرد عالمانه هم به لحاظ مباحث نفسی و هم به لحاظ مبانی اجتهادی و هم به لحاظ حتی تطور تاریخی فقه و اصول است.

به نظر می‌رسد شیخ انصاری اصولشان را بر یک تثلیث بنا کردند؛ البته در مطارح به جای تثلیث به صورت ثنایی مطرح کرده‌اند و آخوند خراسانی هم از همین شیوه استفاده کرده است. بر این اساس مکلف وقتی به حکم شرعی توجه می‌کند سه حالت قطع، ظن و شک نسبت به او متصور است. برای توضیح همین عبارت جلسات متعددی نیاز است که البته اساتید و حواشی بیان فرموده‌اند.

توضیح اجمالی اینکه، ایشان به جای یقین و علم از قطع استفاده کرده و متعرض وهم نشده است. از این ورود می‌توان به ورود از مبادی منطقی به علم اصول تعبیر کرد. از نظر متاخرین علم اصول دارای چهار مبدا است. مبدا منطقی، کلامی، لغوی، حکمی.

گاهی به نادرستی در کنار مبادی تصویری و تصدیقی مبدا سومی به نام مبادی احکامیه مطرح می‌شود؛ این در حالی است که این مبدا قسیم مبادی منطقی، کلامی و لغوی است. این اشتباه به دلیل برجستگی این مبدا صورت گرفته و در کنار مبادی تصویری و تصدیقی مطرح شده است. هر یک از این مبادی بحثی مجزا دارد؛ اما در مبادی منطقی بالخصوص مورد تذکر و تصریح قرار گرفته است که یکی از مهمترین مبادی منطقی که باید لحاظ شده و مورد توجه قرار گیرد این است که بررسی شود که آیا این علم است؟ ظن است؟ شک است؟ قطع است؟ یقین است؟ استدلال است؟ نظر است؟ دلیل است؟ اماره است؟ سابقاً این موارد را به عنوان مبادی منطقی مطرح و از چیستی آن بحث می‌کردند.

در تاریخ اصول از عده و ذریعه و کتب علامه و... نیز در این زمینه بحث‌هایی وجود داشته است؛ اما در میان کتب اصولی، شیخ بهایی است که به تربیع این مبادی دست زد مبدا منطقی را در کنار بقیه آورد. از میان مبادی منطقیه، مساله علم و ظن و شک، در رسائل خودش را نشان داد و موجب شکل‌گیری این تثلیث شد. به نظر می‌رسد تمرکز و نقطه مورد توجه محقق شاهرودی دقیقاً همین مبدا است. البته در تعبیر ایشان تصریحی به این موضوع نیست؛ اما از تحلیل کاری که ایشان انجام داده می‌توان این نکته را استفاده کرد که در حقیقت ایشان در مبدا منطقی علم اصول ورود کرده‌اند.

توجه ایشان به این نکته است که در کنار قطع وجدانی یک قطع دیگری نیز وجود دارد. به عبارت دیگر علم دیگری غیر از علم وجدانی وجود دارد جزء مبادی علم اصول بوده و عبارت است از «علم عادی نظامی». این علم را می‌توان در واقع به عنوان ستون فقرات یا یکی از امور اصیله و ارکان رکینه تفکر فقهی، اجتهادی محقق شاهرودی بیان نمود. بنابراین به عقیده ایشان یکی از مبادی منطقی علم اصول، علم عادی نظامی است.

امر دوم: اصولیون در مواجهه با مبحث ظن رویکردهای متفاوتی دارند. رویکرد انفتاحیون بر اساس ظن نوعی بوده و به عنوان ظن خاص آن را معتبر می‌دانند. در مقابل انسدادیون بر اساس ظن شخصی و از راه حکومت یا کشف قائل به اعتبار آن هستند.

محقق شاهرودی نسبت به این موضوع رویکرد متفاوتی دارد. به عقیده ایشان اعتبار ظن به معنی امری تبعدی عند العقلا و الشارع مورد قبول نیست؛ بلکه آنچه وجود دارد عبارت است از علم عادی نظامی که مرتبه آن از ظن بالاتر است؛ هر چند به مرتبه علم وجدانی نمی‌رسد. این تفاوت در کل اصول و حتی در فقه ایشان نیز نمود دارد. از کلمات ایشان می‌توان چنین استفاده نمود که منظور از علم عادی نظامی اقوی الظنون نیست؛ هر چند برخی علما حجیت اقوی الظنون را پذیرفته‌اند. مثلاً برخی در نتیجه مقدمات دلیل انسداد مطلق ظن را حجت ندانسته و رای به حجیت اقوی الظنون داده‌اند.

پذیرش علم عادی نظامی از سوی ایشان مانع از انسدادی بودن و همچنین معتبر دانستن ظن خاص بر اساس مبنای انفتاحی شده است. محقق شاهرودی در مواردی تصریح دارند که انسداد با وجود علم عادی از بین رفته است. البته انسداد علم وجدانی مورد قبول است؛ اما در مقابل، باب علم عادی نظامی در کل فقه و معظم فقه باز بوده و هیچ انسدادی وجود ندارد.

امر سوم: در تاریخ حجیت امارات آراء و اقوال گوناگونی مطرح گردیده است. برخی مثل مصوبه حجیت اماره را از راه سببیت دنبال کرده‌اند. البته خود سببیت نیز تقریرات متفاوتی دارد. سببیت اشعری دارای چهار تقریر و سببیت اعتزالی نیز دارای یک یا دو تقریر است. برخی نیز از راه مصلحت سلوکیه سببیت را مطرح کرده که البته مصلحت سلوکیه نیز دارای تقریرهای متفاوتی است. بر اساس برخی تقریرات، مصلحت در جعل است و برخی دیگر مصلحت را در عمل به اماره می‌دانند.

برخی دیگر مانند محقق خراسانی با انکار جعل حکم ظاهری نسبت به مودای اماره، تنها جعل معذر و منجز را پذیرفته‌اند. گروهی دیگر مانند مرحوم نایینی تتمیم کشف را مطرح کرده و در مورد اماره‌ای مانند خبر واحد ظنی بیان داشته‌اند که، شارع با اعتبار و امضای بنای عقلا، کشف خبر واحد را تتمیم کرده است. مرحوم محقق شاهرودی که شاگرد محقق نایینی است، چنین نسبتی را به ایشان انکار می‌کند؛ این درحالی است که چنین نسبتی را تقریراتی مانند فوایدالاصول به محقق نایینی داده‌اند.

تقریر ایشان از تتمیم کشف متفاوت است. بر اساس تقریر ایشان معنی تتمیم کشفی که نایینی فرموده تتمیم تکوین به وسیله اعتبار نیست؛ زیرا که این امری لایعقل است. تتمیم امور تکوینی به وسیله امور اعتباری ناممکن است. البته توجه به این نکته لازم است که ایشان در مورد اعتباریات به وئاء اعتبار قائل است.

تاکید ایشان بر وجود وئاء اعتبار مستقل در مورد خداوند متعال تا حدی بوده که منقول است ایشان وئاء اعتبار را پذیرفته و آقاضیاء به دلیل حکم دانستن اراده کراهت و اراده، منکر چنین وئائی بوده است. بین این دو عالم در مورد این مساله بحث صورت می‌گیرد و بحث آنچنان جدی است که اقا ضیاء عراقی می‌فرماید: بین من و تو امام زمان حکم باشد؛ یعنی تا این حد مساله جدی بوده است.

به عقیده ایشان وئاء اعتبار امری مجزا از عین و ذهن است. بر این اساس که امور اعتباری در وئائی غیر از امور تکوینی قرار دارند، ممکن نیست امری اعتباری، متمم امری تکوینی باشد. با توجه به این رویکرد است که ایشان انتساب مطالبی اینچنین را به محقق نایینی رد می‌کند. محقق شاهرودی امضای شارع نسبت به امارات را به ازدیاد تکوینی درجه معرفت اماره معنا می‌کند؛ به این بیان که وقتی ثقه از وجوب صلاة جمعه

خبر می‌دهد و شارع نیز این امر را امضا نموده، تکوینا درجه کشف این اماره را در نظامات عقلایی بالا برده است. محقق شاهرودی نسبت به تکوینی بودن این امر تأکید دارند. به همین دلیل است که ایشان این موضوع را از مقوله اعتبار و تعبد صرف نمی‌داند.

بین اعتباریات به معنی جعلیات و علم عادی نظامی هیچ ارتباطی وجود ندارد. چنانچه بیان گردید به عقیده محقق شاهرودی امضای شارع، تاییدی تکوینی است. امضای شارع سبب زیاد شدن سکون نفس و اطمینان به خبر ثقه می‌شود. تبیین ایشان از ردع نیز به همین صورت است.

یکی از امتیازات محقق شاهرودی جریان نظریات و تفکرات ایشان در تمام اصول و حتی فقه ایشان است. بر خلاف برخی اصولیون که سریان و امتدادی در تفکرات ایشان احساس نمی‌شود. محقق شاهرودی در کتاب حج بیان می‌کند که اگر کسی قائل به انسداد باشد، عنوان عالم بودن بر او صدق نمی‌کند و ادله رجوع به عالم و نصب عالم به عنوان ولی و ادله ولایت شامل او نمی‌گردد؛ زیرا چنین شخصی علم عادی نظامی را قبول ندارد؛ بلکه حتی اگر کسی قائل به انفتاح بوده و ظن خاص را نیز بپذیرد و به این مبنا وفادار باشد، به دلیل نوعی بودن ظن خاص ادله ولایت شامل او نمی‌شود. این مبنایی است که در تقریرات ایشان بیان شده است؛ البته باید توجه داشت که موضوع بحث جاری صرفا ارائه و شناخت مبنای محقق شاهرودی است؛ چراکه ممکن است، آفاق جدید فقه و فقاہت بتواند از این مبانی استفاده‌هایی نماید. بنابراین در صورت پذیرش و پایبندی به مبنای علم عادی نظامی عنوان عالم بودن صادق خواهد بود و ادله‌ای مثل مقبوله عمر بن حنظله و معتبره ابی خدیجه و ... شامل این فرد می‌شود. در غیر این صورت و عدم پذیرش علم عادی نظامی و قبول مبنای ظن خاص یا انسداد و التزام عملی به آن، نه به این صورت که صرفا در نظر انسدادی باشد اما در عمل به علم عادی نظامی پایبند باشد، این شخص مقصود محقق شاهرودی نیست، در این موارد ادله‌ای مانند «علما امتی» و «مجارالامور بید العلماء» و روایات ولایات و مناصب و ... شامل این فرد نمی‌شود.

وفاداری به علم در بحث‌های فقهی و اصولی محقق شاهرودی مشهود است. به عنوان نمونه ایشان معتقد است، اگر کسی افقه از خود می‌شناسد، فتوای او معتبر نیست؛ زیرا علم عادی نظامی برای او محقق نمی‌شود؛ بلکه علم عادی نظامی اقتضا دارد که اگر کسی را اعلم از خود می‌داند لازم است با شخص افقه وارد بحث شود و در صورتی که افقه نتواند فقیه را قانع کند، مشخص می‌شود که فقیه واجد علم عادی بوده و افقه، فاقد آن است. فارق از صحت این کلام، روشن است که پذیرش این سخن می‌تواند منجر به پویش علمی و طرح مباحثات علمی گسترده گردد و محققین بایکدیگر تضارب آراء نمایند. در این نظریه می‌توان مبنای یک مدیریت پژوهشی کلان را ملاحظه کرد. بر اساس این نظریه لازم است مراکز تحقیقاتی ارتباط جدی با یکدیگر برقرار نمایند؛ زیرا صرف تحقیق کافی نیست؛ بلکه برای تحقق علم عادی نظامی باید نسبت به آراء سایرین خصوصا مخالفین نیز تحقیق صورت گیرد. در صورتی که چنین جستجویی انجام نشود، تحقق علم عادی نظامی منتفی خواهد بود.

از این رو است که گفته شده فهمیدن درس محقق شاهرودی بسیار دشوار بوده است؛ زیرا ایشان کر و فر بسیار زیاد داشته و تا نسبت به مساله‌ای جازم نمی‌گردید، از بحث خارج نمی‌شد و صرفا به قیام اماره و استفاده از صناعت بسنده نمی‌کرد؛ بلکه صناعت ایشان بر پایه علم عادی نظامی بوده است. این رویه در فقه و اصول ایشان مشترک بوده است. این نظریه در حدود ده مورد به صورت مستقیم و مباشر دراستنباط تاثیر گذار است. بر خلاف برخی مبنایی که فاقد تاثیری مباشری در استنباط بوده و حتی در فقه نیز تاثیری

ندارند.

امر چهارم: بر اساس دیدگاه محقق شاهرودی، علم به دو قسم وجدانی و عادی تقسیم می‌شود. ایشان تحصیل علم وجدانی را نسبت به معظم فقه منسد می‌داند؛ اما باب تحصیل علم را در مورد علم عادی نظامی منفتح می‌داند. تفاوت علم عادی نظامی با علم وجدانی در این است که احتمال خلاف در علم وجدانی عقلا وجود ندارد؛ اما در مورد علم عادی نظامی، اگر چه عقلا احتمال خلاف وجود دارد؛ اما عادتاً این احتمال منتفی است؛ بنابراین هرچند در علم عادی نظامی عقل احتمال خلاف می‌دهد؛ اما نفس انسان که در نظام عقلایی زندگی می‌کند و مایحتاج نظام عقلایی را ملاحظه می‌کند، احتمال خلاف را عادتاً منتفی می‌داند.

تفاوت علم عادی نظامی با ظن نیز همین نکته است. برخلاف علم عادی نظامی، ظن هر چند قوی هم باشد، عادتاً احتمال خلاف در مورد آن منتفی نیست.

در تعبیر ایشان گاهی به جای علم عادی نظامی، از کلمات وثوق و اطمینان استفاده شده است. به عنوان نمونه ایشان در تبیین احتمال خلاف ملغی، در مورد علم عادی چنین می‌فرمایند: «القطع العادی النظامی المعبر عنه بالاطمئنان الذی لا تزلزل للنفس معه و ان كان احتمال الخلاف فی لوح النفس موجودا لکنه لضعفه لا یوثر و لا یوجب التوقف علی العمل و یکون وجوده کالعدم.»

امر پنجم: حجیت و اعتبار علم عادی نظامی در اندیشه محقق شاهرودی جعلی نیست؛ بلکه ایشان به انجعالی بودن آن معتقد است. حجیت انجعالی به معنی تکوینی در مقابل حجیت جعلی به معنی تبعیدی است. به عقیده ایشان هیچ گونه تبعیدی در عمل به خبر واحد نیست؛ بلکه فقط انجعالی است. مثالی که ایشان برای تبیین و توضیح مفهوم انجعالی بودن ملکیت (بر اساس آنچه در تقریرات و همچنین در بیان برخی شاگردان ایشان)، بیان می‌کند، درنده‌ای است که بر طعمه مسلط شده است. در این مثال ملکیت جعل و اعتبار نشده است؛ بلکه این وضعیت، سلطه بر شیء به صورت انجعال است. به عبارت دیگر در این مورد نیازی به جعل توسط شخص دیگری نیست. همچنانکه در این موارد یک نوع غریزه وجود دارد، در مورد انسان نیز یک نوع فطرت وجود دارد. بر این اساس است که ایشان می‌فرمایند: علم عادی نظامی نیاز به اعتبار و امضاء شارع ندارد؛ البته مقصود از امضا، جعل و تعبد حجیت است. امضا و جعل به معنای مذکور مورد قبول نبوده و امضای شارع دارای معنای دیگری است.

به عقیده ایشان امضا به معنی ازیاد درجه علم عادی نظامی است. مراد از ردع نیز سلب الحجیه نمی‌باشد؛ زیرا جعل الحجیه مورد پذیرش نیست؛ بلکه عدم الردع به این معنی است که شارع علم وجدانی را برای اثبات حکم لازم ندانسته است. همچنانکه شارع در برخی ابواب مانند شهادت در مورد زنا یا در سایر ابواب فرموده شهادت باید بر اساس علم وجدانی باشد؛ زیرا فرموده: «فاشهد بمثل هذا». به همین صورت که خورشید را می‌بینی شهادت بده.

عدم ردع شارع در مواردی مانند خبر ثقه، ظواهر، رجوع به خبره و .... به این معنی است که در حوزه شریعت نسبت به موردی که دلیلی قائم شده، علم وجدانی را مانند باب شهادت معتبر و لازم نمی‌داند. بر این اساس معنی امضا شارع بیشتر شدن تکوینی درجه علم و افزایش سکون نفس و مقصود از عدم ردع نیز لازم نبودن تحصیل علم وجدانی در شریعت است.

بنابراین علم عادی نظامی دارای دو مولفه اساسی است: نخست تکوینی بودن آن است و مولفه دیگر انجعالی بودن علم عادی نظامی است. امضا کردن و ردع نکردن علم عادی نظامی به ترتیب به معنی ازیاد

درجه اطمینان و عدم اعتبار علم وجدان است.

امر ششم: ششمین امر در واقع جمع‌بندی پنج امر قبلی است. چنانچه بیان گردید، قطع امری وجدانی بوده و احتمال خلاف در مورد آن عقلا منتفی است و ظن نیز امری وجدانی و اعتقادی راجح است و احتمال خلاف عقلا و عادتاً در مورد آن وجود دارد. محقق شاهرودی بین این دو حالت جدیدی را تاسیس کرده و نام آن را علم عادی نظامی گذاشته است؛ البته این اصطلاح قبلاً نیز استعمال شده است؛ هرچند ممکن است اصطلاح نظامی بودن، کمتر به کار رفته باشد. چنانچه بیان شد ایشان معتقد است باید روش معرفتی در مسائل استنباطی و در اجتهادی بر اساس علم عادی نظامی صورت بگیرد. علم عادی نظامی حالتی از حالات نفس بوده و غیر از قطع و ظن می‌باشد و فقیه و مجتهد باید بر اساس آن عمل نماید و نباید به دنبال اعتبار تشریحی و تعبدی باشد. این علم جعلی و تشریحی نبوده؛ بلکه انجعالی و تکوینی است.

به عقیده ایشان متمم کشف به معنای متمم تعبدی و تشریحی نیز نمی‌تواند به محقق نائینی منسوب باشد؛ بلکه متمم کشف به معنی ازدیاد درجه معرفت است. چنانکه امضای امارات نیز به معنای ازدیاد معرفتی و سکون نفسی و اطمینانی است. ردع اماره نیز به معنی اعتبار علم وجدانی در مملکت شرع و عدم اعتبار علم عادی نظامی است. بر اساس همین مبنا است که ایشان انفتاحی است و انسدادیون و قائلین به ظن خاص را مصداق عالم ندانسته و ادله ولایت و مناصب را شامل ایشان نمی‌داند.

امر هفتم: در این امر مسائلی که محقق شاهرودی بر مبنای علم عادی نظامی استوار کرده را بیان می‌کنیم.

-یکی از اسباب به وجود آوردنده علم عادی نظامی، حتی در مورد مراد جدی، ظواهر هستند.

سوالی که ممکن است در این مسئله طرح شود این است که، در صورت تعارض دو اماره با یکدیگر چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ پاسخ این است که به عقیده محقق شاهرودی تعارض دو اماره به معنی تزامم معرفتی است. به عبارت دیگر تزامم دو اماره به معنی تقابل دو قانون و حجت در مقابل یکدیگر نیست.

بر این اساس ایشان تساقط را نیز به تساقط معرفتی معنا می‌کند؛ یعنی تساقط به معنی عدم تحقق علم عادی نظامی است. مثلاً اگر دو روایت وجود داشته باشد که با یکدیگر تباین داشته باشند، در صورتی که دارای رابطه عام و خاص باشند، این تباین به این معنی است که تنها در «ماعدا الخاص» علم عادی نظامی محقق می‌شود و در مورد خاص علم عادی نظامی، چیزی دیگر است. خلاصه اینکه باید ایشان را در تمام بحث های اصولی، مستغرق در علم عادی نظامی دید.

-تفسیر ایشان از روایات نیز بر اساس علم عادی نظامی است. بر این اساس خبر ثقه از باب علم عادی

نظامی دارای حجیت است و نه به دلیل تعبد و ظن نوعی. جالب‌تر اینکه در رجوع به اقوال رجالیون نیز معتقدند که لازم است علم عادی نظامی حاصل شود؛ البته علم عادی در این مورد نیز حاصل می‌شود و به این معنا است که از اقوال رجالیون علم عادی به وثاقت به دست می‌آید.

بیان این نکته بی فائده نیست که عقیده محقق شاهرودی نسبت به کلینی، بسیار خوش بینانه است. به عقیده وی، کلینی تشریفات خدمت امام زمان (عج) داشته و مرسلات کافی که با لفظ «روی» بیان گردیده، در حقیقت بیان تشریفات کلینی است.

هرچند ایشان این موضوع را با اطمینان بیان می‌کند؛ اما با این وجود، بررسی رجالی را برای تحصیل علم عادی، لازم می‌داند.

نکته جالب توجه اینکه ایشان در علم رجال نیز انفتاحی است و مبانی رجالی ایشان از باب شهادت و رجوع

به خبره نیست؛ زیرا مجتهد به دلیل مفتوح الباب دانستن علم عادی نظامی، از کسی تقلید نمی‌کند.  
۳- به عقیده محقق شاهرودی، رجوع به قول لغوی نیز از جمله موارد تحصیل علم عادی نظامی است.

۴- ایشان در جابریّت و کاسریّت نیز بر اساس علم عادی نظامی مشی نموده است؛ البته جابریّت و کاسریّت تعبدی که برخی قبول دارد را نمی‌پذیرد؛ بلکه جابریّت و کاسریّت به نحو تکوینی را قبول دارد. معنی جابریّت ضعف سند این است که عمل مشهور به خبر ضعیف مجتهد را به عادی نظامی می‌رساند. اعراض نیز به معنی سلب علم عادی نظامی از خبر ثقه‌ای است که مشهور از آن اعراض کرده‌اند. بر این اساس است که ایشان تصریح می‌کند در کاسریّت و جابریّت رفع و زوال وثوق و آمدن وثوق، همه تکوینی است.

اگر بخواهیم روش ایشان در استنباط را بیان نماییم، باید بگوییم ایشان به روشی تکوینی و خالی از هرگونه تعبد در فقه پژوهی معتقد است.

۵- اجزا: بحث از اجزا زمانی معنا دارد که ابتدا حکمی به عنوان حکم ظاهری وجود داشته باشد و سپس بررسی شود که آیا حکم ظاهری مجزی از حکم واقعی است یا خیر؛ این در حالی است که به عقیده محقق شاهرودی، اساسا چیزی به نام اماره وجود ندارد؛ در نتیجه حکمی به عنوان حکم ظاهری نیز وجود نخواهد داشت.

بنابراین، نتیجه حاصل از مساله اجزا، امری بدون صغری خواهد بود؛ زیرا علم عادی نظامی نوعی قطع محسوب می‌شود. در صورتی که خطایی هم ظاهر گردد و کشف خلافی محقق شود، از باب تبدیل قطع بوده و اجزا در آن بی‌معنا است. به همین دلیل ایشان مسئله اجزا را بر اساس مبنای کسانی که حکم ظاهری را قبول دارند، بحث می‌کند.

بر همین پایه است که می‌توان گفت مجتهد تغییر نظر ندارد؛ زیرا اگر مجتهد در تمام ادله مربوطه درست فحص کرده باشد (چون تمام ادله همین ادله موجود است) و به علم عادی نظامی رسیده باشد، معنایی برای تغییر نظر وجود نخواهد داشت. مثلا در عمل به یک روایت باید نسبت به سند، ظهور و حتی جهت صدور هم باید در اقوال عامه فحص صورت گیرد و علم عادی نظامی به دست آید. در صورت انجام این موارد و تحقق علم عادی، تغییر رای مجتهد معنایی ندارد.

۶- ایشان به علت پذیرش علم عادی نظامی قیاس معروف «هذا ما ادی الیه ظنی و کل ما ادی الیه ظنی فهو حجت الله و حکم الله فی حقی و فی حق مقلدینی» را باطل می‌داند؛ زیرا بر اساس مبنای علم عادی، «ما ادی الیه ظنی» وجود ندارد. حتی رجوع مقلد به مجتهد نیز باید بر اساس علم عادی نظامی صورت گیرد. محقق شاهرودی صریحا رجوع به مجتهد به عنوان تعبد به فتوی را نفی می‌کند.

۷- هفتمین موضوعی که بر مبنای علم عادی بنیان نهاده شده این است که، فتوای فقیهی که دیگری را اعلم از خود یا محتمل الاعلمیة می‌داند، این فتوی مشکوک الحجیة است؛ زیرا علم عادی نظامی برای چنین مجتهدی به وجود نمی‌آید. برخی شاگردان ایشان نیز این مبنا را پذیرفته‌اند که با وجود اعلم برای مجتهد وثوق حاصل نمی‌شود؛ مگر اینکه با فقیه اعلم بحث نماید.

بر این اساس است که ایشان اجتهاد را دارای مراتب می‌داند. مقصود از مراتب نیز مراتب تجزی است و نه مراتب اجتهاد به صورت مطلق. به عقیده ایشان مجتهدین در مراتب و مسیری از این اجتهاد متجزی

هستند تا به اجتهاد مطلق برسند. اوحدی از مجتهدین دارای اجتهاد مطلق هستند. ازایشان نقل شده که فرموده است: «می‌خواستیم بگوییم نایینی مجتهد مطلق است.»

به همین دلیل ایشان در اجازات می‌نوشتند: «بلغ مرتبة من مراتب الاجتهاد» یا تعبیر دیگر.

۸- به عقیده ایشان تساقط در تعارض خبرین، دارای معنی غیر از معنی معروف است.

وی تعارض خبرین را در مرحله تزاحم ملاکی عند الجعل مطرح می‌نماید. همچنین معنی چنین تعارضی بین دو روایت، تساقط معرفتی، به معنی عدم حصول علم عادی نظامی است.

به عبارت دیگر دو دلیل متعارض یکدیگر را نسبت به اقتضای وثوق دیگری خنثی می‌کنند. استدلالاتی از قبیل اینکه «حجیت روایت عقلایی است و شارع به نوعی آن را امضا نموده است؛ اما ادله اعتبار شامل دو روایت متعارض نمی‌شود» و دیگر استدلالات اینچنین که در این ابواب مرسوم است، بر اساس نظر ایشان مطرح نیست؛ بلکه ایشان نگاه موضوعی به مسئله معرفت دارد؛ یعنی دو روایت متعارض نمی‌توانند اطمینان بخش باشند. بر این اساس ایشان مرجح را عام دانسته و مرجح یکی از دو خبر را به علم عادی نظامی می‌رساند. این به معنی تشخیص حجت از لاجت یا به تعبیر دیگر ممیز دانستن مرجحات، هر چند به صورت فی الجمله است.

به عقیده ایشان «المجمع علیه لا ریب فیه» به معنی حصول علم عادی نظامی از جمع شهرت با روایت بوده و لاریب بودن نیز به دلیل حصول علم عادی است. مواجه با شهرت نیز به همین صورت است که اگر منجر به حصول علم عادی نظامی شود، فیه و الا فلا.

۹- بر اساس مبنای علم عادی نظامی مجتهد لازم است تلاش نماید تا علم عادی به حکم پیدا کند و اگر بدون حصول علم عادی فتوی دهد، از نوع فتوای بدون علم خواهد بود و بر این اساس ادله لعن فتوای بلا علم، شامل چنین فتوایی می‌شود.

چنانچه بیان گردید در صورتی که مجتهدی، اعلم از خود می‌شناسد، باید به مدرک او توجه شود و حتی در صورت امکان مباحثه انجام شود. این احتمال اگر نسبت به مجتهدی که زنده نیست و حتی قدما نیز وجود داشته باشد، لازم است کلام وی مورد بررسی قرار گیرد و ادله و مدرک سخن او ملاحظه گردد. مثلاً به نظر مجتهدی، در مورد شیخ طوسی احتمال اعلییت و قوت ملکه اجتهاد وجود دارد. بر این اساس باید در هر مورد سخن او را نیز ببیند و بررسی نماید.

۱۰- بر اساس این مبنا است که ایشان شهرت متاخرین را در مواردی از قدما بهتر می‌دانند؛ وجه بهتر بودن شهرت متاخرین این است که متاخرین دارای دقت نظر بالایی هستند و در مواردی باید بر شهرت قدمایی مقدم شود؛ زیرا در نظام معرفتی علم عادی نظامی، لحاظ این موارد لازم است. این سخن را وحید بهبهانی و میرزای قمی مطرح کرده‌اند که متاخرین أدق نظراً و اکثر تاملأ بودند.

عصاره کلام محقق شاهرودی این است که العقلا یعلمون و یعملون. عقلا اول علم پیدا می‌کنند و سپس عمل می‌نمایند. بنابراین لازم است به علم دست یافت.

ایشان سخنی دارند که به نظر می‌رسد در تمام منظومه‌ای که ایشان بنا کرده‌اند وجود دارد؛ به عقیده محقق شاهرودی در مورد علم عادی نظامی فرقی بین الزامات و التزامات و مقام کشف نیست.

آیت الله بروجردی از جمله کسانی است که به این تفکیک توجه داشته است. عقلا یک سیره و بناهایی در مقام الزامات و التزامات دارند. مثلاً صیغه إفعال باید اخذ به وجوب شود؛ اما آیا این وجوب واقعا مراد متکلم بوده یا نه؟

به عقیده محقق شاهرودی، هیچ فرقی بین دو مقام نیست و علم عادی نظامی در هر دو مقام یکی است. امر هشتم: آنچه در کلام محقق باید مورد تامل قرار گیرد این است که آیا در علم عادی نظامی بر اساس ادعای ایشان، بین مقام اکتشافات و احتجاجات تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد (ارائه دهنده) اگر بنای عقلا را در مقام اکتشافات بپذیریم؛ اما در مقام الزامات و التزامات این چنین نیست؛ بلکه در بحث الزامات و التزامات ظن خاص معیار است.

شاید بتوان گفت سخن محقق شاهرودی یکی از توجیهات کیفیت اجتهاد عصر نصوص بوده است نه عصر حاضر؛ یعنی کسی که قصد اجتهاد در زمان ائمه (ع) داشته است، احتمال دارد که شیوه اجتهاد او به این صورت باشد؛ اما در زمان کنونی و فاصله‌ای طولانی از عصر معصوم، توجه به این علم عادی نظامی واقعیت خارجی ندارد.

مرحوم سید مصطفی خمینی از شاگردان محقق شاهرودی است. وی در درس اساتیدی مانند محقق شاهرودی، محقق خویی، امام خمینی و آقای حکیم در نجف، شرکت کرده و کتابی تحت عنوان دروس الاعلام نگاشته‌اند. در یکی از این دروس تعبیری دارند که این تعبیر به مبنای محقق شاهرودی ارتباط دارد. می‌فرماید: «و لعمری انه ما كان يرید من هذه المطالب امرا جدیا، و الا لما كان یقتدر علی الافتاء الا فی مسائل نادره جدا. فیعلم من رسالته العملیه ان ارتكازه و طینته علی خلاف مقالته. و انه یعمل بالظن فضلا عن متراکم منه و علی القطع و العلم.»

البته این احتمال وجود دارد که ایشان نسبت به امارات از این مبنا استفاده کرده‌اند و بر این اساس عمل نموده‌اند؛ اما در اصول عملیه چنین نبوده و این منافاتی با مقاله ایشان ندارد. فتحصل: اندیشه محقق شاهرودی به این صورت است که: «علم ان المكلف اذا التفت الی حکم شرعی اما ان یحصل له العلم الوجدانی او العلم العادی او الظن او الشک.»



## ۱۱۲. سبک اندیشه ورزی در استنباط



سخنران :

[استاد جواد شفیعی](#)

سبک اندیشه ورزی در استنباط

«چهارمین نشست میز پژوهشی علم اصول»

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين.

مقدمه و ضرورت بحث

اهمیت و جایگاه تفکر در انجام همه کارها به خصوص انجام فعالیت‌های فکری از جمله عملیات استنباط احکام شرعی، بر کسی پوشیده نیست. حضرت آیت الله شبیری زنجانی (حفظه الله) در کتاب جرعه می فرماید: استاد آخوند خراسانی از ایشان پرسید: شما چگونه در درس شرکت می کنید؟ آخوند خراسانی جواب داد: درس را شنیده و دقت می‌کنم و می‌نویسم. استاد فرمود (با این شیوه) به جایی نمی‌رسی. (اگر می‌خواهی به جایی برسی) ابتدا خودت فکر کن و زحمت بکش و سپس در درس شرکت کن. برخی طلاب اقرار می‌کنند که سال‌هاست به تحصیل در فقه و اصول اشتغال دارند اما نتیجه نگرفته و ثمره‌ای به دست نیاورده‌اند. عمده دلیل این بی‌حاصلی شیوه ناصحیح تحصیل است. نسبت به بحث تفکر و شیوه‌های تفکر بحث‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است؛

خصوصاً در علوم تجربی که تحقیقات زیادی از سوی اندیشمندان غربی در این زمینه وجود دارد. البته در پیشینه کهن کتب منطقی در علوم اسلامی که نسبت به تالیفات اندیشمندان غربی تقدم دارد نیز، در این زمینه بحث‌های خوبی وجود دارد؛ هرچند حجم و وسعت مطالب اندک است اما شروع بسیار خوبی است که از سوی اندیشمندان مسلمان صورت گرفته است. علامه مظفر در کتاب المنطق در مورد مراحل فکر مطالب خوبی بیان کرده است. از پژوهش‌گران معاصر نیز آقای قراملکی در کتاب اصول و فنون پژوهش مطالب بسیار خوبی را بیان کرده است.

تحقیقاتی که در زمینه فقه و اصول وجود دارد عمدتاً در خصوص اشخاص است؛ مثلاً شیوه استنباطی شیخ اعظم یا سایر علما را مورد بررسی قرار می‌دهند. اگرچه این رویکرد نیز بسیار مفید است؛ اما آنچه ما در صدد بیان آن هستیم روش شناسی شخص خاصی نیست؛ بلکه شیوه صحیح اندیشیدن در فقه و اصول است. در حقیقت ما به دنبال فراشناخت هستیم؛ به این بیان که شناخت عبارت است از اینکه فلان مسأله حل شود و فراشناخت بررسی چگونگی حل مسأله است. این موضوع در حیطه روش شناسی است؛ اما نه به صورت روش شناسی مضاف؛ زیرا روش شناسی شخص خاصی مد نظر نبوده همچنانکه روش شناسی فقه نیز مد نظر نمی‌باشد.

در زمینه روش شناسی مضاف مخصوصاً فقه، تحقیقات خوبی در حوزه علمیه خصوصاً حوزه علمیه خراسان صورت گرفته است. تالیفات مثل الگوریتم استنباط نیز در این موضوع وجود دارد؛ اما تفاوت سبک اندیشه ورزی در استنباط با تحقیقاتی که در زمینه روش شناسی صورت گرفته، در این است که، تحقیقات انجام شده به بررسی نتایج می‌پردازد و بر اساس آن مبنای فقیه و اصولی مورد نظر استخراج می‌شود؛ اما سبک اندیشه ورزی در استنباط به دنبال پاسخ به این پرسش است که اساساً روند تفکر بر چه اساسی منجر به این نتایج و مبانی گردیده است. به عبارت دیگر فرآیند تفکر چگونه طی می‌گردد و منجر به طرح یک مبنا می‌شود.

#### ضرورت بحث

توجه به این نوع نگرش به ویژه برای مدرسان فقه و اصول بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا باید به شاگردان خود چگونگی گذر از مسأله و رسیدن به پاسخ را آموزش دهند. برای توجه بیشتر به اهمیت این بحث، بیان این نکته خالی از لطف نیست؛ انتخاب‌های صحیح در واقع پلکان رشد هر انسان است. انتخاب صحیح در گروه شناخت صحیح است و زمانی به شناخت صحیح نسبت به یک مسأله می‌توان دست یافت که بتوان آن را به درستی حل نمود. مثلاً برای پاسخ به تمامی پرسش‌های پیرامون قطع که در بحث‌هایی از قبیل آثار قطع و استحقاق عقاب متجری، قطع قطاع، قطع حاصل از مقدمات عقلیه و موارد دیگری که در این زمینه طرح می‌گردد، دقت به این نکته ضروری است که تنها در صورتی امکان ارائه پاسخ صحیح وجود دارد که، نخست چپستی قطع و منشا حجیت آن تبیین گردد.

اگر کسی بتواند به درک درستی از چپستی قطع و ماهیت آن برسد و منشا حجیت آن را دریابد، سرعت و دقتش در پاسخ‌گویی به سوالات بسیار بیشتر خواهد بود. البته ممکن است در بدو نظر گفته شود روش ارائه شده در سبک اندیشه ورزی مدت زمانی بیشتری برای حل مسأله لازم دارد؛ اما باید دقت داشت که پس از بررسی بر اساس روش ارائه شده در این شیوه، بسیاری دیگر از مسائل نیز همزمان پاسخ داده شده یا به پاسخ نزدیک می‌شود و در نهایت و به صورت مجموعی، مسائل با سرعت بیشتری حل می‌گردد.

توجه به مفردات و اصطلاحات مهم سبک روش شناسی در استنباط  
توجه به نکاتی در مورد سبک روش شناسی در استنباط برای بالا رفتن تسلط نسبت به حل مساله،  
ضروریست.

۱- از ساده‌ترین قضیه‌ها یعنی قضیه حمله شروع می‌کنیم. مثلا در بحث مقدمه واجب هم می‌توان بحث  
را به صورت یک قضیه پیچیده طرح کرد و هم می‌توان با یک قضیه ساده حمله این بحث را مطرح نمود.  
به این صورت که: مقدمه واجب، واجب است.

۲- توجه به طرفین و حاکم در قضیه: طرفین در قضیه بر اساس آنچه در منطق تبیین گردیده عبارت  
است از، موضوع و محمول که لازم است برای تحلیل درست مساله، طرفین قضیه به خوبی و به درستی  
تصور شوند. مثلا در بحث ذاتی بودن حجیت قطع مرحوم امام خمینی(ره) بیان فرموده‌اند که ذاتی دانستن  
حجیت برای قطع ناشی از تصور ناصحیح قطع و حجیت است؛ زیرا اگر ایندو درست تصور شوند اصلا  
معنایی برای ذاتی بودن حجیت نسبت به قطع وجود ندارد؛ چراکه یکی از مقولات اولی و دیگری از مقولات  
ثانی است و اصلا محال است ایندو مقوله، ذاتی یکدیگر باشند؛ زیرا هیچ سنخیتی با هم ندارند.

حاکم در قضیه عبارت است از، مرجع و حکم کننده‌ای که در مورد وجود یا عدم نسبت در قضیه حمله اظهار  
نظر می‌کند. بحث مقدمه واجب در بعضی کتب اصولی مثل اصول فقه علامه مظفر (ره) در مباحث عقلیه  
مطرح گردیده که ناخودآگاه این گزاره در ذهن نقش می‌بندد که حاکم در بحث مقدمه واجب که باید در  
مورد نسبت وجوب یا عدم وجوب مقدمه واجب اظهار نظر نماید، عقل است یا به زعم ایشان عقلا است.  
البته خود ایشان تصریح می‌کند که ممکن است بحث در جایی دیگر از علم اصول نیز مطرح شود؛ یعنی  
ممکن است حاکم این موضوع عقل نباشد؛ بلکه عرف ظهور شناس باشد. به همین دلیل است که برخی  
گفته‌اند سوال در موضوع مقدمه واجب عبارت است از: لزوم عقلی تمکن از ذی المقدمه.  
در مقابل برخی دیگر این بحث را با عنوان دلالت التزامی وجوب ذی المقدمه، مطرح کرده‌اند. توجه به  
حاکم قضیه آنگاه جلوه‌نمایی بیشتری دارد که در مواردی که مثلا عرف حاکم در قضیه است، با رویکردی غیر  
عرفی مساله مورد نقاش قرار گیرد.

بخش اول از فرایند تفکر

۱- مواجهه تمام عیار با مساله

چگونگی مواجهه با مساله در حقیقت یک نکته روانشناسی است. هرگاه انسان واقعا نسبت به یک مساله  
احساس نیاز کند، حتما آن را حل خواهد کرد. ذهن بشر این قدرت را دارد که در مواردی که مجدانه در  
صدد پاسخ به سوالی برآید، پاسخ را پیدا می‌کند. تجربه نیز این مطلب را تایید می‌کند که وقتی نسبت به  
یک مساله اشتیاق و عطش وافر وجود داشته باشد، قدرت تفکر افزایش یافته و کیفیت و کمیت حل مساله  
را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر همین اساس است که به پژوهشگران توصیه می‌شود، مساله را به دغدغه  
شخصی تبدیل کنند.

حتی در مواردی که ایجاد انگیزه و احساس نیاز به صورت واقعی میسر نباشد، می‌توان به صورت کاذب در  
صدد ایجاد انگیزه برآمد. چنین تصور کند که زندانی است و تا به پاسخ مساله دست نیابد، آزاد نمی‌شود.  
پژوهشگر در مواجهه با مساله به نحوی در صدد پاسخ برآید که گویا، تنها کسی که توان حل آن مساله را  
دارد، خود اوست. اگر ذهن نسبت به پاسخ‌های موجود یا احتمالی که در خارج از ذهن وجود دارد، تحریم

شود، به صورت ناخودآگاه تمام ظرفیت خود را برای حل مساله به کار خواهد گرفت.

## ۲- شناخت نوع مساله

برای شناخت نوع مساله باید نوع سوال مشخص شود. به عبارت دیگر باید تبیین گردد که در صدد پاسخ به چه سوالی هستیم و اساسا پژوهشگر به دنبال چیست. بر همین اساس سوالات را می‌توان در چهار گروه دسته بندی کرد:

الف- سوال از ثبوت اصل شیء؛ یعنی هستی و نیستی؛

ب- سوال از ثبوت یک ویژگی برای شیء؛

ج- سوال از چیستی و تصور شیء؛

د- سوال از چرایی ثبوتی و اثباتی شیء؛

به عنوان نمونه در بحث موانع جریان اصول عملیه در اطراف علم اجمالی، یکی از موانع را تحقق مخالفت التزامی می‌دانند. شیخ انصاری این سخن را مورد نقد قرار می‌دهد. شیخ انصاری قائل است که مخالفت التزامی اهمیتی ندارد؛ زیرا دلیلی بر لزوم موافقت التزامی وجود ندارد. سپس در صدد بیان ادله‌ای برای اثبات لزوم موافقت التزامی برمی‌آید. در مقابل مرحوم امام خمینی (ره) می‌فرماید تلاش در این بحث برای یافتن دلیل نسبت به لزوم موافقت التزامی بی فایده است؛ زیرا اساسا بحث اثباتی نیست؛ چراکه موافقت و مخالفت التزامی غیرممکن است. بنابراین سخن در اثبات موضوعی که دارای مشکل ثبوتی است، صحیح نیست.

## سه تذکر

۱- مفرد بودن فکر مرکزی سوال: بر اساس فن پژوهش هر پاراگراف دارای یک جمله مرکزی است که در ابتدای آن قرار می‌گیرد. بعد از جمله مرکزی، جمله پشتیبان و در آخر جمله نتیجه‌گیری ذکر می‌شود. بنابراین، نگارش منطقی زمانی صورت می‌گیرد که این مراحل سه گانه رعایت شود. بر همین پایه می‌توان روش صحیح فکر کردن را نیز تبیین نمود؛ به این صورت که نخست فکر مرکزی ایجاد شود؛ البته نه به صورت جمله، بلکه به صورت مفرد باید این کار صورت گیرد. وجه مفرد بودن فکر مرکزی این است که تصور مساله آسانتر صورت می‌گیرد و در نتیجه موجب افزایش تمرکز می‌شود و افزایش تمرکز در حل مساله بسیار موثر است. مثلا می‌توان به جای تصور این گزاره که آیا مقدمه واجب واجب است یا خیر؟ مساله را به این صورت تصور نماییم: وجوب مقدمه واجب. این کار در حل مسائل پیچیده و دشوار کارایی بیشتری دارد.

۲- تصور بسیار دقیق از طرفین و حاکم: هر چه تصور شفاف‌تری از موضوع و محمول مساله وجود داشته باشد، حل آن آسانتر است. از جمله مواردی که به تصور بهتر طرفین مساله کمک می‌کند، مقولات عشر فلسفه است؛ زیرا این مباحث در صدد تبیین ماهیت شیء است. همچنین بحث مفاهیم اولی و ثانی فلسفی نیز در دستیابی به درک بهتر از طرفین تاثیر گذار است. مثلا در بحث موافقت التزامیه، علامه شعرانی موافقت التزامیه را از سنخ انفعال در نظر گرفته و به علت اختیاری نبودن آن به عدم امکان جعل حکم لزوم موافقت التزامی از سوی شارع رای داده است. بعضی دیگر از علما آن را از مقوله فعل دانسته و لذا به امکان جعل حکم لزوم موافقت التزامی از سوی شارع قائل شده‌اند.

۳- آبتبار شناسی و توجه به سنخ مساله برای تبیین بهتر مبادی و ابزار و منابع: مقصود آن است که مساله

پیش روی پژوهشگر، از این حیث مورد بررسی قرار گیرد که اساسا در قلمرو کدام علم باید به جستجوی پاسخ به آن پرداخت. یک مساله با مفروض گرفتن مبانی کلامی در اصول فقه مطرح می‌گردد در حالی که اگر همان بحث در علم کلام مورد بررسی قرار گیرد، تمامی مبادی کلامی مفروض، اول الکلام خواهند بود. هر علمی ابزار مخصوص به خود را داراست و تا زمانی که تبار یک مساله تبیین نگردد، امکان استفاده از این ابزارها میسر نیست.

در مورد ترتیب استفاده از ادله و ابزارهایی که در علم اصول برای حل مسائل وجود دارد به دو شیوه می‌توان عمل نمود:

الف) آیات و روایات، عرف و عقل

ب) عقل، عقلا، عرف و آیات و روایات

به نظر می‌رسد ترتیب دوم بهتر است.

بخش دوم: چگونگی ادامه فکر

پس از انجام امور مقدماتی تفکر که در بخش اول تبیین گردید، در این بخش به ادامه روند تفکر در سه مرحله می‌پردازیم.

-مراجعه به اطلاعات قبلی: اطلاعات قبلی که قرار است از آنها در حل مساله پیش روی پژوهشگر

استفاده شود باید سه ویژگی داشته باشد: وضوح لازم، ارتباط خوب و قابل تکیه بودن.

الف) وضوح لازم: مقصود از داشتن وضوح لازم این است که نسبت به گزاره مورد استفاده برای حل یک مساله، هیچ شک و شبهه‌ای از سوی متفکر وجود نداشته باشد.

ب) ارتباط خوب: وجود ارتباط خوب به این معنا است که جزء عوارض موضوع یا محمول باشد و به عبارت دیگر استفاده از گزاره‌های بی‌ربط به مساله یا گزاره‌هایی که فاقد ارتباط مناسب است، اثر بخشی مناسب در حل مساله را نخواهد داشت. مثلا در بحث حرمت مجسمه سازی بعضی می‌گویند بر اساس حکم شرعی تصویر، حکم مجسمه سازی نیز دارای فلان حکم است. در حالی بین تصویر با مجسمه سازی ارتباطی وجود ندارد یا لاقط ارتباط مناسبی وجود ندارد. بنابراین باید در حل مساله توجه داشت که مساله مورد نظر با چه مسائلی دارای مشابهت و با چه مسائلی متفاوت است و از خلط مسائلی که با مساله مورد نظر متفاوت است، جلوگیری به عمل آید.

ج) قابل تکیه بودن: این ویژگی به این معنا است که گزاره استفاده شده در حل مساله، قابل دفاع در آن علم باشد. مثلا بعضی در مقام استدلال به ادله‌ای از قبیل «این اعتقاد من است!»، «من به این مطلب یقین دارم!» تمسک می‌کنند. البته بعضی امور که اقامه برهان در آنها ممکن نیست، مصادرات وجدانی شخصی قابل طرح است. بنابراین باید به ادله‌ای تمسک کرد که مثلا در علم اصول قابلیت طرح و دفاع داشته باشد.

در مورد استفاده از ادله باید توجه داشت که میزان آشنایی ما با نوع مساله و از طرفی میزان آشنایی ما با دسته‌بندی مسائل یک علم، اثرگذاری زیادی در قدرت ما برای یافتن اطلاعات مورد نیاز دارد؛ به این معنا که وقتی پژوهشگر دقت داشته باشد که مسائل علم اصول مثلا بر اساس نوع حاکم در مساله، دسته‌بندی گردیده، سنخ مساله روشن می‌شود؛ به این صورت که مثلا در بحث الفاظ، غالبا عرف حاکم است و در قسمت ملازمات عقلیه از عقل یا عقلا استفاده می‌شود و در بحث حجج یا باید به قطع وجدانی یا به رضایت شارع دست یافت.

۲- توجه به صورت استدلال‌ها: برای حل یک مساله باید ابتدا به این نکته دقت داشت که روند حل مساله بر اساس قیاس، تمثیل یا استقرا است. هر کدام از این سه مورد دارای شرایطی است که وجود آن شرایط منجر به نتیجه‌ای درست و عدم آن منجر به نتایج نادرست می‌شود. مثلا شیخ انصاری در بحث استصحاب نسبت به شک در رافع می‌فرماید: با تتبع در ابواب مختلف فقه مشخص می‌گردد که هر جا شک در رافع باشد، به بقا حکم می‌شود. مرحوم آشتیانی می‌فرماید در جلسه درس به شیخ انصاری اشکال کردیم که به دلیل گستردگی فقه، این استقرا ناقص است و استقرا ناقص مفید یقین نیست. یعنی در واقع شیخ انصاری در مقام برهان از امری غیر یقینی استفاده کرده است. شیخ انصاری نسبت به این اشکال پاسخ می‌دهد که در واقع در این استقرا علت کشف گردیده است؛ به عبارت دیگر این استدلال در صورت استقرا است؛ اما در واقع یک قیاس منطقی است.

۳- توجه به دسته بندی منطقی شرایط و اقسام: هرگزاره و کبرای کلی که در مثلا علم اصول مطرح می‌شود دارای شرایطی است. به عنوان نمونه گزاره استصحاب حجت است، دارای شرایطی است از قبیل وجود یقین سابق، شک لاحق، وحدت قضیه متیقن و مشکوک، عدم وجود اصل مثبت، عدم جریان در امور عقلی (شیخ انصاری)، عدم جریان در شبهات حکمیه ( محقق خویی).

۴- توجه به ادله و مبانی اصلی در کنار توجه به اصطلاحات: اگرچه اصطلاحات دارای جایگاه مهمی هستند؛ اما باید دانست ریشه تمامی اصطلاحات در مبانی آنها است و در بعضی موارد بدون توجه به مبانی از اصطلاحات استفاده می‌شود.

مثلا اصطلاح عدم جواز تمسک به عام در شبهه مصداقیه، بسیار اصطلاح پر کاربرد و معروفی است؛ اما باید در نظر داشت، پشتوانه این اصطلاح عبارت است از، تحلیل عرفی فهم انسان‌ها در رابطه با شبهه مصداقیه خاص. وقتی به این پشتوانه دقت کنیم در میابیم اگر در مواردی مثلا در موارد دوران بین متباینین، عرف برای عام ظهوری قوی در نظر می‌گیرد و به عام تمسک می‌کند؛ هرچند شبهه مصداقیه وجود داشته باشد. اصطلاح تخصیص عام به وسیله خاص نیز در بسیاری موارد قابل جریان نیست. مثلا در مواردی که تخصیص منجر به خروج مورد از تحت دلیل می‌شود.



به همت موسسه آموزش عالی اسراء دومین نشست سلسله نشست های «نسبت فلسفه و تفسیر» در بنیاد بین‌المللی اسراء برگزار گردید که در این نشست حجت الاسلام و المسلمین مرتضی جوادی آملی و حجت الاسلام و المسلمین سید عباس قدیمی نژاد به ارائه مباحث خود پرداختند.

در ابتدای نشست، دبیر علمی جلسه حجت الاسلام خلیل پور با تنقیح رویکردها و رهیافت های موجود در علوم مختلف به نسبت اضافی بین دو علم گرانسنگ و سترگ تفسیر و فلسفه اشاره کرد و گفت: برقراری ارتباط بین دو علم فلسفه و تفسیر، چه در قالب فلسفه ی تفسیر و چه با عنوان تفسیر فلسفی، امری ضروری و تردید ناپذیر است.

سپس با توجه به ظرفیت علوم عقلی و خصوصا فلسفه در تفسیر قرآن کریم، هر یک از اساتید به ارائه مطالب و نکات خود پرداختند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی با مقدمه ای درباره فلسفه آفرینش کتاب و نسخه هدایت انسان ها بحث خویش را آغاز کردند. ایشان این کتاب را سراسر مشحون از جلوه ها و معارف توحیدی و وحی را در جایگاه خودش مقدس و

منزل دانستند که علم تفسیر و فلسفه باید مکمل یکدیگر بوده تا به تبیین وحی پردازند.

استاد مرتضی جوادی آملی در ادامه به ورود فلسفه در سه حوزه کلان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اشاره کرده و با بیان نمونه‌ای از کارکرد فلسفه در بحث هستی‌شناسی مباحث خود را به اتمام رساندند.

در ادامه این نشست، حجت‌الاسلام و المسلمین قدیمی نژاد به تبیین ظرفیت‌های فلسفه در تفسیر اشاره کردند.

ایشان در ۶ عرصه به تبیین نمونه‌هایی از این کار بست‌ها اشاره نمودند که می‌توان به «استفاده فراوان از اصل تشکیک وجود در تبیین معانی پلکانی قرآنی»، «ایجاد درک بهتر وحدانیت از طریق اصل صرافت و بساطت وجود» و «افزایش قدرت تحلیل در کشف مناطات گزاره‌های قرآنی» اشاره نمود.



## ۱۱۴. نقش سنت در تفسیر قرآن

نشست علمی «نقش سنت در تفسیر قرآن» با نگاهی به نظریه تفسیر قرآن به قرآن در بنیاد فرهنگی امامت در شهر قم، برگزار شد.

این نشست از مجموعه نشست‌های پژوهشکده امامت بود که با حضور پژوهشگران و با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی نصیری در محل بنیاد فرهنگی امامت برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر عبدالمجید اعتصامی به عنوان دبیر علمی نشست ضمن تقدیر و تشکر از حضور اساتید و پژوهشگران در این جلسه، به تشریح موضوع و ضرورت برگزاری این نشست پرداخت و گفت: نظریه تفسیر قرآن به قرآن از نظریه‌هایی است مبنای متفاوتی در این زمینه بیان شده است و هدف از تشکیل این نشست، بیان دیدگاه‌ها و مباحث مختلف در این حوزه موضوعی است.

### حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی:

**«بیان، تبیین و تفسیر در مورد قرآن سه مقوله جدا از هم است که نسبت سنت با هر مقوله باید به صورت مستقل بررسی شود.»**

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی با تبیین مبنای تفسیری علامه طباطبایی، به لحاظ وجود شناختی، حقیقت قرآن و سنت را یک وجود واحد معرفی کرد که در عالم کثرت و نشئه طبیعت به دو منبع کتاب و سنت تقسیم شده است، و از این رو، معرفت نسبت به هر دو منبع و تمسک به هر دو لازم و ضروریست.

وی با تشریح تفسیر قرآن به قرآن و نقش سنت در آن، تأکید کرد: علامه طباطبایی با تفکیک بین «بیان»، «تبیین» و «تفسیر»، قرآن را به مثابه راه هدایت در بُعد «بیان»، روشن و آشکار و بی نیاز از سنت و روشنگری می‌دانست، ولی در بُعد «تبیین»، آیات قرآن را بر اساس خود آیات نیازمند سنت، احادیث پیامبر (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به مثابه راهنمای این راه می‌دانست.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی افزود: تفسیر که وظیفه عالمان و اندیشمندان دینی می‌باشد مقوله‌ای متفاوت از بیان و تبیین قرآن است و چیزی جز روشنگری در مرحله الفاظ نیست؛ و تدبر، تعقل، تفقه و تفکر در قرآن هم راهی برای ارائه تفسیر هر چه بهتر از قرآن است. لذا بر این اساس «تبیین» که رسیدن به حقیقت وحیانی قرآن است فقط به دست اهل‌بیت (علیهم‌السلام) صورت می‌گیرد و آیات قرآن نیز به این مهم تصریح دارند.

در ادامه این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نصیری نیز به بیان دیدگاه‌های خود در این موضوع پرداخت و سپس حضار به طرح سوالات خود از ارائه‌کنندگان این نشست پرداختند.

در پایان این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی، رئیس مدیر عامل بنیاد فرهنگی امامت نیز ضمن تشکر از اساتید و طلاب و پژوهشگران حاضر در نشست، ادامه این نشست ها به منظور تبیین هر چه بیشتر موضوع و ادله طرفین را خواستار شد.

گروه فقه حقوق و تکالیف شهروندی

## پژوهشگاه فقه معاصر

با همکاری مرکز تخصصی آخوند خراسانی  
برگزار می‌کند

### نشست علمی

« بررسی فقهی حق دسترسی به فضای مجازی به عنوان حق شهروندی »

ارائه دهنده  
دکتر احمد علی قانع  
عضویت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

دبیر علمی  
دکتر علی شریفی  
استاد جامعه المصطفی

ناقد  
استاد مصطفی دُزّی  
قائم مقام پژوهشگاه فقه معاصر

لینک: [vcpro.ir/riicj1](https://vcpro.ir/riicj1)  
Adobe Connect

مکان  
مکان: قم - خیابان شهید  
فاطمی (دورشن) -  
کوچه ۳۰ - پلاک ۵۳

زمان  
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵  
ساعت: ۱۸:۰۰ - ۲۰:۰۰  
محل: کلاس

در نشست علمی «حق دسترسی به فضای مجازی به عنوان حق شهروندی» مطرح شد:

**قانع:** ثبوت حق استفاده از فضای مجازی، بدیهی است / محدودیت و فیلترینگ چه در واقعیت و چه در مجازی، لازم و ضروری است / فیلترینگ مانع تقویت فرهنگ و اعتقادات مردم می شود / دُزّی: بیانات ایشان ارتباطی به حقوق شهروندی نداشت / اقدامات سلبی مانند فیلترینگ، باعث کم کاری و تنبلی دستگاه های متولی اقدامات ایجابی می شود

به همت گروه فقه حقوق و تکالیف شهروندی پژوهشگاه فقه معاصر، و با همکاری مرکز تخصصی آخوند خراسانی، نشست تحت عنوان «حق دسترسی به فضای مجازی به عنوان حق شهروندی» در محل پژوهشگاه برگزار گردید.

در ابتدا، دبیر جلسه، حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی شریفی (استاد جامعه المصطفی العالمیه) گفت: ارائه کننده، حجت الاسلام دکتر احمدعلی قانع (عضوهیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام) و ناقد، حجت الاسلام آقای مصطفی دُری (قائم مقام پژوهشگاه فقه معاصر) هستند.

وی در ادامه به تشریح موضوع پرداخت و گفت:

همانطور که مستحضر هستید موضوع نشست، بررسی فقهی حق دسترسی به فضای مجازی به عنوان حق شهروندی است. در منشور حقوق شهروندی اسلامی ایران که در ریاست جمهوری جناب آقای دکتر حسن روحانی ابلاغ شد در ماده ۳۳ تا ۳۶ به عنوان حق شهروندی اشاره شده است. به ویژه ماده ۳۳ به این مسئله تصریح کرده که حق دسترسی به فضای مجازی برای همه شهروندان جمهوری اسلامی ایران است. اما برای اینکه فضای مجازی را به عنوان یک حق برای شهروندان در نظر بگیریم آیا دلیلی وجود ندارد یا خیر؟ و اگر دلیلی وجود دارد، آیا توانیم این حق را از شهروندان سلب بکنیم یا اینکه نمی توانیم؟ اگر می توانیم سلب بکنیم محدوده ها برای اعمال حق محدودیت چیست؟

پس در اینجا سه مسال مطرح شد:

اول اینکه آنچه به عنوان حق شهروندی برای استفاده از فضای مجازی مطرح است، قابل اثبات است یا خیر؟

دوم اینکه آنچه در منشور حق شهروندی مخصوصا در ماده ۳۳ مطرح شده، پشتوانه ای در قوانین بالا دستی هم دارد یا خیر؟ در قوانین عادی چطور؟

وسوم اینکه از منظر علم حقوق، آیا می توان در کنار حقوقی مثل حق مسکن، و... حقی به نام حق دسترسی به فضای مجازی نیز برای شهروندان قائل شد یا خیر؟ در متون فقهی چطور آیا به چنین حقی اشاره شده است؟ حقی تحت عنوان حق تعلیم و حق دسترسی به اطلاعات.

از آن طرف، محدودیت های این حق کجاست؟ آیا حاکمیت می تواند محدودیت هایی برای این حق قائل باشد یا خیر؟

### **فیلترینگ مانع تقویت فرهنگ و اعتقادات مردم می شود!**

پس از سخنان شریفی، ارائه کننده نشست علمی به ارائه مباحث خود پرداخت و گفت:

در جواب به پرسش نخست آقای شریفی عرض می کنم که: در بسیاری از امور، بین فضای واقعی و مجازی، تفاوتی وجود ندارد.

به نظر من عقل انسان حکم می کند به ضرورت و لزوم دانستن و متون دینی هم ارشاد به حکم عقل کرده و چنین سفارش هایی داشته اند. لذا ثبوت حق استفاده از فضای مجازی، بدیهی است.

در این امور، بین شهروند مسلمان و غیر مسلمان تفاوتی نیست و آموختن برای همه لازم و پسندیده است. به همین خاطر برخی از خطابات قرآنی خطاب به همه انسان هاست.

حتی به نظر من طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه، از باب اثبات شئی و اثبات ضرورت علم برای مسلمان است و نفی ما عداه نمی کند. البته داستان کافر حربی در بعضی امور، متفاوت است.

اما اینکه صحنه واقع و مجاز را یکسان می دانیم، مبتنی بر دو دلیل است:

### اول) اطلاق ادله:

مقدمتا عرض می کنم که دین اسلام برای دوره و زمان خاصی نیست. و تا روز قیامت پابرجاست. بر اساس روایات: لانه لم ینزله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس.

خدای متعال می فرماید: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ \*\* وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. نور ۳۰ و ۳۱. این بیان اطلاق دارد و لذا بین مجازی و واقعی فرقی نیست.

### دوم) مقاصد شریعت:

احکام دینی، تابع مصالح و مفاسد است. البته استثنا هم داریم که احکامی را بنابر آزمایش یا عذاب تشریح می کنند.

اما به بحث اصلی وارد شویم. اگر اصل بحث را بدیهی می دانیم، پس باید به سراغ استثناء ها بشویم که تمام بحث، مربوط به همین است.

در رساله دکترای خودم، بحث کتب ضلال را بررسی کرده ام. هم از بعد فقهی و هم از بعد قانونی و مطبوعاتی. در بخش دوم نه محور را استقراء کردم.

- افتراء و کذب: اولین آنها افتراء و کذب است. از زیر مجموعه های این مبحث، بدعت در دین، تحریف و... را شامل میشود. این کارها چه در واقعیت رخ دهد و چه در فضای مجازی.
- ایجاد یاس از رحمت خدا و امن از مکر خدا: لا یامن من مکر الله الا القوم الخاسرون
- افشای اسرار فردی و جمعی و حکومتی
- تحریک جنسی و تحرض بر بی بندوباری
- انکار و کفر نسبت به ضروریات دین
- دشنام و توهین نسبت به خدا و مخلوقات
- ترویج مکاسب محرمه
- به کار گیری شیوه مغالطات که مصداق اضلال و گمراه کردن است.
- خرافات: یعنی هرچیزی که بر عقل و شرع مبتنی نباشد.

این امور چه در فضای مجازی باشد و چه در فضای حقیقی و واقعی، فرقی ندارد و حرام است. طبعا کسانی که با فیلترینگ مخالف هستند، طرفدار آزادی در فضای واقعی هم هستند. اما اعتقاد ما است که محدودیت و فیلترینگ چه در واقعیت و چه در مجازی، لازم و ضروری است. زیرا محتواهای گمراه کننده با هدف خلقت انسان سازگار نیست. ولکن در مورد جزئیات و روش اعمال محدودیت باید صحبت کرد. در مورد این مساله چندین شبهه مطرح شده است. این شبهات را در کتابم تحت عنوان گفتار هایی در فقه فرهنگ و ارتباطات آورده ام.

**اول** (فضای مجازی و فیلترینگ، از مسائل مستحدثه است و لذا در مورد حکم آن باید به ادله عام مراجعه کرد).

**پاسخ:** اصل فضای مجازی از مسائل مستحدثه است. ولی اعمال محدودیت در مورد مطالب گمراه کننده خیر. لذا باطن بیاناتی مانند فلینظر الانسان الی طعامه، که شامل غذای معنوی هم میشود، اعمال محدودیت را ثابت می کند.

**دوم** (آنچه مورد نهی و محدودیت واقع شده است، کتاب کاغذی است، نه فضای مجازی و کتاب الکترونیکی).

**پاسخ:** مراد از کتاب، هر وسیله ای است که برای انتقال پیام مورد استفاده قرار میگیرد.

**سوم** (اگر شما از راه قاعده نفی سبیل می خواهید دسترسی کفار را محدود کنید، باید بگوییم که این دلیل اخص از مدعاست. حال این اخص بودن را به چند صورت معنا کرده اند که به یکی از آنها اشاره می کنیم:

در اینجا هم مکلف متفاوت است و هم تکلیف. زیرا مفاد نفی سبیل در ما نحن فیه این است که مردم عادی به مطالب و فرهنگ دشمنان توجه نکنند؛ و این در جای خود صحیح است. اما فیلترینگ یعنی اینکه نه مردم بلکه حکومت و یک مرجع قوی، اعمال محدودیت کند.

**پاسخ:** نفی سبیل، شامل هرگونه محدودیت می شود. هرکسی در هر مرتبه ای که هست لازم است که اعمال محدودیت کند. مردم به جای خود و حکومت هم به جای خود. و الا اگر حکومت کاری نکند، تعاون بر اثم خواهد بود.

**چهارم** (فیلترینگ مانع تقویت فرهنگ و اعتقادات مردم می شود).

**پاسخ:** فیلترینگ یکی از کارهایی است که حکومت باید بکند. کارهای ایجابی مانند ترویج و تبلیغ فرهنگ دینی هم از جمله وظایف حکومت است.

**پنجم** (فیلترینگ مانع آزاد اندیشی بوده و اجازه تفکر و انتخاب آزادانه را سلب میکند).

**پاسخ:** در فضای مجازی با اموری مواجه می شویم، که از سنخ اندیشه نیست. بلکه در اکثر اندیشه ها و فرهنگ ها، ناصواب و ناصحیح است. و بیان این نکته الزامی است که طرح اندیشه های گوناگون در مجامع خاص به خود باید مطرح شود نه در فضای عمومی که مخاطبان اکثرا غیر عالم و متخصص هستند.

دبیر جلسه:

به طور خلاصه، استاد قانع گفتند که حق دسترسی به فضای مجازی از سنخ حق دسترسی به اطلاعات است و حقی بدیهی است.

آنگاه داده های مجازی را به دو دسته مجاز و ممنوع تقسیم کردند. و سپس نسبت به نوع دوم حق مردم را سلب کردند و وظیفه حکومت دانستند که مردم را از مطالب دور کنند.

### **بیانات ایشان ارتباطی به حقوق شهروندی نداشت!**

در ادامه جلسه، ناقد محترم، حجت الاسلام آقای مصطفی دُری(قائم مقام پژوهشگاه فقه معاصر) صحبت های دکتر احمدعلی قانع را به بوته نقد گذاشت و گفت:

در مورد مطالب استاد قانع، نکاتی را عرض میکنم.

**اول** (عنوان نشست با مطالب بیان شده سنخیت زیادی نداشت. بیانات ایشان ارتباطی به حقوق شهروندی نداشت. ایشان صرفا در مورد فیلترینگ سخن گفتند.

شهروند چند معنا دارد. یک معنای آن این است که تابعین یک کشور، شهروند آن حساب می شوند و لذا اگر حقی برای شهروندان یک کشور ثابت شد، جهانگردان چنین حقی را نخواهند داشت.

**دوم** (وقتی ما این موضوع را از منظر شهروندی بررسی می کنیم، در حقیقت دو حق شهروندی با هم تضاد و تنازع دارند. یک حق، حق استفاده آزاد از فضای مجازی و دسترسی به اطلاعات و دیگری، ایجاد فضای پاک در جامعه. در این نشست می خواهیم این نکته را بررسی بکنیم که آیا فیلترینگ از مصادیق حق دوم است یا خیر؟ که آقای قانع به این نکته پرداخت.

این نکات باید پاسخ داده شود که آیا حق آزادی از حقوق ذاتی است که اعطایی از جانب هیچ دین و شرعی نیست؟ اگر ایشان این حق را ذاتی می دانند، پس چگونه می توان آن را محدود کرد؟

**سوم** (سیره اهل بیت علیهم السلام در مورد کتب ضاله چه بود؟ داستان ابن ابی العوجاء که برای همه صحبت می کرده و صحابی امام صادق علیه السلام با او برخورد می کنند و او می گوید اگر امام صادق بود اینگونه برخورد نمی کرد، این داستان چگونه تحلیل می شود؟

آقای دکتر، بیشتر استدلال می کنند به امور جنسی. همه در مقام نظر متفق هستند که این امور و مطالبی که مربوط به هتک و ناسزاست باید خارج از دسترس باشد. آنچه مورد نزاع است، دسترسی به مطالب خبری و علمی است که از نظر حاکمان کشورمان گمراه کننده هستند. چراکه دسته از مردم این مطالب را گمراه کننده نمی دانند. و ممکن است بگویند اتفاقا صدا و سیمای ماست که اخبار را تحریف می کند.

**چهارم** (اقدامات سلبی مانند فیلترینگ، باعث کم کاری و تنبلی دستگاه های متولی اقدامات ایجابی می شود.

**پنجم** (اینکه فیلترینگ عمومیت پیدا کند، و صرفاً برای سایت های مستهجن نباشد، قبح استفاده از فیلتر شکن را از بین می برد. و فرد با استفاده از فیلتر شکن برای سایت های خبری و علمی مخالف، می تواند نگاهی نیز به مطالب غیر اخلاقی می اندازد! زیرا در صورت توییح شخص استفاده کننده، او چنین جواب می دهد که من برای تارنماهای علمی و خبری از فیلتر شکن استفاده می کنم. و این یعنی فیلترینگ باعث می شود که کَرَّ عَلٰی مَا فَرَّوْا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ. رخ دهد.

پس از پایان نقدهای ناقد آقای قانع به پاسخ نقدهایی که بیان شد پرداخت و گفت:

اشکال نخست اسناد دری وارد است و من هم قبول دارم.

اما مطلب دوم این است که می فرمایید حق استفاده از اطلاعات، مصداق آزادی است و آزادی هم حق ذاتی است، صحیح نیست. زیرا اگر ذاتی بود که از آن جدا نمی شد چرا که ذاتی الشئی لا یعلل و لا ینفک عنه. پس در اسلام چیزی به نام آزادی مطلق نداریم و لازم است که آزادی ها نیز محدود شوند. حتی خود غربی ها هم که شعار آزادی سر می دهند، آزادی مطلق را عملاً اجرا نمی کنند.

اما پیرامون نقدهای حضرتعالی به محتوا عرض می شود که در مورد تورات او انجیل روایت داریم که این دو کتاب را رها کنید زیرا تحریف شده اند. پس مورد نهی واقع شده اند.

و در مورد داستان ابن ابی العوجاء، اگر طرف سخن، امام صادق علیه السلام و شاگردان ایشان باشند، خب مشکلی نیست. زیرا ایشان مصون هستند از انحراف. ولی اینکه مردم عادی که آمار مطالعه شان به چند دقیقه کوتاه هم نمی رسد، به همه مطالب دسترسی داشته باشند، این نشاید.

نکته بعد اینکه، بحث من منحصر در فیلترینگ مطالب مستهجن نیست. هرچند معتقدم که اگر حاکمان کشور، حجاب را اختیاری کنند، بی بند و باری در ایران از بسیاری از کشورها بیشتر خواهد بود!

من ۹ محور را بیان کردم که در همه آنها فیلترینگ مثل مسائل مستهجن، ضروری است. از جمله مسائل امنیتی، مسائل نظامی و جاهایی که فتنه ای برپا میشود و... و البته بنده نمی خواهم نحوه فیلترینگ در کشور را تایید کنم.

پیرامون نکته چهارم شما هم عرض میشود که این سخن کامل نیست. زیرا در مورد غذاهای مادی هیچ گاه چنین سخنی نمی گوئید. مثلاً هیچ گاه مجاز نمی دانید که وزارت بهداشت همه غذاهای مادی از قبیل مفید و مضر را آزادانه توزیع کند؛ به بهانه اینکه دستگاه های تولیدکننده مواد غذایی مفید، سست و کم کار می شوند. غذاهای معنوی از غذاهای مادی که مهم ترند.

و آخرین نکته اینکه فرمودید فیلترینگ باعث شکستن قبح فیلتر شکن می شود، باید عرض کنم که ما باید با فقه و شریعت پیش برویم، اگر فقه و دین ما چیزی را تایید کرد، بدون درنگ و مسامحه اجرا کنیم. در مورد این نکته شما اصلاً ما می خواهیم بگوییم که خود فعل این شخص (استفاده از سایت های خبری و... مخالف و معاند) حرام است، شما می فرمایید مانع کار حرام این شخص نشوید، که مبادا دچار فعل حرامی مانند استفاده از فیلتر شکن شود!



سخن شما مانند این است که بگوییم اگر خدای سبحان شراب را حرام نمی کرد، مردم اینقدر دچار شرب  
خمر که حرام است نمی شدند! ما می گوییم حکم، حکم خداست. چه مردم مرتکب شوند و چه مرتکب  
نشوند، حرام است.

۵

مدرسه اسلامی هنر و پژوهشگاه فقه معاصر  
برگزار می‌کنند:

**کرسی علمی ترویجی**

موضوع: «تخیل به مثابه موضوع حکم فقهی در هنرهای نمایشی»

ارائه دهنده:  
**مهدی داودآبادی فراهانی**  
عضو گروه هنرهای رسانه ای دانشکده صدا و سیما

ناقدین:  
**مجتبی الهی خراسانی**  
عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی

**رامتین شهبازی**  
مدیر گروه سینما در دانشگاه سوره

دبیر علمی جلسه: نواب حضرتی (کارشناس فقه هنر)

زمان: ۶ تیرماه ۱۴۰۱ | ساعت ۱۰ صبح

لینک شرکت: <https://b2n.ir/tarviji>

نام کاری: ۲۲۲۲ رمز عبور: ۲۲۲۲

در پنجمین کرسی علمی ترویجی «تخیل، به مثابه موضوع حکم فقهی در هنرهای نمایشی» مطرح شد:

**داوود آبادی:** تخیل هنری از افعال مکلف و موضوع حکم شرعی است / تخیل یکی از موضوعاتی است که از موضوعات مستنبطه عرفی حساب می‌شود / **شهبازی:** نتیجه گیری شما بیشتر مبتنی بر بحث تخیل است نه بحث فقهی / علاوه تخیل ذهنی، تخیل عرفانی هم داریم / **الهی خراسانی:** در موضوع شناسی به زاویه زبان و زاویه میراث علمی و معرفتی اسلامی باید توجه کرد / لازم بود که ارتباط این موضوع با احکام مختلف تبیین می‌شد

با همت پژوهشگاه فقه معاصر پنجمین کرسی علمی ترویجی، با عنوان «تخیل به مثابه موضوع حکم فقهی در هنرهای نمایشی» برگزار گردید.

در ابتدا، دبیر جلسه، استاد نواب حضرتی (کارشناس فقه هنر) گفت: در این نشست، ارائه‌کننده، حجت الاسلام و المسلمین مهدی داودآبادی فراهانی (عضو گروه هنرهای رسانه ای دانشکده صداوسیما) و ناقدان: حجت الاسلام و المسلمین دکتر مجتبی الهی خراسانی (عضوهیئت علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی) و دکتر رامتین شهبازی (میرگروه سینما در دانشگاه سوره) هستند.

تخیل هنری از افعال مکلف و موضوع حکم شرعی است!

پس از سخنان حضرتی، ارائه دهنده به ارائه مباحث خود پرداخت و گفت:

بحث تخیل هنری یکی از مسائل پیچیده در هنرهای نمایشی است؛ زیرا تخیل در سطوح مختلف حضور دارد. از ایده پردازی تا پایان کار.

ساحت چهارگانه، تخیل در هنرهای نمایشی

**اول) ساحت نویسندگی:** که قرار است هنرمند داستان را به کمک تخیل، خلق کند.

**دوم) ساحت کارگردانی:** کارگردان با کمک تخیل خود، داستان نوشته شده را نمایشی و اجرایی می کند.

**سوم) ساحت بازیگری:** که هنرمند با اجرای کنش دراماتیک و تخیل خود، حس موجود در متن را اجرا می کند و آن کنش دراماتیک را به مخاطب انتقال می دهد.

**چهارم) ساحت مخاطب:** که مخاطب به ذهنیت و تخیل خود، جهان داستان را کامل می کند.

ما قرار است در این چهار ساحت تخیل را بررسی کنیم و بگوییم که آیا تخیل می تواند موضوع حکم فقهی قرار بگیرد یا خیر؟ با توجه به موضوع علم فقه که مشهور فقها آن را افعال مکلف می دانند، آیا می توان تخیل را که یک فعل درونی و نفسانی است، در حکم همان فعل ظاهری بدانیم تا بتواند موضوع حکم شرعی قرار گیرد یا خیر؟

فرضیه ما این است که تخیل هنری از افعال مکلف به حساب می آید و می تواند موضوع حکم شرعی قرار بگیرد. اما برای تبیین این مساله مطالب دقیقی را باید مطرح کنیم. و لازم است که قبل از حکم شناسی، به سراغ شناخت این موضوع برویم تا تصویر صحیحی از این مساله داشته باشیم.

#### از آرای فقها، دو دیدگاه شاخص در مورد موضوع شناسی

**اول) شهید صدر:** موضوع مجموعه ای از قیود و شرایط و مقوماتی است که در فعلیت حکم دخیل است. در نظر ایشان، رابطه موضوع و حکم، رابطه علت و معلول است. لذا موضوع شناسی بر حکم شناسی مقدم است.

**دوم) مرحوم نایینی:** در فواید الاصول می فرماید: المراد بالموضوع هو ما اخذ مفروض الوجود. ایشان موضوع حکم فقهی را مفروض الوجود می داند و می فرماید که برای حکم، لازم نیست به همه ابعاد موضوع علم داشته باشیم و همین که موضوع را معلق بدانیم کافی است.

به اعتقاد ما، دیدگاه شهید صدر می تواند مبنا قرار گیرد.

موضوع حکم شرعی به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف) موضوعات منصوصه که از مخترعات شارع است.

ب) موضوعات غیر منصوصه که شارع در مورد آنها سخنی نگفته است.

سپس هر کدام از این دو به «صرفه» و «مستنبطه» تقسیم میشوند. محقق کرکی ره در مورد «آب» که موضوعی روشن و شناخته شده است، حدود ۱۷ معنا ذکر کرده اند. لذا اینکه عده ای به طور مطلق، موضوع شناسی را شان فقیه نمی دانند، ناصواب است. عده ای از فقها طراز اول نیز بیاناتی در تایید این نکته داشته اند.

به هر حال، تخیل یکی از موضوعاتی است که از موضوعات مستنبطه عرفی حساب می شود.

### **پیشینه بحث:**

مقاله مرجعیت و موضوع شناسی سید عباس رضوی. ایشان بیشتر به عرف زمانه و واقعیت های عینی توجه کرده اند.

استاد احمد مبلّغی در مقاله ای به نام موضوع شناسی در سیر تاریخی از نگاه اولیه تا نظریه های کاربردی. سیر تطور موضوع شناسی را بررسی کرده اند.

سید جعفر علوی گنابادی مقاله ای به نام نقش اجتهاد در تشخیص موضوعات احکام را نوشته اند.

اما در مورد تخیل و موضوع مورد بحث ما، کسی مقاله و نوشته ارائه نکرده است. بنده این مقالات را به عنوان پیشینه نظری عام مورد استفاده قرار داده ام.

### **ماهیت و انواع تخیل:**

در زبان عربی به معنای تصور تصویر شیئی در نفس است، یا تصور صور ذهنی که برآمده از خیال و پندار است. قوه خیال با تصرفی خاص در صوری که در ذهن است، صور جدیدی را ایجاد میکند. که به این کار، تخیل می گویند. در علم فلسفه هم مباحثی در این جا مطرح شده است.

### **انواع تخیل**

**اول) تخیل بازنمودی:** در این تخیل ذهن انسان مانند آینه عمل می کند که منعکس کننده امور است آنچنان که هستند. و هرچه که این تصویرها با واقعیت خودشان شبیه تر باشند، هنرمندان تر هستند.

**دوم) تخیل بازآفرین:** یعنی ذهن انسان، با توجه به آن تصویرهایی که از محسوسات در خود دارد، تصویرهای جدیدی می سازد. البته این تصرفات به معنی خلاقیت هنری نیست، ولی باز هم شباهتی به واقعیت عینی در آن نهفته است. این نظریه که بیشتر در آثار ارسطو دیده می شود، باز آفرینی به معنای تقلید محض نیست، ولی به معنای خلاقیتی که در تخیلی هنری گفتیم هم نیست. همین خصلت باعث می شود که شما بین مورخ و هنرمند، تفاوت قائل شوید و تصرفات تخیل هنری را در بازنمایی هنری بتوانید ببینید.

**سوم) تخیل خلاق:** تخیل غیر شبیه ساز است که چون دارای جهش بوده، ارزش هنری دارد. هنرمند، تصورات و ایده ها را به گونه ای با هم ترکیب می کند که محصول تازه ای ایجاد می شود. در این تخیل،

همان وجه مولد بودن که در مورد قبل گفتیم در اینجا هم مطرح است که قرار است تخیل به منزله یک علت صوری نقش آفرینی کند یک هویت زیبایی شناختی به پدیده ها بدهد و جهان را تغییر بدهد.

**چهارم) تخیل وانمودی:** یک نوع تجربه ادراکی ذهن هنرمند یا مخاطب از طریق صور خیال که دریافت میکند، وانمود می کند که آنچه ادراک کرده، وجود دارد. این تخیل یک ارتباط مستقیم با باور دارد. میتوان گفت این تخیل زمانی رخ می دهد که ما با نوعی انگاشت و فرض سروکار داریم. مثلا اگر کارلو کلودی بینی پینوکیو را پنج اینچ فرض می کند، تجسم چنین صحنه از راه تخیل باعث می شود که ما تصور کنیم چنین چیزی وجود دارد.

این چهار نوع تخیل، حالت‌های مختلف ذهن در مواجهه با تصورات است که لازم بود بازشناسی شود. و باید دید که در هنرهای نمایشی کدام یک از این انواع قابل استفاده است.

### **آیا تخیل میتواند به عنوان یک فعل جوانحی، معروض حکم فقهی قرار بگیرد یا خیر؟**

ما یقینا باید تخیل را که یک فعل جوانحی است به عنوان معروض و موضوع حکم فقهی بدانیم. به همین خاطر لازم است که دایره موضوع فقه را گسترده تر بدانیم و علاوه بر افعال جوارحی، افعال جوانحی را نیز زیرمجموعه آن قرار دهیم.

وقتی به ادله مراجعه می کنیم می بینیم که گفته ما تایید می شود:

**دلیل اول) جامعیت احکام شریعت:** وقتی به متون کلامی مراجعه می کنیم، می بینیم که دین اسلام را به عنوان آخرین دین معرفی می کنند و لذا لازم است این دین برای همه امور دارای حکم باشد. دین اسلام امور جزئی مانند خراش سطحی بر روی پوست انسان را هم بدون حکم رها نکرده است، لذا امور مهمتر به طریق اولی دارای حکم خواهند بود.

در روایت است که هیچی چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک کند و از آتش دور کند ، مگر اینکه من آن را برای شما بیان کردم.

ممکن است کسی اشکال کند که جامعیت اسلام در احکام واقعی قابل اثبات است ولی در مورد احکام ظاهریه تکلیفیه خیر. زیرا برخی از اصولیون به منطقه الفراغ قائل شده اند.

پاسخ: اتفاقا همین مساله منطقه الفراغ دال بر جامعیت است. زیرا فرموده اند که «فی کل ما لا نص فیه نص». یعنی خود شارع فرموده است که مکلف در اینجا آزاد است. یعنی حکم به عدم تکلیف کرده اند و این فرق دارد با عدم الحکم.

**دلیل دوم) وحدت لسان ادله:** یعنی شارع نسبت به افعال جوانحی و جوارحی یکسان عمل کرده است. لذا استظهار و کشف و... باید در هر دو قلمرو وحدت رویه داشته باشد. و حتی در لسان شارع، هردو فعل گوشزد و بیان گردیده است. از طرفی اقیموا الصلاه و از طرف دیگر لا تکنوا من المشرکین فرموده است. رک آیه ۳۱ سوره هود همچنین ۱۵۱ انعام.

**دلیل سوم) ادله خاص در این باب:** این مورد، مهمترین دلیل است. مثلا شارع فرموده است اراده برتری جویی و علو نباید داشته باشید (لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا) اراده، از افعال باطنی است. و علو هم فعل جوانحی است. حتی مرحوم طبرسی ذیل آیه روایتی را از امیرالمومنین علیه السلام نقل می کنند که اگر کسی با تبختر به بند کفش خودش نگاه کند و حس بزرگ بینی به او دست دهد، مشمول آیه و عذاب آیه است.

همچنین قرآن کریم می فرماید: «انَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ اَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِینَ اٰمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیمٌ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ» در این آیه نیز حبّ که فعلی قلبی و جوانحی است مورد نهی قرار گرفته و مشمول عذاب معرفی شده است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام می خوانیم که: «مَنْ شَبَّهَ اللّٰهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ» این نیز اشاره به فعلی جوانحی است. تشبیه قبل از توصیف است و مربوط به ذهن و درون انسان است. با توجه به اختصار همه ادله را نمی توان بیان کرد.

لذا در نظر فقها مشاهده می شود که تخیل توانسته که موضوع حکم شرعی قرار بگیرد. مثلا در مورد شعر که از امور تخیلی است، فرموده اند از آن جهت که می تواند در نفس انبساط یا انقباض ایجاد کند، دارای حکم است. یا علامه حلی در مورد سحر فرموده لا حقیقه له انما هو تخیلا. و همین سحر، موضوع حکم قرار داده شده است. همچنین در مورد نماز فرموده اند که صرف تخیل کلمات، کفایت نمی کند. در مورد روزه هم فرموده اند که تخیل صحنه ای جنسی اگر منجر به التذاذ و... شود، موجب بطلان روزه می شود.

برخی اشکال کرده اند که تخیل در هنرهای نمایشی، لازم است که ابتدا تحقق عینی پیدا کند و آنگاه موضوع حکم خارجی واقع شود. چرا که تخیل موطنی ندارد.

پاسخ: باز هم توجه می دهیم به تفاوتی که بین خیال و تخیل بود. در فلسفه هم خواندیم که خیال امری غیر ارادی بوده ولی تخیل ارادی است یعنی تصرف در صور محسوسات و ایجاد صور جدید. تخیل فعلی نفسانی به حساب می آید و لازم نیست که حتما خارجی باشد.

### **جایگاه تخیل در هنرهای نمایشی:**

از اینجا وارد بدنه اصلی بحث می شود. گفته شد که تخیل را در چهار ساحت می توان بررسی کرد.

**در مرحله اول،** تخیل نویسنده است. نویسنده به عنوان علت فاعلی از جهان واقعی با کمک تخیل، ایده پردازی میکند. نویسنده از آغاز کار که ایده خام را در ذهن می پرواند تا ساخت و پرداخت داستان و آخرین مرحله کار خود، از تخیل بهره می برد. در اینجا باید دید که نویسنده از کدام ساحت از ساحت های چهارگانه بهره می برد. آیا ذهن او به منزله آینه است، یا جهان واقع را بازآفرینی می کند، یا اینکه بازنمود می کند یا اینکه از تخیل خلاق استفاده می کند و با تصرفاتی، جهان تازه ای خلق می کند؟

**ساحت دوم** ساحت کارگردانی است؛ که کارگردان باید متن داستان را عینیت ببخشد. کارهایی از قبیل تمهیدات بیانی، چینش میزاسن، انتخاب قابها، نورپردازی و... همه ناشی از تخیل فعالی است که کارگردان

به کار می بندد. در سینما هم همین قوه تخیل است که مورد توجه نظریه پردازان است. به ویژه نظریه پردازان شکل گرا در دوران کلاسیک نظریه پردازان سینما که چهار دهه اول اختراع سینما به بعد در دهه شصت است. افرادی همچون مانسن برگ، آین هاین، آیزنشتاین و بالاش کسانی هستند که بیشترین اهمیت را به تخیل هنری می دهند. و میگویند ماده اولیه سینما، همین تخیل هنری کارگردان است. آیزنشتاین می گوید که بر اساس دیالکتیک شما باید واقعیت بیرونی را در هم بشکنید و یک تز و آنتی تز را در ذهن به وجود بیاورید و سنتز آن را بر روی پرده سینما به نمایش بگذارید. و...

**ساحت سوم،** تخیل بازیگر است. بازیگر باید بتواند در طول و عرض و عمق نقشی که به او سپرده شده، زندگی کند و فضای آن نقش را در ذهن خود پرورش دهد. آنگاه از طریق نیروی تخیلی که دارد به مخاطب منتقل کند. استانیسلافسکی یک سیستمی را در بازیگری ارائه می کند که مبتنی بر تکنیک های روانی است. او از تخیل، توجه، رهایی عضلات، حقیقت و باور و حافظه عاطفی کمک می گیرد تا این سیستم را ارائه کند و تخیل فعال بازیگر را به کار گیرد. ایشان معتقد است که درام می تواند حالتهای ذهنی و روحی انسان را در یک ارتباط نمایشی و عینی به مخاطب منتقل کند. و این کار و ارتباط نامرئی، با استفاده از تخیل است که بازیگر با حرکات چشم، بدن، زبان بدن، و... از طریق جذب و نشر پرتو، به مخاطب منتقل می کند.

اشکال: ممکن است کسی بگوید که اینها در بازیگری به صورت مطلق قابل قبول نیست. بله در هنرهای تک زمانه مثل تئاتر های باله یا موسیقی یا پرفورمنس ها که مبتنی بر بداهه پردازی هستند شاید بتوان گفت که تخیل بازیگر می تواند همراه با اجرا در زمان اجرا (= علت مادی و علت صوری) توامان اجرا شوند و موضوع حکم فقهی قرار گیرند. اما در اجراهایی که دو زمانه هستند، یعنی تخیل های بازیگر مبتنی بر یک متن دراماتیک است، در اینجا تخیل بازیگر نقشی ندارد.

پاسخ: برای پاسخ به این اشکال باید به این نکته توجه کرد که بازیگر قبل از حضور بر روی جایگاه و سن، متن و نقش را از آن خود می کند... (صدا قطع شد)

**ساحت آخر،** ساحت تماشاگر است. او می تواند به صورت فعال در تحقق گُنش دراماتیک شرکت داشته باشد و جهان مفروض خود را کامل کند. او ممکن است برداشت های شخصی داشته باشد، گمانه زنی، پیش بینی و... داشته باشد. مخصوصا در آثار دراماتیک مدرن که پایان داستان آزاد و به عهده مخاطب است، می تواند تخیل فعال داشته باشد. در واقع می توان گفت که اینجا محل ظهور تخیل وانمودی است و شکل گیری جهان داستان بر اساس تخیل ادراکی است که حضور فعال مخاطب را ایجاد می کند.

مثلا فیلم ایتالیایی زندگی زیباست. به کارگردانی روبرتو بنینی. در آن صحنه ای که زن مسیحی با مرد یهودی ازدواج می کنند و وارد خانه می شوند سپس به یک پستو داخل می شوند. بعد از چند ثانیه به همراه یک نوزاد از پستو خارج می شوند. در اینجا در جهان مفروض، چیزی ارائه نشده ولی فرض شده است. و مخاطب با تخیل خلاق خود، فرایند تولد فرزند را برای خود می سازد. این یک نمونه عینی است برای دخالت دادن مخاطب با تخیل فعال و ساخت داستان.

**جمع بندی مطالب:**

تخیل به عنوان یک فرایند خلاق، می تواند در عرصه هنرهای نمایشی نقش تعیین کننده داشته باشد. و اگر قرار است که فقیه در هنرهای نمایشی و به ویژه در مورد تخیل هنری ورود کرده و حکم فقهی بدهد، لازم است که انواع تخیل را بشناسد و از هم تمایز دهد، مفهوم تخیل را بداند و ارادی بودن آن را مد نظر قرار دهد و ساحت های چهار گانه را بازشناسی کند.

### **بیانات دبیر نشست:**

آقای داوود آبادی چند نکته را بیان کردند:

- ضرورت موضوع شناسی تخیل در فقه هنرهای نمایشی که ایشان تخیل را از موضوعات مستنبطه قرار دادند.
- تبیین ماهیت تخیل و انواع آن
- تخیل معروض حکم فقهی به عنوان فعل جوانحی و ارائه ادله ای بر این مدعا و همچنین بیان چند نمونه فقهی
- جایگاه تخیل در هنرهای نمایشی و بیان ساحت های چهارگانه آن

### **علاوه تخیل ذهنی، تخیل عرفانی هم داریم!**

در ادامه جلسه، ناقد اول دکتر و دکتر رامتین شهبازی (مدیرگروه سیمادردانشگاه صوره) صحبت های حجت الاسلام و المسلمین مهدی داوودآبادی فراهانی (عضوگروه هنرهای رسانه ای دانشکده صداوسیما) را به بوته نقد گذاشت و گفت:

نظریه دکتری بنده پیرامون تخیل بود لذا از بیانات آقای داوود آبادی بهره بردم.

بدون اتلاف وقت وارد اصل بحث می شوم. مطالب خودم را در دو قالب ارائه می کنم. یک بحث شکلی و یک هم بحث محتوایی.

### **بحث شکلی:**

در مورد بحث شکلی، نکته خاصی نمی بینم. زیرا مقاله از نظر اصول مقاله نگاری، مقاله خوبی است و چکیده و طرح بحث و نتیجه گیری قابل قبولی دارد. فقط یک پیشنهاد به آقای داوود آبادی دارم و آن اینکه بعد از اینکه وارد بحث تخیل می شویم، بحث فقهی مقداری رها می شود. یعنی نتیجه گیری شما بیشتر مبتنی است بر بحث تخیل نه بحث فقهی. پیشنهاد می دهم که در نتیجه گیری به اندازه یک بند، یا بعد از بحث تخیل، به اندازه دو بند، دوباره بحث فقهی یادآوری و مطرح شود.

### **بحث محتوایی:**



از آنجایی که در حوزه فقه، تخصصی ندارد لذا به بحث فقهی مساله ورود نمی‌کنم. اما در مورد تخیل، باید گفت که دامنه گسترده ای دارد. در این مقاله، بیشتر به بحث تخیل ذهنی پرداخته شده است. ممکن است سوال کنید که مگر غیر از تخیل ذهنی، تخیل دیگری هم داریم؟ بله، در حوزه عرفان نیز تخیل مطرح است.

آقای داوود آبادی تخیل را از نظر زبان عربی معنا می‌کنند که بسیار خوب و جذاب هم بود. سپس برای تعریف تخیل وارد فلسفه غرب می‌شوند. دسته بندی زیبایی در اینجا ارائه می‌کنند که افلاطون و ارسطو چه می‌گویند؛ تا به ذهن گراها یعنی کانت و دکارت و سپس به فلسفه مدرن می‌رسند. بعد از فلسفه مدرن یک بحث بسیار اساسی مخفی مانده است (هرچند در مقاله به تخیل فعال اشاره شد). اگر قرار است که ما در فلسفه غرب باقی بمانیم و از آن منظر بحث را پی بگیریم (که در اینجا تخیل عرفانی هم مطرح است که برای من پوشیده ماند)، لازم است ک به ویتکنشتاین متاخر هم بپردازیم چرا که او حوزه تخیل را فلسفه مدرن دستخوش تغییر کرد. او تخیل به معنی ذهنیت را امری مردود می‌داند؛ لذا تخیل را وارد بحث زبان می‌کند. او در این زمینه به کانت و دکارت و دانشمندان قبل از خود انتقاد می‌کند و در کتاب «پژوهش های فلسفی» می‌گوید فیلسوف های قبلی، مانند مگس هایی هستند که در درون یک بطری بوده و راه خروج را نمی‌دانند. او بیان می‌کند که ما نباید به دنبال تبیین و تحلیل باشیم و این دو واژه را مردود می‌داند و واژه توصیف را مطرح می‌کند. به همین خاطر به پدیدار شناسان نزدیک می‌شود و از ذهن گراها دور می‌شود.

او اضافه می‌کند که ذهن انسان ها از دسترس ما دور است. لذا بحث زبان خصوصی را مطرح می‌کند. مثلا می‌گوید وقتی شما به دوستت می‌گویی در را کمی ببند، «کمی» یعنی چقدر؟ ممکن است کم در ذهن او با کم در ذهن شما تفاوت داشته باشد. به همین خاطر او می‌گوید چیزی که به عیان می‌آید باید کاربردی باشد. از این رو بحث زبان به مثاله ابزار را مطرح می‌کند. و بحثی که او طرح می‌کند، بحث تخیل در زبان است. بنابراین اتفاقا تخیل را از ذهنیت می‌گیرد و به عینیت تبدیل می‌کند و می‌گوید تخیل باید به زبان درآید. ضرب المثل «حرف، حرف می‌آورد = الکلام یجر الکلام» همان چیزی است که ویتکنشتاین می‌گوید. یعنی ما چیزی می‌گوییم و سپس از ناخود آگاه کلام به چیز دیگری منتقل می‌شویم. آنگاه از آن جا وارد بحث سوم میشویم. اینها چیزهایی است که در تخیل زبان وجود دارد. او می‌گوید من با ذهنیت شما کاری ندارم و با آن عباراتی کار دارم که از زبان شما بیرون می‌آید.

این یک نکته که وقتی وارد فلسفه غرب می‌شویم، لازم است که این عینیت را هم مطرح کنیم تا سیر تاریخی بحث، کامل شود.

**نکته دوم** اینکه، بحث عرفان چه می‌شود؟ مطالب ابن عربی، ملاصدرا، سهروردی و... اینها چه می‌شود؟ مطالب ایشان، کاملا با مطالب فلسفه غرب متفاوت است. ایشان تخیل متصل و منفصل را مطرح می‌کنند. ابن عربی بحث واقعیت تخیل و خیالی بودن تخیل را مطرح می‌کنند. فلسفه غرب معتقد است که تخیل امری مجازی است؛ زیرا انسان وجود دارد، ذهن انسان وجود دارد، تصاویر را جایگزین واقعیت می‌کند پس تخیل امری مجازی است. اما تخیل خلاق ابن عربی امری واقعی است. یعنی ذات پیدا می‌کند و به ذات خدای متعال متصل می‌شود. یعنی خدای متعال تخیل کرده است و انسان واقعی خلق شده است. پس تخیل، واقعی است.

برای من سوال است که حکم فقهی راجع به این مساله چیست؟

اگر آقای داوود آبادی صلاح نمی دانند که تخیل عرفانی را مطرح کنند، خوب است در عنوان مقاله اضافه شود که ما در مورد تخیل غربی بحث می کنیم.

و در مورد بحث نمایشی، آقای داوود آبادی بسیار زیبا وارد شده و دسته بندی کرده بودند. رابطه بازیگران با یکدیگر، رابطه بازیگر با نویسنده و کارگردان و... را به خوبی تبیین کرده اند.

می توان نکات ایشان را به مرحله آزمون گذاشت، یعنی از وجه کیفی به کمی و به یک مقاله پیمایشی تبدیل کرد که اینها در مرحله عمل چه نتیجه ای می دهند.

### **درموضوع شناسی به زاویه زبان و زاویه میراث علمی و معرفتی اسلامی بایدتوجه کرد!**

پس از نقدهای دکترامتین شهبازی ناقد دوم حجت الاسلام و المسلمین حجت الاسلام و المسلمین دکترمجتبی الهی خراسانی(عضوهیئت علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی) به ارائه مطالبش در ضمن نکات زیر پرداخت:

وجوه ارتباطی میان فقه و هنر، یکی از چالش هایی است که در فقه هنر مطرح است. از نظر برخی، هنر ارتباطی با فقه پیدا نمی کند و ارتباط دادن این دو تقلیل دادن جایگاه هنر و مرتبط ساختن آن با غیر هنر است. زیرا قائلند که دسته ای از مسائل هنری، به عنوان صنعت و فناوری مطرح است. دسته ای از مسائل آن به فلسفه هنر بازمی گردد. و اساسا خود هنر ارتباطی با فقه ندارد مگر زمانی که وارد چرخه بازار و... می شود. مقاله آقای داوود آبادی این مساله را حل می کند.

چند پیشنهاد دارم:

**پیشنهاد اول** (مناسب این بود که وقتی به موضوع شناسی می پردازیم، چند زاویه را در نظر بگیریم. **نخست زاویه زبان**؛ یعنی واژه شناسی این واژگان در عربی، در فارسی و انگلیسی و زبانهای لاتین. که این کار به مقدار لازم صورت نگرفته است.

**زاویه دیگر میراث علمی و معرفتی اسلامی**؛ از این رو لازم بود تخیل هنری در فلسفه مشاء، به ویژه در فلسفه اشراق و حکمت متعالیه. همچنین در میراث متصوفه و عرفان به همین صورت. در حوزه عرفان، تخیل، تجسد می بخشد و تجلی وصفی از اوصاف الهی است. و به گفته ابن عربی، عالم هیبوط بسیاری از شرایع، عالم خیال است.

اگر ردپای تخیل شعری، تخیل ادبی، تخیل داستانی و... در حوزه فقه دیده می شود، مناسب بود که یا در ابتدای پیشینه بحث، یا در انتها و پس از بیان تقسیم بندی های فلسفه های معاصر در حوزه تخیل، به تخیل هنری به مثابه موضوع فقهی هم اشاره میشد؛ هرچند که در بیانات شفاهی ایشان چنین اشاراتی بود که در مباحثی از فقه به اموری نزدیک به تخیل هنری یا از همان جنس در حوزه ادبیات اشاراتی شد. حتی در اینجا استفتائاتی هم داریم که می توانست اشاره وار ذکر شود.

**پیشنهاد دوم** (با درک اینکه این مقاله بیشتر در صدد اثبات ارتباط فقه با تخیل در هنرهای نمایشی بود، ولی تصور می‌کنم برای اثبات این ارتباط، این نکته که تخیل از افعال جوانحی است و فقه برای افعال جوانحی نیز سخن دارد، کافی نیست. لذا می‌توان گفت که موضوع «تخیل هنری به مثابه یک موضوع فقهی» - بعد از اینکه حوزه ارتباطی آن روشن شد- از چه جنسی است؟ آیا از موضوع منصوصه و جزء اختراعات شرعی است، منصوصه عرفیه است، مستنبطه است، مستحدثه است؟ خود موضوع به لحاظ فقهی قابلیت داشت که تحلیل شود و ضوابطی که برای تقسیمات فرمودند بر روی عنصر تخیل مطالعه شود. طبعاً وقتی این تقسیم صورت بگیرد هم وجه ارتباط روشن می‌شود و هم بومی‌سازی ادبیات فقهی در حوزه تخیل هنری صورت می‌گیرد.

همچنین برای اثبات ارتباط میان فقه و تخیل هنری، عناوینی که می‌تواند شکل مشابه یا مرتبط با تخیل هنری در فقه داشته باشد، را توضیح دهید. فرض کنید که ما در تحلیل لغوی تخیل، یک معنای عام را در ذهن بگیریم. اما آن معنای عام در تخیل هنری مورد بحث نیست. اما خصوص تخیل هنری یا قوه خلاقه هنری، یا کنش ذهنی هنرمند در خلق اثر هنری، می‌تواند عناوینی پیدا کند. به عنوان مثال، خلق یا خلاقیت در فقه مورد بحث است که مرز آفرینش‌گری انسان چیست؟ مانند مباحثی که در تصویرگری مطرح است.

**پیشنهاد سوم** (در مورد اینکه آیا فقه در افعال جوانحی سخنی دارد یا خیر، می‌شد بحث به صورت مختصر ولی متنوع باشد. افعال جوانحی (چه افعالی که به عنوان افعال اعتقادی و شناختی مطرح می‌شود و چه افعالی که به عنوان افعال عاطفی است) نمودهایی دارد. مثل ردپای ملکات و صفات پایدار که در فقه دیده می‌شود. تصور می‌کنم این موارد هم از مواردی است که به غنای مقاله کمک می‌کند. و از طرفی این تنظیم می‌تواند برای همیشه افعال جوانحی را به فقه مرتبط کند تا نیازی به تکرار آن نباشد.

**پیشنهاد چهارم** (اینکه کدام یک از وجوه افعال جوانحی در تخیل هنری مطرح می‌باشد، در موضوع دخیل است. یعنی بعضی افعال جوانحی اعتقادی است، برخی افعال عاطفی است و برخی هم کنش‌های ذهنی است که از آن به تخیل یا خلاقیت هنری تعبیر می‌کنند. همچنان که تخیل عرفای با تخیل مورد بحث تفاوت دارد.

**پیشنهاد پنجم** (مناسب بود که درباره احتمالات این موضوع سخن می‌گفتند. البته شاید به نظر برسد که چون تحقیق مولف، موضوع شناسانه است، همین مقدار کافی است ولی در بخشی پایانی به صورت مختصر لازم بود که ارتباط این موضوع با احکام مختلف تبیین می‌شد، خود این کار، سکوی پرشی برای تحقیقات بعدی است.

**پیشنهاد ششم** (درباره آنچه که به مرحوم نائینی و دیگر فقها نسبت می‌دهند و مستند خود را بیانات مرحوم استرآبادی که اخباری و محدث هستند نه اصولی، قرار می‌دهند، تامل و اشکال است. همچنین خوب بود که نظر صاحب عروه و مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری که مخالف فقهی بودن افعال جوانحی هستند، هم ذکر می‌شد. و تناقض‌های عملی ایشان بیان می‌گردید.

**پیشنهاد هفتم** (در نتیجه گیری و چکیده بیان کردید که همه انواع تخیل، حتی تخیل بازنمودی می تواند موضوع فقهی باشد، درحالیکه این تخیل، به عنوان انعکاس منفعلانه، یا صورت سازی خودکار ذهن بدون فعالیت ذهن و تصرفات کانتی و دکارتی در آن فرض می شود، خیلی روشن نیست که موضوع فقه باشد؛ زیرا در اینجا فعل و کنش چندان مطرح نیست و بیشتر انفعال مطرح می شود. یا دست کم فعل، فعل اختیاری نیست. لذا در اینجا لازم است مولف محترم توضیح و تبیین بیشتری صورت دهد. و اگر این دسته از تخیل، جزء تخیل هنری نیست نباید در چکیده و نتیجه گیری بیان می گردید.

پس از پایان نقدهای ناقدان، آقای داوودآبادی به پاسخ نقدهایی که بیان شد پرداخت و گفت:

یکی از اشکالاتی که مشترک بود میان ناقدین محترم، بحث مفهوم شناسی بود که بنده تعدا اینگونه مطرح کرده ام. شیخ انصاری در مفهوم شناسی شیوه ای دارد که چهار مرحله دارد. ایشان با این مراحل بیشتر به دنبال تبیین این نکته هستند که آیا حقیقت شرعیه اتفاق افتاده یا خیر؟ من نمی خواستم بحث گسترده شود. لذا خواستم معنایی را که هم در فلسفه اسلامی مطرح است و هم هنری های فلسفه غرب آن را پذیرفته اند، مبنا قرار دهم. اما بعد از تذکر شما، ضرورت آن را حس کردم.

نکات و نقدهای بعدی نیز مورد قبول است ولی مشکل اینجاست که در صورت لحاظ آن نکات، حجم مقاله از حالت استاندارد فراتر می رود.

در پایان آقای الهی خراسانی اشاره کردند که پژوهشگاه فقه معاصر لازم است که از مباحثی که به صنعت هنر و حقوق هنری و... مرتبط است دست برداشته و به رابطه فقه با ذات هنر بپردازد. یعنی هم این مساله را توسعه دهد و هم صرفا همین خط مشی را ادامه دهد و از طرح مباحثی که به رابطه فقه با صمیم هنر، مربوط نیست دوری کند.

**آنچه در کرسی علمی ترویجی «بررسی شبکه مسائل فقهی فن آوری متاورس» مطرح شد:**

**نهاوندی:** متاورس، اولین فرضیه برای ایجاد زیست بوم سایبری است / باید به صورت شبکه مسائل به موضوع متاورس نگاه کرد / اقتصاد متاورسی بر «تمرکز زدایی» تاکید دارد / **اسماعیلی:** جوهره متاورس، فراقه است / ماباید هرچه سریعتر مباحث متاورس را به مرحله عملیات برسانیم / **اکبری:** ضمانت اجرایی در فضای متاورس وجود ندارد

انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه های علمیه، هشتمین کرسی علمی ترویجی خود را با همکاری پژوهشگاه فقه معاصر، با عنوان «بررسی شبکه مسائل فقهی فن آوری متاورس» به صورت حضوری و مجازی برگزار کرد.

در ابتدا، دبیر جلسه، حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی سهیلی مقدم «استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر فضای مجازی» گفت: در این نشست، ارائه کننده، حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی نهاوندی «استاد دانشگاه و درس خارج و سطح عالی حوزه های علمیه» و ناقدان: حجت الاسلام دکتر مسعود اسماعیلی «عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» حجت الاسلام و المسلمین دکتر محسن اکبری «رئیس کمیته علمی ارتباطات انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه های علمیه» هستند.

#### **اقتصاد متاورسی بر «تمرکز زدایی» تاکید دارد!**

پس از سخنان سهیلی مقدم، ارائه کننده کرسی ترویجی به ارائه مباحث خود پرداخت:

متاورس یک مطالعه میان رشته ای است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه الوابس». این روایت در مورد همه ابعاد سیاسی فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده باید قرار بگیرد.

ما نمی توانیم به نگاه سلبی و مانع زا، در مورد یک فناوری بحث کنیم.

#### **برای شروع بحث لازم است چند مقدمه را مطرح کنیم:**

الف) خاستگاه تمدنی غرب چون دارای مبانی ماتریالیستی و اومانیستی است، و اهداف دموکراسی و لیبرالی را در توسعه تکنولوژی های خودش مورد دقت قرار می دهد، ما می توانیم این تلقی را داشته باشیم که این جهت به سمت جهان مدیا و جهان متا در حال پیشروی است.

ب) انتقال قدرت به سمت جهان متا، ناچارا تغییراتی را در ابعاد فرهنگی و هویتی و اقتصادی به همراه دارد.

ج) این فناوری هنوز ابعاد میدانی روشنی ندارد؛ یعنی در حد یک فرضیه است و حتا تئوری هم نشده است، لذا نمی توان تحلیل دقیقی را از آن ارائه کرد.

ممکن است کسی بگوید ابتدا اجازه دهید این فناوری، واقعیت عینی پیدا کند، آنگاه در مورد آن سخن بگویید.

در پاسخ می‌گوییم: سنت فقهای سلف ما چنین بوده که موضوعاتی را مطرح می‌کردند که هنوز واقعیت نداشته و صرف یک فرضیه و احتمال بوده است. مانند طرح سفر به کرات دیگر و نحوه انجام عبادات در آنجا، آن هم در زمانی که هنوز چنین سفری ممکن نبوده. مرحوم آیت الله محمد صدر در کتاب فقه الفضا، این موضوعات را مطرح کرده و از اسلاف مطالبی را نقل می‌کنند. همچنین مرحوم شیخ بهایی، کتاب سرائر، غنیه و... چنین مطالبی دارند.

روش مطالعه در این موضوع، «توصیفی تحلیلی با ابزار گردآوری کتابخانه ای و نرم افزاری» است. سخنرانی‌ها، مقالات، دستاورد هایی که به نوعی مربوط به آینده این فناوری باشد، مصاحبه با کارشناسان، مطالعاتی که در فضای مجازی به عنوان وب یک و دو مطرح بوده و موضوعات مورد پرسش از فقها و... اینها منابعی بوده که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است.

### **چیستی متاورس:**

وی در ادامه گفت: در فلسفه خواندیم که وجود به ذهنی و خارجی تقسیم می‌شود. شاید بتوان گفت که متاورس، نه به عنوان جهان سوم، بلکه پل ارتباطی بین این دو وجود است.

می‌توان گفت متاورس، اولین فرضیه برای ایجاد زیست بوم سایبری است. و این یعنی زندگی در فضای مجازی و نه صرفاً فعالیت هایی همچون اشتراک گذاری اطلاعات.

این جهان مجازی قرار است از طریق هدست های واقعیت مجازی به صورت سه بعدی، در اختیار کاربران قرار گیرد.

### **سوال اصلی و فرعی درباره این موضوع:**

سوال اصلی در این بحث این است که «شبکه مسائل فقهی فناوری متاورس چیست؟»

سوالات فرعی:

متاورس چیست؟

چه مولفه های کلیدی دارد؟

ابعاد فقهی متاورس چیست؟

رویکردهای فقه امامیه درباره مولفه های کلیدی متاورس چیست؟

الگوی مواجهه مطلوب با متاورس از نظر فقه امامیه چیست؟

موضوعاتی چون حکمرانی در متاورس، اقتصاد متاورس، مدیریت افکار عمومی در متاورس، و... مسائلی هستند که در فقه متاورس باید بررسی شود.

### **ضرورت مطالعه در ابعاد مختلف متاورس:**

توسعه متاورس و ابزارهای پیرامونی آن، موضوعاتی را در فقه ایجاد خواهد کرد و ما باید در فقه، الگوی حکمرانی صحیحی را برای آن تعریف کنیم.

ما باید به صورت شبکه مسائل به موضوع متاورس نگاه کنیم. و بررسی به صورت تک موضوع و تک بعدی، مشکل را حل نمی کند. چرا به شبکه مسائل نیاز داریم؟ زیرا:

- برای طبقه بندی و شناسایی نسبت های کمی و کیفی مولفه های فقهی متاورس
- تسهیل در روند پژوهش و اولویت بندی مسائل فقهی متاورس
- شناسایی خلأها و نیازها و کاستی های این فناوری

ما به دنبال حکم شناسی نیستیم ما می خواهیم مسائل متاورس را بررسی کنیم.

### **پیشینه بحث**

هیچ کتاب فقهی وجود ندارد. در بین مقالات، فقط دو مقاله پیرامون مباحث اقتصادی و حقوقی متاورس نوشته شده که تخصصاً از موضوع ما خارج است. و هیچ پایان نامه ای هم در این باره نوشته نشده است.

### **مفهوم متاورس:**

متا: یونانی است به معنی فراسو و فراتر

ورس: جهان و عالم و کیهان. پس متاورس یعنی فراجهان.

این اصطلاح برای اولین بار در یک رمان علمی تخیلی به کار رفته است. در سال ۱۹۹۹ در آمریکا نوشته شده است.

مارک زاکربرگ، مدیر عامل فیسبوک، در سال ۲۰۲۱ به فکر تحقق ایده متاورس افتاد. و نام فیسبوک را به متا، تغییر داد.

### **ماهیت متاورس:**

نهاوندی در ادامه گفت: یک فضای مجازی است که چهار فناوری در آن به کار رفته است: فناوری واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، واقعیت های ترکیبی و واقعیت های تعمیم یافته. پس متاورس جهانی است که فراتر از فیزیک است و به جهان واقعی شباهت دارد.

در متاورس به جای اینکه صرفاً صوت و تصویر و متن به اشتراک گذاشته شود، از طریق هولوگرام ها به افراد در ارتباط هستیم. و ابزار تحقق این هدف، عینک های هوشمند، گوشی های هوشمند، رایانه های شخصی و کنسول های بازی است.

در بحث «واقعیت مجازی»: متاورس کمک می کند که رابطه ها به صورت دو طرفه در قالب فعالیت های اقتصادی و تجاری و... امکان پذیر شود.

در بحث «واقعیت افزوده»: یک سری داده پردازی های دیدنی، شنیدنی و حس کردنی انجام می شود. یعنی ظرفیت های حسی جدیدی برای این فناوری تعریف و ایجاد خواهد شد.

از تفاوت های مهم دو مورد فوق این است که در واقعیت مجازی، شخص اولاً وارد دنیای جدید دیجیتالی می شود و ثانیاً اختیارش به دست ابزارهای موجود در آن فضاست و خودش مختار نیست. بر عکس واقعیت مجازی. حال ترکیب این دو مولفه، ویژگی هایی ایجاد می کند که به آنها اشاره می کنم:

- ما غرق در مجازی شده و بیشتر کارهای دنیای واقعی در آنجا قابل انجام است.
- ترکیبی بین دنیای تمام دیجیتالی و دنیای فیزیکی بدون محدودیت زمان و مکان
- تحقق جهان ایده آل با آواتارهای شخصی
- فضای بدون محدودیت و آزاد
- ایجاد تغییرات جدی در قدرت و نظام حکمرانی
- ایجاد تحولات جدی در نظام اقتصادی. که گفته اند ۱۰ هزار فرصت شغلی جدید که تا کنون تعریف نشده است! تا سال ۲۰۲۵
- ۱۵۰۰ میلیارد دلار بازار بیت کوین ایجاد شده است.
- تغییرات گسترده در سبک زندگی
- بحث لذت در متاورس از طریق حواس پنجگانه!

### **نظام فقهی در متاورس:**

استاد حوزه و دانشگاه گفت: در این موضوع یازده بعد فقهی را تبیین کرده اند که هر کدام زیرشاخه دارد. مثلاً بعد فقهی فرهنگی. در بحث فرهنگی، با یکی تخریب هویت دینی و فرهنگی مواجه خواهید شد. در بعد اقتصادی، سیاسی، هنری، امنیتی، زیرساختی، بین المللی، اجتماعی، تمدنی، تربیتی، مذهبی هم مباحث فقهی گسترده ای مطرح می شود.

در بحث فقه متاورس، دو مقیاس خرد و کلان یا فردی و اجتماعی وجود دارد.

### **محورهای فقهی متاورس:**



محورهای ناظر به جوهره و اصل متاورس. در خصوص اینکه از نظر شرعی تولید و گسترش این فناوری چه حکمی دارد؟

محدوده مجاز پدیده متاورس.

محورهای فقهی مخاطبان و کاربران: استفاده بدون محدودیت از متاورس مجزی است یا خیر؟

مباحثی که درباره زیست بوم متاورس مطرح میشود. احکام نگاه و لمس و شنیدن و ...

محورهای ناظر به اقتصاد و تجارت متاورس: که حوزه در این زمینه ورود داشته است. اقتصاد متاورسی بر «تمرکز زدایی» تاکید دارد. مالکیت، سرمایه‌گذاری، بازاریابی، مالیت اشیا، بورس، قراردادها

محورهای ناظر به حکمرانی: معیارهای قانون‌گذاری، راهکارهای حمایتی، راهبردهای نظارتی، فیلترینگ، ممیزی، مالیات، دسترسی بدون نیاز به کسب مجوز، مقاومت در برابر سانسور.

محورهای ناظر به نسبت حاکمیت و متاورس و مسائل امنیتی: مثلا فیسبوک چیزی مانند کره زمین طراحی کرده است و الان زمینهای و مغازه‌های نزدیک حرم حضرت معصومه سلام الله علیها در حال فروش است (مغازه‌هایی که در جهان متاورس در مجاورت حرم هستند). همچنین بحث سیاست، اخلاق، تراحم‌هایی در آزادی بیان و مصالح نظام و ...

محورهای ناظر به مدیریت فناوری ماورس: در رابطه با نهادهای متولی متاورس.

قواعد فقهی متاورس: قواعد ایجابی مانند مسئولیت ضمان آور بودن، حرمت اهانت محترمان دین، قواعد سلبی نفی ضرر، نفی حرج و نفی سبیل و تقیه.

محورهای ناظر به زیرساخت‌های فنی متاورس: تجهیزات، هدست‌ها، تراشه‌ها و ...

محورهای ناظر به معاملات متاورس: قراردادهایی که انجام میشود.

محورهای ناظر به کارگزاران و خدمات دهندگان متاورس

محورهای ناظر به آفرینندگان متاورس: در حوزه پیام، منبع پیام، محتوای پیام و ...

## موضوعات و مسائل متاورس:

- احکام مساله تاسیس، تولید و گسترش متاورس: در همینجا این نکته مطرح است که نباید در مورد ورود به متاورس تاخیر داشت؛ به گونه‌ای که فرضا به ضرورت متاورس برسیم ولی به جهت اشغال فضای آن لازم باشد که از دیگر دولت‌ها، فضای متاورس مثلا اجاره کنیم و متاورس بومی نداشته باشیم. مانند مشکلی که در فضای مجازی به آن دچار شدیم.
- احکام فقهی حریم خصوصی و نقض حریم خصوصی: که اطلاعات زیادی از کاربران هم اکنون در دسترس نهاد‌های اصلی و مادر است که با ترویج متاورس، به این حجم اضافه هم خواهد شد.

همچنین نصب تراشه در بدن کاربر که بتوانند از طریق آن حرکات حسی و عصبی و... در کاربر ایجاد کنند.

- حضور دستیاران در فضای متا و مدل عصبی خودیادگیری: مانند دستیاران غیر انسانی که در کنار شخص حاضر شده و خدماتی به او می دهد. مثلا در کنکور، این دستیار می تواند سرعت علمی کند.
- حکمرانی جهان متاورس: که در این فضا چیزی به نام حکمرانی بیرونی نداریم. زیرا مجموعه به هم پیوسته از اطلاعات است که هسته مرکزی ندارد.
- قراردادهای هوشمند: تعهداتی که در جهان متا تحقق می یابد.
- جاسوسی در متا
- هکرها
- ضوابط فقهی داده پردازی و نشر اطلاعات
- حق مالکیت و مالیت در متا
- ارز دیجیتال: ان اف تی، بیت کوین و...
- تجارت و کسب و کار
- شبیه سازی معصومان در جهان متا که بحثی جدی است. تا کنون عکس و تصویر معصومین مطرح بود ولی اکنون آواتار معصوم ساخته می شود و شخص در جهان متا، با آن ارتباط و انس می گیرد.
- اختلاس و کلاهبرداری
- مشارکت در تولید میان کاربرها و کارفرماها
- هوش مصنوعی
- ایجاد اماکن مذهبی و اجرای شعارتر در جهان متا: مثلا وقف یک مکان در جهان متا چه حکمی دارد؟
- تراحم حقوق
- ازدواج و طلاق و حریم محرم و نامحرم: تحریکات جنسی، مدلینگ و ...
- ارتباطات متاورس: احراز هویت افراد و نبود هیچ محدودیتی در ارتباط آواتار هر شخص با آواتار دیگر افراد (که البته این آواتارها یک پایشان در بیرون از متاورس است)

- احکام صله رحم: مثلاً صله رحم در متاورس جایگزین واقعیت می شود یا خیر؟
- امر به معروف و نهی از منکر
- خانواده و فرزند خواندگی: در متاورس تشکیل خانواده می دهد یا کسی را به فرزند میگیرد و جایگزین واقعیت می کند.
- محتوای مستهجن
- خطرات فیزیکی و فیزیولوژیکی: اعتیاد های مفرط به این فضا، بلوغهای زودرس، روان پریشی و ... . و کسی که این خطرات را برای کاربر ایجاد کرده از نظر جرائم حقوقی چه حکمی پیدا می کند؟

### چند نتیجه:

نتایجی که از ارائه مطالب فوق به دست می آید از این قرار است:

- پیش دستی در بررسی ضوابط و مباحث متاورس تا حدودی سیطره مخالفان را می کاهد.
- ترسیم مولفه های کلید الگوی حکمرانی مطلوب فقهی در متاورس، توسط حوزه با کمک مسئولین متولی نظام
- مباحث مربوط به وب یک و دو، در حوزه کاملاً حل نشده و وب سه در حال ظهور و بروز است. که البته با شناخت وب یک و دو، بسیاری از مباحث متاورس هم روشن می شود.
- موضوع شناسی دقیق قبل از ارائه هرگونه حکمی.
- رویارویی هوشمندانه با این پدیده
- حل مسائل فقهی متاورس به صورت نگاه خرد و جزءنگر که تکلیف فردی را مشخص میکند، پاسخگوی همه ابعاد فقهی متاورس نخواهد بود.
- شروع مطالعه بین رشته ای در متاورس با توجه به طرح مسائل اجتماعی و اقتصادی و امنیتی و... در متاورس
- به دلیل تاثیرات زیاد این فناوری، و سرعت زیاد ترویج آن، دروس خارج باید به این مبحث بپردازند.

### جوهره متاورس، فرا فقه است!

دبیر محترم نشست، با اعلام پایان بیانات آقای دکتر نهایندی، وقت نشست را به ناقدین و نخست به آقای دکتر اسماعیلی اختصاص دادند.

آقای دکتر اسماعیلی، پس از تشکر و تجلیلی که از ارائه کننده محترم داشتند، شروع به نقد فرمودند: خوب بود که مباحث به صورت درختواره و شاخه ای به یکدیگر مرتبط می شدند. آنچه شما به عنوان نقشه راه برای دیگران ترسیم کردید، تا بتوانند به مبحث ورود پیدا کنند، دارای جهت خاص نبود. یعنی آیا ما باید دقیقا از کجا شروع کنیم؟

نحوه ورود به بحث با چه رویکردی باشد؟ اصولی فقهی باشد، فلسفی فقهی باشد. ..

همچنین این را اشاره کنید در ارائه هایتان که حکومت موظف است پس از برگزاری نشست ها و کرسی های متعدد، از مطالب ثابت شده استفاده کند. یعنی اشاره کنید که فقه در اینجا نباید منفعل باشد؛ چرا که رویکردهای اجرایی، تاثیر خوبی در مباحث فقهی دارد.

ایشان ادامه دادند که فضای متاورس، دیگر فضایی مجازی و دور از واقعیت نیست و کاملا در دنیای واقعی، تاثیر دارد. و شاید نتوان گفت که متاورس، دنیایی بینابینی است.

نکته دیگری که باید مورد دقت قرار گیرد این است که مسائلی که در رابطه با متاورس پیش می آید، آیا اساسا مسائل جدیدی در فقه به حساب می آید، یا اینکه همان مسائل ولی با صورتی جدید هستند؟ یعنی آیا صرفا موضوع شناسی (البته به صورت دقیق) و سپس تطبیق، کافی است؟

غفلت نکنیم که متاورس اگرچه در حد فرضیه است، ولی با سرعت زیاد به تئوری و سپس به یک عملیات تبدیل خواهد شد. و هم اکنون شرکت های مهمی در دنیا، بر روی متاورس سرمایه گذاری کرده اند. لذا لازم است که ما نیز هرچه سریعتر مباحث را به مرحله عملیات برسانیم.

توجه داشته باشیم که جوهره متاورس، فرافقه است. لذا یا در فلسفه یا اصول باید بحث شود. فرضا اگر اصولی باشد، سوال این است آیا می توان حکم کلی در مورد آن صادر کرد؟ آنچه از بیانات شما برداشت کردم، این بود که این موضوع را فقهی دانستید در حالی که چنین به نظر نمی رسد.

اگر در کنار بررسی فقهی موضوع، به جنبه های عملیاتی آن توجه نشود، رویکردی منفعلانه صورت خواهد گرفت.

### **ضمانت اجرایی در فضا متاورس وجود ندارد!**

پس از بیانات ناقد نخست، دبیر نشست، وقت را در اختیار ناقد دوم یعنی آقای دکتر اکبری قرار دادند و ایشان نیز پس از تشکر و تجلیل از بیانات ارائه دهنده، به بیان نقدهای خود پرداختند:

به نظر می رسد که این موضوع اگر به صورت میان رشته ای بررسی شود کاملتر است؛ یعنی علاوه بر فقه و مباحث مربوط به سایبر، پای فلسفه نیز به بحث باز شود. زیرا مباحثی از ذهن، و واقعیت های افزوده مطرح شد که به فلسفه مربوط می شود. مثلا در اینجا باید روشن شود که این افعالی که در فضای متاورس رخ می دهد، چگونه به مکلف و کاربر استناد داده می شود؟ چرا که این استناد، لوازم حکومتی و حقوقی و... دارد.

آنچه در مورد فضای مجازی به صورت مطلق، و متاورس به صورت خاص مطرح و قابل بحث است، این است که ضمانت اجرایی در این فضا وجود ندارد. مثلاً اگر کسی در فضای واتس‌آپ، معامله‌اش را فسخ کند، و طرف مقابل انکار کند، سپس ادعا کند که مدارکی که فسخ‌کننده ارائه می‌کند جعلی است، هیچ‌را اثباتی وجود ندارد و مالک اصلی واتس‌آپ هم هیچگاه پاسخگوی ما نیست که بخواهد مدارک را در اختیار ما قرار دهد.

همچنین وقتی جرمی رخ می‌دهد، با توجه به اینکه اکثر کاربران فضای مجازی نابالغ هستند، به چه صورتی باید ضمانت اجرایی طراحی کرد؟! جزای نقدی باشد، یا...؟

در متاورس هم همین مشکل وجود دارد، لذا لازم است که این فناوری بومی شود. و در غیر اینصورت از راهکارهای خودکنترلی استفاده شود که خود فرد از خود مراقبت کند.

**پرسش و پاسخ:**

**پرسش نخست (آقای فلاح):**

من احساس می‌کنم برخی از اموری که مطرح شد، ناظر به فضای مجازی است و اختصاص به متاورس ندارد؛ مانند هکرها، اختلاس و... . سوال این است که وقتی می‌خواهیم شبکه تعریف کنیم، آیا لازم است که فقط مباحثی که اختصاص دارد به موضوع را مطرح کنیم که امور پیرامونی را هم باید طرح کرد؟!

**پرسش دوم (آقای دکتر قائمی):**

صحبت من سه جنبه دارد.

جنبه نخست:

یکی کلیت موضوع که آیا توسعه این فناوری مبتنی بر بندگی خداست یا حجابی بر حجب ظلمانی گذشته است؟

و اینکه کدام ساحت انسان را تقویت می‌کند، حس یا خیال یا عقل؟

سوال سوم اینکه آیا متاورس همانگونه که می‌تواند ابتذال را ایجاد کند، آیا می‌تواند لذت‌های معنوی را هم ایجاد کند مانند طواف به دور خانه خدا و...؟

جنبه دوم:

من دانشیار کامپیوتر با گرایش امنیت هستم. به نظرم آمد که برخی اموری که یادآور شدید، قابل دفاع نیست. مثلاً آزادی مطلق یا عدم کنترل فرد نسبت به خودش در فضای متا.

جنبه سوم:

ما چهار دسته از مسائل داریم: دسته اول مسائل فنی است. مطرح شد که در فضای واتس اپ هیچ راهی برای اثبات نیست مگر اقرار شخص، در حالی که چنین نیست. و به نظر می آید که در متاورس، این امکان تقویت می شود.

دسته دوم مسائل عمومی جامعه بشری است. مثلاً گفته شده که در فضای متاورس چند نفر به خانمی تجاوز کرده اند. باید بگوییم که این جرم در نظر خود آنها نیز قبیح تلقی شده و خودشان نیز پیگیری هایی در این زمینه داشته اند.

در اینجا باید مطلب را به سه بخش تقسیم کنیم: اخلاق عمومی، مسائل بشری و مسائل فقهی.

### پاسخ های دکتر نهانندی:

پس از دو پرسش یاد شده، آقای دکتر نهانندی شروع به پاسخ کردند:

به نظر من فقه، مجموعه ای از دستورها نیست. غایت اصلی فقه، تبیین هنجارهای اجتماعی جامعه است. فقه نظام ساز است.

کار فقه این است که بیان کند که این فناوری، آیا ما را به اهداف متالی می رساند یا خیر؟ فقه باید بتواند یک چارچوب مقتدارانه از هنجارهای اجتماعی را به ظهور برساند.

این نکته مهم است که همانطور که نگاه سلبی به فناوری ها، ضربه زننده است، نگاه ایجابی و شتابزده به موضوع هم می تواند خطرناک باشد. لذا این فقه است که تکلیف ما را روشن میکند که چگونه باید عمل کرد.

در این مسائل ما باید هم نگاه خرد داشته باشیم و هم نگاه کلان. فرض بفرمایید که کودکی در فضای مجازی فیلم مستهجن می بیند. از نظر عمل اخلاق، والدین می توانند او را نهی کنند. ولی آیا از نظر فقه و تکلیف، می توان او را مکلف به ترک کرد؟ اگر نگاه خرد داشته باشیم شاید بتوان گفت که لازم نیست او را نهی کنند. ولی در نگاه کلان تربیتی در جامعه، باید گفت چون موجب بلوغ زودرس و... میشود، پس لازم است نهی شود.

در پاسخ به پرسش اول می گوییم که بسیاری از مباحث متاورس، در فضای وب یک و دو، قابل طرح است. فقط تفاوتش این است که در متاورس، یک ترکیبی میان واقعیت و مجاز، رخ داده.

اما پیرامون مطالب دکتر قائمی عرض می شود که مباحث مبنایی مربوط می شود به شبکه مسائل فلسفه فقه متاورس. همچنین مباحث وجودشناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی و... که مثلاً انسان آواتار در متاورس با انسان واقعی چه ارتباطی دارد؟ و...

من عرض کردم که کاربر را در دنیای دیجیتال، غوطه ور می کند نه اینکه کنترل می کند.

یکی از حصار اضافه کردند که چون در داخل، سرمایه دارهای آنچنانی نداریم، لاجرم حکومت است که باید ورود کند. در غیر اینصورت، فقه و فقها به حاشیه رانده می شوند. در حالی که در اینجا فقه و فقیه، مقصر نیست.

## پژوهشکده زن و خانواده



به مناسبت بزرگداشت روز عفاف و حجاب نشست با عنوان عفاف و چالش های جدید روز سه شنبه ۲۱ تیر ماه در دانشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام و المسلمین زارعی، نماینده ولی فقیه در دانشگاه با بیان اینکه به اینک موضوع عفاف فقط ویژه و مربوط به خانم ها نیست بیان داشت: در حوزه پوشش آقایان نیز امروزه چالش هایی وجود دارد و دشمن از این چالش ها به دنبال فرصت سازی است.

وی همچنین با اشاره به راهبرهای چهاردهم و چهارم در سند دانشگاه اسلامی اظهار داشت: بحث نهادینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب را داریم، در راهبرد چهارم بر نقش تربیتی اساتید و معلمان تاکید شده است.

نماینده ولی فقیه در دانشگاه به نقش جدی آموزش و پرورش در بحث عفاف و حجاب تاکید و گفت: اگر آموزش و پرورش اصلاح نشود در دانشگاه ها نیز اتفاق نخواهد یافت و هویت بخشی و پرسشگری از راهبرهای مهم در زمینه عفاف و حجاب است و اصلاح در جامعه نگرانی شخصی ما نباشد و اگر به دنبال اصلاح باشیم باید قصد و حرکت ما در راستای اصلاح باشد.

در ادامه نشست دکتر فریبا علاسوند، عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده و نویسنده و پژوهشگر ملی و بین المللی در حوزه زن و خانواده با بیان چالش های دنیای معاصر در زمینه عفاف بیان داشت: یکی از مهم ترین چالش های موضوع عفاف و حجاب که از دهه ۶۰ میلادی تا به امروز کلید خورده، بی اهمیت جلوه دادن تفاوت بین زن و مرد است.

وی افزود: با نگاه کوتاهی در تاریخ حجاب این موضوع درک می شود که حجاب از جمله موضوعات تخصصی گفتمانی است و موافقان و مخالفان در سنگری مبارزه می کنند که اخبار بسیاری در پس آن وجود دارد.



فربیا elasوندگفت: موضوع حجاب، حائز اهمیت بوده و برای همین شاهد دو قطبی در این زمینه هستیم و جنجال‌های بسیاری در فضای مجازی از سوی مخالفان درباره آن وجود دارد.

عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده ادامه داد: مطالعات عمیق‌تر در حوزه حجاب موجب شفاف شدن زوایای آن می‌شود، برای نمونه در یک بازه زمانی دانشمندان حوزه فلسفه و سایر حوزه‌ها پروژه تغییر جهان را کلید زده و بر علیه نظم طبیعی جهان شوریدند.

elasوند ابراز کرد: از ۴۰۰ سال گذشته تا به امروز هنوز افکار افرادی که پروژه تغییر جهان را کلید زده بودند در دانشگاه‌های جهان مطالعه می‌شود؛ این افراد معتقدند تاریکی محض در مقابلشان قرار داشته و نتیجه پروژه را پیش‌بینی نمی‌کردند چیزی باشد که امروز در حوزه فرهنگ، اخلاق و دین و دینداری مشاهده می‌کنیم.

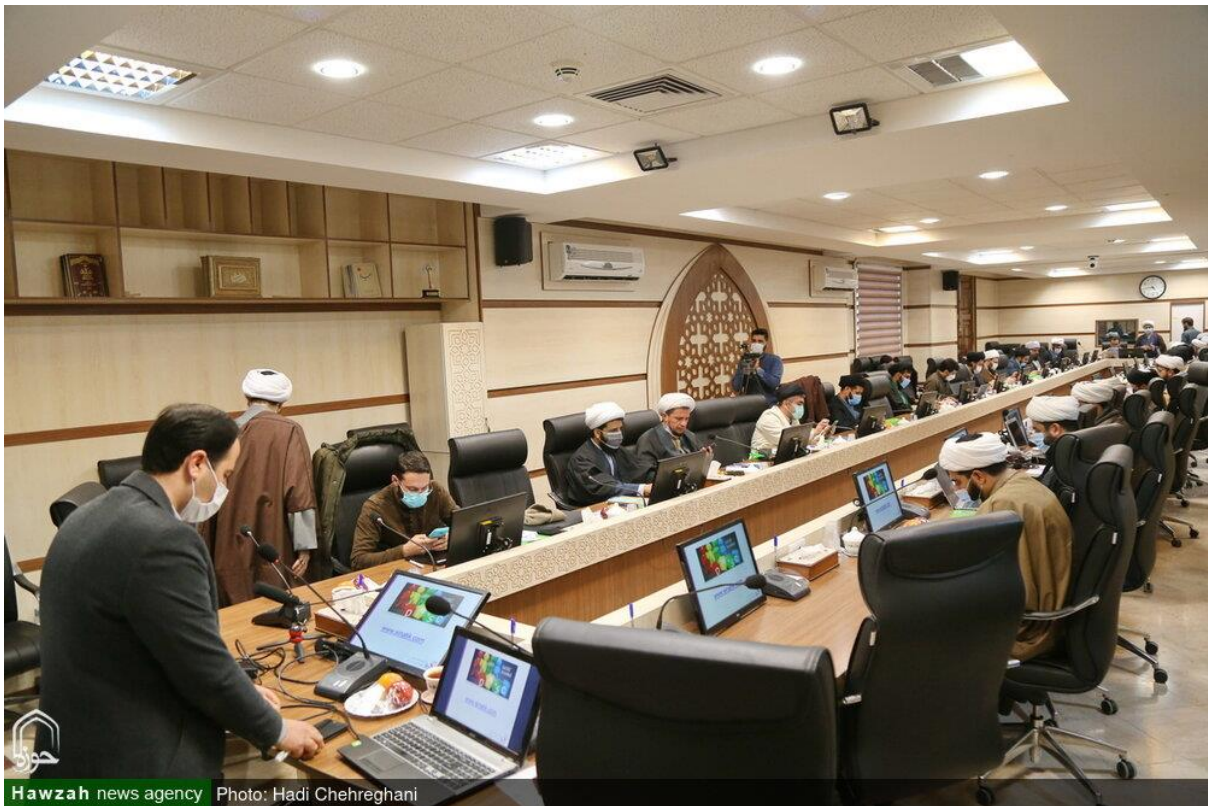
وی عنوان کرد: بعد از گذشت سالیان مختلف، اتفاقات عجیبی روی داد و از همان زمان به بعد مسئله تغییر یک مسئله مقدس شد و در کنار آن، واژه مقدس دیگری به نام «انتخاب» به وجود آمد و فردگرایی شیرازه اصلی جریان‌های جدید سیاسی و اجتماعی شد.

پژوهشگر ملی و بین‌المللی در حوزه زن و خانواده تصریح کرد: امروز برخی افراد، واژه انتخاب را به عنوان توجیه کار خود بیان می‌کنند؛ این مسئله یک موضوع زیربنایی بوده که تمام برنامه‌های آن بیش از ۲۰۰ سال اخیر در غرب ساخته شده است.

وی با اشاره به جایگاه نظام تربیتی در جهان غرب گفت: مجموع سرمایه‌گذاری آن مربوط به حوزه آموزش و پرورش است که از دهه ۶۰ به بعد سه الگوی تربیتی را به صورت جدی پیگیری کردند.

فربیا elasوند در پایان چالش همجنس‌گراها را از جمله چالش‌های آینده دانست و یادآور شد: گاهی در این حوزه خبرهای زیرپوستی به گوش می‌رسد که برای مواجه شدن با آن باید برنامه‌ریزی مناسبی صورت بگیرد.

## ۱۱۹. رفتارشناسی و مدیریت مؤثر ویژه مدیران جهادی و تبلیغی



Hawzah news agency Photo: Hadi Chehreghani

نشست رفتارشناسی و مدیریت مؤثر با هدف توانمند سازی مدیران اجرایی حوزه با همت دفتر امور نخبگان و استعداد های برتر حوزه، شاخه حوزه و تبلیغ طرح شهید بیاضی زاده و مرکز آموزش های کاربردی و مهارتی حوزه های علمیه در سالن همایش آیت الله حائری مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برگزار شد.

بر اساس این گزارش: در این نشست حجت الاسلام والمسلمین بهاری رئیس دفتر امور نخبگان و استعداد های برتر حوزه علمیه و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن زنگویی مدیر مرکز آموزش های کاربردی حوزه های علمیه و دکتر عطایی و جمعی از مدیران دستگاه های اجرایی حضور داشتند.

غفوری، مدیر شاخه مدیریت و تبلیغ طرح شهید بیاضی زاده دفتر نخبگان و استعداد های برتر حوزه های علمیه، با اشاره به نشست رفتارشناسی و مدیریت مؤثر گفت: این نشست در دوره حکمرانی انقلابی جهادی طراحی شده است و در این کارگاه دکتر عطایی با مدل دیسک تسلط، رفتار شناسی را بر روی شرکت کنندگان پیاده می کنند و با همین پیاده سازی آموزش نحوه به کاری گیری از این نرم افزار و از این روش، تست رفتارشناسی را آموزش می دهند.

وی با بیان اینکه طرح شهید بیاضی زاده در سال ۹۹ آغاز به کار کرده است ادامه داد: ابتدای کار با دفتر امور نخبگان مرکز خدمات حوزه های علمیه بوده است و سه ماه است که طرح به دفتر امور نخبگان حوزه های علمیه منتقل شده است و مرکز خدمات حوزه علمیه پشتیبان این جریان هستند.

مدیر شاخه مدیریت و تبلیغ دفتر نخبگان دوره بعثت ۲ را شامل سه مرحله دانست و افزود: مرحله اول که به صورت مجازی با استفاده از ظرفیت مرکز آموزش‌های کاربردی و سامانه مهارت خانه طلاب برگزار شده است و مباحث بینشی حکمرانی انقلابی با عناوین اصلی الگوی حکمرانی انقلاب اسلامی و مردم‌یاری و نقش مردم و مدیریت سرمایه اجتماعی به صورت مجازی برنامه‌ریزی شد و بعد از آن نشست کارگاهی با موضوع رفتارشناسی امروز است.

وی ادامه داد: مرحله دوم طرح بعثت ۲ مباحث مهارتی و مدیریتی است با همکاری و مشارکت دانشکده مدیریت و دافوس دانشگاه امام حسین (ع) که در تهران برگزار می‌شود؛ مباحث مهارتی و مدیریتی با عناوین مدیریت جهادی، مدیریت تحول‌گرا، مدیریت راهبردی و ... در این دانشگاه به صورت کارگاه عملی و مهارتی و آزمایشگاه مدیریت برگزار خواهد شد.

حجت الاسلام غفوری با اشاره به اینکه مرحله سوم این دوره در مشهد برگزار می‌شود، گفت: در مشهد مباحث کارورزی و طراحی عملیات و تکنیک‌های شناخت مسئله و طراحی عملیات فرهنگی و مدیریتی، با توجه به عرصه شرکت‌کنندگان طراحی و ارائه داده می‌شود؛ در کارگاه به صورت عملی طراحی واقعی صورت می‌گیرد و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ بعد از پایان مرحله مشهد طرح‌ها اگر امکان اجرایی را داشتند به کارگیری می‌شوند.

وی افراد این طرح را افراد استعداد‌های برتر زمینه مدیریتی و راهبری خواند و تصریح کرد: در ۱۲ جلسه در سامانه مهارت خانه طلاب، دو مبحث الگوی حکمرانی انقلاب و مردم‌یاری و مدیریت سرمایه اجتماعی به صورت آنلاین و مجازی طی ۱۲ جلسه برگزار شده است.

حجت الاسلام و المسلمین زنگویی، مسئول مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه‌های علمی نیز در این نشست، با اشاره به اینکه مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی و همه معاونت‌های حوزه‌های علمی به متولی برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت کاربردی و مهارتی هستند، گفت: از سال ۱۳۹۶ مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی، فعالیت خودش را به صورت مستقل آغاز کرد و بر اساس یک درختواره آموزشی، کاربردی و مهارتی اقدامات و فعالیت‌های خودش را پیگیری می‌کند.

وی ادامه داد: درختواره آموزشی و کاربردی در هشت عرصه و قریب به ۶۰۰ کارگاه مختلف مبتنی بر نیازهای جامعه و همچنین نیازهای روحانیت و مرکز مدیریت حوزه طراحی شده است. مسئول مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه‌های علمی با اشاره به سامانه مهارت خانه طلاب بر بستر فضای وب گفت: در پیگیری و اجرای این درختواره فعالیت‌های خوبی انجام شده است از جمله طراحی یک سامانه آموزشی به نام مهارت خانه طلاب که بخش‌های آموزشی مختلف به صورت آنلاین در این سامانه فراهم شده است، بخش زیادی از رسالت‌های حوزه در آموزش‌های مهارتی را پیاده‌سازی می‌کند.

وی سامانه مهارت خانه طلاب را بستر آموزشی خیلی خوبی برای یادگیری آموزش‌های مهارتی بویژه در ایام کرونا دانست و ادامه داد: از ایده‌ها و نظرات بویژه در بخش‌های کاربردی و مهارتی که از نیازهای ضروری جامعه روحانیت است، استقبال می‌شود.

## ۱۲۰. شناخت علویان سوریه

۱۴۰۱/۷/۱

نشست علمی "شناخت علویان سوریه" روز پنج شنبه بیست و یکم مهرماه ۱۴۰۱ با حضور اساتید و پژوهشگران، در سالن کنفرانس مجمع جهانی اهل بیت(ع) در شهر قم برگزار شد.

آقای «محمدحسن بادیانی نیشابوری» مؤلف موسوعه «العلویون هم اتباع اهل بیت» و کتاب «الشیعه فی السوریه» سخنران این جلسه بود که در ابتدا درباره سوابق خود در جمهوری عربی سوریه بیان کرد: از سال ۱۳۶۸ به این کشور رفتم و از سال ۱۳۷۲ از سوی آیت الله تسخیری(ره) به عنوان «نماینده مجمع جهانی اهل بیت(ع) در سوریه» منصوب شدم.

وی ادامه داد: در مدتی که به عنوان نماینده مجمع جهانی اهل بیت(ع) در سوریه فعالیت فرهنگی می کردم، کتاب دو جلدی «الشیعة فی السوریه» را تدوین کردم که حاوی مطالب علمی و جغرافیایی درباره شیعیان این کشور است. آن کتاب مورد تمجید آقای تسخیری قرار گرفت و در لبنان به چاپ رسید.

محمد بادیانی درباره مناطق سکونت شیعیان سوریه گفت: شیعیان اثنی عشری در اقلیت هستند و به صورت پراکنده در مناطق «حمص»، «حلب» و «ادلب» زندگی می کنند و عموماً در روستاها هستند.

وی با ذکر اینکه اکثریت ساکنان سوریه از اهل سنت و علویان می باشند افزود: هشتاد درصد علویان سوریه بدون آگاهی کامل از هویت دینی خود زندگی می کنند و صرفاً خود را محبّ اهل بیت(ع) می دانند.

بادیانی ادامه داد: ریشه این امر به دوران حکومت امویان در شامات باز می گردد که جو خفقان علیه تشیع و پیروان علی(ع) وجود داشت. در نتیجه این فشارها، ترویج معارف اسلام ناب تضعیف شد.

وی درباره اطلاق نام «علوی» به این طایفه هم گفت: شیعیان سوریه به دلیل داشتن علماء، شعراء و نوابغ برجسته، همیشه مورد کینه ورزی از طرف امویان قرار می گرفتند. آنها برای تحقیر این گروه، القابی مانند «علی‌اللهی»، «علوی» و «باطنی» را برای شیعیان سوریه به کار می بردند تا علاوه بر تثبیت کفر شیعیان، بین شیعیان ایران و سوریه فاصله ایجاد شود.

این پژوهشگر مذاهب درباره استمرار این تهمت ها تا دوران حاضر هم تصریح کرد: آثار این دشمنی امویان تا زمان معاصر هم ادامه داشت؛ به طوری که برخی از علمای دانشگاه الازهر مصر در یک نشریه به دلائل کفر علویان سوریه پرداختند! ولی با تلاش عالمان سوریه و دیدار حضوری آنان با «جمال عبدالناصر» این مسئله به اتمام رسید و مطالب آن نشریه حذف گردید.

مؤلف «موسوعه علویان و شیعه در سوریه» بیان کرد: در سال ۱۹۷۲ یعنی ۷ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۵۰ عالم علوی در سوریه طی بیانیه ای اعلام کردند که: «ما در اصول و فروع، تابع مکتب تشیع دوازده امامی هستیم». با مطالعه این بیانیه، شروع به نوشتن تاریخ و باورهای علویان کردم که در ۶ جلد در سال ۲۰۰۵ به سرانجام رسید.

او درباره برخی دلائل و مستندات تشیع علویان افزود: علاوه بر بیانیه ۱۵۰ عالم علوی سوریه، اولین شخصیتی که درباره تاریخ ائمه(ع) کتابی نوشت «حسین بن حمدان خصیعی» رهبر علویان بود که تحت عنوان کتاب «الهدایة الكبرى» در سال ۳۴۶ ق. نگاشته شده است.

بادیانی افزود: بقیه منابع اصلی علویان که مورد تأیید تمام علمای آنان باشد هم بر تمام باورهای شیعه امامیه منطبق است. اما در این بین، برخی منابع تحریف شده یا نظرات شخصی بعضی عالمان علوی وجود دارد که موجب فهم اشتباه مسلمانان از باورهای آنان گردیده است .

او گفت: با مطالعه بیشتر منابع و تتبع در مستندات درباره زندگی علویان، "موسوعه علویان" را کامل تر نمودم. برخی نهادها و افراد مهم سوریه نیز از آن حمایت کردند که منجر به چاپ رسمی کتاب ۱۴ جلدی "العلویون هم اتباع اهل بیت" در سال ۲۰۱۰ م. گردید.

مؤلف کتاب موسوعه علویان با اشاره به عنایت حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی(ره) و موسوی اردبیلی(ره) به این کتاب اظهار کرد: مقدمه این موسوعه از سوی رئیس سابق دانشگاه دمشق و هفت تن از علمای بزرگ علوی در سوریه به شکل مفصل نوشته شد و آنان محتوای موسوعه علویان را "هویت گمشده خود در تاریخ" معرفی کردند.

این پژوهشگر در پایان نشست اظهار داشت: برخی باورهای علویان که مورد بحث و چالش واقع می شود مانند نسخ یا جبر و تفویض، ناظر به بحث های عرفانی و درک شخصی افراد است که موجب تغییر اعتقادات آنان نیست و مبانی علویان کاملا مطابق با اصول شیعه است.

## ۱۲۱. قرآن: متنی منظم یا پریشان؟ نگاهی نقادانه به آراء برخی از قرآن‌پژوهان معاصر شبه قاره

۱۴۰۱/۳/۳

دانشگاه مفید، نشست علمی «قرآن: متنی منظم یا پریشان؟ نگاهی نقادانه به آراء برخی از قرآن‌پژوهان معاصر شبه قاره» روز سه‌شنبه ۳ خردادماه ۱۴۰۱ به همت مرکز مطالعات قرآن دانشگاه مفید و با همکاری دپارتمان الهیات بصورت حضوری و مجازی برگزار شد. سخنران این نشست جناب آقای دکتر فرهاد شفتی (قرآن‌پژوه ایرانی ساکن اسکاتلند) و دبیر علمی نشست جناب آقای دکتر حامد شیواپور (مدیر مرکز مطالعات قرآن و عضو هیات علمی دپارتمان الهیات) بودند.



دکتر شیواپور در آغاز این نشست علمی گفتند: بحث نظم قرآن همواره از قرون نخست اسلامی محل بحث اندیشمندان، قرآن‌پژوهان و ادیبان و مفسران بوده است و هر مسلمانی در مراجعه به قرآن در نگاه اول یک نوع بی‌نظمی را در موضوع آیات متوالی مشاهده می‌کند. به ویژه در سوره‌های بزرگ مثل بقره و آل عمران این بی‌نظمی و پریشانی بیشتر مشهود است. افرادی با رویکردهای مختلف به دنبال یافتن نوعی مناسبت یا نظم و انسجام در آیات قرآن بوده‌اند. از جمله این افراد در روزگار قدیم می‌توان به فخر رازی اشاره کرد و در عصر حاضر، قرآن‌پژوهان و اندیشمندان مختلف کوشیده‌اند تا یک گونه نظم و انسجام را در آیات قرآن و حتی در چینش سوره‌ها نشان دهند. برخی از این قرآن‌پژوهان متعلق به شبه قاره هستند و مشخصاً سه مفسر و قرآن‌پژوه به نام‌های حمیدالدین فراهی، امین احسن اصلاحی و جاوید احمد غامدی متعلق به شبه قاره هستند. رساله دکتری آقای دکتر فرهاد شفتی در مورد تلاش‌های امین احسن اصلاحی بوده و با آقای جاوید احمد غامدی بحث و گفتگوهایی داشتند که ان شاءالله دیدگاه‌های این سه قرآن‌پژوه را که در ایران

کتر شناخته شده‌اند را برای ما گزارش می‌کنند.

در ادامه برنامه، دکتر فرهاد شفتی به ارائه مطالب خود درباره نظم قرآن از دیدگاه سه مفسر برجسته شبه قاره یعنی فراهی، اصلاحی و غامدی پرداختند. گزیده‌ای از بیانات جناب دکتر شفتی:

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش رساله دکتری من این بود که روش فهم فراهی چیست؟ فهم فراهی اصطلاحی است که شاگردان فراهی به این روش می‌دهند. من با مطالعه نوشته‌های این سه پژوهشگر قرآنی (حمیدالدین فراهی، امین احسن اصلاحی و جاوید احمد غامدی) بخصوص با صحبت و مصاحبه با غامدی، شاگردی که الان حضور دارند، سعی کردم که روش فهم اینان از قرآن و مفاهیم قرآنی را تدوین کنم، بفهمم، ساختار بدهم، بنویسم و نقد کنم. در واقع کار من روی نظم قرآن نبود؛ چون قبل از من شخصی به نام مستنصر میر در رساله دکترایش متمرکز بر نظم قرآن بود. من در واقع پس از نظم را نگاه کردم که چه استفاده‌ای از نظم قرآن می‌شود کرد؟ برخی از صحبت‌هایی که امروز می‌کنم و شاید بتوانم بگویم که برخی از مباحثی که امروز می‌کنم، اطلاعات دست اولی است که از مصاحبه با غامدی و شاگردانش کسب کرده‌ام. من این سه پژوهشگر قرآنی شبه قاره و کارهایشان را برای شما معرفی می‌کنم و در آخر نقد کوتاه ولی مهمی خواهم داشت.

حمیدالدین فراهی: متولد فرهه از روستاهای آرمگره در هندوستان و از اقوام نزدیک شبلی نعمانی است. وی مسلط به زبان عربی، عبری و فارسی بوده و دارای تالیفات فراوان اما پراکنده به زبان عربی و معدودی به زبان فارسی است. کتابهای دلائل النظام، نظام القرآن و تاویل الفرقان بالفرقان، مفردات الفاظ قرآن سه کتاب اصلی فراهی است.

بنظر من فراهی یک شخص نابغه بوده، کارهایی که ایشان انجام داده است برای من بسیار جالب است. من چند جمله از فراهی را که از زبان خودش نوشته شده است و در کتابهایش پیدا کرده‌ام برایتان می‌خوانم:

«قرآن کلام واحدی است که از اول تا به آخر اجزایش ترتیب و مناسبت دارند.»

«برخی علما درباره تناسب آیات و سوره‌ها نوشته‌اند؛ اما از نظام قرآن بی‌اطلاع بوده‌اند. تفاوت این است که تناسب جزوی از نظام است. تناسب بین آیات، یک‌پارچگی کلام را نشان نمی‌دهد. (عدم دیدن نظم باعث دیدن مناسبت کاذب بین آیات نامربوط مجاور و یا ندیدن مناسبت بین آیات مربوط نامجاور است). در تعریف سوره می‌گوید: «مجموعه‌ای از آیات قرآن که در اتصال محکم به مضمون خاصی می‌پردازند و شامل مقدمه، مضمون اصلی و نتیجه‌گیری‌اند. بنابراین کمترین تعداد آیات در یک سوره سه می‌باشد.» قرآن قطعی‌الدلاله است: «فهمیدن معانی متفاوت از آیه قرآن ناشی از علم کم و تدبّر کم است.» «شان نزول سبب نازل شدن آیه/سوره نیست، بلکه موقعیت (شأن) مردم و امور آنهاست که موضوع آیه/سوره است. پس‌شان نزول را از روی خود سوره/آیه باید دریافت.»

«منبع خبری اصلی برای تفسیر قرآن همان قرآن است. منابع فرعی و وابسته به این منبع اصلی عبارت‌اند از: احادیث - دانش عمومی از احوال امت‌ها - و آنچه از کتب پیامبران گذشته مانده است. منبع فرعی نمی‌تواند آنچه را که از منبع اصلی گرفته می‌شود عوض کند.»

«ان الاعجاز لیس من اغراض القرآن، بل هو من لوازمه، الاتری فی کل ما خلق الله من حبة خردل بل من ذرة الی السماوات العلی کلها معجزة و لکن لیس شی من خَلَقَها لغرض الاعجاز بل لحکمة الله تعالی فی

خلقه.» (تفسیر نظام القرآن، ص ۴۱)

«هر کلام منظمی باید عمودی داشته باشد که کلام بر آن جاری شود... (در قرآن) نظام همان است که به یک سوره یکپارچگی (وحدانیت) می‌دهد... و در آن عمودی است که اجزا (آیه‌ها) بر آن جاری هستند» (دلایل النظام: ۳۵). و البته تصریح می‌کند که «استخراج العمود صعب جدا»  
فراهی تمام سوره‌های قرآن را به ۹ گروه تقسیم می‌کند و معتقد است که هر گروهی عمود خود را دارد. منظور از عمود این است که مثل عمود خیمه تمام آیات دیگر بر آن عمود استوار شده‌اند. این تقسیم‌بندی و تعیین مکی و مدنی از روی مضمون قرآن از دید خودش یکی از مهمترین کارهای فراهی بود.



دکتر فرهاد شفتی در ادامه مباحث خود از امین احسن اصلاحی یاد کرد و گفت: گفته شده است که امین احسن اصلاحی روزنامه نگار بود و قصد خروج از کشور و رفتن به کشورهای اروپایی داشت که تصادفی حمیدالدین فراهی را ملاقات می‌کند. فراهی شاگردی نداشت و از اصلاحی به قرآن‌پژوهی دعوت می‌کند و اصلاحی هم از آنجا که می‌دانست فراهی انسان نابغه‌ای است، دعوتش را می‌پذیرد.  
امین احسن اصلاحی کتابهای متعددی دارد؛ اما بزرگترین کتابش تفسیر تدبیر قرآن است. تقریباً همزمان با علامه طباطبایی که المیزان را نوشته است.

اصلاحی می‌گوید: «من نه تنها برای فهم انسجام آیات و تفسیر معانی، بلکه برای حل مشکلات مربوط به کاربرد لغت یا اسلوب، بر قرآن تکیه کردم. نه به دلیل نبود شواهد (بیرونی) لغوی و زبانی، بلکه از این روی که قرآن قابل اعتمادترین مرجع درباره‌ی پیام و معنی خود است.» ترجمه از Pondering Over the ((۴۲Qurán, p.

اصلاحی منابع تفسیر تدبیر قرآن را اینگونه معرفی می‌کند:

منابع اصلی: زبان قرآن، نظم قرآن، نظائر قرآن

منابع فرعی: سنت، حدیث، شان نزول (با تعریف فراهی)، تفاسیر دیگر به خصوص رازی و زمخشری،



عهدین و تاریخ عرب

از نظر او ترتیب کنونی قرآن دقیقاً همان ترتیب قرآن در لوح محفوظ است.

سطوح نظم قرآن از دید اصلاحی چنین است:

• تمام قرآن مضمونی یک‌پارچه دارد و آن انذار و تبشیر و اتمام حجت با مشرکان و اهل کتاب ساکن عربستان است.

• قرآن به هفت گروه تقسیم می‌شود و هر گروه مضمون محوری خود را دارد.

• هر گروه با سوره‌های مکی آغاز می‌شود و با سوره‌های مدنی به پایان می‌رسد. در هر گروه سوره‌های مکی و مدنی مانند ریشه و شاخه با هم پیوند دارند.

• هر سوره مضمون محوری خود را دارد که به مضمون محوری گروه آن سوره مرتبط است.

• تقریباً تمام سوره‌ها با سوره‌ای دیگر جفت‌اند. هر دو سوره‌ای که جفت‌اند در معنا و مفهوم مکمل یکدیگرند. تعداد معدودی از سوره‌ها نه جفت که تکمله (ضمیمه) بقیه سوره‌ها هستند. خلاصه موضوع (عمود) گروه‌های هفت‌گانه از دید اصلاحی به شرح ذیل است:

گروه ۱: قانون شریعت

گروه ۲: عقوبت مشرکین قریش

گروه ۳: بشارت پیروزی پیامبر

گروه ۴: پیامبری محمد (ص) و لوازم ایمان به او

گروه ۵: توحید و لوازم ایمان به آن

گروه ۶: آخرت و لوازم ایمان به آن

گروه ۷: انذار قریش درباره عقوبت دنیوی و اخروی در صورت تکذیب پیامبر

دکتر فرهاد شفتی در ادامه به کارهای انجام شده توسط جاوید احمد غامدی (شاگرد اصلاحی)

پرداخت و گفت: احمدغامدی بسیار انسان باهوشی است و قدرت تحلیل بسیار خوبی دارد.

کتابهای میزان و البیان از مهمترین آثار او هستند. غامدی بر خلاف اصلاحی که گروه‌بندی استادش

(فراهی) را عوض کرد، چنین نکرد؛ ولی مضمونی را برجسته‌تر کرد. این مضمون را فراهی و

اصلاحی اشاره کرده بودند، یعنی تاکید بر مراحل اتمام حجت پیامبران و تبیین نظم قرآن بر این

اساس که در کتاب تفسیر البیان آورده است و تاکید بر اختصاص برخی مضامین قرآنی به عصر

وحی مثل مفهوم کافر و عذاب دنیوی و... که می‌گوید اینها به عصر وحی اختصاص دارند و نه به

زمانهای دیگر.

غامدی می‌گوید: تمام سوره‌های گروه ۳ تا ۷ برای انذار قریش و مشرکان هستند و تمام سوره‌های

گروه ۱ برای انذار اهل کتاب هستند و هر دوی اینها از لحاظ مضمون به سوره‌های گروه ۲ که سوره

توبه در آن هست ختم می‌شوند.

نظریه نظم قرآن حمیدالدین فراهی و سپس امین احسن اصلاحی، خروجی‌های متعددی در

زمینه‌های اعتقادی و فقهی دارند که در ذیل آمده است:

- تدوین و قاعده‌مند کردن مفهوم «سنت متواتر مشهور» (کتاب میزان)
  - تدوین قانون شریعت بر مبنای قرآن و «سنت متواتر مشهور» (کتاب میزان)
  - در حال انجام: استخراج احادیث مورد قبول با ملاک اصلی مطابقت با قرآن (در سه عنوان: علم النبى، فقه النبى، سيرة النبى)
  - در کاری پژوهشی، ۱۲ ویژگی در روش «مکتب فراهی» شناخته و تبیین شده است. در این فرصت ۵ مورد را به اختصار توضیح می‌دهم:
  - باور به خودکفایی موضوعی قرآن؛ مثال: عذاب قبر
  - ترجیح انسجام به نسخ
  - علاقه به دسته‌بندی مفاهیم و قاعده‌سازی؛ مثال: بحث سنگسار، شرط جهاد از نظر آمادگی
  - حداقلی کردن شریعت: تعداد رکعات نمازهای نافله، چگونگی نماز عید، انکار نماز تراویح
  - جدا کردن شریعت از سنة الله؛ مثال: قانون جزیه
  - به نظر من فکر فراهی قوت‌ها و بهره‌های بسیاری داشته است از جمله اینکه:
  - فکر فراهی یک رویکرد جدی و مفصل و غنی به بحث نظم در قرآن است.
  - تشخیص گروه سوره‌ها، عمود سوره‌ها و سوره‌های جفت در فهم قرآن می‌تواند بسیار موثر باشد.
  - تاکید بر توانایی قرآن در تبیین خود، میدان کمتری به گریز به سوی احادیث تفسیری و احادیث‌شان نزول و بحث‌های ناسخ و منسوخ می‌دهد.
  - تلاش برای تبیین قرآن با قرآن موجب دریافت بهتر مفاهیم قرآنی می‌شود.
  - اما نقدهای فنی قابل تاملی توسط مستنصرمیر و دیگر پژوهشگران مطرح شده است که من در اینجا چند نکته‌ی دیگر را اضافه می‌کنم:
۱. مشکل تقدس دادن به ساختار قرآن کنونی
  ۲. دشواری تدوین روش
  ۳. بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی از پژوهش‌های معاصر (دانشگاهی، حوزوی، نواندیشی دینی)
  ۴. افراط در قاعده‌مند کردن مفاهیم
  ۵. اندیشه‌ی باز متعصب
- در پایان، به نظر من شاید پاسخ به سوال از نظم یا پریشانی متن قرآن این باشد: نه نظم و نه پریشانی و نه «نظم یا پریشانی»، بلکه: نظم و پریشانی
- مشکل اینجاست: تلاش برای تعمیم قاعده نظم در بخشی از قرآن، به تمام قرآن.

و نیز باید توجه کرد که از این دو کدام مهم‌ترند: یافتن (نیافتن) نظم در متن قرآن؟ یا یافتن (نیافتن) نظم در مفاهیم قرآن؟ به نظر من آنچه مهم است دومی یعنی نظم در مفاهیم و تعالیم قرآن است.

این نشست با پرسش و پاسخ حاضران و شرکت‌کنندگان در فضای مجازی به پایان رسید.

## ۱۲۲. دیدگاه‌های علامه حلی و حقوق ملل

۱۴۰۱/۲/۲۸

دانشگاه مفید، پنجمین نشست از سلسله مباحث مبادی و مبانی حقوق بین الملل - دین و حقوق بین الملل - با عنوان «دیدگاه‌های علامه حلی و حقوق ملل» توسط مرکز مطالعات حقوق تطبیقی و با سخنرانی دکتر سیدمصطفی میرمحمدی (عضو هیات علمی دیپارتمان حقوق دانشگاه مفید) در روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ در دانشگاه مفید برگزار شد. دبیر علمی نشست نیز جناب آقای دکتر سعید رهایی (عضو هیات علمی دیپارتمان حقوق دانشگاه مفید) بودند.



متن ذیل، مشروح سخنرانی جناب آقای دکتر میرمحمدی است:

بسم الله الرحمن الرحيم

همان طور که اعلام فرمودند بناست راجع به دیدگاه‌های علامه حلی و حقوق ملل مروری داشته باشیم و با مراجعه به آثار قدما ببینیم آیا نقطه نظرات آنان می‌تواند در حقوق بین الملل و روابط بین الملل امروز قابل استفاده باشد یا خیر؟

من مطالب خودم را در چهار قسمت عرض می‌کنم. قسمت اول راجع به زمانه مرحوم علامه حلی و در واقع اوضاع و احوال سیاسی حاکم بر آن زمان هست. قسمت دوم؛ مروری بر فهرست فصول کتاب الجهاد تذکره الفقهاء. قسمت سوم؛ بیان برخی از مسائل مهم کتاب الجهاد و در قسمت پایانی جمع‌بندی و نکات اساسی. دوران حساسی از تاریخ اسلام که همزمان با حمله مغول به سرزمین‌های اسلامی به ویژه عراق و ایران

است. این دوره، دوره سوم حملات مغول‌ها از زمان غازان است که گویند بر خلاف حمله اول با کشتار وسیع و تخریب همراه نبوده است.

مرحوم علامه حلّی در حله زندگی می‌کرد و در آنجا رشد کرد و از اساتید مختلف از جمله مرحوم والدش استفاده کرد. در آن زمان اختلافات جدی بین مذاهب فقهی اربعه بود و هم‌چنین بین مسلمانان و غیرمسلمانان درگیری وجود داشت و اختلاف شیعه و سنی هم در این بین بود که با اسلام آوردن «اولجایتو» همان «سلطان محمد خدابنده» و آمدن مرحوم علامه به شهر سلطانیه، اوضاع تا حدودی فرق کرد. مرحوم علامه با تقاضای اولجایتو کتابی در زمینه کلام و امامت با عنوان منهاج الکرامه نوشت که خبر این کتاب به «ابن تیمیه» می‌رسد، او کتاب منهاج السنة النبویه را در رد کتاب منهاج الکرامه می‌نویسد که نشان از خشم و غضب ابن تیمیه بخاطر اسلام آوردن و تشیع سلطان محمد خدابنده دارد. برخی معتقدند که ابن تیمیه در منهاج السنة از فرط خشم و عصبانیت، گاهی آنقدر اغراق می‌کند که حتی خلافت حضرت علی (ع) را هم زیر سوال می‌برد. از منهاج السنة النبویه به عنوان مهمترین آثار حنابله در رد شیعه نام می‌برند. مرحوم علامه حلّی هم عصر با ابن تیمیه است که در میان علمای اهل سنت از جهت طرح دیدگاه‌های بین‌المللی قابل توجه است. هم‌چنین مرحوم علامه با فیلسوف و متکلم بزرگ مغرب زمین، توماس آکویناس هم معاصر است. البته فرصت نشد که من بررسی کنم بینم آیا این دو در آثارشان به یکدیگر ارجاع داده‌اند یا نه؟ ولی در خصوص تاثیر آکویناس از آثار ابن سینا و ابن میمون تردیدی وجود ندارد. از طرفی ارتباطات در آن زمان مثل امروز نبوده و هیچ سندی دال بر اینکه این دو به آثار یکدیگر مراجعه می‌کردند یا نه در دست نیست. من جستجو کردم که آیا در مورد علامه حلّی، تحقیقاتی در خارج از کشور انجام گرفته یا نه که در این رابطه مفصل‌ترین تحقیق را خانم اشمیتکه انجام داده است. ایشان کتاب مفصلی در زمینه دیدگاه‌های کلامی علامه نوشته‌اند. مقدمه کتاب ایشان خیلی جالب است. با توجه به مجموعه پژوهش‌های اشمیتکه و هم‌چنین بعضی از نویسندگان مغرب‌زمین در باره علامه حلّی از وی به عنوان یکی از بانفوذترین فقیهان و متکلمان شیعه یاد می‌کنند و از آن طرف هم بزرگان و علمای اهل سنت به دلیل نفوذ فوق‌العاده‌ای که علامه حلّی در جهان تشیع داشته و با دیدگاه‌های آن‌ها آشنا بوده، به خاطر روحیه خاصی که مرحوم علامه حلّی داشته، از جهت صبر و تحمل و سعه صدر مورد توجه است. ابن تیمیه بخاطر شیعه شدن سلطان محمد خدابنده از سوی علامه، در کتابش ادبیات تندی علیه شیعیان دارد و آنان را دروغگو خوانده است. بنابر نقل ابن حجر عسقلانی، علامه در جواب کسانی که از او خواسته بودند در رد منهاج السنة ابن تیمیه کتابی بنویسد و به او پاسخ دهد، گفته است: اگر او متوجه می‌شد، من چه می‌گویم به او پاسخ می‌دادم. علامه و ابن تیمیه با دو سال فاصله از یکدیگر یعنی سالهای ۷۲۶ و ۷۲۸ فوت نمودند.



اما قسمت دوم بحث یعنی مرور سریع بر فهرست کتاب الجهاد تذکرة الفقهاء کتابهای فقهی علامه به چند دسته تقسیم می‌شوند. در میان آن‌ها سه کتاب «مختلف الشیعة الی احکام الشریعة»، «تذکرة الفقهاء» و «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» را در سطح عالی و استدلالی فقه ارزیابی می‌کنند. من سعی کردم برای این نشست فقط مروری به کتاب الجهاد تذکرة الفقهاء داشته باشم که احتمالاً آخرین کتاب فقهی مفصل علامه است. کتاب الجهاد مشتمل بر حدود ۲۷۱ مسئله هست. قطعاً ما در این جلسه نمی‌توانیم به همه این مسائل بپردازیم شاید خیلی از آن‌ها امروز در حوزه حقوق ملل یا حقوق بین الملل ننگد. بنابراین سعی می‌کنم به برخی از نکاتی کلیدی که به مثابه یک اصل راهنما می‌تواند قابل استفاده باشد، بر اساس برداشتی که من از متن دارم، اشاره بکنم. علامه در آخر کتاب الجهاد، نوشته‌اند که این کتاب را در ۷۱۹ هجری یعنی حدود (۱۳۱۹ میلادی) اوایل قرن ۱۴ میلادی نوشتند که همزمان با قرون وسطا در اروپا و درگیری‌های مغول در منطقه نگاشته شده است. حتی نقل شده است که صیادان جزایر انگلیس و اروپا هم از وحشت حمله مغول برای گرفتن ماهی به دریا تور نمی‌انداختند و خوف از حمله آنان داشتند تا این اندازه وحشت حکمفرما بود و درواقع ارتباطی بین سرزمینهای اسلامی و غرب وجود نداشت یا ما اطلاعی از آن نداریم. به خاطر اینکه حقوق بین الملل در آن زمان شکل نگرفته بود و این سرزمین‌ها هر کدام به صورت مستقل اداره می‌شدند. مرحوم علامه این کتاب را در هشت فصل تنظیم کرده است. کتاب الجهاد در فقه اسلامی عمدتاً مرجع مباحث حقوق و روابط بین الملل است و همانطور که استحضار دارید، آثار اولیه‌ای که در موضوع حقوق ملت‌ها و ملل نوشته شده با عناوین جنگ و صلح بوده است. بنابراین طبیعی است که کتب فقهی ما ناظر به همین عناوین غالبی باشد که در همان عصر و زمان شایع بوده است.

فصل اول در مورد اهمیت جهاد است و اینکه جهاد بر چه کسانی واجب است.

فصل دوم در مورد کیفیت جهاد و اینکه جهاد علیه کدام دسته از افراد مجاز هست.

فصل سوم درباره مفهوم امان و انواع آن است راجع به امان کتب زیادی نوشته شده است. به نظرم و با مروری بر بعضی از مسائل این فصل، می‌توان گفت که مفهوم امان در ادبیات فقهی امروزه به معنای روادید و اجازه اقامت و مانند اینهاست و در این فصل قابل مطالعه است.

فصل چهارم که شاید مفصل‌ترین فصل کتاب هم باشد، در ارتباط با غنائم جنگی است. اقسام غنائم اعم از منقول، غیرمنقول و سرزمین‌هایی که در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد و احکامی که ناظر بر این دست از سرزمین‌ها است.

فصل پنجم که به نظر میرسد شبیه‌ترین مباحث به حقوق بیگانگان و حقوق بشر به شمار می‌آید، احکام اهل ذمه هست. همچنین مباحثی مانند تابعیت، وضعیت رفت آمد سفرا، بازرگانان، نمایندگان خارجی در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. مالیاتی که باید اتباع بیگانه و یا حتی شهروندان کشورهای اسلامی تحت عنوان ذمیان بپردازند، در اینجا مورد بحث است. احکام اماکن، مساجد، ابنیه‌ها، مهاده و قرارداد متارکه جنگ به تفصیل در اینجا آمده است. همچنین در باره تغییر ادیان و تغییر مذهب اتباع بیگانه و نیز افراد مقیم در سرزمین‌های اسلامی، وفای به معاهدات، فسخ معاهدات و شرایط آن نیز بحث شده است. مبحث مهم دیگر که در این فصل مربوط به احکام اهل ذمه جای گرفته، قواعد ناظر بر حل و فصل اختلافات است. مباحث مربوط به «قانون حاکم» یا *Applicable law* را در اینجا میتوان تعقیب کرد.

فصل ششم راجع به مخاصمات داخلی است که در فقه تحت عنوان قتال اهل البغی آمده است. فصل هفتم امر به معروف و نهی از منکر است که مرحوم علامه در این فصل به موضوع ترفع بیگانگان به دادگاه‌های اسلامی اشاره میکند. آخرین بخش راجع به رباط و مرابطه یا همان دیدبانی، مرزبانی و محافظت از سرزمین‌های اسلامی است. البته عرض کردم بررسی تفصیلی این فصول و مسائل آن از حوصله این جلسه خارج است و خیلی از آن‌ها شاید امروز هم به راحتی قابل تطبیق نباشند. اما وقتی این فصول نه‌گانه را با کتاب السیر شیبانی مقایسه کردم، البته با در نظر گرفتن فاصله زمانی بین شیبانی و مرحوم علامه، متوجه می‌شویم که کتاب السیر شیبانی در ۵۴ باب بصورت پرسش و پاسخ تنظیم شده ولی مسائل آن پراکنده است اما در تذکره همه این موارد با رویکرد فقه تطبیقی پوشش داده شده بعلاوه باب امر به معروف و رباط بر آن افزوده شده است. خلاصه اینکه عمده مباحثی که در سیر شیبانی آمده در اینجا هم با تفصیل بیشتری و با رویکرد فقه المذاهبی آمده است. این قسمت دوم مطالب ما که مروری بود بر فصول کتاب الجهاد تذکره الفقهاء، جلد نهم از چاپ آل البیت.

اکنون نوبت به قسمت سوم بحث یعنی مروری بر برخی مسایل مهم این کتاب است:

در مسئله شماره سوم مرحوم علامه به محدودیت‌های زمانی و مکانی در جنگ اشاره دارد که به تعبیر امروز جنگ نامحدود نیست بلکه دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی است. قبل از تاسیس جامعه ملل در دکتربین‌ها و در نظر عالمان مسلمان، محدودیت‌های زمانی در ماه‌های حرام و محدودیت مکانی یعنی ممنوعیت جنگ در حرم بعنوان محدودیت‌های جنگی مطرح بود.

در مسئله ششم مرحوم علامه می‌فرمایند در هر سال یکبار باید عملیات جنگی اتفاق بیفتد. این بحثی بوده که استاد گرامی آقای دکتر رهایی هم در جلسه بحث از دیدگاه‌های شیخ طوسی مطرح فرمودند و بسیاری از فقهای ما هم اشاره می‌کنند که هر سال باید این اتفاق بیفتد. اما باز همینجا قیدی دارد که اگر چنانکه تعداد مسلمانان اندک باشد یا نیاز به مساعدت یا استعانت دیگر قوا یا رسیدن کمک از جای دیگر باشد و یا به تعبیری مصلحت در ترک قتال باشد، می‌توان از طریق توافق به تعبیر فقهی «مهاده» قتال را تعطیل یا به تاخیر انداخت. همانطور که پیامبر اکرم با صلح حدیبیه ۱۰ سال قتال را تعطیل کرد. استنباط بنده این است که با توجه به نظام بازدارندگی امروز و تحولات نظامی بتوان گفت مانور نظامی که امروزه توسط کشورها انجام می‌گیرد، همان قدرت نمایی مورد نظر جهاد ابتدایی است. (چون هدف از جهاد ابتدایی

اظهار وجود نظامی و آمادگی دفاعی و نظامی است تا نشان دهند که دشمن هوس درگیری با مسلمانان را نداشته باشند و یا بر فرض درگیری موفق نخواهند بود) امروزه مانور همین کار کرد را دارد و یک نوع قدرت نمایی است. بنابراین بنظر من از مفهوم جهاد در هر سال یکبار، بیشتر مانور برداشت می‌شود تا لشکرکشی و جنگ و حمله به قصد تصاحب سرزمین. در حال امیدوارم این برداشت خیلی مترقیانه و به تعبیر امروزی روشنفکرانه نباشد!

در مسئله شماره هفتم وقتی ایشان جهاد را به جهاد کفایی و واجب کفایی و واجب عینی تقسیم میکند، می‌فرمایند که جهاد به نحو واجب عینی در جایی است که به سرزمینهای اسلامی حمله شده باشد اما جهاد دعوت و به نحو کفایی باید به گونه‌ای سازماندهی شود که در واقع معایش و امور زندگی مردم معطل نماند. به عبارتی دیگر اگر جهاد واجب عینی باشد همه باید به سراغ جنگ و جهاد بروند و دیگر به امور عادی زندگی خود نمی‌توانند برسند. البته گویا جنگ‌ها در گذشته منشاء درآمد بوده است و قرائن هم این را تایید میکند. به خصوص در عصر خلیفه دوم که پادگان نظامی در مدینه تاسیس شد و فتوحات پس از آن اتفاق افتاد. اگر واقعاً جنگ به هدف کسب درآمد و چنین وضعیتی بوده، باز ایشان تعبیر می‌کند که اگر کفار در سرزمین خودشان مانده‌اند و قصد درگیری با سرزمین‌های اسلامی ندارند، این واجب کفایی است و اگر تعدادی از افراد به مانور و قدرت نمایی مبادرت کنند به حدی که دیگر دشمنان قصد حمله به مسلمانان نداشته باشند، کافی است. علاوه بر این در مناسبت‌های مختلف تصریح دارد که امر جهاد به دست امام و حاکم اسلامی هست به خصوص جهادالدعوه که قطعاً امام مسلمین در این مورد تصمیم خواهد گرفت. در مسئله ۲۹ همانند بسیاری از فقه‌ها به ممنوعیت کشتن کودکان و زنان در جنگ، اگر مقاتل نباشند تصریح دارند زیرا پیامبر گرامی اسلام (ص) از کشتن این دسته از افراد که امروز ما از آن‌ها به عنوان افراد آسیب‌پذیر یاد می‌کنیم نهی فرموده است.

در مسئله سی و یکم به‌عدم تعرض فرستادگان و رسل و سفیران می‌پردازد و با اشاره به روایتی از رسول اکرم (ص) پس از دیدار با نمایندگان مسیلمه کذاب که فرمود نمی‌خواهم از کسانی باشم که عرف مبنی بر احترام به سفیران و رسولان را نقض کنم.

حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه یعنی محدودیت قطع درختان و نخل و یا کشتن حیوانات تحت عنوان «مغایظة الکفار» موضوع قابل توجه و مطالعه در مخاصمات است که در دیدگاه‌های مرحوم علامه می‌توان تفسیر مترقیانه‌ای از آن دید. به نظر وی نمی‌توان بسیاری از عملیات جنگی را صرفاً تحت عنوان «مغایظة الکفار» و به خشم آوردن موجه دانست. مانند کشتن حیوانات و یا مواردی که بی‌جهت دشمن را به خشم می‌آورد و در نتیجه و پیروزی جنگ هم تاثیری ندارد. بنابراین به غیظ و خشم آوردن دشمن یک اصل نیست و اهداف بالاتری در جنگ‌ها وجود دارد.

در مسئله شصت و ششم درباره مهاجرت بر این نظر است که چنانچه مسلمانانی وارد سرزمین دشمن می‌شوند باید مقررات آن سرزمین را رعایت کنند و اگر اموالی از آن‌ها در اختیار دارند که غاصبانه هست حتماً باید این اموال را برگردانند. به خاطر اینکه بیگانگان وقتی به ما امان می‌دهند یعنی باید از ناحیه ما هم در امان باشند. رعایت قوانین و مقررات سرزمینی که مسلمانان در آن حضور دارند، امری بدیهی است. به مناسبت دیگر در شرایط جنگی اگر کتب علمی حتی انجیل و کتب مذهبی در اختیار مسلمانان قرار گرفته است، ایشان از بین بردن این کتابها را جایز نمی‌داند و معتقد است که اینها منافع دینی هم دارند و مرتبط به دین هستند و نباید آن‌ها را از بین برد.



در متون فقهی حکم اسیران به نحو تخییر عبارت است از قتل، آزادی بلاعوض، (آزادی با منت) آزادی معوض؛ (فدیه) به نظر علامه انتخاب هر یک از این موارد از صلاحیت‌ها و اختیارات امام و حاکم است چون ما مصالح کلی را نمی‌دانیم و در امور جنگ مصلحت سنجی امام از همه مقدم‌تر است و به تعبیر ایشان امام هم به نحو خودسرانه و بر اساس میل خود اقدام نمی‌کند بلکه انتخاب وی به ملاحظه و نفع عموم است.

از موارد جالب توجه در دیدگاه‌های علامه حلی و فکر می‌کنم آن را یکی دیگر از تفاسیر مترقیانه وی در حقوق ملل می‌توان به شمار آورد، تفسیر علامه از آیه ۲۹ سوره توبه است (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ) ایشان ضمن ورود تفصیلی به قرارداد ذمه می‌فرماید منظور از صغار، در این آیه رعایت و تبعیت مقررات اسلامی است. یعنی ذمیان و اتباع غیرمسلمان به گونه‌ای باید رفتار کنند که تابع مقررات حکومت اسلامی باشند جز مواردی که برخلاف آن توافق شده است. برخی برداشتهای فقهی از صغار به معنای شهروندان درجه دوم و دریافت مالیات از آنان همراه با اعمال رفتارهای موهن و تحقیرآمیز در نظر علامه غیر ضروری است و وجهت ندارد بلکه مهم تبعیت و رعایت مقررات دولت اسلامی تا شهروندان دولت اسلامی شمرده شوند. بعبارت دیگر منظور از «وَهُمْ صَاغِرُونَ» یعنی «وَهُمْ مطیعون». مطلب قابل توجه دیگر در مورد مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فصل هشتم کتاب هست. از نظر مرحوم علامه مانند سایر فقهاء مراحل امر به معروف و نهی از منکر دارای مراحل زبانی، قلبی و یدی است، ولی وقتی به مرحله یدی که می‌رسد، می‌فرماید اقدام در این مرحله از اختیارات امام و حکومت اسلامی است و عموم مسلمانان باید به همان مراحل قلبی و زبانی بسنده کنند چون مرحله یدی ممکن است به درگیری و ضرب و شتم منجر شود و افراد خودسرانه نمیتوانند به چنین کاری مبادرت کنند. در مسئله شماره ۲۰ به حمایت و نقش کادر بهداری و درمان در مخاصمات اشاره دارد و اینکه می‌توان از زنان و افرادی که توانایی این کار را دارند در جنگ از آن‌ها کمک گرفت ولی حق الزحمه آنان باید از بودجه نظامی پرداخت شود. در خصوص استعانت از بیگانگان و اهل ذمه، به نظر ایشان استعانت از غیر مسلمانان در درگیری‌ها در صورتی که اطمینان داشته باشیم به مسلمانان خیانت نمی‌کنند با صلاحدید امام مجاز است. در هر حال در فرصتهای مختلف مرحوم علامه معتقد است امور جنگ و جهاد و صلح منوط به صلاحدید امام هست و این مواردی که ما به صورت مسئله مطرح می‌کنیم بیان مصادیق زمان خودش هست اما هر عصر و زمانی می‌تواند اقتضائات خودش را داشته باشد و این تشخیص زمان موکول به صلاحدید امام هست در نتیجه جنگ و صلح در اختیار حاکم اسلامی و امام قرار می‌گیرد حتی در خصوص «مهاده» هم در جایی فرمودند که اگر امام مسلمین صلاح بداند می‌تواند بر مدت آن اضافه کند و چه بسا صلح طویل‌المدت و حتی دائمی می‌تواند بین مسلمانان و غیرمسلمانان برقرار شود. اینها برخی از مسائل کتاب جهاد است و نوبت به جمع‌بندی و نتیجه یعنی قسمت چهارم می‌رسد.

در مجموع با مرور سریع در این کتاب برداشت من این است که مرحوم علامه در بسیاری از این موارد به دیدگاه‌های شافعیه، حنابله و همچنین مالکیه توجه داشتند و چند مورد هم به شیبانی اشاره کرده‌اند و حتی با شیبانی هم نظر بودند. علامه در مسائل متعددی به حسن بصری ارجاع داده‌اند که در مورد ایشان

دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اما ارجاع علامه به حسن بصری که از فقهای قرن اول و دوم هست از این جهت قابل توجه است که این شخصیت را باید به عنوان یکی از مراجع اولیه «علم سیر» حتی قبل از شیانی دانست. زیرا یادداشتهایی که حسن بصری از فقهای مدینه و حتی شاهدان جنگ بدر داشته از وی بعنوان یکی از فقیهانی که ناقل بسیاری از دیدگاه‌های سده اول و دوم اسلام است، یاد می‌کنند. «زبون اشمیتکه» هم در پژوهش خود بر این نظر است که علامه بیشترین تاثیر را از حسن بصری پذیرفته است. مناسب است در اینجا یادی از موسس دانشگاه مفید مرحوم آیت الله العظمی موسوی اردبیلی (ره) کنم. ایشان در یکی از جلسات درس خارج به یک نکته کلیدی در فقه تطبیقی اشاره فرمودند که این مضمون که فقهای اهل سنت در عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به دو دسته فقهای رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شدند. حکومت به فقیهان رسمی عنایت داشته و دیدگاه‌های فقیهان غیررسمی هم مورد توجه بوده است. بنابراین همانطور که از مرحوم آیت الله بروجردی به کرات نقل شده است فهم دقیق برخی از مسائل فقهی خودمان نیازمند مراجعه به کتبی است که اهل سنت نوشته‌اند بویژه در حوزه سیر و روابط و حقوق ملل. به خاطر اینکه آن‌ها درگیر بودند و ما در اقلیت بودیم. بنابراین نکته قابل توجهی است که منابع فقهی اهل سنت و شیعه یک دیگر را تکمیل و تفسیر می‌کنند. منظور من در اینجا حوزه مطالعات بین الملل است. مطلب قابل توجه دیگری که از این کتب داریم این است که امروزه مرزهایی بین حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی وجود دارد اما در منابع فقهی ما این دو در هم ادغام شده و مشترک هستند. به ویژه احکام اهل ذمه بیشتر حقوق بین الملل خصوصی است تا حقوق بین الملل عمومی. از طرفی دیگر، آنچه در ادبیات فقهی از آن به رباط و مرابطه یاد می‌کنیم امروزه بیشتر به مفهوم بازدارندگی و دفاع مشروع نزدیک است چون مرابطه یک نوع دیدبانی و رصد است. یعنی نزدیک به مفهوم دفاع پیش‌دستانه یا پیشگیری است. مفهوم مرابطه به قرائت جدیدی نیاز دارد و اگر بناست مطالعه تطبیقی از متون گذشته صورت گیرد و با مفاهیم روز حقوق بین الملل مقایسه شود دقت، ظرافت و تخصص لازم دارد. برای اینکه با مطالعه این متون به مسائلی می‌رسیم که با یافته‌ها و قواعد حقوق بین الملل معاصر سازگار نیست. فرض کنید در شرایط مخاصماتی و کشتن دشمن به هر صورت ممکن «کیف اتفق» جایی ندارد زیرا روش‌ها و تسلیحات هر دو محدودیت دارد و هر روشی را و هر سلاحی را نمی‌توان در جنگ‌ها بکار گرفت. یا تخریب بیوت و استفاده از منجنیق و بمباران مناطق مسکونی بر خلاف قواعد حقوق بشردوستانه کنونی است.

مطلب مهم دیگری که همینجا و در مطالعه تطبیقی حقوق ملل اهمیت دارد تعارض حقوق داخلی و حقوق بین الملل است. دو اصل وفای به عهد و قاعده نفی سبیل در این باره ظاهر باشد. بنا بر اصل وفای به معاهدات، حقوق بین الملل مقدم خواهد شد. به نظر برخی حقوقدانان که با فقه هم تاحدودی آشنا هستند در برتری میان حقوق داخلی و حقوق بین الملل اصل وفای بر معاهدات حاکم هست. برای اینکه درپرتو وفای به معاهدات هم مسلمانان نفع خواهند برد و طرف مقابل متعهد خواهد بود تا بسیاری از رفتارهای سختگیرانه دست بردارد و یا مقرراتی که به نفع طرفین است رعایت کند. در نقطه مقابل آنان که به برتری حقوق داخلی و حقوق اسلام بر حقوق بین الملل معتقدند به قاعده نفی سبیل استناد می‌کنند که خود بحث مفصلی نیاز دارد.

در پایان این نشست علمی پرسش‌هایی از سوی حاضرین در جلسه و فضای مجازی مطرح شد که دکتر میرمحمدی به ارائه پاسخ پرداختند.

دانشگاه مفید، نشست علمی «شیبانی و نقش او در حقوق بین الملل» به همت مرکز مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه مفید و با حضور دکتر سیدمصطفی محقق داماد (رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران) و دکتر سعید رهایی (عضو هیات علمی دانشگاه مفید) روز چهارشنبه ۸ دیماه ۱۴۰۰ به صورت مجازی در دانشگاه مفید برگزار شد. دبیری این برنامه را دکتر سیدمصطفی میرمحمدی (معاون پژوهش و عضو هیات علمی دانشگاه مفید) بر عهده داشتند.

در ابتدای این جلسه بعد از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، دکتر میرمحمدی ضمن خوش آمد به حاضران در نشست گفتند: لازم می‌دانم از طرف مرکز مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه مفید از همه عزیزان به ویژه اساتید گرامی آقایان آیت الله دکتر محقق داماد و همچنین دکتر رهایی که دعوت مرکز مطالعات حقوق تطبیقی را پذیرفتند تشکر کنم. طبق برنامه ریزی صورت گرفته قرار است سلسله نشست‌هایی در ارتباط با عالمان و دانشمندان بزرگ حقوق بین الملل در عالم اسلام و مسیحیت برگزار شود که این جلسه، جلسه نخست است. همانطور که آقای دکتر رهایی قبل از شروع جلسه فرمودند واقعاً ما آشنایی با حقوق بین الملل و به ویژه اسلام و حقوق بین‌الملل را مرهون استاد گرامی آقای دکتر محقق داماد هستیم و ما این شروع را مبارک می‌دانیم که سلسله مباحث مربوط به حقوق بین الملل و اسلام را با فرمایشات ایشان آغاز نمایم.

متن سخنرانی آیت الله دکتر محقق داماد:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر همه حضار گرامی و عزیزان برگزار کننده این نشست علمی سلام عرض می‌کنم و مراتب تشکر خودم را تقدیم می‌دارم. طرح محقق حلی در کتاب مستطاب «شرایع الاسلام فی الحلال والحرام» برای نظام دانش فقه از اولین و شاید زیباترین طرح‌ها برای این دانش بشمار آید، هرچند بعدها توسط شهید اول نقدهای نسبتاً موجهی بر آن وارد گردیده است.

اما نمیتوان انکار کرد که در طرح محقق حلی بخش مستقلی برای حقوق روابط بین الملل دیده نشده و کلاً این مباحث جسته گریخته در ضمن مباحث مختلف آمده است. بخش بین الملل عمومی در ضمن کتاب جهاد و بخش بین الملل خصوصی در ضمن کتاب نکاح و یا کتاب بیع و سایر ابواب ملحوظ شده است. محمدبن حسن شیبانی از نخستین فقیهانی است که به این بخش از دانش فقه نگاه مستقل نموده است. کار عظیم وی تحت عنوان تقریر ابوحنیفه عرضه شده و معلوم نیست آیا ابوحنیفه تدریس در این بخش را مستقل ارایه داده یا آنکه طرح استقلال در تالیف، از ابداعات خود شیبانی است. به هر حال شیبانی از کسانی است که همچون ابن سینا و فارابی در فلسفه مورد اعتراف به پیشکسوتی برای علمای مغرب زمین قرار گرفته و آنان نسبت به وی شکر گذارند.

۱- آنچه امروز «حقوق بین‌الملل عمومی» نامیده می‌شود، در متون قدیم ادبیات اسلامی به علم «سیر» معروف بوده است. در فرهنگ اصطلاحات، کلمه «سیر» جمع «سیره» از ریشه «سیر» به معنای حرکت است و اصطلاحاً به رفتار و کردار و خلق و خو اطلاق می‌شود و در همین معنا، یکی از فصول گلستان سعدی «در سیرت پادشاهان» است.

اما در اصطلاح وقایع‌نگاران و فقیهان اسلامی، ظاهراً از قرن دوم هجری به بعد، این کلمه دو معنای اصطلاحی یافته است: یکی مفهوم خاص و دیگری مفهوم عام که بی‌ارتباط با معنای اول نیست و پایه و اساس حقوق بین‌الملل اسلامی را بنا نهاده است. معنای نخستین عبارت است از شرح حال دوره زندگی پیامبر اسلام (ص) و معنای دوم عبات است از گفتار و کردار پیامبر (ص) و فرمان‌هایی که در زمان صلح، جنگ یا متارکه صادر می‌فرموده‌اند. ظاهراً اصطلاح دوم از حدیثی گرفته شده که در چند منبع معتبر از جمله ابتدای السیر الکبیر شبیبانی (کتاب الاصل) آمده است که هم سیره رسول‌الله (ص) را بهتر توضیح می‌دهد و هم بر اساس و پی‌افکنی سیره از جانب پیامبر (ص) دلالت دارد. حدیث این است که رسول‌الله (ص) در هنگام اعزام برای جهاد خطاب به آنان چنین می‌فرمود: «هرگاه با دشمن مشترک خود روبه‌رو می‌شوید، ابتدا آن‌ها را به قبول اسلام دعوت کنید؛ چنانچه قبول کردند آن‌ها را آزاد بگذارید [...] و چنانچه امتناع ورزیدند از آن‌ها درخواست جزیه کنید و اگر بر این امر گردن نهادند، آن‌ها را آزاد بگذارید. فهذا عهدُ الله و سیره نبیه فیکم».

۲- نمی‌توان انکار کرد که توسعه و گسترش اسلام در بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اسلامی از طریق فتح انجام گرفته و پس از فتح، مدیریت، سیاست، و آیین اداره مورد نیاز بوده است. ضابطه اصلی این مدیریت، کتاب آسمانی مسلمین و تعالیم و رفتار مبنایی پیامبر اکرم (ص) است و طبعاً چون مأخذ و مبنای این امور اداری، خصوصاً آداب جنگ و صلح، تعالیم مذهبی است، لازم بوده که این آموزه‌ها مدون شوند. از این رو این مطالب ابتدا با سایر مباحث حقوق اسلامی، از جمله عبادات، معاملات و عقوبات، همراه بوده و فصلی را به نام «باب سیر» در مجموعه فقه اسلامی به خود اختصاص داده است.

۳- در کتاب المجموع الفقهی (مُسند) اثر زیدبن علی که از قدیم‌ترین کتب فقهی است، فصلی با عنوان «کتاب السیر» آمده که تأییدی بر این ادعاست. بعدها علمای فِرَق مختلف فقهی، این روش را حفظ کردند؛ تا جایی که حتی در کتب فقهی خوارج نیز ملاحظه می‌شود. مباحث سیر در کتب فقهی شیعه عمدتاً در «کتاب جهاد» مورد بحث قرار می‌گیرد و حتی بسیاری از نخستین فقهای شیعی فصل حاوی جهاد را به جای «کتاب جهاد»، «سیره الامام» نام‌گذاری کرده‌اند.

پس از زیدبن علی، دیگر حقوق‌دانان اسلامی درباره این علم (حقوق بین‌المللی اسلامی) کتاب‌ها نوشتند که از جمله آن‌ها عبدالرحمن اوزاعی (۸۸ - ۱۷۵ق) است. گرچه کتاب اوزاعی به دست ما نرسیده، از ردیه‌ای که ابویوسف بر آن نوشته، می‌توان از وجود و محتوای آن آگاهی یافت. خوشبختانه، کتاب اخیر به همت ابوالوفا الفغانی تصحیح، تحشیه و ویراستاری شده و انجمن احیای معارف عثمانی در حیدرآباد هند آن را با عنوان الرد علی سیرالاوزاعی منتشر کرده است.

۴- درباره ابوحنیفه (۸۰ - ۱۴۵ق) گفته شده که وی نخستین کسی بود که به شرح رشته‌ای از اصول و قواعد حاکم بر روابط خارجی مسلمانان پرداخت و بدین ترتیب، روابط بین‌الملل اسلامی را به گونه‌ای انسجام‌یافته و منظم بررسی کرد. ولی با توجه به آنچه در مورد کتاب المجموع الفقهی و یا به تعبیر دیگر، مُسند زیدبن

علی بن الحسین (ع) آوردیم، به نظر می‌رسد چنین انتسابی به ابوحنیفه از آن‌روست که وی اولین کسی بوده که سلسله‌درس‌هایی مستقل - نه جزء سایر ابواب فقه - درباره حقوق جنگ و صلح و بی‌طرفی ارائه کرده و اصطلاح «سیر» را به آن مجموعه اختصاص داده است. چند تن از شاگردان او این درس‌ها را ویرایش و تہذیب کردند که از آن جمله است کتاب السیرالصغیر و السیرالکبیر شیبانی (وفات ۱۸۹ق) و السیر ابراهیم الفزاری (وفات ۱۸۸ق) که هم اکنون در اختیار ماست.

۵- ابن حجر عسقلانی در کتاب طوابع التأسیس فی مناقب ابن‌ادریس چنین آورده است: «ابتدا کتابی در باب سیر توسط ابوحنیفه تألیف شد که الاوزاعی کتابی در ردّ آرای ابوحنیفه نوشت. سپس ابویوسف انتقادهایی را که الاوزاعی بر استاد وی، ابوحنیفه، وارد کرده بود، رد کرد. به دنبال آن، شافعی وارد بحث شد و مطالب ابویوسف را رد کرد. من (ابن حجر) می‌گویم که نوشته‌ی اخیر بخشی از کتاب الأم اثر شافعی را تشکیل می‌دهد».

۶- اوزاعی اهل بیروت و اصل وی از منطقه سند از توابع فعلی پاکستان است. اظهارات بعضی از مستشرقین مبنی بر اینکه وی در بیروت تحت تأثیر حقوق روم قرار گرفته و بدین اثر دست زده، ادعایی کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا همان‌طور که ملاحظه شد، وی در مقام ردّ آرای ابوحنیفه بوده که ابویوسف، شاگرد ابوحنیفه، در مقام پاسخ و دفاع برآمده است.

طبری در کتاب اختلاف‌العلماء خلاصه‌ای از آرای ابوحنیفه را در باب سیر آورده و با نظرات سایر حقوق‌دانان اسلامی معاصر وی مقایسه کرده است.

ابویوسف به دستور هارون‌الرشید و به حمایت از استاد خود ابوحنیفه و در مقام مخالفت با سیر اوزاعی، کتاب خراج را نوشت و آرای خود را برپایه نظر بعضی از حقوق‌دانان قرار داد.

۷- کتاب ابوحنیفه بیش از آنکه منشأ اثر فقهی و حقوقی شود، مبنای جدال سیاسی شد. پروفیسور سید مناظر احسن جیلانی می‌گوید: «حقوق‌دانان اسلامی و فقهای برجسته زیادی وارد این جریان شده، هرکدام به طرفداری از دسته‌ای، به تدوین رساله‌ای مبادرت کردند. سرانجام بعد از یکی دو نسل، بحث‌ها و جدال‌های سیاسی پایان گرفت و مسئله حقوق بین‌الملل اسلامی از دیدگاه قضائی دینی مطرح گردید». علت چنین اختلاف‌نظرهایی میان نویسندگان رسالات، بیشتر جنبه سیاسی داشت که بر ما مکتوم نیست؛ زیرا زمان وقوع این جریان مقارن با دوران حکومت خلفای متأخر بنی‌امیه در دمشق بود. این خلفا مردم را تکیه‌گاه خود نمی‌دانستند و طبیعی بود که مردم هم احترامی برای آن‌ها قائل نباشند و به خلافت آنان وقعی نگذارند. خلفای این دوره با مخالفانی سرسخت از جمله شیعیان از یک سو و حامیان خاندان عباسی از سوی دیگر مواجه بودند و در این تقابل، کورکورانه و ظالمانه به سرکوب مخالفان پرداختند. خوارج نیز به پیروی از معتقدات خود که ارتکاب گناه را معادل ارتداد می‌دانستند، حکام اموی را دشمن دانسته، با آن‌ها در ستیز بودند. در واقع میان دسته‌های سیاسی مخالف با حکام در آن زمان، یعنی شیعیان پیرو اهل‌بیت (ع)، طرفداران عباسیان و خوارج، فقط یک وجه تشابه وجود داشت و آن عبارت بود از تنفر از حکومت بنی‌امیه.

۸- طبیعی است که در چنین شرایطی، حقوق بین‌الملل اسلامی که ارتباطی نزدیک با روش حکومت وقت دارد، نتواند به رشد علمی و منطقی برسد. مردم در مقابل کردارهای حاکمان اموی متحیر می‌شدند و از فقیهان زمان برای تعیین تکلیف استفتا می‌کردند. عده‌ای که آویخته به قدرت و منتفع از آن بودند، با تمسک به جملاتی از رسول‌الله (ص) نظیر اِطِيعُوا و اَطِيعُوا و لَوْ اَمَرَ عَلَيْكُمْ حَبَشِيٌّ اَجَدَع (گوش بدهید و اطاعت کنید، هرچند سیاه‌پوستی بینی‌پهن بر شما ولایت کند) و عَلَيكُمْ الصَّبْرُ و عَلَيهِمُ الوِزْر (وظیفه شما صبر

است و آنان بار گناه خویش را بر دوش خواهند کشید)، مردم را به اطاعت از حکام اموی فرامی‌خواندند. درمقابل، فقیهان برخوردار از روحیه استقلال با تمسک به احادیثی نظیر لاطاعة لمخلوق فی معصية الخالق (هیچ اطاعتی از مخلوق که مستلزم نافرمانی از خالق باشد، روا نیست) مردم را به سرپیچی از حکام اموی و مقاومت وامی‌داشتند. ابوحنیفه از این گروه بود. وی تا آنجا پیش رفت که توسل به سلاح در تقابل با حکام جائر را تجویز کرد و این فتوا چنان بود که موجب حیرت سایر فقها شد؛ چراکه آنان از پیامدهای خونین داخلی و خارجی چنین فتوایی وحشت داشتند.

۹- جصاص در کتاب احکام القرآن از قول اوزاعی آورده است: «ما از ابوحنیفه مطلقاً حمایت می‌کردیم تا آنکه وی با شمشیر آمد و نبرد با حاکمان ستمگر را حتی با به‌کارگیری شمشیر روا دانست که دیگر نمی‌توانستیم آن را تأیید کنیم».

لذا جای شگفتی نیست اگر می‌بینیم اوزاعی، فقیه سُوری، با فتاوی فقیه عراقی، ابوحنیفه، موافقت نمی‌کند و بی‌درنگ با تمسک به گفته‌های رسول‌الله (ص) مبنی بر لزوم حفظ انسجام و وحدت میان مسلمانان، آرای او را رد می‌کند. ابوحنیفه خود را بزرگ‌تر از آن می‌بیند که به میدان اوزاعی بیاید؛ بنابراین به اشاره او، شاگردش، ابویوسف، به‌پا می‌خیزد. گفتنی است که از امام مالک، فقیه هم‌عصر ابوحنیفه و رئیس فرقه مالکی، اندیشه یکنواختی در دسترس نیست. نوشته‌اند که شبی در مسجدالنبی (ص) از عشا تا صبح با ابوحنیفه در رد نظریاتش درباره مخالفت با حاکمان مباحثه کرد.

۱۰- بعد از سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن عباسیان و توقف نسبی پیشرفت فتوحات اسلام، موج اختلاف‌نظرها تسکین یافت. امام مالک نخست با عباسیان از در سازش درنیامد و فتوایی مبنی بر این صادر کرد که بیعتی که از روی اجبار باشد، دارای ارزش نیست و الزام‌آور محسوب نمی‌شود؛ ولی چندی نگذشت که با عباسیان سازش کرد و چنان از خصایص و اوصاف خلیفه منصور تعریف و تمجید کرد که خلیفه از او خواست تمام مباحث حقوق اسلامی را در مجموعه‌ای تدوین کند تا با طرد سایر مکاتب، در تمام دنیای اسلامی آن روزگار اجرا شود.

ابوحنیفه همچنان به استقلال رأی خویش ادامه داد. از او مبارزه‌ای صریح یا تحریک مردم علیه عباسیان نقل نشده است؛ ولی به گواهی تاریخ، وی علی‌رغم فشار دستگاه خلافت عباسی برای قبول سمت قضا، از پذیرش آن استنکاف کرد؛ تا آنجا که برای نجات خویش تظاهر به جنون کرد. گفته می‌شود ابوحنیفه مدت دو سال نزد امام صادق (ع) تلمذ کرد و در فضایل اهل‌بیت (ع) به‌خصوص امام باقر و امام صادق (ع) جملات زیادی از وی منقول است.

۱۱- در همان دوران، ابوعبدالله محمدبن حسن شیبانی در عرصه تاریخ حقوق بین‌الملل اسلامی ظاهر می‌شود. شیبانی در سال ۱۳۲ق در شهر واسط متولد شد و پس از تحصیل در عراق، خراسان، سوریه، حجاز و سایر مراکز بزرگ علمی، در ایران اقامت کرد. شیبانی در کوفه به‌عنوان استدلالگری برجسته و سخنرانی مقبول در زمینه موضوعات حقوقی، شهرت بسیاری کسب کرد و ظاهراً به توصیه ابویوسف پس از مرگ وی و اجبار وزیر هارون‌الرشید یعنی یحیی‌بن خالد برمکی، به کسوت استادی و قاضی‌القضاتی ری درآمد. شیبانی چنان مقرب خلیفه شد که همواره در مسافرت‌ها ملازم وی بود. او پس از مدتی به امر خلیفه معزول شد و با اغتنام فرصت از این برکناری، به بغداد رفت و در محافل آشنایان خود به‌ویژه محمدبن ادریس شافعی شرکت کرد و از دانش آنان بهره‌مند شد. وی قسمتی از دانش خود در حوزه حقوق اسلامی را در محضر دو حقوق‌دان برجسته یعنی ابوحنیفه و مالک‌بن انس تکمیل کرد.

۱۲- عمده شهرت شیبانی در حقوق بین‌الملل اسلامی است. وی در کتاب السیر الکبیر به بسیاری از احکام در مورد روش صحیح و رعایت قواعد برای مسلمانان در جنگ تهاجمی، دفاع از خود و رفتار ممنوع در جنگ و پایان مخاصمات اشاره کرده است.

گفته‌اند شیبانی نخست کتابی با عنوان السیر الصغیر تألیف کرد و چون این کتاب به دست اوزاعی افتاد، گفت: ما لأهل العراق و التصنیف فی هذا الباب؟ : «اهل عراق را چه رسد که به تألیف چنین کتابی دست یازد». این جمله به گوش شیبانی رسید و به دنبال آن به تألیف السیر الکبیر دست زد.

۱۳- جالب است که شیبانی معاصر شارلمانی، امپراتور آلمان، فرانسه و ایتالیا بوده است. مجموعه قوانین دولت شارلمانی هم اکنون موجود است که فقط حدود پنجاه صفحه دارد و لذا اگر شیبانی مسلمان را با ژوستینین، بزرگ‌ترین مقلد اروپایی، مقایسه کنیم، باز او ترجیح دارد. ژوستینین، امپراتور معروف روم، با مشاهده کثرت اختلافات میان قوانین رومی، گروهی را تعیین کرد تا تمام قوانین را بررسی کنند و آنچه را که برای زمان او اصلاح است، برگزینند. مجموعه قوانینی که این گروه ارائه کردند، محصول صدها سال تجربه دانش حقوقی روم بود؛ اما پس از اتمام، مورد پسند امپراتور قرار نگرفت و تا زنده بود، مکرر آن را حک و اصلاح کرد.

ولی محمد شیبانی به‌رغم نبودن سوابق تألیفات منظم فقهی، دست به تهیه چنین مجموعه‌ای آن‌هم صرفاً برپایه یافته‌های فقه اسلامی زد که حیرت محققان جهان را برانگیخت.

۱۴- شیبانی در سال ۱۸۹ق در ری درگذشت و در جوار کوه طبرک در نزدیکی ری مدفون شد. مجلس بزرگ داشت هزار و دویستمین سال درگذشت وی در کشورهای ترکیه، هند، پاکستان و فرانسه برگزار شد. شیبانی پس از ابوحنیفه و ابویوسف، مهم‌ترین فقیه در عالم فقه حنفی به‌شمار می‌رود و نقش او در انتقال فقه ابوحنیفه به آیندگان بسیار حساس‌تر از همتایش ابویوسف بوده است. اصولاً از ابوحنیفه چیزی مستقیماً در فقه باقی نمانده؛ بنابراین می‌توان محمد بن حسن شیبانی را مؤسس مذهب حنفی دانست. تذکره نویسان، از جمله الکفوی، برای او حدود ۹۹۹ تألیف ذکر کرده‌اند که جز معدودی از آن‌ها به دست ما نرسیده است.

چنان‌که گفته‌اند، شیبانی برای تألیف منشیان و دستیاران زیادی داشته است. در شرح حال او نوشته‌اند که وقتی در کتاب‌خانه‌اش می‌نشست پیش روی او تشت آبی بود و ده کنیز رومی آشنا به کتابت و ادبیات عرب، در خواندن آثار علمی او را یاری می‌کردند.

۱۵- در اروپا در سال‌های اخیر، به‌منظور قدردانی از آثار و خدمات این فقیه بزرگ اسلامی انجمنی به‌نام «انجمن حقوق بین‌الملل شیبانی» در شهر گوتنگن آلمان تأسیس شده که بسیاری از علمای این رشته از اطراف جهان عضو آن شده‌اند. هدف این انجمن، معرفی شیبانی و نشر آثار و تألیفات اوست. در زمان تأسیس این انجمن، دکتر عبدالحمید بدوی به ریاست و دکتر صلاح‌الدین المنجد به نایب‌رئیس آن انتخاب شدند.

متن سخنرانی حجت الاسلام دکتر رهایی:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند را سپاس گزارم که توفیقی داد تا دوباره به نحو مجازی از محضر استاد عزیزم حضرت آیت الله محقق داماد بهره بگیرم. از دانشگاه مفید، جناب آقای دکتر میرمحمدی (معاون پژوهشی) و آقای دکتر احمد زاده (مدیر مرکز مطالعات حقوق تطبیقی) سپاسگزارم که فرصتی را فراهم کردند که در این مسئله یعنی شیبانی و تاثیر آن بر حقوق بین الملل سخنرانی داشته باشم. با کسب اجازه از محضر استاد عزیزم و اساتید و فضیای حاضر، در چند فراز به شیبانی و برخی از دیدگاه‌های او می‌پردازم. گرچه استاد حق مطلب را در معرفی شیبانی به جا آوردند.





دانشگاه مفید، نشست علمی «نقدهای اخلاقی بازار اعضای بدن» با همکاری مرکز مطالعات قرآن دانشگاه مفید، گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن علمی اقتصاد توسعه منطقه‌ای ایران روز چهارشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۰ بصورت مجازی برگزار شد.

در این برنامه دکتر مهدی فیضی (عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد) با ارائه تاریخچه‌ای از بحث فروش اعضای بدن و ارایه نگاه‌های موافق و مخالف به این پدیده، چنین نتیجه‌گیری کردند که نمی‌توان فروش اعضای بدن، را عمل غیر اخلاقی دانست و اخلاقی بودن آن هم نیاز به دلیل و بحث بیشتر دارد. همچنین برای مدیریت این امور، لازم است حاکمیت، نسبت به این بازار ورود کند و از دلالتی در این بخش، جلوگیری نماید.

دکتر سید مهدی نریمانی (عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه مفید) دیگر سخنران این جلسه علمی بودند. ایشان بحث فروش اعضای بدن را از منظر فقهی بررسی کرده و گفتند: فروش اعضای بدن در فقه، ذیل مباحث استفتائات پزشکی (مرگ مغزی، تشریح و پیوند اعضا) تصرف در بدن میت (جنایت بر میت) و ارث مطرح می‌گردد.

وی در ادامه به اقوال در باره فروش اعضای زنده بدن اشاره کرده و گفتند: برخی فقها فروش اعضای بدن را جایز نمی‌دانند و برخی دیگر آن را جایز و بلکه مستحب (احسان، معروف، برّ، خیر و...) دانسته‌اند و برخی دیگر در این مسئله تفصیل - از لحاظ این که عضو از اعضای رئیسی (اندام حیاتی) مانند قلب و شش هست یا خیر؟ میت وصیت کرده است یا خیر؟ - قایل شده‌اند.

دکتر نریمانی در ادامه به مهمترین مبانی موثر در جواز یا عدم جواز فروش اعضای بدن اشاره کرده و گفتند: مورد اول مبتنی بر مالیت یا عدم مالیت اعضای بدن است که مشهور بر مالیت داشتن (فایده دار و قابل اختصاص بودن) اعضای بدن باور دارند. ایشان مورد دوم را تعیین رابطه انسان با اعضای بدن ذکر کرده و گفتند که اگر بپذیریم که اعضای بدن امانت هستند، فروش یا اهدای آن‌ها جایز نیست ولی اگر رابطه را مالکیت بدانیم، (در مالکیت ذاتی که نیاز به اعتبار و سبب خارجی ندارد)، ممکن است فروش یا اهدای عضو جایز باشد. ایشان ادامه دادند اگر رابطه انسان با اعضای بدن را حق اولویت یا حق اختصاصی بدانیم، در این صورت فروش یا اهدای اعضای بدن ممکن است جایز باشد.

در ادامه این جلسه دکتر تقی ابراهیمی سالاری (عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد) با اشاره به مباحث حقوقی و اخلاقی فروش اعضای بدن به نقد برخی مباحث طرح شده توسط سخنرانان، پرداختند و در زمینه‌های مختلف این مسئله نکاتی را بیان کردند.

دانشگاه مفید، نشست علمی «دیدگاه‌های شیخ طوسی در حقوق بین الملل» به همت مرکز مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه مفید و با سخنرانی جناب آقای دکتر سعید رهایی (عضو هیات علمی دپارتمان حقوق دانشگاه مفید) در دانشگاه مفید برگزار شد. دبیر علمی این برنامه نیز جناب آقای دکتر سیدمصطفی میرمحمدی (عضو هیات علمی دپارتمان حقوق دانشگاه مفید) بودند.



دکتر رهایی در ابتدای بحث خود سخنان با اشاره به زندگی شیخ طوسی و تاثیرگذاری او در علوم مختلف اسلامی، به برخی از دیدگاه‌های ایشان در حقوق بین الملل پرداخته و گفتند: شیخ طوسی، در قرن چهارم و پنجم هجری یعنی بیش از هزار سال پیش نظریه‌پردازی می کرده است. در زمانی که چیزی به اسم حقوق بین الملل به معنای امروزی وجود نداشته و روابط حاکمان مبتنی بر تقسیمات دینی و نه تقسیمات کشوری بود. جنگ بعنوان یک امر عادی تلقی می شد و حقوق بشر پیشرفتی که امروزه دارد، را نداشته است. اموری مثل برده داری مجاز بوده و در نبردها همه چیز مجاز بود. برای فتح می توانستند به هر امری متوسل شوند و معاهدات بین المللی در حد بسیار بسیط و ساده‌ای وجود داشت. لذا نباید انتظار داشت دیدگاه‌هایی که امروزه بر اساس تحولات اجتماعی و بین المللی رخ داده، در زمان شیخ طوسی یا شیبانی یا علامه حلی و دیگران مورد توجه باشند. اصولاً برخی از امور را که امروز ناعادلانه می‌دانیم در زمان آن‌ها عادلانه تلقی می شده و این نکته مهمی در مطالعه تطبیقی دیدگاه گذشتگان و دیدگاه‌های رایج است. ایشان افزودند: فقه مرتبط با حاکمیت و حکومت نبود، فقه در حقیقت مدرسه‌ای بود. لذا وقتی وارد مسائل

حکومتی می شود، نگاه ساختارمند و اجرایی می‌یابد (که امروز ما آن‌ها را در دایره حقوق عمومی، حقوق بین الملل عمومی، حقوق مدنی و حقوق جزا می‌شناسیم)، شیخ از باب مدرسه ای و به عنوان بحث علمی به آن‌ها می‌پرداخت نه بعنوان بحثی که باید در جامعه اجرا بشود و این خود باعث می‌شود که نگاه نویسنده، نگاه جامعه محور نباشد و بیشتر نگاه علمی باشد و این بسیار تاثیر گذار است. لذا فقیهانی وارد می شوند که فقه الحکومه بنویسند، اینها در اثر این است که دیدگاه فقیهان به عنوان قانون اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. این دو نکته مهمی است که باید در مطالعه تطبیقی به آن‌ها توجه داشت.

استاد حقوق بین الملل دانشگاه مفید در توصیف مقام علمی شیخ طوسی گفتند: شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی متولد ۳۸۵ در طوس خراسان (خراسان وسیع آن زمان، نه خراسان کوچک امروز) متولد می شود و در سال ۴۶۰ در نجف اشرف وفات می‌کند. شیخ طوسی در سن ۲۳ سالگی به بغداد مهاجرت می‌کند. بمدت ۵ سال شاگردی شیخ مفید و پس از آن بیش از بیست سال همراه سید مرتضی بوده است. هر دو این عالمان مقام و رتبه شیخ طوسی را بسیار بالا و او را از سرمایه های اسلامی می دانستند. شیخ در همان جوانی شروع به نوشتن می کند. در خصوص علم کلام ۵۰ کتاب دارد. کتاب تفسیر ایشان در آن زمان در بیست جلد بوده که امروز در ده جلد چاپ شده است. چندین دوره در فقه، دعا، مقتل نویسی، ادبیات، رجال، درایه و در تشریح مصنفین و راویان بعنوان کتاب فهرست وارد شده است و در بسیاری از موارد مبتکر و مبدع بوده است. اولین تفسیر مبسوط و استدلالی در شیعه، نوشته شیخ طوسی است. تفاسیری که قبل از شیخ طوسی وجود داشته، تفاسیر مبتنی بر روایات بود و شیخ بر اساس یک دیدگاه تفسیر تحلیلی، تفسیر تبیان را می‌نویسد. در علم اصول هم از جامع‌ترین کتاب‌های اصولی نسبت به زمان خودش عده الاصول شیخ طوسی است. در بحث رجالی، کتابهای فهرست شیخ، رجال شیخ و رجال کشی دارد که به زحمت شیخ به دست ما رسیده است. افکار معتزله و اشاعره در زمان شیخ رایج بود. شیخ در مقابل آن‌ها به تحلیل کلامی می‌پردازد و دیدگاه های شیعه را ترسیم می کند. شیخ چنان در حوزه کلام شهرت دارد، که با اینکه حاکم اسلامی یک حاکم سنی بود ولی به شیخ کرسی رسمی علم کلام می‌دهد. مصباح شیخ کتابی جامع در حوزه دعا است، در حوزه روایات دو کتاب روایی اصلی شیعه یعنی تهذیب و استبصار نوشته شیخ است که ایشان در این دو کتاب حدود ۲۰ هزار روایت نقل کرده‌اند و در کتاب استبصار نه تنها نقل می‌کند بلکه نقد هم می‌کند و علل تعارضات را می نویسد که خیلی وقت و سلطه نیاز دارد. دیدگاه کلامی و حاکمیت علمی شیخ طوسی در علم کلام تا زمان خواجه نصیرالدین باقی می ماند. یعنی ۲۰۰ سال شیخ در دیدگاه کلامی حاکم بوده است. برخی از کتابهای شیخ، کتابهای استفتائی است. یعنی مردم مجموعه سوال‌هایی را برایش فرستاده اند و او به این سوالات بصورت فنی پاسخ داده است. نهایتاً شیخ در ۴۶۰ هجری فوت می‌کند و در خانه خودش در کنار مسجد امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده می‌شود و خانه شیخ به مسجد طوسی تبدیل می‌شود که امروز نه تنها مسجد شده بلکه محل تدریس علمای بزرگ اسلامی است.

استاد خارج فقه حوزه افزودند: شیخ چهار شیوه فقهی در کتاب‌های مختلف داشته است. شیوه شیخ در کتابی مثل نهاییه الاحکام به شیوه فقهای گذشته مثل مرحوم شیخ مفید و مرحوم صدوق، فقه متلقاتی است. یعنی کتاب او بر اساس روایات مستقیماً آمده و تبدیل به فقه شده است. این شیوه سنتی بود که به آن فقه فتوا آنهم فتوای متلقاتی می‌گوییم که تلقی از ائمه کرده اند. شیوه دوم شیخ شیوه استفتائی است یعنی مطالبی که مبتلا به مردم بوده از شیخ سوال می‌کردند و شیخ برای آن‌ها کتاب می‌نوشت است. مثلاً

شهری که مردم آن، مجموعه سوالاتی از شیخ پرسیده بودند، در پاسخ به سوال‌های آن‌ها کتابی می‌نوشته و اسمش را به نام آن شهر می‌گذاشته مثلا ترابلسیه.

ولی در دو شیوه دیگر، شیخ ابتکاری عمل می‌کند و بنیانگذار است. مقدمه کتاب مبسوط یک صفحه ولی بسیار جالب توجه است. شیخ در مقدمه مبسوط می‌نویسد که عالمان اهل سنت ما را ملامت می‌کردند که شما فقه نمی‌نویسید و اجتهاد ندارید بلکه محدث هستید و حدیث ائمه را بصورت کتاب فقهی می‌نویسید ولی ما تحلیل اجتهادی می‌کنیم و فقیه هستیم. شیخ می‌گوید من کتاب مبسوط را بصورت اجتهادی می‌نویسم و به مباحث اصولی و جمع بین روایات و تحلیل می‌پردازم. تقریباً مبسوط نویسی شیخ هم عصر مبسوط نویسی سرخسی است که از علمای بزرگ اهل سنت خراسانی است و یکی از شارحین السیرالکبیر شیبانی است. شیخ در حقوق تطبیقی و فقه تطبیقی کتاب می‌نویسد. در کتاب الخلاف نه تنها دیدگاه شیعه بلکه دیدگاه چهار مذهب رسمی اهل سنت و برخی از مذاهب غیر رسمی اهل سنت مثل اوزاعی را می‌نویسد و مستندات آن‌ها را نقل و سپس نقد می‌کند. از شیوه Comparative law که امروزه مشهور است، شیخ بعنوان فقه تطبیقی یا فقه مقارن در کتاب خلاف می‌نویسد.



دکتر رهایی در ادامه سخنان خود به دیدگاه‌های حقوق بین المللی شیخ طوسی اشاره کرده و گفتند: من در این مورد به سه کتاب نهاییه، مبسوط و خلاف شیخ طوسی توجه کردم. ایشان در نهاییه از عنوان «کتاب الجهاد و سیره الامام» استفاده می‌کند. می‌دانید که اهل سنت معمولاً مسائل بین الملل را در کتابی تحت عنوان «کتاب السیر» می‌نویسند و شیعیان در «کتاب الجهاد». شیخ در کتابش از هر دو عنوان سیر و جهاد استفاده می‌کند ولی سیره الامام می‌نویسد یعنی آن بخش از سیره معصوم؛ که در دیدگاه شیخ به حقوق

بین الملل تاثیرگذار است. در مبسوط طی کتاب الجهاد و سیره الامام و کتاب قتال اهل البغی و رده و کتاب المرتد، در کتاب الخلاف تحت عنوان کتاب السیر، کتاب الجزیه، کتاب الباغی، کتاب قتال اهل الرده، گاهی در کتاب طهارت حتی در کتاب حج و برخی از کتاب‌های دیگر به مسائل حقوق بین الملل می‌پردازد. اما آنچه که در کتاب سیر یا کتاب جهاد آمده است، بحث‌های حقوق بین الملل ذیل دیده می‌شوند: ۱- حقوق استفاده از زور در بحث مخاصمات ۲- حقوق بشردوستانه ۳- حقوق معاهدات ۴- حقوق دیپلماتیک ۵- حقوق بشر در رفتار با اقلیت‌ها ۶ - در رابطه با اموال غیر مسلمین چگونه باید رفتار کرد ۷- مسلمان‌هایی که در سرزمین‌های غیر اسلامی هستند چه وظایفی دارند و چه حقوقی دارند. اینها حوزه‌های اصلی بحث شیخ طوسی است. ولی بیشترین بحث حقوق مخاصمات و رفتار با غیر مسلمان‌ها در حکومت اسلامی است که حوزه‌ای از مباحث حقوق بشر و پس از آن برخی از مباحث حقوق بشردوستانه است.

عضو هیات علمی دپارتمان حقوق دانشگاه مفید افزودند: شیخ طوسی مثل غالب فقهای شیعه و سنی قائل به جهاد دعوت و ابتدایی است. با این تفاوت که شیخ جهاد ابتدایی را منوط به حضور معصوم می‌کند. یعنی در دوران شیخ و در دوران ما، اصل در روابط با کفار جنگ نیست و فقط در جنگ دفاعی است که ایشان نبرد را تجویز می‌کند. به علاوه که تصرف و اشغال سرزمین‌های کشورهای غیر مسلمان هم از دیدگاه شیخ در زمان غیبت یعنی دوران ما جایز نیست. حتی شیخ طوسی در بحث مرزداری، مرزداری را در مقابل حمله دیگران امری مطلوب می‌داند ولی مرزداری برای رصد وضعیت کفار و حمله به کفار را جایز نمی‌داند. شیخ طوسی در عین حال که قائل به جهاد ابتدایی است و برای آن استدلال می‌کند، در عین حال جهاد ابتدایی را منحصر به زمان معصوم می‌کند و می‌گوید اگر مسلمان‌ها در زمان ما مورد حمله قرار گرفته‌اند می‌توانند از خود دفاع کنند و اگر در معرض حمله هم ممکن است قرار بگیرند باید تهیه عده و عُدّه داشته باشند که بتوانند با آن‌ها مقابله کنند.

در حوزه حقوق بشردوستانه برخی از دیدگاه‌های شیخ مطابق حقوق بشر دوستانه امروز یعنی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن است. مثلاً اسرا را بعد از اینکه جنگ فروکش کرد نمی‌توان کشت. باید به آن‌ها غذا و مکان مناسب داد و باید مراقب سلامتشان بود. نباید متعرض زنان و کودکان و پیرزنان و پیرمردانی که در جنگ دخالت ندارند و جنگ‌آور نیستند و غیرنظامی هستند، شد. البته اگر در زمان جنگ باشد یعنی زمانی که جنگ شعله‌ور است و پیروزی مسلمان‌ها منوط به حمله به آن‌ها باشد ایشان حمله به آن‌ها را تجویز میکند ولی همچنان که در حقوق بشردوستانه هست، نه اینکه حمله مستقیم به غیرنظامیان و زنان باشد، بلکه غیر نظامیانی که در بین نظامیان هستند، به قصد حمله به نظامیان ممکن است آسیب ببینند. همچنین شیخ معتقد است، اگر یک مسلمانی از مشرکان امان گرفته و وارد سرزمین آن‌ها شد، (مشرکانی که می‌خواهند علیه اسلام هم بجنگند) مسلمانان حق ندارند به اموال مشرکین تجاوز کنند و استناد کنند که اینها مشرک هستند و مشرک حربی هم هستند و می‌شود مال آن‌ها را تصاحب کرد و اگر مشرکان علیه مسلمان خاطی شکایت کردند که متعرض اموال آن‌ها شده است باید پاسخگو باشد.

شیخ در بخش معاهدات، ضمن اینکه معاهدات را نام می‌برد، مثل عقد استیمان یا قرارداد ترک مخاصمه یا مهاده یا هدنه نکات قابل توجهی دارد. شیخ طوسی معتقد است حاکم می‌تواند قرارداد امان عمومی بدهد. یعنی اعلام کند که هیچ مسلمانی حق تعرض به هیچ مشرک یا کافری را ندارد حتی در شرایط جنگی و این عقد عمومی یکی از مواردی است که می‌شود براساس فقه سنتی، حتی در دوران اصالت جنگ

از آن استفاده کرد برای اینکه ایجاد امنیت جانی و مالی برای مشرکان و کفار فراهم شود. علاوه بر اینکه امان فردی هم می‌شود داد. همچنین اگر مصالح اسلامی اقتضا کند، حتی در زمان اصالت جنگ می‌توانند قرارداد ترک مخاصمه ببندند و شیخ می‌گوید موظفید به این قرارداد پایبند باشید و نباید آنرا نقض کنید. ایشان در مبسوط جلد ۲ صفحه ۱۵ می‌گوید: اگر شما قرارداد امان بستید و توافق کردید که به مردم مشرک متعرض نشوید و اگر تعرض کردید خطا کردید و مجرم و خائن تلقی می‌شوید.

استاد حقوق بشر دانشگاه مفید در ادامه بحث خود گفتند: شیخ طوسی راجع به اهل کتاب می‌گوید که وقتی شما با کل اهالی یک شهر غیر مسلمان قرارداد می‌بندید که در شهرشان باشند، اگر غیرمسلمان‌ها در این شهر عبادتگاه و اماکن عبادی دارند، نباید خرابشان کنید و باید به قراردادتان پایبند باشید. اما اگر قرارداد شخصی و موردی با آن‌ها منعقد کردید، نمی‌توانند در شهرهایی که اختصاص به مسلمانان دارد ترویج دین خودشان را بکنند و اماکن مذهبی در آن ایجاد کنند. شیخ در مسائل متعدد دیگری مثل جاسوسی، درباب اموال و رابطه مالی، حقوق تجاری بین کفار و مسلمانها، در مباحث حقوق بین الملل خصوصی مثل حقوق خانواده در عرصه خارجی، در بحث طهارت و نجاست غیر مسلمان‌ها مباحثی دارد که به جای خودش قابل توجه است. در مجموع به نظر می‌آید که شیخ طوسی نسبت به عصر خودش بسیار گسترده به مسائل بین المللی می‌پردازد. با اینکه اولین فردی است از فقهای شیعه که به این گستردگی وارد مباحث بین الملل می‌شود. من مطالعه کردم، نه استاد ایشان شیخ مفید و نه شیخ صدوق به این گستردگی وارد این مسائل نشده‌اند و شیخ طوسی به عنوان اولین نفر وارد این مسائل شده و آنرا گسترش داده است. قبل از شیخ مفید، ابن جنید و ابن ابی عقیل کتاب‌هایی در حوزه جهاد داشتند همچنان که از مختلف الشیعه علامه در این حوزه به دست می‌آید، این کتابها به دست ما نرسیده که ما بتوانیم آنرا با کارهای شیخ طوسی مقایسه کنیم ولی نسبت به صدوق و شیخ مفید و سیدمرتضی، شیخ بسیار گسترده و ابتکاری وارد مسائل شده و از سه حوزه فقه فتوایی، فقه اجتهادی و فقه تطبیقی و مقارن بحث حقوق بین الملل را مورد توجه قرار داده است.

دکتر رهایی در پایان گفتند: نکته آخر اینکه شیخ در زمان خودش با فقه اخباری مقابله می‌کند. برخی از علمای شیعه در آن زمان، قائل بودند که فقه اجتهادی باطل است و دخالت دادن عقل و مباحث عقلایی در فقه را نمی‌پسندیدند و شیخ با آن‌ها مقابله می‌کند، در عین حال که خودش نویسنده چند کتاب روایی است و این قابل توجه است. بنابراین بعضی در دوران شیخ، کتاب مبسوط شیخ را مورد حمله قرار می‌دهند. در مقدمه هم شیخ به آن اشاره می‌کند و می‌گوید من این را ضرورت می‌دانم که باب فقه اجتهادی، فقه مقارن، شناسایی فتاوا و تحلیل‌های اهل سنت را بدانم، بنابراین ما میتوانیم شیخ طوسی را به عنوان یک عالم علم کلام تطبیقی، علم رجال تطبیقی، علم فقه تطبیقی و حتی در حوزه دعاء و تاریخ شیخ بر منابع و مبانی اهل سنت در زمان خودش سلطه داشته و رحمت خدا بر این مرد بزرگ که ما سالاهاست که از خدمات او بهره مندیم و او خورشیدی است که هرچه نور می‌تابد، باز منبع نورانیتش تمام نمی‌شود.

دکتر رهایی در انتهای این جلسه به سوالات حاضرین و شرکت کنندگان از طریق فضای مجازی پاسخ دادند.

